تلاش

دوعکس تازه از ساختمان ذوب آهن در نزدیکی اصفهان (بزرگترین واحد تولیدی آهن و فولاد در خاورمیانه)

دوعکس تازه از ساختمان ذوب آهن در نزدیکی اصفهان (بزرگترین واحد تولیدی آهن و فولاد در خاورمیانه)

www.Ketab

خوشا آنون که از پاسر ندونند — میان شعله خشك و تر ندونند
کنشت وکعبه‌و بتخانه و دیـر — سرائی خالی از دلبر ندونـند

بی ته یارب ببستان گل مرویا — اگر رویا کسش هرگز مبویـا
بی‌ته هرکس بخنده لب گشایه — رخش از خون دل هرگزمشویا

ته که ناخواندهٔ علم سمـاوات — ته‌که نابـردهٔ ره در خـرابات
نه‌که سود وزیان خود ندونـی — بیارون کی‌رسی؟ هیهات هیهات

ببندم شال و میپوشم قـدك را — بنازم گردش چـرخ و فلك را
بگـردم آب دریا هـا سراسر — بشویم هردو دست بی نمك را

از آن روزی که ما را آفریدی — بغیر از معصیت چیزی ندیـدی
خداوندا بحق هشت و چـارت — ز مو بگذر شتر دیدی ندیـدی

درخت غم بجانم کرده ریشـه — بدرگـاه خـدا نالـم همیشه
عزیزون قدر یکدیگـر بدونید — اجل سنگ‌است‌و آدم مثل‌شیشه

ندونم لوط و عریانم که کرده — خودم جلاد و بیجونم که‌کرده
بده خنجر که تاسینه کنم چاك — ببینم عشق برجونم چـه کرده

دلی دیرم چو مرغ پاشکستـه — چوکشتی برلب دریـا نشستـه
همه‌گویندکه «طاهر» تاربنواز — صدا چون میدهد تار گسسته ؟

موکه افسرده حالم چون ننالم — شکسته پر و بالم چون ننالـم
همه‌گوین فلانی ناله کم کـن — ته آئی در خیالم چون ننالم ؟

سرکـوه بلند چنـدان نشینـم — که لاله سر درآره مو بچینـم
چو لاله بی وفا بوبی وفابـو — نگار بی وفا مو چون گزینـم

دلا دنگـم دلا دنگـم دلا دنگ — ز دستم شیشه ناموس برسنگ
همه واژن بمو بی نام و ننگی — کسی که‌عاشقه‌چش‌نام‌وچش‌ننگ

از باباطاهر (عریان)
تولد : اواخر قرن چهارم هجری قمری
عمر : متجاوز از پنجاه سال
قبر باباطاهر در شهر همدان واقع است

www.KetabFarsi.com

تلاش شمارهٔ هیجدهم شهریور - مهر ۱۳۴۸
نویسندگان وگویندگان مسؤول نوشته‌ها وگفته‌های خود هستند.
محل اداره : خیابان شاه - کوچهٔ جم - شمارهٔ ۲۷ - بها ۲۵ ریال

مجتبی جزایری — محمدعلی نجفی

چند اندیشه تلاش

درباره چند مطلب این شماره تلاش

● «ذراتی که از نور سریع‌تر هستند» «نویسنده ساعت ۲۵ که بکشور ما آمده بود درباره ایران و ایرانی چگونه فکر می کرد؟» «این کومپوزیتور یونانی فرانسوی که در تخت جمشید کار تازه استروفونیك عرضه کرد راجع به جنگهای یونان‌و ایران چه نظرهائی داشت» «از دریاها و آبهای کشورما آیا می‌توان استفاده کرد» از جمله دانه‌های «از هر خرمن...» است که در آن «خوشه‌چین» سعی می کند گاهی بااحساسات لطیف، انسانها را آگاه سازد و گاه بااندیشه های زمان، آنان را همراه کند. (ص ۵)

● مهین محبوبی نویسنده دقیق ما که رپورتاژ مسافرت‌هایش را به نواحی دیدنی و جالب ایران خوانده‌اید دراین شماره تلاش به استان خراسان رفته و شما را با خـراسان دیروز و امروز وفردا آشنا می کند. (ص۹)

● لئون آدریان جواهرساز تحصیل کرده، جواهرات ایران و جهان را بشما معـرفی می کند. (ص ۱۶)

● گفت و شنودی در صفحه ۱۹ باایران شناس فقید، پرفسور پوپ، آمده که می گفت «ایران عشق‌من زندگی من‌ووطن من‌است» و بنا بتقاضای خودش در اصفهان بخاك سپرده شد.

● محمد جعفر محجوب استاد دانشگاه تهران در مصاحبه‌ای باتلاش می گوید «استاد از آسمان نمی‌افتد» و مدعی است که مطالعه وپشت کار است که‌استعدادهای‌بزرك رابوجود می‌آوردوبه‌مدارج‌دانش‌می‌رساند ... (ص۲۶)

● حلواچی روایتی است از افسانه‌های قدیم آذربایجان که جمشید مهرپویا آنـرا نوشته ، این حلواچی عاشق‌یك‌دختران جوان وزیبا شده ولی خود آهی در بساط ندارد تا با او عروسی کند که «عشق آسان نمود اول ولی افتد مشکل‌ها...» ص ۴۰

● سرور کابلی از بچگی بدنبال باله رفت‌و امروز یکی از ستاره‌های تالار رودکی است ـ «چگونه ؟» آیا وی باین سئـوال جواب داده است ؟ شاید ـ ولی بهر حال در باره کار باله در این کشور نظرهائی داده است. ص ۴۶

● دکتر بهرام تدین استادیار دانشگاه میشیگان (امریکا) که اکنون در دانشگاه تبریز تدریس را آغاز کرده مقاله‌ای درباره معتادین به‌مواد مخدر نوشته، و می گوید این موضوع مسئله روز شده چـون بسیاری از جوانان در امریکا واروپا گرفتار آن‌شده‌اند (ص ۵۰)

● فیلم سازان جوان کشور مامسئله فیلم وفیلم سازی رادرایران وجهان مطرح کرده وایرادهای خود را تذکر داده‌اند ص ۵۷

● گفتگوئی داریم درباره زبان فارسی ونحوه تعلیم آن بابهرام فره‌وشی استاد زبان های اوستائی ، پهلوی وادبیات ایران پیش از اسلام (ص ۷۰)

●مهر ومهرگان ازسید مجتبی‌جزایری، می‌تواند نکات گوناگونی را درباره این سنت قدیم ایرانی روشن کند . (ص ۸۲)

● در رویدادها بخشی کوچك ولـی انتخاب‌شده ازفعالیت‌های کشورمان‌آورده‌ایم.

● وضمیمه هائی هم داریم درباره علوم وکتاب‌ها، ورزش، قوانین ، کدبانو و بریده چاپ شده های کشورمان که ملاحظه خواهید کرد .

«کدبانو» این شماره زیر نظر مهشیـد درگهی تهیه شده است .

امید وانتظارداریم که‌نظر خود رامخالف یا موافق برای روشن کردن راه تلاش ما برایمان بنویسید.

روی جلد : گنبد طلای مشهد مقدس

عکس از : ر. نگاه

مطالب این شماره

		صفحه
بیانات شاهنشاه آریامهر		۲
از هرخرمن دانه‌ای	خوشه چین	۵
خراسان	مهین محبوبی	۹
مردی در میان الماس	لئون آدریان	۱۶
ایران عشق من ، زندگی من ...	پرفسور پوپ	۱۹
نمی‌دانم چکار کنم	محمد آسیم	۲۴
استاد هم ازآسمان به زمین نمی‌افتد	محمد جعفر محجوب	۲۶
شیر غذای همه	زاهدی	۳۴
حلواچی	جمشید مهرپویا	۴۰
جابربن حیان صوفی	محمدعلی نجفی	۴۲
وفای روباه	فرخ صادقی	۴۵
باید قدمهای مثبت وپرثمری برداشت	سرورکابلی	۴۶
مواد مخدره	دکتر بهرام تدین	۵۰
فیلمسازان جوان سینمای ایران	میز گرد	۵۷
سرود برای آشتی	سیمین ارجمند	۶۷
باگلفروش تهران	زعیم	۶۸
هرزبانی که بخواهد پیشرفت کند	بهرام فره وشی	۷۰
من اصلا با کپی‌کردن استیل‌های فرنگی مخالف هستم	مهندس ابراهیمی	۷۵
مهمترین مراکز تولید مخمل در ایران	اکبر لاجوردیان	۷۸
مهر و مهرگان	مجتبی جزائری	۸۲
فهرست رویدادها		۸۵

اسلایدهای رنگی داخل روی جلد : از پرویز نبوی

اسلایدهای رنگی صفحات داخل از : ر. نگاه و ملك عراقی

اسلایدهای رنگی داخل پشت جلد و پشت جلد: از ساسان حاذقی

قسمتی از عکس‌های مقالات از: ملك عراقی

طرح‌ها از : قباد شیوا

خطاط : حسن فروغی

ترتیب صفحات : با همکاری فرشید مثقالی وقبادشیوا

چاپ سکه

این شماره پنج ضمیمه دارد
علوم وکتاب‌ها ، قوانین ، کدبانو ، ورزش و بریده چاپ شده‌ها .

www.KetabFarsi.com

مناسب برای فعالیت محققان ایرانی قدمهای جدیدی‌برداشته شده است .

در مورد انقلاب آموزشی همچنانکه بارها گفته‌ایم سیاست کلی ما این است که آنچه را که احیانا ده سال دیگر ناگزیر بانجام آن خواهیم بود از هم اکنون بدلخواه خویش وبصورتی که بامصالح واحتیاجات ملی ما بطور کاملتر تطبیق داشته باشد انجام دهیم و این کار را چه از لحاظ شیوه‌ها و طرق جدید تدریس و چه‌با تزریق خون تازه وجوان به‌کادر آموزشی واختلاط همه نوع افرادی که به درد آموزش عالی میخورند وایجاد حس اشتراك مساعی و اشتراك منافع در محیط آموزشی عملی کنیم.

در مورد تولیدات کشاورزی تذکر این نکته ضروری است که سیاست ما میباید براساس زیاد تولید کردن و ارزان فروختن متکی باشد و نه کم تولید کردن و گران فروختن زیرا اگر فرآورده‌های ما چه زراعی و چه صنعتی از قیمتهای بین‌المللی گرانتر باشد این معرف اقتصاد ناسالمی خواهد بود وما قدرت رقابت در بازارهای جهانی را نخواهیم داشت. ما در حال حاضر بیشتر متکی به‌درآمدهای نفتی خودمان هستیم در صورتیکه میباید سعی کنیم به‌صادرات غیر نفتی خویش اتکاء داشته باشیم . درآمد های نفتی ما باید محرك فوق‌العاده‌ای برای پیشرفت فوق‌العاده باشد نه‌اینکه برای زندگی عادی و روزمره کشور بکار رود.

خوشبختانه هرروز منابع زیرزمینی تازه‌ای در مملکت ما کشف میشود کما اینکه بقرار معلوم منابع مس ایران از منابع بزرك دنیا است و ما باید بتوانیم این ثروت عظیم را به‌بهترین وجهی مورد استخراج و بهره‌برداری قرار دهیم. همچنین امیدواریم کشت وصنعت در مملکت ما مطابق تازه ترین و کاملترین اسلوب دنیایی شروع شود و تدریجا وسعت کامل پیدا کند و انتظار داریم بوسیله تاسیس شرکتهای سهامی زراعی بتوانیم در تمام سطوح زیر کشت مملکت با جدیدترین سیستم کشاورزی عمل بکنیم. در این مورد ماباید بخصوص به‌رفع نواقصی که در جنبه‌های مختلف کشاورزی ما وجود دارد توجه کنیم . یکی از این مسائل مبارزه با آفات نباتی است که هر ساله قسمت مهمی از محصولات کشاورزی ما را از میان میبرد و یا ازکیفیت آنها میکاهد . دیگری موضوع بسته بندی بداست . همچنین موضوع فاسد شدن مواد فاسدشدنی دربین راه و از بین‌رفتن آنها یا نبودن انبار یاوجود انبارهای نامناسب یا توزیع نامرتب وغلط است. یك اشکال اساسی‌دیگر وجود واسطه‌های زائد بین تولیدکننده و مصرف کننده‌است که اگرپای‌آنها درمیان نباشد خواهیم توانست خیلی ازاجناس را از تولید کننده گرانتر بخریم وبمصرف کننده بقیمتی ارزان‌تر بفروشیم . اگر همه این معایب برطرف شود خود بخود شاید سی‌الی چهل‌درصد برتولیدات مملکت اضافه خواهد شد. در رشته های صنعتی نیز ما باید بسیاری از اشکالات را برطرف کنیم. ما هنوز در کارهای مدیریت و در اداره فنی کارخانه‌ها و در خیلی از زمینه های اقتصادی و اداری نواقص زیادی داریم که لازم است باتوجه به‌اسلوبهای جدید آنها را مرتفع سازیم . ما نباید از قبول اینکه چیزی را نمیدانیم احساس خجالت کنیم. زیرا بالعکس افتخار در این است که انسان بتواند عیب خویش را برطرف سازد نه اینکه درصدد پوشانیدن آن برآید.

تمام برآورده‌ها و پیش‌بینی‌ها نشان میدهد که اگر ما از طرفی حداکثر امکانات خودمان را بکار اندازیم و از طرف دیگر معایب خویش را مرتفع بکنیم این‌مملکت چه آینده فوق‌العاده و حتی غیر قابل تصوری خواهد داشت.

از نظر مالی باید متوجه باشیم که در سال ۱۳۴۸ و احیانا در سال ۱۳۴۹ ممکنست مواجه با اشکالاتی بشویم که اساس آن محاسبات غلطی است که در مورد دو طرح بزرك بعمل آمده بود ولی همین بزرگی این طرحها نشان میدهد که ما در ایران امروز بچه امکاناتی از لحاظ اقتصادی دست یافته‌ایم زیرا تنها یکی از این طرح‌ها به قریب ۵۰ میلیارد ریال بالغ میشود و شاید اگر تمام مخارج ذوب آهن یعنی تاسیس کارخانه‌ها وایجاد جاده و راه‌آهن واستخراج معادن سنك و ذغال را در نظر بگیریم بیش از هفتاد میلیارد ریال هزینه آن شود. یعنی ایران امروز بدان مرحله از قدرت مالی واقتصادی رسیده است که بتواند باجرای طرحهایی که چنین هزینه هایی دارد دست بزند.

در سال گذشته متاسفانه زلزله سختی در خراسان روی داد که باعث تلفات جانی و خسارات مالی فراوان گردید ولی همین فاجعه ناگوار و غم‌انگیز به ملت ایران امکان داد که عالیترین احساسات ملی و بشری خویش را ظاهر سازد و ما در بازدید اخیر خود از مناطق زلزله زده شاهد حسن پیشرفت فعالیتهای مربوط به ترمیم خرابیها بودیم و یقین داریم که این‌اقدامات بخوبی ادامه خواهد یافت . همچنین در اواخر سال گذشته واوایل سال جاری سیلهای مهیبی در قسمتهای مختلف مملکت جریان یافت که طبعا مایه خسارات بسیار شد واگر زیانهای حاصله از آنها نبود شاید رشد اقتصادی مملکت در سال جاری حتی از این حدهم که اکنون هست بالاتر بود و مقدار محصول باندازه‌ای میشد که احتمالا برای ایران اشکال انبارداری پیش میآید.

از نظر بین‌المللی باید بگوئیم که متاسفانه اوضاع دنیا بسیار مغشوش است واز همین نظر ما باآنکه مانند همیشه برای تحقق خلع سلاح عمومی میکوشیم تا روزی که این آرزو جامه عمل نپوشیده است ناچاریم برقدرت‌دفاعی‌خودمان بیفزائیم زیرا که میبینیم در پیرامون ما این کار بشدت هرچه تمامتری انجام میگیرد. مسلما هرتدبیری که برای افزایش آمادگی نیروهای ما در دفاع از این مرزو بوم لازم باشدبکار خواهد رفت ؛ بخصوص اینکه بابیرون رفتن قوای انگلستان از شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ مسئولیتهائی برای ما پیش میآید که قبلا قابل پیش بینی نبود. البته این امر برای ایران خرج هنگفتی خواهد داشت ولی از طرف دیگر منطقی است که دفاع از ایمنی این منطقه بوسیله ممالك خود این منطقه صورت بگیرد. در مورد شط‌العرب بطوریکه میدانید ما پس از ۳۲ سال صبر و حوصله بقرارداد استعماری ۱۹۳۷ که حتی خود آن نیز هیچوقت توسط طرف ما در آن قرارداد محترم شمرده نشده بود خاتمه دادیم ولی اعلام کرده‌ایم که حاضریم هرآن براساس حقوق مساوی بین‌المللی قرارداد شرافتمندانه‌ای در این مورد باهمسایه خودمان امضاء کنیم.

اخیرا ما براساس همبستگی اسلامی در کنفرانس رباط شرکت کردیم و گذشته از ابراز تاسف نسبت به‌واقعه دلخراش حریق مسجدالاقصی سیاست همیشگی خودمان را در دفاع از حقوق‌مردم فلسطین وپشتیبانی از قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل متحد که ما از بانیان آن بوده‌ایم و همچنین عقیده راسخ خود رابه‌لزوم اجرای قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷آن سازمان باردیگر اعلام داشتیم . صمیمانه امیدواریم که این اجتماع بزرك اسلامی زمینه‌ای برای همبستگی بیشتر مردم مسلمان جهان وتامین مجدد اعتلای هرچه بیشتر عالم اسلام باشد.

توفیق شما نمایندگان مجلس سنا و مجلس شورایملی را در حسن انجام وظایف خطیری که بعهده دارید خواستاریم واز خداوند متعال مسئلت داریم که همه ما را در مساعی خویش برای ترقی‌و سعادت ملت ایران ارشاد فرماید و ملل مسلمان جهان را بالاخص ومردم جهان را عموما از صلح و تفاهم و همکاری بین‌المللی در راه تامین سعادت جامعه بشری برخوردار سازد.

از هر خرمن دانه‌ای

یك كومپوزیتور وریاضی‌دان‌و مهندس در شیراز

گزناکیس تنها یك موسیقی دان بزرك ویك كومپوزیتور معروف جهانی نیست. او عقیده دارد كه موسیقی اول علم است و بعد می‌تواند هنر باشد. «یانیس» كه میل دارد دوستانش او را باین اسم كوچكش صدا كنند موسیقی ملی یونان را فرا گرفت و سپس درآتن مهندسی ومعماری‌آموخت وبلافاصله بعد مجددا موسیقی را نزد داریوس میلو و اولیویه مسیان در كنسرواتوار پاریس ادامه داد و در پایان سال ۱۹٤۷ لوكوربوزیه معمار معروف فرانسه او را به همكاری پذیرفت واز سال ۱۹۵۵ مفهوم های جدید موسیقی را براساس علوم ریاضی و فرضیه حساب احتمالات تحت عنوان موسیقی استوكاشیك عنوان كرد و در سال ۱۹٦۵ فرانسویها باو ملیت فرانسوی اعطا كردند. از این رو در بحثی كه در شیراز مطرح كرد كوشش كرد تئوری خودش را باز با كمك علم ریاضی و بااستعانت از كوبول و آرگول و فورتران كومپیوتر های الكترونیك ثابت كند.

وی بانصب بلند گوهای متعدد استئوروفونیك در تخت جمشید بدست خودش و باكمك وراهنمائی فنی مهندس قطبی رئیس تلویزیون ملی كه درباره‌اش می‌گفت «شبیه او را در غرب هم كمتر دیده‌ام» كار بزرگی را عرضه كرد تا آنجا كه روزنامه های فرنگی هم‌نوشتند كه نحوهٔ كار وی در تخت جمشید یكتا و یگانه بود و شبیه نداشت و براستی جای عشاق موسیقی خالی بود كه در محوطه‌ای كه عمرش به بیش از ۲۵ قرن می‌رسید وافزارمندان ایرانی آنرا از ۲۵۰۰ سال پیش برای پذیرائی‌ها آماده كرده بودند ، ببینند كه این هنرمند بزرك به هنگام‌اجرای‌قطعه «پرسه‌فازا» كه بیاد پرسه ساخته بود از شرایط موجودو مخصوصا از عظمت و وسعت فضا باكمك گرفتن از دانش‌معماری وریاضی خود چه بهره برداری‌های جالب كرد. و چگونه‌توانست زمان هخامنشی ها را در عصر امروز ایران زنده كند ؟

بهر حال وقتی از او پرسیدم كه بنظر او از كی موسیقی وعلم ریاضی دست الفت و یگانگی بهم دیگر دادند گفت از زمان ابن‌سینا كه پایه‌گزار این كار بشكل علمی واقعی در همین سرزمین كشور شما بود.

و وقتی وارد بحث در رساله ابن‌سینا درباره موسیقی و ریاضی شد اظهار تاسف فراوان كرد كه ترجمه كامل آنرا هنوز نتوانسته به زبان فرانسه بدست آورد و چون به سخن ادامه داد ثابت كرد كه امروز هنر بدون‌علم وبدون فرهنك عمومی وسیع دیگر براستی امكان پذیر نیست.

«ایران شما و یونان من (او اصلا اهل یونان است) بیش از ۲۵۰۰ سال باهم رشته های دوستی و پیوستگی داشته‌اند و ما یونانی‌ها از شما چیزها یاد گرفتیم و هرگاه كه مردم دانشمند و سپهسالاران ما از كار حكومت یونان دلشان می گرفت بایران می‌آمدند و در كشور شما زندگی می‌كردند و خاك شما را مثل خانه پدرشان و برادرشان می‌دانستند و چه بسا از آنها هم ایران را بخودشان نزدیك‌تر می دیدند.حالا چرافقط جنگهای ایران ویونان را در تاریخ‌ها ذكركرده‌اند واین دوران عظیم دوستی را از قلم‌ها انداخته‌اند ؟ من كه سر درنمی آورم. و چقدر خوشحال می‌شوم اگر كسی دلیل این بی‌سلیقه‌گی تاریخ نویسان را بمن بگوید.»

باو گفتم : «شاید بدان علت كه ساعات و لحظات خوشبختی را كسی ــ حتی من وشما هم ــ بحساب نمی‌گذاریم. وتاریخ نویسان هم زندگی اقوام‌و ملل راكه نمی‌نویسند بلكه آنها تنها وقایع و پیش آمد های تندو شدید و هر چه ناگوارتر را می‌نویسند ...»

و گزناكیس كه نمی‌تواند یك جا بند شود این جمله را كه شنید برخاست وبقدم زدن پرداخت ...

در میان درختان سبز

یكی از وزرای سابق فرانسه در گفتگوئی كه در یك نشریه چاپ پاریس در ماه آوریل كرده یادآور شده است كه «همیشه و از زمانهای پیش انسان پیوسته خواهان زندگی در میان درختان سبز بوده‌و بنابراین حق اینست كه كوشش شود تا همه ساختمانهای امروز در میان درختان سبز و سبزه ها ایجاد گردد .»

آنها كه فرانسه و پاریس را دیده‌اند می‌دانند كه در پایتخت زیبای فرانسه و در شهر های‌بزرك آن صد ها باغ عمومی و حتی خصوصی وجود دارد و با وجود اینهمه باغ وزیر سابق ، طوری در باره ایجاد خانه های نوساز در میان درختان سبز سخن می‌گوید كه گوئی درخت سبز و سبزه در كشورش یا نیست و یا بسیار كمیاب است .

وقتی شخص بیاد می‌آورد كه در گردش با هواپیما یا هلیكوپتر برفراز فرانسه خود را برفراز یك جنگل بزرك و سبز و پر ازجویبار ها می‌بیند كه گاه بگاه چند ساختمان در آن سر كشیده، آنوقت طبعا میل می‌كند از خودش بپرسد آقای زاهدی وزیر كشور در این باره چگونه می‌اندیشد ؟

آیا او هم با این اصل كه بشر طالب زندگی در میان درختان سبز و فضا های سبز است موافقت دارد ؟

و آگرآری چه تدابیری وچه برنامه هائی وزارت كشورما و شهرداری های ما برای پنجسال و ده سال و ۲۵ سال دیگر در تمام ایران دارند و آیا هموطنان ما میتوانند آرزوی زندگی در میان درختان سبز و سبزه ها را به‌زودی زود در مرحله عمل ببینند ؟

چرا ژاپنی ها ؟

«روزنامه‌آساهی ژاپن ۹میلیون و یك روزنامه دیگر ژاپنی بنام یوموروشیمبون هشت میلیون تیراژ دارد . تنها این دو روزنامه هرروز ۱۷ میلیون شماره چاپ می‌كنند و یكصد میلیون نفوس ژاپن را در جریان آنچه كه در دنیا می‌گذرد می‌گذارند .

عالی‌ترین‌وبزرگترین دانشگاه های دنیا را ژاپن دارد و در شهر یازده میلیون نفری توكیو از هر بیست نفر ساكن آن یك نفر دانشجوی دانشگاهی است .

در ٥٦ كیلومتری توكیو یك مركز علمی می‌سازند كه پنج سال دیگر یكصد و شصت هزار دانشمند و مهندس را باتفاق خانواده آنها در خود جای خواهد داد و این گروه كارشان مطالعه و آزمایش و اختراع خواهد بود .

امروز این كشور بزرگترین سازنده كشتی در جهان است ودر ساختن اتوموبیل و كومپیوتر و تلویزیون و لاستیك در دنیا دوم و در ریسندگی و مواد پلاستیك و فولاد در جهان سوم است .

صنعت ژاپن از امریكا وآلمان هم مدرن‌تر است .»

این مطالب را وقتی در مجله امریكائی نیوزویك دیدم بفكر فرو رفتم .

چرا كه رستاخیز این كشور (از عصر می‌جی) بزحمت یكصد سال عمر دارد .

و اگر برآورد های هودسن انستیتوت امریكا درست باشد ژاپن در سال ۲۰۰۰ در دنیا از حیث درآمد ملی و صنعت در دنیا اول خواهد شد و امریكا را هم پشت سر خواهد گذاشت .

چرا ؟

ژاپنی ها راه و رویه و روال غربی ها را در مطالعه و تحقیق و تجسس فرا گرفتند و بكاربستند. ولی سنن كشور خویش را هم مخصوصا و پا بپای آن حفظ‌كردند. هنوز وقتی شما وارد یك خانه در توكیو یا اوزاكایاكیوتو می‌شوید هركه می‌خواهید باشد و صاحب هرمقام و منزلتی : در ژاپن ، یا در كشور خودتان فرق نمی‌كند شما وظیفه دارید و مكلف هستید در آستانه در (درست مثل چهل‌سال پیش ایران) كفش های خودتان‌را از پا درآورید و با یك پاپوش چوبی ، چرمی یا بافته‌ای وارد اتاق شوید . ژاپنی ها نمی گذارند كسی با كفشی‌كه درخیابان راه رفته به خانه آنها وارد گردد. ودر این مورد ملاحظه و گذشت و محافظه كاری را جائز نمی‌دانند .

تكنیك فرنگی را پذیرفته‌اند و تكنولوژی نو و علم و كار آنها را هم قبول دارند اما فرنگی هم مثل سایرین باید بدون كفش وارداتاق

صفحه پنجم

و روسیها هم در این شعاع وسیع با شدت و پشت کار بسیار وارد شده‌اند .

تنها در سال گذشته ژاپنی‌ها (سوای صادرات عظیم خودشان از راه کشت صدف و صید مروارید) تنها رقم تولید میگو را به حدود ۵۰۰ تن در آبهای خودشان بالا بردند . علاوه برآن اکنون دست اندر کار پرورش گیاه ها و نباتات دریائی (آلك) شده‌اند .

در سواحل استرالیا هم مراکز عظیم کشت دریائی ایجاد گشته که تنها در ناحیه نیوسوث وایلز در سال گذشته بحدود ۶۰ میلیون واحد تولید رسید .

آقای گل سرخی وزیر منابع طبیعی و آقای گودرزی وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اگر در این زمینه ها کار هائی کرده‌اند و یا برنامه های علمی و فنی و علمی تدوین نموده‌اند ، با توجه به امکانات عظیم بهره برداری از خلیج فارس و دریای مازندران و دریاچه ها رودخانه های ایران ، چه خوب است کسانی را که اطلاع کافی در این زمینه فعالیت‌ها ندارند در جریان بگذارند .

کشوری که نیاز و احتیاج‌اش رو بافزایش است از منابع طبیعی خویش که یکی از آنها رودخانه ها و دریاچه ها و سواحل دریا ها و کف‌دریاهااست باید بتواندبنحو احسن و در اسرع‌وقت برخوردار گردد . برای بهره برداری از این منابع باید که مسؤولین امور دست به‌تجهیز های لازم و مناسب در جهت سرمایه گذاری انسانی و اقتصادی و مدیریت وتخصص بزنند؛ هم برای حفظ این منابع و هم بهره برداری عاقلانه و منصفانه از آن .

ماشین ها در حریم زندگی خصوصی ما ؟

در حال حاضر ما در حال‌عبور از یك مرحله «انسان ــ ماشینی» هستیم . مادر باره ماشین های حسابگر الکترونیك (کومپیوترها) بعنوان تصمیم گیرنده یا «طرح ریز» سخن‌نمی‌گوئیم .بلکه‌می‌گوئیم اینها کمك هائی هستند در خدمت آنهائی که طرح ها را تهیه و پیاده می‌کنند و کمك‌هائی‌بشمار میروند برای آنهاکه تصمیم‌گیرنده هستند . امارفته‌رفته مادر مقابل واقعه‌دیگری قرار گرفته‌ایم و آن اینست که این وسائل دارند از امکانات و قدرت فکری ما هم پیشی و سبقت می‌گیرند .

در تحول فکری انسان وقدرت تفکر استدلالی وی در یك صد سال اخیر شاید بزحمت بتوان گفت که تغییراتی مهم پیدا شده است . اما درده سال‌اخیر تغییرات و دگرگونی ماشین های حسابگر الکترونیك (کومپیوترها) از هر حیث و هر جهت فاحش و عظیم و قابل ملاحظه بوده است .

بنابراین ما هم اکنون در یك «مرحله انسانی ــ ماشینی» قرار گرفته‌ایم که بدون تردید عامل ماشین، در این مرحله اهمیت بسیار (اگر نه‌اولویت) کسب کرده است.

و روزی که این اهمیت (یا اولویت) به مرحله قطعی‌رسید، آنروز هریك از ما خواهد گفت : «من کی هستم که در مقابل کمپیوتر اظهار نظر کنم ؟ چون اگر اشتباهی مرتکب شوم همه‌چیزم را از دست خواهم داد بنابراین بگذار ماشین تصمیم بگیرد .»

من فکر نمی کنم که در فاصله ده تا پانزده سال دیگر اکثر تصمیم ها (نه همه آنها) که فعلا بوسیله انسان ها گرفته می شود ، بوسیله کومپیوتر ها گرفته شود .

شاید این کار مدت بیشتری وقت بگیرد . چون همیشه انسان در مقابل ماشین یك نوع محافظه کاری از خود نشان داده است . اما وقتی تکنولوژی قاطع‌تر و موثرتر گردد آنوقت آیا کسی آن اعصاب و قدرت لازم را خواهد داشت که بگوید «فکر می‌کنم ۵۰۰ ساعت‌کار ماشین‌حسابگرالکترونیك همه‌اش غلط بوده است ؟»

و این ماشین ها در ده سال آینده بدون تردید سریع‌تر ، موثرتر و حتی با هوش‌تر ازانسان خواهند بود . در آن زمان آنقدر به ماشین ها هوش و اندیشه و فکرنه‌فقط‌شبیه هوش و اندیشه و فکر انسان ها بلکه نیرومندتر و بهتر داده‌خواهد شد ، که دیگر افراد بشری بسیار معدودی فقط خواهند توانست باآنها به بحث و گفتگو و استدلال‌بنشینند.

همانطور که‌یکی ازدانشمندان گفت در مدت دو میلیون سال حیات بشری ، فقط نیمی از آنچه که ما در باره تکنولوژی آموخته‌ایم کشف شد و نیمی دیگر درسی سال گذشته کشف شد .

حال جای آنست که بپرسیم در سی سال آینده چه پیش خواهد آمد ؟ احتمالا ناچار باید اینطور نتیجه بگیریم که در آن زمان نوع بسیار عالی ماشین های صاحب اندیشه و فکر و هوش را خواهیم ساخت .

و در اینجا است که عامل «معارف و فرهنك» در زنجیروقایع زمان ، عامل حیاتی اتصال و ارتباط میان ماشین و انسان خواهد شد ؛ البته با تخصص بیش و بیشتر. و روشن است که ما مجبور خواهیم شد افراد «بسیار حساس و بسیار باهوش و دانشمند جهانی» تربیت کنیم تا بتوانند این فعالیت ها را تفسیر وتعبیر وبدیگران تفهیم‌کنند.

از طرف دیگر اگر درست باشد که با توسعه کار ماشین الکترونیك افراد بشر ساعات فراغت بیشتر خواهند داشت ، طبعا در این ساعات فراغت افراد بدنبال انجام کار و یا کارهائی برخواهند آمد ولی نخواهند توانست آن کار یا کارهارا بآسانی و راحتی بدست آورند چون ماشین همه‌آن کارهارا برای آنها و بخاطر راحتی فکر و جسم آنها انجام می‌کند .

آنوقت بدون تردید تعلیم وتربیت نقش تازه‌ای خواهد یافت‌و آنوقت باید افراد را تشویق کرد که تصمیمی درباره تعلیم و تربیت افراد بگیرند در این جهت که حد اکثر استفاده را از زندگی بکنند.

وبنابراین رویه وسیستم کنونی تعلیم و تربیت باید عوض شود چون اگر بامترقی ترین ماشین ها هر صاحب هوش و فکری باهمان‌سیستم های کهنه تعلیم و تربیت پرورش یابد ، رفته‌رفته تعلیم وتربیت‌کشور هم ارتباط خود را با واقعیت‌های روز و وسائل کار روز از دست خواهد داد .

واین امر نه فقط در مورد دبستانها و دبیرستانها بلکه مخصوصا درمورد دانشگاهها صدق می‌کند و این عدم‌انطباق«تربیت وتعلیم‌کهنه» با «ماشین‌های‌نو وفکرنو» هم‌اکنون یکی از علل اساسی عدم رضایت شاگردان در دنیای غرب است .

این مطالب را در ماه سپتامبر همین سال پروفسور فرانك جورج مدیر موسسه «سایبرنتیکس» در دانشگاه برونل که فعالیت هایش بیشتر در زمینه تجسس و تحقیق در باره هوش مصنوعی و همه نوع انطباق کومپیوترها با صنایع عملی است در گفتگوئی با"نیکولاس‌والری" مطرح کرد .

*

اینها مسئله هائی است‌که فقط مربوط به ماوراء دریاها نمی‌شود بلکه ممکن است برای مردمان هر کشوری پیش آمد کند.

بابحث در این مسئله و طرح آن و سنجش ارزش آن بسیاری کشورها هم اکنون در صدد یافتن راه حل هائی هستند.

دستگاههای بیدار کشور ماکه بامسائل انسانی و اجتماعی وماشین های حسابگرو ارتباط آنها ارتباط دارند آیا در این باره چگونه می اندیشند ؟

طرح اندیشه های آنها درباره این مسائل مهم امروز و مشکلات احتمالی فردا و امکان دسترسی به راه حل‌های ایرانی در این زمینه بدون تردیدبرای هرصاحب‌اندیشه‌ای جالب و حتی لازم بنظر می‌رسد .

صفحات تلاش برای کسانی که راه حل‌هائی دراین گونه مسائل بنظرشان می رسد مثل همیشه باز است .

خوشه چین

صفحه هشتم

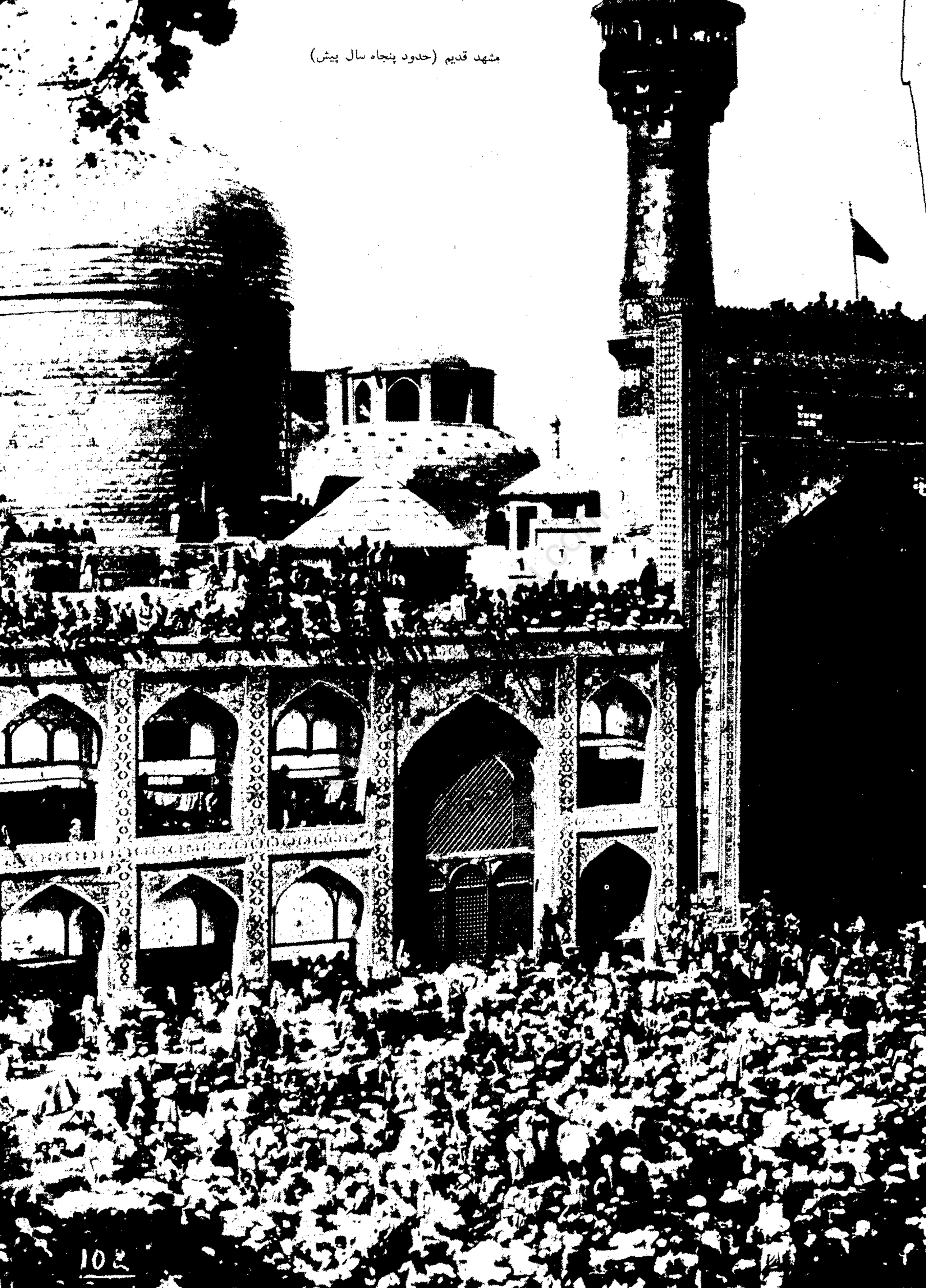

مشهد قدیم (حدود پنجاه سال پیش)

غذا خوردن ترکمن‌ها در اطراف مشهد

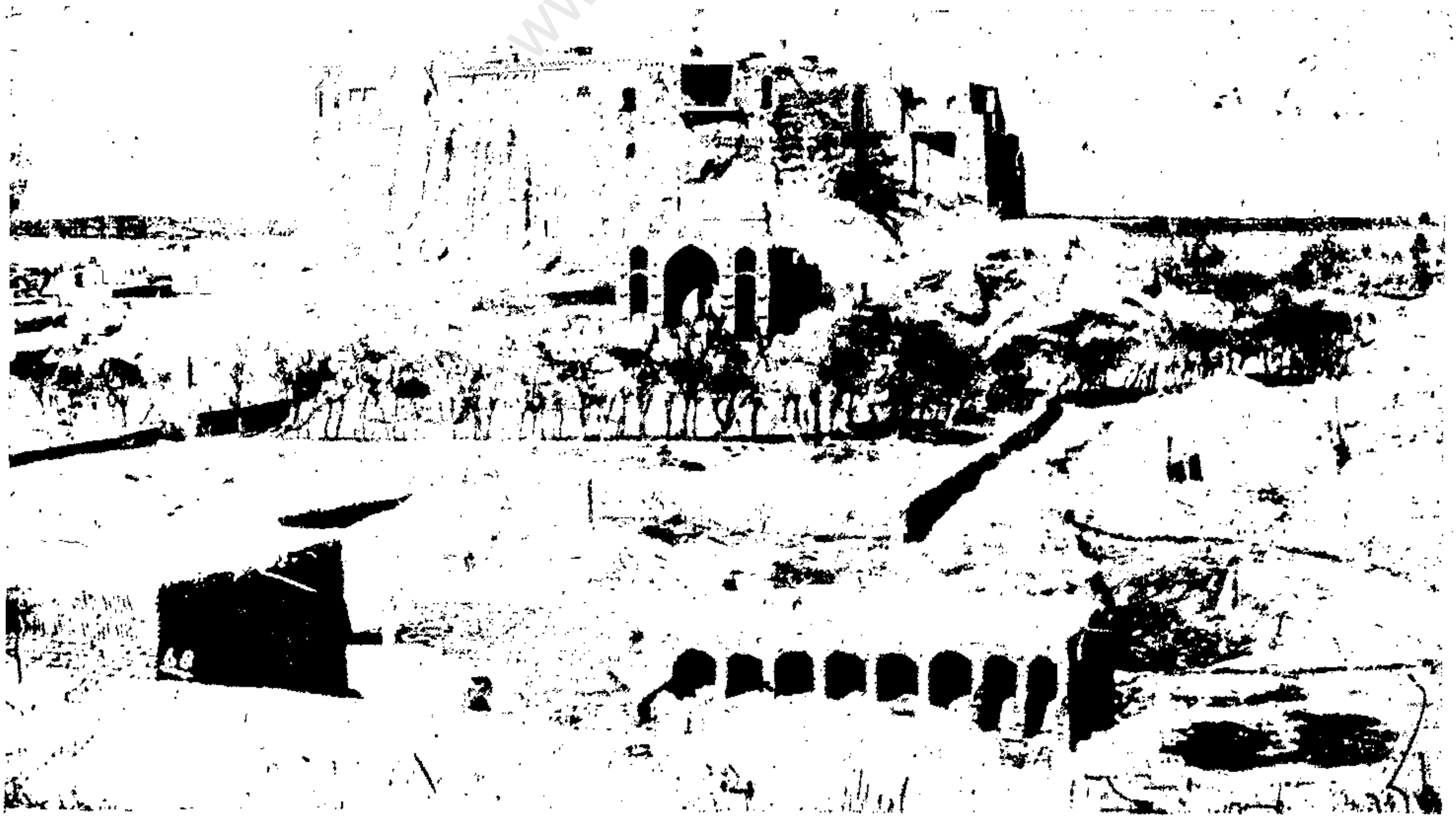

مشهد

منظره داخلی شهر و حصار نیشابور

گردنه از خراسان ــ بسترسیل‌گیر جاده عمومی است

www.KetabFarsi.com

حیاط چاپارخانه

یکی ازخانه‌های اعیانی مشهد

فروشنده دورگرد که نان ومیوه میفروشد

خانه‌ای در حوالی مشهد . بچه‌ها برای تماشای عکس برداری آمده‌اند

کاوی پست در حوالی سبزوار

نقش سردر یك حمام قدیمی در مشهد

عده‌ای از ترکمانان که حدود هفتاد سال پیش بمشهد میروند

توپ‌هائی که در مشهد برای جنگ حاضر میکردند

دو منظره از مشهد امروز

برج نقار

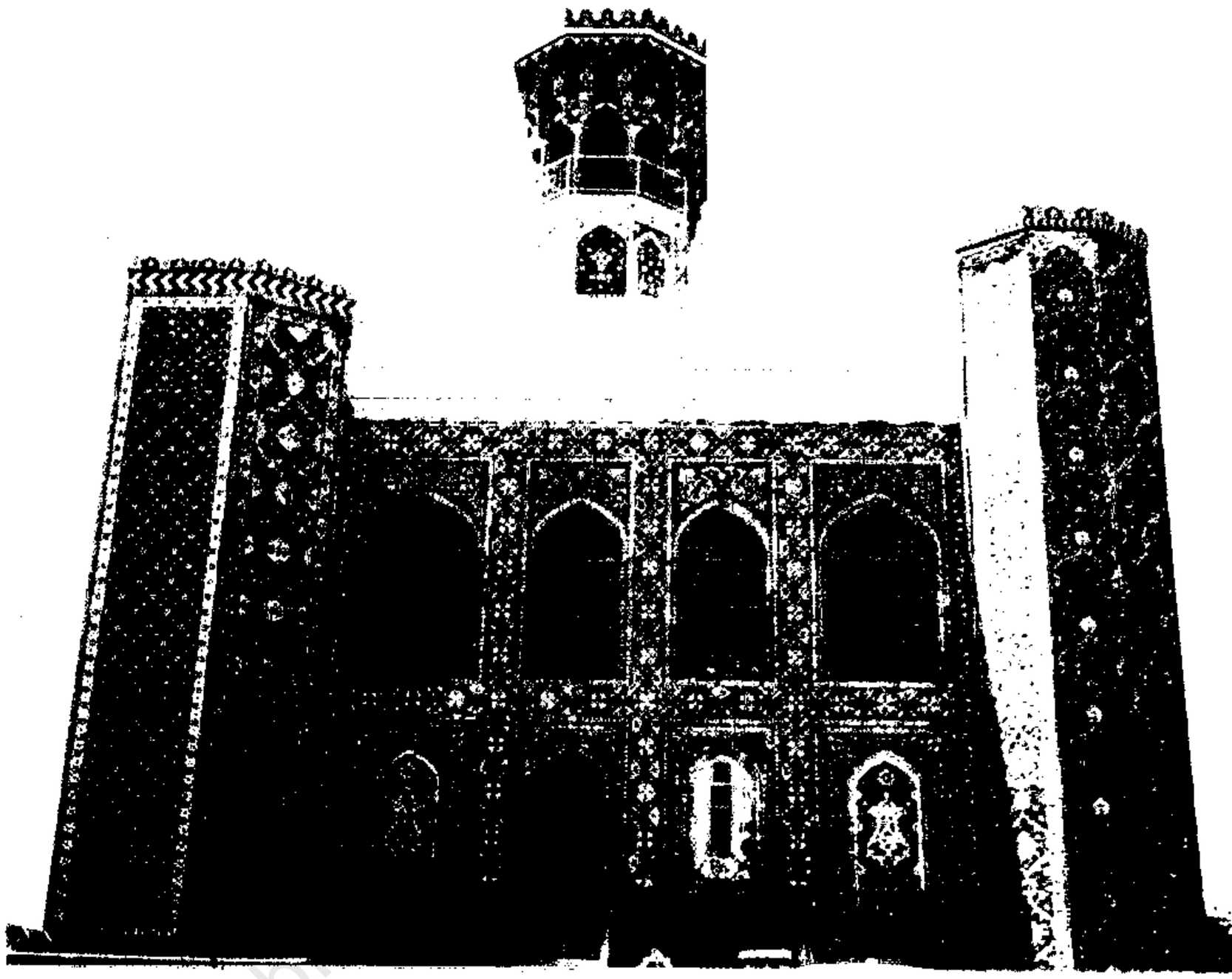

گلدسته صحن امام رضا (ع)

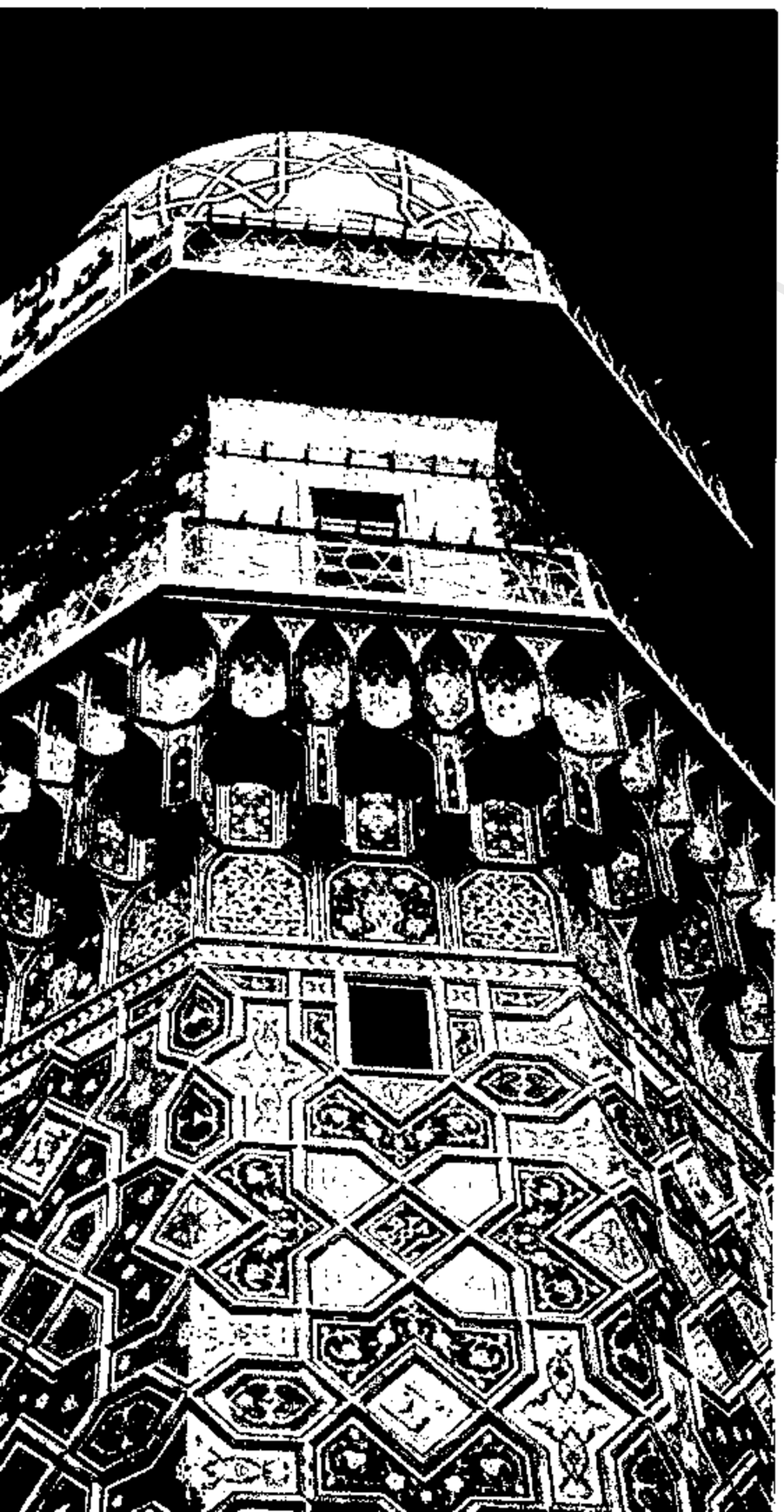

گنبد طلای مشهد مقدس

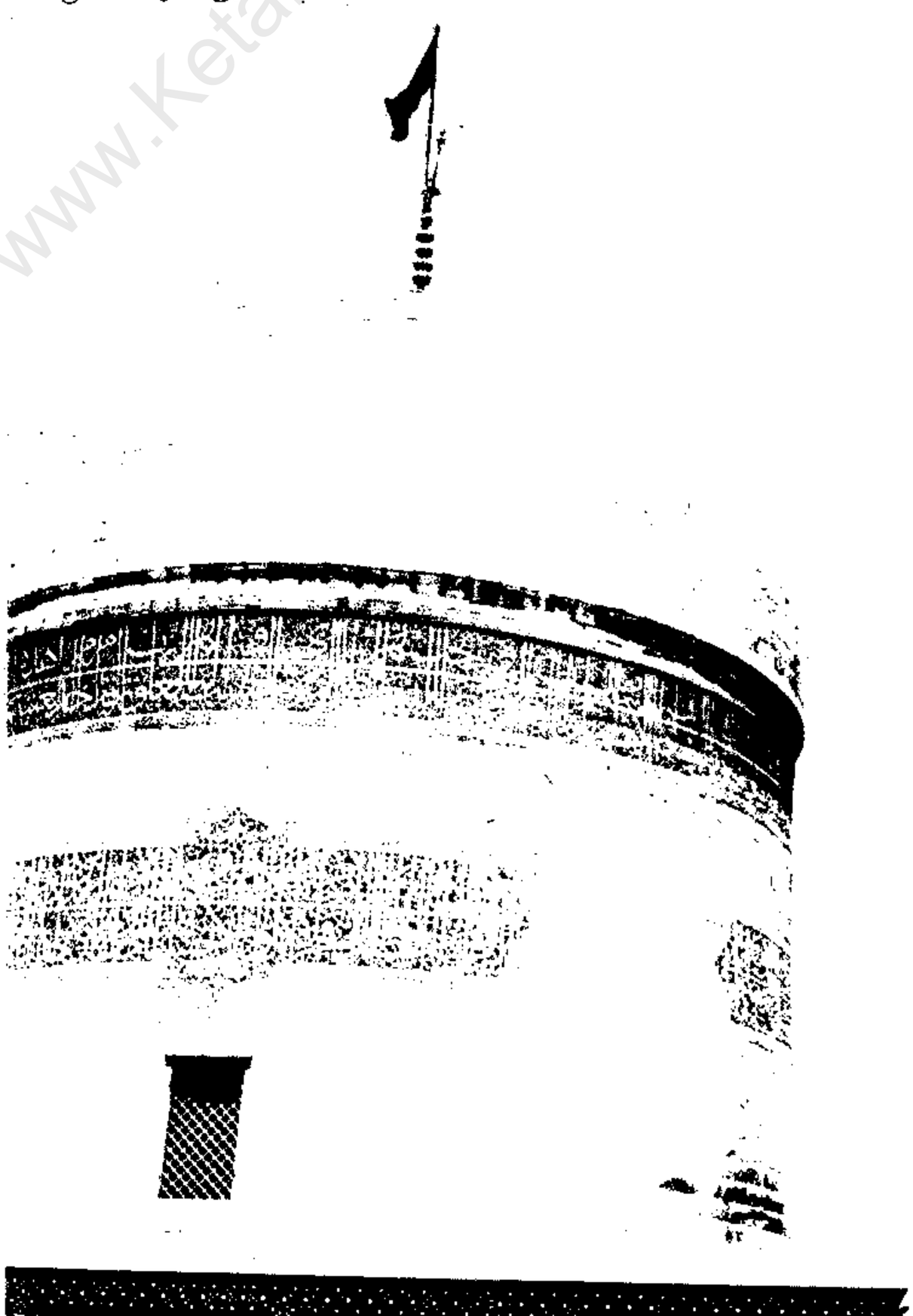

انه مشهد مقدس

www.Ketab

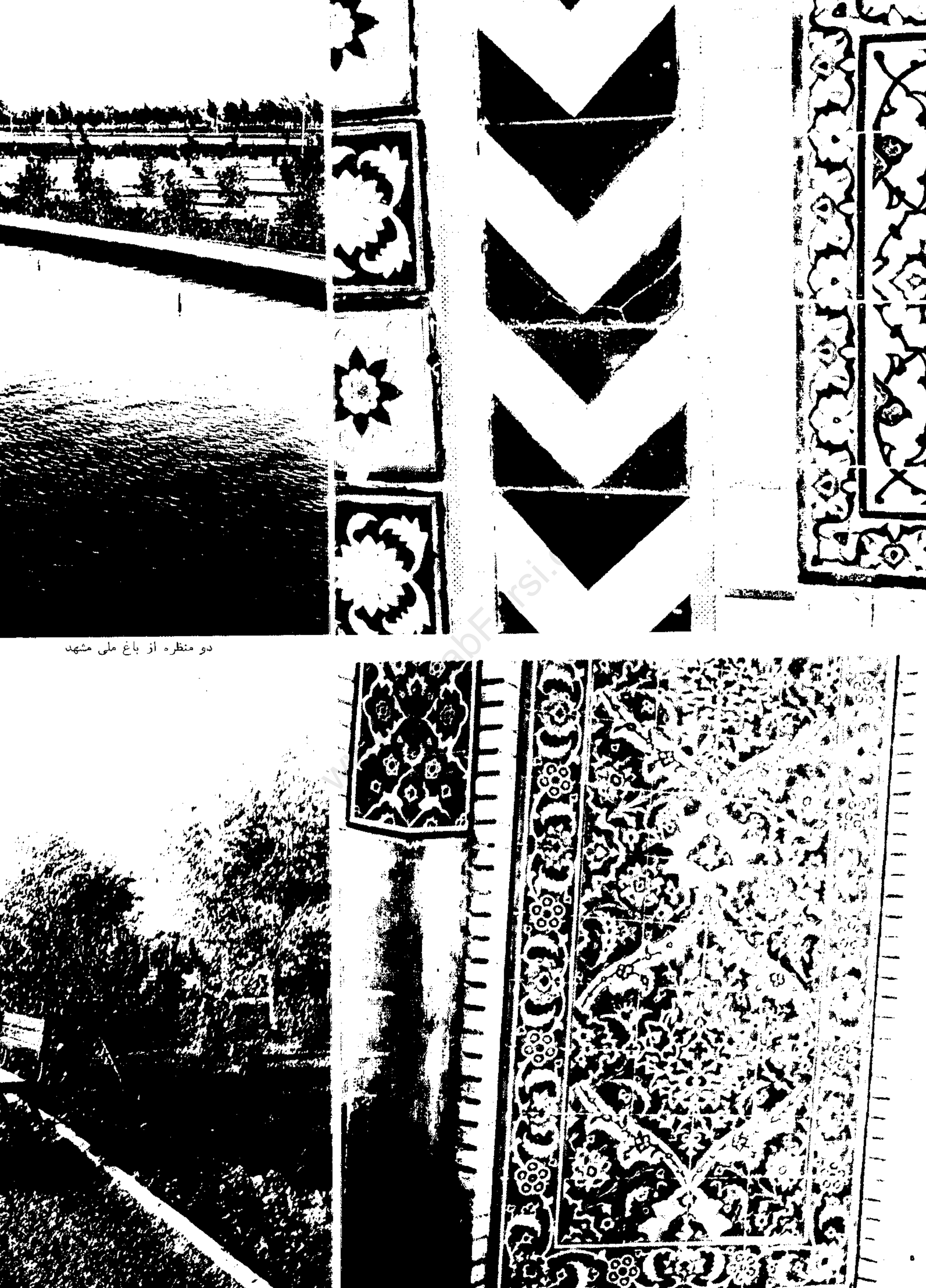

دو منظره از باغ ملی مشهد

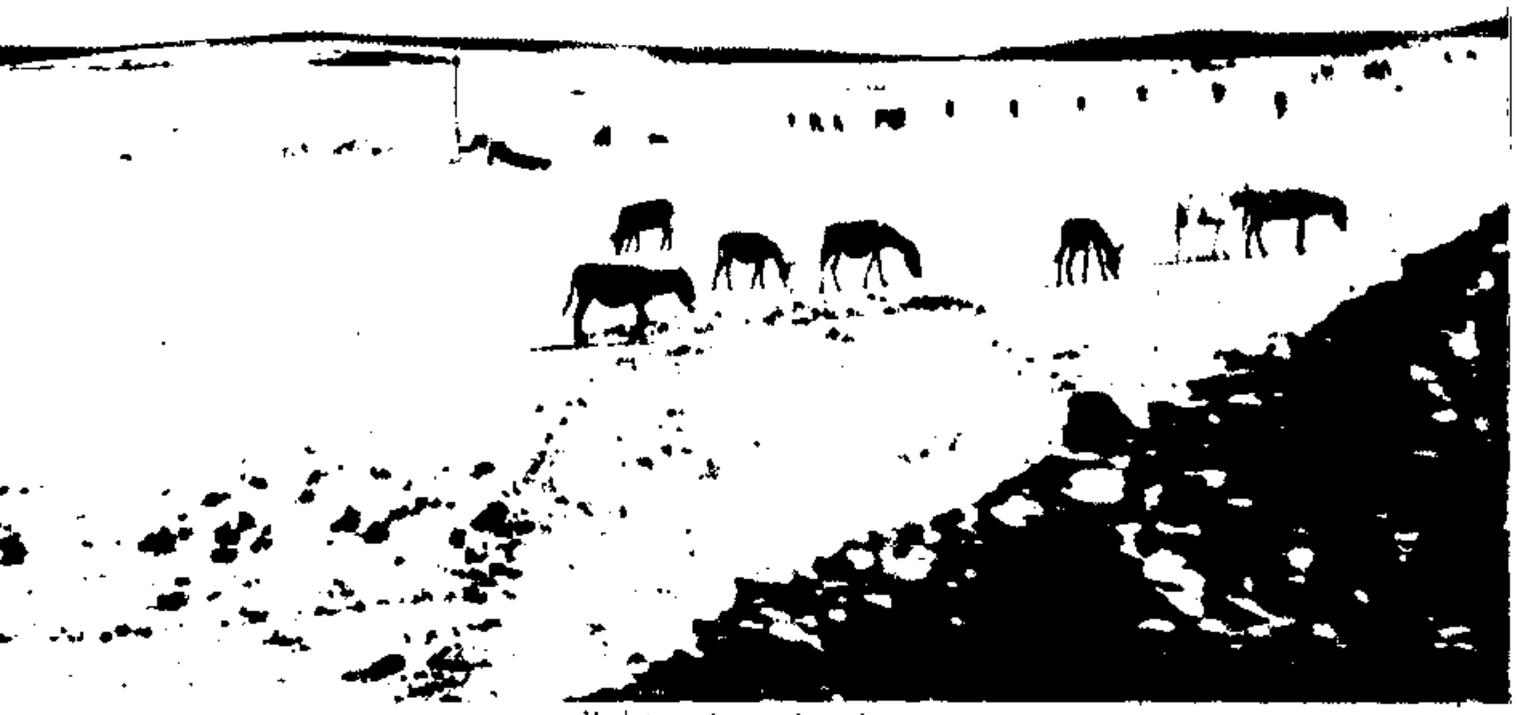

دو منظره از دهات اطراف سرخس

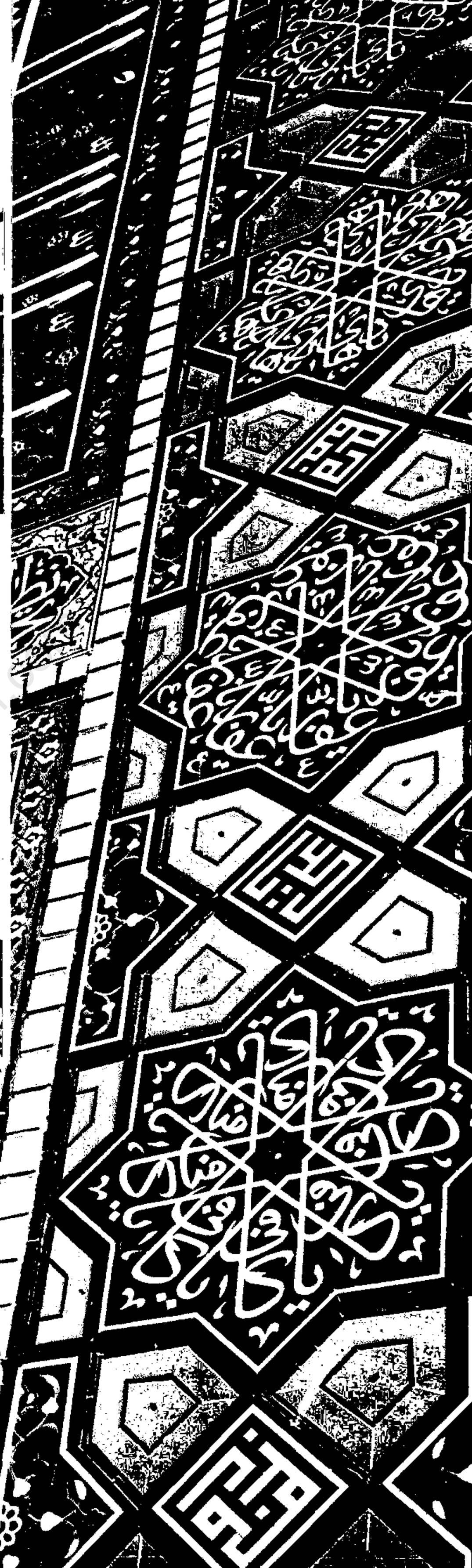

www.KetabFarsi

آرامگاه فردوسی در طوس

صحن حضرت رضا (ع)

www.Ketab

خراسان

www.KetabFarsi.com

● کردهای خراسان مردم شادی هستند که موسیقی‌جزو ارکان زندگیشان می‌باشد . در بسیاری از خانواده‌های فقیر کرد که ممکن است فقط یك بوریافرش‌خانه را تشکیل‌دهد و پوشش و آذوقه کافی برای زندگی افراد نباشد حتما یك سه‌تار یا دوتار و یا دفی وجود دارد که سرور افزای‌خانواده‌شان است .

● چیزیکه تاکنون شاید از نظرها پنهان مانده باشداین است که بیشتر این قرآنها ترجمه فارسی دارند و این ترجمه ها در قرن چهارم یا پنجم هجری نوشته شده است و اینك که ما در این قرن زندگی می‌کنیم اغلب آن لغات فارسی را نمی‌دانیم وبجایش از کلمات عربی استفاده می‌کنیم.

● اگر باین تعداد ، سالیانه (۳۰۰ هزار) زوار را که برای زیارت حضرت امام‌رضا علیه‌السلام رنج سفررا متحمل می‌شوند ، نیز بیفزایند اهمیت امر سیاحت و جهانگردی در این ناحیه بیشتر آشکار می‌گردد .

● این شهر ٤۳ هزار نفری تا آغاز قرن سوم‌هجری روستایی بنام سناباد از توابع طوس بود .

● درمشهد انواع صنایع کوچك و بزرك از قبیل ماشین سازی جدید ، کارخانه چرمسازی ، پارچه بافی، سیمان، کمپوت و کارخانه قند آبکوه موجود است . ضمنا مشهد یکی از صادرکنندگان بزرك قالی و قالیچه و نیز میوه صیفی است .

● در نیشابور آرامگاه امامزاده محروق که اخیـــرا بسیار زیبا تزئین و تعمیر شده و مزار خیام مشترکا دریك باغ قرار دارند .

● این چاه گاز بمدت حدود پانصد سال می‌توانـــد (براساس مصرف کنونی) نیاز نیرو و انرژی استان خراسان را تامین نماید .

مرقد مطهر حضرت رضا ع

آمیخته با جنك ها ، خسته از نبرد ها ، نگران از کشتار های بیرحمانه وچپاولهای پی در پی ، مردم خراسان اینچنین روزگاری را پشت سر نهادند . مرزبانی خراسان قدیم که حدود آن تا دامنه‌هـای آرال آلتایی می‌رسید و نقطه نهایی آن سغد بود و دست و پنجه نرم کردن با قبایل مختلف آسیای مرکزی که برای استفاده از نعمت وثروت بیکران مردم این سامان با هجومهای خود خراسانیان را تحت فشار می‌گذاشتند اینها همه سبب شده بود که این مردم در نقش مرزبانان شرقی ایران همواره آماده جنك و ستیز باشند و سر زمینشان در طول قرون متمادی لشکرگاه ایران قرار گیرد .

تاچهل سال پیش هنوز در خراسان هر خانه یك نگهبان مخصوص بخود داشت و این وضع در شمال شرقی خراسان بنحو شدیدتری اجرا می‌شد . غزها ، مغولها ، تغزغزها ، سلجوقیان ، تیموریان ، ازبکها ، ترکمن ها همه و همه دسته های متخاصمی بودند که سالیان دراز برمردم خراسان حکومت کردند

اثرات اینهمه جنك وستیز گر چه روحیهٔ مردانگی و تسلط بر نفس را در بازماندگان دلیران خراسانی استوار کرد اما آنان را متمایل به تك روی و انفراد بارآورد . آن نرمش و آن زود گرایی و آن زود جوشی که در مردم شهرستانهای مرکزی ایران دیده می‌شود به‌علت همین سابقه تاریخی ممتد در خراسان کمتر محسوس است . ولی نبایـد نادیده گرفت که مردم خراسان گرچه دیر جوشند اما سخت جوش اند و گر چه دیر پیوندند اما صمیم ودیر گسلند .

خراسانیان در طول تاریخ غالباً دونقش برجسته داشته‌اند : یکی نقش نظامی ودیگری پیش تازی در ادب . واین هردو نقش سبب شده است که نقطهٔ بسیاری از قیامهای ملی ایران‌در خراسان منعقد گردد وشاید بهمین دلیل است که نخستین منطقه‌یی که از تسلط حکـام عـرب سر بـرون کـرد

صفحه دهم

خـراسان بـود . کـوششهای ابـومسلم خراسانی رادمرد بزرك تاریخ ایران و دیگر خراسانیان در برانداختن اموی‌ها و اقـدام شجاعانه یعقوب لیث صفاری در قطع نفوذ خلیفه وفعالیت های مؤثر او برای بهبود زندگی و پیوستگی و حدت ملی این سامان کاملا جالب توجه است .

منشاء زبان دری که ریشه زبان امروزی ماست دراین منطقه از سرزمین ایران است . قدیمی‌ترین نثر فارسی که همان ترجمه تفسیر و تاریخ طبری است باکوشش گروهی از دانشمندان ماوراءالنهر که همه آنان خراسانی بوده‌اند صورت گرفته است . بهترین کتب نثر فارسی که در قرون چهارم تا ششم هجری نوشته شده متعلق به نویسندگانی است که‌یا اهل خراسان بوده‌اند و یا در دربار سامانیان زندگی‌می کرده‌اند و باصداقت می‌توان گفت که خراسان مهد زبان فارسی بوده است .

ایلات خراسان

ایلهایی در گوشه و کنار استان وسیع خراسان نیز چون سایر مناطق ایران کم وبیش دیده می‌شوند که مهمترینشان کردها هستند . شهر های قوچان ، شیروان ، دره‌گز بیشتر مناطق کرد نشین است . کردها از ده فرسنگی شمال شهر مشهد با سایر طبقات مخلوط شدند . این ایل متشکل از تیره ها و طوایف مختلفی است که به‌بروان‌لو، اینان‌لو، تیکان‌لو وخیلی لوهای دیگر معروفند .

این طایفه برخلاف کرد های عرب ایران همه شیعه هستند و در بین آنها حتی یکنفر اهل تسنن وجود ندارد . لهجه کردی مردم خراسان نیز با لهجه کردی مردم کردستان کاملا فرق دارد . در زبان این ایل گاه لغات ترکی هم دیده می‌شود . شغل عمده کرد های خراسان حشم داری است وبعلت محدودیت مرتع وکثرت گوسفند و شتر که دارند غالب اختلافاتشان بر سر این مهم دور می‌زند . مردان ایل در پیش برد کار هـای روزانه نقش مؤثری ندارند و کار اصلی بیشتر بردوش زنان صبور و برد بارشان است . فعالیت و کاربری یك زن کرد بطور مسلم سه برابر مردش است . نظر به تنوع کار ایلات وتعداد زیاد اسب وشتر که مایه زندگانی آنهاست چون یك زن از انجام کلیه وظایف برنمی‌آید گاه زنان ایل مجبور می‌شوند در عالم همزیستی مسالمت آمیز زندگی کنند و اغلب خودشان در خواست مینمایند که شوهرشان زن ویا زنهای دیگر بگیرد .

گاهی نیز اتفاق افتاده است که زن خودش بخواستگاری می‌رود و بنابراین سیستم داشتن زنان متعدد که زاییده احتیاج است در بین کردهای خراسان کاملا متداول است .

کـرد های خراسان مردم شادی هستند که موسیقی جزو ارکان زندگیشان می‌باشد. در بسیاری از خانواده های فقیر کرد که ممکن است فقط یك بوریافرش خانه راتشکیل دهدوپوشش وآذوقه کافی برای زندگی‌افراد نباشد حتما یك سه تاریادوتار ویادفی وجود دارد که سرور افزای خانوادهٔشان است .

غالباً مرد می‌نوازد وزن پایکوبی می کند ومی‌رقصد .

در حدود دره‌گز که مجاور مرز اتحاد جماهیر شوروی است ایلات دیگری زندگی می‌کنند که در بین آنها سنی نیزدیده می‌شود. از آن جمله‌اند : ایل تیموری که خود از تیره های مختلفی مانند میش مست طاهری ولاغری تشکیل شده است وایلات هزاره در نزدیکی مرز افغانستان واز همه مهمتر ایل بربری . ایل بربری که اخیرا مردم آن خود را خاوری می‌نامند در جنوب شرقی خراسان سکنی دارند . مردمان این ایل شیعه خالص وبسیار متعصب هستند . بطوریکه می‌گویند هر گاه به یك سنی‌بر بخورد قتل او را حلال می‌دانند . بربریها دراسب سواری، تیراندازی و مخصوصاً در جنك با سنك شهرت دارند . هم چنین درصرفه‌جویی نیز ضرب المثلند .

آستان قدس

آستان قدس رضوی با املاك ومستغلات وسیعی که در منطقه خراسان و دیگر نقاط ایران دارد بصورت یك‌واحد بزرك اقتصادی، اثری عظیم دراقتصاد منطقه‌یی دارد . دراستان خراسان خصوصا مشهد بهرکجا که گام نهیم چه از نظر صنعت وچه از جهت داد وستد بایکی از جلوه های آستانه روبرو هستیم .

بودجه‌آستانه۴۵۰میلیون ریال‌درسال‌است که اهم آن از اجاره املاك موقوفه‌اش تأمین می‌شود. درسالهای اخیر آستانه توجه‌بیشتری باین املاك می‌نماید تاجاییکه برای جلوگیری از حیف و میل عاملان ، خود عامل کشت وزرع و برداشت شده است .

در مقابل درآمـد هنگفت آستـانـه هزینه‌های سنگینی نیـز جلوه‌گر است کـه مهمترینشان تعمیر دائمی حوزه حرم مطهر امام رضا علیه السلام می باشد . از بیست و پنج‌سال پیش باینطرف هر سال حرم امام مجلل‌تر ، وسیع‌تر وباشکوه‌تر شده است .

کوششی که آستانه برای زیباتر ساختن و تمیز نگاهداشتن این بارگاه ورفاه وجلب

خیابان مشهد

زوار بکار می‌برد در درآمد مردم این منطقه خاصه طبقه کاسب اثری بسزا دارد .

آستان‌قدس‌رضوی درکناراین‌بارگاه‌عظیم وبا شکوه موزه و کتابخانه ای بامساحتی بالغ بر ۵۷۰۰ متر ترتیب داده است که‌اگر درقاره آسیا بی‌همتانباشدجزو موزه‌ها وکتابخانه‌های درجه اول خاورمیانه بشمار می‌رود .

موزه آستان قدس از سال ۱۳۲٤ کار خود را بانمایش آثار کمیاب وبی نظیر هنری آغاز کرده است و با آنکه در جنگهای‌متعدد مقدار زیادی از نفایس آستان قدس رضوی بغارت رفته با این حال اشیاء موجود از نظر ساخت و جنبه صنعتی در دنیا نظیر ندارد .

مزیت این موزه بر دیگر موزه های دنیا تجمل و نحوه آرایش نمایش اشیاء است .

اهمیت دیگرش داشتن مجموعه‌یی کامل از قالیهای نفیس و پارچه‌های گرانبهـای قرون یازدهم تاچهاردهم است .

وبالاخره از نفایس مهم موزهٔ آستانه گنجینه قسمتی از اوراق طلاست که روی قسمتی ازآن کتیبه هایی باامضای بزرگترین خطاط عصر صفوی «علیرضا عباسی» دیده می‌شود .

و اما در مورد کتابخانه آستان قدس رضوی که یادگاری از کهن‌ترین کتابخانه های ایران است :

تاریخ تأسیس این کتابخانه بدرستی در دست نیست ولی از روی کتابهای اهداء شده عمرآنرا بیش از ششصد سال‌تخمین می‌زنند . متأسفانه این کتابخانه قدیم ایران با همهٔ آنکه از نظر نسخ خطی از کتابخانه های غنی‌جهان است ، همدوش قدمتش پیشرفت شایانی نکرده است و بر خلاف توجهی که آستان قدس رضوی باملاکش می‌نماید چون کتابخانه‌اش نه‌گندم دارد و نه چغندر می‌توان گفت آنرا آنطورکه باید وشاید بباد نمی آورند در کتابخانه آستانه فقط ٤٦٤١٧ کتاب چاپی وجود دارد واگر تعداد کتب خطی رانیز بآن بیفزایم جمعاً ٥٦٣٤١ کتاب در این کتابخانه موجود است . اگر دهسال تمام سالی حدود یك میلیون تومان صرف کتابخانه گردد شاید عقب افتادگی چندین صدساله جبران شود

نکته جالب این است که کتابخانه آستان قدس رضوی بزرگترین گردآورنده قرآن در دنیاست . کلیه‌قرآنها دریك سالن بی‌نهایت زیبا وبا شکوه بنمایش گذاشته شده است که بآن «**گنجینه‌قرآن**» نام‌نهاده‌اند .

در این گنجینه قرآنهایی هست که ازنظر تذهیب وخط از شاهکار های هنر ایران بشمار می رود و قیمت بعضی بیش از پنج میلیون تومان تخمین زده شده است .

این گنجینه از نظر سیرتکاملی نیز بسیار جالب است بدین ترتیب که دیده می‌شود چگونه خط کوفی از شکل ناخوانا و درشت خود اندك‌اندك صیقل یافته ونسخ وخواناشده است بعد از نسخ خط ثلث و رقاع وریحان وبعد نستعلیق .

و مهمتر ازهمه ، چیزیکه تاکنون شاید از نظرها پنهان مانده باشد این است که بیشتر این قرآنهاترجمه فارسی‌دارند واین ترجمه‌ها درقرن چهارم یاپنجم هجری نوشته شده‌است و اینك که مادراین قرن زندگی می کنیم اغلب آن لغات فارسی را نمی‌دانیم و بجایش از کلمات عربی استفاده می کنیم .

جمع قرآن خطی این گنجینه که‌قسمتی از قرآن‌های موجود آستانه است ۱۷۰۰ و مجموع جزوات خطی آن ۲۷٦٦ است.

خراسان از نظرگاه اقتصاد :

الف ــ کشاورزی : دراستان‌خراسان‌بعلت دارابودن آب وهوای متنوع انواع‌محصولات کشاورزی با بالاترین بازدهی بدست می‌آید. البته چون مقدار بارندگی در دهلیز بین دو رشته کوههای شمالی بیشتر از سایـر نقاط خراسان است (۵۰۰ میلیمتردرسال) کشاورزی نیز در دامنه این کوهها رونقی بمراتب‌بیش ازدیگر مناطق استان دارد .

سطح زیرکشت‌محصولات عمده‌کشاورزی خراسان و میزان برداشت آنها بدین شرح است :

۱ ــ سطح زیرکشت گندم آبی۳۲٦۸۰۰ هکتار و محصول سالیانه آن ٤۲٤٫٦۰۰ تن، گنـدم دیم ۲٦۹٫۰۰۰ هـکتار و برداشت ۱۱۷٫۰۰۰ تن ، جوآبی ۸۵٫۱۰۰ هکتار و برداشت ۱۱۷٫۹۷۵ تن ، جودیـم ۳۱۳۰۰ هکتار و برداشت ۱۹۸۰۰ تن .

خراسان با تامین ۲۰ درصد غله کشور یکی از نقاط مهم غله خیز کشور ما بشمار می‌رود . چون آفت ملخ بومی و مراکشی درمناطق غله خیز استان خراسان همه سالـه خسارات زیادی به‌کشاورزان وارد می کند همه ساله اکیپهای‌مبارزه باملخ از طرف‌اداره حفظ نباتات استان در مناطق ملخ‌خیز مستقر و با وسائل موجـود در مبارزه با آن اقدام می‌نماید .

۲ ــ خراسان با ۵۸٫۲۵۰ هکتار سطح زیر کشت چغندر و ۱٫۷٤۷٫۵۰۰ تن‌محصول سالیانه بالاترین رقم بازده محصول چغندر را در سراسر خاك ایران داراست .

کشت چغنـدر ازسال ۱۳۱۳ شروع شد ولی تاسال ۱۳۳۰ تولید قابل ملاحـظه‌ای نداشت بطوریکه درسراسر خاك خراسان‌فقط یك کارخانه قند، کارخانه آبکوه، موجود بود ولی بعد از تاسیس کارخانه قند تربت‌حیدریه و بهره‌برداری ازآن در سال ۱۳۳۰ کشت چغندر درخراسان توسعه پیدا کرد بطوریکه درحال حاضر محصول چغندر استان‌خراسان ٤۸٫۵٪ مصرف کشور را تامین می کند . روز بروز نیز بسطح این محصول اضافه می‌شود بااجرای طرح مکانیزاسیون سطح کشت و مقدار محصول چغندر کاری این استان‌بطور قابل ملاحظه‌ای روبافزایش است . لازم بـه تذکر است که تاسال ۱۳٤۷ امور مبارزه بـا آفات چغندر بعهده کارخانجات قند بود ولی پس ازآن امور دفع آفات چغندر را بخود

سد فریم

چغندر کاران محول نموده‌اند البته این امر تاوقتی که آفات چغندر بصورت «طغیان» نباشد نتایج مطلوب دارد و درغیر اینصورت مبارزه باآفات چغندر از عهده کشتکاران و حتی کارخانجات نیز خارج است و دراینطور مواقع اداره دفع آفات استان باید به کمك کشاورزان بیاید .

۳ ــ سطح زیرکشت پنبه ٥٥٫٦٦۰هکتار و محصول آن ٦۰٫۰۰۰ تن درسال است . کلیه مناطق پنبه خیز خراسان آلوده به‌کرم خاردار است که کارشناسان اداره حفظ‌نباتات استان برای دفع این آفت باید پیوسته دست به‌مبارزه دائمی بزنند .

٤ ــ سطح زیر کشت زیره ۱٦۲٫۰۰۰ هکتار و محصول سالیانه آن ٤۸٫٦۰۰ تـن است .

۵ سطح زیرکشت برنج ۲۷۰ هکتار با محصول سالیانه ۵۵۵ تن .

٦ ــ سطح زیرکشت سیب زمینی ٤۰۰۰ هکتار و محصول سالیانه‌اش ٤۹۰۰۰ تـن است .

۷ــسطح زیرکشت زعفران۱۳۳۰ هکتار بامحصول سالیانه ۲۱٫۵تن، خراسان ۹۸٫۵٪ زعفران کشور را بتنهائی تامین می کند .

۸ــ سطح کشت نهال کاری، ۷۸٦۱هکتار درختان بارور ۱۰٫۱۸۷ هـکتار متفرقه . ٤٫۰۸۸٫۵۸۵ اصله درخت بارور مـوجود است که محصولات سالیانه آنها بالغ بـر ۷۵٫۹۲٤ تن می گردد . از لحاظ مقـدار محصول و مقدار اصله درختان استان‌خراسان بزرگترین تولید کننده میوه ایران می‌باشد. درچند سال گذشته اکثر درختان زردآلو ، هلو و گیلاس استان مبتلا به‌بیماری غربالی بود که علتش عدم توجه باغداران و ندانستن نحوه مبارزه بااین بیماری بوده است ولی در سال جاری علاوه برمیلیونها درختی که‌توسط خود زارعین سمپاشی شد حدود ۳۱۵٫۷۳۷ اصله درخت علیه آفات مهم اشجار خراسان توسطاداره حفظ نباتات استان خراسان‌سم‌پاشی گردیده است .

۹ ــ جمع کل تمام محصولات جالیزی وسبزی استان خراسان‌طبق آمار اداره اقتصاد

کشاورزی این منطقه بالغ بر ۲۴۸٫۲۸۴ تن درسال است .

ب ــ دامپروری : شغل عهده خراسانیان ازدیرگاه حشم‌داری و سرزمینشان مرکــز دامداری کشور بوده است . پرورش گوسفند یکی از منابع مهم درآمد کشاورزان استان خراسان‌را تشکیل می‌دهدوتقریبا ۲۰درصددر آمد آنها از همین راه تامین می‌شود.

برابر آمار برداری نمونه‌ای که در آذر ماه سال ۱۳۴۶ بعمل آمده است آمار دامــی استان خراسان بدینقرار است :

۱ ــ گوسفند ۵٫۵۵۹٫۵۵۳ راس ۲ــ بز ۲٫۹۳۱٫۹۵۶ راس ۳ ــ گاو وگوسالــه ۴۳۲٫۴۹۵ راس ۴ ــ اسب ۲۳٫۲۳۳ راس ۵ ــ الاغ ۳۴۷٫۶۲۶ راس ۶ ــ قــاطــر ۶٫۸۰۸ راس ۷ــ شتر ۴۱٫۳۰۴ نفر ۸ ــ مرغ وخروس ۱۶۶۲۶۷۲ واحد .

مراتع مهم استان خراسان در نواحــی شمالی که سطح بارندگی بیشتر دارد واقع است . نواحی مرکزی و جنوبی که شامل شهرستانهای گناباد ، فردوس ، طبس،بیرجند است از نظر دامپروری اهمیت چندانی ندارد.

پ ــ آبیاری : بعلل مختلفی از جمله شرایط جوی ، محدودیت اعتبار ، طرحهای مهم درسایر سطحهای کشور طرح سدهایی که از سالها پیش قرار بود برروی رودخانه های خراسان ریخته شود همینطور راکــد مانده و فعالیت درخور اهمیتی از نظرآبیاری بطریقی نو دراستان خراسان انجام نگرفته است ، کشاورزان و حقابه‌بران روستا های استان خراسان طبق سند مالکیت از آبهای رودخانه هایی‌چون اترك، کشف‌رود،هریرود تجن (از اتصال کشف رود و هریرود) ، درون‌گرو بلقیس استفاده می کنند .

البته مطالعه امکان احداث تاسیسات آبیاری انجام گرفته است که به‌ترتیب بدین شرح است.

۱ ــ درسال گذشته امکان احداث یك سدبتونی روی رودخانه کشف رود وشعبات آن توسط مهندسان مشاور انجام گرفت کــه اکنون تحت‌بررسی وزارت آب و برق‌است.

۲ ــ کارشناسان وزارت آب و بــرق مطالعات دقیقی را برای امکان احداث سدی برروی رودخانه اترك شروع کرده‌اند که هم‌اکنون نیز این مطالعات ادامه دارد .

۳ــ ضمنا طرح مطالعات آبیاری‌خراسان در برنامه عمرانی چهارم کشور منظور شده که درآینده بسیار نزدیك باکمك مهندسان مشاور ایرانی وفرانسوي بمورداجراء گذشته خواهد شد .

بعد ازآبهای سطحی ، آبهای زیرزمینی، منابع مهمی برای آبیاری زمینهای زیرکشت استان خراسان است . برای بهره‌برداری از منابع آبهای زیرزمینی این استان دستگاههای اعتباری کشور باهمکاری فنی اداره کــل آبیاری خراسان وامهای ذیقیمتی در اختیار زارعین و کشاورزان قرار داده است دراستان خراسان مجموعا ۲۰۶۹ حلقه چاه عمیق و ۱۰۶۳ حلقه چاه نیمه‌عمیق و یك‌چاه آرتزین وجود دارد .

هم‌آهنگی اجرای طرح های مطالعاتی آبهای زیرزمینی وتوسعه کشاورزی این‌استان نتایج با ارزشی در استفاده مجاز از منابــع آبهای‌زیرزمینی و توسعه صحیح کشاورزی و صنایع وابسته آن داشته است و درهرمنطقه از استان‌برنامه‌های مطالعاتی آبهای زیرزمینی مقدم برتوسعه کشاورزی آن منطقه انــجام گرفته است . ودرهرمورد نتایج کمی وکیفی این مطالعات در خدمت طرحهای توسعــه کشاورزی قرار گرفت .

ت ــ برق : پیشرفت تولید برق سالیانه خراسان بماخذ ۴۰ درصد نمونه‌ایست ازبهبود سریع وضع اقتصادی این استان . اگر این پیشرفت جلوه‌اش را آنطور که شایسته آنست نشان نمی‌دهد فقط علتش نبودن واحــد های صنعتی بزرگ در خراسان است . ازیاد برق از نظر پمپاژ (موتور های چاه عمیق) در واحد های کشاورزی تاثیر فوق‌العاده دارد که بعنوان مثال می‌توانیم فاصله بین مشهــد وچناران را که اکنون بخاطر افزایش‌قدرت تولیدی برق ۹۰۰ حلقه چاه عمیق ازاین نیرو تغذیه می کنند ، نام ببریم . تعداد این چاهها درچند سال پیش شاید کمتر از ثلث چاههای فعلی بوده‌است .

برق منطقه‌ای خراسان در اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ آغاز بکار نموده وطرح‌هایش را بــا اعتباری بمبلغ ۸۶۰٫۳۱۳٫۰۰۰ ریال ــ (۶۲۷٫۴۳۹٫۰۰۰ ریال در برنامه سوم و ۲۳۲٫۸۷۴٫۰۰۰ ریال در برنامه چهارم) بمرحله اجرا درآورد .

این‌شرکت ۱۰ دستگاه دیزل ژنراتور بقدرت ۱۶ مگاوات درشهر های مشهد ، سبزوار ، نیشابور و تربت‌حیدریه نصب نموده در ضمن تاسیسات برقهای خصوصی و تاسیسات بــرق شهرهای نیشابور، سبزوار، بیرجند، قوچان، بجنورد، فریمان، کاشمر، گناباد، بیدخت ، بجستان را تحویل گرفته است .

برق منطقه‌یی مبادرت به‌ایجاد خط ۶۳ هزار ولت بین مشهد ، قوچان کرده است که‌بدین ترتیب‌شهرقوچان می‌تواند ازنیروگاه بزرگ برق مشهد استفاده کند و نیز سبب تغذیه ۱۲٫۰۰۰ حلقه چاه عمیق بیــن راه گردد .

هم‌چنین برق منطقه‌یی خراسان اقداماتی درمورد نوسازی و توسعه شبکه برق شهرهای خراسان شروع نموده است‌که بعنوان مثال می‌توان تعویض کلیه شبکه برق قسمت قدیم شهر گناباد و بیدخت رانام برد . ۱۴ کیلومتر فاصله بین گناباد و بیدخت باخط فشار قوی ۲۰۰ هزار ولت وصل شده‌است .

اکنون برق منطقه‌یی خود را آماده برای برنامه پنجم می‌کند تا خط ۲۳۲ هزار ولت تهران ــ گرگان را از طریــق بجنورد ــ قوچان به‌مشهد رسانده و این شهر رابصورت یك مرکز بزرگ تولید درآورد .

در حاشیه فعالیت های فنی شرکت برق منطقه‌یی خراسان :

خانه ومسکن

۱ــ ایجاد شرکت تعاونی خانه ومسکن بدین منظور در چهار کیلومتری جنوب غربی مشهد در کنار تپه‌یی آرام ۵۴۰ دستگاه خانه، مجهز بتمام وسایل آسایش برای رفاه حــال کارکنان شرکت ساخته شده است که بآنها تحویل داده خواهد شد این خانه ها بقطعات ۶۰۰، ۸۰۰، ۱۲۰۰ متری تقسیم شده است .

۲ ــ احداث کوی مهندسان شرکت در قسمت غربی پارك‌آریاشهر .

۳ ــ احداث ۵۰ دستگاه خانه مسکونی در محل نیروگاه حرارتی .

۴ــ احداث باشگاه برق منطقه‌یی‌خراسان بمساحت ۳۰٫۰۰۰ مترمربع که اززیباترین بناهای خراسان است .

ث ــ کارخانه‌ها و معــادن خراسان :

گرچه خراسان منطقه‌یی است کشاورزی ، و تا دهسال پیش درسراسر خاکش فقط چند کارخانه کوچك یافت می‌شد ولی موج‌صنعتی شدن سراسر کشور خراسان رانیز بی‌نصیب نگذاشت و آنــرا از انحصار کشاورزی و دامداری خارج گردانید .

اکنون استان خراسان باداشتن بیش از ۲۳۶ کارخانه بزرگ وکوچك که باسرمایه های سنگین بکارمشغولند ازاین حیث نیز تا حدودی همپایه دیگر استان‌های ایران است.

کارخانه‌هائی که ذیلا نام برده می‌شوند روشنگر این مطلب است :

۱ ــ هفت کارخانه بزرگ قند و شکر سازی ۲ ــ بیست وسه‌کارخانه نساجی و پنبه پاك‌کنی ۳ ــ شش کارخانه بزرگ کمپوت سازی ۴ــ دهها کارخانه سنگ‌بری، آجرــ سازی ، تهیه آجر نسوز، تهیه گاز اکسیژن جوجه‌کشی ، کبریت‌سازی ، نوشابه‌های غیر الکلی ، تهیه انواع چوب ، شیرپاستوریزه ، موزائیك سازی، سیمان ، روغن‌کشی وروغن نباتی ۵ ــ از همه مهمتر در استان خراسان بیش از۴۰۰۰دستگاه قالی‌وقالیچه‌بافی موجود است که یك سوم آنها در مشهد و کوهپایه های اطراف آن وبقیه در تربت‌جام نیشابور، گناباد و شهــر های دیگر استان خراسان پراکنده‌اند .

درمورد معادن باید خراسان را یکی از غنی‌ترین استانهای ایران دانست. معادن‌سنك آهك ، سنگ مرمر ، سنگ تراورتن ، زغال سرب و روی ، منگنز ،فلدسپات ، کرمیت ، مس و مهمتر ازهمه معدن فیروزه در این استان فراوان وجود دارد .

مس ، کرمیت ، سرب وروی ، سرب و مقداری فیروزه بخارج ازکشور صادر می شود .

ج ــ راهها : قبل ازسال ۱۳۴۰ حتی‌یك کیلومتر راه آسفالته درسراسر استان خراسان

صفحه دوازدهم

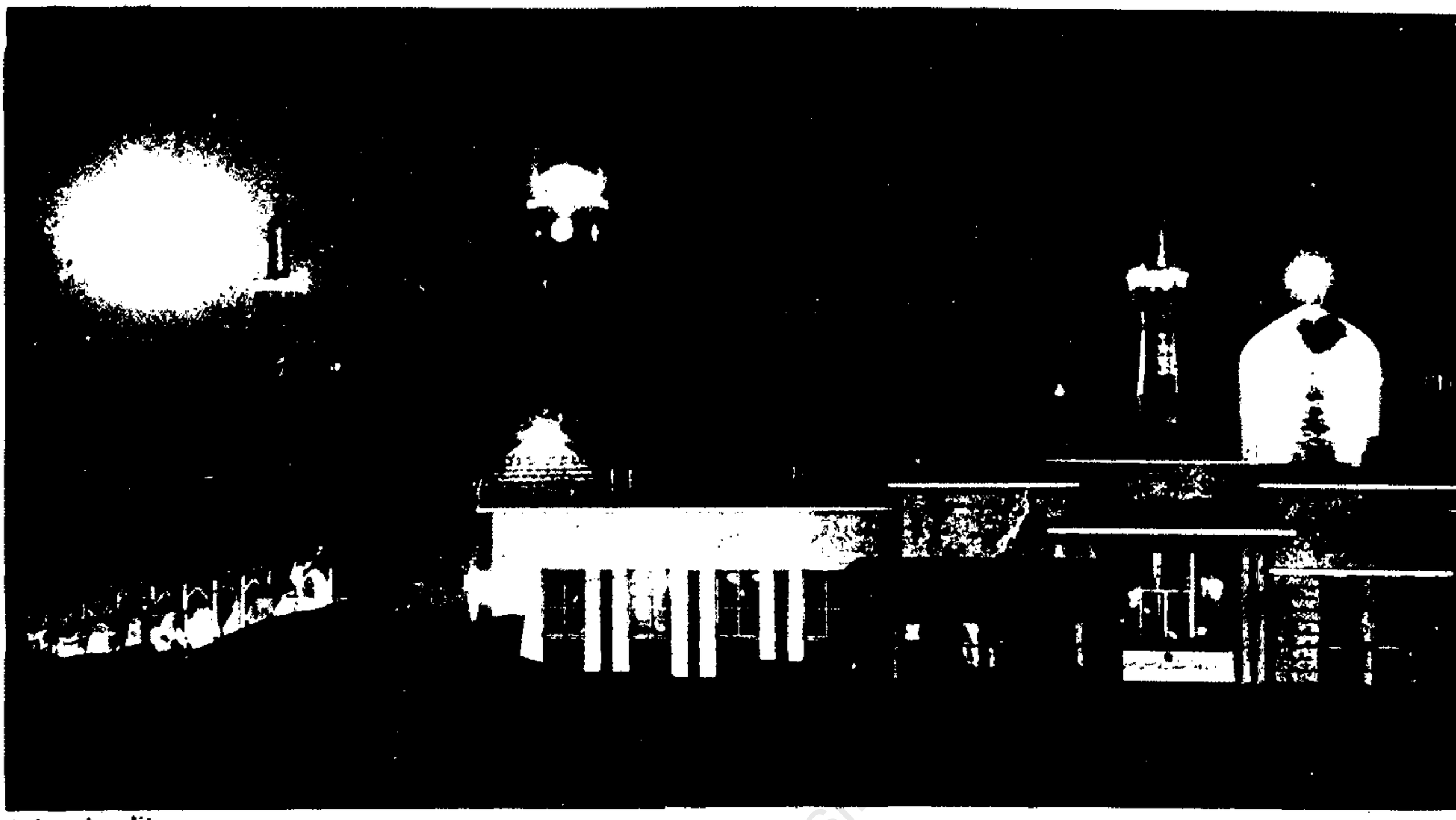

منظره شب مشهد

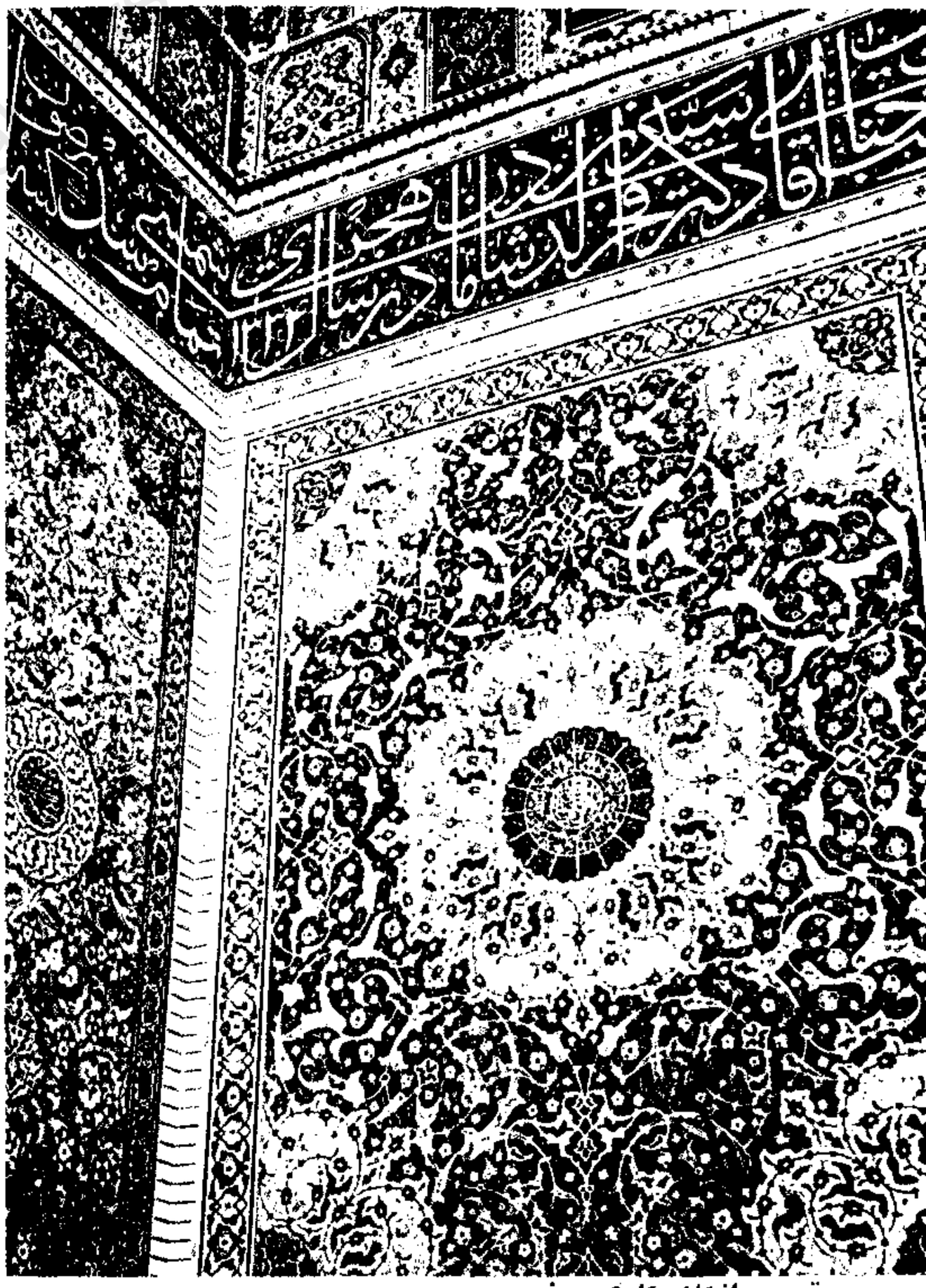

قسمتی ازکاشی‌کاری موزه

کوه سنگی

وجود نداشت‌ولی درست درهمان سال‌آسفالت راه مشهد ونیشابور آغاز گردید و همینطور بترتیب راههای زیر ساخته و آسفالت گردید:

۱ ــ راه مشهد ــ نیشابور ــ سبزوار ــ بطول ۲۵۵ کیلومتر ۲ــ راه مشهد ــ قوچان بطول ۱۳۶۰ کیلومتر ۳ــ راه مشهد ــ وکیل آباد ٤ــ راه شاندیز ــ وکیل آباد ٥ــ راه سبزوارــاسفراین ٦ــ۱٤۰ کیلومتر از ۱۸۰ کیلومتر راه مشهد ــ سرخس

باین ترتیب طول راههای آسفالته خراسان ٤۳۰ کیلومتر و طول راههای‌شوسه خراسان ۲٤۰۰ کیلومتر است . در این جا لازم باشاره است‌که چون راههای خراسان جمعا به ٤٥۰۰ کیلومتر می رسد وزارت راه برای نگهداری راههای جنوبی خراسان‌اداره مستقل تربت حیدریه را تاسیس کرده است . از راههای جنوبی خراسان راه گناباد ــ تربت حیدریه اسفالت است .

راههای در دست ساختمان :

۱ــ شاهراه‌آسیائی‌شاه پسندــ بجنوردــ قوچان ــ مشهد ــ تربت‌جام ــ مرزافغانستان که بوسیله پیمانکار در دست ساختمان می باشد . قسمت مهم این راه در سال آینده و بقیه تا دو سال دیگر بپایان خواهد رسید .

۲ــ اسفالت راه شاه تقی به تربت‌حیدریه (در محور مشهد ــ تربت حیدریه) در سال جاری و تا سال آینده خاتمه خواهد یافت .

۳ــ نوسازی راه مشهد به نیشابور

٤ــ راه مشهد به کلات که بوسیله اداره استان خراسان در دست اقدام است تا سال ۱۳٥۰ باید خاتمه پذیرد .

ضمنا اداره راه استان خراسان در برنامه سال آینده خود ساختمان راههای زیر را در نظر گرفته است .

۱ــ راه مشهد به سرخس . طول این‌راه ۱۸۰ کیلومتر است که فقط چهل کیلومتر آن ساخته نشده که در سال آینده این قسمت نیز بپایان خواهد رسید . اسفالت این راه نیز در برنامه سال آینده گنجانیده شده است.

۲ــ ساختمان و اسفالت راه سبزوار ــ شاهرود

۳ــ طرح راههای فرعی استان خراسان

چ ــ جهانگرد ها :

سالیانه بیش از ۲۰ هزار نفر جهانگرد برای دیدن نقاط تماشائی خراسان از اقصی نقاط جهان باین سرزمین می‌شتابند وهزاران ریال پول عاید مردم این منطقه مینمایند . اگر باین تعداد، سالیانه (۳۰ هزار) زوار را که برای زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام رنج سفر را متحمل می‌شوند ، نیز بیفزایند اهمیت امر سیاحت و جهانگردی در این ناحیه بیشتر آشکار می‌گردد .

بیشتر توریست های خراسان از طریق زمین یا راه آهن سفر می‌کنند و بهمین‌دلیل است که مسؤولین امر باید در بهبود راهها هرچه بیشتر بکوشند .

سازمان جلب سیاحان برای ساختن هتلی

صفحه چهاردهم

فرودگاه مشهد

بزرگ و لوکس در مشهد هفتاد میلیون ریال باستان قدس رضوی وام داده است‌که بزودی ساختمان آن بپایان خواهد رسید .

ضمنا طبق برنامه طرح شده این سازمان در نظر دارد یك زائر سرا درکنار بارگاه امام رضا (ع) بسازند این زائرسرا ۳٥۰ اطاق یکنفره خواهد داشت که دورتادور آن حیاط وسیعی قرار خواهد گرفت و در وسط حیاط حوض و مسجد ساخته خواهد شد .

ج ــ بهداشت :

شاید نتوان مستقیما امور بهداشتی را در اقتصاد یك منطقه دخالت داد ولی چون منطقه‌ای که امور بهداشتی در آن رعایت می‌شود افرادی سالم دارد این امر خود بطور غیر مستقیم در نیروی انسانی و بالنتیجه در اقتصاد آن منطقه موثر است .

اداره کل بهداری استان نهم در هرسال برنامه پیش‌گیری و کنترل بیماریها راانجام می‌دهد . یکی از مشکلترین وظایف این اداره جلوگیری از ورود آبله ووبای‌التوراز کشور های همسایه است چون با ۱۰۰۰ کیلو متر مرز مشترك این کار فوق‌العاده مشکل وطاقت‌فرساست . در تمام مدت سال۱۲ گروه آموزش و بهداشت و هشت اکیپ مهندسی بهداشت در نوار مرزی مشغول فعالیتند .

این اداره برای بیماریهای دیگر ازقبیل سرخك ، فلج اطفال ، دیفتری ، سیاه سرفه کزاز ، سل ، وجذام مراکز مبارزه وکنترل دارد .

۳۳ گروه سپاه بهداشت در سراسر استان خراسان کار بهداشت محیط از قبیل تهیه آب آشامیدنی و به سازی محیطرا بعهده دارند .

چون بیماری سل و جذام بالنسبه در خراسان زیاد است‌پروژه‌ای مخصوص برای ریشه‌کن کردن سل در دست اجراست . در شهرستان مشهد آسایشگاههای : مسلولان با ۲۲۰ تختخواب، مجذومین با ٥۰۰ تختخواب روانی با ٥۰۰ تختخواب و بیمارستان سوانح با ۸۰ تختخواب شبانه روز به پرستاری و مداوای بیماران مشغولند .

سه مرکز بهداشت و مراکز مبارزه با سل و بیماریهای آمیزشی و ریشه‌کنی مالاریا نیز در این کوششها سهیم هستند .

سه شهر نمونه

الف ــ مشهد : «درمیان حلقه‌یی از کوه های متعدد در ٥۹ درجه و ۳٥ دقیقه طول شرقی و ۳٦ درجه و ۱٦ دقیقه عرض شمالی شهری بزرك بنا شده که بعد ها «مشهد» نامش نهاده‌اند .

این شهر ٤۲ هزار نفری تا آغاز قرن سوم هجری روستایی بنام سناباد از توابع طوس بود . این همه عظمت و بزرگی که امروز در مشهد دیده می‌شود زمانی آغاز گردید که این روستا بعلت بقعه مطهر امام هشتم مورد توجه و محل زیارت ارباب دیانت حاجت قرار گرفت البته مشهد پیشرفتش‌را خیلی کند و با تانی وبمرور زمان انجام داده است مگر در چند سال اخیر که توجه بیشتری بآن مبذول گردید .

در مشهد انواع صنایع کوچك و بزرك از قبیل ماشین سازی جدید ، کارخانه چرمسازی ،پارچه بافی ، سیمان ، کمپوت و کارخانه قند آبکوه موجود است . ضمنا مشهد یکی از صادرکنندگان بزرك قالی و قالیچه و نیز میوه صیفی است .

مشهد مجموعا با نیروگاههای قدیمش‌در حدود ٤۰ هزار کیلووات‌برق می‌تواندتولید کند که با این برق مصرف کلیه کارخانه‌ها براحتی تامین می‌شود . روشنائی شهر نیز در سطحی اقتصادی انجام شده بطوریکه‌حتی در محلات فقیرنشین مشهد شبکه های جدید با چراغ های جدید کوچه وخیابان را از تاریکی مطلقی که تا چند سال پیش برآن حکمفرما بود ، نجات داده است .

با همه این ها هنوز شاید مشهد فقط گامی بسوی صنعتی شدن برداشته باشد چون بیش ازسه‌پنجم اراضی‌مشهد متعلق به آستان قدس رضوی است و تابع تصمیماتی است که آستانه در مورد این اراضی بگیرد . حل این مساله بسیار مشکل است چون هیچیك از صاحبان صنایع بزرك و بانکها و موسسات روی زمینی که مالك زمین نیستند حاضر بایجاد تاسیسات بزرك نمی‌باشند و این از مسائلی است که شاید بعد ها مورد مطالعه قرار گیرد .

از نظر به سازی محیط نیز در مشهد اقدامات دامنه‌داری صورت گرفته است . برنامه هائی نیز در دست اجراست تا هرچه

بیشتر برزیبایی این شهر بیفزایند .

یکی از برنامه های فوق‌العاده مهم که در آینده‌یی که شاید خیلی هم دور نباشد اجرا خواهد شد تخریب دکانها ومسافرخانه های مخروبه و قدیمی و خیابانهای کهنه اطراف صحن مطهر امام رضا است.

اجرای سریع این برنامه هم از نظر توسعه و تامین رفت وآمد وهم از نظر هم‌آهنگی با منظره حرم و مسجد ضرورت کامل دارد

لازم بتذکر است که طبق محاسبه های انجام شده درآمدی که از این راه عاید خواهد شد خیلی بیشتر از مخارجی است که بکار خواهد رفت .

ب ــ نیشابور :

نیشابوری که در تاریخ می‌خوانیم و تنها کشتار مغول یك میلیون نفر از مردم آنرا نابود کرده است ، نیشابوری که ۲٤ خانقاه بزرك و چندین کتابخانه عظیم داشت، نیشابوری که مرکز دانشگاه نظامیه شرق ایران بوده امروز شهری است محقر با جمعیتی در حدود ۳۰٫۰۰۰ نفر . البته هنوز بقایای مختصری از خرابه های نیشابور قدیم در بیرون شهر فعلی موجود است .

کوره های پختن ظروف کاشی لعابدار و محلات کهن عظیم چون شادیاخ وشومیزیه را از روی حدود قدیم وبشهادت کوهسارانی که برپایه است می‌توان تمیز داد .

گاه از این خرابه ها مقادیر زیادی‌اشیاء عتیقه اعم از فلزی و سنگهای گرانبها و هم‌چنین ظروف بسیار نفیس لعابدار منقش قرون قدیم را ، در حفاریهای غیرمجاز مردم بدست می‌آورند .

اقدامات اداره فرهنك‌وهنر وژاندارمری با کمبود مامور اثر زیادی در این امر نبخشیده است .

حفاران محلی که سالها از این منطقه بهرمند شده‌اند بآسانی دست بردار نیستند . چرخ ودلو آنان اگر روز منع‌داشته باشد در شب با چراغ کار می‌کند و با زدن چاههای عمیق آثار کهن را بدست میآورند و با واسطه هائی که دارند بتهران و اغلب به خارج از کشور برده می‌فروشند .

در نیشابور آرامگاه امام زاده محروق که اخیرا بسیار زیبا تزئین و تعمیر شده و مزار خیام مشترکا در یك باغ قرار دارند و باید صادقانه گفت که عظمت و جلال‌ایوان و گنبد امام زاده با آن کاشیکاریهای زیبا که چون گوهری می درخشد مزار خیام را که آن نیز در نوع خود زیبا و پرجلال‌است تحت‌الشعاع قرار داده است .

چند کیلومتر آنطرف‌تر در حد جنوبی نرسیده بشهر نیشابور آرامگاه عارف بزرك قرن هفتم ایران فریدالدین محمد عطار نیشابوری قرار دارد . آرامگاه هنرمندمعاصر ایران کمال‌الملك نیز در این باغ قرار دارد .

نزدیك راه عمومی یك گنبد و بارگاه آجری خود نمائی می‌کند که احتمالا ممکن است مزار فضل بن شاذان باشد .

هنوز فیل خانه محمود غزنوی بهمین اسم بعنوان یك ده در چند کیلومتری‌نیشابور برجای مانده است . وفیلخانه دیگری نزدیك کوه نیشابور هست که اگر حفاری دقیقی زیر نظر اداره باستانشناسی بعمل آید شاید آثار هنری نفیسی که ذوق و اندیشه ومهارت نیاگان ما را نشان دهد بدست خواهد آمد .

در شهر نیشابور از کارخانه های بزرك صنعتی خبری نیست و شهر بیشتر جنبه کشاورزی دارد . محصولات کشاورزی آن عبارتست از غلات ، پنبه ، حبوبات و انواع میوه وصیفی ، نیشابور استعداد آبادانی بسیار دارد .

چون شهر نیشابور برسرراه تهران ــ مشهد قرار دارد از نظر ترانزیتی و توریستی امتیازات زیادی را حائز است به به‌سازی و نوسازی آن توجهی مبذول شده که از جمله می‌توان به اسفالت خیابان ها و روشنائی شهر و نیز ساختمان مهمانسرای زیبائی توسط سازمان جلب سیاحان اشاره کرد .

اخیرا نیروگاه جدیدی برای تامین برق نیشابور به قدرت ۲٤۰۰ کیلووات خریده‌اند که یکی از موتور های آن بقدرت ۱۲۰۰ کیلووات از اول فروردین سال جاری‌شروع بکار کرد .

پ ــ سرخس :

چندی پیش ناگهان در فاصله ۲۰ کیلومتری شهر مرزی بین ایران و شوروی که سرخس نام دارد و تجن آنرا از مرز شوروی جدا می‌کند گاز با قدرت تمام‌فوران کرد و سپس مهار شد .

کارکنان و متخصصان جوان نفت ایران این توفیق بزرك را بدست آورده بودند .

مطبوعات کشور ظرفیت مخزن چاه اول را حدود پانصد میلیارد متر مکب گاز برابر با حدود پانصد میلیون متر مکعب نفت خام می‌گویند و می‌گویند هم‌اکنون چاه دوم هم به گاز رسیده و چاه سوم هم در شرف حفاری می‌باشد .

اگر مصرف سالانه استان خراسان را معادل حدود یك میلیون متر مکعب مواد نفتی فرض کنیم و اگر این مقدار گاز جای گزین مواد نفتی شود این‌چاه گاز بمدت‌حدود پانصد سال‌می‌تواند (براساس‌مصرف کنونی) نیاز نیرو و انرژی استان خراسان را تامین نماید .

هم‌اکنون برنامه‌ای در دست مطالعه است تا با استفاده از این گاز یك کارخانه برقی بقدرت ٤۰۰ هزار کیلووات را براه اندازند. در نزدیکی‌های این چاه ها ، چاه دیگری که از آن آب بشدت فوران کرده و اکنون مهار شده وجود دارد . این چاه که آرتزین است هنگامی پدیدار گشت که مامورین‌برای پیدا کردن نفت تلاش می‌کردند .

شهر نمونه سرخس که فاصله‌اش تامشهد ۱۸٤ کیلومتر است با ۵۵۰ هزار هکتار وسعت در حدود ۵۵۰۰ نفر جمعیت دارد . در این شهر نمونه ، اولین چیزی که به تازه وارد خوش آمد می‌گوید بلواری است که در نهایت زیبایی جلوه‌گر است و در ۲ سال اخیر باتمام رسیده ، طرح پارك نیز در سرخس پیاده شده است

قسمت عمده این اراضی در دامنه های کوهستان است که از مراتع طبیعی پوشیده شده و محل چرای زمستانی دامهای سرخس وشهرستان های قوچان و مشهد است .

بیشتر املاك سرخس متعلق بآستانه قدس رضوی است که خود راسا عامل کشت و زرع وبرداشت می‌باشد و در کلیه کار ها نظارت مستقیم دارد .

آستان‌قدس برای‌بهبود وضع‌کشاورزی سرخس تاکنون فعالیت های ثمر بخشی‌انجام داده است و برنامه های وسیعی نیز از لحاظ زراعت پنبه و گندم و آفتاب گردان و محصولات دیگر کشاورزی در دست اجرا دارد .

۳۵ هزار هکتار اراضی سرخس که قابل زراعت می‌باشد در حاشیه رود تجن واقع است .

در وضع حاضر ۸۵۰۰ هکتار زمین زیر کشت گندم ، ۱۵۰۰ هکتار زیر کشت پنبه ، ۵۰۰ هکتار زیر کشت دانه های روغنی و ۵۰۰ هکتار زیر کشت صیفی است .

یك بخش دامداری نیز در سرخس موجود است که قسمت عمده آن را دویست هزار راس گوسفند تشکیل می‌دهد .

مراتع سرخس قدرت تغذیه ۵۰۰ هزار گوسفند و بیشتر را دارا می باشد . مهمترین نوع گوسفندی که در سرخس پرورش می‌یابد قره‌گل است که ایستگاه بررسی اصلاح نژاد آن نیز برقرار می‌باشد .

برنامه‌هایی نیز برای‌آینده سرخس در دست اجراست . از آن جمله‌اند :

۱ــ کارخانه روغن کشی

۲ــ کارخانه فیبر سازی .

۳ــ ایجاد پایگاههای کمك بدامداران در مناطق تجمع گوسفند .

٤ــ کشتارگاه و سردخانه ،با اتمام ساختمان کشتارگاه صنایع گوشت و پوست در این بخش بوجود خواهد آمد که در اقتصاد ناحیه‌یی و همچنین اقتصاد استان خراسان تاثیری شگرف خواهد گذاشت .

از : مهین محبوبی

صفحه پانزدهم

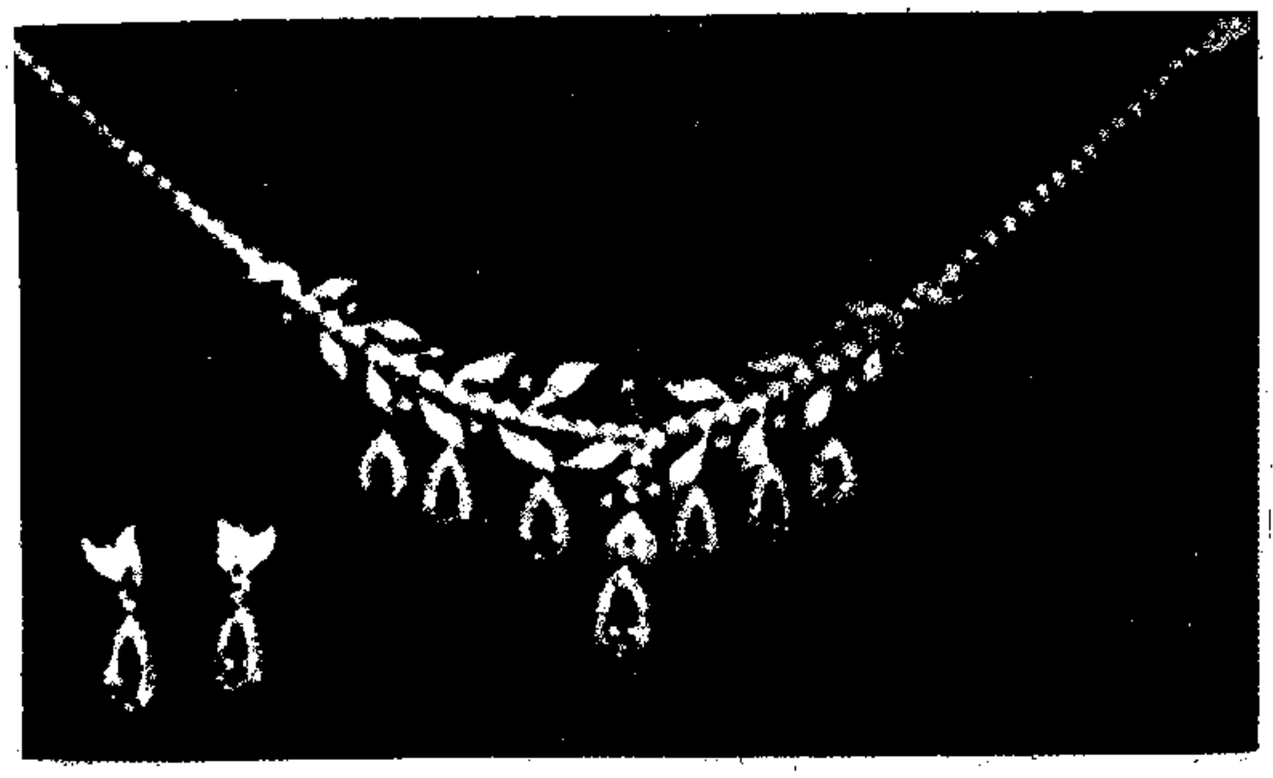

مردی در میان الماس، یاقوت، زمرد

در ابتدا در ورودی موسسه طلا، ویترین کوچکی که در عین حال با سلیقه‌یی عالی تزئین شده است وجود دارد وبعد راهروباریك آئینه‌کاری شده‌ای که ما را بـه گنجینه‌ای پرارزش می‌رساند .نمای داخلی این جواهر فروشی مملو از اشیاء قیمتی‌است که‌باسنگهای‌برلیان و الماس و زمرد و غیره که به‌طرز بسیار زیبایی بصورت زیور آلات قیمتی درآمده و ظرافت و دقتی‌که برای ساختن آنها بکار رفته چشمها را خیره می‌کند .

رفت وآمد زیاد بود ومن فکر کردم شاید هیچ‌کس متوجه ورود من نشده است در حالی که ازدیدن چنین مجموعه‌یی گیج شده بودم به گوشه‌یی رفتم . تمام وجودم چشم شده بود و محو تماشا شدم . یك سرویس چایخوری مرصع که‌واقعا به طرزی زیبا ساخته شده بود مثل آهن‌ربا مرا بطرف خود کشید . جایتان خالی شاید بیش از آن‌که از نداشتن چنین مجموعه‌یی حسرت بخورم ، حس تحسین‌ام برانگیخته شده بود . صاحب این فروشگاه مردی است جوان او شاید تنها جواهرسازی باشدکه بطورآکادمیك این فن و هنر ظریف را آموخته اورا به اسم کوچکش می‌نامندآقای لئون اما فامیلش آدریان است . مدرسه جواهرشناسی را در نیویورك تمام کرده و اکنون بررسی هـای علمی خود را با تماس دائم بـا انستیتوی جواهرشناسی آمریکادنبال می‌کند . از او خواستم که بـه سؤالات ما جواب‌گوید واو حاضر شد، بخاطر هنرش بخاطر ذوقش و بخاطر سلیقه عالیش . با فروتنی بسیار سینه‌یی صاف کرد و آماده شد .

تلاش ــ چگونه از ایـــن مجموعه نفیس و گرانبها حفاظت می‌کنید .

لئون ــ دیوار ها و سقف و کف اینجا از بتن آرمه مخصوص و خیلی محکمی ساخته شده و در فولادی محکمی با قفل الکترونیکی در موقع تعطیل مغازه رابطه این جا را با دنیای خارج قطع می‌کند. همچنین در طول روز که مشتریان برای خرید می‌آیند بیش ازدوازده نوع دستگاه متفاوت و مختلف بطور سری و اتوماتیك مشغول کار است تا اگر یکی خنثی بشود دیگری وظیفه خود را انجام دهد یکی از این طریقه ها که در بعضی ازجواهر فروشی های خارج نیز مرسوم‌است این است که از دوربین های خودـ کاری که بخودی خود از مراجعه کنندگان عکس می‌گیرد استفـاده می‌کنیم . این کار دو حسن دارد اولا احتیاط های لازم بعمل می‌آید ثانیا آلبومی از شخصیت هـــای معروفی‌که برای خرید می‌آیند تهیه می‌شود . از جمله افراد برجستـه خارجی که امسال از این فروشگاه خرید کردند خانم رئیس جمهور فیلیپین (خانم مارگوس) و خانم وزیر دارائی ، آلـمان غربـــی (اشترراوسی) و کرك بوگانـز و آنتونی ویتمن و همسرش که از هنرپیشگان معروف هستند .

تلاش ــ اما قبل از این که سؤال دوم را مطرح کنم خـود صحبت را ادامه داد گفت :

لئون ــ جواهرشناسی هم‌علم است وهم هنر وشرح آن در چند جمله مختصر امکان پذیر نیست . صحیح است که داشتن جواهر عالی باید با ثروت همراه باشد ولی در این قرن با بودن نمایشگاهها وموزه های بزرك، ذوق و شوق جواهـر دوستی و گوهر شناسی هرکس می تواند تاحد زیادی‌ارضا شود. همین طور کتاب های متعددی کـه در زبان های خارجی راجع به علم و هنر گوهر شناسی نوشته شده‌است می‌تواند منبع اطلاعات‌وسیعی باشد. می‌دانید یك گرد آورنده مجموعه هنری اگر واقعا یك کلکسیونـر با ذوق باشد هیچ وقت هرروز فهرست قیمت های مجموعه‌اش را جمع نمی‌زند بلکه این کار بعضی از تماشاگران است که قبل از این که به ظرافت و دقتی که در تهیه آن مجموعه بکار رفته و بدون مقایسه آن با مجموعه های نظیرش توجه به ارزش کلکسیون می‌کنند و گاهی حتی قیمت چوب‌بست ها و نورافکنهای موجود در آن‌محوطه را هم حساب می‌کنند تا بدانندقطعا چه مبلغ پول در این گنجینه‌موجود است و احیانا فکر می‌کنند بـا چنین پولی چه کارهایی که نمی توان انجام داد .

تلاش ــ آیا بین جواهر ــ شناسی و هنرشناسی رابطه‌یی وجود دارد یا نه ؟

لئون ــ همین طور که گفتم گوهر شناسی هم علم است و هم هنر، بنابراین نه‌فقط رابطه‌یی وجود دارد بلکه این دو از زمانهای‌خیلی قدیم توامـا با همدیگر بوده است .

علم زمین شناسی ومعدن‌شناسی برای کشف و استخراج سنگهای معدنی و تفکیك جواهرات از آن علم فیزیك و هندسه در تشخیص انکسار (کسر) و انعکاس نور در نگین مورد نظر و تراشیدن‌هندسی برای نمایاندن حداکثر محاسـن و زیبائی داخل نگین و چندین رشته دیگر از یك طرف ، وهنر بوجود آوردن یك زیور گوهـر نشان که دارای خصوصیات هنری برجسته باشد از طرف‌دیگر، لازمه ترکیب علم و هنر را در گوهر شناسی و جواهر سازی قطعی می کند .

تلاش ــ کمی راجع بـــه تاریخچه جواهر حرف بزنید .

لئون ــ زیورآلات وزیـــنت سازی تاریخچه‌ئی تقریبا بقدمت‌قبل ازتاریخ بشردارد . ابتدایی‌تـرین اشیایی که بعنوان زینت شخصی بکار می‌رفته است ازسنك واستخوان وصدف ساخته می‌شده که متعلق‌به‌عهد حـجـر است در حـفاریـهای مـرکـز و شمال مـرکزی ایران، مربوط به عهد حجر ، در مقبره ها گرد بندهائی از صدف پیدا شده است وتعجب اینجا است که این صدف‌ها مخصوص خلیج فارس است ومعلوم می‌شود که مردی آنها را بآن زن هدیه کرده است یاخودش زحمت‌آنهمه راه‌راکشیدویاازافرادی که از خلیج فارس می آمده‌انـد خریده، درهرحال زینت از دوران ماقبل تاریخ بوده ویکی از علل نگهداری زینت واشیائی زینت مانند برای آدمیزاد اعتقادات وتفهمات او نسبت به‌اشیاء بوده است بخصوص که عقیده داشتند این جواهر آنها رادر مقابل ارواح خبیثه حفاظت می‌کند .

یکـی از طـرق یـافتـن و ثـــابـت کـــردن میـزان تمدن وپیشرفت هرملت در دوران باستان میزان ظرافت و هنر هایی که درساختن واستفاده کردن زینت وجواهرات آن ملت بکار میرفته است‌استفاده می‌باشد. دراین‌خصوص درتواریخ یونان واروپای جنوب شرقی ومصر وبین‌النهرین زینـت آلات جالب وبسیار فراوان وجود دارد و اعتقادات مذهبی در ساختن اشیاء پرقیمت منبع‌الهام بوده‌است واکنون با بررسی این زیور آلات وشبیه سازی طلا ونقره که بعضی آنها مرصع و جواهرنشان اسـت می‌تواند به‌کشف اعتقادات مردم‌آن ایام کمك کند . موزه های دنیا وموزه‌های ایران‌وکلکسیونهاشخصی پراکنده درتمام دنیا نمودار وثابت کننده‌ی این مطلب است کـه از عهد خیلی قدیم هنر نزد ایرانیان بوده است وبس . مهرهای حکاکی شده روی‌سنك‌های قیمتی ودستبندها وگردنبد های طلا وگوشواره‌های بسیار ظریف سرویسهای غذاخوری از طلا وسینی هائی از طلا ونقره وجامهای شراب از طلا ونقره پیدا شده است کـه این نشان دهنده آن

صفحه شانزدهم

است که سلاطین وشاهنشاهان ایران چقدرمشوق هنرمندان وآفرینندگان آن همه ظرافت بوده‌اند .

بعداز اسلام هم هنر جواهر سازی بیشتر از هنرهای دیگر نظیر نقاشی ومجسمه سازی مورد توجه پادشاهان ایران بوده است .

تلاش ــ حال اجازه‌دهیدبمطلب اصلی‌یعنی‌به‌هنر جواهرسازی‌بپردازیم ولی‌قبل ازاین‌که تعریف‌این هنر را تاآنجایی‌که‌ممکن است کرده باشید می‌خواهم‌راجع به‌اهمیت ونگهداری وهدیه کردن یك جواهر وزینت قیمتی برای خوانندگان ما سخن بگوئید .

لئون ــ ممکن است بعضی ها بگویند فایده اینکار چیست اگر تنها ثروت است‌که می‌توانندسند املاك وسهام بانك‌ها وشرکت‌ها و منابع تولید کننده باشد . جواب این است که از دوران های خیلی قدیم داشتن جواهر و زینت قیمتی و بخصوص هدیه‌کردن‌آن نشان دهنده الفت و بیان کننده عالی ترین احساسات شخصی به شخص دیگری بوده وهست ، همانطوریکه در علم شیمی بعضی از اجسام بدون حضور شیئی ثالثی بنام کاتالیزور بهم آمیخته وترکیب نمی شوند حضور جواهر وطلا وزینت قیمتی در خانواده یکی از عوامل قوی دوام عشق ومحبت وتلاش به‌ایجاد حسن تفاهم می‌توان به‌حساب‌آید . من‌در تجربه شخصی خودم بارها به‌این موضوع برخورد کرده‌ام که چه‌ذوق وشوقی برای یك زن ازهدیه گرفتن ویا خریدن جواهر بوجود می‌آید وچگونه مدتها قبل از خرید ومدتها بعد ازخرید شوق تصاحب جواهر وفکر این که تاچه حد مرد مورد نظر ویا شوهرش برای او اهمیت قائل است ودر انتخاب وهدیه کردن جواهر چه میزان دقت خواهد کرد برای زن کمال اهمیت را دارد ولو این که آن جواهر کم قیمت باشد طرز انتخاب‌وارائه‌آن نشان دهنده میزان محبت بین طرفین می‌تواند باشد .

خیلی طبیعی است که زن‌زینت وجواهر را دوست داشته باشد حتی آنهایی که فکرمی کنند ویاتظاهر می‌کنند که دوست ندارند یااز روی متانت ویااز روی کم اطلاعی خود راموقتا کنار کشیده‌اند همانطوریکه اغلب غریزه هاغیرقابل اجتناب‌است دوست داشتن جواهر وزینت هم‌اگر چه غریزی نیست درزن غیر قابل اجتناب‌است. ازبیان این‌قسمت غیر از مطالبی که گفتیم نتیجه دیگری هم می‌توانیم بگیریم وآن این است که برای درك اهمیت هنر جواهر سازی وجواهر شناسی باید حتما درکی غریزی وعاطفی موجود باشد اصولا درك همه هنرها بستگی به این عوامل‌دارد . چه شعراء بزرك قرون گذشته ایران وچه نقاشان نابغه مغرب زمین همه وهمه از رنك های عالی دلپذیر نگین های الوان جواهر وبرق وشفافیت طلا الهام گرفته‌اند ولی هیچکس به‌اندازه خود گوهر شناس وجواهر ساز هنرمند به‌عمق رنك وتلالوو ماهیت سنك های گوهری نفوذ نکرده است هیچ‌نقاشی، هرقدر ماهرباشد ، رنك بلورین وثابت به زیبائی رنك سبز چمنی زمرد هندوکلمبی نمی تواند بوجودبیاورد. یاقوت قرمز برمه با شفافیت‌بلوری خندان‌وشادی آفرین خود با لطافت گل سرخ رقابت می‌کند . جذب و انعکاس نور در الماس ویاقوت بحدی است که از فاصله های بسیار زیاد بیشتر از هر شیئی هنری دیگری چشم بیننده را مجذوب می‌کند واینها بدون شك غنی‌ترین مواد اولیه است‌که میتوان در یك رشته هنری بکار برد . پس اگر هنر خلاقه یك نقاش ومجسمه ساز اهمیت دارد صد چندان هنر خلاقه جواهر ساز اهمیت دارد که باپهلوی هم قرار دادن نگین های رنگی از جواهرات پرارزش رنك آمیزی بسیار عالی‌تر وبر جسته‌تر از رنك آمیزی یك تابلو بوجود می‌آید . همچنین عمق و سه‌بعدی جواهر باعث می شود که جواهر سازی از سطح مسطح تابلو خود را خلاص کند وظریفترین و عالی‌ترین مجسمه سازی هارا بوجود آورد . درباره مفاد وموضوع وبیان هنرهای بصری دیگر ومقایسه آن باهنر جواهر سازی باید گفت که چون سابقه براین جواهرات وفلزات مربوط به‌جواهر سازی کمیاب وگران قیمت بوده وهمه اطلاع کافی از آن نداشته‌اند ممکن است بعضی ندانند که همان بیان واحساسات ولطافت که درموضوع ومفاد یك تابلو ومجسمه نهفته است درساخت وآفرینش یك‌اثر جواهر سازی شده هم می‌توان بوجود آورد وپرورش داد .

تلاش ــ درابتدای مصاحبه گفتید که دراکتشاف واستخراج سنگهای معدنی (مینرالها) سنگهای جواهر رابايد تفكيك كرد چه خصوصیات ملاك ارزش واهمیت جواهر است ؟

لئون ــ اولا برای‌استخراج‌سنگهای گوهری احتیاط ومراقبت ومخارج خیلی بیشتر از سنگهای معدنی دیگر باید بکار برد زیرا حین حفرر گه‌ها یك‌ضربه حساب‌نشده ترك وشکستگی در سنگها بوجود آورده واز میزان قیمت آن‌خیلی‌زیاد کم‌می‌کند . اما راجع به تعیین وحد ملاك قیمت‌ها این‌یك‌امر کاملا وسیع‌علمی وتجارتی است ولی بطور کلی یکی از علل گرانبها بودن سنگها وفلزات قیمتی معدود بودن منابع آن هاست به‌این دلیل‌که مشخصات این‌سنگها وفلزات منحصر به‌خودشان است . راجع به فلزات گرانبها مثل (طلا ــ پلاتین ــ پلادیم ــ نقره) وزن مخصوصی بالاتر از وزن‌مخصوص فلزات دیگر دارند در حالی که درجه اکسیده شدن آنها خیلی خیلی کم است و این باعث دوام رنك دلپذیر آنهاست مجاورت با مایعات و گاز ها واجسام دیگر آنها را اکسیده نمی‌کند . درنتیجه‌فرسوده نمی شوند ساده‌تر بگویم زنك نمی‌زند .

تعیین قیمت ها در فلزات گرانبها خیلی آسانتر از جواهرت است زیرا بعد از تشخیص مقدار خالصی فلز ، مضنه و میزان قیمت بین‌المللی فلز معلوم ومشخص است ولی درجواهرات باوجود این که قیمت و مضنه روز آن معلوم است تشخیص ومقایسه‌و تعیین دقیق آن احتیاج به تخصص وتجربه فراوان دارد .

رویهمرفته جواهرات‌پراهمیت، که یك تکه‌بزرك ومرغوب‌آن‌قیمت بی‌حساب پیدا می کند و اسامی و مشخصاتش درتاریخ ثبت می شود ، محدود به‌انواع الماس، یاقوت قرمز ولعل است ودیگر جواهرات هرقدر بزرك ومرغوب باشند قیمتشان به اندازه این چهار جواهر نمی رسد. از طرفی نوع جنس رل مهمی در شهرت نگین ها دارد مثلا سختی وغیرقابل‌فرسودگی‌بودن‌الماس آن‌را ملقب به سلطان جواهرات کرده و لطافت و وقار وسادگی مروارید اصل او را به عنوان ملکه‌جواهرات معروف کرده است یاقوت قرمز و یاقوت کبود که رنك‌های کاملا متفاوتی‌دارندازلحاظ علمی‌ازیك‌ماده تشکیل شده‌اند که به آن کوراندم (Corundum) میگویند، بایدتوجه داشته باشید که کوراندم در طبیعت به همه رنك‌ها یافت می‌شود بنابراین یاقوت هم به تمام رنك ها وجود داردولی نوع‌مرغوب وخوب یاقوت قرمز از معادن برمه‌استخراج‌می‌شود که حالا دانه های درشت آن خیلی کمیاب است ، رنك یاقوت قرمز مثل حبه انار است که خارجیان قرمزی آنرا به خون کبوتر تشبیه می‌کنند شفافیت وتلالو نوع مرغوب یاقوت آنرا یکی از زیباترین گوهر ها کرده است .

کمیابی‌ومرغوبیت یاقوت‌قرمز بحدی است که اگر وزن آن ازسه قیراط به بالا باشد وشفافیت وپاکی آن کامل باشد قیمت آن از الماس وبرلیان هم حجم خودش گرانتر است .

بهترین یاقوت قرمز از معادن برمه وبهترین یاقوت کبود از معادن کشمیر وبهترین زمرد از معادن هند وکلمبیا (درامریکای‌جنوبی) بدست آمده است ولی کشورهائی نظیر تایلندوسیلان، برزیل وکره‌وروسیه (سلسله جبال اورال) و امریکای جنوبی کنگو رودزیا پاکستان‌دارای انواع مختلف ازاین نوع جواهر هستند .

بهترین فیروزه ازایران و بهترین مروارید اصل از خلیج فارس بهترین اوپال از استرالیا بهترین توپاز واکومارین وانواع آماتیس‌وروبی‌لیت‌واغلب کوارتزها وتورمالین ها برلینها در امریکای جنوبی وبرزیل یافت می‌شود بهترین رنگهای آماتیس و الکساندرید و چشم گربه در اورال و نپال بدست آمده‌است . بهترین لاجورد از افغانستان وبهترین عقیق ولکسدنی از کشور یمن‌استخراج می‌شود بعضی از انواع گارنت از چکسلواکی و بهترین جیدر و نفرایت از چین و هندوچین بدست‌آمده است .

بهترین کهربا در سواحل کشور های اسکاندیناوی و بهترین مرجان در دریا های کارائیب و اطراف اندونزی وجود دارد . از نگین های پراهمیت یکی هم زیر کن است که در هند وچین وسیلان یافت می‌شود ومثل کوارتزها و تورمالین ها وسپنیل ها (لعل) و کورندم ها ازهمه رنك آن وجود دارد و سفیدشان مثل برلیان قرمزشان مثل یاقوت و آبی‌شان مثل یاقوت کبود و سبزشان کاملا مثل زمرد است ورنگهای شفاف وزیبا دارند و چون سنك هائی اصل و معدنی می‌باشد گوهر واصالت آنها

صفحه هفدهم

معادل سنك‌های نظیر خود که پر ارزشترهستندمی باشد ولی‌یك گوهر شناس در اثر تجربه ومطالعات علمی می‌تواند آنها را از هم جدا کند و نوع ومحل معـدن و میزان مرغوبیت وارزش آنرا تعیین کند .

باید بگویم که درکشور های که اسم بردم فقط یك یا دو نوع از این جواهرات به صورت عالی خود پیدا شده است ولی درجوار همین‌معادن ازنوع‌دیگر که درجه اهمیتشان‌کمتر است پیدا شده‌است مثلا در ایران فیروزه عالی بدست آمده و ثابت شده است که بهترین فیروزه دنیا است ولی معادن جواهر دیگر هم فراوان است که در دست اکتشاف و بهره برداری می باشد غیر از نگین هایی که اسم بردم ودر باره هرکدام از آنها مطالب خیلی‌مفصل‌می‌توان بیان‌کرد نگین های دیگری هم‌هستند که درجواهر سازی بکار می‌روند مثل چشم ببری و سنك مـاه (Moonstone) ساردونیکس ــ آنـدرودایت ــ سپسارایت ــ آلماندایت ــ رود ولایت پیروپ کـریـزوبرنل و کروسولایت ، انواع لعل ها و پریدوت وسنك آفتاب آونتوریـن سپودومین ــ مالاکیت و غیره مشخصات علمی هر یك ازاین سنگها و تناسب مرغوبیت و تناسب کمیابی وارزش آنها بحث های خیلـی طولانی دارد . همانطوریکه استادی یك نقاش به ساختن و شناختن رنك های مخصوص وابستگی دارد یك گوهر شناس هنرمند هم در مغز خود باید آلبومی بزرك از انواع نگین‌ها و بخصوص انواع رنگهای آنها را داشته باشد مقایسه ومجسم کردن همه آنها و گرایش یکایك آنها به همه رنگهای دیگر قـوه حافظه و تصور بسیار قوی لازم‌دارد واین یك قدرت هنری است برای طراحی یك اثر بدیع و از طرف دیگر فن است برای تشخیص و قیمت گذاری آن سنك ها .

تلاش ــ راجع به سلطـان جواهرات بگوئید .

لئون ــ راجع به‌الماس کتاب های زیادی نوشته‌اند که فکر می کنم‌ترجمه‌ای ازآنها به‌فارسی‌نداریم. الماس از کربن صددر صد خالص بوجود می‌آید و فشردگی وسختی آن بقدری است که منحصر به فرد شناخته شـده است یعنـی هیچ جسمی چه مصنوعی و چه بـطور طبیعی سخت‌تر از آن بوجود نیامده است . جالب است اگر بدانید با آن که ازحیث سختی یاقوت بعد ازالماس‌قرارگرفته اختلاف الماس‌با یاقوت از حیث سختی ۸۵ برابر است . الماس اجسام را خراش می‌دهد در حالی‌که خودش خراش برنمی دارد . الماس سنگی ابدی وغیرقابل فرسودگی است خط و خدشه بر نداشتن الماس آن را مظهر پاکی و خلوص نیت وعشق بی تردید معرفی کرده است وبر همین مبنا از قدیم در همه ملت ها رسم براین بوده است که در مراسم نامزدی وازدواج هـدیـه می شده ومی‌شود . تراش الماس با جسم دیگری امکان ندارد وفقط الماس را می توان با الماس تراش داد .

اسامی انواع تراشیده شده الماس زیاد است مثل برلیان گرد ، برلیان زمردتراش ،برلیان باگت تراش،برلیان‌مارکیزتراش ، برلیان پرشیپ تراش ، برلیان سه گوش تراش ، الماس فلامك تراش، الماس هندی تراش الماس آیینه تراش .

الماس درطبیعت به رنك های مختلف پیدا می‌شود مثل صورتی، نارنجی ، زرد ، سبز ، قهوه‌ای، بنفش سفید بی‌رنك وآبی در جواهر شناسی نوع رنك متمایل به سفید وآبی آن مرغوب است وبرای تعیین قیمت این سنك حتما باید به متخصص مراجعه شود تامیزان گرایش آنرا نسبت به رنك سفید و رنك‌های دیگر را بسنجد البته نباید فراموش کرد که رنك تنها کافی نیست بلکه باید وزن و میـزان خالص بـودن تـلالو و دیگـر خصوصیات آن را هم در نظر گرفت برای این کار از ذره بینـی استفاده می‌شود که تا ۳۰ برابربزرك مـی کنـد . در الماس میـزان انکسار (کسر) نور با رقم ۲٫٤۱۷ نشان داده‌می‌شود . در زیرپلارسکوپ (Polariscope) انعکاس تك دارد . وزن مخصوص آن بـا رقم ۳٫۵۲ (± ۰) نشان‌داده می‌شود و تلالو نوع مرغوب آن عالی‌است.

بزرگترین و بهتـرین معدن الماس که تاکنون شناخته شده است معدن الماس کیمبرلی واقع در افریقای جنوبی است . معادن الماس این کشور برای اولین بار در سال ۱۸٦٦ شروع به کار کرد و این کشف در دنیاتکان دهنده بود .

بایددانست‌که استخراج الماس درحدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در هندوستان آغاز شد . و پس از ۲۵۰۰ سال ذخیره معادن آن بپایان رسید . در دو سه قرن گذشته معادن برزیل الماس به‌دنیا می‌داد که ذخیره این معادن هم‌کم شده است .

حوزه‌ای که هم اکنون معدن عظیم‌کیمبرلی درآن‌واقع‌است‌زمانی حفره خطرناکی بود که هزاران معدنچی به‌آن ادعای حق می‌کردند. وبمرور ایام دهلیزها وکانالهای این معدن بیك‌میل رسیده‌است و در حقیقت از ۷۵ تن سنك و خاك که ازدل زمین بالا کشیده می‌شود وخرده کرده غربال می‌کنند فقط یك‌چهارم قیراط برلیان (آ . آ . آ .) (A.A.A.) نوع مرغوب برلیان بدست می‌آمد به غیر از این معادن دربستر بعضی از رود خانه ها و نزدیك شنزار ها باشستشوی و غربال کردن خاك الماس بدست می‌آورند .

اگر تمام سنك‌های الماس که استخراج می شود فقط به عنوان جواهر مورد استفاده قرار بگیرد قیمت آن بقدری بالا می‌رود که خرید غیر ممکن می‌گردد ولـی خوشبختانه ۹۰ درصد سنك هـای الماس در صنعت بکار می‌رود واین خود بخود موجب تقلیل قیمت ها می‌شود .

تلاش ــ درعلم‌گوهرشناسی چه وسائل و دستگاه‌ها کمك می‌کند .

لئون ــ وسائل ودستگاه ها بسیار زیاد است یکی ازآنها انکسار سنج است (Refreetometer) همان طوریکه می‌دانید نور در اثر برخورد با اجسام شکسته می‌شود ودرجه انکسار آن در سطح اجسام مختلف متفاوت‌است . دستگاه هایی هست که به کمك آن با تمرین های لازم می‌توان درجه انکسار نور را سنجید .

برخورد و نور زیر دستگاه بنام پولار سکوپ می‌تواند انعکاسی تك و یا انعکاس جفت داشته باشد . وهمانطوریکه می‌دانید همه اجسام وزن مخصوص دارند مـایعـات مخصوصی وجود دارد که در عین حال که روی جواهر اثر نمی‌گذارد میزان غلظت آن به گونه‌ای است که سنك مورد نظر می‌تواند درآن شناور و یـا تـه‌نشین شود و از میکروسکپهای‌مخصوصی‌که در دانش گوهرشناسی‌رل‌بزرگی دارنداستفاده می‌شود ولی دانستن این مطلب که در جواهر مورد نظر در زیـر میکروسکوپ دنبال چه مشخصاتی باید گشت تاهویت و خاصیت نگین معلوم شود بحثی است طولانی .

در این جا فهرست کوچکی ازمشخصات بعضی از جواهرات در اختیارشما می‌گذاریم

اسم جواهر	رنك
الماس	بی‌رنك سفید آبی خاکستری بنفش سبز قهوه‌ای زرد نارنجی قرمز
زیرکن	بی‌رنك قرمز نارنجی زرد سبز آبی قهوه‌ای
(برلیان مصنوعی) (Syn. Rutile)	بیرنك
یاقوت (کوراندم)	همه رنگها
یاقوت مصنوعی (کوراندم)	همه رنگها
چشم گربه	ارغوانی قرمز زرد سبز قهوه‌ای خاکستری
لعل سپینل	همه رنگها
لعل مصنوعی	اغلب رنگها
زمرد	بی‌رنك ارغوانی صورتی زرد آبی قهوه‌ای سبز
زمردمصنوعی	سبز
فیروزه تشکیل شده از فسفات‌آلومینیم هیدروژن در مخلوت با مس	آبی سبز
اوپال	همه رنگها

تلاش ــ دراین فهرست یاقوت اصل‌ویاقوت مصنوعی تمام مشخصات شبیه به‌هم را دارند این طورنیست؟

لئون ــ مصنوعی سازی اغلب اجسام در قرن ما علم و صنعت بزرگی را تشکیل می‌دهد .

در جواهر شناسی ، مصنوعی سازان علم خود را کاملا محرمانه نگه می‌دارند ولی اجازه فروش آنرا به عنوان اصل بهیچ وجـه ندارند و اگر اینکار را بکنند مجرم وقابل تعقیب شناخته می‌شوند .

یاقوت‌هم‌مانندالماس‌مصرف‌صنعتی دارد ولی‌نه باندازه آن و تشخیص اصل ومصنوع‌آن‌درزیر میکروسکپ به‌این صورت است که در یاقوت اصل حفره های زاویه دار وبلوری وجود دارد ولی در یاقوت مصنوعی حفره هایی‌بسیار ریز ومدوروحبابی شکل یافت می‌شود .

تلاش ــ متشکریم .

صفحه هیجدهم

www.KetabFarsi.com

● در مدت ٤٠ سالی که برای بررسی هنرهای ایرانی‌کار کردیم نه دکتر اکرمن و نه خود من پشیزی بخاطر کار خود نگرفتیم . نه بصورت دستمزد نه بصورت سود .

● مرکزهایی که به چاپ کتاب یاری کـرده بودندمیگفتند شما بیش از اندازه دقیق هستید و در پی کمال مطلق رفته‌اید لازمست در بعضی قسمتها شرایط و مقتضیات را ازنظر دور ندارید اما اکرمن گفت ما بهیچ روی حاضر بسازش نیستیم و این اثر باید تا سرحدامکان نزدیك به کمال مطلق‌باشد .

● این گنبد در زمانی ساخته شده که اروپائی‌ها طرزساختن گنبد یکپارچه را نمی‌دانستند . مثلا گنبد کلیسای سن پیتر بوسیله شش تا هشت زنجیر مخصوص محکم شده است .درگنبد کلیسای سنت پل لندن نیز تعداد زیادی تیر هـای چوبی بکار رفته است . گنبد مسجد جامع اصفهان از لحاظ‌محاسبه های ریاضی در حد کمال مطلق است و رویهمرفته بنائی است که باید باز مطالعه‌اش‌کرد ، با آن زندگی کرد وآنرا شناخت . این مسجد نمونه‌ایست واقعا ممتاز از هنردوران سلجوقی .

● این مرکز بصورت مرکز امید دانشمندانی درخواهدآمد که در همین زمینه‌ها کار میکنند.

● بطوریکه در بررسی‌های بعدی روشن شد مردی بنام‌آریستاگراس که فوق‌العاده جاه طلب و درعین حال نادرست بود از آسیای صغیر به یونان رفت و سعی کرد برای حمله‌به ایرانی ها سپاهی گرد خود آورد به یونانی‌ها میگفت که ایرانی ها فوق‌العاده ثروتمندند و جنك کردن بلد نیستند ،طرز پرتاب نیزه را نمیدانند همچنین طرز دفاع با سپر را، و اگر سپاه کوچکی در اختیار او بگذارند به آسانی ایرانی‌هارا شکست خواهد داد و در نتیجه همه ثروت و حتی خود ایران متعلق به یونان خواهد شد .

● من هیچوقت ایران را ترك نمی‌کنم . ایرا نهمیشه‌عشق من ، زندگی من ، و وطن من بوده و هست . نمیتوانم شیراز را با اینهمه زیبائی و با این باغ‌های دل‌انگیزش ومحیطی که می‌توان در آن احساس شادی و راحتی کرد ، ترك کنم .

گفت و شنود زیر در برنامـه «ایران زمین» تلویزیون ملی ایران به کارگردانی ایرج حائری پخش شد . در آن هنگام استاد پوپ بیمار بود و گاه به‌تنفس مصنوعی نیاز پیدا می‌کرد .

ایران عشق من، زندگی من و وطن من است

فیلم،در اینجا خانه و اشیا دروں خانه را نشان می‌دهد . و گوینده ادامه می‌دهد :

در همین‌جا . در میان عزیزترین دلبستگی هایش :

ـ تنفس مصنوعی با اکسیژن
ـ میز غذا و همه داروهایش .
ـ میز کارش .
ـ دفترچه یادداشت‌های روزانه .
ـ مجموعه تحقیقی بزرگ او بنـام «بررسی در هنر ایران» .
ـ همسر و همکارش : فیلیس اکرمن.

«ایران عشق من ، زندگی من و وطن‌من است .» این گفته مردی است‌که سراسر عمرش دلباخته ایران و بویژه هنر ایران بود .و در ساعت چهار و سی دقیقـه بامداد روز چهارشنبه دوازدهم شهریورماه در سرزمینی که‌همیشه آرزوکرده بودآرامگاه اوباشددرگذشت.

همین چندی پیش بود که با همکاران گرامی‌مان آقایان مسعود فرزاد استاد ادبیات و رضا مستوفی استاد باستانشناسی نزد او و همسرش فیلیس اکرمن رفته‌بودیم

ــ خشنود خواهیم شد در باره چاپ و نشر اثر بزرگتان «بررسی هنرهای ایرانی» صحبت کنید .

ــ کاری دشوار و غیر ممکن می‌نمود . من میخواستم اثری که در این زمینه منتشر می‌کنم از هرجهت کامل ، جامع و قابل فهم باشد و در کمال دقت و دلسوزی تهیه شود اما هیچکس چنین کتابی نمیخواست . فکر میکردم درباره هنرهای ایرانی اثری اساسی و بسبکی نو بوجود آورم . اما هیچیك از ناشران در آمریکا ، آلمان ، فرانسه حاضربچاپ این اثر نبود . با اینهمه من مطمئن بودم اگر باندازه کافی پول جمع کنیم خود ما ممکن بود اینکار را بکنیم . اولین چیزی که متوجه شدیم این بود که اگر کسی بخواهد برای انجام یك منظور عالی پول جمع کندباید مطمئن باشد از این راه هیچ نفعی عایدش نخواهد شد وشخصا استفاده‌ای از این پول‌ها نخواهد کرد . در مدت ٤٠ سالی که برای بررسی هنرهای ایرانی کار کردیم نه دکتر اکرمن و نه خود من پشیزی بخاطر کار خود نگرفتیم . نه بصورت دستمزد نه بصورت سود . همینکه سرمایه ما به ٥٠ هزار دلار رسید من به شرکت چاپ اکسفورد مراجعه کردم . سرهامفری میلفورد . مردی که در وصفش هرچه بگویم کم است . او گفت چرا باسرتامس ارنولد مذاکره نکردید . گفتم اینکار را کرده‌ام . گفت میخواهی قرارداد ببندی . گفتم نه . تاکنون هرگز چنین کتابی منتشر نشده و احتمال موفقیت نیست . مگر آنکه شما بمن اطمینان مطلق داشته باشید و من نیز بشما . اگر قضیه بدینصورت درآید کتاب بزرگی از کار درخواهد آمد . و اضافه کردم البته کار سختی در پیش خواهیم داشت و راهی که برای انجامش انتخاب کرده‌ایم با دیگران فرق دارد. گفت باشد شروع کنیم .

ــ مایلیم نحوه و میزان همکاری دکتر اکرمن را بدانیم .

ــ همکاری او اساسی و ضروری بود . اوتازه از مصر برگشته بود و از یك نوع فلج رنج می‌برد . پیش از آنکه کاملا قادر براه رفتن باشد کار سخت وطاقت فرسایی را شروع کرد . متن‌های لازم رااز فرانسه ، ایتالیائی ، آلمانی و سوئدی به انگلیسی ترجمه میکرد . فقط اینکار نبود بلکه از ٢٥ هزار متن و اثر دیگر نیز یاد کرده‌است . مرکزهایی که به‌چاپ کتاب یاری کرده بودند میگفتند شما بیش از اندازه دقیق هستید و در پی کمال مطلق‌رفته‌اید لازمست در بعضی قسمتها شرایط و مقتضیات را از نظر دور ندارید اما اکرمن گفت ما بهیچ روی حاضر بسازش نیستیم و این اثر باید تا سرحدامکان نزدیك به کمال مطلق باشد .

اکرمن در مدت هفت‌سال به خود فقط اجازه دو هفته تعطیل داد و بقیه روزها حتی پاره‌ای از شبها را وقف کارش کرد .

ــ خانم دکتر اکرمن ، ممکنست درباره دیگر کارهائی که در زمینه‌ی هنرهای ایرانی کرده‌اید برای ما صحبت کنید ؟

خانم دکتر اکرمن ــ علت شروع کارمن در زمینه‌ی هنرهای ایرانی این بود که لازم میدانستم یکنفر به‌تکمیل کمبود های بررسی بپردازد وعلاقه اصلی من به تاریخچه فرش بود ، مخصوصا فرش‌های دوران پیش از دوران رونسانس یعنی دوران درخشان وعظیم قرن پانزدهم . ضمنا آرتور آپهام پوپ بمن گفته‌بود اگر بخواهم پایان‌نامه تحصیلی‌ام را در رشته‌ی زیبا شناسی بگیرم باید در یکی از رشته های هنری‌آگاهی کافی داشته‌باشم واین منظور با موسیقی یا ادب تامین نمیشود . تصادفا یکی از خواهرهای بزرگترم کتابی بعنوان هدیه سال نو دریافت کرد که درباره تاریخچه‌ی فرش بود ... این کتاب برای من فوق‌العاده جالب توجه بود چون تا آنروز حتی باین فکر نیفتاده‌بودم که فرش هم

صفحه بیست و یکم

برای خود تاریخچه‌ای دارد . اصولا فرش راچیزی تجملی میدانستم اما بعد از مطالعه آن کتاب متوجه شدم که کتاب های نسبتا زیاد درباره فرش نوشته شده و هرچه بیشتر کتاب درباره فرش میخواندم میزان نارضائی من از ناقص بودن این کتاب ها بیشتر میشد تا آنجا که بالاخره تصمیم گرفتم خودم شخصا به تحقیق و بررسی بپردازم .

ـ شما علاقه وتوجه خاصی به گنبد شمالی‌مسجد جامع اصفهان دارید ؟

ـ گنبد مسجد جامع اصفهان یکی‌از شگفت‌ترین بناهای دنیاست . اما آنطور که لازمست مورد توجه قرار نگرفته . البته قشنك نیست جذاب نیست وکار زیادی هم نبرده . در این گنبد از رنك آمیزی‌های زیبا اثر زیادی بچشم نمیخورد اما حالتی مخصوص بخود دارد درست مثل حالتی که از آثار باخ در موسیقی اروپائی به‌انسان دست می‌دهد . بنائی است ممتاز با طرحی فوق‌العاده عالی‌ودر کمال‌یکپارچگی. با مهارتی که در تنظیم نور داخل بنا بکار رفته در هیچ نقطه داخل مسجد جامع ، نور ناراحت کننده نیست . انسان زیر گنبد بی‌نظیر مسجد حس میکند که همه بنا بطور بی‌سابقه وشگرفی سراپای وجود را مجذوب می‌کند . ضمنا درهائی که در این بنا بکار رفته از کامل‌ترین درهای دنیاست وگنبد یکپارچه این مسجد که در منطقه زلزله‌خیز بنا شده است هنوز محکم وپابرجاست . این گنبد در زمانی ساخته شده که اروپائی ها طرز ساختن گنبد یکپارچه را نمی‌دانستند . مثلا گنبد کلیسای سن پیتر بوسیله شش تا هشت زنجیر مخصوص محکم شده است . در گنبد کلیسای سنت پل لندن نیز تعداد زیادی تیر های چوبی بکار رفته است . گنبد مسجد جامع اصفهان از لحاظ محاسبه های ریاضی درحد کمال مطلق‌است ورویهمرفته‌بنائی‌است‌که بایدباز مطالعه‌اش کرد ، با آن زندگی کرد و آنرا شناخت . این مسجد نمونه‌ایست واقعا ممتاز ازهنر دوران سلجوقی.

ـ عقیده شما درباره موسسه آسیائی و فعالیت های کنونی و آینده آن چیست ؟

ـ ما امیدواریم موسسه آسیایی ابدی باشد . این موسسه با این اعتقاد تاسیس شد که هنرهای ایرانی برای دنیای متمدن ارزش حیاتی دارد . ما در اینجا ، در شیراز ، گرد هم‌آمدیم وعلاوه بربرنامه های وسیع وامیدوار کننده‌ای که داریم میخواهیم یك گروه درجه یك بوجود بیآوریم . مرکز ما گروه زیادی از زمین شناسان ودانشمندان ومورخان را بطرف خود جلب خواهد کرد و با سازمان هایی که در رشته های مختلف تحقیقی بوجود میآوریم موضوع های تازه کشف خواهیم کرد و با طرح برنامه های مرتب بررسی های عمیق‌تر خواهیم‌کرد. از همه مهم‌تر ، این مرکز بصورت مراکز امید دانشمندانی درخواهد آمدکه در همین زمینه هاکار میکنند . دانشمندان از هرگوشه دنیا میتوانند به اینجا بیایند و از امکانات وتسهیلات این مرکز استفاده کنند . ما در آینده نشریه‌های بسیارخواهیم داشت و به انجام برنامه های گوناگونی که داریم مشغول خواهیم بود . شما شاید طی یکسال آینده شاهد پیشرفت های زیاد در این مرکز خواهید بود.

ـ باستان شناس هم پرورش می‌دهید ؟

ـ نه بشکل مستقیم . ما اینجا در موسسه‌آسیائی از باستانشناسان استقبال میکنیم و تسهیلات و امکانات خود را در اختیارشان میگذاریم . اخیرا دو تقاضا از طرف باستانشناسان ژاپنی دریافت داشته‌ایم و وقتی که به اینجا بیایند به آنها یاری میکنیم تا در نقاط مورد نظر به مطالعه وبررسی‌هائی که میخواهند مشغول شوند . در عین حال میتوانند از کتاب ها و تجربه های ما در اینجا استفاده کنند. از همه مهم‌تر میتوانند مستقیما با ما ارتباط برقرار کنند . بزرگترین زمان های موفقیت در تاریخ هنر و ادبیات جهان موقع‌هایی بوده که دانشمندان از گوشه های مختلف جهان در محیط ساده و دوستانه گرد هم می‌آمدند و تبادل نظر می‌کردند . ما میخواهیم جایگاهی پدید آوریم که دانشمندان بتوانند در محیطی شاد و دوستانه گرد هم آیند و به کشف های تازه نائل آیند ...

ـ موسسه شما با دانشگاه تهران هم بستگی دارد ؟

ـ نه ما ارتباط مستقیم نداریم . البته‌امیدواریم با همه اشخاص و موسسه ها رابطه دوستانه داشته باشیم . اما هیچ قرار رسمی با جایی نداریم غیراز دانشگاه پهلوی . ما کاملا آزاد ومستقل هستیم . البته سعی میکنیم باهمه‌مرکز های‌علمی صمیمانه‌ترین رابطه دوستانه را برقرار کنیم . مثلا همین تقاضائی که ژاپونی ها کردند و از ما خواستند که در مطالعات و تحقیقاتشان در زمینه هنر های ایرانی به‌آنان یاری کنیم ، باعث خواهد شد که با آنها صمیمانه‌ترین ونزدیك‌ترین رابطه دوستانه را برقرار سازیم .

ـ فکر می‌کنم همه کنجکاو هستیم درباره عکسهایی که در حین بررسی گرفته شده است‌بیشتر بدانیم .

ـ این عکس ها از همه جا گرفته شده است. رضاشاه یکبار بمن فرمود تو در ایران خیلی جاها رفته‌ای که من هنوز ندیده‌ام . مثلا در کرمان چیز

صفحه بیست و دوم

زیادی نیست . در صورتیکه آنجا برای تحقیق و مطالعه واقعا سرزمینی است غنی . همینطور عکس هائی از ارمنستان وقفقاز وافغانستان وهند. برروبهم در حدود دوازده هزار عکس دارم که از روستا ها و کوهها و گوشه های گوناگون ایران گرفته شده است . وعملا میتوان گفت در مجموعه ما از هربنا ومجسمه و گوشه‌های تاریخی شناخته شده عکسی وجود دارد .

ـ استاد پوپ ، بابررسی‌هایی که شما درباره جنك‌های ایران و یونان دارید عقیده‌تان را درباره شروع این جنگها بفرمایید .

ـ علتش خیلی ساده است . یونانی‌ها شروع کردند. تاریخ جنگهای ایران و یونان یکی از مصیبت بارترین و ویران کننده‌ترین رویدادهای تاریخ است. مغرب زمین مدت تقریباً دوهـزارو پانصد سال درباره جمعی از قبیله‌های بومی ایران کاملا دچار اشتباه بود ؛ منظور قبیله‌هایی است که ثابت دسته‌شان برای بدست آوردن مسکن و آذوقه تا یونان پیش رفتند . در واقع جنك را یونانی‌ها آغاز کردند. و بطوریکه در بررسی‌های بعدی روشن شد مردی بنام آریستاگراس که فوق‌العاده جاه طلب ودر عین حال نادرست بود از آسیای صغیر به‌یونان رفت و سعی کرد برای حمله به‌ایرانی‌ها سپاهی گرد خود آورد به‌یونانی‌ها میگفت که ایرانی‌ها فوق‌ـ العاده ثروتمندند و جنك کردن بلد نیستند ، طرز پرتاب نیزه را نمیدانند همچنین طرز دفاع باسپر را، واگر سپاه کوچکی در اختیار او بگذارند به آسانی ایرانی‌هارا شکست خواهد دادودر نتیجه‌همه ثروت و حتی خود ایران متعلق به یونان خواهد شد. عده زیادی گفتند این حرفها به خیال‌پردازی بیشتر شباهت دارد و سخنانش را باور نکردند . اما او به آتن رفت و با فرمانروایان آنجا صحبت کرد. آنهاهم فکرکردندحالاکه به‌این‌آسانی می‌توان اینهمه ثروت وغنیمت بدست آورد قبول کردند و فکر کـردنـد اگـر بیست فـرونـد کشتـی بـه فرماندهی یك ژنرال به آسیای صغیر بفرستند در آنجا بی‌هیچ آزمایش جنگی و یا هیچ برخورد و تصادمی فقط باتظاهر به حمله‌های جنگی نقشه‌شان عملی خواهد شد. بهمین ترتیب عمل کردند. در ساحل پیاده شدند و چون با هیچ مقاومتی روبرو نشدند مستقیماً به سوی مرکز ایران رهسپار شدند. آنجا را آتش زدند و بناها را ویران کردند و معبدی را که به نظر ایرانی‌ها مکانی مقدس بـود ویران ساختند. ایرانی‌ها پس از شنیدن خبر ویران شدن معبد خشمگین شدند در مدتی کوتاه لشگری نیرومند فراهم آوردند و به یونانی‌ها حمله کردند. یونانی‌ها که غافلگیر شده بودند به‌شتاب خود را به ساحل رساندند و به یونان بازگشتند. مورخ این ماجرا هرودت است . او در کتاب پنجم از این رویداد یاد کرده است و در پایان نوشته است این کشتی‌ها آغاز بدبختی‌های بعدی برای هردو کشور بود. ایرانی‌ها اصلا یونانی‌ها را نمی‌شناختند. وقتی اسم یونانی‌ها به‌گوش داریوش‌خورد داریوش‌پرسید یونانی‌ها چه کسانی هستند ؟ این حقیقتی است که امروز مورد قبول همه مورخان حرفه‌ای قـرار گرفته است. البته مدتی طول خواهد کشید تااین اطلاعات جنبه عمومی پیدا کند.

ـ شماتخت جمشید را معبدیا پرستشگاه میدانید.

این عقیده برچه پایه‌ای استوار است ؟

ـ موضوع خیلی ساده و قطعی است . در تخت جمشید در حدود سی‌هزار لوحه بدست آمده که هزار لوحه آن بوسیله کامرون قرائت شده است. اما حتی در یکی از آنها یادی از پایتخت نشـده است. تخت جمشید هیچگاه پایتخت‌نبوده است. هیچ فرمانی نیست که برای لشگریان صادر شده باشد. هیچ حکمی برای فرماندارها بدست نیامده است. و برای گنجینه‌های بزرگی که به انبارهای آنجا حمل شده است حتی یك رسیدهم وجود ندارد.

ـ پیامی برای دوستداران هنرهای ایرانی بفرستید.

ـ ماتازه شروع کرده‌ایم .گنجینه‌هنرهای ایرانی بقدری عظیم است که ماهنوز چیزی ازآن نمیدانیم. درایران دویست و پنجاه هزار گوشه باستانی وجود دارد که تاامروز حتی بطور سطحی هم مورد مطالعه وبررسی قرار نگرفته است . هردو سه سال یك اثر زیبا و جالب کشف می‌شود ، اعم از ظروف چینی‌یا چیزهای دیگر ، اما خیلی چیزها وجود دارد که ما هنوز هیچ اطلاعی درباره آنها نداریم. هنوزنمیدانیم هنر عالی و اعجاب انگیز بافندگی از کجا پیداشده یا مواد اولیه ظریفی که در بافندگی از آنها استفاده شده است و نیز طرحهای مربوط به‌زیباترین آثار معماری ازکجا آمده است؟ منشاء این‌هنرها نمیتواند مشرق ایران باشد چون در آنجا اثری از گذشته این هنرها وجود ندارد. پس از کجا آمده است؟ ریشه این هنرها را باید در میان مردم خـود ایران جستجو کرد. بهرحال خیلی چیزهاست کـه باید بدانیم و این بررسی‌ها بقدری جالب و هیجان انگیز تواند بود که امیدوارم همه مردم ایران از این موهبت بزرك دلشاد بشوند. این کار واقعاً یکی از جالب‌ترین ودوست داشتنی ترین حرفه‌هاست.

ـ استاد، بقول ما ایرانی‌ها امیدواریم شما سال های سال بعداز صدوبیست سالگی زنده باشید. بطوری‌که شنیده‌ایم میل دارید در ایران بمانید.

ـ بله البته من هیچوقت ایران را ترك نمی‌کنم. ایران همیشه عشق من ، زندگی من، ووطن من بوده و هست . نمیتوانم شیراز را بااینهمه زیبائی و بااین باغ‌های دل‌انگیزش و محیطی که می‌توان در آن احساس شادی و راحتی کرد ، ترك کنم. اما در مورد عمر زیاد، در واقع لازم نیست . چون کار موسسه خیلی خوب شروع شده است وفکر می‌کنم آینده آن تثبیت شده باشد. اکنون میتوانم باخیال راحت استراحت کنم و مطمئن باشم که رئیس تازه موسسه آقای «ریچارد فرای»، با امتیازات‌فوق‌العاده خود میتواند موسسه را بطرف هدفها و موفقیت برجسته و حتمی آن رهنمون باشد .

ـ اگر یادبود جالبی بنظرتان میرسد بـرای دوستانتان بازگو کنید .

ـ یادبودهای جالب من آنقدر زیاد است که‌اگر بخواهم بگویم مدتها طول خواهد کشید. نخستین باری که به‌ایران آمدم، بعد از ٤٨ ساعت مسافرت در تاریکی وسرمای راه میان تهران واصفهان ، صبح زود وقتی از خواب بیدار شدم و از پنجره به‌بیرون نگاه کردم خود را روبروی گنبد مدرسه مادرشاه دیدم باتمام عظمت ورنك آمیزی شکوهمند آن .مدتی بی‌آنکه متوجه باشم مسحور و بهت‌زده ایستادم.

صفحه بیست و سوم

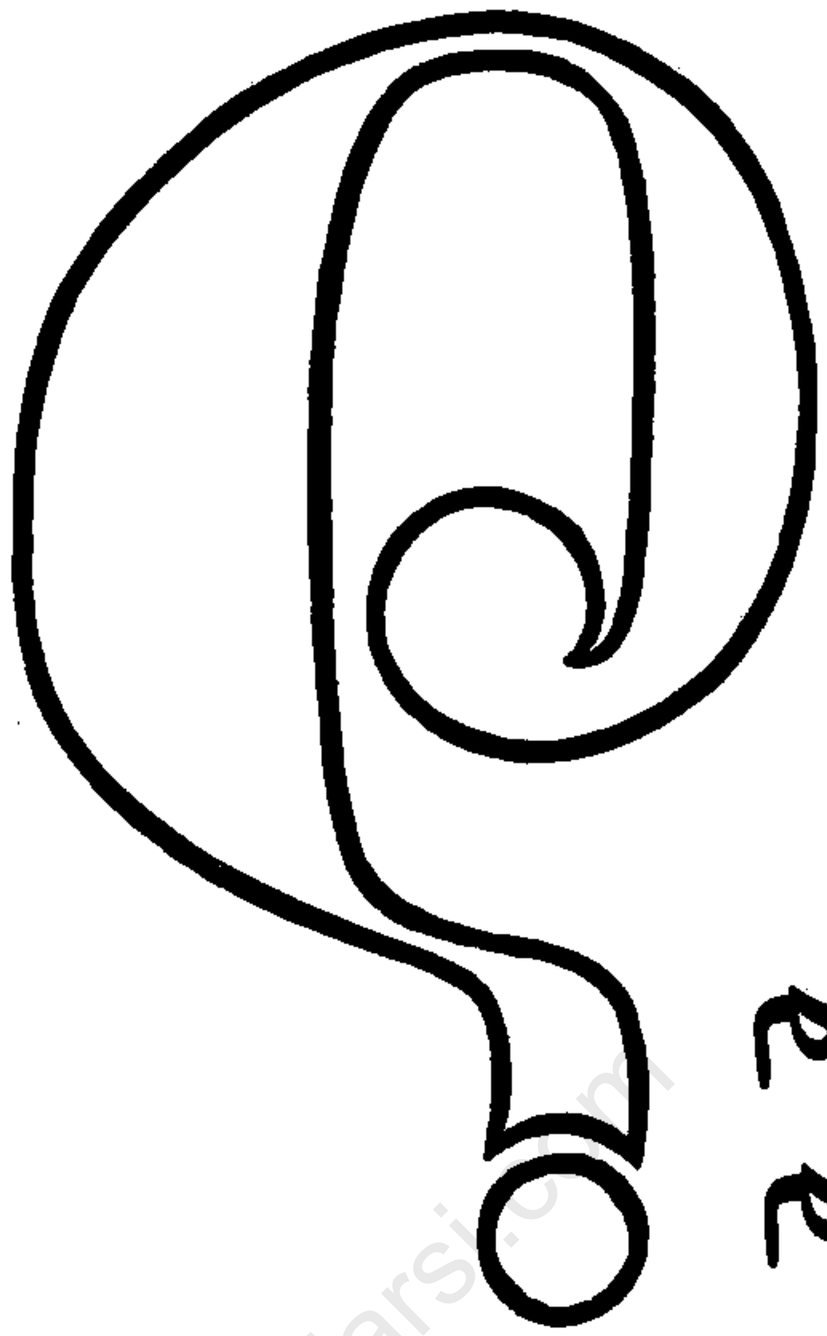

نمی دانم چکار کنم

از : م . آ

ساعت ده‌ونیم است ، سرم‌سنگین شده وتنم درد می‌کند ـ گلویم فشرده می‌شود شقیقه هایم ذوق ذوق می‌کند ، چشمانم می‌سوزد ـ حروف را روی کاغذ درست نمی‌بینم . . . دیگر میل بزندگی ندارم . . .

نزدهرطبیبی رفته‌ام بمن‌یك‌سری‌دارو وآمپول مختلف داده است وهر کدام تجویزی کرده است، گاهی حالم بهتر می‌شودولی پس از چند روزناراحتی ها از سر شروع می می‌گردد .

بگذریم ازاطبای مجاز که تابلو هایشان رادر خیابان ها می‌بینیم و سرسام آور است ـ من نمی دانستم که درکشور ما اینقدر طبیب غیر مجاز وجود دارد بیشترشان هم بمرض مزد دچار بوده‌اند یا هستند ویا خاله‌شان و عمویشان و یا دوستشان امراض مرا داشته‌اند . . .

پزشك معالجم پرهیز داده بود و استراحت ، باضافه چندین آمپول و قرص و شربت.

رجبعلی خان نوه عموی شوهر خواهر زنم که ازمرض من با خبر شده بود به عیادتم آمد وگفت : بابا دوا موا رو ولش کن ، هم الان ببرهمه رو بریز توی سطل خاکروبه ، استراحت چیه ، بدن حرکت لازم داره، بهترین دوا اینه که بری‌مسافرت ، پاشو جونم برو مشهد ،هم زیارتی میکنی وهم استخوان سبك می‌کنی ، هم فصل میوه است دلی از عـزا درمی‌آری ، اگه هم تونستی یه صیغه میغه ، برای شفا بدنیست، من اصرار ندارم ولی بعضی ها کردن ونتیجه خوبم ازش گرفتن . . .

عموی حسین قلی خان که ازدرد چشمم بهش حکایت می‌کردم عصبانی شد که تقصیر خودته ، آخه این دو چشم ریز چقدر بایست بخونن ، چقدر توی‌اوراق وول بخورن ، انصافم خوب چیزیه ، والله خوبه که هنوز کورنشدی آخه آدم حسابی ، اینهمه پولدار توی این مملکت از کتاب خوندن پولدار شده‌اند ؟ والله نه ـ بخدا نه !

شاید سالی یه دفعه هم لای کتابو وانکنن ولی توسال بسال شیشه عینکت کلفت‌تر میشه وچی عایدت شده اونا بر موجودی بانکشون افزوده می‌شه وتو بر کلفتی شیشه‌عینکت، تواگه بفکر خودت نیستی بفکر این حیوونی بچه‌هات باش ، ازمن بشنو کتاب متابوبزار کنار، ضمنا تره تیزك روبجوشون بزار ایاز بخوره ، بعد قلب قلب بخورش ، بذار بدلت بشینه، فهمیدی ها . . . ؟

صغری خانم زن همسایه‌مون شنیده بود که من حال ندارم ، آمد یه کاسه هم آش «ابودردا» برایم آورد و گفت : من عینا حال شما رو داشتم ، نه ، ازشما هم بدتر بودم واسه این‌که غش کردم افتادم، روبقبلم کردن، اونوقت بی‌بی جانم زود آب تربت توی حلقم سرازیر کرد واز این‌آش برام پخت خوردم ، خوب شدم ، همگی دست ازمن شسته بودن ...

شوهرش گفت : شاید مال تو مرض زنونه بوده ، من‌فکر می‌کنم آقاهمون دردمنودارن،ستون‌فقراتشون کج شده‌وبایستی آویزونشون کنی .

دندان های کرمو ، لوزتین چرکین ، وحتی آپاندیس مزمن در من یافت شد ، زالوو حجامت و حمام در آبهای معدنی‌تجویز گردید، گفتندکه این‌مرض عصراتم است، گازهای اتوبوس ، هوای آلوده ، سرو صدا . گیرنیامدن تاکسی و اتوبوس ، فشاروگرانی زندگی ، رفتن موشك بسوی کره‌ماه، تلویزیون، مینی ژوپ بانوان وریش دراز وگیس‌بلندپسرها...

مسافرت می‌روید ـ مسافرت نروید ـ دوابخورید ـ دوا نخورید ـ ورزش کنید ـ ورزش نکنید ـ سرگرمی داشته‌باشید ـ نداشته باشید . . .

از همه بدتر این که‌مرا بحال خودم‌نمی‌گذارند وساعت ها مجبورم می‌کنند به چرندیاتشان گوش بدهم.

آه که خسته‌ام ـ . . .

www.KetabFarsi.com

صفحه پنجم

مردم عادی بیش از ۵ در صداز نیروی مغزشان استفاده نمی‌کنندو دانشمندان و محققان و نوابغ و بزرگان به‌تناسب درجه‌شان بین۵تا۱۰درصد از این نیرو را مورد استفاده‌قرار می‌دهند و در هرحال ۹۰ درصد یا بیشتر از توانائی مغز آدمی باطل‌می‌شود و مثل جویباری است که درباتلاق یا نمکزار بریزد .

محمد جعفر محجوب :

استاد دانشگاه تهران

استاد هم از آسمان به زمین نمی افتد

باید استعدادهای بزرگمان راکشف کنیم

● مفاصل زبان همه نرم شد . و زبان‌فارسی درست مثل جوان نوبالغی است که بدنش رانرم کرده و مهیای انجام ورزشهای میدانی‌ومسابقه باقهرمانان هنطراز خود میباشد .

● وضع فعلی نشانه انحطاط وانقراض نیست و تنها مایه نگرانی‌رگه های ناسالم و کوره راههای منحرفی است که گاه گاهی ممکن است دیده شوند .

● کسان زیادی هوس گرفتن ماهی از این آب می‌کنند ولی آب که همیشه گل آلود نخواهد ماند و کسانی هم که بلد نیستند ماهی بگیرند دنبال کار دیگری خواهند رفت .

● گمان نمی‌کنم کمبودی از حیث ماده خاکستری داشته باشیم . منتها ما باید راه استفاده از آن را مثل استفاده از سایر موتور ها و وسائل دیگر بیاموزیم . باید استعداد های بزرگمان را کشف بکنیم . زندگیشان را تامین کنیم وبعلاوه آنها را طوری تربیت کنیم که از بکارانداختن مغزشان عاجز نباشند واز این کار وحشت نکنند .

● همانطور که یك سیرك‌باز یا یك بندباز در نتیجه تمرین مداوم و ساختن بدنش حرکاتی می‌کندکه برای دیگران حیرت‌انگیز و حتی غیر ممکن است کسی‌هم که با مغزش کار کند بعد ازمدتی عادت می‌کند وآنوقت نتیجه فکر و اظهار نظر او دیگران را به حیرت وامی‌دارد .

● استاد هم مثل سایر طبقات . از آسمان به‌زمین نمی‌افتد از میان همین مردم که بد و خوب و بااستعداد و بی‌استعداد . ضعیف وقوی، و خلاصه دارای تضادهای مختلف هستند ، یك عده به مقام استادی می‌رسند . بنابراین باید تك تك استادان را سنجید و دید که روش کارشان خوب است یابد ؟

ایکه برپشت‌زمینی همه وقت‌آن‌تونیست
دیگران در رحم مادر و پشت پدرند

● جوانان و حتی دانش آموزان و دانشجویان از ادب و فرهنك باارزش فارسی که جزو غنی‌ترین فرهنگهای دنیا در دورانهای گذشته است بی‌خبر می‌مانند و من چون با آنها سر و کار دارم می‌بینم و می‌دانم که مثلا از قهرمانان شاهنامه شاید حتی کسانی مانند اسفندیار و کیخسرو و گودرز را نشناسند .

● چند بنگاه نشر بسیار آبرومند با صاحبان تحصیل کرده و فهمیده و بارعایت اصول فنی و با سرمایه های نسبتا بزرك بصورت شرکت تاسیس شده‌که درآنها روحیه کاسبکاری و تنك نظریهای کاسبکارانه کمتر وجود دارد.

● کتابهای درست و پاکیزه و آبرومند باترجمه های رسا و فصیح و فهرست ها و مقدمات لازم و چاپ و صحافی پسندیده خیلی بیشتر از دو سال پیش داریم .

● اگر بگویم که امروز در سراسر ایران یك منتقد به معنای واقعی نیست بی انصافی کرده‌ام ولی در عین حال هم نمی‌توانم بگویم هست . لااقل نمی‌توانم بگویم کسی هست‌که کار اصلی‌اش نقد باشد و از این راه زندگی کند و سایر شرائط از قبیل صلاحیت و انصاف و بی‌نظری و نان قرض ندادن هم در او جمع باشد . هرکس نقدی می‌نویسد یکی از این چند شرط را ممکن است خدای نخواسته نداشته باشد .

● «مورچه اسبی روزی سه من و نیم نان می‌خورد منتها به‌سنك خودش»

● آقای محمدجعفر محجوب درسال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را درتهران به پایان آورد ودر سال ۱۳۲۳ به دانشکده حقوق رفت ودرسال ۱۳۲۶ دررشته‌سیاسی‌لیسانسیه‌شد ودرسال ۱۳۳۰ واردانشکده ادبیات شدودر ۱۳۳۵از دوره دکتری ادب فارسی فارغ‌التحصیل شد .

●هفت سال برروی رساله خود «سبك خراسانی درشعر فارسی» زحمت کشید ودر اردیبهشت ۱۳۴۲ این رساله باقید بسیار خوب پذیرفته شد ودر شهریور همان سال‌به‌عنوان دانشیارادب فارسی دردانشسرایعالی به تدریس پرداخت و اکنون‌استاد همانجا ودانشگاه تهران است .

● دکتر محجوب مقالات زیادی درماهنامه ها ومجلات ادبی وهنری پایتخت نوشته است واز جمله تالیفات وی می توان از کتابهای : کلیله‌ودمنه (تصحیح) ، ویس‌ورامین ، دیوان قاآنی ، دیوان ایرج وچند اثر دیگر نام برد .

وی در شماره سوم تلاش مطلبی داشت که باحسن استقبال خوانندگان روبرو گشت .

تلاش ــ آیا ادبیات و موسیقی و شعر و نقاشی و تمام مظاهرذوقی وطرز تفکر امروز نشانه انقراض و انحطاط شعرا ، نویسندگان هنرمندان و موسیقیدانان است و یا علائم ظهور یك تولد تازه در هنر امروز ایران ؟

محمد جعفرمحجوب ــ چون‌مطلب مفصل است بهتر است دیگر به‌مقدمه نپردازیم و وارد اصل‌مطلب بشویم وقتی که اقتصادایران وبنای مادی (زیربنای جامعه) درحال‌ساخته شدن است تا حالا تجربه نشان داده است که باید چند سالی بعد روساخت نیز ساخته شود و ممکن نیست که جامعه‌ای را سراغ بکنیم که مظاهر مختلفش بعضی بسوی انحطاط و انقراض بروند و بعضی بطرف ترقی و تکامل مگر درموردجایگزین‌شدن نوبجای چیزهای کهنه . اما این که آیا واقعا آنچه امروز داریم از : ادب و موسیقی و شعر و نقاشی و مظاهر ذوقی وفکری ایران نشانه انحطاط باشد ، من چنین تصوری ندارم و چون نمی‌توانم به‌تمام این‌ها بپردازم فقط یکی دو مثال بیشتر نمی‌زنم .

تحولی که نثر فارسی از صدر مشروطه تاکنون پیداکرده مثلا از دوره انتشار اولین روزنامه در سال ۱۲۶۷ قمری تاکنون شاید باندازه تمام‌تحول هزارساله‌قبلی‌باشد، شایدهم بیشتر . دراین مورد شاهد هم دارم این دوسه سطر را از روزنامه «وقایع اتفاقیه» (شماره ۵۱ بتاریخ پنجشنبه سلخ ربیع‌الاول۱۲۶۸) بخوانید :

«درباب زیادشدن مشتری این روزنامه‌ها چنانچه در روزنامه ۴۲ اعلان شده مجدد اعلان می‌شود که چون منظور اعلیحضرت پادشاهی ازراه‌افتادن این روزنامه‌هااستحضار و آگاهی این دولت علیه از احکام دیوانی‌و اخبار داخله وخارجه است لهذا امنای دولت علیه حسب‌الامر همایونی قرار دادند که امنا و اعیان و چاکران معتبر دربار همایونی و حکام و عمال ومباشرین و خوانین ومعتبرین شهرها و بلوکات و ایلات ممالك محروسه برسبیل حکم دیوانی ازاین روزنامه‌ها داشته باشند و سایر مردم از تجاروکسبه واواسطـــ الناس به میل و اختیار خودشان هرکـــدام طالب باشندروزنامه بخوانند.... الی‌آخر..»

حالا این نثرعاجزانه ، سست وبی‌حرکت وراکد رابانثر همین «تلاش»خودتان‌مقایسه بکنید و ببینید که الان در همین «تلاش» چندتن جوان نسبتا اندك‌سال دست بقلم‌وجود دارد که وقتی چیز می‌نویسند انشایشان صاف وهموار و متحرك ونرم و روان و پاکیزه باشد و ایرادی هم نداشته باشد و مجبورنباشد مثل میرزابنویس «وقایع‌اتفاقیه» مثلاترکیب «امنای دولت علیه» را باراه افتادن روزنامه دریك عبارت قراربدهند و متوجه اختلاف سطح این دوترکیب نباشند واگر از«تلاش» بیرون بیائید وبه‌سایر مطبوعات و کتابها و نثر شبکه های ارتباطی نگاه بکنید متوجـــه گسترش دامنه زبان خواهید شد واین تازه یك شعبه از نثر است .

ما امروز نثـــر تاتر داریم که ۵۰ سال پیش نداشتیم حتی ۲۰ سال پیش وقتی می‌ــ خواستیم که یك‌کتاب فلسفی یاروانشناسی یا فیزیك راترجمه کنیم عزا می‌گرفتیم کـــه معادل اصطلاحات آنهاچه‌بگذاریم؟ــ نمیگویم که‌امروز دراین‌باب اصلاگرفتاری نداریم ــ گرفتاری‌داریم واین‌گرفتاری همیشه خواهد بود برای‌این‌که‌علم‌هرروز روبه‌پیشرفت‌است‌و هرروزبایدمشکلاتی‌که سرراه‌این‌پیشرفت‌است از سر راه برداشته شود . امـــا دیگر برای برگرداندن یك کلمه بفارسی آنهمه عجز و گرفتاری نداریم . مفاصل زبان همه نرم شده و زبان فارسی درست مثل جوان نوبالغی‌است که بدنش رانرم‌کرده‌ومهیای انجام ورزشهای میدانی و مسابقه با قهرمانان همطراز خود میباشد .

درمورد موسیقی مثلا شما این هزار و دویست و سیصد سال گذشته (از صدراسلام تابحال) را مورد توجه قرار بدهید وببینید اسم چندتن موسیقیدان یانوازنده وخواننده خوب را می‌توانید ببینید و آنوقت می‌بینید که امروز چقدر نوازنده و خواننده وتصنیف ساز و آهنك‌ساز و کسانی که دست اندرکار موسیقی هستند ، داریم .

بنابراین بهیچوجه وضـــع فعلی نشانـــه انحطاط و انقراض نیست وتنها مایه نگرانی رگه‌های ناسالم وکوره‌راههای منحرفی است که گاه‌گاهی ممکن است دیده شوند . ولی آنهم جزء لوازم دوران تحول وزاده شدن چیزهای تازه است، چون‌دراین‌قبیل موارد خواه ناخواه براثر نیاز شدید و تکان‌خوردن جامعه آب‌گل‌آلود می‌شود و کسان زیادی هوس گرفتن ماهی از این آب می‌کنند . ولی آب که همیشه گل‌آلود نخواهد ماندو کسانی هم که بلد نیستند ماهی بگیرند دنبال کار دیگری خواهند رفت .

به‌گمان من وضع فعلی مقدمه تولد یك زندگی تازه است وخود مردم هم کم‌کم در اثر آگاهی هائی که پیدا می‌کنند در پیش بردن این زندگی شرکت خواهند کرد وما فقط بیست ، سی سال بعد که ازبالا به زندگی امروز نگاه کنیم به‌درستی می‌توانیم وضع فعلی را ارزیابی کنیم .

بی‌فاصله باید بگویم که مقصود این‌نیست که هرچه داریم به‌بهترین‌صورت است وخوب است و هیچ ایرادی نداریم . خودمن سرــ کلاس از بچه‌ها خیلی گله می‌کنم که زبان فارسی را بلد نیستند و به‌یاد گرفتنش هـــم اهمیتی نمی‌دهند . اما باتمام این احوال‌تعداد کسانیکه امروز خوب و پاکیزه و بی‌غلط می‌نویسند و بسیاری از آنها گمنام هستند ، بنظر من باهیچ عصری از اعصار ادبی ایران قابل قیاس نیست .

تلاش ــ درباره تصنیف و موسیقی‌کنونی ایران اعم از موسیقی سبك و سنگین ونقاشی نظرتان را بدهید و نقشی که استادان کنونی در دانشگاه و مراکز هنری دیگر از لحاظ انقراض و محو آنها یاپیشرفت‌شان برعهده دارند بیان کنید .

محمد جعفر محجوب ــ درباره تصنیف و موسیقی متاسفانـــه بنده فقط یك شنونده عادی‌ام، بدون کوچك‌ترین اطلاع خاصی دراین زمینه ، منتها بایدعرض بکنم که چون خیلی موسیقی را دوست دارم و بادقت هم گوش می‌دهم واز طرف دیگر ساخت وبافت تصنیف‌ها باکارم ارتباط دارد شاید بعنوان یك شنونده بتوانم درباب‌آن مختصری اظهار نظر نمایم.

درموردتصنیف‌باید بگویم‌که هم‌ازلحاظ تنوع موضوع وهم‌از لحاظ قابلیت تطبیقش باآهنك و هم از نظر بکار گرفتن کلمات و ترکیبات و تخیلات زیبا،ترقی بسیار کرده‌ایم و مثلا تصنیف‌های رهی معیـــری و عده‌ای کثیری از تصنیف‌سازان معاصر (کـــه بعلت کثرت عدد از کسی اسم نمی‌برم تااسباب‌گله دیگران نگردد) هستند که خیلی درکارشان مهارت دارند و استادانه تصنیف می‌سازند و اگر مابدانیم که تا چهـــل پنجاه سال پیش خواننده تصنیف‌گاهی مجبور بود برای‌تطبیق آن باآهنك چند کلمه رابسرعت بخواند یا یك کلمه رابیش ازاندازه کش بدهد یاگاهی یك‌کلمه را دوقسمت بکند وهم‌چنین واوهای عطف پشت سرهم برای پرکردن وزن بکار ببرد و به‌کلماتی مانند : جانم ، امان ، ای‌دل

صفحه بیست و هفتم

ای‌دل ، متوسل شود . بقول ایرج درمورد عارف :

بداد تورسیده «ای دل» ، «ای دل»
وگرنه کار شعـرت بود مشکل .

درمورد آهنك‌هم‌بازبایدعرض کنم که در دوران نوجوانی بسیاری از آهنگها ونواهای غیر ایرانی را می‌شنیدم که تقریبا یقین‌داشتم در ایران هیچ نوازنده یاارکستری وجـود ندارد که بتواند چنین آهنگی را بنوازد ودر آن موقع این نظر من درست بود . واقعا چنین ارکستری وجـود نداشت اما امروز لااقل می‌توانم بگویم که کمتر آهنگی ونوائی است (اعم از ایرانی و خارجی) که درایران نوازندگان چیره‌دستی‌برای اجرای آن‌وجود نداشته باشد و بعلاوه ما درمعیار جهانی نیز جوانانی داشته‌ایم که ارزش خـود را نشان داده‌اند و من از آخرین و تازه‌نفس‌ترین‌آنها یعنی فرهاد مشکوة اسم می‌برم .

نکته دیگر این است که اصلا تولیـد موسیقی در عصر ماباچهل سال پیش قابـل مقایسه نیست،همانطوریکه نثر و شعر وترجمه و تالیف و تصنیف هم همین‌طور است . الان وزارت اطلاعات ، وزارت فرهنك وهنر و شبکـه های تلـویزیونی سـراسر کشـور مـوسیقـی تـولیـد مـی‌کننـد و بـه آهنگهای محلی، هرچند هم که کم‌است، توجه می‌شود نقاشی هم‌همین‌طور است‌واگرجسارت نباشد گرچه نقاشان جوان تحت تاثیر وضعی که در دنیا وجود دارد یك کمی قضیـه را شلوغ‌تر از آن کرده‌اند که به‌فهم ضعیف بنده نمی‌رسد اماانصاف ، بارقه استعداد آنها را نمی توان ندیده گرفت ، ولو اینکه دربعضی جاها از مصلحتی دور شده باشند یا نشده باشند ، و این گفته من را نمایشگاه های این نقاشان در ایران و خارج تائید می‌کند .

اما این که استادان در دانشگاه‌هاومراکز هنری تاچه حد درانقراض و محوویاپیشرفت هنر تاثیر دارند محتاج به‌مقدمه مختصری است وآن مقدمه مختصر این است که:بطور کلی مدرسه‌برای‌ساختن هنرمند ودانشمندیکی از چند عامل است وبه تنهائی تاثیری ندارد. الان بسیاری از دوستان من هستند که‌بهترین مدرسه سینمای فرانسه راکه شهرت جهانی هم دارد گذرانده‌اند وبا توفیق از آنهابیرون آمده‌اند ولی اکنون فیلمسازی نمی‌کنند ، اگر استادان ما بد باشند یاخوب باشندلااقل استادان آنجاصلاحیت دارندولی پنجاه‌شاگرد که زیر دست یك استاد درس می‌خوانندهمه دانشمند نمی‌شوند . وحتی همه در یك سطح قرار نمی‌گیرند . واین شوق خود شاگرد و طلب اوهست که از مدرسه باید بعنوان‌راهنما استفاده کند و دنبال راه را خودش بگیرد .

دانشگاهها ومراکزعلمی‌وهنر ماهم به‌معیار سایر دستگاههایمان شاید به‌نسبت‌دانشگاههای بزرگ دنیا دارای نقایصی باشد ولی‌فراموش

نکنید که استادانی مثل جلال‌الدین همائی و بدیع‌الزمان فروزانفرنه‌تنهادرموقع شاگردی دانشگاهی مثل دانشگاه تهران نداشتند بلکه تمام تحصیلات عالی و درخشان خودشان را درگوشه حجره‌های مرطوب و تاریك مدرسه یامسجدی دراصفهان یامشهد بپایان رسانده‌اند و تاامروز هم دمی از مطالعه ننشستند و بعد هم نخواهند نشست چنین شاگردهائی اگر به دانشگاه تهران بیایند دانشمند به معیـار جهانی از آنجا بیرون می‌آیند . واین اگر چه ممکن است موجب مباهات دانشگاه مـا بشود ولی در حقیقت ربطی به دانشگاه‌ندارد. برای این که اگر اثر منحصرا مربوط بـه دانشگاه بود باید همشاگردها همین طـور بیرون میآمدند و هیچ جای دنیا چنین‌چیزی وجود ندارد بقول مولانا :

آب کم جو تشنگی آور بدست
تا بجوشد آبت از بالا وپست

دانشگاه تهران هم باید البته نقائصش را مرتفع کند و آماده باشد برای این که هرچه بیشتر از این گونه شاگردان بپذیرد و بعد هم باهوشیاری آنها را پرورش بدهد واز ضایع‌شدن وهدر رفتن استعدادشان‌جلوگیری کند این کاری است که درهمه دنیا می‌کنند . مردم ممالك پیشرفته استعدادهای درخشان‌را ذخیره ملی خودشان می‌دانند آنها را کشف می‌کنند و از هیچ خرجی برای پرورش‌دادن آنها مضایقه نمی‌کنند و وقتی این‌ها رشـد کردند عامه مردم درپرتو فعالیت مغز آنها روبه رفاه و آسایش می‌روند .

تلاش‌ـبنظر شما بطور کلی نقش‌استادان در این‌ربع قرن اخیر درهنر و علوم تا چه اندازه بوده و درباره آن عقب ماندگی که که‌آقای عالیخانی وزیر اقتصاد وقت (رئیس دانشگـاه فعـلی تهـران) از آن صحبت کردند و گفتند که «عقب ماندگی ایران از لحاظ کمبود کارگر و تکنیسین و متخصص نیست بلکه علت اصلی‌کمبود ماده خاکستری رنگی است که‌مغز نام‌دارد» وتقاضا کردند که تدابیری بکار برده شود که ازاین ماده خاکستری رنگ در دانشگاه‌ها استفاده کامل بعمل آید ، چه نظری دارید و عقیده شمـا درباره نقش استادها درگذشته و حال وآینده و درمورد آموختن هنر دیروز و امروز به استعداد های نوچه هست ؟ واگر ممکن‌است از ترازنامه‌های گذشته کار آنان با ماصحبت کنید .

مجمدجعفر محجوب ـ بدوا بایـد عرض کنم که این ماده خاکستـری رنگ موسوم به‌مغز شگفت‌انگیزترین موتوری‌است که تاکنون شناخته شده واین دستگاه های محاسبه عجیب و غریب حتی لیاقت دربانی و خدمتگذاری این موتور عجیب راهم‌ندارد و در حقیقت ساخته آن است . نیروی این موتور از نظر کمیت خیلی مهم نیست بلکه کیفیت آن خیلی اهمیت دارد . اما بایدعرض کنم که باکمال تاسف قریب ۹۰ درصد از ظرفیت این موتور هدر می‌رود . مردم عادی بیش از ۵ درصد از نیروی مغزشان استفاده نمی‌کنند و دانشمندان و محققان و نوابغ و بزرگان به تناسب درجه‌شان بین ۵ تـا ۱۰ درصد از این نیرو را مورد استفاده قرارـ می‌دهند و درهر حال ۹۰ درصد یابیشتر از توانائی مغزآدمی باطل می‌شودومثل‌جویباری است که درباتلاق یانمکزار بریزد .

البته بکارانداختن این موتور کارآسانی نیست و آدمیزاد بیشتر دوست داردکه هرچه ممکن است کمتر فکر بکند وفکر کردن را بعهده کس دیگری بگذارد .

سِرّوجودرهبران اجتماعی ودینی ومرید شدن یك عده‌ای بانهایت خضوع و خشوع به‌یك رجل سیاسی یاپیشوای مذهبی یاشیخ یاسوفیه یا حتی رهبر یك دسته همین است که آنها بدون این‌که متوجه باشند فکرکردن خودشان را بعهده آن شخص می‌گذارند و بجای بکار انداختن مغزشان ، از دست‌وسایر نیروهای جسمانی استفاده می‌کنند و باتوجه به‌این مطلب گمان نمی‌کنم کمبودی از حیث ماده خاکستری داشته باشیم . منتها مابایدراه استفاده آسان ازآن را مثل سایرموتورها و وسائل دیگر بیاموزیم باید استعداد های بزرگمان را کشف‌بکنیم ، زندگیشان راتامین کنیم و بعلاوه آنها را طوری تربیت کنیم که از بکارانداختن مغزشان عاجز نباشند و ازاین کار وحشت نکنند .

بسیاری از دانشجویان هستند که به‌محض بیرون آمدن از دانشگاه باکتاب و درس و مطالعه وداع ابدی می‌کنند و به‌همین دلیل بنده شخصاهیچوقت مطلبی‌راکه دلم‌میخواهد دانشجوئی بخواند و بداند برای آینده‌اش نمی‌گذارم و اورا وادار می‌کنم که دردوران تحصیل آن کار را انجام دهد چون می‌دانم

صفحه بیست و هشتم

که بکار انداختن مغز از بکار انداختن هر عضو دیگری دشوارتر است . اما همانطورکه یك سیرك‌باز یایك بندباز درنتیجه تمرین مداوم و ساختن بدنش حرکاتی می‌کند که برای دیگران حیرت‌انگیز و حتی غیر ممکن است کسی هم که با مغزش کار کند بعد از مدتی عادت می‌کند وآنوقت نتیجه فکر و اظهار نظر اودیگران را به‌حیرت وامی‌دارد. اما چه تدابیری برای استفاده از نیروی‌مغزی جوانان و مردم باید بکار رود این مطلب تربیتی است و جوابش راباید استادان‌تعلیم و تربیت بدهند و من چون متخصص این‌کار نیستم فقط می‌توانم دریك جمله جواب‌بدهم وآن این است : تربیت صحیح ، تمرین‌مداوم و خواستن نتیجه این تمرین‌ها از دانشجو بطوریکه کم‌کم بافکر کردن آشنا شود واز کشف گوشه‌های‌ناشناخته‌بوسیله نیروی‌مغزش لذت ببرد و این امر را کار خودش قرار بدهد .

اما درباره نقش استادها در گذشته وحال و آینده باید عرض کنم دراین مورد من صلاحیت اظهار نظر درکار همه استادان را ندارم . زیرا رشته‌هائی هست که من حتی‌یك کلمه درباره آنها نمی‌دانم . وهنوز ازجلوی در دانشکده فنی عبور نکرده‌ام وبه درون ساختمان دانشکده پزشکی یابهداشت نرفته‌ام، در این صورت چطور می‌توانم بگویم کار استادان دانشکده فنی یاپزشکی خوب است یابد ؟ البته دراین مورد درحد یك شنونده عادی اطلاعاتی دارم و بطور کلی هم باید عرض کنم که استاد هم مثل سایر طبقات ، ازآسمان به‌زمین نمی‌افتد از میان همین‌مردم که بد وخوب و بااستعداد و بی‌استعداد ، ضعیف و قوی ، وخلاصه دارای تضاد های مختلف هستند، یك عده‌به‌مقام استادی‌میرسند. بنابراین باید تك‌تك استادان را سنجید ودید که‌روش کارشان خوب‌است‌یابد؟ وخوشبختانه دانشجویان دقیق‌ترین‌وسیله این سنجش‌هستند وبه محض این‌که قدم درکلاس می‌گذارند (هرچند در میان آنها هم باسواد و کم سواد و بی‌سواد و خوب و بد وجود دارد) ولی من‌حیث‌المجموع فورا درك می‌کنند که‌این استادی که آمده چند مرده حلاج است وبکار خودش مسلط هست یانیست ؟ همچنین عرضه و تقاضا خودش تاحد زیادی وضع استادان را نشان می‌دهد استادانی هستند که به هیچ نحوی نمی‌توانند از زیر بار ساعت‌های‌متوالی درس دادن در هفته شانه خالی بکنند . و موسسات آموزش عالی اعم از دولتی وملی و غیره همه انگشت روی آنها می‌گذارند و به‌هرطریقی که باشد سعی می‌کنند آنها را جذب کنند و جذب می‌کنند . و استادان دیگری هم هستند که چنین وضعی ندارند.

اما درباب شخصیت استاد باید بگویم که هراستادی شخصیتش دارای دو جنبه است یکی جنبه علمی و تحقیقی و در حقیقت‌کار های دانشی یاهنری اوکه باید خودش شخصا تعقیب بکند و آنها رابجائی برساند وبه‌زمینه هائی دست بیابد که دیگران دست نیافته‌اند واین جنبه شخصیت استاد خیلی مهم است . یکی دیگر جنبه معلم و مربی بودن اوست . یعنی استاد باید درعین این‌که خودش مرد دانشمندی است دانشمندان آینده را بتواند پرورش بدهد و دراین راه نه‌تنها تنگ‌نظری و ملاحظات مختلف محقر نباید داشته باشد، بلکه نهایت کوشش راباید بعمل آورد چون بهرحال او رفتنی است و آیندگان جای او را چه بخواهد وچه نخواهد ، خواهندگرفت بقول سعدی :

ایکه برپشت زمینی همه وقت آن تونیست
دیگران در رحم مادر و پشت پدرند

استاد از نظر جنبه معلمی فقط یك‌راهنما است و بیش ازاین کاری ندارد . البته کار راهنمائی راهم نباید ساده گرفت ، بلکه‌خیلی هم مشکل است ولی راهنما فقط یك طرف قضیه است .

اما گمان‌نمی‌کنم تربیت‌استاد هیچ‌تاثیری درپرورش شاگرد نداشته باشد . در حقیقت هردوعامل یعنی نفس‌گرم استاد و قابلیت تربیت شاگرد دو قطبند که وقتی بهم نزدیك شدند نتیجه خوب حاصل می‌شود بار باید به بیتی از سعدی استناد کنم :

محل قابل و آنگه نصیحت قابل
چون گوش‌هوش نداری، چه‌سودحسن مقال؟

و این بیت حافظ هم در این مورد خیلی گویا است :

چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی
که جام جم ندهد سودگاه بی‌بو

البته از این می‌گذریم که بسیاری از کسانی که بظاهر نامستعد و تربیت نشدنی و بازیگوش بنظر میایند ، درحقیقت این‌طور نیستند و«اکسیر» تربیت می‌تواند مس وجود آنها را به طلا تبدیل کند . منتها استاد باید حوصله داشته باشد . باید عاشق کار خودش باشد . باید وقت خودش را صرف آنها بکند. و آدمیزاد تنها موجودی است که بهیچوجه نمی‌شود در باره او حکم کلی صادر کرد و هرچه درباره یکی درست باشد پنداشت که درباره دیگران هم درست است . بطور دسته جمعی هر فرد خصوصیت خودش را دارد . و شیوه‌ای که استاد برای تربیت یکی بکار می‌برد عینا درباره یك شاگرد دیگر قابل تطبیق نیست . بی‌مناسبت نیست در این باب قصه‌ای را که از مرد نقالی شنیده‌ام و البته پایه علمی درستی ندارد و قصه عوامانه است در اینجا بیان بکنم ، چون اولا کاملا مصداق دارد ثانیا نشان می‌دهد که حتی عامه مردم به این نکته توجه داشته‌اند این نقال می گفت :

«مردی سلمانی که در کار خود کاملا»
«استاد بود و بشیوه قدیم کار هائی ازقبیل»
«ختنه و دندان کشیدن و خون گرفتن و»
«رك زدن را انجام می‌داد (این قبیل افراد»
«را جراح می‌گفتند و مقام آنها خیلی»
«پایین تر از مقام طبیب بود مثل تزریقاتی»
«های امروز) روزی برای زدن رك امیر»
«یا وزیری دعوت شد . شاگردش ابزار کار»
«او را برداشت وبه‌منزل بیمار رفت . دلاك»
«کارش را شروع کرد رك را بست ونیشتر»
«زد و از قضای بد،سر نیشتر در رك شکست»
«و کار در دست استاد خراب شد . مرد»
«سلمانی که در کار خود کاملا ورزیده»
«بود فکر کرد که باید بنحوی بیمار را به»
«هیجان آورد تا فشار خون ، شکسته‌نیشتر»
«را از رك او بیرون بیندازد . از این جهت»
«بی‌هیچ پروائی سیلی سختی بربناگوش»
«بیمار نواخت . و او را سخت عصبانی کرد»
«و پس از آنکه شکسته نیشتر بیرون افتاد»
«مساله را برای او توضیح داد که جانت»
«در خطر بود و علاجی جز این نداشت .»
«بیمار را خوش آمد و او را انعام وخلعت»
«داد . و از این مقدمه سالها گذشت شاگرد»
«دلاك به استادی رسید و دکانی باز کرد»
«و روزی مردی تهی دست و مقدس برای»
«رك زدن نزد اوآمد وهمان حادثه شکستن»
«نیشتر اتفاق افتاد شاگرد را تدبیر استاد»
«بخاطر آمد و سیلی را در کار او کرد»
«اما بیمار بجای آنکه آشفته و خشمگین»
«شود با اعتراض ملایم علت این کار را از»
«دلاك جویا شد و نتیجه مطلوب بدست»
«نیآمد . سر انجام خبر به استاد اولی رسید»
«و قضایا را از شاگرد جویا شد و شاگرد»
«توضیح داد که سرنشتر شکست استاد ازاو»

صفحه بیست و نهم

«پرسید چه‌کردی گفت‌همانکاری که‌تو آن»
«روز کردی. استادنگاهی تحقیرآمیز بدو»
«افکند و پیش آمد و گریبان مرد فقیررا»
«گرفت و پیراهن او را به یك ضرب تا»
«دامن چاك زد مرد فقیر بی‌درنك از جای»
«جست و خشمگین شد و فریاد برداشت که»
«چرا تنها پیراهن مرا پاره کردی ؟ وخشم»
«او شکسته نشتر را از رك بیرون افکند .»

عرض کردم این حکایت مبنای علمی ندارد اما نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود درست است . روشی که درباره یك فرد اثر خوب دارد درباره دیگری ممکن است اثر عکس کند؟ همه دشواری و دقت و ظرافت کار تعلیم و تربیت در همین است که معلم باید در کار خود مبتکر و چاره‌گرو حتی هنرمند باشد و هر یك از شاگردان خود را به صورتی که در خور اوست و با راه ورسمی که بحال او موثر تر است باید بسازد و تا کسی عاشق کار خود نباشد چنین وظیفه سنگینی را بعهده نمی‌گیرد و اگر بگیرد کارش خوب از آب در نمی‌آید .

با تمام این احوال معلم یك راهنما است و شاگرد بزودی از قلمرو راهنمائی اوبیرون می‌رود . ممکن است باوجود همه زحمت هائی که مربی کشیده و او را براه آورده است وقتی جذب جامعه شد از راه و رسم خویش منحرف شود .

تلاش ــ به عقیده شما بهترین نثر فارسی در ادبیات گذشته و حال را نزد چه کسی باید جستجو کرد و مدل قرار داد و بهترین شاعر و شعری را که در بین شعرای قدیم و جدید می‌پسندید بما بگوئید ، و اگر ممکن است دلیل آن را هم توجیه کنید ؟

محمد جعفر محجوب ــ بطوریکه می دانید در بین متکلمان به هر زبان مخصوصا وقتی که ادبیات در یك زبان بوجود می‌آید یکی پیدا می‌شود که در راس و قله قرار می‌گیرد یعنی از همه بهتر آن زبان را حرف می‌زند من‌باب‌مثال می‌توانیم‌درزبان انگلیسی شکسپیر و در زبان فرانسوی آناتول فرانس را مثال بزنیم . در فارسی هم قاعدتا باید چنین کسی داشته باشیم یعنی یك پادشاه سخن داریم و آن سعدی است . بنظر من از روزیکه مردم بزبان دری تکلم کردند تا امروز هیچ فارسی زبان ، زبان فارسی را به شیرینی و فصاحت و قدرت شیخ اجل حرف نزده است و از خصوصیات بزرك او یکی این است که هم شعر و هم نثرش در قله قرار دارد :

دربارگاه خاطر سعدی خرام اگر
خواهی ز پادشاه سخن داد شاعری
گه‌گه خیال در سرم آید که این منم
ملك عجم گرفته به تیغ سخنوری ؟
بازم نفس فرو رود از هول اهل فضل
باکف موسوی چه زند سحر سامری ؟

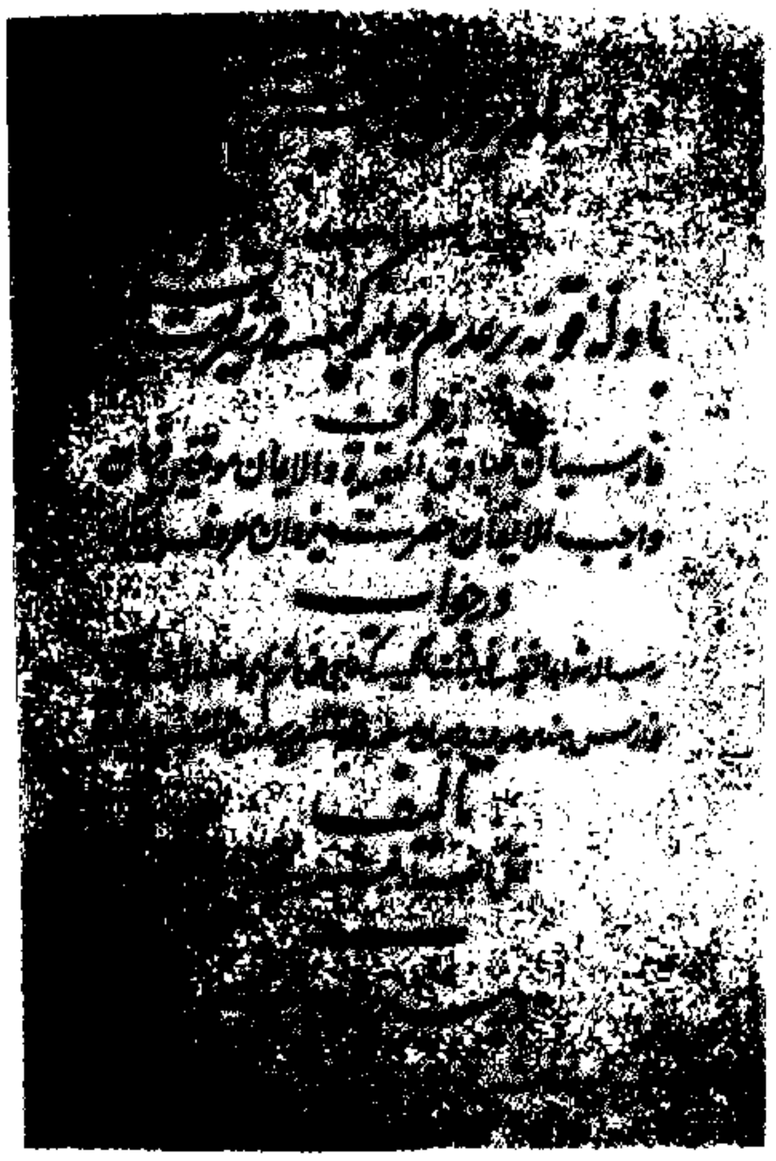

نمونه یکی‌ازکتابهای چاپ قدیم درهندوستان

البته اگر عمق فکر و وسعت دامنه معنا و بلندی و سایر خصوصیات شعر را در نظر بگیریم آنوقت دیگر سعدی در قله قرار نمی گیرد و آنچه درباب سعدی گفتیم فقط راجع به فن سخن گفتن ، شیرین و فصیح و ساده و پر قدرت سخن گفتن است که از این‌جهات هیچکس بپای او نمی‌رسد به این بیت ها توجه کنید :

در اقصای عالم بگشتم بسی
بسر بردم ایام با هرکسی
تمتع ز هرگوشه‌ای یافتم
ز هرخرمنی خوشه‌ای یافتم
چو مردان شیراز ، خاکی نهاد
ندیدم ، که رحمت براین خاك باد
تولای مردان این پاك بوم
برانگیختم خاطر از شام و روم
دریغ آمدم زان همه بوستان
تهی دست رفتن سوی دوستان
به دل گفتم از مصر قند آورند
بر دوستان ارمغانی برند
مرا گر تهی باشد از قند دست
سخن های شیرین تر از قند هست
نه قندی که مردم بصورت خورند
که ارباب معنی به کاغذ برند ...

و به این عبارت نگاه کنید :

« یك شب تامل ایام گذشته می‌کردم و برعمر تلف کرده تاسف می‌خوردم و سنك سراچه دل را به الماس آب دیده می‌سفتم و این بیت ها مناسب حال خود می‌گفتم » .

در حقیقت معلم اول زبانی که ما امروز آنرا برای بیان و مقاصد علمی وادبی وفلسفی و ارتباطی خویش بکار می‌بریم شیخ اجل سعدی است و البته این حرف بدان معنی نیست که‌ما امروز قلم‌برداریم وبشیوه گلستان چیز بنویسیم، بلکه آنچه‌باید ازشیخ بیاموزیم آن روانی و فصاحت و توانائی او بر بیان مطالب خویش به بهترین صورت است . یعنی آن جوهر سیالی که در سراسر شعر و نثر سعدی می‌دود و آنرا زنده و متحرك و ساده و موثر بما نشان می‌دهد . در این باب باید خیلی بیش از این گفتگو کرد ولی متاسفانه مجال نیست . زبان سعدی زنده ترین نمونه زبان فارسی است و شیوه او قرنها بعد مورد تقلید قائم مقام فراهانی واقع شد . و زبان امروز براساس اصولی که قائم مقام به پیروی از سعدی بکار گرفته بود بنیان گذاری شده است، باتوجه به این نکته که روز بروز در همان راه پیش برود یعنی هر رور زنده تر ، ساده تر ، فصیح تر ، و برای بیان مقصود آماده تر گردد .

امروز نوشته های فصیح ما و حتی طرز بکار بردن ترکیبات و تعبیرات در میان گذشتگان بیش از همه به سعدی شباهت‌دارد. و از این جهت برای مایه‌ور شدن کسانی که می‌خواهند درزمینه های مختلف چیزبنویسند و برای روانی نوشته ایشان هیچ‌کتابی باندازه مطالعه مداوم آثار سعدی موثر نیست .

اما این که بنده چه شاعری را بیش از همه می‌پسندم مطلب دیگری است . چون در شعر تنها شیوه بیان عامل اصلی نیست بلکه عمق معنی ، ظرافت فکر ، سخن گفتن از زبان خواننده و بسیاری خصوصیات دیگر که برای شعر عالی شمرده‌اند، ومن اکنون مجال ذکر آنها را ندارم برای این که شعری از لحاظ برتر و بهتر از همه باشد لازم است ، من در میان شاعران ایران : حافظ را بیش از همه واجد این شرایط می‌دانم . اما بی فاصله می‌گویم که اولا این یك نظر شخصی است ، ثانیا خو گرفتن بایك شاعر و انس داشتن بااو و پی‌بردن به ریزه کاریها و آگاه شدن از زوایای روح وی موجب می‌شودکه او را برتر از دیگران بپندارند . به همین سبب می‌بینم کسانی که : نظامی ، فردوسی ، سعدی و حتی صائب و خاقانی را برتر از دیگران می‌پندارند . و این نتیجه ممارست و مطالعه مداومی است که در آثار این استادان بزرك داشته‌اند و من حافظ را بیش از همه خوانده‌ام و به او بیشتر از همه انس دارم و عجب نیست اگر این سخن‌گوی سحر آفرین را که شعرش همه بیت‌الغزل معرفت است بیش از دیگران بپسندم :

کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

تلاش ــ آقای محجوب مدتی است که شما در برنامه های تلویزیونی شرکت می‌کنید و از عرفان و اشراق و فلسفه وادب و مشرب شاعران و نویسندگان بزرك ایران صحبت می‌کنید و افکار آنان را تفسیر و توجیه می‌نمائید .

حال بما بگوئید که هدف و منظور نهائی

صفحه‌ی ام

www.KetabFarsi.com

شما از این برنامه ها چیست و چه چیزی را می‌خواهید ثابت کنید و فکر می‌کنید این برنامه ها می‌تواند در نسل کنونی ایران و فرهنك و ادب و زبان موثر باشد ؟ .

محمد جعفر محجوب ــ شاید به علت توجه‌زیادی‌که به رشد عرفی وکمی فرهنك می‌شود و کوششی که در راه باسواد کردن عده هرچه بیشتری از مردم بکار می‌رود متاسفانه مدتی است که جنبه کیفی فرهنك ما فراموش شده و جوانان و حتی دانش آموزان و دانشجویان ازادب و فرهنك باارزش فارسی که‌جزو غنی ترین فرهنگهای دنیا در دورانهای گذشته است بی‌خبر می مانند . و من چون باآنها سر و کار دارم می بینم و می‌دانم که مثلا از قهرمانان شاهنامه شاید حتی کسانی مانند اسفندیار و کیخسرو و گودرز را نشناسند . و بانهایت شرمندگی باید اعتراف کنم که بسیاری از کسانی که تحصیلات تخصصی خودرا دررشته‌ادب فارسی بپایان برده‌اند در اثر گرفتاری یا هر عامل دیگر غالبا موفق نمی‌شوند که مثلا یکدوره شاهنامه را از آغاز تا پایان بخوانند و نظامی و سعدی و مولانا و خاقانی و عطار که جای خود دارد .

بنابراین بنده به این نتیجه رسیدم که مردم شاهکار های بزرك ادبی و جریان های فکری و فلسفی و عرفانی را که روزی در این مملکت شاهکارهای بزرگی مانند: مثنوی شریف مولانا و دیوان کبیر و دیوان حافظ را پدید آورده نمی‌شناسند . و از مزایای آنها بی‌خبرند . فکر کردم که آثار فرهنك گذشته را تا آنجا که مقدور من است لااقل به جوانانی که علاقه دارند بشناسانم و تا جائیکه خبر دارم جوانان و دانشجویان و سایر طبقات حتی کسانی که وارد عالم ادب فارسی نیستند به این برنامه ها لطف دارند و آنها را باحسن قبول تلقی می‌کنند . اما من کوشش کردم که تا آنجا که میسر است و بنظر من می‌آید جنبه های مثبت و نکات قابل ملاحظه که در این آثار است برجسته کنم و انگشت روی آنها بگذارم و از تلاش و کوششی که برای ساخته شدن آنها بکار رفته یا هر جنبه مثبت دیگری که در آنها وجود داشته (مانند مقاومت در برابر ظلم، مبارزه با دو روئی و تزویر ، ابراز تنفر از زهد فروشی و ریاکاری و مانند آنها) بطور نمایان به علاقمندان برنامه های خود عرضه کنم .

اما این که این برنامه چقدر می‌تواند در نسل امروز و فرهنك و ادب و زبان موثر باشد ، جواب این سؤال را باید کسانی که آنها را می‌بینند بدهند . اما بنده خود از بسیار کسان شنیده‌ام که گاهی نکاتی را که در باره زبان و ادب فارسی عرضه می‌کنم

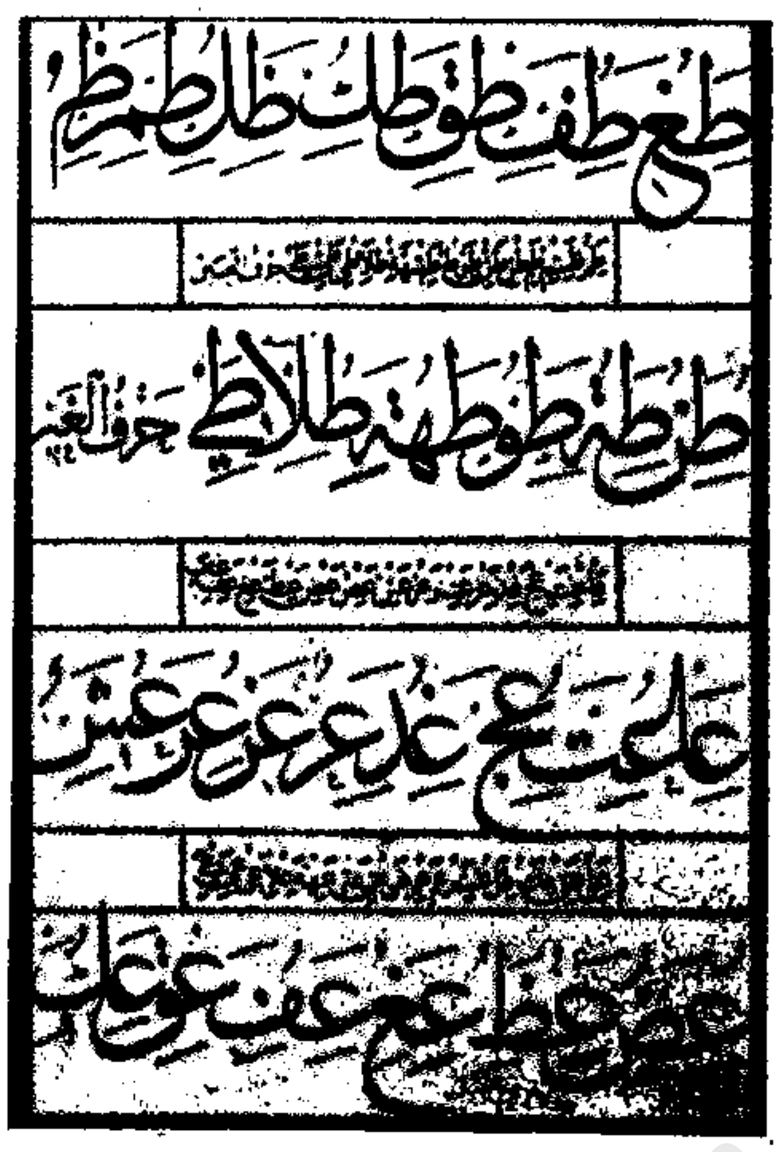

وتاکنون بنظر آنها نرسیده است، یادداشت می‌کنند و بکار می‌بندند . در هر صورت باید بگویم که اگر تاثیر آن زیاد و قابل ملاحظه نباشد باری از بی‌اثر بودن آن نگران نیستم .

تلاش ــ دو سال پیش شما در باره کتاب مقاله‌ای بما دادید که در تلاش چاپ شد و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت حالا بجا خواهد بود اگر عقاید و نظرات خود را در مورد وضع کلی نشر کتاب و کتابخوان و ناشرین و ترجمه و تالیف و پیشرفت آنها در دو سال گذشته بیان دارید ؟

محمد جعفر محجوب ــ «در مورد نشر باید عرض کنم که ناشران گذشته بکار خود تقریبا به همان روش سابق ادامه می‌دهند و حتی گروهی سودجو از راههای تزویر آمیز می‌کوشند تا از حاصل دسترنج دیگران استفاده* کنند و جلوگیری از آنها بعهده خود صنف ناشر است . اما در عین حال باید عرض کنم که در این دو ساله چند بنگاه نشر بسیار آبرومند با صاحبان تحصیل کرده و فهمیده و با رعایت اصول فنی و باسرمایه های نسبتا بزرك بصورت شرکت تاسیس شده که در آنها روحیه کاسبکاری و تنك نظری های کاسبکارانه‌کمتر وجود دارد ومی‌کوشند تاکتابهای خود را به همان صورت وباهمان روش که در کشور های مترقی دنیا معمول است انتشار دهند . از سوئی دیگر باآن که هنوز کتابهای بی‌ارزش باترجمه های غلط و تالیف های ناساز و چاپ و صحافی و جلد بد بعنوان کتاب « بازاری » انتشار می‌یابد اما غالب ناشران متوجه شده‌اند که ممکن است نشر کردن کتاب بد و بنجل بضررشان تمام شود و ناقدی باآفتابی کردن عیب های کتاب موجب کساد بازار آنرا فراهم آورد .

بعلاوه بسیاری از بنگاه های انتشار دولتی و غیر دولتی و رسمی و غیر رسمی قبل از سپردن کتاب به مطبعه آنرا بدقت می‌خوانند و اگر ترجمه باشد بااصل تطبیق می‌کنند و تالیف و تصنیف را به صاحب‌نظری می‌دهند و از او نظر می‌خواهند و خلاصه کوشش می‌کنند که ارزش معنوی کتابشان کم نباشد و ما امروز درایران کتابهای درست و پاکیزه و آبرومند با ترجمه های رسا و فصیح و فهرست ها و مقدمات لازم و چاپ و صحافی پسندیده خیلی بیشتر از دو سال پیش داریم. امروز بنگاه نشر در ایران‌داریم که می‌کوشدکتابهای خودرا بی‌غلط وغلطنامه چاپ کند و هرفرم کتاب که غلطی در آن راه یافت تجدید چاپ می‌کند.

امروز ما مترجمانی داریم که تقریبا از تمام زبانهای زنده دنیا می‌توانند ترجمه‌کنند و حال آن که در آغاز کار ترجمه درعصر جدید کتابها غالبا ازترکی **استانبولی** یا عربی بفارسی ترجمه می‌شد وامروز از زبان های انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی ، روسی ، ایتالیائی ، اسپانیولی وحتی زبانهای کوچکتر دیگر مانند زبان چك و امثال آن کتاب از متن اصلی بفارسی ترجمه می‌شود .

تلاش ــ درباره هنر نقد نویسی و نقادی در ایران حرف بزنید و بما بگوئید که آیا ما منتقد بمعنای واقعی در ایران داریم که با فکری تعالی یافته به نقد و ارزش‌یابی یك کتاب بپردازد و نظر علمی و محققانه خود را بیان دارد ؟

محمد جعفر محجوب ــ اگر بگویم که امروز در سراسر ایران یك منتقد به معنای واقعی نیست بی‌انصافی کرده‌ام ولی درعین حال هم نمی‌توانم بگویم هست . لااقل نمی توانم بگویم کسی هست که کار اصلی‌اش نقد باشد و از این راه زندگی کند و سایر شرائط از قبیل صلاحیت و انصاف و بی‌نظری و نان قرض ندادن هم در او جمع باشد . هرکس نقدی می‌نویسد یکی از این چند شرط را ممکن است خدای نخواسته نداشته باشد . و اگر هم شرائط در او جمع باشد باز حرفه‌اش نقد کردن نیست و این کار را در جنب کار اصلی خویش‌که تالیف یاترجمه یا درس دادن یا کار های اداری و فنی و نظایر آنهاست انجام می‌دهد . بااین حال در میان همین افراد بسیارند کسانی که با بی نظری و انصاف داوری می‌کنند و از هو وجنجال وشمشیر کشیدن برروی حریفان و دوست نوازی و دشمن گدازی ازراه نیش قلم پرهیز دارند . بدیهی است که در برابر آنها نقطه مقابلشان نیز وجود دارد . باتمام

صفحه‌ی دیگر

این احوال در اینجا دیده‌ایم که منتقـدی نویسنده‌ای را معرفی کرده و او را در راه شهرت انداخته است . حالا اگر آن منتقـد بلینسکی و آن نویسنده داستایوسکی نیست باید به ضرب‌المثلی از مردم شیراز استناد کنم که می‌گویند :

«مورچه اسبی روزی سه من و نیم نان می‌خورد منتها بسنك خودش» .

تلاش ــ از خودتان صحبت کنید . از آثار چاپ شده و در دست چاپ ، از فعالیت های ادبی و کوششهای استادانه خـود در دانشگاه ، از مطالعات و تجسسات و تحقیقات تازه خودتان مطالبی برای ما بگوئید .

محمد جعفر محجوب ــ اجازه بدهید از خودم صحبت‌نکنم چون گرفتاریهای‌درسی و کمبود کادر صلاحیت‌دار آموزش عالی موجب شده است که دربیابان لنگه کفش کهنه نعمت خدا شود و تقریبا تمام ساعت های قابل استفاده من در کار درس صرف شود بااینحال شکسته بسته‌ای چند فراهم آورده‌ام که اگر در این تابستان فرصتی بدست آید آخرین نظر را برآنها بکنم و به مطبعه بسپارم :

کتابی درباره ادب عوام ــ کتابی درباره قالب های شعر فارسی (تقریرات در آغـاز درس سبك شناسی شعر) ــ یادداشت هائی درباره شاهنامه فردوسی و جنبه های مختلفی از این کتاب عظیم که تاکنون از آن‌صحبتی نشده است ، تصحیح متن فتوت نامه سلطانی که زیر چاپ است ، تصحیح متن ابومسلم‌نامه و از این قبیل کارها .

تلاش ــ متشکریم .

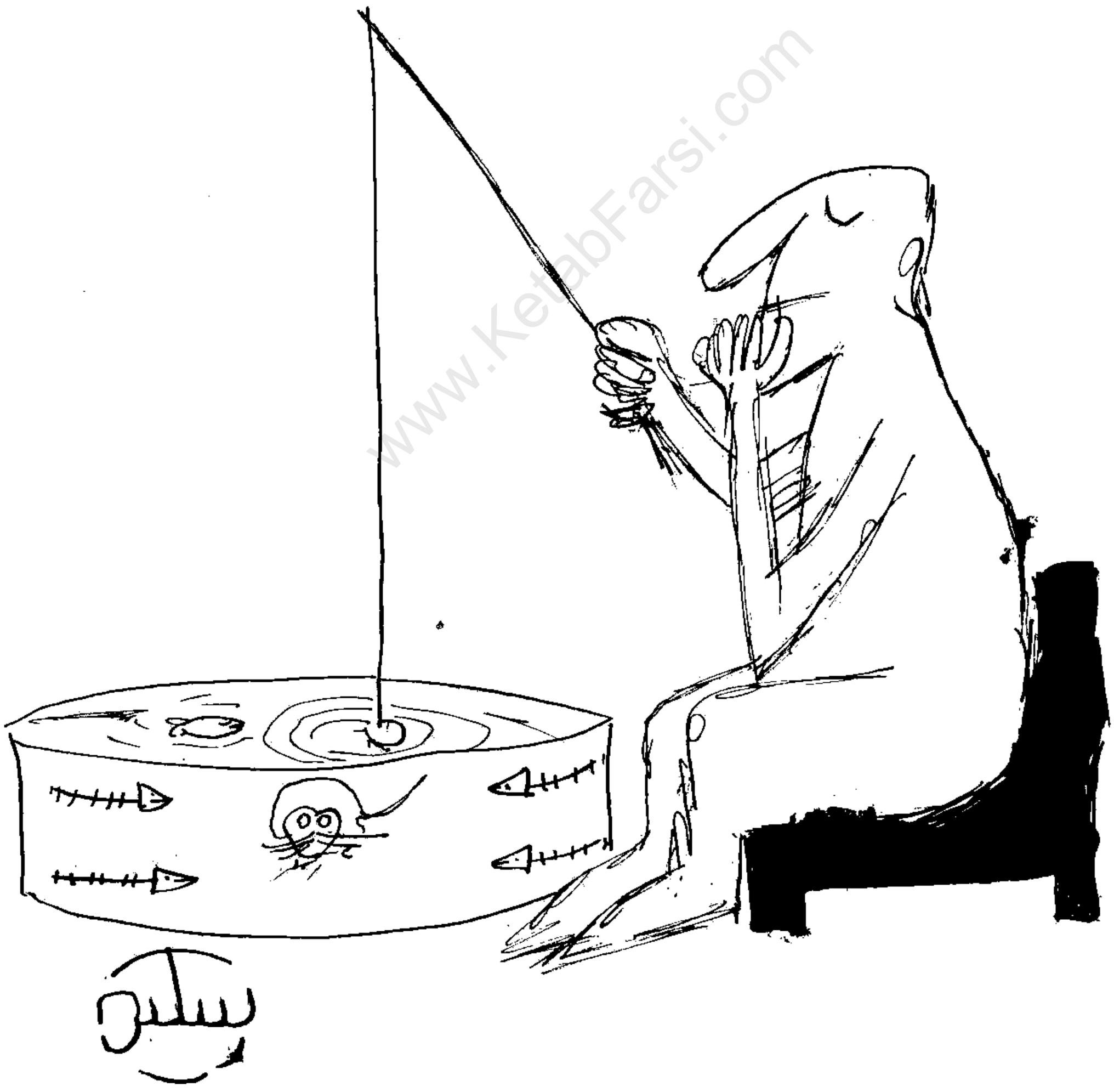

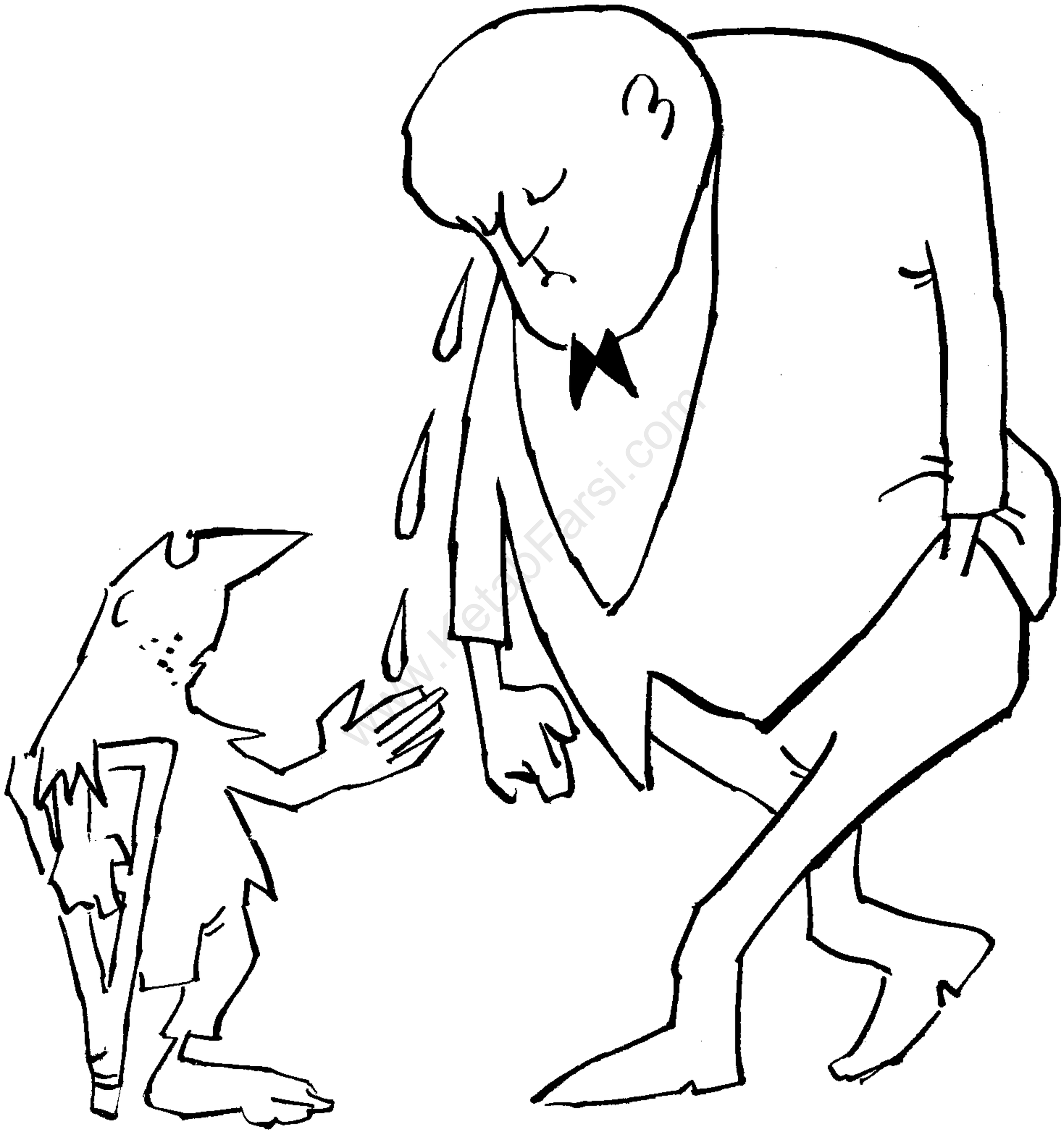

صدقه بسبك نو

شیر غذای همه

گفتگو بامدیر عامل شیر پاستوریزه تهران

تلاش ــ آقای مهندس زاهدی می‌توانید بفرمایید علت تاسیس سازمان شیر پاستوریزه چه بود ؟

زاهدی ــ به منظور کمك به‌بهداشت مردم تهران از راه مصرف شیر سالم وتوسعه امر دام پروری و تهیه شیر بیشتر ، در سال ۱۳۳۲ بابودجه وزارت کشاورزی از برنامه های عمرانی کشور و کمك وزارت بهداری وکمك سازمان (یونیسف) طرح کارخانه شیر پاستوریزه تهران برای ٤٥ تن شیر پاستوریزه در روز ریخته شد و در اواخر سال ۱۳۳٦ کارخانه شروع به‌کار کرد.

تلاش ــ چه مقدار شیرتوسط موسسه شما توزیع می‌گردد .

زاهدی ــ در حال حاضر در حدود ۱۵۲ تن شیر دریافت می‌کنیم وتمام این شیری هم که دریافت می‌کنیم به‌صورت شیر پاستوریزه دربطری های نیم‌لیتری وربع لیتری وسایر فرآورده‌های پاستوریزه مثل ماست ، کره شیر کاکائو ، بستنی ، دوغ و پنیر در اختیار مصرف کنندگان تهران قرار می‌دهیم.

تلاش ــ اهم محصولاتی که تولید می‌کنید چیست ؟

زاهدی ــ اهم محصولاتی که این کارخانه در حال حاضر تولید می‌کند در درجه اول شیر پاستوریزه است که در شیشه های نیم لیتری وربع لیتری به‌بازار عرضه می‌شود. مقدار آن در حال حاضر روزانه در حدود سیصد هزار شیشه شیر ربع لیتری ودر حدود ۸۰ هزار شیشه شیرنیم‌لیتری‌است . بعدماست پاستوریزه که در شیشه های یك سوم کیلوئی است که مقدار آن در حدود ٦٥ هزار شیشه می‌باشد ، دوغ پاستوریزه که آن را در شیشه های نیم لیتری وربع لیتری می‌ریزیم وبه‌طور متوسط مقدار آن ٤٠ هزار شیشه ربع لیتری و ۱۰ هزار شیشه نیم لیتری در روز است ، دیگر کره پاستوریزه که محصول روزانه آن در حدود ۳۲ هزار قالب ۱۰۰ گرمی است ، یك تن بستنی هم تهیه می‌کنیم

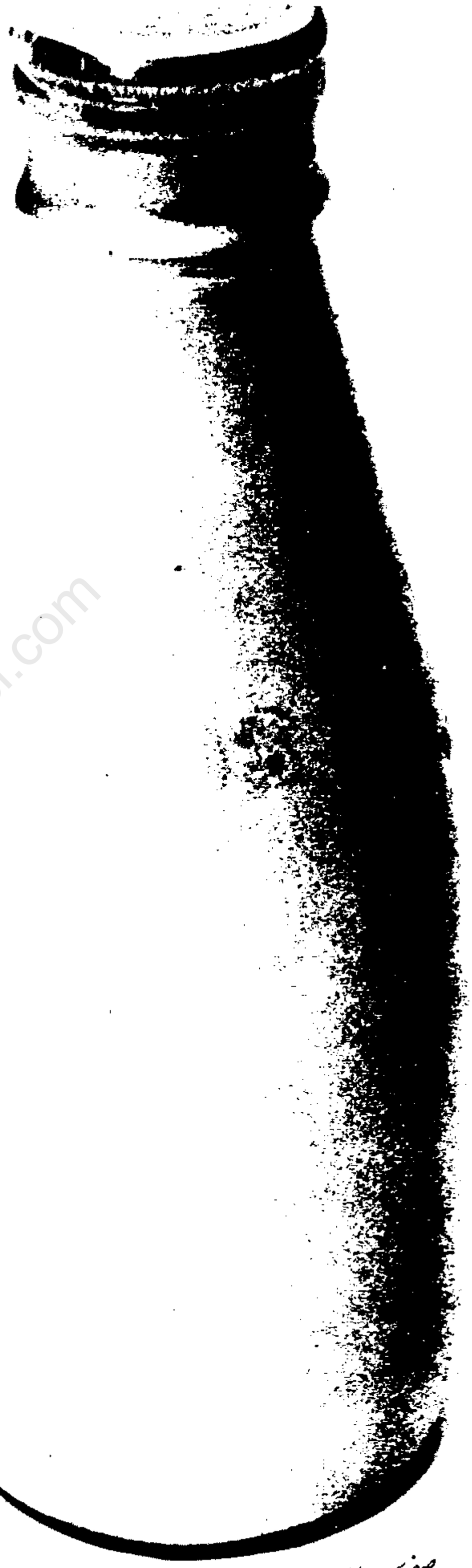

www.KetabFarsi.com

● ظرفیت این کارخانه در حال حاضر ۱۵۰ تن شیر در روز است .
● در سراسر ایران ده کارخانه شیرپاستوریزه وجود دارد .
● کارخانه‌یی بنـــام تتراپاك در حـــال تاسیس است .
● طریقه جدید تهیه شیر که قصد داریم آنرا عملی کنیم طریقه خیلی مدرنی است که درحال حاضر فقط کشورهای سوئد و دانمارك و سوئیس آنرا بکار میبرند .

که به‌صورت‌های مختلف در لیوان ، کیسه های‌نایلونی و در کارتن‌ها می‌باشد.دیگرپنیر پاستوریزه است که‌در حال حاضردر حدود ٦ تن از آن تهیه می‌کنیم و چند نوع است یکی پنیر سفید محلی که همان پنیر معمولی می باشد ودیگر پنیر «پاراسس» است ودیگر نوع «چه‌لر» آمریکائی ویك نوع دانمارکی وهمچنین پنیری است به‌صورت پیك‌نیك و پنیر خامه‌یی . پنیرهایی که درحـــال حاضر دراین کارخانه تهیه می‌کنیم شاید در نوع خودش بی‌نظیر باشـــد و مخصوصا پنیـــر «پاراسس» وپنیر خامه‌ای یا «کرم چیز» بدون اغراق ممتازترین پنیر نوع خود در دنیا است.

تلاش ــ این تناسب واین مقدار همیشه یکسان است یا به‌مقتضای فصل تغییر می‌کند؟

زاهدی ــ مقدار محصولی که ما تهیه می‌کنیم بستگی به فصل دارد . من‌باب مثال عرض کنم که در فصل تابستان بستنی زیادتر است البته در فصل پائیز کمتر خواهد شد. ودر فصل زمستان مقدار آن خیلی کم‌خواهد شد. ماست و شیر در فصل تابستان خیلی زیاد تر مصرف می‌شود . و خوشبختانه پروژه یی برای مدارس از اواخر سال گذشته اجرا می‌شود و آن توزیع شیر کاکائو در مدارس است. فکر می‌کنم که این توزیع شیر کاکائو از نظر رشدکودکان و تغذیه آنان‌بسیارمفید باشد. درفصل تعطیلات مدارس بالطبع‌توزیع این شیر کاکائو هم کم میشود و مسلما در شروع فعالیت‌مدارس توزیع‌آن بیشتر خواهد شد .

تلاش ــ گفتید سایر محصولات بغیر از شیر را هم پاستوریزه می‌کنید لطفا بفرمائید نحوه پاستوریزه کردن شیرو سایر محصولات این موسسه چگونه است .

زاهدی ــ به‌طورکلی‌برای پاستوریزاسیون در حال حاضر در دنیا از دوروش استفاده می‌شود یکی پاستوریزه کردن با حرارت کم وزمان زیادودیگرپاستوریزه کردن باحرارت زیاد و مدت کم. در طریقه اول معمـــولا محصولات را به مدت نیم ساعت در درجه حرارت (٦٠) سانتی گراد پاستوریزه می کنند ودر طریقه دوم عمل پاستوریزه بـــا حرارت (٧٦) درجه سانتی‌گراد وبه مدت ۱۵ ثانیه انجام می‌گیرد. در هر دو طریقه منظور از عمل پاستوریزاسیون از بین رفتن وکشته شدن میکـــروب های بیماری زائی است که در شیر وجود دارد . در حال حاضر از این دو طریقه در کارخانه استفاده می شود. شیری را که برای ماست می‌خواهیم بطریقه دوم‌و بستنی را بطریقه اول پاستوریزه می‌کنیم.

تلاش ــ این طور که شایع است دستگاه های شما قادربه کشتن تمام باکتریهای‌موجود در شیر نیست آیا این شایعه صحت دارد یا خیر ؟

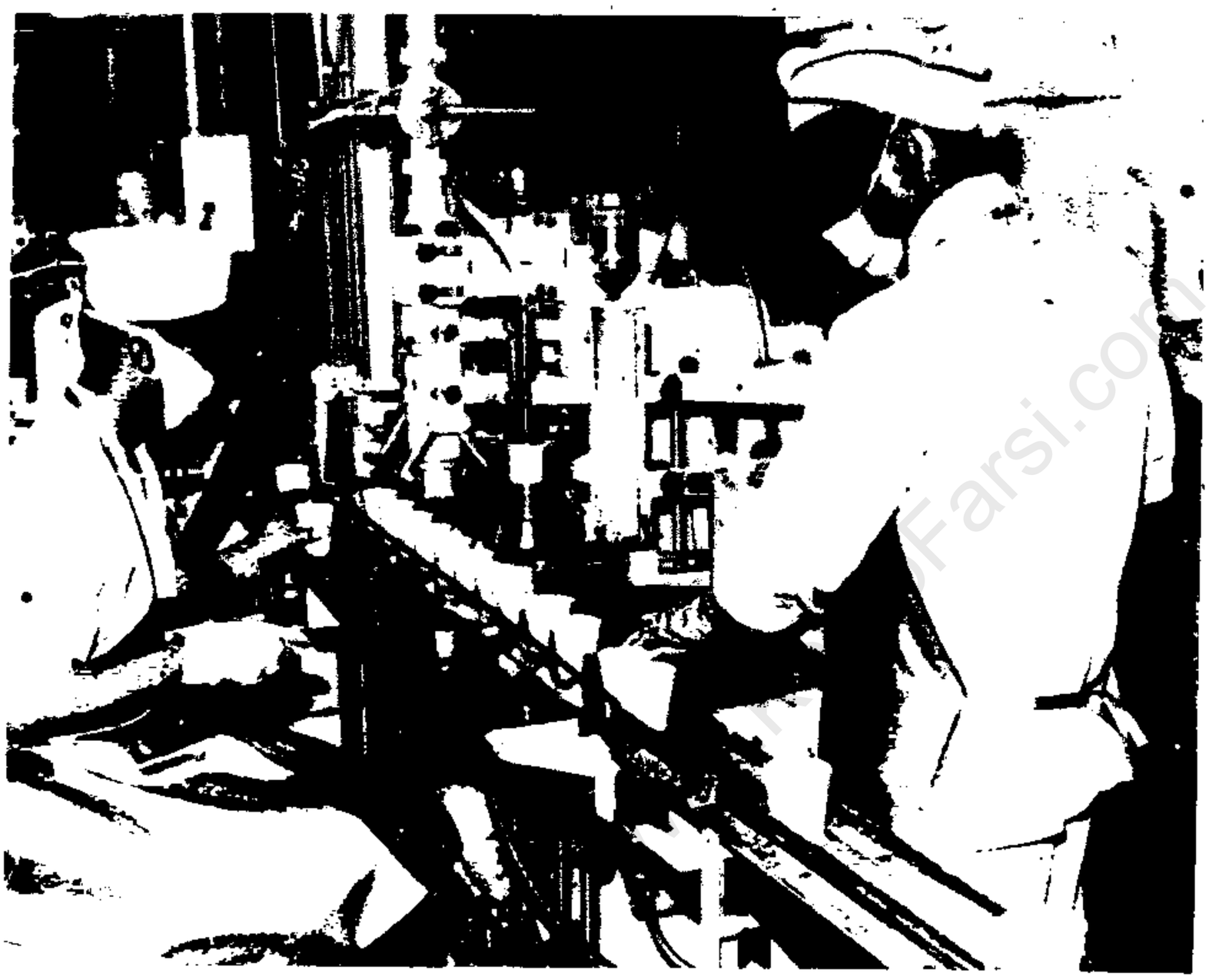

زاهدی ــ اصولا دستگاه‌هایی کـــه در کارخانه‌ما برای عمل پاستوریزه‌اسیون وجود دارد شاید در نوع خودش در دنیا بی‌نظیر است واز بهترین دستگاه‌ها می‌باشد و فکر می‌کنم این شایعه صحت نداشته باشد. چون عمل پاستوریزاسیـــون که به‌طور کلی برای کشتن واز بین بردن میکروب های بیماری زای موجود در شیر است در این کارخانه انجام می‌گیرد واطمینان بخش هم است و تمام میکروب هایی که خطرناك هستند اگر در شیر وجود داشته باشند از بین خواهد رفت بنابراین بااطمینان می‌شود این لبنیات را مصرف کرد و عاری از هرگونه میکروب خطرناك است.

تلاش ــ پس به این ترتیب ممکن‌است بفرمایید وقتی شیر پاستوریزه شد در صـــد باکتری که در محصولات باقی می‌ماند چقدر است ؟

زاهدی ــ برای میکروب های موجود درشیر پاستوریزه در هر کشوری استاندارد معینی وجود دارد واصولا میکروب های موجود در شیر پاستوریزه را به دو دسته‌تقسیم می‌کنند یکی انواع«کلی فرم‌ها» یا «کلی باسیل‌ها» هستند و دیگر جمع‌میکروب‌های موجود در شیر پاستوریزه . در باره نوع اول یا «کلی فرم‌ها» باید بگویم که : اصولا در شیر پاستوریزه نباید کلی‌فرم وجود داشته باشد چون این میکروب ممکن است بعضی وقت‌ها به‌صورت پاتوژن (بصورت بیماری زا) درآیدو باعث فساد شیر و اختلال در دستگاه گوارش مصرف کننده بشود. ولی در کشورهائی مثل آمریکا، فرانسه، سوئد وجود یك تعداد معینی کلی‌فرم در شیر پاستوریزه را جائزمی‌دانند ومی‌گویند این مقداراشکالی ندارد. ولی تعداد آن هم در هر سانتی‌متر مکعب شیر نباید بیش از ۱۰ عدد کلی فرم باشد وخوشبختانه در کارخانه شیر پاستوریزه تهران در شیر و سایر فرآورده‌هایی کـــه تهیه می‌کنیم تعداد این کلی‌فرم‌ها به ۱۰ عدد هم نمی‌رسد . البته این آلودگی به کلی فرم پس از مرحله پاستوریزاسیون است و آن هم به‌علت عدم دقت در بسته بندی و نظافت

صفحه پنجم

لوله‌ها و تانك های ذخیره شیر ممکن است ایجاد بشود . برای جمع میکروب‌های‌موجود در شیر پاستوریزه یك استاندارد معینی وجود دارد که فکر می‌کنم تعدادش در هر سانتی متر مکعب شیر بایستی از حدود ۳۰٫۰۰۰ تجاوز نکند و خوشبختانه باتوجه به کنترل شدیدی که‌از مرحله‌تولیدتا مرحله‌تهیه، روی شیرخام‌وشیر پاستوریزه‌به‌عمل‌می‌آیداین‌مقدار هم خیلی‌خیلی کمتر است بازهم می‌شود گفت که از نظر آلودگی میکروبی چه از نوع اولیه و چه ثانویه محصولات پاستوریزه درجه ممتازی رادارد‌و بااطمینان می‌شودمحصولات پاستوریزه را مصرف کرد.

تلاش ــ ممکن است بفرمائید شیر مورد احتیاج کارخانه را از چه منابعی تامین می کنید ؟

زاهدی ــ شیر مورد مصرف را از گاو داری های اطراف تهران تامین می‌کنیم .این گاوداری‌ها شخصی و خصوصی هستند. گاو دارها قبلا مورد بازرسی مسؤولین صلاحیت دار بهداشتی قرار می‌گیرند اگرشیر تولیدی آن‌ها قابل پاستوریزه شدن بود کارخانه با این دامدارها قرارداد می‌بندد و دامداران شیر خودشان را روزانه در دو نوبت صبح و عصر تحویل کارخانه می‌دهند.

تلاش ــ آیا این حقیقت دارد که می گویند قسمت اعظم گاوهای شیرده اطراف تهران آلوده به میکروب سل می‌باشند.

زاهدی ــ باکنترل شدیدی که توسط مسؤولان امور بهداشتی وماموران دامپزشکی واداره کل دامپروری واداره بهبود شیر کارخانه انجام می‌گیرد تمام گاوهای شیری اطراف تهران که شیر به‌کارخانه تحویل می‌دهند مورد کنترل شدید بهداشتی هستند وفکر می‌کنم درحال حاضر اکثر این گاوها سالم هستند و بهیچوجه وزارت کشاورزی وسازمان دامپروری کل کشور و اداره کل دامپزشکی اجازه نخواهند داد که اصلا گاو مسلولی وجود داشته باشد واگر گاو مسلولی در تهران و یا حتی در شهرستان ها باشدطبق مقررات اداره دامپزشکی این گاو را از صاحبش خریداری کرده و تحویل کشتارگاه می‌دهند، اگر گوشتش سالم باشد مصرف می کنند ودر غیر این صورت آن را معدوم می نمایند . من تصور نمی‌کنم که اصلا گاو مسلولی وجود داشته باشد که شیرش را به کارخانه تحویل بدهند. واما اصولا عمل پاستوریزاسیون شیر برای از بین بردن میکروب سل انجام می‌گیرد و میکروب سل که میکروب مقاومی است در برابر حرارت واسید ودر مقابل الکل، در ۶۰ درجه‌حرارت سانتی گراد در یك لحظه از بین می‌رود .

تلاش ــ بنابراین گاوها کنترل‌می‌شوند وسپس اگر سالم‌بودند شیر آن‌هارا خریداری می‌کنید آیا این کنترل شما هم آیا گاهی مجددا کنترل می‌شود و چه کسانی برای کنترل می‌روند وآیا نحوه کنترل هم مجددا کنترل می‌شود ؟

زاهدی ــ اول مسؤولان اداره کل دامپزشکی می‌روند گاوهای گاوداریها را از نظر بیماریهای عفونی مثل بیماری سل و تب مالت وسایر بیماری های ساری کنترل می کنند . بعد مامورین وزارت بهداری افرادی را که باگاوها و دوشیدن شیر سرو کار دارند از نظر بیماری های عفونی ومزمن کنترل می کنند و بعد مسؤولان اداره بهبود شیر کارخانه می‌روند گاوداری را از نظر طرز تغذیه ، نژاد ، طرز نگهداری و طریقه شیر دوشی وبهداشت نگهداری ودیگر جهات مورد کنترل قرار می‌دهند و بعد اگر این کنترل‌ها نتیجه‌اش براین بود که ما بتوانیم شیر را از گاودار خریداری کنیم آن وقت است که ما شیر را تحویل می‌گیریم. علاوه براین که این کنترل‌ها قبل از انعقاد به عمل می‌آید (هر سه‌ماه یك مرتبه این کنترل‌ها انجام می‌گیرد) همه روزه قبل از توزین و تحویل گرفتن نیز ، شیر ، از نظر فیزیکی، شیمیایی ، در جه حرارت ، رنك وبو مورد آزمایش های کمی و کیفی و میکروبی قرار می‌گیرد اگر شیر سالم و قابل پاستوریزه‌شدن بود ما تحویل می‌گیریم چنانچه هرگونه اشکال و عیب و نقصی داشته‌باشد ما آن شیر را تحویل نخواهیم گرفت .

تلاش ــ آیا خود موسسه شیرپاستوریزه گاوداری هم دارد ؟

زاهدی ــ نه‌خیر، کارخانه شیرپاستوریزه گاوداری ندارد وشیر مورد احتیاج خود را منحصرا از گاوداران خصوصی خریداری می‌کند.

تلاش ــ ممکن است بفرمایید امتیازات قراردادهای شما نسبت به‌یکدیگر برچه‌مبنائی است ؟

زاهدی ــ امتیازات قرارداد های ما بستگی به مرغوبیت جنس ، ارزش بهداشتی ومقدار درصد چربی شیر دارد. اول هر سال قرارداد های جدیدی با دامداران تنظیم می‌شود وپس از عقد قرارداد دامدار روزانه شیر خودش را به‌کارخانه تحویل می‌دهد و هر پانزده روز یك بار مبلغی وجه به‌عنوان مساعده دریافت می‌کند و آخر هر ماه تسویه حساب می‌نماید، چنانچه از نظر چربی شیر دامداری ارجحیت داشته باشد کارخانه مبلغی به عنوان جایزه به‌دامدار می‌دهد.

تلاش ــ مقدار متوسط شیری که گاو در سال می‌دهد چقدر است ؟

زاهدی ــ مقدار شیری که هر گاو تولید می‌کند بستگی به نژاد ، محل گاوداری و غذای مورد مصرف گاو دارد. معمولا در نژاد های ایرانی مقدار شیر کمتر و مقدار درصد چربی بیشتر است اما مقدار شیر گاو های خارجی خیلی بیشتر و برعکس چربی آن کمتر است. اکنون اکثر دامداری های اطراف تهران ، که شیرشان را به‌کارخانه می‌فروشند ، دارای گاوهای نژاد خارجی می باشند که از کشور های دانمارك ، انگلستان، هلند ، آلمان واسرائیل وارد کرده‌اند . در حال حاضر باشرایط اقلیمی مقدار چربی شیر گاوهای خارجی هم در ایران زیادتر شده و در حال رسیدن به حدود چربی شیر گاو های ایرانی است.

به‌طور متوسط مقدار شیر نژاد گاوهای خارجی در روز حدود ۲۵ تا ۳۰ لیتر و مقدار شیر گاوهای ایرانی حدود ۱۰ تا ۱۲ لیتر می‌باشد.

تلاش ــ لطفا درباره تعداد محل توزیع ونحوه توزیع اطلاعاتی بدهید.

زاهدی ــ توزیع محصولات کارخانه در تهران توسط دو شرکت انجام می‌گیرد یکی «شرکت توزیع لبنیات پاستوریزه تهران» و «دیگری شرکت‌توزیع لبنیات شمیران». این شرکت‌ها مجهز به وسایل حمل شیر مدرن با سردخانه می‌باشند وهمه روزه ساعت ده بعد از ظهر در کارخانه بارگیری می‌کنند و ساعت ۳٫۵ تا ٤ صبح آخرین کامیون حامل لبنیات از کارخانه خارج می‌شود و ساعت پنج صبح هم در شهر بین لبنیات فروش‌ها توزیع می‌گردد. تمام لبنیات فروش‌ها هم دارای سردخانه یا یخچال می‌باشد واکثر آن‌ها هم کلاس های بهداشتی را دیده‌اند و به طرز نگهداری و فروش لبنیات پاستوریزه آشنا هستند.

تلاش ــ به طور کلی محصولات شما تا چه‌حدودی ازتهران پخش می‌شود وبرنامه‌یی برای توسعه تولید وبهتر کردن توزیع دارید یاخیر ؟

زاهدی ــ در حال حاضر در شهر تهران تاحضرت عبدالعظیم واز قسمت غرب تا کرج واز شمال درتمام منطقه شمیرانات شیر توزیع می‌شود . چون کارخانه شیر پاستوریزه تهران وابسته به‌شرکت سهامی صنایع شیر ایران و یك کارخانه دولتی است در نظر دارد که مصرف شیر در تمام کشور عمومیت پیدا کند وتمام مردم چه در شهرستانها و چه در دهات بتوانند از شیر سالم پاستوریزه‌استفاده کنند. تا آنجائی که برای کارخانه شیر پاستوریزه تهران امکان‌داشته باشداین وظیفه راانجام خواهد داد و آنچه که مربوط به کارخانجات خصوصی است به‌آن‌ها واگذار خواهد شد که وظیفه خود را انجام بدهند.

تلاش ــ درباره سرپوش شیر و دوغ و ماست وغیره حرف هائی زده می‌شود ازجمله

می‌گویند : «چون بسته بندی این‌ها بسیار ساده وابتدائی است بسیار دیده شده که در شیشه های شیر پاستوریزه شیر معمولی ریخته واین سرپوش‌ها را روی آن گذاشته‌اند» آیا شما اطلاعی از این نوع تقلبات دارید یاخیر ودرصد آن‌ها رامی‌دانید. وآیا تابحال فکری برای این سرپوش‌ها کرده‌اید که‌روش دیگری را در نظر بگیرید که از این تقلب‌ها جلوگیری شود ؟

زاهدی ــ دراوایل بهره‌برداری متاسفانه تقلب هائی که در خارج از کارخانه روی محصولات کارخانه انجام می‌گرفت دیده می شد واطلاعاتی به کارخانه می‌رسید و با بررسی هائی که شد صحت آن‌ها نیز معلوم گردید ولی به علت آشنائی بیشتر مردم به محصولات پاستوریزه روز بروز از تعداد این تقلب‌ها کمتر شد و در حال حاضر خیلی خیلی بندرت اتفاق می‌افتد. در مورد تقلب های گذشته به‌مراجع صلاحیتدار هم گزارش شده و آن افراد هم مورد تعقیب قرار گرفته‌اند . اما در مورد درپوش شیشه‌های شیر، همین عملی که ماانجام می‌دهیم در تمام دنیا انجام میدهند و سایر کشورها هم همین طریقه را به کار می‌برند و در حال حاضر ماشینی از این مدرن‌تر واز این بهتر دردنیا برای بسته بندی شیر ساخته نشده است وفعلا تصمیمی برای تغییر در وضع شیشه‌های شیر نداریم ولی برای شیشه‌های دوغ در نظر داریم آن را مثل سایر مشروبات غیر الکلی در شیشه‌هائی بریزیم که درپوش آن دارای چوب پنبه وفلز باشد. چون دوغ را دو سه یا چهار روز می‌توان در یخچال نگهداری کرد.

تلاش ــ آیا حقیقت دارد که می‌گویند تاریخ روی شیشه شیر برای این که ضرری به کارخانه متوجه نشود همیشه دو روز قبل زده شده است ؟

زاهدی ــ چنین چیزی صحت ندارد. اصلا شیری که مثلا امروز وارد کارخانه می‌شود همین امروز آنرا پاستوریزه وبسته بندی می‌کنیم وچون مصرف شهر تهران خیلی زیاد شده اکثر همانروز مقدارزیادی از آن را به شهر می‌برند و مصرف می‌کنند وآن مقداری را که برای روز بعد احتیاج داریم ماناچار تاریخ روز بعد میزنیم و صبح روز دیگر، خیلی زود (یعنی ساعت ٤ صبح) از کارخانه حمل‌می‌شود و بهیچوجه فروشندگان هم‌یك روز بیشتر نباید نگهداری بکنند ونباید مصرف بکنند .

تلاش ــ آیا صحت دارد که شما از شیر خشك برای تولید ماست وشیر مایع استفاده می‌کنید ؟

زاهدی ــ بهیچوجه صحت ندارد. ما نه فقط از شیر خشك استفاده نمی‌کنیم بلکه در موقعی که شیر زیاد باشد و مصرف شیر کم بشود مقداری از شیر دریافت شده را بصورت شیر خشك درمی‌آوریم که برای مصارف شیرینی فروش‌ها و قنادی‌ها بکار می‌رود.

تلاش ــ آیا شما آماری از تولیدات غیر کارخانه‌ای دردست داریدومی‌توانیدبفرمائید چنددرصد از مصرف مردم را فرآورده‌های غیر پاستوریزه تامین می‌کند ؟

زاهدی ــ آمار دقیقی در این مورد در دست نداریم ولی فکر می‌کنم در حال حاضر ١٦٠ تن از لبنیات مورد مصرف مردم شهر تهران را کارخانجات پاستوریزه تهیه می‌کنند ودر حدود ٢٠ تا٣٠ تن هم ازلبنیات غیر پاستوریزه به مصرف می‌رسد.

تلاش ــ گاهی شنیده می‌شود که محصولات پاستوریزه مسمومیت ایجاد می‌کند آیا شما از این مسمومیت‌ها اطلاعی دارید یا خیر واگر دارید و مورد مطالعه دستگاه شما قرار گرفته ممکن است بفرمائید درصدسالیانه این مسمومیت‌ها چقدر است ؟

زاهدی ــ تاآنجائی که من اطلاع دارم و از آنجایی که از اول بهره‌برداری کارخانه تابحال تصدی آن‌به‌عهده من‌بوده بهیچوجه نشنیده وندیده‌ام که کسی از محصولات پاستوریزه مسموم شده باشد.. وبا مطالعاتی که سال‌ها روی محصولات پاستوریزه به‌عمل آمده (ومخصوصا مدتی که خود من در انستیتو رازی حصارك محصولات را مورد مطالعه قرار دادم) خوشبختانه محصولات پاستوریزه عموما سالم هستند و بهیچ‌وجه دیده نشده که سبب آلودگی و یا مسمومیت مصرف کننده بشود.

تلاش ــ درموردشرکت‌های پاستوریزه‌یی که در شهرستان‌ها تشکیل شده ممکن است بفرمائید چه ارتباطی با دستگاه شما دارند وچند درصد سرمایه آنها بکمك دولت بوده ودر ضمن چطور می‌شود که گاهی شیشه های شیر پاستوریزه شهرستان‌ها در تهران دیده می‌شود ؟

زاهدی ــ درحال‌حاضر لبنیات پاستوریزه پارس شیراز وشرکت سهامی لبنیات عدل تبریز وابسته به شرکت سهامی صنایع شیر ایران می‌باشند که در حدود ٩٠ درصد از سهام این کارخانجات متعلق به دولت استو تحت نظردولت‌اداره می‌شودسایر کارخانجات پاستوریزه شهرستان‌ها اختصاصی‌می‌باشند ولی همیشه مورد حمایت کارخانه شیر پاستوریزه تهران بوده وبه اخذ کمك های فنی نیز نائل شده‌اند واین کارخانه کارشناس دراختیارشان قرار داده واشکالات آن‌ها را برطرف کرده است.

در مورد شیشه های شیر پاستوریزه شهرستان‌ها که‌دربازاردیده‌می‌شود خوشبختانه همه شیشه‌ها شیر در ایران استاندارد است و از لحاظ حجم تفاوتی ندارد.

تلاش ــ بنظر شما هر فرد ایرانی چه مقدار شیر و لبنیات مصرف می‌کند

زاهدی ــ سوال‌بجائی‌است درحال‌حاضر با مقدار شیری که فعلا کشیم در تهران مصرف می شود با توجه به جمعیت تهران که در حدود سه‌میلیون‌نفر است جمع‌مقدارمصرف هرفرد در تهران از ٤٠ تا ٥٠ گرم در روز بیشتر نیست و در شهرستان ها هم متاسفانه از این مقدار خیلی خیلی کمتر است و حتی به ١٠ تا ١٥ گرم نمی‌رسد (باستثنای دهات که خود مردم و زارعین علاقه به مصرف‌شیر ولبنیات دارند و مقدار بیشتری مصرف می کنند) ولی با توجه به توسعه روز افزون کارخانجات پاستوریزه در ایران امید است که مصرف سرانه روز بروز زیاد شود و به حداکثری که برای رژیم غذائی شیر برای هرفردی منظور شده (که در حدود یك‌لیتر در روز باشد) برسد .

تلاش ــ شیر پاستوریزی تهران چند در صد مصرف تهران را تامین می‌کند .

زاهدی ــ با توجه به‌ظرفیت این‌کارخانه که در حال حاضر ١٥٠ تن شیر در روزاست و با توجه به پیش‌بینی هائی که برای‌افزایش ظرفیت کارخانه به عمل آمده این کارخانه قادر خواهد بود که در آتیه ٩٠ درصد از احتیاجات مردم تهران را برآورده کند .

تلاش ــ در مورد توسعه‌کارخانه شیر پاستوریزه یعنی آنچه که در ایران داریم ، لطفا بفرمائید رویهمرفته چند درصد مصرف ایران را می‌توانند تامین کنند ؟

زاهدی ــ در سراسر ایران ١٠ کارخانه شیر پاستوریزه وجود دارد ولی مقدار شیر تولیدی و مقدار شیر مورد مصرف در حال حاضر خیلی کم است . و با توجه به‌جمعیت مردم ایران و با توجه به تعداد کارخانجات شیر پاستوریزه که در حال حاضر وجود دارد بنظر من در آتیه این کارخانجات‌بایستی خیلی توسعه پیدا کند و حتی در شهر های خیلی‌کوچك‌هم‌بایستی کارخانجات‌پاستوریزه یا تهیه شیر پاستوریزه وجود داشته باشد .

تلاش ــ در مورد توسعه کارخانه شیر پاستوریزه تهران صحبت به میان آمد ، مثل این که کارخانه‌ای هم بنام «تتراپاك» درحال تاسیس است ممکن است در باره آن توضیح بدهید ؟

زاهدی ــ اکنون مشغول ساختن بنای کارخانه «تتراپاك»جهت تهیه‌شیر«آسپتیك» وبسته‌بندی «تتراپاك» هستیم وتصور می‌کنیم که در سال آینده شروع بکاربکند. این شیر آسپتیك «وبسته بندی تتراپاك» به طریقه استریل تهیه خواهد شد . این شیر رامیتوان

صفحه‌ی هفتم

مدت یك ماه بدون احتیاج به یخچال و سردخانه نگهداری کرد . با این طریقه ما خواهیم توانست شیر را حتی به شهرستان ها بفرستیم و در اختیار مردم شهرستان ها قرار دهیم .

تلاش ــ محصول کارخانه «تتراپاك» چه وقت به بازار خواهد آمد ؟

زاهدی ــ ممکن است در اواخر سال جاری محصول این کارخانه را به بازار عرضه نمائیم .

تلاش ــ ممکن‌است‌بفرمائید این کارخانه چند نوع محصول خواهد داشت .

زاهدی ــ فعلا فقط شیر آسپتیك خواهد بود .

تلاش ــ این شیر چه تفاوتی از نظر مواد موجود در آن با شیر معمولی خواهد داشت .

زاهدی ــ این طریقه تهیه شیر که قصد داریم آن را عملی کنیم طریقه خیلی مدرنی است بنام طریقه Y.H.T یا شیر پالاریزه که در حال حاضر کشور های سوئد دانمارك و سوئیس این روش را به‌کار می‌برند. مکانیزم تهیه این نوع شیر این است که شیر را تحت حرارتی حدود ۱٤۰ تا ۱٤٥ درجه‌سانتی‌گراد به مدت چند لحظه ، که بیش از ٤ ثانیه بیشتر طول نخواهد کشید ، قرار می‌دهند . در این درجه حرارت و این مدت زمان میکروبهای بیماری زایی اگر در شیر وجود داشته باشد از بین خواهد رفت در این‌طریقه تغییرات مواد محتوی شیر خیلی خیلی ناچیز است و به طوریکه دانشمندان روی این‌طریقه مطالعه کرده‌اند ارزش غذائی شیری که به این طریق تهیه می‌شود بهیچ‌وجه کمتر از شیر پاستوریزه نخواهد بود .

تلاش ــ آیا شما از افکار عمومی برای مصرف این نوع شیر اطلاع دارید ؟ می‌دانید که مردم تمایل دارند بیشتر شیر تازه مصرف کنند ، در این صورت این شیر مورد توجه مردم قرار خواهد گرفت ؟

زاهدی ــ این شیر هم شیر تازه است و شیر کهنه‌ای نخواهد بود و با توجه به‌بسته بندی آن و ظرف آن که کاغذی است و قابل پرکردن مجدد نیست . مصرف کننده ها خیلی استقبال خواهند کرد از نظر این‌که احتیاج به سپردن ودیعه برای شیشه خالی ، یا نگهداری شیشه خالی و یا شستشوی شیشه خالی نخواهد داشت و از طرف دیگر چون امکان دارد که در خارج از یخچال ومدت یك ماه نگهداری‌شود فکرمی‌کنم مردم خیلی استقبال بکنند .

تلاش ــ آیا بین کارخانجات شیر پاستوریزه و سایر تولیدکنندگان لبنیات رقابتی وجود دارد ؟

زاهدی ــ من فکر می‌کنم که این کارخانه با سایر تولیدکنندگان در ایران همیشه رقابت مشروع داشته است چون این کارخانه هدفی جز تشویق مردم و تهیه شیر سالم ندارد و همیشه کمك های فنی به سایر کارخانجات بزرك و کوچك هم کرده‌ایم و حتی به کارگاه هائی که مقداری ناچیز لبنیات تهیه می‌کرده‌اند کمك کرده‌ایم که اشکالات فنی خود شان را برطرف بکنند .

تلاش ــ ممکن است بفرمائید چنددرصد بفروشندگان حق فروش می‌دهید و آیا محصولاتی که نافروش مانده پس خواهید گرفت ؟

زاهدی ــ ما به شرکت های توزیع تهران و شمیران به میزان ۳۰ درصد بابت هزینه های توزیع تخفیف می‌دهیم . ازنظر برگشت محصول عرض کنم چون ارسال محصول مطابق تقاضای شرکت های توزیع خواهد بود محصول برگشتی را بهیچوجه قبول نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که حتی یك شیشه پر به کارخانه برگشت داده شود .

تلاش ــ از تاریخ نصب کارخانه تاکنون چه تغییراتی در کارخانه حاصل شده . همچنین از بدو کار تا امروز چه تحولاتی در نحوه پاستوریزه کردن لبنیات انجام داده‌اید ؟

زاهدی ــ ظرفیت کارخانه در بدو بهره برداری ٤٥ تن شیر در روز بود و امروز به ۱۸۰ تن شیر در روز رسیده است . کمبود ظرفیت را با نصب ماشین آلات جدید جبران کردیم ، نصب ماشین آلات تهیه شیر آسپتیك‌تتراپاك نیزمقداری ازاحتیاجات کارخانه را برطرف خواهد کرد ، ضمنا می‌توانم بگویم که ماشین آلات تتراپاك‌شاید در نوع خود در دنیا بی‌نظیر باشد .

تلاش ــ شما در کارخانه فقط از شیر گاو استفاده می‌کنید یا شیر گوسفند و بز وشتر و غیره را هم مورد استفاده قرار می‌دهید ؟

زاهدی ــ در این کارخانه منحصرا از شیر گاو استفاده می‌کنیم .

تلاش ــ در تشکیلات شما چند نفر مرد وزن مشغول به کار هستند وآیا همه این‌افراد از مزایای بیمه و بازنشستگی استفاده می کنند ؟

زاهدی ــ کارخانه در حال حاضر در حدود ۳٥۰ نفر کارگرو۷۰نفر کارمندارد، از این ۷۰ نفر ۷ یا ۸ نفر خانم هستند که در لابراتوار ها کار می‌کنند ، کارمندان عموما رسمی هستند و بیمه می‌باشند کارگران هم همه بیمه بوده و از مزایای قانون کار استفاده می‌کنند .

تلاش ــ ممکن است بفرمائید در ابتدای کار چند متخصص خارجی داشتید و اکنون چند نفر متخصص خارجی دارید ؟

زاهدی ــ فقط در سال های اول سه نفر کارشناس خارجی برای مدت کوتاهی مشغول بکار بودند اکنون منحصرا کارشناسان ایرانی اداره امور کارخانجات را به عهده دارند .

تلاش ــ فکر می‌کنید در میان کشور های خاورمیانه ایران ازنظر پاستوریزه‌کردن و تشکیلات در چه درجه و مقامی قرارگرفته و از نظر تولید و محصول و تشکیلات فنی در چه وضعی است ؟

زاهدی ــ سؤال جالبی است ولی من نمی‌دانم چطور جواب بدهم . ما در حال حاضر شیر و لبنیات تهیه می‌کنیم و به‌قول معروف هیچ بقالی نمی‌گوید ماست من ترش است ولی این را می‌گویم که کشور ما در بین کشور های خاورمیانه از نظر لبنیات‌مقام اول را داراست و انواع لبنیات سالم را هم دارد و هیچ فراموش نمی‌کنم که موقعی که من به کشور های خارج مسافرت می‌کردم کسانی که با کارخانه ما آشنا بودند کارخانه شیر پاستوریزه تهران را عروس کارخانجات شیر پاستوریزه دنیا می‌نامیدند . فکر می‌کنم که ازنظر مقدارمصرف شیر وتنوع‌محصولات کشور ما مقام خوبی را داشته باشد . و مخصوصا بعضی از محصولات این کارخانه شاید در دنیا بی‌نظیر باشد مثل ماست ما که شاید هیچ کشوری ماستی به مرغوبیت‌ماست ما و پنیری به مرغوبیت پنیر پاراسس نداشته باشد .

تلاش ــ ممکن است در باره نحوه اداره کارخانه شیر پاستوریزه اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید .

زاهدی ــ اداره امور این کارخانه به عهده هیئت مدیره است که دارای یك نفر رئیس است که کارخانه را اداره می‌کند .

تلاش ــ سهامداران این شرکت چه کسانی هستند ؟

زاهدی ــ کلیه سهام متعلق بدولت است .

تلاش ــ نحوه انتخاب مدیرعامل چگونه است ؟

زاهدی ــ مدیر عامل را هیئت مدیره انتخاب می‌کند واز تصویب وزیر تولیدات کشاورزی می‌گذراند .

تلاش ــ مدیر عامل از نظر تحصیلات و تجربه در چه درجه‌ای باید باشد ؟

زاهدی ــ بایستی دکتر دامپزشك یا مهندس کشاورزی و متخصص در صنایع لبنیات باشد .

تلاش ــ حداکثر حقوقی که در این شرکت پرداخت می‌کنید چقدر است . وآیا متخصصی دارید که بیش از مدیر عامل حقوق بگیرد .

زاهدی ــ کارشناسی که بیش از مدیر عامل حقوق بگیرد در این کارخانه نیست .

صفحه‌ی هشتم

مدیر عامل از همه بیشتر حقوق می‌گیرد بعد کارشناسان و بعد روسای قسمت ها هستند که بالطبع حقوقشان بترتیب کمتر از مدیر عامل می‌باشد ، مدیر عامل در حدود ٤٠ هزار ریال حقوق دریافت می‌کند .

تلاش ــ قیمت تمام شده محصولات شما چقدر است و با احتساب چند درصد نفع آن ها را به بازار عرضه می‌کنید .

زاهدی ــ این کارخانه یك کارخانه صد درصد انتفاعی نیست و به منظور کمك به بهداشت مردم و توسعه دامپروری تاسیس شده است قیمت تمام شده محصولات متفاوت است و با توجه به میزان ٣٠ درصد تخفیفی که به شرکت های توزیع می دهیم ایــن کارخانه با هزینه‌ای که دارد منافع زیادی در سال ندارد .

تلاش ــ آیا اقداماتی برای برقــراری سیستم حسابداری صنعتی و قیمت تمام شده انجام داده‌اید ؟

زاهدی ــ بسیار خوب خواهد بــود که اداره حسابداری این کارخانه‌روی سیستم صحیحی باشد . از سال گذشته در این مورد اقدام کرده و متخصصین حسابداری صنعتی در کارخانه مشغول به کار هستند .

تلاش ــ اصولا بودجه سالیانه شما چقدر است و آیا از وام دولتی استفاده می‌کنید ؟

زاهدی ــ بودجه کارخانه برای سال ١٣٤٨ مبلغ ٧٩٣ میلیون ریال تعیین شده و کمك هائی که از طرف دولت شده درحدود ١٨ میلیون ریال است که از درآمد ملی و برای هزینه های سرمایه در نظر گرفته‌شده است . ما تا به حال از وام دولتی استفــاده نکرده‌ایم . در سال گذشته بطور واسطه در حدود ١٥٠ میلیون ریال برای کمك بــه دامداران وام تهیه کردیم . در نظر داریم در سال جاری در حدود ١٠٣ میلیون ریال از بانك ملی برای توسعه و ماشین آلاتی که مورد احتیاج کارخانه است وام بگیریم این وامی هم که می‌گیریم ازدرآمد عمومی‌دولت مستهلك خواهد شد .

تلاش ــ ممکن است درباره برنامه های پنج ساله ده ساله و ٢٠ ساله خود از نظر تامین و توزیع و توسعه موسسه در تهران و شهرستان ها چه از نظر ماشین آلات وچه از نظر نیروی انسانی مطالبی بیان بفرمائید و آیا مشکلاتی که اکنون از نظر متخصص و وغیره وجود دارد در آینده هم وجودخواهد داشت یا خیر و چه برنامه های کوتاه مدت و یا بلند مدت دارید که این مشکلات را از بین ببرید ؟

زاهدی ــ باتاسیس شرکت‌سهامی‌صنایع شیر ایران بالطبع این شرکت در آتیه چه‌از نظر کادر متخصص وچه از لحاظ توسعه‌ماشین آلات شهرستانها دارای مشکلاتی خواهدبود. اقداماتی چه‌برای تهران وچه‌برای‌شهرستانها به عمل آمده و پیش‌بینی هائی هم شده است و فکر می‌کنم که در آتیه نزدیك یك‌کلاس تربیت تکنیسین در دانشگاه تهران ودانشکده کشاورزی کرج برای تربیت کادر متخصص برای شهرستان ها دائر بکنیم و همچنین برای تولید شیر بیشتر اقداماتی به عمل آمده است با وام‌هایی که به دامداران برای تهیه گاو شیرده برای تولید شیر بیشتر همچنین برای توسعه ماشین آلات تهران وشهرستان ها اقداماتی به عمل آمده و برای تهیــه محصولاتی مثل شیر خشك و غذای اطفال اقداماتی کردیم که شاید در سال های خیلی نزدیك این کارخانجات‌رادرتهران وشهرستان ها تاسیس بکنیم و محصولات آن را در اختیار مردم قرار دهیم .

تلاش ــ در حال حــاضر در کــدام شهرستان ها کارخانه شیر پاستوریزه وجود دارد و در کدام شهرستان ها قرار اســت کارخانه شیر پاستوریزه تاسیس گردد ؟

زاهدی ــ اکنون باستثنای تهران کــه دارای یك کارخانه شیر پاستوریزه دولتــی و یك کارخانه شیر پاستوریزه خصوصی‌است در شهرستان های مشهد . ساری ، رشت ، تبریز ، کرمانشاه ، اهواز ، شیراز و اصفهان نیز کارخانه شیر پاستوریزه مشغول کــار است . در بعضی از شهرستانها مثل شاهین‌دژ و کرج و شاهپور رضائیه هم کارخانجات تهیه پنیر مشغول کار است . کارخانجات شهرستان ها منحصرا با سرمایه خصوصــی تاسیس شده است .

تلاش ــ سپاسگزاریم .

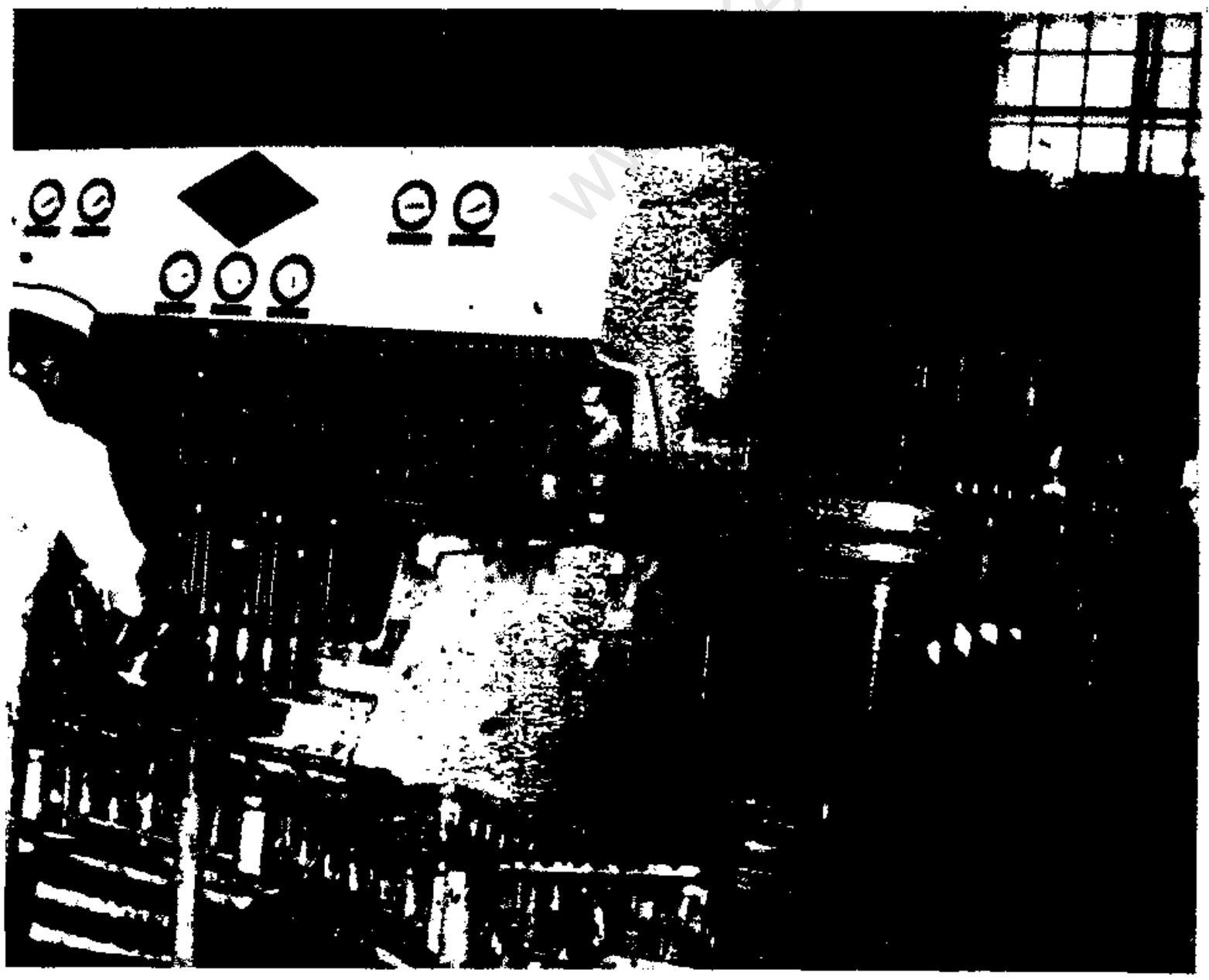

حلواچی

روایتی تازه از قصهٔ حلواچی :
از افسانه های آذربایجان
ضبط و نگارش از : جمشید مهرپویا

... «بیرگون واردی» بیرگون یوخدی

در روزگار گذشته ، توی همین شهر خودمان ، یك خیاط باجی کفن کرده‌یی زندگی می‌کرد که از دار و ندار، دنیا سه دختر دم بخت رسیده و آفتابرو داشت . فقط خدا می‌دانست که این خیاط باجی باچه رنج و زحمت و خون دل خوردنی بقول خودش «این سه نکبت» را بزرك کرده وبه عرصه رسانده بود.

آرزویی در دل پیرش نبود جز این که آن‌ها را یکی یکی عروس کند و بخانه داماد بفرستد ، آن زمانی که پدر دخترها تازه‌مرده بود، زندگیشان‌بسختی می‌گذشت، خورد و خوراك درست و حسابی نداشتند و وقتی که باران می‌آمد قطره های آن از شکاف های سقف توی اتاق میزد . رگه های گل‌آلودی روی گچ های سفید دیوار نقش می‌کرد ، خلاصه این خانواده بی‌چیز به نفس کشیدن خود ادامه می‌دادند تا یك مرتبه ، فضول های شهر خیال نکنندکه مرده‌اندو کفنشان بکنند و به قبرستان ببرند !

اما خدا را شکر که این اواخر زندگیشان از یك‌نواختی بیرون آمد ، مشتری «خیاط باجی» زیاد شد ، اوضاعشان کمی تغییر کردو بهتر شد.

این سه خواهر عادت داشتند که هر روز درخانه‌شان را روفت وروب بکنند. یکروز که نوبت خواهر بزرگتر بود، وقتی که داشت دم در را جارو میزد ، یك سکه ده شاهی پیدا کرد، خوشحال شد دوید و رفت سرکوچه از «حلواچی» سیاه سوخته‌یی که آنجا حلوا شکری می‌فروخت به‌اندازه ده شاهی حلوا خرید و آمد خانه ، و حلوا را با خوشحالی بین دو خواهر دیگرش تقسیم کرد.

از قضا روز دوم دختر وسطی هم هنگام جاروی دم در منزل یك ده شاهی دیگر از لابلای سنگفرش های کوچه یافت واو نیز با خوشحالی رفت ودهشاهی از «حلواچی» ، حلوا خرید و دوباره سه‌تایی باهم نشستند آن را خوردند.

روز سوم نوبت خواهر کوچکتر بود ، او با امید وخوشحالی زیاد کله سحر از خواب بیدار شد ، جارو را برداشت ورفت‌دم در حیاط وبامید پیداکردن دهشاهی مشغول جارو کردن جلوی «در» شد اما هرچه بیشتر گشت کمتر یافت وهرقدر لای سنگفرشها را نگاه کرد چیزی پیدا نکرد، دل کوچکش پراز غم و غصه شد وبالاخره از شدت ناراحتی زد زیر گریه ...

«حلواچی» که همان نزدیکی‌ها بود تادید دختری به‌آن خوشگلی و زیبایی دارد گریه می‌کند جلو آمد و گفت:

ــ الهی پیش مرگت بشم، دردت بجونم، خوشگلم، قشنگم ، چرا گریه می‌کنی ؟ چرا مروارید اشك‌هایت را روی زمین می‌ریزی ؟ دردت را بمن بگو ، شاید بتوانم علاجش بکنم ...

دختر کوچکه از دوتا خواهر دیگر زیباتر بود جواب داد:

ـ دو روزه که وقتی خواهرانم دم در را جارو می زنند ، یه دهشاهی پیدا می‌کنند و میاند ازت حلوا شکری می‌خرند ولی من امروز چند مرتبه هشتی در رو جارو زدم اما حتی یه عباسی هم پیدا نکردم، حالا اگه من اینجوری و دست خالی پیش خواهرام برم واونا بدونن من لیاقت ندارم. ازم کار می‌کشن، منو کتك میزنن وگیسای بلندم رو می‌کنند

حلواچی که در همان نظر اول یکدل نه صد دل عاشق «دختره» شده بود باندازه یکقران حلواشکری توی ترازو گذاشت ، کشید وبدست دختر داد و گفت :

ـ بیابگیر ، ناراحت مباش برو پیش خواهرات و بگو که تو عوض دهشاهی یکقران پیدا کرده‌ای !

دختر باخوشحالی حلـوا را گـرفت و رفت با خواهرانش نشست و مشغول خوردن حلوا شدند.

حلواچی بیچاره که سخت عاشق و دلباخته دختر «کوچیکه» شده بود ، از آنجا که آهی در بساط نداشت تا بخواستگاری برود و عروسی راه بیندازد بناچار همان روز عصر طبق حلوا وترازوی خودش را جمع کرد ورفت بیشتر کار کند تا شاید پول زیادتری در بیاورد و بیاید خواستگاری «دختره». از خدا پنهان نیست از شما چه پنهان که دختر «کوچیکه» نیز دلش را در گرو عشق حلواچی گذاشت ودل باو باخت واز ته دل عاشق او شده بود.

***

حلواچی بدبخت پی‌کار خود رفت.

از این ماجرا ، سه چهار سال گذشت . دو دختر بزرگتر «خیاط باجی» به خانه شوهر رفتند وهرکدام دوسه‌تا بچه هم زاییدند ولی دختر کوچکتر که عاشق حلواچی بود، حتی حاضر نشد زن پسر حاکم شهرشان که اتفاقا او را دم در دیده و عاشقش شده بود،بشود. او تنها حلواچی را می‌خواست ، اما افسوس که اوهم گذاشته ورفته بود.

آری او رفته بود پول بدست بیاورد تا شاید بتواند این دختر را که دیگر رنك ورویی برایش نمانده بود و گونه های سرخ و گلگون وی حالا زرد شده بود ، عروس مادرش کند.

آوازه عشق دختر خیاط همه‌جا پیچید و بگوش حلواچی بیچاره هم رسید اما کاری از دستش ساختـه نبود کارش تنها گریه و رازو نیاز باخدای خویش بود ، همیشه دعا می‌کرد دختر خیاط باجی را برایش نگهدارد ...

آخر سر حلواچی سر به‌بیابان گذاشت رفت تاشب شد ، روی سنك سیاهی که دم چشمیی بود نشست ودر عالم رویا فرورفت ، وسط خواب و بیداری بود که‌یك مرد نورانی را دید، او از میان چشمه بیرون آمدو گفت :

ـ «حلواچی». ما اون دختر خیاط باجی را بتو می‌دهیم اما باید قول‌بدهی که دیگر در زندگیت به کسی بدی نکنی ... حالا بلند شوو خودت رو توی این چشمـه شستشو بده وازنانی که به‌کمرت بسته‌ای بخورد دختر خیاط باجی بده تا او خوب بشه».

حلواچی مثل دیوانه‌ها ، از روی سنك پرید لباس های مندرسش را از تن بیرون آورد و پرید توی چشمه آب در این موقع ندایی بگوشش رسید : حلواچی مواظب باش، مبادا بیشتر از یکمرتبه آب تنی کنی چون آنوقت تبدیل به سنك میشی.

حلواچی از چشمه بیرون آمدو یکمرتبه دید تن لخت و عورش را لباس های فاخر و گرانبها که دکمه های زرنشان دارد پوشانده است . از خوشحالی کم مانده بود که پر درآورد... و آنگاه برای سومین بار شنید که : حلواچی حالا لباس های کهنه خودت را توی آب بینداز تابه طلا تبدیل بشوند.

حلواچی همه دستور های هاتف غیبی را عملی کرد آنوقت در حالی که از شادی روی پا بند نبود بطرف دروازه شهر براه افتاد ، مردم از دیدن لباس های فاخر حلواچی تعجب می‌کردند . بچه‌ها باو سلام می‌گفتند واو هم در عوض به آن‌ها سکه های طلا نثار می‌کرد.

او ، آمد و آمد تا رسید بدرخانه سه خواهر و در زد . پیرزنی فرتوت وبی‌دندان در را باز کرد وتا چشمش به سرو لباس حلواچی افتاد ، پرسید :

ـ شاهزادهٔ زیبا ، چه می‌خواهی؟

حلواچی بادی به‌غبغب انداخت وگفت : ـ ننه جون من آمده‌ام تادختر کوچك تورو خواستگاری کنم پیرزن آهی کشیدو گفت:

ـ افسوس که دیر آمده‌ای ، چون دختر کوچکم دارد هذیان می‌گوید و حکیم باشی محله گفته تاعصر بیشتر زنده نیست . پیرزن مکثی کرد وافزود :

ـ بدتر از این دخترم عاشق یك حلواچی اکبیری و بدریخت استو غیر ممکنست که تو از او خواستگاری بکنی. حلواچی دستی به جیب لباس های گران قیمت خود برد و گفت:

ـ مادر،اگر اجازه بدی او را نجات میدهم ، من طبیب هستم.

پیرزن باحیرت یك آدم ناباور از کنار در رد شد . وحلواچی وارد خانه شد یکراست بالای سر دختر بیمار رفت وبه پیرزن گفت :

ـبدو برو یه کاسه آب بیار ...

وتا پیرزن از اتاق بیرون رفت ، حلواچی دختر را صدا کرد دختر یکمرتبه ازبستر نیم خیز شدو نشست حلواچی گفت :

ـ این تکه نون رو بخور تا کاملا حالت جا بیاد .

ویك لقمه از نانی که همراه داشت در دهان دختر گذاشت ، ناگهان رنك دخترك سفید شد و بعد مثل سیب سرخ، گونه‌هایش گل انداخت ، سرخی به لب‌ها وگونه‌هایش دوید.

حلواچی دختر را بآغوش کشید و لب‌های چون غنچه‌اش را بوسید وگفت :

ـ حالا دیگر من آرزوئی ندارم واز خدایی که تورو بمن رسانده تشکر می‌کنم ، از او راضیم و سپاسگزارم.

ودختر گفت : از وقتی که تو رفتی و دیگه نیومدی، من فکر کردم فراموشم کرده‌ای ولی‌حالا فهمیدم که‌غیرممکنه دلی به دلی راه داشته باشه و آن ها بهم‌دیگه نرسند .

دختر کوچك خیاط باجی این‌ها را می‌گفت ومثل ابر بهاری گریه می‌کرد ، و حلواچی او را بیشتر و گرمتر به‌سینه‌اش می‌فشرد وآن‌ها در همین حال می‌رفتند تابایکدیگر زندگی سعادتمندانه‌یی آغاز نمایند . در حالی که خیاطباجی پیر ، ننه فرسوده و فرتوت دختر ، دم در نشسته بـود و از خوشحالی می‌گریست و با گوشه چارقدش اشك های شوق خود را پاك می‌کرد ... یدیلرایشدیلر ، مطلبرینه یتیشدیلر،

تبریز ـ مرداد ماه

از : محمد علی نجفی

جابر بن حیان صوفی

● ابن ندیم درالفهرست شمار مولفات‌جابر را از هزار فرون‌تر می شمارد .

● نام آورترین پزشك در طب عرب که‌هم سطح ابن سینا در این فن محسوب می‌گردد، ابوبکر رازی می باشد .

● به عقیده بعضی از تاریخ نویسان جابرپایه معلومات شیمی خود را از مکتب اسکندریه گرفته است . پایه این مکتب در علم شیمی‌برامکان تبدیل یك‌عنصربه‌عنصردیگراست.عده‌ای نیزمعتقدند که جابر معلومات اولیه خودرادراین‌فن در خراسان بدست آورده زیرا خراسان در آن دوره کانون تصوف و طب ونجوم و دانش‌های دیگر بود .

● ماهیت اجسام از طبیعت آنها بر می‌خیزد . شناختن جسم در میزان آن است .

● مندلیف پس از ۱۲ قرن بااتکا به‌همین‌اصل‌کم و کیف توانست جدول تناوبی خود را وضع و عناصر کشف نشده را قبلا پیش‌بینی‌کند . نکته دیگر که بیشتر مایه شگفتی است وعده‌یی از دانشمندان بدان اشاره کرده‌اند‌این است که هم جابر وهم ابوریحان بیرونی خاصیت رادیوآکتیو اجسام را بطور مبهمی درك‌کرده‌اند . جابر مدعی است که این «رازطبیعی در تمام فعالیت های طبیعی موثر است»

● شاید گزافه گویی نباشد که ارزش‌قرن‌دوم هجری و وجه تمایز آن از سایر سده ها بدین جهت است که نابغه‌یی مانند جابر در آن‌می‌زیسته است .

● زحمات جابر بزرگترین گامی است‌که در سده های میانه برای پایه گذاری علوم طبیعی برمبنای اصولی که بررابطه کمیت وکیفیت و مقدار استوار است ، برداشته شده و این همان هدف دانشمندان طبیعی امروز می‌باشد .

با زوال حکومت بنی‌امیه و پیدایش حکومت عباسیان ، توسط ایرانیان تمدن اسلامی وارد مرحله جدیدی گردید ودرواقع تمدن اسلامی گام اول رادر راه پیشرفت و تعالی برداشت .

خلافت عباسیان به‌کمك وراهنمایی‌های ارزنده مردان ایرانی نضج وقوام گرفت و نهضت علمی و ادبی این دوران با رعایت و توجه این مردان دانش پرور و فضل دوست مانند برمکیان بسط و گسترش پیدا کرد و نام اندیشمندانی نامدار و ادیبانی کم‌نظیررا برای همیشه در تاریخ دانش و ادب برجا گذاشت .

شاید گزافه گویی نباشد اگر بگوییم بیشتر دانشمندان این دوره یا ایرانی و یا دست پرورده ایرانیان بوده‌اند و تعداد مردان ایرانی دانش و ادب این دوره از شمار بدر است .

متاسفانه تاکنون در این مورد بررسی شایانی برای زنده کردن نام های ناشناس ایرانی و کار های زنده و آثار آنان که در این محدوده زمان انجام شده ، به عمل‌نیامده است . ارزش بسیار علمی وادبی دورانی که طی آن راه پیشرفت بر روی ملت ما مجددا بازشده‌و موانع آموزشی برطرف گردیده و درحقیقت یك نوع دمکراسی آموزشی، نظیر آنچه اسلام برای ایران به ارمغان آورده ، سراسر جهان را فراگرفته است لزوم و اهمیت این بررسی بیشتر نمایانست .

شایسته است با اتکاء به گذشته درخشان راه آینده را برای تجدید عظمت گذشته باز و هموار نمود . نکته‌یی ارزنده که در این بررسی بچشم می خورد ، اینست که بسیاری از مردان دانش و ادب این دوره بعلت اینکه دارای اندیشه های سیاسی ضد عرب نیز بودند سر به نیست می شدند و آثار ومولفات آنان نیز با خودشان از بین می رفت و جز نام چند ده نفری در تاریخ بجای نمانده است .

نام جابربن حیان صوفی در میان این نام های درخشنده ، درخشندگی ویژه‌ای دارد .

شرح زندگی : ابوعبدالله و یا ابوموسی جابربن حیان صوفی یکی از چهره های درخشان علم و فلسفه در سده های میانه‌بشمار می‌رود . حیان پدر جابر در شهر طوس خراسان به عطاری اشتغال داشت . او مردی زیرك و کاردان بود و از هوش و استعداد خاصی بهره داشت و بدین علت مورد توجه برمکیان قرار گرفت و توسط آنان به‌دربار عباسی راه یافت و در زمره مقربان درآمد . او علاوه برکار خود به نفع دستگاه عباسی نیز فعالیت تبلیغاتی داشت و سر انجام به علت نامعلومی کشته شد .

تاریخ از شخصی بنام حربی نمیری یاد سالهای ۷۲۱ ــ ۷۲۲ میلادی یاد کرده‌اند . جابر به کوفه رفت و در آنجا زبان عربی و قرآن و حساب و دانش های دیگر زمان‌خود را فرا گرفت .

تاریخ از شخصی بنام حربی حمیری یاد می‌کند که سمت استادی جابر را در اوایل جوانی داشته است . جابر از مریدان جعفر بن محمد امام ششم شیعه محسوب می شود و عده‌ای او را شاگرد وی می شناسند و رابطه جابربن حیان و جعفربن محمد خود موضوعی است مهم که از نظر سیاسی و اجتماعی ارزش بررسی دارد، و پرده ازروی مقاومت های اصیل ایرانی ، که در برابر دستگاه خلافت به گونه های مختلف بعمل می آمد ، بر می دارد .

جابر هم ، صفات و خصوصیات پدر را به ارث داشت و به زودی توجه برمکیان را به خود جلب و یحیی بن خالد برمکی او را به خود نزدیك کرد و راه پیشرفت را به روی او گشود . در قرن هفتم میلادی شیمی دانی بنام جلاکی می زیسته و این موضوع را تایید می کند که جابر مورد توجه و محبت خاص برمکیان و خلیفه بود و نامبرده کتابی به نام «البلسم» (بلسم به معنای خاص مرهم شفا بخش و به معنای عام داروی شفا بخش می باشد) بنابه توصیه جعفر برمکی و به نام هارون الرشید تالیف کرد .

آنچه از فهرست ابن ندیم برمی آید جابر با دربار عباسی و با ایمه بزرك شیعه روابط نزدیك داشته است .

پس از سرکوبی برمکیان جابر از بغداد فرار کرد و در کوفه در کنج گم نامی سکونت گزید و تا پایان عمر در آن جا بسر برد .

اریك‌جان‌هوملیارد **Eric Jahn Homlyard** دانشمند و مورخ انگلیسی در کتاب خود به نام **Makers of Chemistry** معتقداست که جابر ۹۵ سال عمر کرده واین استنباط از آثار زیادی است که جابر از خود به جای گذاشته است و این استنباط با نوشته های جلاکی مطابقت دارد . ابن‌ندیم در الفهرست شمار مولفات جابر را از هزار فزون تر می شمارد .

نامبرده می نویسد که «جابر تا زمان خلافت مامون زنده بود و کوشش فراوانی به کار برد تا میان علی بن موسی الرضا (امام رضا علیه السلام) ومامون آشتی‌برقرار کند .»

زندگی علمی جابربن حیان صوفی : جابر دانشمندی پر کار و اندیشمندی سترك بود که برعلوم زمان خود احاطه کافی داشت .

آثار و مولفات گوناگون این دانشمند گواه گفته بالا است . ابن ندیم در الفهرست درباره جابر چنین می‌گوید: «جابر را باطنی مشهور می دانند او از فلاسفه بزرك علم کیمیا است که در این فن ید طولایی دارد و برعلم باطن و خیلی از علوم زمان خود وقوف کامل داشته است .»

متن اکثر مولفات جابر از بین رفته است ولی ترجمه لاتین آنها در کتابخانه‌های اروپا و مصر موجود است . در بررسی کتاب های رازی به این نکته برمی خوریم که‌دست نویس های جابر مورد استفاده او قرارگرفته است .

ابوبکر محمد بن زکریای رازی در ذکر نام جابر چنین می نویسد : «استاد بزرگوار ما ابوموسی جابر بن محمد چنین گفت .»

در تاریخ ادبیات عباسی تالیف پرفسور آرنولد نیکلسن در باره جابر چنین آمده است :

«نام آورترین پزشك در طب عرب که هم سطح ابن سینا در این فن محسوب می گردد ، ابوبکر رازی می باشد ، (از شهر ری نزدیك تهران وفات در سال۳۱۱ هجری برابر ۹۲۳ میلادی) و هم سطح این پزشك عالی قدر در زمینه شیمی جابر حیان طوسی است که در اروپا به نام **Geber** شناخته میشود .»

به عقیده بعضی از تاریخ نویسان جابر پایه معلومات شیمی خود را از مکتب اسکندریه گرفته است . پایه این مکتب در علم شیمی برامکان تبدیل یك عنصر به‌عنصر دیگر است . عده‌ای نیز معتقدند که جابر معلومات اولیه خود را در این فن در خراسان بدست آورده ، زیرا خراسان درآن دوره کانون تصوف و طب و نجوم و سایر دانش های دیگر بود .

جابر نخستین دانشمند سده های میانه است که علم شیمی را بر پایه آزمایش بنا نهاد ، و اهمیت کار جابر از همین جا ناشی می گردد و او را در تاریخ دانش شیمی در جای ویژه‌ای قرار می دهد .

وی اولین دانشمندی است که فعالیت عملی چشم گیر و تالیفات ارزنده در این زمینه از خود به جای گذاشته است .

کتابهای جابر که در حال حاضر در کتابخانه ها موجود است به قرار زیر می باشد :

۱ــ کتاب الرحمة (تغییر یك عنصر به عنصر دیگر) ۲ــ الانتقال بالقوه الی الفعل ۳ــ المیزان ٤ــ الملك ٥ــ کتاب السموم ٦ــ السبعین ۷ــ الخواص ۸ــ کتاب تحقیق افلاطون .

کتاب الرحمة و المیزان و الملك توسط برتلو ، از جابر منتشر شده است .

جابر در ارزش و اهمیت آزمایش درعلم شیمی چنین بیان می دارد : «ملاك این فن آزمایش است . کسی که کار نکندو آزمایش به عمل نیاورد به هیچ وجه نتیجه‌یی عایدش نخواهد شد .»

در کتاب المیزان چنین آمده است :

صفحه چهل و سوم

«ماهیت اجسام از طبیعت آنها برمی‌خیزد. شناختن جسم در میزان آن است . کسی که میزان آن را شناخت ، به کنه جسم پی برد و از ساختمان آن‌اطلاع حاصل کردو ازکیفیت ترکیب شدن آن آگاه گردید و تمرین این امر را حل می کند ، هر آن کس که تمرین زیاد کرد دانشمند واقعی شد و کسی که تمرین نکند دانشمند نمی شود . تمرین در هر صنعتی اصل است . صنعت‌گری که تمرین ندارد کاری از پیش نمی برد .»

مع‌الوصف جابر به هیچ وجه جنبه‌تئوری این علم را نادیده نگرفت . گرچه این جنبه بیشتر در آن زمان آمیخته به‌غیبیات وتصوف بود .

«ژولیوس روسکا» دانشمند سویسی مطالعاتی در کتاب السبعین و کتاب السموم جابر به عمل آورده است .

همچنان پول کراوس آلمانی آثار جابر را به دقت مورد بررسی قرارداده و نمونه‌های مختلفی ازکتابهای او را به چاپ رسانده است که هرکدام معرف جنبه معین از دانش جابر است .

هوملیارد کتاب های جابر را در سال ۱۸۹۱ با ترجمه انگلیسی آن در هند منتشر ساخت .

کتاب السموم احاطه و میزان دانستنی های دامنه دار جابر را در علم حیوان و گیاه می رساند .

در کتاب الخواص از پاد زهرسموم ، دارو های خواب آور ، مسکن ها و فرمول هایی برای از بین بردن مو ، روشهای علمی جهت بدست آوردن رنك ها ، روغنهای دارویی و رنك کردن چرم سخن می‌گوید ، و هم چنین معلومات گرانبهایی در زمینه‌علم طب و صنعت شیمی در این کتاب دیده می شود .

جنبه تئوری کار های جابر مانند کار سایر دانشمندان آن دوران بیشتر متکی بر فلسفه و بینش متافیزیکی بوده است .

اعتبار و ارزش کتاب ها و مصنفات‌جابر رابايد درمراحل کلی تکامل این رشته از دانش و دانستنی های دیگر ، در همان زمان، بررسی کرد .

جابر در کتاب المیزان چنین می‌گوید :

«مبداء میزان مهم ترین و اصیل ترین نکته طبیعت است . زیرا خواص اشیاء در حوزه کیمیا قابل سنجش و قابل پیش بینی است و نسبت مواد در اجسام دارای نسبت عددی است . اگر مردار سنك را با سرکه اثر دهیم تغییری حاصل می شود . این تغییر اتفاقی نیست بلکه بستگی به علت درونی آن دارد . اگر خواص اشیا نسبت عددی داشته باشد برهم اثر می کنند .»

بنابراین جابر قانون نسبت و نظم عدد را در اجسام و قوانین فعل و انفعالات آن می بیند .

کتاب الانتقال من القوه الی الفعل‌اصول این تئوری ها را بیان می دارد و اصل زیر بنای بینش فلسفی و علمی جابر نسبت به طبیعت است :

۱ـ اصل علت
۲ـ اصل میزان

جابر نظم و ترتیب‌را در وجود حکم‌فرما و اصل علت را باعث این نظم می داند و این علت را معلول جهان درونی خود ماده می بیند .

اصل دوم که بسیار جالب توجه است و به کار ها و اندیشه های این‌مرد ارزش‌خاصی می دهد اصل میزان است .

بیان و تفسیر این دو اصل توسط جابر در آن دوران حاکی از اندیشه‌یی تابناك و ذهنی وقاد ودیدی‌خارج از محدوده تنك آن زمان می باشد . و ازجنبه فکری‌وفلسفی او کمتر حیرت انگیز نیست .

جابر معتقد است که ترکیب اجسام مبنی برذات و خواص واصل مواد وارده در عمل است . نسبت عددی را در طبیعت اجسام حکم‌فرما می‌داند . و تناسب اجسام وترکیب آن ها را در زمینه شیمی منوط به این رابطه عددی می داند . به عقیده او این قانون عدد است که سازش اجسام را باهم و خواص آن ها را معین می سازد .

میزان نشانه نظم و ترتیب وجود است و تعادل را پایه وجود و پابرجا بودن آن‌باید دانست .

دانشمندمعروف‌مصری «دکترعبدالرحمان بدوی» در کتاب خود «الالحادفی الاسلام» این اصل را از نوشته های پول کراوس خلاصه می کند و چنین می نویسد :

«زحمات جابر بزرك ترین گامی است که در سده های میانه برای پایه گذاری علوم طبیعی برمبنای اصولی که بررابطه کمیت و کیفیت و مقدار استوار است ، برداشته‌شده واین جزهمان هدف دانشمندان علوم طبیعی امروز نمی‌باشد .»

از اینجا اهمیت این مرد در تاریخ علوم نمایان می گردد ، زیرا اکنون بخوبی می بینیم که فعالیت عمده دانشمندان در رشته های مختلف صرف جای‌گزین کردن کمیت به جای کیفیت و بیان مسایل علمی با زبان عدد و معادله و ریاضی می‌گردد .درك این اصل مهم توسط جابر کافی است که تاریخ علوم جدید و قدیم او را در صف اول قرار دهد .

مندلیف پس از ۱۲ قرن با اتکا به همین اصل کم و کیف توانست جدول تناوبی خود را وضع و عناصر کشف نشده را قبلا پیش بینی کند . نکته دیگر که بیشتر مایه شگفتی است و عده‌ای از دانشمندان بدان اشاره کرده‌اند این است که هم جابرو هم ابوریحان بیرونی خاصیت رادیو آکتیو اجسام رابطور مبهمی درك کرده‌اند . جابر مدعی است که «این راز طبیعی در تمام فعالیتهای طبیعی موثر است .»

مساله مهم دیگر که نیز توسط جابر با بیان خاص همان دوران به میان کشیده شده، ساختمان ذرات اجسام است و اینکه ذره‌ساده به منظومه شمسی شباهت دارد (جهان میکروکوسم و ماکروکوسم) او چنین‌آورده است :

«واما جوهر فرد (خداترا سلامت‌دارد) از خلل تشکیل شده و به اشکال گوناگون ترکیب گردیده است و در ذرات آن همه چیز نهفته است و چنانچه آفتاب بر آن ثابت گردد نور افشانی کرده (خاصیت فتوالکتریك) و ظاهر می شود و باید بدانی که این جرم همانند جرم منظومه اعظم است . ستایش خدای آفریننده را ، خجسته باد نام های او .»

و در مقایسه جهان کوچك و جهان‌بزرك چنین می گوید :

«جهان از آتش و خاك درست شده» و در جای دیگر می گوید :

«از آفتاب و مرکز»

بهرحال بسط تاملات و اندیشه های‌جابر در این مختصرمیسر نیست. شاید گزافه‌گویی نباشد که ارزش قرن دوم هجری و وجه تمایز آن از سایر سده ها ، بدین جهت‌است که نابغه‌ای مانند جابر درآن می زیسته است.

در تنظیم این مطلب از منابع زیر استفاده‌شده است :

۱ـ الکیمیاء و الاسلام ، دکتر هاشمی
۲ـ الالحادفی‌الاسلام ، دکتر عبدالرحمن بدوی
۳ـ
E. J. Homlyard' Makers of Chemistry
٤ـ ادبیات دوره عباسی
٥ـ الفهرست ابن ندیم ، آرنولد نیکلسن
٦ـ مقاله های متفرقه

وفای روباه

یك داستان محلی

نوشته : فرخ صادقی

یکی بود ، یکی نبود ، غیر از خدا کسی نبود . در روزگاران پیش آسیابانی زندگی میکرد که اسمش «آرمود علی بیك» بود. این آرمود علی بیك نه‌زن داشت و نه‌بچه، پدر و مادرش را هم خیلی وقتها پیش از دست داده بود . روی همین اصل تك و تنها زندگی میکرد . فقط روباهی بود که دمخور و سازگار او بود ، از مدتها پیش ایندو باهم دوست شده بودند و دوتائی توی آسیابی زندگی میکردند و آرمود علی بیك تمام وسائل زندگی روباه را حاضر و آماده می‌نمود .

شبها و روز ها مثل آدمهائیکه همیشه بدون خستگی دنبال همدیگر بدوند ، می‌آمدند و می‌رفتند .

یکروز روباه در حالیکه زیر سایه درخت قشنگی دراز کشیده‌بود وداشت منظره های زیبارا تماشا میکرد، پیش خودش فکر کرد : « این آرمود علی بیك در حق من خیلی خوبی کرده ، اگر او نبود حتما در یکی ازاین زمستانهای سرد و یخبندان ، منهم باتن و بدن یخ بسته لای دست پدر و مادرم می‌رفتم ، ولی آرمود علی بیك همیشه از من بخوبی پذیرائی کرده و نگذاشته است که سرمای زمستان و گرمای تابستان یك لحظه مرا اذیت بکند . واما مثل اینکه این روز ها آرمود علی‌بیك زیاد سرحال نیست ، خوب دلیلش هم معلوم است، حتما حوصله‌اش از تنهایی سررفته ، پس حالا باید بقول معروف من دست بالا بکنم و دوستیم را باثبات برسانم .»

روز بعد آقا روباهه بااین فکر راه افتاد و بقصر امیر شهر رفت و باوقار و احترام پیش زن امیر رفت ، و دختر او را خواستگاری کرد . موقع خواستگاری گفت : « ارباب من بقدری آدم مهم و باشخصیتی است که اصلا در شان او نبود که خودش برای خواستگاری بیاید . »

بعد از مقدار زیادی بحث و صحبت قرار شد که یك شب آقا داماد بخانه امیر برود ، تاخانواده عروس او را به بینند ، اگر پسندیدند کار خیر سر بگیرد .

روز مهمانی ، روباه از یکی از لباسفروشهای شهر لباسی خیلی پرقیمتی امانت گرفت و به آسیاب برد ، آرمود علی بیك که از همه جا بیخبر بود از روباه پرسید : این لباسها برای کیه ؟

روباه جوابداد : « تو هیچ کارت نباشد ، امروز بیك مهمانی مفصل دعوت داریم و حسابی شکمهایمان را از عزا در می‌آوریم ، ولی مواظب باش که تامن چراغها را خاموش نکرده‌ام بغذا اصلا دست نزنی و ساکت وآرام گوشه‌ای به‌نشینی ، وقتی من چراغها را خاموش کردم ، تو زود ، زود غذا ها را بخور و موقعیکه دوباره چراغها روشن شدند ، تو گوشه‌ای به‌نشین و هرقدر هم‌که تعارف بکنند باادب آنرا رد بکن . » شب شد و آرمود علی‌بیك و روباه در حالیکه خودشان را تر و تمیز کرده و لباس های خوب پوشیده بودند بطرف خانه امیر راه افتادند .

در خانه امیر ، آرمود علی بیك ساکت گوشه‌ای نشست و هر قدر باو اصرار کردند که چیزی بخورد ، او خودداری کرد و باادب جوابداد : من سیر هستم و میل بغذا ندارم .

در این موقع روباه جستی زد و بایك فوت چراغها را خاموش کرد . آخه قدیم ها چراغها نفتی بود ولوله‌ای از شیشه داشت که هروقت می‌خواستند خاموش کنند فوت می‌کردند این جور چراغها در بعضی دهات هنوزهم هست .

بهر حال موقعیت مناسب پیش آمده بود ، آرمود علی بیك که در عمرش خوراك سیر نخورده بود باسرعت فراوان شروع کرد به خوردن غذا ، باهردو دستش غذاها را برمیداشت و بازور توی دهانش فرو میکرد .

چند لحظه بعد که چراغها را روشن کردند نصف سفره خالی شده بود ، آرمود علی بیك هم جای اولش ساکت و آرام نشسته بود ، صاحب خانه هم پیش خودش گفت که حتما حیوانکی روباه گرسنه‌اش بوده و از فرصت استفاده و خودش را سیر کرده است .

مهمانی بآخر رسید ، آرمود علی بیك و روباه به آسیاب برگشتند . روز بعد که روباه بقصر امیر رفت ، همه از ادب و سیر چشمی داماد تعریف میکردند و او را پسندیده بودند . قرار شد چند روز بعد مراسم عروسی سر بگیرد . روباه باشادی و خوشی بآسیاب برگشت و تمام ماجرا را از سیر تاپیاز برای آرمود علی بیك تعریف کرد .

تاحرفهای روباه بآخر رسید ، آرمود علی بیك دو دستی زد توی سر خودش و در حالیکه خیلی ناراحت بود بروباه گفت : دیدی چطور بیچاره شدم ؟! آخر من کجا؟ دختر امیر کجا ؟ مگر من می‌توانم دختر امیر را باین آسیاب بیاورم ؟ روباه گفت : کارت نباشد ، من همه‌اش را درست میکنم .

روز عروسی رسید ، آرمود علی بیك لباس های نو پوشید و سر و صورتش را صفا داد و همراه روباه بطرف خانه امیر راه افتادند . جشن عروسی مفصلی برگزار گردید ، تمام بزرگان شهر دعوت شده بودند وبعد از خوردن وآشامیدن بسیار ، برای عروس و داماد زندگی سراسر خوشی را آرزو کردند و موقع آن رسید که عروس را بخانه داماد ببرند .

ناراحتی آرمود علی بیك به بیشترین حد خود رسیده بود ، اصلا نمی‌دانست چکار بکند ؟

روباه که متوجه ناراحتی آرمود علی بیك شده بود، یواشکی زیر گوشش گفت : تو ناراحت نباش ، تهیه خانه و زندگی بامن ، شما دنبال من بیائید تامن همه‌چیز را روبراه بکنم .

کاروان عروسی براه افتاد و همراه عروس وداماد، خواهران عروس و ندیمه ها و خدمتکار های بسیار راه افتادند و روانه خانه داماد شدند . روباه از جلوی کاروان روان شد و جلوتر از همه بخانه دیوی که خانه و زندگی مجللی داشت رفت وبدیوگفت : خدمتکارهای امیر می‌آیند تو را بگیرند و زندانی بکنند . دیو بالای پشت بام‌رفت و دید که از فاصله دور عده زیادی دارند بطرف او می آیند ، ترسید و از روباه پرسید : من حالا چکار باید بکنم ؟

روباه جوابداد : تو کارت نباشد ، من همه چیز را درست می‌کنم ، حالا تو برو توی انبار .

روباه دیو را توی انبار که از علف های خشك پر بود انداخت و درش را محکم بست و علف را آتش زد .

دیو آتش گرفت و سوخت . خدمتکار های دیو که از دست ارباب ظالم خودشان خلاص شده بودند شروع بشادی کردند . روباه به پیشواز کاروان عروس رفت . و در حالیکه آتش انبار علف دیو را نشان می‌داد گفت : خدمتکار های اربابم برای خوشامد گوئی به کاروان عروسی آتشبازی راه انداخته‌اند . کاروان عروس با سرور و شادمانی وارد خانه شد و شادی و خوشی را از سر گرفت .

وقتی روباه شرح ماجرا را برای آرمود علی بیك تعریف کرد ، او در حالیکه از هوش دوستش متعجب بود، از شیرینکاری های او خنده‌اش گرفت . مدتها گذشت و همه خوش و خوشحال بودند ، یکروز روباه پیش خودش فکر کرد : نکند آرمود علی بیك باوضعی که فعلا دارد مرا فراموش کرده باشد ؟ بهتر است او را امتحان کنم . بااین فکر صبح روز بعد قبل از اینکه آرمود علی بیك از اطاق خواب بیرون بیاید جلوی اطاق او خودش را به مردن زد . آرمود علی بیك موقعیکه از اطاق بیرون‌آمد روباه را دید و فکر کرد که او مرده است ، بدین جهت خدمتکار را صدا کرد و باو گفت : این حیوان مرده ، او را بینداز دور . در این موقع روباه بلند شد وباناراحتی گفت :«آرمود علی بیك این بود وفای تو ؟ و این بود سزای خوبیهای من ؟

تاکمی روزگارت بهتر شد دوست قدیمیت‌را فراموش کردی .» آرمود علی بیك از کار خودش خیلی پشیمان شد و قول داد که اگر خدای نکرده روزی روباه از دنیا برود ، او را بااحترام و ادب بخاك بسپارد . از آن روز به‌بعد همگی باخوشی و خرمی زندگی کردند .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

باید قدم‌های مثبت و پر ثمری برداشت

آیا وقت آن نرسیده به ساختن واجرای باله‌های بارنك و بوی ایرانی به‌پردازیم ؟

گفتگوئی با سرور کابلی در باره باله امروز ایران

*** آنچه امروز بنام هنرباله داریم دست‌پخت معلمین خارجی ما است که به‌ایران آمده‌اند.**

*** ساختن و اجرای باله های ایرانی بایـد یکی از هدفهایمان باشد .**

*** باله مدرن مثل تمام هنرهای مدرن خواست واحتیاج قرن ماست.**

*** باله مدرن در اثر خستگی از باله کلاسیك بوجود آمد .**

اشاره

در نخستین روزهائیکه ویلیام دالر امریکائی برای پایه گذاری هنر باله بایران آمد گروهی از هنرآموزان را که بالغ بر ۲۵۰ نفر بودند تحت تعلیم قرار داد و در مدت کوتاهی چند نفری را از بین آنها انتخاب کرد و به‌تربیت آنها پرداخت.

سرور کابلی یکی از این‌چند نفر بود، که از سن ۹ سالگی زیر نظر ویلیام دالر باله را آغاز کرد.

سرور کابلی چهار سال قبل بدعوت رایزن فرهنگی فرانسه در ایران بفرانسه رفت و در مرکـز رقص کلاسیك فرانسه در شهـر «کان» به‌تحصیل پرداخت.

سرور کابلی در آغاز کار تـالار رودکی به تهـران آمد و درباله سنفونی شماره بیزه که اولین برنامه تالار رودکی بود شرکت‌کرد.

وبعد در «عشق دلقك» اثـر «وردی» و «سیندرلا» اثر «پروـ کونیف» که نخستین باله کاملی‌بود که در ایران بروی صحنه میآمـد شرکت کردوامروز نقش‌اول ژولیت در باله رومئوژولیت را بازی می کند .

سرور کابلی : ۱۲ سال پیش باآمدن ویلیام دالر بایران بالـه برپایه صحیح قرار گرفت تا آن موقع باله در ایران منحصر بود به کلاسهائی که رقصهای مختلفی را به شاگردان یاد می‌دادند. ولی این چیزی نبود که بشود برای فردای باله ایران روی آن حساب کرد ولی باوجود این خدمات این کلاسها را نباید نادیده گرفت چون آنها تا حدی طرز فکر مردم را راجع به رقص عوض کرده بودند .

دالر باجدیت وکار خستگی ناپذیری باله واقعی را در ایران پایه‌گذاری‌کردکه اگربهمان ترتیب پیشرفته بودیم امروز باله‌ای داشتیم خیلی خیلی با ارزش‌تر از آنچـه که امروز داریم . دالر در ابتـدای کارش ۲۵۰شاگرد خردسال‌را برای مدت کوتاهی تحت تعلیم قرارداد وبعداز مدتی ۲۰ نفر را از بین آنها انتخاب کرد و در مدت دوسال ازاین گروه بالرین های برجسته‌ای ساخت . می‌توان گفت مدتی کوتاه باله در ایران در انزوا قرارگرفت تافعالیت‌های تازه‌وآمدن دووارن بایران و آغاز کار تالار رودکی.

اما بالهامروز ایران... امروز باله در ایران نسبت به‌سابقه کمی که دارد خیلی خوب شده مثلا بروی صحنه آوردن باله سیندرلا برای ما موفقیت بزرگی بود و خارج از انتظار دیگران.

بروی صحنه آمدن این بالـه نشان داد که بالرین های ما این قدرت را دارند که باله های بسیار با ارزشی را بروی صحنه بیاورند با این که چندی از اجرای سیندرلا نمی‌گذرد توانستیم‌باله رومئوژولیت را بروی صحنه بیآوریم که باعث امیدواری زیادی است. باتوجه به موفقیت واستقبال مردم از این دو باله در نظر داریم در سال آینده باله‌های برجسته دیگری را از آثار معروف باله،در تالار رودکی روی صحنه بیاوریم.

تلاش ــ از آغاز باله درایران وبخصوص دراین چندسال هنرمندان بسیاری از خارج برای اجـرای برنامه بایران آمده‌اند . ممکن‌است بگوئید آمدن این گروهها بایران در هنر باله ماچه تاثیری داشتـه است ؟

سرور ــ گروههای باله زیادی بایران آمده‌اندو برنامه‌های جالبی هم اجرا کرده‌اند ولی فکر نمی کنم یکی ، دو برنامه درسال تاثیر مستقیمی در باله ایران داشته باشد ولی معلمینی که از خارج آمده‌اند تاثیر کارشان مسلم است.

اصولا آنچه ما امروز به عنوان باله عرضه می‌کنیم دست‌پخت معلمین خارجی است که داشتیم و داریم. اگر در دو سال اول جهش کردیم علت کار دلسوزانه ویلیام دالر بود واگر تا چهار سال بعد از دالرراکد ماندیم علت وجود معلم بی‌استعدادی چون میس‌کاکس بود. و هم چنین

سایر استادان باله‌ای داشتیم بانقطه ضعف های زیادشان که‌مانع پیشرفت باله در ایران بودند، که در نتیجه بالرین های بااستعداد و چهره‌های خوبی که کم کم بدست آورده بودیم را از باله دور می‌کردند. واما با آمدن "دووارن" و همسرش بایران، که سیندرلا نمونه کار آنهاست ، سطح باله در ایران بمیزان زیادی بالا رفت و ازحالت خصوصی درآمد . من هرگززحمات خانم دووارن را در مورد خودم نمی‌توانم فراموش‌کنم. اومی‌گوید: «من آدمها را می‌گیرم و از آنها گل درست می‌کنم و می ریزم توی قالب و آنطور که دلم می‌خواهد درشان می‌آورم» خانم دووارن‌بکار من روح بخشیدقبلا اجرای آواژیو های خیلی نرم و رمانتیك از من ساخته بود و این موضوع سخت بمن تلقین شده بود . مجسم کردن یك چهره شاد و جوان برایم‌بسیار مشکل بود وقتی فهمیدم که نقش سیندرلا باید روحیه شاد و تقریبا بچه‌گانه داشته باشد بنظرم خیلی مشکل آمد ولی با کمك ژاکلین دووارن آنقدر در این رل فرو رفتم تا توانستم آنطور که دلم می‌خواست سیندرلا را در بیاورم . البته خدمات و طراحی های دقیق دووارن را نادیده نمی شود گرفت. این ها هنرمندان و استادانی بودند که تاثیر مستقیم بیشتری روی باله ما داشتند تا هنرمندانی که برای اجرای برنامه باینجا میآیند . من کار نوریف و مارکریت فونتین‌را از نزدیك دیدم ولی آیا تاثیر کارشان روی من بیشتر از فیلمی بود که از آنها دیده بودم ؟

تلاش ــ سازمان باله ملی ایران برای جبران کمبود خوداز نظر بالرین چند نفری از بالرین های خارجی را استخدام کرد . نظر شما راجع بارزش کار این عده در بالا بردن سطح کاربالرین های ایرانی چیست ؟

سرور ــ در حال حاضر ما در سازمان باله ملی ایران پنج بالرین انگلیسی داریم که از این پنج نفر ، چهار نفرشان مدرسه رویال باله انگلستان را بپایان رسانیده‌اند و کارشان نسبتا خوب و با ارزش است . ولی متاسفانه آن دیسیپلینی را که باید رعایت کنند و سرمشقی برای سایر بچه‌های باله باشند ندارند . و کوچکترین

احساس مسؤولیتی نمی‌کنند و در کارشان سعی و کوشش بخصوصی که کمکی برای پیشبرد این هنر در ایران باشد دیده نمی‌شود و بنابراین نمی‌توانند تاثیری در کار بالرین های ایرانی گروه باله‌ملی ایران داشته باشند . ولـی قبـلا هنرمندانی بودند که اگر در ایران میماندند مسلما کمك بزرگی برای پیشبرد باله در ایران بودند . فی‌المثل یك زن وشوهر انگلیسی که برای همکاری باسولیست های باله ملی ایران آمده بودند که بعد از مدتی بدون این که تاثیری درکار و برنامه های ماداشته باشند بـه انگلستان برگشتند ... یکی‌ازویژگی هائی که وجود این ها در ایران داشت این بود که تماشاچی ایرانی می‌توانست کار هنرمند ایرانی را در کنار کار یك هنرمند خارجی ببیند و این موضوع که هنرمندان خاجی بسیار برتر از هنرمندان ما هستند را از نظر دور دارند و بخصوص برای منتقدین ما این‌نکته ملاك ومعیار مقایسه‌ای می‌توانست بشمار رود .

تلاش ــ آنچه تابحال درتالار رودکی بروی‌صحنه آمده قیافه‌کاملا کلاسیك داشته است فکر نمی‌کنید پرداختن تاباین حد به‌مکتب‌کلاسیك موجب رکود باله در ایران باشد؟

سرور ــ نمی‌توانم بگویم حرف شما صحیح نیست چون عکس‌اش نیز صادق نیست ولی شاید ارضا کننده نباشد . ولی تماشاچی ایرانی آنقدر کمبود دید دارد کـه ما می‌توانیم سالیان سال از باله های کلاسیك دنیا استفاده کنیم ولی مسلما اینطور نخواهد ماند وتنوعی در آن داده خواهد شد .

تلاش ــ فکر نمی‌کنید دلیل این که فقط بکارهای کـلاسیك پرداخته شده‌عدم آشنائی بالرین‌های با کارهای تازه وهم چنین طراحان رقص ما باشد ؟

سرور ــ نه این درست نیست زیرا که چند باله مدرن طراحی شده وما تمرین کردیم ولی بعللی بروی صحنه نیآمد .

تلاش ــ ممکن است دلائل آنرا بفرمائید ؟

سرور ــ باله‌ای را تـمرین کردیم روی آهنگی از استوار که بخاطر لغزشهائی که داشت پذیرفته نشد و دوباله کاملا مدرن که بر مبنای داستان آدم وحوا ساخته شده که اجرای آن تا فـرصتی مناسب به عقب افتاده است .

تلاش ــ اصولا نظر شما راجع به باله مدرن وآثاری که دراین زمینه بروی صحنه آمده چیست ؟

سرور ــ باله مدرن مثل تمام هنرهای مدرن دیگر خواست وشاید احتیاج قرن ماست ولی نمی‌شود باین زودی در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت کرد .

... اگر ما زود بشعر نـو پرداختیم وتقریبا شعر کلاسیك‌را پشت سرگذاشتیم برای این بود که شعر کلاسیك بحدوفور و کـمال داشتیم ... واگر شعر نورا پذیرفتیم بخاطر این بود که شعر کهنه خسته کننده شده بود وباشعر نـو بهتر می‌توانستیم حوائج زمان را بدون تکلف بازگونمائیم . . . وباله مدرن هم بر اثر خستگی از باله کلاسیك بوجود آمد وآیا آنچه امروز بنام مدرن می‌شناسیم پایدار خواهد ماند یا نه ؟ جوابش با آینده است . بـا اینهمه من باله مدرن رادوست دارم واز آن لذت میبرم ولی در بین باله های مدرنی که تا کنون دیده‌ام چندتائی بنظرم فوق‌العاده آمد که نسبتشان خیلی کم بود ، شاید علت این امر بخاطر افراطی نبودنشان ومسخ نکردن زیبائی که اساس باله است ، باشد . درباله مدرن سخن از خوبی همانقدر است‌که ازبدی. واصولا عکس برگردانی است از خواستها و واکنشهای قرن ماشینی ما . ولی من از خودم‌می‌پرسم برای هنری که صرفا روی اصل زیبائی ساخته شده بهتر نیست که اصول اساس آن بنام مدرن در هم شکسته نشود واین اصول رعایت گردد؟ در این مورد باز بشعر بر می‌گردیم من معتقدم سبك های باله مدرن چیزی درحد سبك هندی‌درشعرباشد که بعداز مدتی متروك‌گردید ــ هر چند که اشعار خوبی هم دراین سبك گفته شده بود و هرگز بپای سبك خراسانی نرسید ــ همانطور که باله مدرنی که امروز میشناسیم هنوز به زیبائی وعظمت باله کلاسیـك نرسیده است وهمین را هم چقدر می‌شود ادامه داد، دیگر تکراری وخسته کننده شده است وتولد یك سبك تازه اجباری است ، لذت آور بودن یانبودنش فعلا مطرح نیست واین بایدمقدمه‌ای برای سبکی‌خوب ویا حداقل تحولی تازه باشد .

تلاش ــ پس شما باله مدرن را مردود میشمارید ؟

سرور ــ دربست نه . ولـی این که بجاویدانی باله های‌کلاسیك نیست را باید قبول کرد . من روی این سبك چند باله خوب نیـز دیده‌ام البته نسبتشان خیلی کـم بوده . باله سه دختر باخ کـه توسط دکتر هارکنز امریکائی در پاریس اجرا شد با وجودیکه مدرن بود ولی چون فقط از زیبائی و تکنیك استفاده کرده بودند کـار فوق‌العاده‌ای بود . البته مسـأله سکس را پیش از پیش بمیدان کشیده بودند .

تلاش ــ خانم کابلی امـروز با توجه به بالرین هائی کـه در اختیار داریم و هم‌چنین‌امکانات نمایشی ، بنظر شما موقع آن نرسیده بساختن و اجرای باله هائی بارنك و بوی ایرانی بپردازیم ؟

سرور ــ نه تنها موقع آن رسیده بلکه باید این یکی ازهدف هایمان باشد . چرا که نه ؟

تلاش ــ این جواب شما خیلی کوتاه بود من ناچارم که بپرسم آیا قبلا در این زمینه کاری‌صورت گرفته و برای آینده کار هائی انجام شده است ؟

سرور ــ باله های زیادی در این زمینه‌ساخته‌شده ولی‌هرکدامشان نقطه ضعف زیادی داشتند و برای همین هم ناکام گردیدند وفراموش شدند . مثلا یکی از آثار خیلی خوبی که در این زمینه ساختـه شده بود «کاروان» برروی شعری از سعدی بودکه خانم کوك‌امریکائی آنرا ساخته بود که من بعد ها اجرایش را توسط چند نفری از بالرین‌های خود او دیدم ، اثـر فوق‌العاده زیبائی بود که هیچ وقت از ذهنم محو نمی شود ولی چون موزیك آن ایرانی اصیل نبود به عنوان یك اثر کاملا ایرانی پذیرفته نشد .

از جمله آثار دیگر «شاهزاده دیوانه» بود که رابرت دووارن برروی یکی از داستان های‌ایرانی آنرا طراحی کرده بود و چـون موسیقی آن پیش از حد مدرن بود چند روز قبل از اجرایش ازنمایش آن منصرف گردید . و هم چنین فعالیت های پراکنده‌ای شده چون کار های : عبدالله ناظمی که شیخ صنعان را ساخت و اجرا کرد این باله همانقدر خوب بود که نقاط ضعف داشت . داستان و موسیقی آن کاملا ایرانی بود ولی در انتخاب داستان بی سلیقگی شده بود . وقتی می‌دیدیم که شیخ با آن عمامه و عبا حرکات تند باله انجام می‌دهد بنظر نامانوس می‌آمد ولی باتمام این ها باید قدمهای مثبت وپرثمری برداشت تا باله ایرانی شکل خاص و روشنی را بخود بگیرد ....

تلاش ــ خانم سرور کابلی متشکریم .

صفحه چهل و نهم

www.KetabFarsi.com

مواد مخدره

یك شخص الکلی و دیگری تریاکی و سومی معتاد بحشیش بدروازه اصفهان رسیدند و در های شهر را بسته دیدند . الکلـی پیشنهاد کرد که درها را بشکنند ، تریاکی گفت بیائید فعلا بخوابیم تا فردا که درها باز شود ، سومی گفت بهتر است که از سوراخ کلید در وارد شویم .

بقلم دکتر بهرام ندین
استادیار دانشگاه میشیگان آمریکا

● گروهی از مردم عمدا و ناخودآگاه بجستجوی داروهایی میروند که تصور می‌کنند قدرت آزاد کردن آنها را از این قیود دارند ولی این آسایش موقتی است و بزودی‌جای خود را بناملایمات سخت‌تری که دائمی است میدهد .

● در وهله اول رگهای بزرك ونزدیك به پوست‌راکه‌توی بازو در ناحیه آرنج قرار دارد انتخاب می‌کنند . پس از زخمی شدن این رگها و خرابی دیوار آن ، رگهای دیگر بکار برده می‌شود ، سرانجام معتاد مجبور است که هروئین را زیر پوست و یا توی عضلات خود تزریق کند . وقتی که باین مرحله رسید ، سوزن را در شکم وسینه وران وکفل و حتی بین انگشتان دست وپا فرو می‌کنند .

● معتاد خود را از مردم دور می‌گیرد قبل از آنکه آنها او را از خود برانند ولی کجا می‌تواند برود ؟ دردنیائی زندگی می‌کند که جای او نیست . دیوار حفاظتی بین خودو دیگران نصب می‌کند و در دنیای مصنوعی خود فرو می رود .

● بر روی ابر ابریشمین نرم و گرم آزادانه غلت‌می‌زند و خوشحال است که چه آسان اینهمه خوشی ولذت را فقط با استعمال مقدار کمی از داروی عجیب با قدرت‌بدست آورده است .

● بزودی رویا های خوشی متلاشی و نابود می‌شوندو او بایستی از سفر خود برگردد . آن گرمی مطبوع بسردی دردناك تبدیل می‌شود آسودگی خاطر از بین می‌رود وواقعیت تلخ روح را خراش می‌دهد زندگی نومیدانه و تهی ودردناك یکبار دیگر آغاز می‌گردد .

● پول بیشتر برای داروی بیشتر و بیشتر و بیشتر ...مانند مرد کوری می ماند که دارد بسوی هلاکت چاره‌ناپذیر تلوتلو می‌خورد . شبیه سامسون است که بستك آسیاب بسته‌شده است و دور آن میچرخد و قادر نیست که از این راه مدور نجات یابد .

● ترشحات جهاز تناسلی نیز پایین می‌آید و دوران‌قاعدگی و تخم‌گذاری در زنها کم می‌شود . علاقه به‌نزدیکی با جنس مخالف کم می‌گردد طغیان شهوت حاصل نمی‌شودغدد عرق کمتر ترشح می‌کنند و پوست بدن معتادان خشك است ، ناخنشان کم رنك است و زود شکسته می‌شود ، دندانهاخراب می‌شود و حدقه چشم تنك می‌گردد .

● جای دمل معمولا توی بازو در ناحیه آرنج است‌ولی اگر سوزن را در جای دیگر مانند زانو ، پشت دست و یا رك گردن زده شود دمل در این نقاط پیدا می‌شود . این‌دملها دردناکند و چرکی با میکروب زیاد خارج می‌کنند .

● معتاد شخص وظیفه نشناس ، دزد، دروغگو، بی‌اعتنابدیگران بار می‌آید و بدون هدف در زندگی همواره در تقلای بدست آوردن مقدار بیشتری دارو می‌باشد ...

● ۸ تا ۱٦ ساعت پس از استعمال آخرین دارو شخص‌معتاد ناراحت ومضطرب و عصبی می‌شود . بعد از ۱٤ ساعت خمیازه می‌کشد ، عطسه می‌کند ، عرق می‌کند ، از چشم و بینی‌اش مایع سرازیر می‌شود و صدایش گرفته و خشن می گردد .

● این دارو برمرکز تنفس در مغز اثر کرده وحساسیت آنرا در مقابل اکسید دوکربن کم می‌کند و در نتیجه مقدار زیادی از این گاز در خون جمع شده و ممکن است که‌باعث‌مرك ناگهانی شود .

● اهالی بومی مناطق مرتفع آمریکای جنوبی صد ها سال است که برك کوکا میجوند تا بتوانند برای مسافات طولانی و سربالا بدون آذوقه و استراحت بار های سنگین بدوش حمل‌کنند وآثار ناگوارهوا در ارتفاعـات را خنثـی نمایند .

● نوشابه معروف کوکاکولا نام خود را باین دلیل گرفته که در فرمول آن عصاره کوکا بخاطر طعم آن بکار برده می‌شود ــ البته تمام کوکایین از این عصاره با دقت‌جدا شده است .

● این دارو آنقدر قوی است که تنها با دست زدن‌بآن‌و سپس لیسیدن انگشتان آثارش ظاهر می‌گردد . شکی نیست که بعضی کشور ها برای جنك روانی مقدار زیادی از این‌دارو را درست کرده‌اند زیرا بآسانی‌می‌توان آنرا در غذا و یا آب ویاهوای یك شهر یـا مملکت گذاشت و مردمش رانابود کرد .

● بهترین راه مبارزه با مواد مخدره جلوگیری ازاعتیاد پیدا کردن است . اگر به چند دستوری که در اینجا داده می‌شود توجه شده و بکار برده شود از تعداد معتادان بمقدار متنابهی کاسته خواهد شد .

● تعلیم حقایق به شاگردان در مدارس و عموم مردم‌بوسیله جراید و رادیو و تلویزیون و بیان واقعیت مهمترین سلاح برای مبارزه با مواد مخدره است .

● تنها ترس از مجازات مشکل را حل نمی‌کند .اگر شخصی خطـر هـای ناشی از استعمال مـواد مخدره را بداند ، فریب «دوستان» یا فروشندگان را نمی‌خورد .

بشر همیشه درجستجوی راه‌هائـی بوده است که بتواند بوسیله آن لذت بیشتری به زندگی داده و از ناملایمات و مشقاتی کـه زنده بودن بهمراه دارد بکاهد . تمام‌پیشرفت هایی که در دنیای طب و علوم و مهندسی بوجود آمده باین منظور بوده است . درنتیجه این پیشرفت‌ها بشر توانسته است از یکطرف داروهای مفیدی مانند انسولین کشف کند و ازطرف دیگر داروهایی‌مانند هروئین ــ که شخص را بنده و اسیر چنگالهای زشت و بقول گروهی قشنك خود می‌کند ــ بوجود آورد . موادمخدره در نتیجه علم جدیدی نیست، گرچه بعضی ازخطرناکترین‌نمونه‌ها و طریق استعمال آن در نتیجه تحقیقات‌امروزی حاصل گشته است . اجداد ما از هزارها سال پیش اثرتریاك و حشیش و کوکایین را می‌دانستند و آنها را از گیاهان جدا کرده و بکارمی‌بردند. شك‌نیست‌پیشینیان‌مواد مخدره را در راه انجام مراسم مذهبی و یا بـرای ارتباط پیدا کردن با ارواح و یا بمنظور بدست آوردن قوای مافوق بشربکار می‌بردند. حشیش برای آماده کردن سربازان بجنك استعمال می‌شد . در کتب قدیم آمده کـه

ایرانی‌ها و اعراب و یونانی‌ها تریاك راسالها پیش در طب بکار می‌بردند .

مواد مخدره اینقدر قوی هستند که از یك طرف شخص را بسوی تاریکترین عمق عواطف انسانی کشانده ، مغز را متلاشی کرده و بدن را ناتوان و فاسد می‌کند و از طرف دیگر ایجاد ساعت‌ها لذت و نشئه مینماید .

اعتیاد چیست ؟

اعتیاد مواد مخدره شامل تابعیت‌جسمانی، مقاومت ، و تابعیت عاطفی است .

تابعیت جسمانی : عبارتست از تغییرات فیزیولوژیکی بدن در نتیجه استعمال مکرر دارو . و البته برای‌دچار نشدن بناراحتی‌ها، شخص مجبور است که باستعمال دارو ادامه دهد .

مقاومت : در اثر استعمال مکرر دارودر بدن انسان مقاومت ایجاد می‌شود و برای بدست آوردن اثر مطلوب بایستی بتدریج بمقدار دارو افزود .

تابعیت عاطفی : نشئه ولذت حاصله‌شخص را برده و غلام و اسیر خود کرده و موجب می‌شود که همیشه دنبال این لذت برود.

ممکن است چنین بنظر آید که اعتیاد به مواد مخدره فقط در طبقات پایین اجتماع متداول است ولی در حقیقت اعتیاد در تمام طبقات وجود دارد ولی چون اشخاص بی‌بضاعت برای بدست آوردن پولی که بتوان با آن دارو خرید، دست بدزدی و جنایت می‌زنند اغلب دستگیر می‌شوند و لذا بدنام می‌شوند .

در صورتی که طبقه ثروتمند قدرت‌خرید آنرا دارد و کمتر گرفتار چنك‌پلیس‌می‌شوند.

البته بشر طبیعی در جستجوی کسب لذت است و این نشانه اعتیاد یا ضعف نیست ولی راه بدست آوردن لذت در مردم فرق می‌کند. گروهی فکر می‌کنند با استعمال دارو به مقصود می‌رسند، ولی اکثرمردم خوشی ولذت را با استفاده‌از ورزش ، موسیقی ، رقص ، شعر ، نقاشی و هنرهای سالم دیگر بدست میآورند .

دوستی دارم که در اوقات فراغت برای بدست آوردن لذت مسأله حساب حل می‌کند. معتادان اشخاصی هستند که لذت را اینقدر می‌پرستند که برای بدست آوردن دارو، ناراحتی ها و از بین‌رفتن تندرستی و خطر مجازات و بدنام شدن در اجتماع را بجان می‌خرند .

عواملی که باعث اعتیاد میشود .

۱ــ ناراضی بودن از محیط و اجتماع ، یأس، غم، فقر، وفشار کار یا تحصیل، برای آرام کردن اعصاب و فرار از ناملایمات زندگی ، گروهی از مردم عمداً و ناخودآگاه بجستجوی داروهایی میروند که تصور میکنند قدرت آزاد کردن آنها را از این قیود دارند ولی این آسایش موقتی است و بزودی جای خود را بناملایمات سخت‌تری که دائمی است میدهد . معتادان با استعمال مواد مخدره پردهٔ آرام کننده ولی در عین حال کشنده‌یی بر نفس خود می‌کشند تا در پناه آن حقایق زندگی را از خود دور کنند.

۲ــ موجود بودن دارو در دسترس مردم

۳ــ همنشینی با دوستان معتاد .

٤ــ فروشندگان دارو که برای فروش متاع و پر کردن جیب خود جوانان را فریب می‌دهند و بانواع و اقسام حیله‌ها آنها را تشویق می‌کنند که موادمخدره استعمال کنند.

٥ــ همه‌مادر محیطی زندگی می‌کنیم که در آن اضطراب و ناراحتی زیاد است ولی اغلب ما خود را با محیط تطبیق می‌دهیم کسانیکه معتاد می‌شوند خیال می‌کنند نمی توانند خود را با محیطی که در آن زندگی می‌کنند تطبیق دهند .

٦ــ جهل مردم (گرچه‌گاهگاهی‌اعتیاد در بین طبقه پزشك نیز پیدا می‌شود) .

انواع مواد مخدره

داروهایی که نیروی اعتیاد دارند به دو گروه **مسکن و محرك** تقسیم بندی می‌شوند.

۱ــ مسکن

تریاك

خشخاش که تریاك از آن گرفته می‌شود در کشور های ترکیه ، هندوستان ، ایران و یوگوسلاویا و بمقدار کمتری در بلغارستان و افغانستان و چین و پاکستان و یونان و چند کشور دیگر می‌روید ــ در واقع می‌توان آنرا در تمام نقاط مابین خطوط عرض ٥٦ شمال و ٥٥ جنوب کاشت ولی بهترین‌محصول در مناطق گرمسیر که زیاد باران نمی‌بارد بدست میآید . خشخاص بانواع مختلف وجود دارد که گل های قشنك و مزین سرخ و سفید و ارغوانی دارند . از تمام این انواع‌تریاك بدست می‌آید ولی محصول نوع معروف به «سومنیفر م» از بقیه بیشتر است . علاوه بر تریاك، از دانه خشخاش روغن گرفته می‌شود که آنرا در طباخی، چراغ، ورنك‌سازی‌بکار می‌برند .

برای بدست آوردن تریاك خام‌گرزهای خشخاش را که هنوز نرسیده است، با چاقوی مخصوص شکافته و شیره‌ای که از آن‌خارج می‌شود بر روی برك خشخاص جمع می‌کنند و با برك دیگری می‌پوشانند . موقعی که هوا خنك است آنرا در سایه نگه میدارند تا پس از چند روز خشك شود . سپس آنرا به قطعات مدور یا مسطح تقسیم بندی کرده و در برك خشك ، کاغذ ، جعبه یا پارچه بسته بندی شده و ببازار فرستاده می‌شود . تریاك خام دارای رنك قهوه‌ای‌تیره، بوی مخصوص که برای بعضی نامطبوع و برای گروهی مطبوع است و طعم خیلی تلخ دارد ، بانگاه کردن بنوع بلور و ترکیب شیمیایی آن ، میتوان کشور اصلی را تشخیص داد . مثلا تریاك‌ایرانی دارای بلورهای بیشمار و مقدار زیادی کودئین است در حالیکه تریاك‌ترکی بلور کم و کودئین کم ولی مورفین زیاد دارد . از تریاك خام می‌توان تریاك خالص، مورفین ، هروئین ، کودئین و دارو های دیگر درست کرد .

تریاك خالص

تریاك خام را در دیگهای معمولی در مقداری آب می‌جوشانند تا وقتیکه محلول بدست آید ، سپس آنرا روی پارچه‌یی خالی کرده و مایع رادر دیك دیگری جمع‌می‌کنند. درد باقی مانده که دارای نا خالصیهای‌زیادی مانند برك و دانه و ساق درخت خشخاش‌است چندبار دیگر در آب جوشانده تا تریاکی را که در آنها باقی مانده استخراج کنند و بمایع اولی می‌افزایند . سپس تمام محلول تصفیه شده را روی آتش ملایم گذاشته و بتدریج می‌پزند و پیوسته بهم‌میزنند تا مانع سوختگی آن شود . وقتی که آبش تبخیر شد ، خمیر غلیظی باقی می‌ماند که برای استعمال آماده است . از هرنیم کیلو تریاك خام حدود ۳٥۰ گرام تریاك خالص بدست میآید.

در طب برای امراضی‌مانند اسهال ، تریاك دانه دانه یا پودر یا محلول در الکل و انواع دیگردواها بکاربرده می‌شود. طریقه استعمال تریاك ، کشیدن ، خوردن با قهوه و شکر ویا از طریق تزریق است .

مورفین

سولفات مورفین دارای بلورهای سفید و مانند پر ، بی‌بو و خیلی تلخ است ولی اگر مدتی در معرض نور قرار گیرد رنگش تیره می‌گردد . مورفین از تریاك درست می‌شود واستفاده‌اش درطب از بقیه مواد مخدره‌بیشتر است :

۱ــ از بین بردن درد شدید .

۲ــ آرام کردن بیمارانیکه ناراحتی عصبی دارند .

۳ــ جلوگیری کردن از استفراغ .

٤ــ مانع شدن حرکت امعاء پس از عمل جراحی در روی جهاز هاضمه .

٥ــ راحت نمودن قلب خراب .

٦ــ کم‌کردن ناراحتی‌ودرد دربیماریهای غیر قابل علاج .

برای کسانی که در معرض خطراعتیاد قرار دارند ، با استعمال مورفین از بین‌رفتن درد توام با احساس لذت است ولی دیگران فقط دردشان از بین می‌رود و لذتی‌احساس نمی‌کنند . مورفین معمولا در رك و یا زیر

پوست تزریق می‌شود .

هروئین

این ماده از واردکردن‌مورفین درجوهر سرکه‌درست‌می‌شودومانند مورفین‌بلورسفیدی است ولی قوتش دوبرابرآن است وبدین‌جهت معتادان ، آنرا برمورفین ترجیح می‌دهند . برعکس مورفین ، هروئین استعمال طبی ندارد معتادان هروئین را بطرق مختلف‌بکار میبرند : آنرامی‌خورند ، بو می‌کنند ، زیر پوست یا در رك تزریق می‌کنند . اگرخورده شود اثرش خفیف است زیرا فقط مقدارکمی از آن جذب بدن می‌شود و برای پیدا شدن اثر، وقت زیادی می‌گیرد ، بابو کردن مقدار کمی از آن بوسیله غشاء مخاطی بینی جذب می‌شود واثرکامل‌بدست‌نمی‌آیدبرای بهترین‌و سریعترین نتیجه معتادان آنرا مستقیما دررك تزریق می‌کنند معمولا در وهله اول رگهای بزرك و نزدیك به پوست که توی بازو در ناحیه آرنج قراردارد‌را انتخاب‌می‌کنند. پس از زخمی شدن این رگها وخرابی دیوار آن، رگهای دیگر بکار برده می‌شود ، سرانجام معتاد مجبور است که هروئین را زیرپوست ویا توی عضلات خود تزریق کند . وقتی که باین مرحله رسید ، سوزن را در شکم و سینه و ران و کفل و حتی بین‌انگشتان دست وپا فرو می‌کنند .

کودئین

از تریاك یا مورفین درست می‌شود و مانند مورفین بلور سفیدی است ولی تاثیرش فقط یك ششم آن است . در طب برای ازبین بردن درد خفیف و سرفه سخت بکار برده می‌شود . استعمال آن بطور مرتب ایجاداعتیاد می‌کند ولی برای بدست آوردن تاثیر کافی بایستی مقدار زیادی از آنرا بکار برد . در موقعیکه معتادین‌دسترسی به‌مورفین وهروئین ندارند ، تمام محتویات شیشه داروی سرفه‌که دارای مقداری کودئین است‌را سرمی‌کشند.

تاثیرات فیزیولوژیکی و روانی تریاك و مشتقات آن

گرچه تریاك و مورفین و هروئین و کودئین هرکدام تاثیر خاصی برروی شخص معتاد می‌گذارند ، شباهت زیادی بین خواص تمام این دارو ها وجود دارد .

معتاد خود را از مردم دور می‌گیرد قبل از آنکه آنها او را از خود برانند . ولی کجا می‌تواند برود ؟ در دنیائی زندگی می کند که جای او نیست . دیوار حفاظتی بین خود و دیگران نصب می‌کند و در دنیای مصنوعی خود فرو می‌رود .

این کارها را می‌کند تادرآن دنیای‌خود لباس درد و مشقت را از بدن در آورده و بدور بیاندازد . در آنجا است که خواب های طلایی خود را پرورش می‌دهد . تمام هوش و حواسش متوجه خود بوده وبدیگران اهمیت نمی‌دهد. برروی ابریشمین نرم وگرم آزادانه غلت می‌زند و خوشحال است که چه آسان اینهمه خوشی و لذت را فقط بااستعمال مقدار کمی از داروی عجیب باقدرت بدست آورده است . ولی عمر این لذت ساختگی خیلی کوتاه است. بزودی رؤیا های خوشی متلاشی و نابود می‌شوند ، و او بایستی از سفر خود برگردد . آن گرمی مطبوع بسردی دردناك تبدیل‌می‌شود . آسودگی خاطر ازبین می‌رود و واقعیت تلخ ، روح را خراش می‌دهد زندگی‌نومیدانه وتهی ودردناك یکبار دیگر آغاز می‌گردد . بایستی پول داشته باشد تا دارو بخرد و دوباره به دنیای نسیان و نیستی برگردد .

سپس پول بیشتر برای داروی بیشتر . و بیشتر و بیشتر ... مانند مرد کوری می ماند که دارد بسوی هلاکت چاره ناپذیر تلو تلو می‌خورد . شبیه سامسون است که بسنك آسیاب بسته شده است و دور آن می چرخد و قادر نیست که از این راه مدور نجات یابد . احتیاج زجر دهنده باو شلاق می‌زند و آرزوی سیراب نشده باو فشار میآورد . کم‌کم بار اعتیاد آن قدر سنگین می‌شود که کمرش را بخاك می‌رساند ولی معتاد همچنان بدون اراده براه رفتن خود ادامه می‌دهد و نمی‌تواند این مسابقه باختن را کنار بگذارد .

تمام دارو هایی که تاکنون ذکر شده مسکن هستند و لذا تمام فعالیت های فیزیولوژیکی بدن را کم می‌کنند . مهمترین اثر تسکین دادنشان این است که فشار خون کم می‌شود ، میزان تنفس پایین می‌آید و اگر باندازه‌یی برسد که اکسیژن لازم ببدن نرسد موجب مرك‌ناگهانی می‌گردد. ترشحات جهاز هاضمه و بزاق کم می‌شود و اشتها از بین می‌رود . یبوست ایجاد می‌شود . در نتیجه از دست دادن اشتها و پول معتادان کم غذا می‌خورند و لاغر می‌شوند . ترشحات جهاز تناسلی نیز پایین می‌آید و دوران قاعدگی و تخم‌گذاری در زنها کم می‌شود . علاقه به‌نزدیکی باجنس مخالف کم می‌گردد. طغیان شهوت حاصل نمی‌شود.غدد عرق کمتر ترشح می‌کنند . پوست بدن معتادان خشك است.و ناخنشان کم‌رنك است و زود شکسته می‌شود . دندانها خراب می‌شود و حدقه چشم تنك می‌گردد .

درمحل تزریق، باسوزن استرلیزه نشده، دمل بصورت دانه درشت یا کورك ایجاد می شود.و در اثر استعمال سوزن دیگران ممکن است دچار امراضی واگیر مانند:مالاریا و سیفلیس و یرقان و غیره شوند . جای دمل معمولا توی بازو در ناحیه آرنج است ولی اگر سوزن در جای دیگر مانند زانو ، پشت دست و یارك گردن زده شود دمل در

این نقاط پیدا می‌شود . این دملها دردناکند وچرکی. پس از خوب شدن دمل ، جای زخم باقی می‌ماند واین نشان مشخص افرادی است که دارو تزریق می‌کنند . دراثر استعمال مکرر ، رك سخت می‌شود ودیوارش فرو می ریزد .

اعتیاد ایجاد انحطاط اخلاقی می‌کند . معتاد شخص وظیفه نشناس ، دزد ، دروغگو، بی‌اعتنا بدیگران بار می‌آید و بدون هدف در زندگی همواره در تقلای بدست آوردن مقدار بیشتری دارو می‌باشد .

بیماری کناره‌گیری

تا هنگامی که معتاد داروی خـود را بطور مرتب استعمال می‌کند تشخیص دادن او از بقیه مشکل است . تنها نشانه اعتیاد دمل در جای سوزن در رك و یا خال آبی تیـره در محل تزریق زیر پوست و تنك شـدن حدقه چشم پس از استعمال دارو است. ولی این نشانه ها بتنهائی استعمال دارو را ثابت نمی‌کند . جای سوزن ممکن است در نتیجه تزریق موادطبی یاگزیدگی حشرات یاسوختن باشد و حدقه چشم در مواقع دیگر نیز تنك می‌شود . تنها راه تشخیص اعتیاد عوارضی است که دچار شخص می‌شود وقتی که دارو گیرش نمی‌آید. ۸ تـا ۱۶ ساعت پس از استعمال آخرین دارو شخص معتاد ناراحت و مضطرب و عصبی می‌شود . بعد از ۱٤ ساعت خمیازه می‌کشد ، عطسه می‌کند ، عرق می‌کند ، از چشم و بینی‌اش مایع سرازیـر می‌شود و صدایش گرفته و خشن می‌گردد . پس از ۲٦ ساعت شکم و پشت پایش دردی شدید که توام با انقباض عضلات است می گیرد . سر درد سختی عارضش می‌شود . مایع بدنش بمقدار زیاد ترشح می‌شود . قی می‌کند و اسهال می‌گیرد . اشتهایش کـم می‌شود . دچار بی‌خوابی می‌گردد . تنفسش زیاد می‌شود ، فشار خون و حرارت بدن بالا می‌رود . هذیان می‌گوید و حالت دیوانگی به او دست می‌دهد . این ناراحتی‌ها در عرض ۲ تا ۳ روز بحداکثر شدت خود رسیده و سپس تدریجا در عرض ۵ تا ۱۰ روزکم می شود ولی برای بهبودی کامل ۲ تا ٦ مـاه وقت لازم است .

مسکن های غیر تریاك

حشیش

«ماریوانا» بنام های علف عشق و علف خندان نیز معروف است . از قدیم در چین و هندوستان و آفریقا آنرا بجهت اثر تخدیر کننده‌اش بکار می‌بردند . گیاهش را می‌توان به آسانی در همه جا کاشت . ارتفاع بوتـه از ۳۰ سانت تا ٦ متر است و گاهگاهی شبیه گیاه گوجه فرنگی است . صمغ (۱) یارزین آن برای تخدیر بکار برده می‌شود .

نیروی این « رزین » برحسب هوا و نوع خاك فرق می‌کند . نیروی رزین حاصله از گیاهانی که در مناطق نسبة خشك کاشته می‌شود زیاد است . هوای سرد از نیروی‌آن می‌کاهد . « رزین » در بالای گل بوته‌ماده وجود دارد و بصورت ماده خالصی از گیاه استخراج می‌شود . معمولا آنرا بصـورت سیگار می‌کشند . برك را با دست ریز ریز می‌کنند تا شبیه تنباکوی سیگار ولی کمـی خشنتر شود . آنرا در لابلای کاغذ سیگار می‌پیچانند . طولش باندازه سیگار معمولـی است ولی باریکتر می‌باشد . هر دو انتهای سیگار را می‌پیچند تا مانع ریختن محتویاتش شوند . هنگام کشیدن بوی مخصوص شبیه بوی سوختن طناب از آن بمشام میآیـد . حشیش در طب استعمال ندارد ، گرچه ایجاد اعتیاد نمی‌کند و کناره‌گیری از آن موجب ناراحتی نمی‌شود ولی خطرش در این است که موانع را از بین می‌برد و به نیروی قضاء در آدمی لطمه می‌زند و انسان را سوی‌دارو های دیگر ، معمولا هروئین ، سوق می‌دهد . پس از استعمال حشیش انسان احساس سبکی می‌کند ، زمان و مکان نزد مریض از بین می‌رود ، زیاد می‌خندد . برعکس دارو های دیگر که اشتها را از بین می‌برند حشیش اشتها را زیاد می‌کند . حس شنوایی‌راحساستر می‌کند و بدینجهت بین موسیقی دانان رواج دارد . بعضی ها می‌گویند که انسان احساس می‌کند دست و پایش دراز تر وسرش بزرگتر شده است .

قرص خواب‌آور (باربیتورت)

نام های دیگراین قرص نمبوتال، درخت کریسمس ، شیرینی ، آسمان آبی ، شیطان سرخ و غیره است . قرصهای مسکن و خواب آوری هستند که از اسید باربیتوریك ساخته می‌شوند . بلور های سفید و یا بی‌رنك ، بی‌بو و کمی تلخ هستند . در مقدار زیادی از بیماریهاییکه ایجاد بی‌خوابی می‌کند تجویز می‌شود .

اگر بمقدار کم و نامرتب بکـار برده شود نه ایجاد اعتیاد و نه مسمومیت می‌کند و باین دلیل برای ناراحتی اعصاب، اضطراب و اختلالات عاطفی داده می‌شود تاعکس‌العمل بدن را درمقابل فشار های خارجی وناراحتی های درونی تقلیل داده و یا متوقف سازد . همچنین برای پایین آوردن فشار خون و اختلالات قاعدگی در زنان و در بسیاری از امراض دیگر بکار برده می‌شود . بنابراین « باربیتورت » بخودی خود مخدر نیست و درد را از بین نمی‌برد ولی استعمال آن بطور مرتب ایجاد اعتیاد می‌کند و انسان تااین قرص را نخورد خوابش نمی‌برد . این دارو برمرکز تنفس در مغز اثر کرده و حساسیت آنرا در مقابل اکسید دوکربن کم می‌کند و در نتیجه مقدار زیادی از این گاز در خون جمع شده و ممکن است که باعث مرك‌ناگهانی شود .

اثر آن مانند الکل است : مقدار کمش ایجاد سستی ، راحتی و احساس خوشی می کند و حرکات بدن کند می‌گردد . درنتیجه استعمال مقدار زیاد ، انسان گیج می‌شود ، هماهنگی حرکات بدن از دست می‌دهد ، تلوتلو می‌خورد و مرتب می‌افتد ، دست و زبان می‌لرزد ، چشم ها در حدقه می‌چرخند، انسان قادر نیست بطور واضح حرف بزند ، نمی‌تواند عواطف خود را کنترل نماید و با مردم دعوا می‌کند ، خوابش نمی‌برد .

اشخاص معتاد «باربیتورت» را همـراه با کوکایین ، مورفین ویا الکل بکار می‌برند . مخلوط با الکل‌سستی‌را شدیدتر کرده ومدتش را طولانی‌تر می‌کند .

استعمال آن بطور مرتب موجب می‌شود که انسان جسما و روحا تابع‌آن شود وکناره گیری پس از اعتیاد ایجاد ناراحتی هـای زیادی می‌کند : پس از ۱۲ تا ۱٦ ساعت اضطراب ، لرزش ، سستی ، بی‌خوابی وقی گریبانگیر می‌شود و تا ۲٤ ساعت بشدتش اضافه می‌شود . سپس مریض برختخواب می رود . پس از ۳٦ تا ۷۲ ساعت بتشنج و هذیان میافتد . بعد از ده روز از شدت آن کاسته می‌شود . ولی سستی تا چندین هفته ادامه خواهد داشت. بوسیله این قرص خودـ کشیهای زیادی می شود ولی اغلب ایـن خودکشیها عمدی نیست بلکه شخص درحالت مسمومیت یا نشئهٔ ناخودآگاه مقدار بیشتر و بیشتر می‌خورد تا این که باعث مرگش می شود .

۲ـ داروهای محرك

بعکس دارو های مسکن، ایجاد بی‌خوابی و ناراحتی اعصاب می‌کنند ، دارو های‌زیادی در این گروه وجود دارد ولی فقط بذکـر معروفترین آنها در اینجا اکتفا می‌شود .

کوکایین

بنام های غبار خوشی ، گرد آسمانی و برف نیز معروف است . بلور سفید و بی‌بو و تلخ است . از برك درخت «کوکا»،که در کشور های آمریکای جنوبی کاشته می‌شود، بدست می‌آید . اهالی بومی مناطق مرتفع آمریکای جنوبی صد ها سال است که برك کوکا میجوند تا بتوانند برای مسافات‌طولانی و سربالا بدون آذوقه و استراحت بارهای سنگین بدوش حمل کنند و آثار ناگوارهوا در ارتفاعات را خنثی نمایند . مدت اثر این دارو خیلی کوتاه است و در نتیجه بایستی آنرا مکرراستعمال کرد . اثر آن از طریق جویدن برك خیلی کمتر از داروی خالص است . معمولا یا آنرا استشمام می‌کنند تادر غشاء مخاطی بینی جذب شود و یا در رك تزریق می‌شود انسان را تحریك کرده و باو لذت می دهد ولی بزودی ترس جانشین

---

(۱) Resine یاصمغ (فـرهنك معین) .

خوشی می‌شود ودست بحمله می‌زند، بخیالش دارد از خود دفاع می‌کند ولی در حقیقت به کسانی که قصد آزار او را ندارند حمله می‌کند . برای از بین بردن این تـرس کوکایین با هروئین در آن واحد استعمال می‌کنند . این مخلوط اثر مطبوع هردوتـا را حفظ می‌کند و اثر نا مطبوع کوکایین را از بین می‌برد . کوکایین اعتیاد آور نیست و کناره‌گیری از آن ایجاد ناراحتی نمی‌کند ولی استعمال آن اشتها را کم کرده و بدن‌را لاغر و فاسد می‌نماید . در طب از این دارو برای بیهوشی موضعی بکار برده می‌شد ولی این روزها اطباء و دندان پزشکان بجـای کوکایین از نووکین و پروکین که‌مصنوعی هستند استفاده می‌کنند . نوشابه معـروف کوکاکولا نام خود را باین دلیل گرفته که در فرمول آن عصاره کوکا بخاطر طعم آن بکار برده می‌شود ــ البته تمام کوکایین از این عصاره با دقت جدا شده است .

L.S.D. (لیسرجیك اسیدی اتیل آمید)

بنام های اسید ، شکر و قند نیز معروف است . گرد سفید بی‌بو وبی‌مزه‌یی است که از قارچی که روی دانه گندم سیاه می‌روید گرفته می‌شود و یا مصنوعی درست می‌شود. درسال ۱۹٤۲ توسط دانشمند سوئیسی دکتر آلبرت هوفمان کشف شد و برای معالجه بیمارانـی که از بیمـاری دماغی زجـر می‌بردند بکار برده شد . امروز بین‌تعدادی از جوانان برای نشئه استعمال می‌شود ولی همیشه توام با نشئه نیست . یك سوم اشخاص دچار احساسات نامطبوع و ترس ازدیوانگی می‌شوند . دانشجویی داشت بچشمش چنـك می‌زد ــ در جواب پدرش که گفت : «داری چکار می‌کنی ؟» اینطور گفت : «نمی‌توانم با چشمانم ببینم دارم آنرا از حدقه بیرون میآورم تا بتوانم ببینم» ــ دیگری را دیدند که روی چمن خزیده و علف می‌خورد ــ دو سوم دیگر اشخاص دیگر احساس خوش از طبیعت می‌کنند و حالت خوشی بآنهادست می‌دهد .

این دارو آنقدر قوی است که تنها با دست زدن‌بآن وسپس لیسیدن انگشتان‌آثارش ظاهر می‌گردد . شکی نیست که بعضی کشور ها برای جنك روانی مقدار زیادی از این دارو را درست کرده‌اند زیرا بآسانی می‌توان آنرا در غذا و یا آب و یا هوای یك شهر یا مملکت گذاشت و مردمش را نابود کرد .

آمفتامین

بعکس باربیتورت که مسکن اسـت ، آمفتامین قرص محرکی است وبجای آوردن خواب انسان را فعالتر کرده و موجب می شود که بتوان ساعت ها بدون خواب یـا استراحت مقاومت کرد . اشخاص معتادوقتی که دارو های دیگر در دسترشان نباشد این

قرصها را بکار می‌برند . استعمالش در شخص ایجاد گستاخی و جرأت و اعتماد بنفس می کند . بعضی از جنایتکاران قبل از ارتکاب جنایت برای بدست آوردن جرأت و از بین بردن ترس مقدار زیادی از این قرصها را می‌خورند . چون اشتها را از بین می‌برد برخی اوقات برای کم کردن وزن اشخاص چاق بکار برده می‌شود . گرچه این‌قرص ایجاد اعتیاد نمی‌کند و کناره‌گیری از آن باعث ناراحتی نمی شود ولی استعمال آن به مقدار زیاد انسان را مسموم می‌کند ، ونشانه آن : ناراحتی ، بی‌خوابی ، پرحرفی ، سرخ شدن پوست ، عرق کردن ، گشاد شدن‌حدقه، بالا رفتن فشار خون ، لرزش دست، آشفتگی دماغ و خیالات موهوم است . وقتی کـه اغتشاشات دماغی پیدا شد ، شخص مضطرب شده و اینقدر از خطر مـی‌ترسد کـه در جستجوی پناهگاه و محافظت خود برمی‌آید.

مضار اعتیاد

واقعا جای تعجب ویکی از اسرارزندگی است که چگونه معتاد زنده می‌ماند . تزریق مواد ناخالص تحت کثیفترین شرایط ، بـا سوزن یا چاقو یا سنجاق استریلیزه نشده ، سوزنی که چندین نفر آنرا بکار می‌برند و در محل کثیفی پنهان کرده‌اند ، بـا پنبه کثیف ، در پوست شسته نشده، در رگهای زخمی با دیوار های فرو رفته ...

ازدیاد اشخاص معتاد در جامعه امروزی موجب شده است که :

۱ــ تعداد مجرمین مخصوصا در شهر ها زیاد شود .

۲ــ ازدیاد جنایات و دزدیها

۳ــ بهدر رفتن‌پول‌دولت برای‌نگهداری معتادان در زندانها ، بیمارستان ها ومخارج دادگاه و پلیس .

٤ــ از بین رفتن نیروی انسانی ، برای این که معتادان انسان های تولید کننده نیستند ،در زندگی هدف و آرزو ندارند و از کار و مسؤولیت فرار می‌کنند .

معالجه معتادان

پیدا کردن عادت به مواد مخدره نشانه عدم تطبیق انسان با شرایط محیط و اجتماع است. ۹۷درصد معتادان‌ازاضطراب، اضطرار، وسوسه ، کینه و ناراحتی دماغی زجر می کشند ، بدین جهت از بین بردن‌عادتشان در زندان یا بیمارستان به مشکل واقعی این اشخاص کمك زیادی نمی‌کند . پس‌از آزادی بهمان محیطی برمی‌گردند که در وهله اول باعث اعتیاد آنها شد و در نتیجه خطـــر بازگشت باستعمال دارو زیاد است . معتادنمی تواند بخود کمك کند و اغلب آنها نمی خواهند معالجه شوند . بجای زندان بهتر است در بیمارستان های خاصی تا موقعیکه برای ترك عادتشان لازم است (۳ تا ٦ ماه) از آنها نگهداری شود ، غذای مقوی بآنها خورانده شود ، جسمشان را باورزش تقویت دهند ، ناراحتی های روانی و دماغی آنها را از بین ببرند ، به آنان سواد و حرفه‌یی یاد بدهند که وقتی آزاد شدند بتوانند کاری پیدا کنند و در اجتماع مفید واقع شوند . پس از مرخصی بایستی هرچند وقت برای آزمایش به بیمارستان مراجعه کنند و اگر دیده شد که به عادت اولیه خود بازگشته‌اند مجازاتشان را سختتر کنند .

جلوگیری از اعتیاد

چون اغلب معتادان پس از معالجه به عادات اولیه خود برمی‌گردند ، بهترین راه مبارزه با مواد مخدره جلوگیری از اعتیاد پیدا کردن است . اگر به چند دستوری که در اینجا داده می‌شود توجه شده و بکار برده شود از تعداد معتادان بمقدار متنابهی کاسته خواهد شد .

۱ــ تعلیم حقایق به شاگردان در مدارس و عموم مردم بوسیله جراید و رادیـو و تلویزیون . بیان واقعیت مهمترین سلاح برای مبارزه با مواد مخدره است . تنها ترس از مجازات مشکل را حل نمی‌کند. اگر شخصی خطرهای ناشی از استعمال مواد مخدره را بداند ، فریب «دوستان» یا فروشندگان نمی خورد .

۲ــ راهنمایی کردن و محبت نشان دادن بفرزندان بوسیله والدین در خانه و بتدریج محول کردن مسؤولیات زندگی بردوش آنها تا بخود اتکاء کنند .

۳ــ مجازات سخـت قاچاقچـیان و فروشندگان مواد مخدره . اعتیاد در نتیجه عمل متقابل دارو و علاقه بآن‌بوجود می‌آید. وقتی دارو وجود نداشته باشد ، علاقه از بین می‌رود ، وقتی از بین رفت طلسم اعتیاد شکسته می‌شود .

٤ــ مبارزه با عوامل ناراحت کننده اجتماعی و اقتصادی‌که در محیط وجود دارد وموجب می شود که بعضی اشخاص برای‌فرار از آنها بدارو متوسل شوند .

٥ــ همکاری مردم با پلیس : مسؤولیت هرفرد مملکت این است که همینکه شنید یا دید شخصی مواد مخدره استعمال می‌کند به پلیس اطلاع دهد تا فروشنده آن پیدا شود و مجازات گردد .

٦ــ ریشه کن کردن تولید موادمخدره در تمام نقاط دنیا بوسیله سازمان های بین‌ــ المللی .

۷ــ پیدا کردن داروی مصنوعی که درد را مانند مورفین و هرویین از بین ببرد و در عین حال اعتیاد آور نباشد و ضرورت به ارگانیسم واندام های داخلی و خارجی انسان نرساند . تا آنموقع پزشکان بایستی نهایت احتیاط را در تجویز این دارو هابکار ببرند و فقط برای برطرف کردن درد شدید استعمال کنند . آری نبایستی مورفین و هروئین برای رفع درد خفیف و یا خوابیدن تجویز شود .

نقل از متون کهن پارس

لطیفه‌هایی در باره رشیدالدین وطواط

● سلطان اتسز مجلس عشرتی ترتیب فرموده بود. در آتشدان مرغ سمن (چاق) می‌گردانیدند و در طبقها آبی (به) و امرود (گلابی) و میوه های دیگر بود. سلطان از رشیدالدین وطواط پـرسید : رشید مـرغ میخوری یا آبی. رشید بلافاصله جوابداد: مرغابی

وقت آن رسید که رشید و طواط شاعر که سری بی‌موی داشت ازمجلس شراب سلطان اتسز برخیزد و سلطان را با شاهدان تنهـا گذارد. برخاست .سلطان گفت: «کجامیروی» گفت: «من‌می‌روم تاگل‌وساغر بیاورم». شاه گفت: «بنشین که تو ما را هم گـل و هم ساغـری به تصحیف» .

● رشید وطواط اندامی کوچك داشت و شایـد از این‌رو او را وطواط (نوعـی پرستو) می‌گفتند .روزی درمجلس‌مناظره‌در حضور خوارزم شاه «اتسز» وطواط تیغ زبان از نیام کام کشیده و داد سخن می‌داد. خوارزمشاه دید که مردی چنان خرد بحث بی‌اندازه و حد می‌کند و دواتی پیش رشید نهاده بود خوارزمشاه از روی ظرافت گفت که دوات را بردارید تا معلوم شود که از پس دوات کیست که‌سخن‌می‌گوید. رشید دریافت برخاست و گفت : المرء باصغریه قلبه ولسانه.

● سلطان سنجر بسبب کدورتی که از رشید وطواط داشت دستور داده بود که او را بیابند وهفت پاره کنند. منتجب‌الدین بدیع کاتب که بسلطان سخت نزدیك بود و می خواست از او شفاعت کند در موقعیت مناسبی گفت : وطواط مرغکی ضعیف باشد طاقت آن ندارد که او را بهفت پاره کنند. اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند. سلطان بخندید و جان وطواط ببخشید.

تلاش ــ درباره هدف سینماصحبت کنیم. برای رسیدن به این سؤال شاید بهتر باشد از تعریف و یا تعاریف سینما (سینما به عنوان هنر محض و یا سینما به عنوان پدیدهٔ صنعتی در خدمت هنر) شروع کنیم.

نصیب نصیبی ــ من به آن ترتیب آکادمیك برای سینما واصولا برای هنر تعریفی قائل نیستم و نمی‌توانم معتقد باشم به این که گفته شود : «هنر این است و آن است ...» و یا «سینما عبارت است از ...» و اصولا به‌آدمی که بتواند تعریف آکادمیك و کاملا مشخص وجامع‌ومانع‌از هنرداشته باشد اعتقادندارم. ولی من می‌توانم سینمای‌خودم را«جدا از تعریف وجداازهمهٔ آن‌چیزهایی که‌تابه‌امروز درباره سینما گفته‌اند بدانم و به‌این ترتیب آنرا تعریف کنم . بنابراین من آن تعریف کلی سینما را رد می‌کنم و می‌پردازم بـه تعریف سینمای شخصی خودم . سینمای من

گلی خلعتبری
نصیب نصیبی
پرویز کیمیاوی
حسنعلی کوثر
عسکر شجعان

میزگرد فیلمسازان جوان سینمای ایران

هیچ رابطه‌یی باعوامل وعناصر بیرونی ندارد. در سینمای من همهٔ عناصر و عوامل خارجی به‌وسیلهٔ خرد کردن من معنی پیدا می‌کنند. و وقتی این عناصر و عوامل خارجی بتوانند مرا خرد کنند ، حتماً خیلی در درون من جای داشته‌اند وکاملا جنبهٔدرونی و شخصی پیداکرده‌اند. این تعریف سینمایی است که می خواهم باآن فریاد بکشم و اگر بتوانم این فریاد را به صورت تصویر ادا کنم ، سینماگر موفقی هستم ، در مورد سینمای صنعتی هم باید بگویم ، هرگز سینما را به‌عنوان صنعت نتوانسته‌ام قبول کنم، لااقل تا بـه امروز نتوانسته‌ام . امکان دارد فردا یك صنعتگـر بشوم ولی در حال حاضر یك سینماگر هستم. شاید از هیچکاك به‌همین دلیل است کـه بسیار بدم می‌آید. سینما بـه صـورت یك

* هر کس می‌تواند برای خـود یك سینما خلق کند و حالا این سینما مورد قبول اشخاص واقع می‌شود یانه ، آن دیگر موضوع جداگانه‌ایست .

* در تکرار ، خلاقیت نمی توانـد وجود داشته باشد .

«والایی» ، یك «پرواز» ، یك «آزادی» تاکنون برای من مطرح بوده است ... و آن بستگی شدیدی که سینما به شعر دارد ، نه شعر صنعتگرانه ، همیشه برای من مقدس بوده است . اصولا کلمه «صنعت» یك کلمه زشت و وقیحی است در حالیکه سینما یك هنر آسمانی است.

پرویز کیمیاوی ــ من حرفهای نصیب را تصدیق می‌کنم، و فقط می‌خواهم بگویم واضافه کنم که سینما برای من فقط یك «سینمای انقلابی» است وهیچ تعریف آکادمیك ومدرسه‌یی را قبول ندارم ...

تلاش ــ ماهم از طرح این سؤال منظوری جز آگاهی به‌سینما نداشتیم و معتقدیم که تعریف هنر ، به‌وسیلهٔ هنرمند ، تعریفی کاملا شخصی و مجرد است و نمی‌تواند جنبهٔ عام داشته باشد ... بنابراین فکر نکنید که منظور ما از «تعریف سینما» این است که شمابگویید دیگران سینما را چگونه در کتابها و در مدرسه‌ها تعریف کرده‌اند .

کیمیاوی ــ حالا درست شد. من‌همیشه اعتقاد دارم **که باید ضد سیستم بود.** سینمای من ضد سیستم است .

تلاش ــ می‌شود حرف شما را اینگونه تعبیر کرد که حتی بدون آگاهی به سیستم، که احتمالا در جهت هدفهای سینمایی‌شماست، باآن مخالفت می کنید .

کیمیاوی ــ کاملا همینطور است . من حتی باآن سیستمی که در جهت سینمای خودم هم هست مخالفم . همیشه آنتی سیستم بوده‌و هستم و هدفم را در راه مخالف جستجو می کنم.

تلاش ــ ولی در اینصورت هدف چگونه توجیه می‌شود ؟ ببینید مثلا برای کتاب خواندن باید آنرا از قفسه کتاب برداشت و آنرا باز کرد و شروع به خواندن کرد ، در حالیکه هدف کتاب خواندن است .

هدف گفتگو باشما رسیدن به‌مراحل ویا مرحله‌یی است که بتوانیم‌بایکدیگر به تفاهم کامل و یا به‌جدایی کامل برسیم.

دستگاه فیلمبرداری می‌دانند ، از این جهت آنرا «هنر صنعتی» می‌خوانند.

نصیبی ــ واقعا این موضوع نباید اشتباه بشود. برای یك فیلمساز همهٔ این مسایل بدینگونه است که مابه پشت دوربین می‌رویم و از داخل آن به دنیا نگاه می کنیم ، در این حالت خود دستگاه فراموشمان می‌شود ودیگر خود آنرا نمی‌بینیم، بلکه دیگر آن‌را فقط وسیله‌یی می‌دانیم .

کیمیاوی ــ در آن صورت که دیگر احتیاجی به کارگردان و فیلمبردار نیست. تکمه دستگاه را هرکسی فشار بدهد ، خودش شروع به‌کار می‌کند .

تلاش ــ تفاوت بین تکنیك و صنعت را هم‌باید در نظر گرفت .

نصیبی ــ بله، همان اشاره‌ای که من در هیچکاك کردم ، و گفتم هیچکاك فقط یك صنعتگر است و خلاق به آن صورتی‌که ، من به‌آن معتقدم نیست .

شجعان ــ ولی من فکر می‌کنم هیچکاك

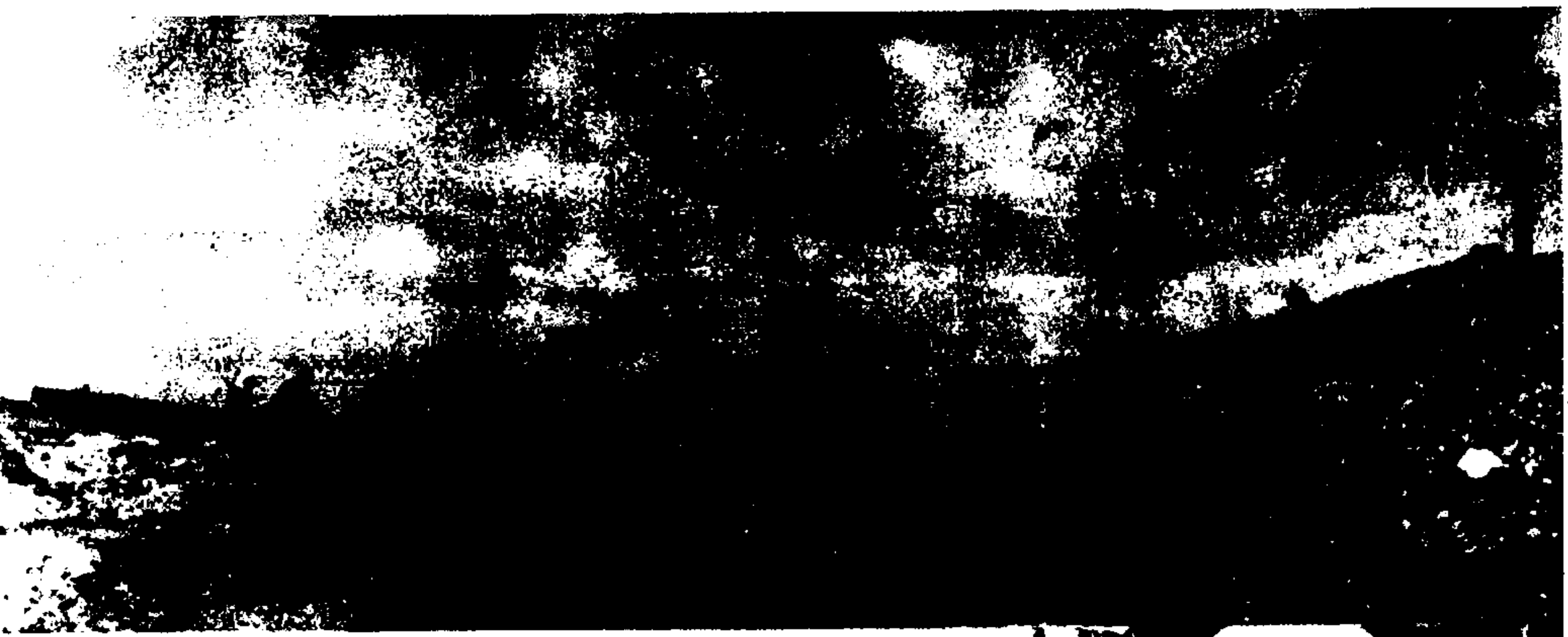

کیمیاوی ــ ولی من به‌عکس می‌گویم ، من کار نمی‌کنم چرا که نمی‌خواهم هدفی داشته باشم وبااین چرا هدف نداشتن، سینمای خودم را به‌وجود می‌آورم. در مورد سینمای صنعتی هم باید بگویم ، هرکسی آنچه را که دوست‌دارد بیان می‌کند. ممکن است مسایل صنعتی هم در سینما مطرح باشد . ولی من خودم مخالف سینمای صنعتی و یا سینمای سفارشی هستم.

تلاش ــ در مورد سینمای صنعتی هم شاید بتوان گفت‌آن هنری است که‌از مکانات صنعتی بهره‌برداری می‌کند ومنظور ونوع ویژه‌یی از سینما نیست ، بلکه اصولا درمورد سینما ، چون آنرا یك‌پدیدهٔ لابوراتواری می دانند وبه هر حال فیلم را حاصل کار یك

یك آدم خلاق است، یعنی در آن زمینه‌یی که کار می‌کند واقعاً آن چیزهایی را که ما بسیار از آن دور هستیم ، می‌بیند و نشان می‌دهد .

کوثر ــ من هیچکدام از فیلمهای هیچکاك را دوست ندارم، جز بعضی از قسمت های «سرگیجه» را .

خلعتبری ــ فیلم صنعتی یك معیارهای معینی دارد که به روی آن کار می‌شود و همینطور تکرار می‌شود. درفیلمهای هیچکاك هم یك حقه‌هایی همواره تکرار می‌شود و در تکرار خلاقیت نمی‌تواند وجود داشته باشد .

تلاش ــ فکرنمی‌کنید حتی به‌خاطر یك فیلم خوب هیچکاك بتوان او را کارگردان

خوبی دانست و آیا فکر نمی‌کنید که بابه‌دست آوردن همین شگردهاست که تکنیك کلی یك کارگردان به‌دست می‌آید ؟

نصیبی ــ در «پرندگان» فقط همان یك پلان حملهٔ پرنده‌ها واقعا زیبا و خوب بود. در همین فیلم پرندگان اگر دقت کنید می بینید که هر قسمت فیلم از یك فیلم قبلی خود هیچکاك تقلید شده است.

کیمیاوی ــ همهٔ کارهای هیچکاك از یك‌طریقه «کلوزآپ» مایه می‌گیرد و این حقه بازی است که او را بیشتر یك صنعتگر نشان می‌دهد .

کوثر ــ تعریف سینماگر به‌نظرمن، یعنی آنچه که من از سینما می‌فهمم و یا از هر هنری ، این است که بیان افکار ، ناراحتی ها و یا هر چیز درونی یك هنرمند و هرکس که بتواند اینکار را از طریق بیان سینما، بیان تصویری ، انجام بدهد یك سینماگر موفق‌است وفیلم موفق‌هم به نظرم چنین مشخصه‌ای باید داشته باشد: فیلمی‌موفق است که بتواند ذهنیت هنرمند را بازگو کند. من هم باسینمای صنعتی مخالفم . واقعا در سینما هنر و صنعت تلفیق شده است.

شجعان ــ من تعریف خاص و واحدی برای سینما نمی‌دانم . هرکس می‌تواند برای خود یك سینما خلق کند و حالا این سینما مورد قبول اشخاص واقع می‌شود و یا نه آن دیگر موضوع جداگانه‌ای است . این سینما های مختلف می‌توانند با کارگردانان مختلف جنبه های هنری ، صنعتی و یا آموزنده داشته باشد . تعریف سینما برای من نشان دهنده عادات و رسوم یك ملت و سرزمین نیست‌و من زیاد بااین فکر موافق نیستم . درست است که سینما خیلی به بشر خدمت کرده ، ما الان اینجا نشسته‌ایم و می دانیم که مثلا در «تائیتی» چه‌می‌گذرد ، به وسیله سینماهای خبری ، از این نظر فکر می‌کنم هرکس می‌تواند سینمایی‌برای‌خودش خلق کند. سینمایی که مورد پسند باشد و سینمایی که مورد پسند نباشد .

در مورد سینمای صنعتی هم عقیده دارم که سینمای صنعتی هم می‌تواند هنری به حساب آید ، در جای خودش ، واصولا نمی توانم قبول کنم که سینما فقط به هنر ومسایل هنری محدود بشود. مایه همه چیز احتیاج داریم همانگونه که اگر شما بخواهید لباس بپوشید هم به کت احتیاج دارید و هم به شلوار و هم به پیراهن ...

کیمیاوی ــ ببخشید آقای شجعان ، اگر سینما را با شعر مقایسه کنید من قبول می کنم ولی اصلا نمی‌توانم بپذیرم که سینما را با خیاطی مقایسه کنید ...

شجعان ــ نه ، به‌عنوان مثال گفتم ، و در مثل مناقشه نیست .. .

نصیبی ــ من حرف شجعان را قبول دارم ولی به چیزی که ایراد دارم «سینمای در خدمت» است هنر، هنر در خدمت هیچ چیزی نیست . اصلا من با در خدمت بودن مخالفم .

شجعان ــ اصولا پس برای چه‌کسی فیلم می‌سازی ؟

نصیبی ــ من فقط فیلم را می‌سازم ودیگر توجه نمی‌کنم که چه کسی آنرا می‌بیند .

تلاش ــ ولی به‌همین ترتیب که شما آزاد هستید به مسایل صرفا شخصی و ذهنی وهنری خودتان بپردازید کسان دیگر هم آزاد هستند که مثلا فیلم اجتماعی و یاسیاسی بسازند و یا سینمای تجارتی که این هم یك سینمای مورد نیازی است.

کیمیاوی ــ بله. سینماهای کاملا متفاوت ودر کلاس های مختلف وجود دارد .

خلعتبری ــ برای‌من سینما یك هنر کاملا

صحنه‌ای از مرك كلاغ

شخصی است. وقتی من فیلمی را می‌بینم ، مثل این است که سازنده فیلم روبروی من نشسته است و دارد بامن صحبت می‌کند . و من دوست دارم به این صحبت خیلی خصوصی گوش بدهم و آنرا ببینم . البته من در سینما فقط شعر را دوست دارم و تصویر و چیزهای دیگر برایم زیاد مهم نیست . در مورد سینمای صنعتی هم باید بگویم نمی‌شود آنرا رد کرد . سینمای صنعتی لازم است. بالاخره اگر در هر چیزی ، حتی صنعت ، یك تصویر شخصی باشد و مال شخص سازنده باشد و احساس او را بیان نماید ، برایم کافی است که آنرا بپذیرم .

کیمیاوی ــ من نمی‌دانم شما از بوی روغن خوشتان می‌آید یاازبوی نگاتیف‌فیلم؟ چون یکنفر که می‌آید حتی به‌صورت شخصی از روی کارخانه ذوب‌آهن فیلم می‌سازد من نمی‌دانم میتوان آنرا قبول کرد یا خیر .

خلعتبری ــ خوب اشکالی ندارد . در کارخانه ذوب آهن هم می‌توان به‌نکته های بسیار هنری برخورد کرد.

کیمیاوی ــ این سوژه هست ، کارخانه ذوب‌آهن وجود دارد ، دیگر چه احتیاجی هست که شما از آن فیلمبرداری کنید ؟ سینما باید به مطالبی بپردازد که وجود خارجی ندارد.

خلعتبری ــ موضوع بر سر فیلمهایی که کاملا حس شده‌اند و بعد آنرا ساخته‌اند. نیست. فیلم صنعتی نمی‌تواند یك چنین‌چیزی باشد. باید آموزنده باشد وچیزی‌راکه وجود دارد به صورت تصویری تعریف کند. ولی در همان کارخانه ذوب‌آهن هم، می‌شود یك صورت عرق کرده کارگر پیری را پیداکرد این صورت کاملا حس شده و هنری است

کیمیاوی ــ بله ، مثل اینکه آلن‌رنه از روی پلاستیك یك فیلم ساخت که بسیار قشنك بود، ولی اصلا مسئله برسرچه جوری پلاستیك می‌سازند نبود، یك سینمای کاملا شخصی عجیب و غریب بود.

نصیبی ــ ولی فیلمی که خانم خلعتبری ساخته‌اند ، «عروسك کوکی» یك فیلم کاملا ذهنی و هنری بود و من تعجب می‌کنم که چطور ایشان با سینمای صنعتی موافق هستند و آنرا قبول دارند.

خلعتبری ــ نه، من نمی‌گویم آنرا قبول دارم،ولی آنرا رد هم نمی‌شود کرد . در مورد عروسك کوکی هم باید بگویم چون آنرا از روی شعر فروغ ساختم و شعر اصلا صنعت نیست بنابراین عروسك کوکی اصلا فیلم صنعتی نبود.

کوثر ــ دو کارگردان مختلف را در نظر بگیرید که دنیاهایشان کاملا از هم جدا باشد . خیلی ساده ، مثلا «آلن‌رنه» و «روبر برسون» را در نظر بگیرید که دو دنیای متفاوت دارند. هیچکدام آنها را نمی‌توان به عنوان این که سینماگر نیستند رد کرد. ولی حالا در مورد آدمی مثل «دیوید لین» که همینطور مثل ماشین فیلم می‌سازد ، باوجودی که در تکنیك او ، زاویه بندی و مونتاژ و موزیك ... ، اصلا نمی‌شود بحث کرد چون عالی است ، ولی اصلا به عقیده من قابل بحث نیست.

تلاش ــ باتوجه به‌تعاریف فوق از سینما، در حال حاضر سینمای کدام کارگردان‌ها در راه رسیدن به هدف واقعی سینما بیشتر موفق بوده و به نمونه از کارگردانهایی که بیشتر حیثیت سینما را در نظر داشته‌اند می‌توانید نام ببرید ؟

خلعتبری ــ کارگردانی که از نظر من مورد قبول است فلینی است ، کس دیگر نمی‌دانم همان فلینی به‌نظر من کافی است چیز دیگری نمی‌شود گفت . بالاتر از همه است . فلینی به‌خودش و به‌سینما بسیاروفادار است. وبهترین فیلمی که‌ازاو دیده‌ایم، بسیار سخت است که بگویم ، ولی فکر می‌کنم «هشت و نیم» باشد .

نصیبی ــ تا روزی که «هشت ونیم» را ندیده بودم اگر می‌پرسیدند بزرگترین فیلم تاریخ سینما کدام است ، من واقعانمی‌توانستم چیزی بگویم . ولی امروز برای‌من مشخص است که بزرگترین فیلم تاریخ سینما ۸ر۵ است . این یك فیلم کامل است . تمام دردهای یك فیلمساز در آن مشهود است ، در آن پلان‌های سوم یا چهارم که تهیه‌کننده فیلمساز را به زمین می‌کشد و در خاك می‌کند . به نظر من دفتر سینمای ایتالیا با فیلم ۸ر۵ بسته شده است . از فلینی که بگذریم «گودار» کسی است که من شدیدا بیمار سینمای او هستم .

کیمیاوی ــ همانطورکه‌گفتم «گودار» یك آنتی سیستم است .

نصیبی ــ پس از آن می‌رسم به سینمای «سیاوش درتخت جمشید» که به نظرمن کاملا یك سینمای مؤلف است . یك سینمای کاملا جدا از دیگران ... سینمایی که من بسیار دوست دارم دارای یك تم واحد نیست و ۸ر۵ و سیاوش در تخت جمشید دارای چنین خصوصیتی هستند . درهرکدام از این دو فیلم یك چیز و یك موضوع مطرح نیست ، میلیونها موضوع مطرح است واین سینماست.

کیمیاوی ــ همانطور که گفتم سینمای مورد قبول من فقط سینمای «گودار» است.

شجعان ــ من به سینمای آلن رنه اعتقاد دارم . فیلم «مارین باد» را دفعه اولی که دیدم نفهمیدم. ولی دفعه دوم آنرا فهمیدم و حس کردم آلن رنه فیلمسازی‌است که من می‌توانم او را دوست داشته باشم . تطبیق گذشته و حال و برداشت ذهنی ازآن به‌قدری غنی است که من جدا در سایر کارگردانان آنرا سراغ ندارم . در مورد سیاوش در تخت جمشید ، باید بگویم فیلم قشنگی است ومن از آن خوشم آمد ولی بیش از همه من به جنبه شعری آن توجه داشتم تا به جنبهٔ سینمایی آن ...

نصیبی ــ سیاوش در تخت جمشید ، یك سینمای خاص است . یك سینمایی است که رهنما به وجود آورده و نمی‌شود گفت که تنها شعر است ، شعر هم هست ، سینما هم هست .

خلعتبری ــ من‌می‌خواهم بگویم اگرشما «جنك تمام‌شد» آلن‌رنه را دیده باشید درآن صحنه عشقبازی ، آنچنان ادای گودار را درآورده که اصلا غیر قابل قبول است . کسی که از کار یك فیلمساز دیگر به این شدت کپی کند چطورممکن است به خودش و یا به سینما وفادار باشد ؟

شجعان ــ من بیشترفیلمهای اول «رنه» منظورم بود مثل «مارین‌باد» و«هیروشیما» «عشق من» . و این فیلم «جنك تمام شد» از همهٔ کارهای قبلی رنه جدا بود .

خلعتبری ــ «آلن‌روب‌گریه» را کسی می‌شناسد ؟ فوق‌العاده است .

کوثر ــ من به‌سه‌کارگردان و به‌سینماهای آنها بسیار علاقه‌مندم . در درجه اول روبربرسون است ، که سینمای کم حرف و آرام ودرونی او را بسیار دوست دارم . به کارگردان ژاپنی به‌نام«اوزو» که درایران متاسفانه از او کم دیده‌ایم و تازه درانگلیس ودر فرانسه دارد کشف می‌شود علاقه‌دارم . یکمقدار زیادی سینمای او به سینمای‌برسون شباهت دارد و بعضی‌ها معتقدندکه آنتونیونی بسیار تحت تأثیر او بوده است . . .

خلعتبری ــ چه فیلم‌هایی ساخته است ؟

کوثر ــ یکی «داستان توکیو» و یکی هم «بعداز ظهر پاییزی» ، ولی معروفترین کارش همین داستان‌توکیواست . ازمشخصات سینمای او این که دوربین اصلا حرکت‌ندارد وفقط کات است و خیلی آرام و مقطع ... ثابت و آرام و درآخر من علاقه زیادی به جان‌فورد دارم . به‌خاطر این‌که در تمام فیلمهایش روحیه‌خود را،آن روحیه‌مهاجری را که از ایرلند به آمریکا رفت ، حفظ‌می‌کند و همیشه بیان شخصی خودش را دارد.

نصیبی ــ ولی بسیار روحیهٔ حقیری دارد .

کوثر ــ نه ، هیچ حقیر نیست. به‌چیزی که بسیار علاقه دارد یك محیط دوستی و صمیمیت است . جان فورد به صمیمیت علاقه دارد و در فیلمهایش همیشه صمیمی است . برخلاف آنچه همه فکر می‌کنند سینمای او یك سینمای آنتی سیستم است . درمعروفترین فیلمش (دلیجان) یك عده سرخ پوست ، برخلاف معمول ، به‌دنبال سفید پوست ها

صفحه ششم

هستند و می‌بینید که از سمت راست آنها به سمت چپ می‌روند و یکباره بدون آنکه پلان عوض شود می‌بینید که گروهی ازچپ‌به‌راست می‌روند . اشتباه نکنید اگر شما سینمای امریکا را بشناسید می‌فهمید که چنین کاری در سینمای آمریکا خیلی شهامت می‌خواهد همین «فردزینمان» و کارگردانان دیگر عقیده دارند که او به سینمای امریکا جان داده است . اصلا ایستادگی او در مقابل «سیسل .ب. دومیل» در زمان جریانات مك کارتی ، که یك عده از کارگردانان امریکایی را از آمریکا اخراج کردند مثل «ژوزف لوزی» و «ژول داسن» ، آنها می‌خواستند ژوزف «مارکوویچ» را هم‌اخراج کنند . در هیئت کارگردانان جان فورد در مقابل سیسل ب. دومیل ، که نماینده تام اختیار سیستم سینمای امریکاست و برعلیه مارکوویچ نطق کرد ، ایستاد و گفت :

«اسم من جان‌فورد است و وسترن می سازم . البته همهٔ ما آقای سیسل ب. دومیل را می‌شناسیم و من فکر می‌کنم هیچکس به اندازه ایشان نبض مردم آمریکا را در دست نداشته باشد . ولی من ، سیسل. ب. دومیل از حرفهایی‌که امشب زدی خوشم نیآمد..» بعد رویش را به هیئت کارگردانان می‌کند ومی‌گوید : « پس بهتر است همه ما رأی اعتماد به مارکوویچ بدهیم و برویم خانه بخوابیم !» همه قبول می‌کنند و قضیه‌تمام می‌شود . این‌آدم جلوی سیستم‌سینمای امریکا اینگونه ایستاد . یعنی حتما در فیلم نیست که کارگردانی می‌تواند جلوی سیستم بایستد ، در زمینه‌های مختلف می شود اینکار راکرد.

کیمیاوی ــ در مورد حرفهایی که در مورد «آنتی سیستم» زدید من موافقم ، اما در موردسناریوی فیلم‌اواصلا علاقه‌یی ندارم. اصولا با سینمای وسترن موافق نیستم ، یك موش و گربه‌بازی است .

کوثر ــ این یك سلیقه خصوصی است و اصولا مثل این که سینماگران فرانسوی مخالف جان‌فورد هستند .

خلعتبری ــ چرا هیچکس از بونوئل حرف نمی‌زند ؟

نصیبی ــ برای این‌که اینجا ما زیاد از او ندیده‌ایم .

تلاشــ فاصله‌شناخت‌سینمایی‌روشنفکران از شناخت عمومی به چه ترتیبی است ؟

خانم خلعتبری ــ خیلی ساده‌است ، چون شب جمعه مردم دلشان من خواهد به سینما بروند و با دیدن «اشکها و لبخندها» و «اولیور» و از اینگونه ، که فکر برایشان نداشته باشد ، خستگی هفته را کنار بگذارند و وارد دنیایی بشوند که خیلی از دنیای‌هر روزی خودشان دور است . از روی هوا پرواز کنند و همه چیز رقص و آواز ورنك باشد . ولی خوب سینمای روشنفکرانه ، یك سینمایی است که کمی فکر می‌خواهد . آدم باید از خودش مایه بگذارد ، و اصولا مردم امروزه حوصله ندارند .

تلاش ــ مسأله عمیق‌تر است . ما عقیده نداریم که حتی مردم بسیار عادی هم ازفکر کردن فرار می‌کنند . چون همین مردم هستند که اساس فکری یك جامعه را بنا می‌کنند. باید یکمقدار در شناخت فرهنگها دقیق تر شد .

خلعتبریــ درست است .

کیمیاوی ــ کاملا صحیح است . من رفته بودم حرم حضرت رضا ، برای فیلم‌برداری . یك دهاتی در حرم می‌گفت ازاین طرف بگیرویا یك شیخ می‌گفت ازآنطرف... و این بسیار درست بود . به من چیزهایی نشان می‌دادند که در عین سادگی بسیار منطقی و زیبا بود . شما یك دوربین بدهید به یك دهاتی خواف ، شاهکار به وجود خواهدآورد .

خلعتبری ــ می‌دانید اخیرا چه اتفاقی برای گودار افتاده است؟ قرار بود به یك کنفرانسی در لندن برود . همه مردم منتظر او بودند . هرچه نشستند گودار نیامد . بالاخره یك تلگراف فرستاد ، که : «من بیایم درباره سینما چه بگویم؟ دست هرکسی که آنجا نشسته است یك دوربین بدهید ، خودش می‌تواند از سینما بیشتر از من‌حرف بزند .»

اصلا مثل این است که تمام رشته های هنری چه سینما وشعر ونقاشی و چه هنر های دیگر بیشتر روی آماتور ها می‌گردد .تمام امیدها و پیشرفت‌های تمام هنرها به آماتورهاست ...

نصیبی ــ ما باید واقعا این دو مسأله را از هم جدا کنیم : سینمای مردم و سینمای فیلمساز . یك مسأله که برای من کاملاروشن است اینست که این مردمی‌که من باآنهاطرف شده‌ام ودیده‌ام نمی‌توانند سینمای واقعی را بپسندند ، جزو محالات است . غیر ممکن است .

تلاش ــ این صحیح نیست .

کیمیاوی ــ من مخالفم .

کوثر ــ مابرای‌این مردم کاری‌نکرده‌ایم وتازه وقتی از مردم حرف می‌زنیم تنها به تهران محدود می‌شود . مردم شهرستان‌اصلا به‌حساب نمی‌آید .

تلاش ــ ماباید با«عادت» در هنرمبارزه کنیم . و این مبارزه باید کاملا پایه های فرهنگی داشته باشد . و بنابراین در راه به وجود آوردن این‌نوع دیگر هنر ، ممکن است عده‌ای از هنرمندان هم ضرر کنند .

نصیبی ــ من‌حرفم تمام نشده بود . تا به امروز که با این مردم طرف بوده‌ام و برخورد داشتم . این مردمی که از ریشه فرهنك ندارند چطور می‌توانند عوض بشوند وعادات آنها فراموششان بشود ؟ من این را قبول دارم که به حکم اجبار فیلمهایی نظیر ۸ر۵ را نشان دهند ، ولی مردم را نمی‌شود مجبور کرد که آنها را ببینند .

تلاشــ اگر چند سینما فیلمهای واقعا عالی را نشان بدهند ، خواهید دید که پس از گذشت مدت بسیار کمی چگونه مردم به آنها روی خواهند آورد . چون واقعا حس شده که مردم از این فیلمهای تکراری بی هدف وپوچ خسته شده‌اند .

کیمیاوی ــ شما می‌توانید فرهنك‌را به اجبار به مردم بدهید ولی به اجبار نمی‌توانید مردم را به تماشای فیلم ببرید .

تلاش ــ سینما خود جزئی از فرهنك به‌حساب می‌آید .

کیمیاوی ــ ولی‌کسان‌دیگری،امیدوارم که در این مملکت به‌وجود بیآیند که فیلم ما را هم حتی قبول نداشته باشند .

تلاش ــ کاملا صحیح است و مبارزه با عادت ، معنایی جز این ندارد . عادت نکردن حتی به فیلم شما و پیش رفتن و نماندن ...

شجعان ــ یکمقدار نقش دستگاه هایی مثل وزارت فرهنك را هم نباید فراموش کرد .

کوثر ــ این‌مسأله دیگری است . این مسأله سیستمی‌هایی که وجود دارد ...

کیمیاوی ــ مگر در فرانسه فیلم بازاری ساخته نمی‌شود . زیاد هم ساخته می‌شود . ولی آدمی مثل‌گودار خودش را نمی‌فروشد. ماهم نباید به سینمای تجارتی فارسی توجه کنیم . ماباید کار خودمان را بکنیم و راه خودمان را برویم .

نصیبی ــ باید یك اجبار به این شکل بوجود بیاید که وقتی سینمایی یك فیلم بد طولانی نشان می‌دهد یك فیلم کوتاه ایرانی را هم‌نشان بدهد .

کوثر ــ این بسیار خوب ودرست است.

شجعان ــ این کاملا درست است .

نصیبی ــ واقعا باید اینکار را کرد . فیلمهای کوتاهی که در تلویزیون ساخته می‌شود باید در پرده های سینما به نمایش گذاشته شود . مردم بسیاری از آن بدشان خواهد آمد و فحش هم خواهند داد ولی آنرا دیده‌اند و بایك واقعیت روبرو شده‌اند. همینطور فکر کردن به وجود می‌آید ...و اگر به‌خاطر نمایش این فیلمها فقط دو ریال به قیمت بلیط اضافه کنند و یا از همان سه تومان فقط دو ریال را به‌سازندگان فیلم‌های کوتاه بپردازند ، با این دو ریال ها، سینمای آماتور و غیر مقید به دستگاهها به وجود خواهد آمد . یعنی وقتی من بدانم که اگر فیلمی بسازم که نمایش داده شود و بدانم

پولش را برخواهد گرداند ، من ازتلویزیون بیرون می‌آیم و برای خودم فیلم می‌سازم. و بدین‌ترتیب سینمای ایران به وجود خواهد آمد .

شجعان ــ کاملا صحیح است، باید یك تعاون به‌وجود آورد . حال باید دید که چطور می‌شود آنرا ایجاد کرد .

نصیبی ــ این را مانمی‌توانیم به وجود بیاوریم . کار فیلمساز نیست . این تعاون را باید برای هنرمند به وجود آورند . ما فقط می‌خواهیم فیلم بسازیم . من تازه اگر کاری هم از دستم ساخته باشد نمی‌کنم . کار من فیلم ساختن و یا از فیلم دوستانم دفاع کردن است .کسان دیگر هستند که باید موقعیت و محیط خوب را به وجود آورند.

تلاش ــ نقش و اختیارات کارگردان و چگونگی ارتباط او با عناصر دیگر سازنده فیلم را چگونه می‌بینید و آیا باید میان کارگردانی که خود سناریوی فیلمش را می‌نویسد با کارگردانی که سناریوی دیگران را فیلم می‌کند تفاوتی قائل شد ؟

کیمیاوی ــ کارگردانی‌مسؤولیت بسیار بزرگی است . به عقیده من کارگردان مثل یك رهبر ارکستر است ، یعنی تمام اکیپ خود را باید خوب‌بشناسد ، نه از نظر قیافه بلکه از نظر درونی . مثلا فیلمبردار واقعا باید سوژه را لمس کند . یعنی به‌خودی خود فیلمبردار باید کارگردان هم باشد . متاسفانه در ایران گویا خود فیلمبردار کارگردانی هم می‌کند و منشی صحنه، دستیار کارگردان، کارگردان و مونتور هم هست . این اکیپ‌که گفتم واقعا لازم است و همگی باهم بایدکار کنند و کار هرکدام هم مشخص است . حتی در تلویزیون ملی هم‌هنوز دستیار کارگردان را با دستیار تهیه اشتباه کرده‌اند . درباره نویسنده سناریو باید بگویم حتی اگر کارگردانی سناریوی دیگران را بخواهد فیلم کند ، باید همکاری بسیار نزدیك بین نویسنده و کارگردان وجود داشته باشد . اما رویهمرفته‌فکر می‌کنم اگر خود کارگردان سناریوی خود را بنویسد خیلی بهتر است .

نصیبی ــ یك راه‌برای‌این‌که همه عناصر یك فیلم هم‌آهنك شوند وجود دارد و آن این که قبل از فیلمبرداری یك یا دو ماه همه اکیپ درباره آن فیلم و سناریو باهم حرف بزنند و تمام مسایل را در نظر بگیرند و هریك به کار خود کاملا آشنا شوند. البته به آن صورتی هم که کیمیاوی می‌گوید نمی‌توان در فیلمهای ما اکیپی به وجود آورد و لازم هم نیست و این اکیپ بیشتر برای فیلمهای بزرك تجارتی مورد لزوم است . ولی به هرحال این اکیپ کوچك و همکاری بین افراد آن لازم است . در این موضوع هم شکی ندارم که سناریو را باید خود فیلمساز بنویسد . چون برای‌من سینمای مؤلف مطرح است . هیچ نوشته‌ای از نظر شخص من ، جز آنچه خودم می‌نویسم ، قابل تصویر نیست . آنچیزی هم که من از یك کتاب خوشم می‌آید حتما در تصویر چیز دیگری غیر از اصل آن خواهد بود . آنچه که خود فیلمبردار می‌نویسد به فیلم بسیار نزدیکتر است .

کیمیاوی ــ بازهم می‌شود که ایده یك نویسنده را فیلمبردار بگیرد و از آن فیلم بسازد . ولی آخر اینجا سناریو نویس نداریم . سناریو نویسی مثل آقای شاملو بیشتر مطالب روزنامه ها را دکوپاژ می کند .

کوثر ــ آن پل رابطی که باید بین کارگردان و اکیپ فیلمبردار باشد اصلا وجود ندارد و این مساله فکر می‌کنم یك مشکل کلی است درهمه جای دنیا وباز بحث صنعتگر و هنرمند را بوجود می‌آورد که اکثر فیلمبرداران صنعتگران بسیار خوبی هستند و به صنعت فیلمسازی واردند ولی هنرمند فیلمبردار بسیار کم است همه بدنبال سیستم فیلمبردار هستند ...

شجعان ــ در مورد اکیپ سینمایی واقعا همینطور هست که همه گفتند . در مورد سناریو هم باید کارگردان خودش سناریو را بنویسد چون می‌داند چه چیزی می‌خواهد و آنرا چطور می‌خواهد خلق کند و به‌روی صحنه بیآورد .

نصیبی ــ به‌هر حال بااین‌گفته که سینما یك هنر جمعی است ، فقط به این شکل معتقدم که همه این جمع وسیله‌یی هستند

* وقتی من فیلمی را می‌بینم ، مثل این است که سازنده فیلم روبروی من نشسته است و دارد با من صحبت می کند ، و من دوست دارم به این صحبت خیلی خصوصی گوش بدهم و آنرا ببینم .

* اصولا با سینمای وسترن موافق نیستم . یك موش و گربه بازی است .

* شما یك دوربین بدهید به یك‌دهاتی خواف شاهکار به‌وجود خواهد آورد.

مرك یك قص

* فستیوال کان یك بازار فروش فیلم است و اصلا به آن اعتقاد ندارم .
* اوج‌سینمای شوروی‌دوران سینمای صامت آن کشور است .
* فیلمهای اول‌سینمای فارسی بمراتب بهتر از فیلمهای امروزی است . یعنی فیلم «لات جوانمرد» خیلی بهتر از فیلم «بیگانه برو ، بیگانه بیا» است .
* تهیه کننده‌های ایرانی با کارگردانانی که در خارج تحقیق کرده‌اند کنار نمی‌آیند چون می‌دانند آنها را نمی‌شود خرید و گول زد .
* سینمای فارسی هرچیز ندارد ، این اتحاد را دارد و این کارشان را باید قبول کرد و خوب دانست. آنهاسندیکا دارند در حالیکه مادائما در حال‌حمله به یکدیگر هستیم .

تاکارگردان کار خودش را بکند و حرف خودش را بزند .

تلاش ــ یعنی به نظر شما همه افراد دیگر ، فیلمبردار ، متصدی نور ، بازیگر و ... همه شئی به حساب می‌آیند ؟

نصیبی ــ کاملا همینطور است .

کوثر ــ مثل این که در یك ساختمان بنا هست ، نجار هست ، لوله‌کش هست و مهندس معمار هم هست .

تلاش ــ ولی اگر هرکدام این افراد در قسمت خودشان بتوانند نظر خاص خودرا داشته باشند و کارگردان با توجه به این نظرات اساس کار خود را بوجود آورد بهتر نیست ؟

نصیبی ــ فرض کنید یك فیلمبردار ذوق کادربندی بسیار خوبی هم داشته باشد ولی اگر آن کادر بسیار خوب و به دردکار شما نخورد البته نمی‌شود به‌آن متکی بود .

خلعتبری ــ اصولا یك اکیپ پس ازچند سال که باهم کار می‌کنند به‌روحیه یکدیگر آشنا می‌شوند .

تلاش ــ پس اگر به صورت یك مهرهٔ بدون اندیشه از وجود این افراد استفاده می کنید ، چرا اصلا خودتان فیلمبرداری نمی کنید و هم به سایر کارها نمی‌پردازید ؟

نصیبی ــ برای این که یك کارگردان لازم نیست کار نورسنجی را خوب بداند . چیز دیگر این‌که هنرمند جلوی دوربین‌دارد بازی می‌کند و بازی او مطرح است ، این بازی است که باید چیزی را برساند. اگر چشم کارگردان به‌دوربین باشد او را نمی بیند ... کارگردان نمی‌تواند فیلمبرداری هم بکند مگر برای چیزی خاص ، مثل یك فیلم مستند ، مثل یك کوچه ، مثلا از کوچه تلاش، تو همینطور فیلمبرداری وبرگردی...

کوثر ــ به هرصورت یکی از مهمترین مسایل فیلمساز ، همان توافق فیلمبردار و کارگردان است. واین‌توافق دربسیاری موارد به‌وجود آمده ودر نتیجه شاهکار به وجود آمده است. مثلا فیلمبرداری اول فیلم اورسن ولز بهترین فیلمبردار آثار ولز بود . این ارتباط باید به‌وجود بیاید.

کیمیاوی ــ هرکارگردانی باید خود فیلمبردار خودش را انتخاب کند. مثلا اگر شجعان فیلمبردار من باشد خیلی بهتر مرا می‌فهمد . چون ما باهم در پاریس بودیم و آنجا را می‌شناسیم . حالا اگر بخواهم همان کوچه‌ها را در فیلم بیآورم کافی است به شجعان بگویم و او بفهمد . ولی اگر به‌کس دیگری بگویی که من در پاریس بودم و آنجا یك کوچه‌هایی بود و ... او محال است آن فضا رادرك کند.اینست که آدمی مثل گودار همیشه بایك فیلمبردار کار می‌کند به هر حال من باز برمی‌گردم به حرف چند دقیقه پیش که گفتم بایدبه مردم عادی امکان بیشتر فیلمسازی داد واضافه می‌کنم باید به‌هر ترتیب شده فیلمسازان جوان از آدمهای بسیارمعمولی به‌وجود آورد.

خلعتبری ــ ولی آخر چطور آدم بفهمد اگر به‌کسی که تابه حال فیلم نساخته امکانات فیلمسازی بدهیم فیلم خوبی خواهد ساخت ؟

کیمیاویــ به‌هرحال بهتراز آن فیلمسازان بسیار بدی که برای تلویزیون تابه حال چندین فیلم بد ساخته‌اند خواهد ساخت .

کوثر ــ من بااین حرف مخالفم . دلیلی ندارد کسی که چندین فیلم بد ساخته ، فیلم آخرش خوب نشود.

کیمیاوی ــ فیلمسازان بزرگ همیشه فیلمهای اولشان شاهکار بوده . گودار فیلم اولش شاهکار بود. در اینجا هم همینطور باید باشد. فیلمساز در اولین فیلمش همه آنچه که مدتها در دلش جمع کرده ودر فکرش آمده و در تجربه ملاحظه کرده بیرون می ریزد. مثلا نصیب نصیبی فیلم اولش بسیار خوب بود در حالیکه کسان دیگر همه افتضاح بودند. اینها اصلا فیلم ساز نیستند من می گویم به‌این فیلمسازان نباید پول داد. باید این پولها را جمع کرد، درست مثل صلیب سرخ. چه اشکالی‌دارد صلیب سرخ سینمائی بوجود بیاید ، و این پولها را بفرستیم برای فیلمسازان واقعی ، برای فریدون رهنما، برای نصیبی برای آلن رنه وبرای گودارو... بفرستیم برای آنهایی که تا به بحال فیلم نساخته‌اند . حتی اگر آنها فیلم اولشان بد شود بهتر است از این آقایانی که فیلم های پنجم و ششمشان بسیار بد است. چون درهمین جستجوهاست که فیلمساز خوب پیدا می‌شود.

تلاش ــ باید برای نیروهای جوان امکان به وجود آورد. چون آن کسانی که چند فیلم بدساخته‌اند دیگر درمعیارهای خودشان، معیارهای قراردادی مردم پسند، جا افتاده‌اند وامید چندانی به تغییر آنها نیست. حالا می خواهیم بپرسیم اصولا نقش تهیه کننده را در سینما چه می‌دانید و رابطه او با کارگردان چگونه باید باشد ؟

کیمیاوی ــ ارتباط تهیه‌کننده باکارگردان تنها برسر مسایل اقتصادی فیلم ممکن است وجود داشته باشد مثل این‌که یك‌کارگردان هنرپیشه‌ای را برای رل بخصوصی انتخاب کند ولی تهیه کننده بگوید مثلا او گران است و دیگری را پیشنهاد کند. در سایر موضوعات اصلا تهیه‌کننده‌نباید دخالتی داشته باشد وبه هرحال وجود سرمایه دار در سینما ضروری است.

نصیبی ــ به‌نظر من با تهیه کننده به هیچ‌وجهی نمی‌شود کنار آمد . حتی اگر تهیه‌کننده واقعاً آدم‌بافرهنگی باشد. چون آدم بلافاصله که پول و سرمایه در کاری بگذارد قضیه نفعش را در نظر می‌گیرد. اصلا کنار آمدن این دو غیر قابل امکان است. تنها راه حل قضیه کلك زدن به تهیه کننده است . کارگردان باید ساختن فیلم خیلی بازاری را قبول کند و بعد در عمل فیلم خودش را بسازد . بعدهم عکس‌العمل تهیه کننده مهم نیست ، یا او را اخراج می‌کند و یا آنرا می‌پذیرد ... راه دیگری نیست. در هرصورت، من خودم اینکار را خواهم کرد. در آن صورت حتی لااقل یك فیلم هم که‌شده خواهم ساخت.

شجعان ــ یك راه هم اینست که آدم یك فیلم پرفروش بسازد و با عواید آن فیلمهای واقعی خودش را بسازد ویا برای دیگران امکان به‌وجود آورد. کاری که «للوش» کرد، فیلم پرفروش «یك زن ، یك مرد» را ساخت و با پول آن به‌کارگردانان جوان پول داد تا فیلم خودشان را بسازند . اما به هر صورت در عمل هیچوقت کارگردان با تهیه کننده کنار نمی‌آید.

نصیبی ــ مخصوصا در ایران که ما هنوز فیلم نساخته باید فیلمسازی را کنار بگذاریم وشروع کنیم به‌درس دادن به‌تهیه کننده که سینما چیست ، ولی این کار ما نیست . من شخصا باتهیه کننده به هیچ عنوانی نمی‌توانم کنار بیآیم .

کیمیاوی ــ یك راه حل دیگر هم کم

صفحه شصت و سوم

خرجی فیلم است. مثلا فیلم های گوداربسیار کم خرج است. در عرض دو هفته فیلم می سازد . همه تهیه کننده‌ها می‌خواهند با او کار کنند. از نور طبیعی ودکور طبیعی هم استفاده می‌کند .نصیبی هم اگر بخواهد در خارج فیلم بسازد بسیار کم خرج خواهد بود برای‌این‌که دید بسیارساده‌ای دارد بـرای این که چیزی را که حس می‌کند فیلم می کند. چیزی که لمس و حس شده بسیار کم خرج است در حالیکه «گنج قارون» حس نشده ودر نتیجه گران است.

کوثر ــ به‌نظر من حرفهای نصیبی کاملا درست است هیچ راهی برای کنار آمدن با آنها نیست ، چون سرمایه گذار می‌خواهد پولش را برگرداند و استفاده هم بکند.

کیمیاوی ــ واقعا جرات نصیبی را باید ستایش کرد. برای ساختن‌فیلم اولش‌شلوارش را فروخت و نگاتیف خرید. به خاطر سینما اینکار را کرد ولی نرفت دنبال تهیه کننده...

خلعتبری ــ من برخوردی باتهیه کننده سینما نداشته‌ام اما برای یك مجله ازمن‌عکس خواستند که من برایشان تهیه کردم و بعد سردبیر می‌خواست دور عکس را قیچی کند که من اجازه ندادم وبنابراین عکسها چاپ نشد. اینها همانطور که خودشان موضوعات ومطالب را می‌بینند فقط قبول دارند و نمی خواهند قبول کنند که یك جور دیگر هم می‌شود زندگی کرد.

تلاش ــ عقیده شما در مورد فستیوالهای مختلف سینمایی چیست و آیا کارگردان باید فیلم را به فستیوال معرفی کند یا تهیه کننده؟

کیمیاوی ــ به‌عقیده من فستیوال های هنری بسیار لازم است. مجمعی که هنرمندان جمع بشوند و فیلم‌ها را ببینند و درباره آنها بحث کنند و دعوا کنند وبه توافق برسند یا نرسند که به نظر من بهتر است به توافق نرسند . ولی اصلا به جایزه فستیوالها اعتقاد ندارم و کارگردان واقعی هم احتیاج به جایزه ندارد.انتخاب‌برای‌نمایش‌هم نبایدوجود داشته باشد، که‌معمولا درفستیوالها فیلم‌هایی را برای نمایش انتخاب می‌کنند . من معتقدم تمام فیلمها را باید نشان داد و درباره آنها بحث کرد . من خودم فستیوال کان را اصلا دوست ندارم . اصلا اسمش‌را گذاشته‌اند «بازار فروش فیلم» . بیشتر مال سرمایـه داران است که می آیند و فیلمهایی کـه خوششان می‌آید را می خرند . بهتریـن فستیوال به عقیده من فستیوال «تور» اسـت فستیوال فیلمهای کوتاه از ۸ میلیمتر به بالا. فیلم را هم باید کارگردان به فستیوال معرفی کند چون خودش باید دنبال فیلم برود و از فیلمش دفاع کند . در فستیوال کان البته تهیه کننده‌می‌رود که می‌خواهد آنرابفروشد، ولی در فستیوال تور کارگردان ها می روند .

خلعتبری ــ ماهیت این جایزه ها هم واقعا معلوم نیست ، اکثراً هیأت ژوری با آشنایی و قرار داد ها و بند وبست ها جایزه ها را پخش می‌کنند .

کیمیاوی ــ در همان فستیوال کان هم جایزه‌یی که واقعا ارزش دارد، جایزه‌منقدان است چون در این جایزه شیر طلایی، منقدان و روزنامه‌نگاران جمع می‌شوند و درباره آن بحث می‌کنند .

نصیبی ــ من هم با این فستیوال هـا موافق نیستم ولی بیشتر من موافقم که فیلم های‌ما به فستیوالهای خوب‌مثل‌همین‌فستیوال تور برود که آنها بفهمند ما دراینجا کار می‌کنیم . الان فیلمهای ما همینطور مانـده است . من اعتقاد دارم که باید فیلم ما به فستیوالها برود ، فقط برای این که دیـده شود .

تلاش ــ ولی وقتی هنوز فیلم شما را در ایران به نمایش نگذارده‌اند و وقتی هنوز در اینجا فیلم شما را ندیده‌اند چه احتیاجی هست که به فستیوالها فیلم بفرستید ؟

نصیبی ــ وقتی فیلم در دست من نیست و فیلم مال یك اداره دولتی است ، من‌چکار می‌توانم بکنم . حتی خود من که صاحب‌فیلم هستم باید برای دیدن آن اجازه بگیرم . تهیه کننده تلویزیون است و وزارت فرهنك و هنر و فیلمها در آرشیو . فیلم وقتی ساخته شد در مالکیت آنها است .

کیمیاوی ــ در خارج کارگردان حتما یك نسخه از فیلم را برای خود دارد .

کوثر ــ در امریکا کارگردان می‌تواند نسخه مونتاژ شده اول رابرای روزنامه‌نگاران و منتقدان نشان بدهد اما بعد از آن دیگر تهیه کننده آنرا برخواهد داشت .

کیمیاوی ــ در اروپا اینطور نیست . در فرانسه مثلا کارگردان به لابوراتوارامضا می دهد و فیلم را برای نمایش خصوصی برمی‌دارد . ولی حق دارد از روی کپیه اول مونتاژ شده هرتعداد کپی که می‌خواهدبرای خـودش بسازد . فقـط برای خودش ، نه برای این که آنرا به نمایش عمومـی بگذارد .

نصیبی ــ ولی گویا تلویزیون می‌خواهد فیلمهای تازه را به کانون فیلم رشت و چند شهرستان دیگر بفرستد .

تلاش ــ آیا به عقیده شما تاریخ سینما از زمان پیدایش تا به‌حال دارای آن تداوم منطقی و علمی و زمانی بـوده یا این کـه خلاء های محسوس نیز در این دوره نسبتاً کوتاه به وجود آمده است ؟

کوثر ــ این موضوع در سینمای کشور های مختلف فرق داشته است . مثلا اوج سینمای شوروی ، دوران صامت است . یعنی فیلمهای «ایزنشتاین» حتی بعضی از فیلمهای ناطق ایزنشتاین به خوبی فیلمهای صامت او نیست . همچنین سینمای بعد از جنك‌شوروی یك‌حالت دیگر به‌خود می‌گیرد . یا درمورد سینمـای آلمـان بـایـد بگویـم اوج ایـن سینمـا فیلمهـای اکسپرسیونیسـت است . یکمقدار هم در زمان نازیها به علت رفتن کارگردانان بزرك از این کشور یك خلائی در آن ایجاد شد . در سینمای امریکا هم باز به طورمسلم دوران صامت اوج کار بوده است و بعد از ۱۹۴۲ یك سیرنزولی‌طی کرده است . در مورد سینمای فرانسه من زیاد نمی‌دانم .

کیمیاوی ــ در مورد سینمای فرانسه باید بگویم باز به علت آن کم خرجی که گفتم دوران سینمای موج نو که در حال حاضر هم ادامه دارد قابل ذکر و ستایش است. این‌سینما به‌علت‌این‌که خرج‌زیاد ندارد و فقط یك دوربین و فیلم خام مورد نیاز است دائماً در حـال پیشرفـت اسـت .

نصیبی ــ در اینجا ما فیلم خوب زیاد ندیده‌ایم تنها کانون فیلم یك مقدار فیلم برجسته تا به حال به نمایش گذارده است . بنابراین زیاد فیلم خوب ندیده‌ام که حرفی بزنم . اما در مورد سینمای ایران می‌توانم بگویم که در حدود ۲۵ سال است که به هرحال در ایران فیلم ساخته می شود . سینما نداشتیم تا زمانی که فیلم «جنوب شهـر» غفاری ساخته شد . جنوب شهر فیلم سالمی بود که یکمقدار فکر داشت و می‌توانست شروع خوبی باشد . بعد به فیلم کوتاه «تخت جمشید» می‌رسیم که آغاز واقعی یك‌سینمای با جرئت بود . بعد از آن به «سیاوش در تخت جمشید» می‌رسیم که بنظر من این فیلم شاهکار بود . بعد از آن دیگر فیلم نداریم تا به فیلمهای کوتاهی که خود ما ساخته‌ایم

* باید یك اجبار به این شکل بوجود بیآید که وقتی سینمایی یك فیلم طولانی نشان می‌دهد یك فیلم کوتاه ایرانی هم نشان بدهد .

و داریم می‌سازیم برسیم . از این نظر شاید بهتر باشد که بگویم سینمای ایران تازه در حال به وجود آمدن است .

تلاش ــ به‌نظر شما سینمای ایران هم اینك در چه سطحی قرار دارد و اهم مسایل آن کدام است و آیا دو دسته سینمای هنری و تجارتی که در حال حاضر وجود دارد به روی هم تاثیری دارند ؟

کوثر ــ وضع سینمای تجارتی ایران که کاملا مشخص است. سینمایی است که همینطور دارد به پیش می رود ، درست مثل یك گیاه هرز . اینها در حال حاضر نبض مردم را به دست دارند . به صورت خیلی ساده درتمام این فیلمها یك داستان وجود دارد و آن انتخاب یك آدم فقیر است که‌به طبقات بالای اجتماع می رسد و بعد به‌این وسیله می‌خواهد بزنند برسرآنها که وضعشان مرفه است . در عرض این ۲۵ سال هیچ پیشرفت فکری در این زمینه نشده ، حتی فیلمهای اول سینمای فارسی به مراتب بهتر از فیلمهای امروز است . یعنی فیلم «لات جوانمرد» به مراتب بهتر است از فیلم «بیگانه بیا ، بیگانه‌برو» سینمای تجارتی هم آخر ممکن است سالم باشد ، ولی در اینجا اصلا هیچ چیز مورد نظر نیست و فقط انتفاع ... وبعد حرفهایی که این ها می زنند بسیار جالب است . یکجایی خواندم که آقای ساموئل خاچیکیان در مصاحبه‌یی گفته : کسی که مثلا در استودیو شروع به پادویی کردن می‌کند تا آخر عمر باید پادو باشد و یا کسی که مونتور است تا آخر عمر باید مونتور باشد و اصلا چه حقی دارد که حرف بزند . منظور او اینست که من که از اول کارگردان بودم حق دارم که حرف بزنم . این است که باید به یك وسیله‌ای جلوی این میدان داری همه جانبه گرفته شود . و فقط همین دستگاه تلویزیون و وزارت فرهنك وهنر است که می‌تواند کمك بکند . یعنی اگر می‌خواهند که یك سینمای ملی به وجود بیآید باید مبارزه و امکانات برای کارگردانان جوان به وجود آورند .

شجعان ــ در مورد سینمای ایران باید بگویم که من زیاد آشنایی ندارم . فقط فیلم های آقای رهنما و آقای غفاری و آقای گلستان را دیدم . و بعد دیگر از سینمای تجارتی ایران خبری ندارم . فقط حدود بیست روز بعد از این که به ایران آمدم با یك هنرپیشه ایرانی ، که اسم نمی‌برم ، صحبت کردم که ببینم می‌توانم با آنها کار بکنم یاخیر ؟ واو گفت اصلا تهیه‌کننده‌های ایرانی با کارگردانانی که در خارج تحصیل کرده‌اند کنار نمی آیند ، چون می دانند که آنها را نمی شود خرید و گول‌زد . بعد گفت که خود ما می‌دانیم کارمان خوب نیست ولی مردم آن را می خواهند

کیمیاوی ــ ببینید من می‌گویم همین ما که الان اینجا جمع شده‌ایم شاید هر شش ماه یکبار همدیگر را ببینیم و حرفی بزنیم . اصلا اتحاد و اتفاقی بین ما وجود ندارد . سینما های فارسی هرچیز ندارند ، این اتحاد را دارند و این کارشان را باید قبول کرد و خوب دانست . آنها سندیکا دارند در حالیکه ما دائماً در حال حمله بیکدیگر هستیم .

نصیبی ــ هرکدام ما که در اینجاهستیم و داریم حرف می‌زنیم باید سعی کنیم چهره ها و استعداد های جوان دیگری را پیدا و معرفی کنیم . من آدمی را می‌شناسم که با دوربین ۸ میلیمتری دارد کار می‌کند ، باید او را معرفی کرد و بالا برد .

شجعان ــ وقتی من برای اول بار فیلم نصیبی را دیدم به قدری خوشم آمد و تحت تأثیر قرار گرفتم که حد ندارد . من چهره جوان فیلم ایران را در کار های او دیدم . کار های او مرا به یاد سینمای جوان چکسلواکی انداخت و حالتی در من به وجود آورد که فراموش کردم دارم فیلم ایرانی می‌بینم .

نصیبی ــ و موضوع دیگر این که یکجا خواندم ، که آقایی به اسم مسعود کیمیایی گفته‌اند «این کارگردانهایی که می‌گویند ما آوانگارد هستیم (در حالیکه ما هیچوقت چیزی نگفته‌ایم و فقط ساخته‌ایم) تکنیك سرشان نمی شود و درفیلم «سیاوش در تخت جمشید» نورپردازی درست نبوده من باید بگویم فیلم «بیگانه بیا ، بیگانه برو» اثر آقای کیمیاوی از اولین پلان ، از نظر سینماتوگرافی ، غلط بود ، تاپلان آخر . بعد یك چنین آدمی از تکنیك سیاوش در تخت جمشید ایراد می‌گیرد ... و ما نمی توانیم بروی آنها تأثیر بگذاریم چون فیلم های ما بیرون نمی‌آید . اگر ده شب پشت سر هم فیلمهای ما را نمایش بدهند حتما یك تکانی خواهند خورد .

خلعتبری ــ اصلا می‌شود یك سینما کرایه کرد و ده‌تا فیلم اینجوری را نشان داد ؟

نصیبی ــ واقعا می‌شود اینکار را کرد.

تلاش ــ چرا در جشن هنرشیراز این فیلمها را نشان نمی‌دهند ؟

نصیبی ــ نمی‌دانم .

کیمیاوی ــ الان من شش ماه است در تهران هستم . در این شش ماه هردفعه که سوار تاکسی شده‌ام ازراننده پرسیده‌ام درباره سینمای فارسی چه فکر می‌کنید . همه می گویند که خسته شده‌اند . این خستگی کاملا حس می‌شود .

تلاش ــ چه‌طوری می‌توان مردم را به سینمای شما آشنا کرد و آنها را به دیدن

> * بهترین فیلم کوتاه ایرانی که دیدم «خانه سیاه است» از خانم فرخزاد است که شاهکاراست .
>
> * واقعا جرأت نصیبی را باید ستایش کرد. برای ساختن‌فیلم اولش‌شلوارش را فروخت و نگاتیف خرید . به‌خاطر سینما این‌کار را کرد ولی برفت‌دنبال تهیه کننده.

این فیلمها عادت داد و اصولا آنها را برای دیدن فیلم شما به سینما کشاند ؟

کیمیاوی ــ حس کنجاوی . مردم ایران کنجکاو نیستند .

خلعتبری ــ بله ، مثلا در اروپا آدم هرکجا برود ، در هرکافه‌یی ودر هرخیابانی که رد بشوید می بینید که مردم دارند از سینما ، از شعر و از کتاب های تازه حرف می زنند . این جریان در آنجا هست ولی در اینجا این زندگی نیست .

تلاش ــ ولی رویهمرفته در حال‌حاضر ما فکر می‌کنیم که‌محیط سازندگی هنری در شرق و در نتیجه در ایران می‌تواند بیشتر از غرب می‌باشد . آنها به خصوص در هنر های نمایشی به‌ضوابط وموقعیتهایی‌رسیده‌اند که دیگر چندان نمی‌توانند ازآنها بگذرند . اما در شرق هنوز در همه زمینه ها امکانات و راه آماده‌تری وجود دارد که در آنها می‌شود گامی و بلکه گام ها نهاد و همچنین استعداد های دست نخورده و بیدار نگشته که می‌تواند واقعاً اعجاب انگیز باشد و اصولا به یك هنرمند خارجی مثلا ایرانی در آنجا امکان بروز و عمل نمی دهند و تاآخرین‌روز هم او را یك آدم خارجی می‌شناسند .

خلعتبری ــ کاملا صحیح است .

تلاش ــ واقعا در اروپا هم هنوز هنرمندان واقعی خیلی کمتر از هنرمندان بازاری اقبال دارند و هستند هنرمندانی که حتی دارای وضع مرفه زندگی هم نیستند .

خلعتبری ــ این درست اما در اینجا هم امکان و اجازه نمایاندن نیست . مثلا خود من دو سال است که درایران هستم وهنوز فیلم نصیبی را ندیده‌ام . چرا چون یك شب در تلویزیون نشان دادند و من خانه نبودم و تمام شد . به همین سادگی من یك فیلم خوب را ندیدم .

کیمیاوی ــ این مردم واقعا کنجکاو

نیستند . اینجا آن کنجکاوی نیست . یك دختر ۱٤ ساله فرانسوی بلند می‌شود درتمام اروپا سفر می‌کند و با مردم صحبت می‌کند و اطلاعات به دست می‌آورد . ولی اینجا کسی از تهران خارج نمی شود و تازه از تهران که خارج می‌شوند مثلا به اصفهان می‌روند . در آنجا فقط عرق می‌خورند و ورق بازی می‌کنند . دوستان من از ایران آمده بودند پاریس . از من پرسیدند موزه لوور کجاست ؟ آنها را بردم به لوور . آنها به داخل لوور نرفتند و یك عکس ٦×٤ دم در برداشتند که در تهران نشان بدهند که به موزه هم رفته‌اند ، ما واقعا همانطور که گفتید بسیار امکانات بیشتر و مطالب بیشتر برای گفتن داریم ولی کنجکاوی نداریم .

خلعتبری ــ من در اینجا واقعا هیچ هماهنگی و صداقتی در نقد سینما ندیده‌ام. فقط فحش می‌دهند و همین می‌شود نقد سینما . این که معنی ندارد . فقط من یك سؤال دارم و آن اینست که در ایران چرا نقاشی اینهمه پیشرفت کرده است . الان‌نقاشی خیلی مهم شده است . مردم به نمایشگاهها زیاد می‌روند و در باره نقاشی زیاد حرف می زنند .

نصیبی ــ برای این که خرج کمتر دارد ...

تلاش ــ خانم خلعتبری درست می گویند به هرحال مردم به دیدن نمایشگاهها می‌روند، همین رفتن مهم است و نشانه علاقه مردم به هنر ، لااقل به هنر نقاشی ...

خلعتبری ــ بله ، مردم زیاد استقبال کرده‌اند . بنابراین مردم آنقدر ها هم تنبل و بی‌علاقه نیستند . چه خوب می‌شد اگر افرادی هم سالن های کوچك برای سینما می ساختند .

کیمیاوی ــ من درباره نقاشی و این‌که مردم به تماشای نقاشی می روند موافق‌نیستم. برای این که خیلی از مردم به تماشای‌فیلم های فارسی هم می‌روند . ولی همین مردم به محض این که نمایشگاهی از آثار سوررآلیسم گذاشته می شود ، برای دیدن آنها نمی روند ...

خلعتبری ــ این مهم نیست که مردم بدیدن چه فیلمی می روند ، در وهله اول رفتن آنها مهم است و خواستن آنها ...

تلاش ــ واقعا به دلیل این که این مردم شهامت دیدن فیلم بد سینمای تجارتی را دارند ، صد برابر بهتر و راحتتر از فیلم خوب استقبال خواهند کرد .

خلعتبری ــ بله ، اگر برای آنها فیلم خوب بگذارند حتما خواهند رفت .

نصیبی ــ آخر نمی‌گذارند نشان بدهیم.

خلعتبری ــ خوب شما هم اعتصاب کنید. بگویید اگر فیلمتان را نشان ندهند برایشان فیلم نخواهید ساخت . اگر شما برایشان‌فیلم نسازید چه کسی خواهد ساخت ؟

تلاش ــ آیا فقدان سینمای صامت در ایران می‌تواند دلیلی برعقب ماندگی سینمای فارسی باشد و آیا به نظر شما به صرف این که ما در ایران از ابتدا شروع نکرده‌ایم ، حال باید از اولین قدمها شروع کنیم ؟

خلعتبری ــ در سینمای صامت ، به دلیل این که گفتار وجود نداشت . بنابراین یکمقدار رساندن مطلب را از راه تصویرقوی کرد . چون نمی توانستند آسان با کلمه منظورشان را برسانند می‌بایستی یا با تکنیك سینمایی یا با استفاده از استعداد و حرکات آکتور ها و یا با استفاده از قدرت‌کارگردان مطالب خودشان را برسانند ، یا بهتر بگویم با هنر سینما . و این مساله باعث شد که تکنیك سینما قوی بشود . این چیزی است که در ایران‌نبود وبنابراین خالافکر می‌کنند برای بیان شادی باید آواز بخوانند .

کوثر ــ سینمای صامت در گرامر سینمایی جا افتاده است و در صورت داشتن گرامر سینمایی صحیح و واقعی است که‌فیلم خوب به وجود می‌آید .

شجعان ــ ولی آنها این مراحل را طی کرده‌اند وما نمی‌توانیم دوباره شروع کنیم.

کیمیاوی ــ آیا فکر می‌کنید اگر ما از اول سینمای صامت داشتیم مساله حل شده و درست بود ؟ با توجه به این که اصلا یك خصوصیت ایرانی پرحرفی است .

خلعتبری ــ خوب بدی ایرانی همین است . اصلا بازی هنرپیشه های ایران اغلب غلط است .

کیمیاوی ــ ولی آن سینمای آنتی سیستمی که من دوست دارم و گفتم لازمه‌اش مخالفت است ، مخالفت حتی با سیستم سینمای صامت ...

خلعتبری ــ اصلا سینمایی که ما داریم وسینمای طبیعی نیست . مردم دوست دارند درباره خودشان و یا حداکثر از دنیای خودشان حرف زده بشود . فیلم ها ترکیبی هستند از یك قسمت عشقی ، یك قسمت موزیکال ، یك قسمت تراژدی و یك قسمت جنگی یا زد وخورد . همه چیز وارد می شود ، بدون این که هیچکدام را واقعا نشان بدهند .

تلاش ــ حالا بد نیست از فیلم های خودتان حرف بزنید . چگونگی و شرایط ساختن و میزان موفقیت و یا شکست آنها و امکانات و امیدهایی که برای ادامه‌کارتان و آینده دارید ...

خلعتبری ــ فیلم من «عروسك کوکی» بود که از روی شعر «فروغ فرخزاد» عکس گرفته بودم و از روی آنها فیلمبرداری شده بود همراه با موزیك خانم «فوزیه مجد» که مخصوص این فیلم ساختند . خودم‌هم شعر را می‌خواندم که فکر می‌کنم کار اشتباهی بود، چون من کمی لهجه دارم .شاید اصولا ساختن این فیلم اشتباه بود . چون من که آشنایی با شعر ایرانی نداشتم حق نداشتم اینکار را بکنم . شاید حق داشتم روی شعر « پل‌الوار» کار می‌کردم ، ولی نه روی شعر فروغ که یکمقدار زیادی هم مردم برایش تعصب دارند ، اگر کسی بخواهد آن تصور را که همه مردم دارند عوض بکندوچیز دیگری بگوید خیلی سخت قابل قبول است .خصوصا برای من شاعر خاصی مهم نبود و من می خواستم روی یك شعر کار بکنم این شعر

مرگ یك قصه

می‌توانست شعر یك ژاپنی باشد . اما چون شعر در ایران با یك دید بخصوصی قبول شده ، پذیرفتن ایده های تازه خیلی سخت می شود . رویهمرفته من از بعضی تکه های فیلم خوشم می‌آید ولی رویهمرفته باید با صداقت بگویم که با خواندن شعر با موسیقی زیاد علاقه نداشتم . به هرحال از ساختن آن پشیمان نیستم .

شجعان ــ من که تا به حال در ایران فیلمی نساخته‌ام که در باره‌اش حرف بزنم . ولی می‌توانم درباره‌فیلمهای ایرانی که دیده‌ام بگویم.فیلمهای «پرستوها به‌لانه برمی گردند»، «سیاوش در تخت جمشید» و «خشت و آیینه» فیلم سیاوش را که خیلی خوشم آمد وفیلم خشت و آیینه با وجودیکه بسیار طولانی‌بود بعضی چیز ها و قسمتهای خوب داشت که خوشم آمد . در مورد فیلمهایی که درخارج ساخته‌ام ، از یکی که خوشم می‌آید آن است که به روی سوژه زایمان کار کرده‌ام وسعی کرده‌ام حالات و آشفتگی های شوهر را که در پشت در اتاق زایمان منتظر است نشان بدهم . همچنین باید از کارهایی که در تلویزیون ژاپون کردم یاد کنم وهمکاری خودم را با یك باستانشناس ژاپنی،که برروی مطلب تطابق معماری دوره ساسانی ایران و یکدوره معماری ژاپن کرده‌ام و نشان داده‌ایم که این دوره ژاپون تحت تأثیر هنر ایران بوده است .

کوثر ــ در مورد فیلم خودم بایدبگویم که سوژه این فیلم را اول بار در مشهد پیدا کردم . یك شب که سوار درشکه شدم و با درشکه‌چی حرف می‌زدم از او پرسیدم اصلا شناسنامه داری یا نه ؟ گفت شناسنامه‌ام در جیبم بود از بس عرق کرد و رنك و رویش رفته بود انداختم دور ! برای من این مساله جالب شد . پنج سال پیش سناریوی این فیلم را برای آقای فریدون رهنما خواندم و ایشان خوششان آمد . بعد خودم سعی کردم با ۱۶ میلیمتر آنرا بسازم . بعد موقع‌سربازی شد و نتوانستم آنرا ادامه بدهم . بعد ازپایان سربازی رفتم به تلویزیون و آنرا ساختم و نمی دانم درباره آن چه می‌توانم بگویم . از فیلم کوتاهی که بسیار خوشم آمد فیلم نصیبی بود ، دیدی نو که هیچکس نمی تواند در مقابل آن بی‌تفاوت بماند . فیلم «قیطریه» را هم دیده‌ام که با محیط محدودی که کیمیاوی در ساختن آن داشته خیلی خوب توانسته آنرابسازد وچیزی خیلی بیشتر از یك گزارش است که از آن انتظار می‌رفت .

کیمیاوی ــ سینمایی که من ساختم چند فیلم کوتاه بود برای مدرسه سینمایی ، یکی داستان «محلل» صادق هدایت بود که برای مدرسه «ایدك» ساختم ، که البته خیلی ازنظر بازی هنرپیشه خراب بود چون ازدانشجویان ایرانی استفاده کردم که آشنایی به سینما نداشتند ، البته متن را باید به فرانسه می خواندند . بعد یك فیلم به اسم «بازار شپش ها» ساختم . این بازاری است درشمال پاریس مثل بازار میدان گمرك . چیزی که جالب بود آنکه همه بچه های پسر و دختر طبقه متوسط فرانسوی می رفتند آنجا و لباس می خریدند و می شدند شیك پوشان پاریس . یك فیلم کوتاه هم از روی تم راه آهن برای تلویزیون ساختم که یك فیلم انتقادی بود . بعد هم به ایران آمدم و فیلم قیطریه را ساختم . بهترین فیلم کوتاه ایرانی که دیدم «خانه سیاه است » از خانم «فرخزاد» که شاهکار است و یك مقاله هم برای آن نوشتم .

نصیبی ــ فیلم اول‌من «خون یك‌خاطره» هفت سال پیش ساخته شد و فیلم دومم «مرك یك قصه» به سرمایه تلویزیون ملی ایران .

راجع به آن زیاد صحبت شد و بیشتر فحش دادند . بعد از آن فیلمهایی که ساختم مال من نبود و بیشتر جنبه رپرتاژ داشت . درباره سینمای ایران عقیده‌ام را قبلا نوشته‌ام و همه می دانند بنابراین دیگر چیز تازه‌یی ندارم که بگویم .

تلاش ــ متشکریم .

سرود برای آشتی

من بی‌بهار می‌مانم ــ
اینجا
چون کبوتری تنها در موج خاموش شب
*
شقایقها را
برگیسوهایم می‌نشانم
و برگونه‌های شیار موازی شب
می‌نشینم
*
اینجا ــ تنها ترا از نسیمی که مرا بیدار می‌کند
ساقه‌های کبود لبخند
حس جوانی مرا بارور می‌سازد.
و من از لانه‌های خاموش غروب
آخرین آواز گنگ سحرگاهی همزادم را گوش می‌سپارم
پس ــ
تنهاتر از آواز تو هستم
جعبه‌های رازهایم را در باد می‌گشایم
واز آن میان
انگشت بی‌اشاره‌ام می‌افتد
آوازهای تو در انگشترهایم پنهان شده‌اند.
*
و تو :
در سایه‌های شمعدانی که در سحر بی‌امید
می‌پوسد.
و می‌گویم «آفتاب»
تا «شب» را باور نداشته باشم
*
می‌آیم به‌تاریکی روزنه‌ای که مرا هرگز باور نداشت
*
وتاکه دستگیره تاریکی شدم
نوزاد به‌صدا آمد
ودر این بانك هرگز تردید ندارم

از : سیمین ارجمند

www.KetabFarsi.com

با گلفروش تهران

● مردم ایران قدیم مایل نبودند پولی‌جهت خرید گل بپردازند زیرا برای گل از راه خرید آن ارزش قائل نبودند ولی چنانکه گل را بطور مجانی بآنها می‌دادند خیلی هم خوششان می‌آمد .

● یك شاخه گلی که صبح بیست ریال‌ارزش دارد همان گل در عصر به ۱۰ ریال تنزل می‌کند زیرا گلی که در صبح شاداب بود در عصر آن شادابی ندارد ولی بطور متوسط نرخ گلهای ما از ۱۰ ریال هست تا ٤٠٠ ریال .

● عمل پیوند در گیاهان همیشه نتیجه‌مطلوب نمی‌دهد اغلب اوقات باید از روش گرد گیری یا آمیزش استفاده کرد .

س ــ آقای زعیم چندسال دارید وچطور شد که به پرورش گل پرداختید ؟

٤٩ سال دارم و در تهران متولد شده‌ام ۲۸ سال پیش هنگامیکه تازه دیپلم خود را از دبیرستان شرف گرفته بودم در یکی از خیابان های جنوب شهر *ابتدا* در یك باغ اجاره‌یی کارم رابا پرورش انواع گل میخك آغاز کردم . من از همان اوان کودکی علاقه بگل را در خود شدیدا حس می کردم . بهمین‌دلیل هنگامیکه ازدبیرستان فارغ‌التحصیل شدم علیرغم مخالفت‌هایی که از طرف کسان و دوستان و آشنایان می‌شد

و مرا بخاطر انتخاب چنین شغلی در ایران بباد تمسخر می‌گرفتند ، کارم را با علاقه فراوان دنبال کردم .

س ــ استقبال مردم آنزمان از گــل چگونه بود ؟

ج ــ مثلی است مشهور که می‌گویند ایران سرزمین گل و بلبل است ، لیکن این گل و بلبل افسانه‌ایست . بطور کلی مردم ایران قدیم مایل نبودند پولی جهت خرید گل بپردازند زیرا برای گل از راه خرید آن ارزش قائل نبودند ولی چنانکه گل را بطور مجانی بآنها می‌دادند خیلی هم‌خوششان می‌آمد این چهره مردم ۲۸ سال پیش درمورد خرید گل بود ولی اینك وضع خیلی عوض شده است .

س ــ اکنون وضع فروش گل چــگونه است و چه طبقه‌یی از مردم گل می‌خرند و چه گلهایی بیشتر فروش دارد ؟

ج ــ در حال‌حاضرهمه طبقات ازمشتریان پروپا قرص گلها هستند حتی گل‌های گران قیمتی مانند گل ارکیده‌یاارچیده هم‌خریدار دارد و بعد گل نرگس ومیخك ، وگلایول، از جمله پرفروشترین گلها هستند و تمــام طبقات نیز از آن‌استفاده می‌نمایند .

س ــ اکنون گرانترین نوع گل ازکدام قسم است ؟

ج ــ ارکیده یــا ارچیده گــرانترین گل در ایران است که نام فارسی آن صعب است و در حدود ۱۰ سال است که پیاز آن بایران آمده ...

س ــ در حال حاضر شما چند نوع گل در باغ و گلخانه خود دارید ؟

ج ــ اکنون بیش از ۱۰۰ نوع گــل تزیینی و گل شاخه‌یی در گلخانه خودموجود دارم .

س ــ ممکن است توضیحی درباره گلهای «تزیینی» و شاخه‌یی بدهید و موارد مصرف آنرا بیان کنید ؟

ج ــ بله، گل های شاخه‌یی عبارتند از: گلایول ، میخك ، رز ، گل سرخ و امثال آن . گلهای تزیینی گلهایی هستند که در گلدان کاشته می شوند و رشد ونمو می‌کنند و همانطور باید در گلدان از آنها مواظبت نمود و برای این که جنبه تزیینی آن حفظ شود آنرا در راهرو های منازل و لب‌حوضها قرار می‌دهند .

س ــ کدام نوع گل بیشتر فروش دارد تزیینی یا شاخه‌یی ؟

ج ــ در فصول سال فروش گل‌تزیینی و شاخه‌یی متفاوت است مثلا در زمستان‌بعلت سرسبز نبودن درختان از وجود گل هایی تزیینی بیشتر استفاده می‌شود البته آنهم در شرایط خاصی که در گلخانه با حــرارت مناسب نگهداری شود .

س ــ تولید سالانه باغ شما چه میزان است ؟

ج ــ درمورد تولید سالانه محاسبه‌دقیقی ندارم زیرا که گلهای ما گاه درانبار می‌ماند.

س ــ نرخ گل های شما در چه حدود است ؟

ج ــ نرخ گل بفصل و موقعیت آب و هوا و طبیعت ارتباط دارد ، ما هرروز دوبار نرخ گل ها را کنترل می‌کنیم صبح وعصر مثلا یك شاخه گلی‌که صبح بیست ریــال ارزش دارد همان گل در عصر به ۱۰ ریال تنزل می‌کند زیرا گلی‌که در صبح شاداب بود در عصر آن شادابی راندارد ولی بطور متوسط نرخ گلهای ما از ۱۰ ریال تا ۴۰۰ ریال .

س ــ آیا تاکنون در نمایشگاه گــل شرکت داشته‌اید ؟

ج ــ بله . یکبار در دو سال پیش در کاخ جوانان نمایشگاهی از گل تشکیل شده بود که چندین موسسه پرورش دهنده گل در آن شرکت داشتند من نیز با ۵ نوع گل در این نمایشگاه شرکت کردم و ممتحنان که عبارت بودند از خانم لیلا هویدا ومهندس رهبر و آقای مهندس رحمانی گلهای مــرا بعنوان برنده این نمایشگاه شناختند و یك تقدیرنامه از دست خانم هویدا دریافــت کردم .

س ــ آیا تابحال درباره گل جدیدی که برای شما ناشناخته بوده بکاوش پرداخته‌اید؟

ج ــ در ۲ سال پیش هنگامی که از خیابان‌میگذشتم ناگهان نگاهم به‌دست یــك پیرمرد روستایی افتاد که چند شاخه گــل زیبا بدست داشت که تا آن زمان من آن گل را ندیده بودم جلو رفتم و از پیرمرد راجع به آن گل سؤالاتی کردم لیکن او در این باره جواب قانع کننده‌یی بمن نداد فقط‌گفت که ممکن است که این گل در کوههای بختیاری روییده شود. فردای آنروز هیاتی را با تمام تجهیزات مامور کردم تا بــه جستجوی این گل بروند عاقبت پس ازماهها جستجو آن گل را در همان نزدیکی های کوههای بختیاری یافتند سپس چند شاخه از این گل را به موسسه بزرك گل شناسی هلند فرستادم پس از مطالعات بمن جواب رسیدکه این نوع‌گل بنام «اره‌موروس» معروف‌است و اکنون نیمی از باغ من در زیر کشت این گل است و فروش خوبی هم دارد و من‌آنرا دانه ٤ ریال می‌فروشم در حالیکه همین گل در هلند دانه‌ای ٦۰ ریال بفروش می‌رسد .

س ــ چرا در هلند گلهای لاله‌بخوبی می‌رویند درحالیکه در ایران لاله‌های هلند به‌آن حد نمی تواند رشد و نمو کنند ؟

ج ــ آب وهوای هلند بعلت رطوبــت خاصی که دارد توانسته است که در میان کشور های پرورش دهنده گل لاله دردنیا اول شناخته شود ، درایران نیز می‌شود لیکن بایددر شمال ایران باشد . ولی‌بنظر من لاله های وحشی خودرو که در کوهستان های ایران می‌رویند بعلت ظرافت ورنك گلگونی که دارد از بهترین نوع گلهای لاله است .

س ــ جدیدترین نوع گل که در ده‌سال اخیر بایران آمده چه نام دارد ؟

ج ــ راسیس ، گربراياجربرا ، دلفین، نارسیس که همان نرگس ماست منتهاانواع مختلف دارد . نرگس بیش از ۵۰ نوع دارد که یکی از انواع این گل در ایران می‌روید بنام مطلق نرگس. بطور کلی از۱۰ سال‌پیش باینطرف بیش از ۵۰ نوع گل جدید بایران آمده است .

س ــ برای ازدیاد انواع مختلف گل‌چه شیوه‌یی بکار می‌برید ؟ آیا از عمل پیونــد استفاده می‌کنید یا راههای دیگری راانتخاب می‌نمایید .

ج ــ عمل پیوند در گیاهان همیشه‌نتیجه مطلوب نمی دهد اغلب اوقات باید ازروش گردگیری یا آمیزش استفاده کرد مثلا شب بوی پرپر وشب بوی کم‌پر که همان نروماده باشند در کنار یکدیگر کاشته می‌شود و در اثر آمیزش یا بزبان ما عمل گردگیریی‌که انجام می‌شود محصول آن زیاد می‌شود .

س ــ گل هنگامی که از شاخه چیده شود و جهت فروش در گلدان گلخانه قرار بگیرد تا چند روز دوام خواهد داشت ؟

ج ــ این موضوع در مورد انواع گلهای مختلف فرق می‌کند و بستگی به طرزمراقبت و آب هوای محیط گلخانه دارد مثلا گل گلایول اگر در ٤ درجه سانتیگراد بالای‌صفر باشد از ۱۰ الی ۱۵ روز واگر در ۲۰ درجه سانتیگراد بالای صفر باشد بیش از ۵ روز دوام نخواهد یافت زیرا شیره نباتی گیاه ،در مقابل حرارت بسرعت حرکت می‌کند لذا دوام آن نیز کم خواهد شد .

س ــ چگونه محصول خود را از شر آفات و امراض محفوظ نگه می‌دارید ؟

ج ــ تجربه ۲۸ ساله بمن نشان داده‌است که باید دائما مراقب گلها باشیم زیرا آفات دیدنی است ولی امراض دیدنی نیست. آفاتی مانند شته برای گل که ضررش جبران‌ناپذیر است . بهمین دلیل چندین مهندس کشاورزی هفته‌یی سه روز از باغ گلهای من دیدن می‌کنند و آنها را سمپاشی می‌نمایند و بدین طریق از تهاجم امراض و آفات جلوگیری می‌کنم .

س ــ بعنوان آخرین سؤال می خواهم بپرسم آیا شما بعنوان یك پرورش دهنده از زبان گلها چیزی می‌دانید ؟

ج ــ زبان گلها یك افسانه قدیمی است، افسانه‌یی که یونانی ها آنرا بوجود آوردند این موجودات زیبا بحسب ظاهر زبانی ندارند ولیکن جواب قطعی این سؤال را باید از عاشقان و دلباختگان پرسید که اغلب بوی محبوب و معشوق را از گل می‌جویند .

تلاش ــ متشکریم .

صفحه شصت و نهم

هر زبانی که بخواهد پیشرفت کند خواه ناخواه باید سابقه کهن خویش را از نظر دور ندارد

تمام کسانی که تحصیلات عالی کرده‌اند شش سال در دبیرستان وشاید چندین سال در دانشگاه ها زبان عربی خوانده‌اند و امروز نه‌تنها عربی نمی‌دانند بلکه یکنوع‌سرخوردگی نیزبناحق از این زبان دارند.

گفتگو با بهرام فره‌وشی

* در روایات داستانی ما خط یك پدیده‌اهریمنی است و تصریح شده است‌که آنرا دیوان‌خارجی به ایرانیان آموخته‌اند .
* گرچه از هخامنشیان نخستین ، الواحی‌به پارسی باستان باقی مانده ولی تعداد آنها اندك‌است و گویا کاتبان درباری پس از گشوده‌شدن بابل بدست کورش، به‌خدمت کورش درآمدندو بصورت پیشه‌وران خط نویس خدمت کردندو رواج بزرك خط فارسی باستان می‌بایستی از آن پس آغاز شده باشد . این کاتبان همانهائی‌هستند که نخستین بار فتوحات کورش و تجلیل‌مردم بابل از کورش را بزبان خود براستوانه های گلی نوشتند و به اطراف فرستادند . یکی‌از این استوانه ها در موزه بریتانیا نگهداری‌می‌شود . و بنام نخستین استوانه آزادی بشر معروف است .
* یکی از بزرگترین شاهکار های ملیت‌ایرانی در این دوره نپذیرفتن زبان ملت‌غالب بود .
* بسیاری از لغاتیکه ملت ایران به‌عنوان‌لغت عربی در داخل زبان خود پذیرفته بودهمان لغاتی بودند که آنها را خود بزبان سامی عاریت داده بود و دیگر بار آنها را دست وپاشکسته و قالب شده در قالب های عربی بازگرفته بود .
* فرهنگستان ایران باآن که بسیاری‌کلمات نابجاساخت، که مردم آن‌را نپذیرفتند ،باز خدمتی به تجدد زبان فارسی کرد .
* بحث در باره « فارسی نو » را به‌کسانیکه بیش از من در این مورد صلاحیت‌دارند واگذار کنید . بطور اجمال بایدگفت‌که دراین نهضت‌زبانی،-جوانان‌بیش ازسالخوردگان‌سهم دارند .
* زبان عربی نیز اگر بناست در دبیرستان‌ها تدریس شود باید آن را مثل یك زبان زنده،مثل زبانهای فرانسه و انگلیسی و آلمانی در دبیرستان ها آموخت .

تلاش : ــ آقای بهرام فره‌وشی خیلی ممنون از این‌که قبول کردید بنشینیم وبحثی کنیم در زمینه «مسائل زبان فارسی» که به‌گمان از جمله مسائل حاد ادب امروز و دیروز ماست و درآغاز این بحث ، این مساله مطرح می‌شود که زبان فارسی دری یعنی زبان ادبی ما و بطور کلی زبان‌فارسی چه اصل و ریشه‌ای داشته و از کجا پاگرفته وچه تحول و تطوری بخود دیده و چه آمیختگی هائی بازبانهای دیگر پیدا کرده است و دراین بحث کوشش مااین خواهد بود که برای‌اکثر این‌چه وچراها پاسخی بیابیم. در وهله اول من فکر می‌کنم زبان فارسی برای رسیدن به‌روزگار ما راه دراز واحیانا ناهمواری را پیموده وبهمین‌دلیل بایددرآغاز درباره ریشه واصل این زبان صحبت کنیم و دراین مورد هم زعمای زبان شناسی عقایدی دارند که در بعضی موارد یکسان نیست و برخی برای اصل و ریشه زبان فارسی‌قدمتی بسیار دور درنظر می‌گیرند و عده‌ای هم از اوان روزگار هخامنشی شروع می‌کنند که بهرحال هنوزهمه حرفهاتمام‌نشده‌و استنتاج غائی بعمل نیآمده و چه بهتر که ما درباره این اصل و ریشه حرف بزنیم ...

فره‌وشی : زبان فارسی که زبان ادبی ما است وصورت تحول یافته‌آن زبان عامیانه تهرانی است در اصل زبان ناحیه فارسی است و از همین روست‌که آنرا فارسی می خوانیم و خود کلمه فارسی ازکلمه کهن ترپارسیك یعنی منسوب به‌پارس آمده‌است .

شاهان هخامنشی چون خود پارسی بودند به‌گویش پارسی گفتگو می‌کردند و خانواده آنان و نزدیکان دربار هخامنشی همه پارسی گوی بودند . هنگامی که دربار هخامنشی‌با کورش بزرك رونق و شکوه بیشتری‌گرفت و مقدمات امپراطوری عظیم ایران فراهم گشت زبان شاه و خاندان شاهی که زبان درباری بود اندك اندك درتمام امپراتوری رایج و زبان ممتاز گشت و مکاتبات درباری و محاوره مردم نزدیك به‌دربار باین زبان صورت گرفت

مراکز ساتراپی‌هایی که در محیط زبان های ایرانی بودند همین زبان رابکار بردند و ساتراپهای خود از نزدیکان دربار شاهی بودند ، درمراکز ساتراپی‌ها خارج از ایران نیز زبان فارسی رایج بود . اما مردم عادی درهر شهر ودیاری به‌گویش خاص‌خود تکلم می‌کردند و ازهمان دورانهای نخستین تمدن ایرانی درهرشهر بزرك به دوزبان تکلم‌میشد. یکی زبان عاملان دولتی و اطرافیان آنهاکه فارسی بود ودیگر زبان اهل محل . درمرکز حکومت هخامنشیان و در دستگاه دولتی آنان سه زبان مهم رایج بود یکی پارسی که زبان خاندان هخامنشیان بود و آنرا درکتیبه های هخامنشی می‌بینیم و بنام پارسی باستان معروف است . دیگری زبان ناحیه ایلام بود که آن‌نیز یك زبان درباری بود و مردمی

صفحه هفتادم

متمدن بدان سخن می‌گفتند که قرنها در آن قسمت از ایران پادشاهی داشتند و محـور مقاومت دربرابر دشمنان خارجی مانندبابلیان وآشوریان بودند .

هخامنشیان تشریفات و آداب و رسوم دو دربار بزرك یکی ماد ودیگری ایلام رابه ارث برده بودند و چون شاخه‌ای از آنهاقبل ازامپراتوری‌بزرگ‌درآن سرزمین‌فرمانروائی داشتند محتمل‌است که‌این‌زبان‌راهم می‌دانستند و بطور کلی زبان ایلامی رامردم اطراف‌ایلام یعنی قسمت‌های جنوبی و جنوب غربی‌ایران می‌دانستند و می‌فهمیدند و بهمین جهت‌است که کتیبه های شاهان هخامنشی در قسمت اول بفارسی باستان و در قسمت دوم بزبان ایلامی است .

هخامنشیان در ایلام کاخ های باشکوه خود را به تقلید از دوران قدرت ایلامیان ساخته بودند و آن مرکز حکومتی ایلامی همواره مرکز قدرت هخامنشی نیز بود .

اسناد خرج ساختمان های شوش وتخت جمشید، جزمعدودی، همه‌به‌خط وزبان‌ایلامی است واین‌خود قدرت‌زبان ایلامی رامی‌رساند و می‌نمایاند که مردم کوچه و بازار وکاسب وصنعت‌گر زبان ایلامی رامی‌دانستند .

اما زبان سومی که در دربار هخامنشی رایج بودزبان مردم بابل بود که بصورت یك زبان بین‌المللی درآمده‌بود و بازبان آشوری پیوستگی نزدیك داشت . بابل پیش از مادها و هخامنشیان و همزمان باآنها مرکز تمدن دوران بود و زبان بابلی نیز بواسطه قدرت دربار بابل بعنوان یك زبان بین‌المللی درهمه جـا رایج گشته بود و حتی مصریـان نیز گاهی درمکاتبات خود از زبان بابلی‌استفاده می‌کردند واگر می‌بینیم که قسمت سوم کتیبه های هخامنشی مضمون کتیبه فارسی باستان را به‌خط و زبان بابلی تکرار می‌کند جای تعجب نیست زیرا پادشاهان هخامنشی می ـ خواستند پیروزیهای خود را به یك زبان بین‌المللی نیز ثبت کنند .

تلاش : ـ فرمودید : «زبان مردم بابل بصورت یك‌زبان بین‌المللی درآمده‌بود» مثل این‌که دراینجا نکته‌ای را ناگفته گذاشتید و آن مساله «خط بابلی» است که به گمـان مسبب بین‌المللی شدن این زبـان گردید . دیگر این‌که می‌خواهیم بدانیم ریشه هنرو ارزش‌های خط پهلوی ساسانی را بایددر کدام دوره جستجو کرد ؟

فره‌وشی : بلـی . در بین المللی شدن زبان بابلی خط آن نقشی بـزرگ داشت زیرا اینان از نخستین کسانی بودند که خط را از اقوام سومری‌که ازراه ساحل شمالی خلیج فارس به سومررفته بودند به ارث‌بردند وخود وسیله شیوع آن درکشورهای دیگر شدند ونیز قدرت بابل در بین‌المللی شدن آن سهمی بسزا داشت .

در روایت داستانی ما خط یك پدیـده اهریمنی است و تصریح شده است که آنرا دیوان خارجی به‌ایرانیان آموخته‌اند .

این خاطره تاریك داستانی،که ایرانیان از پیدایش خط داشتند،جزئی از حقیقت‌را دربردارد زیرا خط فارسی باستان لااقل از نظر ظاهری تقلیدی از خط بابلی یا ایلامی است و شاید بصورت یك اختراع جدید و توسط کسانی که خط خوانی‌وخط‌نویسی‌شغل ایشان بود وارد سرزمین ایران و کشور های دیگر شده است و تا زمانی که اکتشافـات باستانشناسی خطی ازاقوام مادی بدست ندهد این فرض‌بقوت خود باقی‌خواهد بود. گرچه از هخامنشیان نخستین ، الواحی به پارسی باقی مانده ولی تعداد آنها اندك است و گویا کاتبان درباری پس‌ازگشوده شدن بابل‌بدست کورش به خدمت کورش درآمدند وبصورت پیشه‌وران خط نویس خدمت کردند و رواج بزرگ‌خط فارسی باستان می‌بایستی ازآن پس آغاز شده باشد . این کاتبان همانهائی هستند که نخستین بار فتوحات کورش و تجلیل مردم بابل از کورش رابزبان خود براستوانه های گلی نوشتند و به‌اطراف فرستادند . یکی ازاین استوانه‌ها درموزه بریتانیا نگهداری می‌شود . و بنام نخستین استوانه آزادی بشر معروف است .

کاتبان بابلی هنرخود را همچون‌پیشه‌ای در خدمت شاهان هخامنشی بکار بردند ، و رفته رفته دیوان و دفتر بدست ایشان افتاد ، و آنها بودند که مکاتبات دولتی را اداره می‌کردند و چون زبانشان زبان بین‌المللـی دوران بود ، ازاین رو فرمانهائی راکه شاه بزبان فارسی باستان می‌داد ، اینان بزبان و خط بابلی برلوحه‌ها نقرمی‌کردند و رفقای آنها درمراکز ساتراپی‌ها ، لوحه‌ها رامی ـ خواندند. وآنها رابزبان‌مردم همان‌ساتراپی‌ها ترجمه می‌کردند . درآن دوران هنوز برای مردم عادی رابطه خط و زبان آشکار نبود این‌دو را بصورت واحدی مربوط بهم‌پذیرفته بودند . زبان بین‌المللی بابلی طبعا اثرات خود را دربین تمام مللی که بااین زبان سرو کار داشتند باقی گذاشت و ریشه هنر وارزش های خط پهلوی و ساسانی راهم‌که به‌آن‌اشاره کردید باید درهمین دوران جستجو کرد و آمیختگی زبان فارسی با زبانهای سامی‌نیزاز همین دوران شروع می‌شود و در همین وقت است که بسیاری‌ازلغات‌پارسی داخل‌زبان‌های سامی می‌شود . درهمین کتیبه های فارسی باستان چندین کلمه از زبان سامی راه‌یافته است که یکی از آنها کلمه مشك است که با آن آب می‌برند .

این موضوع راباید بخاطرداشت‌که خیلی پیش ازحمله‌عرب به‌ایران ، تعدادی واژه‌های ایرانی داخل درزبان های سامی واز جمله عربی شده بود و بعکس تعدادی واژه‌های سامی و لهجه‌های مختلف آن نیز در زبان ایرانی راه یافته بود . زبان هخامنشیان تاحد زیادی لغات فنی و درباری و اداری زبان مادی رابه عاریت گرفته بود . زبان مادی‌که جزو زبانهای شرقی ایران است درآن وقت در غرب ایران زبان مادها بود و چون زبان مردمی بودکه نخستین شاهنشاهی ایران را تشکیل داده بودند ، ازاین رو واژه‌هائی را که برای تشکیلات اداری و سپاهی خـود

● بهرام فره‌وشی در سال ۱۳۰۴ درتهران‌متولد شدوتحصیلات ابتدائی و متوسطه خودرا در تهران‌واصفهان پایان رسانید .
● پس ازاخذ لیسانس درشعبه زبانها وتمدن ومذاهب قدیم ایران به‌پاریس رفت .
● مدتی در مدرسه تتبعات عالیه دانشگاه پاریس و کولژدوفرانس در باره زبانهای اوستائی،پارسی باستان پهلوی، سغدی، بلوچی وگرامرزبانهای ارمنی، گوتیك، ژرمنی و زبانشناسی عمومی‌و زبانشناسی تطبیقی هند واروپائی و ادیان و تمدن ایرانی به تحصیل پرداخت. مدتی نیز دردانشگاه‌برن سویس در لهجه های ایرانی تتبع وتحقیق نمود وبه دریافت دکترای تحقیق‌ازمدرسه تتبعات عالیه موفق گردید .
در سال ۱۳۴۰ بایران مراجعت نمود و مقام جانشینی‌استاد پورداود در دانشگاه تهران‌به وی تفویض گردید و زمان در دانشگاه تهران به‌تدریس زبانهای : اوستائی فارسی ، باستان، پهلوی‌وکتیبه شناسی، ادبیات ایران‌پیش ازاسلام، خطوط تاریخی جهان وایران ، لهجه شناسی ، وزبانهای ایرانی وتصویر شناسی، مشغول‌است.
● فره‌وشی در سال ۱۳۳۴ به نمایندگی ازطرف دانشگاه تهران در کنگره مستشرقان دهلی شرکت کرد . وی تابحال مقالات تحقیقی وادبی درنشریات ماهنامه‌های علمی و هنری منتشر نموده و کتاب «دینکرت» را به فرانسه ترجمه کرده است .
● کار بزرگ و کم نظیروی این کار گذاشته و در سال گذشته این کتاب منتشر شد .

برگزیده بودند درهنگام روی کار آمدن هخامنشیان به زبان پارسی هخامنشی دادند و زبان اداری هخامنشیان نفوذی از زبانهای : مادی ، ایلامی و بابلی را دراصطلاحات اداری و کشوری پذیرفت . اختلاط این زبانها با فارسی وقتی بیشتر شد که مراکز درباری مختلفی در نقاط مختلف ایران پدید آمد و شاهان هخامنشی در سال سه‌بار مقرخودرا تغییر می‌دادند. آنها معمولا بهار در تخت جمشید یعنی در میان قبائل پارسی زبان بسر می‌بردند، درزمستان به‌شوش می‌رفتند که مرکز زبان ایلامی‌بود وتابستان به همدان می‌رفتند که مرکز زبان مادی بود .

به‌این ترتیب زبان آنها نیز درعین این که دراین زبانها نفوذ می‌کردند از آنها نیز نفوذ می‌پذیرفت ولی چون فارس باستان‌از این نظر که زبان دولت بود قوی‌تر از همه بود ، مانند موجی پیش می‌رفت وآن زبانهای دیگر را از میان می‌برد . نفوذ این موج در زبان مادی کمتر بود زیرا زبان مادی ازنظر ساختمان مانند فارسی باستان بود . اما نفوذ آن در زبان غیرایرانی ایلامی چنان بودکه پس از چندی دیگر اثری از آن باقی نگذشت .

تلاش : در اینجا بهتر است در باره خاصیت اصلی زبان باستان صحبت کنیم و بدانیم حالت تصرفی آن چه شکلی داشت بخصوص صرف اسم و فعل ...

فره‌وشی : خاصیت اصلی زبان فارسی باستان حالت تصریفی آن است و در آن اسم و فعل هردو صرف می‌شوند .

تعریف اسم باسایش آخر کلمات رفته رفته درزبان درباری ازبین رفت و هنگامی که به دوره اشکانیان می‌رسیم ازصرف اسم درزبان پهلوی اشکانی دیگر اثری نیست ولی لهجه‌های غیردرباری آن به‌زندگی قبلی‌خود ادامه داده و صرف می‌شوند .

تلاش : دراینجا باید زبان دوره اشکانی را عنوان کنیم و درباره‌اش‌حرف بزنیم واین مساله را بشکافیم‌که دراثر چه‌تطوروتحولاتی زبان دوره اشکانی بازبان دربار هخاهنشی بهم آمیخت و سرنوشت زبان دوره اشکانی به کجا انجامید و دنباله این زبان در روزگار ما به‌چه شکل و هیئتی درآمد ؟

فره‌وشی : در دوره اشکانیان زبان آنان که یك لهجه شرقی بود زبان درباری گشت و دربار آنان که ابتدا در شرق ایران زمین بزرگ بود ، اندك اندك راه جنوب پیش گرفت و سپس بسوی غرب ، بطرف مداین، رفت بااین تغییر، دربار لهجه شرقی اشکانیان وارد محیط لهجه‌های‌غربی‌گشت و اندك‌اندك بازبان دربار هخامنشی آمیخته شد زیراقسمت اعظم بزرگان اشکانیان زاتمام سرداران و شاهزادگان هخامنشی تشکیل می‌دادند.

در زبان ایندوره عناصر لهجه شرقی بر لهجه جنوبی می‌چربد . در هنگام سلطنت اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی یکی از شاهزادگان پارس اردشیر بابکان که‌خویشتن را از نوادگان شاهان هخامنشی می‌دانست براردوان طغیان کرد و اندك‌اندك زمام‌امور را دردست‌گرفت و شاهنشاهی نیرومندساسانی راپی‌افکند.زبان او ودربار وی دراین هنگام زبان‌تحول‌یافته پارسی‌باستان بودکه‌در فارس و در دربارهای کوچك شاهزاده های پارس بدان تکلم می‌شد . هنگامی که دربارساسانیان باوج شکوه خود رسید عده‌ای از بزرگان دربار اشکانی نیز درآن راه یافتند و این‌بار یك زبان درباری بوجود آمد که عنصراصلی آن زبان ناحیه جنوب بود و مقدار زیادی کلمات پارتی و اشکانی درآن راه یافته بود در ادبیات پهلوی ایندوره کلمات مترادفی می‌بینیم که پس از تحقیق معلوم می‌شود یکی به‌لهجه اشکانی است و دیگری به لهجه‌ساسانی که پابپای همدیگر درزبان ساسانی پیش‌می‌روند نمونه این کلمات کلمه دزو دژ است‌که اولی از زمینه زبانی جنوب است و دومی از آن شرق است .

و هردو تابامروز هم در زبان فارسی باقی مانده‌اند .

در دوره اشکانیان بواسطه محل دربار آنان که تیسفون بود و هم مرزبا سرزمین زبانهای سامی بود یکرشته از لغات سامی‌وارد زبان دوران ساسانیان شد و بعکس بسیاری از لغات پهلوی مربوط به‌تمدن و تشریفات وعلوم و فنون وارد زبانهای سامی از جمله عربی شد کلماتیکه وارد زبان فارسی شده بودند چون زبان فارسی زبانی ترکیبی است آنها را بدون تغییر و فقط باترکیب باکلمات دیگر بکار برد . اما سرنوشت کلمات پهلوی که داخل در زبانهای آرامی شده بودند طور دیگر بود و چون زبانهای سامی ازنوع زبان های قالبی هستند کلمات پهلوی در قالب حالت های گوناگون دستوری آنان ریخته شد و باشکالی درآمدکه یکقرن بعد هویت آنها دیگر شناخته نمی‌شد .

زبان دربار ساسانی که باین نحو تکوین شده بود تا مدتی پس از حمله عرب بهمان نحوباقی ماند حتی در دربار خلفا دفاتر دیوانی رابخط و زبان پهلوی می‌نوشتند .

درهنگام خلافت اسلامی زبان فارسی‌بار دیگرتابع‌زبان دربارگشت اما این بارمقاومتی سخت از خود نشان داد و نفوذ دربار درزبان منحصر به‌دخول تعدادی کلمات عربی در زبان فارسی شد .

یکی‌ازبزرگترین‌شاهکارهای ملیت‌ایرانی دراین دوره نپذیرفتن زبان ملت غالب بود . ومنشاء بقای ملت ایران نیز همین بود زیرا درهمان اوقات می‌بینیم که ملت‌های کهنسال مانند مصر زبان خود رافراموش کرده وزبان ملت غالب یعنی عربی را پذیرفتند . وبکلی ملیت خویش را از دست دادند وحتی نژاد خویش رانیز فراموش کردند و از نظر زبان شناسی اگر ملتی دستور زبان ملت دیگر را بپذیرد زبان خود را ازدست داده است ولی اگر چهارچوب دستوری خود رانگاه بدارد، اگر هزاران لغت هم ازملتی دیگر بپذیردباز زبانش اصیل باز خواهد ماند.سرنوشت‌زبان فارسی نیز چنین بود بسیاری از لغات عربی را پذیرفت ولی چون دستور زبان خود را فراموش نکرد ، زبان فارسی خاصیت اصلی خود را ازدست نداد. اما پوشیده نماند که تعداد بسیاری از لغاتیکه ملت ایران به‌عنوان لغت عربی درداخل زبان خود پذیرفته بود همان لغاتی بودند که آنها را خود بزبان سامی عاریت داده بود ودیگر بارآنها رادست وپا شکسته و قالب شده در قالب‌های عربی بازگرفته بود .

تعداد این واژه‌ها که در نظر اول شکل عربی دارند ودراصل فارسی یا پهلوی هستند بسیار زیاد است که برخی از آنها بااندك تحلیل هویت خود را آشکار می‌سازند و بقیه توسط روشهای زبان شناسی اصل خود را روشن می‌سازند.

مثلا: یکی از کلماتیکه در زمان‌ساسانیان به‌عربی راه یافته کلیه «زیبق» است که شکل آن کاملا عربی است اما دراصل کلمه‌پهلوی «زیوك» است بمعنی : زنده‌یعنی فلززنده که همان جیوه فارسی است وکلمه جیوه تحول دیگر همین کلمه‌پهلوی است .

از این نوع کلمات درزبان عربی‌هزاران مثال می‌توان نشان داد .

اما زبانیکه کلمات عربی را پذیرفته بود منحصر بهمان‌زبان حکومت‌بود ودرگوشه و کنار ایران مردم شهر وروستا بزبانهای اصلی خویش که ازریشه‌های کهن سرچشمه گرفته بودند سخن می‌گفتند وامروز نیز این مردم بهمان زبانها درگویش‌های محلی خودصحبت می‌کنند و همیشه حتی درمراکز حکومت‌در دورانهای بعد از اسلام زبان عامه مردم با زبان کتبی که مخلوط باکلمات عربی بود فرق داشت. یعنی درهنگامی‌که فلان فرمانروا در زبان کتبی چند کلمه عربی بکار می‌برد چند قدم دورتر از مرکز حکومت مردم کوچه و بازار بزبانی عاری ازعربی سخن می گویند چنانکه درتهران‌امروز نیز می‌بینیم که مردم کوچه و بازار بزبانی صحبت می‌کنند که فقط چهار یاپنج درصد کلمات عربی دارد .

تلاش : بنظر می‌آید که دوره مشروطیت راباید دوره تحول زبان فارسی دانست. در حقیت دراوان این دوره است که زبان فارسی

وارد مرحله تازه‌ای از زندگی خود می‌شود پیش از آن یعنی درروزگار قائم مقام فراهانی و بخصوص درمنشات او و دریکی دوسفرنامه دیگر که محصول همان دورانهاست نثرفارسی چهره تازه‌ای نشان می‌دهد و خود را بمقدار زیاد و قابل توجهی از لفافه تکلف و تصنع و تعقید و ابهام می‌رهاند و نثر فنی مغلق و پیچیده «تاریخ و صاف‌الحفره» و «دره نادری» و امثال آنها جای خود را به نثر مترسلانه و نوشته‌های امیرکبیر و قائم مقام فراهانی می‌سپاردونثر فارسی کم‌کم واژه‌های مهجور و مغلق عربی را رها می‌کند ، تا می‌رسیم به «چرندوپرند» که چهره تازه و تقریبا سالمی است از نثر فارسی بااسلوبی نوین و تکنیکی جدید که در حقیقت طنز ادب امروز هم به مقدار زیادی مدیون آن نوشته‌ها است وطنز نویسی طنزسرائی پس‌از عبید زاکانی و حافظ بهمراه نثری سلیس و دور از تعقید چهره خود را می‌نمایاند وپس از «چرندوپرند» است‌که نثر وزبان فارسی راه نسبتا صحیح خود را دنبال می‌کند ، میرسیم به نویسندگان دیگر که تلاشی بسیار دارند در «فارسی نویسی» و بعد فرهنگستان ایران که می‌خواهد تکلیف زبان فارسی را روشن کند.

بااین توضیح می‌خواهیم بدانیم درباره زبان امروز فارسی و نویسندگانی‌که امروز آنرا بکار می‌برند چه عقیده‌ای دارید ؟

«فارسی نویسی» ازمنزل اول چطوربراه افتاده و حال درچه وضعی است و بخصوص عقیده‌تان درباره فرهنگستان ایران‌چیست وآیا نویسندگان امروز مازبان فارسی راواقعا می‌دانند یاخیر ؟

فره‌وشی : از دوره مشروطیت و کمی پیش از آن تحولی در زبان فارسی توسط جوانان ایجاد شد وآنان سعی کردند هرچه بیشتر زبان فارسی را ازکلمات مشکل عربی خالی کنند و چون زمینه برای این کارآن طور که باید مساعد نبود بسیاری از آنان دست بسوی دساتیر بردند وکلمات غلط آنرا درنوشته های خود آوردند . اما رفته رفته فارسی نویسی روش درست خود را یافت و بجای کلمات دساتیری واژه‌های صحیح بکار رفت و جوانان سعی کردند درجائیکه در برابر کلمات عربی واژه‌های فارسی وجود داشت کلمات فارسی را درنوشته خودبنشانند.

فرهنگستان ایران‌باآن که‌بسیاری کلمات نابجا ساخت که مردم آن را نپذیرفتند باز خدمتی به تجدد زبان فارسی کرد . ساخته های نابجای فرهنگستان درآن‌زمان‌نیز گناهی محسوب نمی‌شود. باید هرفرهنگستان‌مقداری واژه ازروی اصول بسازد و بمردم عرضه کند اماملاك اصلی قبول عامه‌است. ذوق‌مردم ایران از میان واژه‌ها ، فرهنك را بجای معارف، ودادگستری رابجای، عدلیه ودبستان ودبیرستان را بجای مدرسه پذیرفت ولی بسیاری دیگر را نپذیرفت.

بحث درباره «فارسی نو» را بکسانیکه بیش از من دراین مورد صلاحیت دارند واگذار کنید. بطور اجمال باید گفت که در این نهضت‌زبانی،جوانان بیش‌ازسالخوردگان سهم دارند و نیز بی‌آنکه خدمات نویسندگان دیگر رانادیده بگیریم باید گفت که استاد ابراهیم پورداودیکی‌ازبرجسته‌ترین‌نمایندگان تحول نثر فارسی در دوران معاصر است . ودوره تفسیر اوستا و کتابهای دیگر ایشان ونیز درهنگام بیست و پنج سال تدریس در دانشگاه تاثیر زیادی در طرز نگارش جوانان کرد و در جوانان عشق به فارسی نویسی را برانگیخت . واما درمورد نویسندگان امروز بنظر من جوانانی که روش دستوری زبان فارسی رامراعات می‌کنند ودر نثرخود تکلف بکار نمی‌برند ، همه خوب می‌نویسند . ولی آنجا که می‌خواهند بجای یك کلمه نامانوس عربی کلمه فارسی بنشانند گاهی دچار اشتباه می‌شوند و واژه‌هائی از خود می‌آفرینند که مطابق اصول دستوری و زبان شناسی فارسی نیست . من‌درعین این‌که این‌کوشش آنها را می‌ستایم و روش آنها را پسندیده می‌دانم بآنها توصیه می‌کنم که در ساختن واژه‌های فارسی، که اتفاقا درمورد هنر وعلوم احتیاج زیادی بآنهاداریم، قواعدزبان‌فارسی وپهلوی را رعایت کنند .

گاهی اتفاق می‌افتد که در این نوشته‌ها معنی «فدا»ی لفظ می‌شود و بعقیده من اگر مثلا در برابر کلمه خارجی « سمبولیسم » نتوان معادل فارسی زیبا و درستی پیدا کرد باید همان کلمه فرنگی « سمبولیسم » را با تلفظ فرانسوی آن که بگوش ایرانیان بیشتر آشناست بکار برد . یا در برابر اصطلاحات، هنری و معماری زبانشناسی و غیره اگر معادلی نیابیم که از نظر تلفظ زیبا باشد هیچ عیبی ندارد که معادل اروپائی آنها را بکار ببریم زیرا در هر صورت زمینه زبان ما هند و اروپائی است و تاموقعی که معادل های درست و زیبائی برای این کلمات نیابیم می توانیم آنها را بعاریت بگیریم .

تلاش : درمورد پیشرفت زبان فارسی چه باید کرد ؟

فره‌وشی : هر زبانی‌که بخواهد پیشرفت کند خواه ناخواه باید سابقه کهن خویش را از نظر دور ندارد . در زبانهای اروپائی بهنگام واژه سازی بیشتر به زبانهای یونانی و لاتینی نظر دارند . در دبیرستان های کشور های غربی فرا گرفتن زبان های کهن لاتینی و یونانی که منشاء زبان های غربی است اجباری است رابطه زبان فارسی ما با زبان پهلوی خیلی نزدیکتر از مثلا رابطه زبان فرانسه با زبان لاتینی است . آنها برای غنی‌کردن زبان خود و پروراندن زبان، به دانش آموزان خود یونانی و لاتینی می آموزند . ولی ما بهیچ وجه اعتنائی بسابقه زبان خود نداریم و در دبیرستان های ما بجای این که به ریشه های زبان فارسی اعتنا شود به دانش آموزان زبان عربی آموخته می‌شود و همه ما می‌دانیم که این طرز آموختن عربی سودی جز از میان بردن عزیز ترین اوقات تحصیل دانش آموزان ندارد .

تمام کسانی که تحصیلات عالی کرده‌اند شش سال در دبیرستان و شاید چندین سال در دانشگاه ها زبان عربی خوانده‌اند وامروز نه‌تنها عربی‌نمی‌دانند بلکه‌یکنوع سرخوردگی نیز بناحق از این زبان دارند . من مخالف تدریس زبان عربی در دبیرستان‌ها نیستم ولی منظورم این است که زبان عربی نیز اگر بناست در دبیرستان ها تدریس شود باید آن را مثل یك زبان زنده ، مثل زبانهای فرانسه‌و انگلیسی و آلمانی در دبیرستانها آموخت .

تلاش: میفرمائید به‌دانش آموزان چرا زبان عربی آموخته می‌شود . خوب می‌دانید که برای استفاده از متون کهن ادب فارسی ما احتیاج مبرم و اجتناب ناپذیری به زبان عربی داریم،مثلا مثنوی را مثال می‌زنم ، اگر یك محصل امروزی عربی نداند چطور می تواند از این کتاب استفاده کند ؟ یا گلستان را بگوئیم و ده ها کتاب دیگر از این قبیل آیا می‌توان نفوذ واژه های عربی را برزبان ما نادیده گرفت ؟

البته این حرف دلیل این نیست که ما دو دستی به آموختن زبان عربی بچسبیم فقط می‌خواهم نظرتان را در مورد این مشکل بدانم .

دکتر فره‌وشی : زبان فارسی‌ما ازعربی مقداری لغت آنهم بصورتی که گذشت به عاریت گرفته است و ما و دانشجویان ما برای فهم تعدادی لغت احتیاج به صرف و نحو عربی ندارند و بیچاره جوانان ما که گاهی دستور زبان فارسی را خوب نمی‌دانند شایسته نیست مغز خود را برای تعریف کلمه « اشمئزاز » که ذوق از آن مشمئز است خسته کنند . برای آنها کافی است که فقط معنای لغات عربی را بدانند و یاد بگیرند و آنها را می‌توانند در خود متون فارسی بخوانند . مثلا خواندن یك کتاب « مرزبان نامه » یا کلیله یا گلستان و دانستن معنای لغت عربی آنها به تمام احتیاجات فهم زبان فارسی آنها پاسخ می‌دهد .

تلاش : خوب بقیه نظرتان در باره پیشرفت زبان فارسی ؟

فره‌وشی : ــ چه خوب بود نیمی از برنامه عربی را مثل تمام ممالك اروپائی صرف شناختن سابقه زبان خود می‌کردیم و بجای آن به دانش آموزان زبان پهلوی را به خط فارسی می‌آموختیم .

تلاش : آقای فره‌وشی ممنونیم .

داخل هتل شاه عباس اصفهان

«... واقعا عجیب است ولی من حدس می زنم شما هنوز به‌هتل شاه‌عباس نرفته‌اید چون می‌خواهید در مورد دکوراسیون آن هتل با من صحبت کنید . ببینید تاسف من از این نیست که مردم مرا نمی شناسند و یا آن طور که شایسته است پاداش مرا نمی دهند بلکه نکته‌یی که مرا ناراحت می‌کند این طرز فکر غلط است که من به جرأت می‌توانم اسمش را دزدی بگذارم . به عقب برمی‌گردم روزی که دکوراسیون هتل شاه عباس‌اصفهان را به من دادند تعجب می‌کنید اگر بگویم هیچکس حاضر نبود بامن همکاری کند . در زمان اقدام من به این کار و قبول کردن این وظیفه نه تنها کسی تشویقم نمی کرد بلکه همه سعی می‌کردند مرا از این کار باز دارند . حتی وقتی کارها را می‌دیدند . عقیده خود را هم بمن نمی گفتند . درست بیاد دارم که [illegible] همسان درجواب من که می‌پرسیدم چگونه است آیا به عقیده تو خوب است یا نه ؟ پاسخ داد : «من نمی‌دانم به من مربوط نیست .» ولی همین آقای مهندس پس از اتمام کارم درموقع بازدید توریست ها از این هتل خودش را مهندس دکوراتور این هتل معرفی می‌کرد . جالب است اگر بدانید همه کسانی که روی کار من شرطبندی کرده بودند و اعتقاد داشتند من موفق نخواهم‌شد فعلا که کار تمام شده می‌گویند این کار ماست ، این هنرماست . خوب من تا اندازه‌یی دق دلم را خالی کردم حالا اگر سؤالی ازمن دارید در پاسخگویی حاضرم .»

آری مهندس ابراهیمی در حالی که صورتش برافروخته بود با لهجه اصفهانی دق دلش را خالی کرد . این جوان موفق دوره‌ابتدایی را در اصفهان خوانده و سپس از هنرستان هنر های تزیینی فارغ التحصیل شد و چون جزء شاگردان اول وممتاز هنرسرا بود بابورسی ازطرف‌وزارت فرهنگ وهنر برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در رشته تزیینات داخلی و دکوراسیون مطالعه کرد و بعد از اتمام تحصیل به ایران برگشت ... او خود بدنبال مطالب بالا افزود که : «باید یادآور شوم که فعلا در کارم موفق هستم اما ٦ ماه اول خیلی سخت گذشت ...»

تلاش ــ از چه نظر و چرا به شما سخت گذشت ؟

ابراهیمی ــ از جهت پیدا کردن کار ، این مساله را از این نظر می‌گویم تا دانشجویانی که به ایران می‌آیند اگر در مدت ۳ ماه اول بازگشتشان کاری پیدا نکردند باز فکر ترك وطن نکنند .

تلاش ــ شما گفتید وقتی که‌تازه به‌ایران آمده بودید کاری به شما ارجاع نمی‌شد . پس چگونه دکوراسیون هتل شاه عباس را به عهده شما محول کردند ؟

ابراهیمی ــ ببینید شرکت سهامی بیمه تصمیم به ساختن هتلی گرفت‌و از وزارت فرهنك و هنر یك نفر دکوراتور برای تزیین‌آنجا خواست؛البته این را هم بایداضافه کنم که شرکت سهامی بیمه ایران می‌خواست این‌تزیینات شبیه‌تزیینات قرن ۱۷ ایران باشد . کار مشکلی بود ، از این نظر که دیگراستاد کاران این نوع کار نمی کردند و شاگردان هم مهارت لازم‌رانداشتند. بالاخره تصمیم گرفتیم واستادکاران را راضی کردیم که شاگردان هنر های زیبا را تعلیم بدهند . کار هتل شاه عباس را با همکاری پنج نفر شروع کردیم و در موقع اتمام این کار ، تعداد کسانی که با ما همکاری کردند به سیصد نفررسید، بقیه کسانی بودند که به تدریج تربیت کردیم . کار هتل شاه عباس آن قدر جالب بود که روز افتتاح شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت‌فرح حدود ۱٫۲۰ ساعت مشغول تماشای دکور قسمت‌های مختلف هتل‌بودند.

تلاش ــ آیا دکور «کینگز» هتل ، دومین کار بزرك شماست؟

ابراهیمی ــ بله در این هتل تقریبا همه هنرمندان هتل شاه‌عباس کار می‌کنند .

تلاش ــ با این دو نمونه کار حتما به شما پیشنهاد های دیگری‌هم شده است .

ابراهیمی ــ درست است ولی متاسفانه نمی‌توانم بگویم در کجا مشغول کار هستم . در مدت چهار سال بازگشتم به ایران جز چند ماه اول هیچگاه بیکار نبوده‌ام . البته باید بگویم که همه کاری را هم قبول نمی‌کنم .

تلاش ــ آیا این کار تازه شما که نمی خواهید نامی از آن برده شود باز هم یك سبك ایرانی است یا سبك های مدرن است ؟

ابراهیمی ــ من اصلا با کپی کردن استیل های فرنگی مخالف هستم و سعی می‌کنم کارم ادامه هنر ایرانی باشد تا این که ماهم صاحب یك‌سبك (استیل) بین‌المللی بشویم که مطابق با روحیه و آب و هوا و سلیقه مردم ایران باشد . روحیه یك ایرانی باروحیه یك نفر از مردم اسکاندیناوی از جهت دکور و تزیین خیلی فرق می‌کند . هوای روشن و افق باز ایران به ما این اجازه را می‌دهد که روحیه‌یی تزیینی‌تر از مردم سایر کشور ها داشته باشیم . همان طور که در طول تاریخ می‌بینیم هنر ایران پرکارتر از هنرکشور های دیگر است .

تلاش ــ آیا در فرانسه سبك های دوره های مختلف ایران را هم مطالعه می‌کردید ؟

ابراهیمی ــ نخیر ما درمدرسه عالی هنر های تزیینی چنین‌رشته‌ای نداشتیم . ولی من خارج از محیط دانشکده به مطالعه هنر و تاریخ‌هنر ایران می پرداختم ، بخصوص که یك سال مانده به اتمام تحصیل‌باید دوتز می‌نوشتم ، که هردو را با مطالعاتی که راجع به هنر ایران در ایران‌داشتم نوشتم.یکی‌درباره فردوسی که مربوط به‌تاریخ ادبیات بود . البته باید بگویم این یك تز مصور بود و یکی از تابلو های مربوط‌به آن را موزه «آرمدرن» پاریس از من خرید . یکی دیگر نفوذ رنك های شرقی در هنر (شیشه رنگی) «ویترای» بود . البته همه این مطالعات با آمدن به ایران تکامل یافت چون اکنون در گنجینه آنچه می خواهم هستم.

تلاش ــ راجع به تابلو های نقاشی‌صحبت کردیدآیا علاوه‌بردکور

نقاشی دیوار در داخل یك هتل در تهران

در رشته نقاشی هم مطالعه و ذوق دارید ؟

ابراهیمی ــ بله چون علاوه برتحصیل دکور رشته نقاشی را هم مطالعه کرده‌ام . درحدود ٦نمایشگاه نقاشی در فرانسه گذاشتم . از این ٦ نمایشگاه پنج‌تا دسته جمعی‌بود و یکی هم شخصی که در پاریس‌ترتیب دادم . ولی باید بگویم ، برداشتی که اروپایی ها از دیدار تابلو های من داشتند این بود که کار های من ایرانی است و روحیه ایرانی مرا می‌رساند .

تلاش ــ فرض کنیم ایــن مدرسه عالی هنر های تزیینی‌پاریس از شما بخواهد که استادی هنــر ایرانی را در آن مدرسه به عهده بگیرید قبول می‌کنید ؟

ابراهیمی ــ من فکر نمی‌کنم که آن دانشکده چنین پیشنهادی به من بکند . مهمترین دلیلش این است که آن ها راهی را انتخاب کرده‌اند که با روش ما به طورکلی متفاوت است . در فرانسه انــواع و اقسام مصالح مدرن و نو وجود دارد که ما در ایران نداریم . در ثانی شرایطی که یك استاد باید داشته باشد خیلی سخت است ومن فکر می‌کنم احتیاج به مطالعات دقیق و طولانی دارد . سال ها طول می‌کشد تا یك فارغ‌التحصیــل بتواند به این مقام برسد .

تلاش ــ چطورباٌسال مطالعه در دکورهای مدرن هنوز شما به هنرقدیم ایران گرایش دارید ؟

ابراهیمی ــ هرکس درزندگی هدفی دارد که برای رسیدن به آن هدف کوشش می‌کند، من هم می خواهم در ادامه هنر ایران یــك سبك و استیل بین المللی بــوجود بیاید که منطبق با روحیه ایرانی باشد ، یك‌بیننده فوراً از مشاهده آن متوجه شودّ که این یك سبك زیبا و خوب ایرانــی اســت . بــاید تــوجــه داشت کــــه سبك هنر ایران منبعی ٥٠٠٠ ساله دارد که بسیار غنی است درتکامل این هنر و ادامه‌آن‌ازآنچه‌خوانده‌ام استفاده می‌کنم ، و هریك یا دوسال یك مرتبه به کشورهایی که ازجهت هنر پیشرفته هستند مسافرت می‌کنم و درباره آخرین روش‌ها و طرح ها مطالعه می‌کنم .

تلاش ــ خوب برمی‌گردیم به

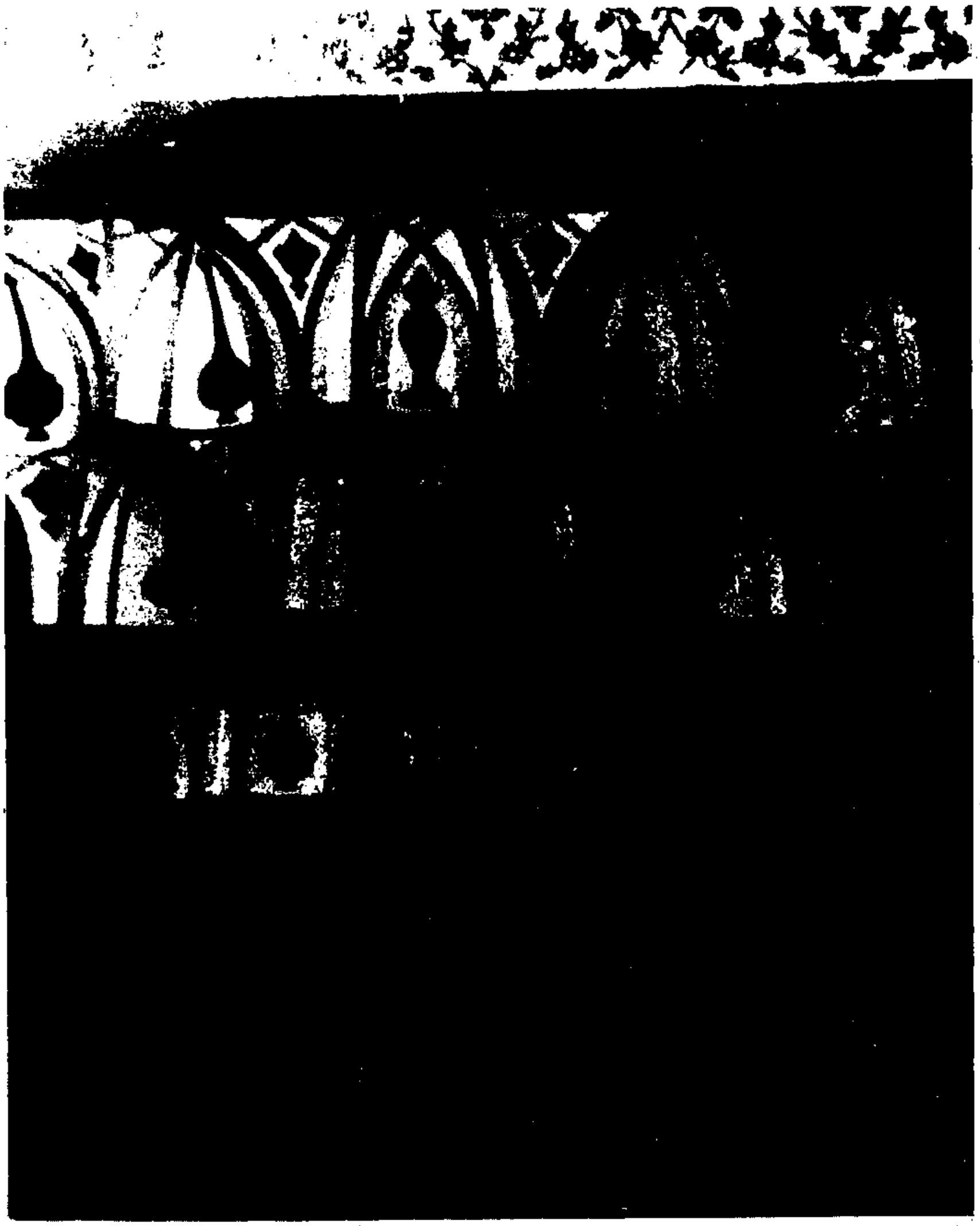

سقف داخل اطاق

سر ستونی در یکی ازهتل‌های پایتخت

هنر و استعداد و ذوق نقاشی . شما در چه مایه و سبکی کار می‌کنید؟

ابراهیمی ــ اگر بخواهید کار مرا جزء مکتب های نقاشی بیاورید من در مایه «آبستره فیوگراتیو» کار می‌کنم که جزء کارهای مخصوص است . چون من در کار های نقاشیم بجای رنك سعی می‌کنم و می‌خواهم بیشتر از مصالح استفاده کنم ، همان طور که تاکنون چنین بوده ، و فکر می‌کنم این روش مخصوص خود منست . این مایه دارای پستی و بلندی و بعدهایی است که مشاهده آن یك نوع احساس حقیقت به انسان دست می‌دهد .

تلاش ــ آیا تصمیم ندارید در ایران هم یك نمایشگاه نقاشی ترتیب بدهید ؟

ابراهیمی ــ فعلا خیر ، چون بازار نقاشی خیلی گرم است .ولی امکان دارد بعدا به اتفاق همسرم یك نمایشگاه ترتیب بدهیم .

تلاش ــ درمورد نقاشان معاصر ایران چه عقیده‌یی دارید ؟

ابراهیمی ــ من بجز دو سه‌تن از نقاشان بقیه را قبول ندارم . چون کارهایشان خیلی اولیه است و اصولا در این کار خیلی کم تجربه هستند .

تلاش ــ آیا این دکور وبطور کلی کارهایتان بعد از مدتی برای شما عادی می‌شود یا همیشه‌برایتان زیباو دوست داشتنی است .

ابراهیمی ــ بعد از اتمام یك کار ، وقتی درباره‌اش فکر می‌کنم این احساس به من دست می‌دهد که اصلا آن کار مال من نیست . درست مثل یك الهام است که پس‌از مدتی محو می‌شود . من با مشاهده کارهایم تاسف می‌خورم ، چون فکر می‌کنم من از این بهتر می‌توانستم بسازم .

تلاش ــ آیا این بخاطر آن نیست که بعد از تهیه طرح آن را مطالعه نمی‌کنید ؟

ابراهیمی ــ بعد از تهیه یك طرح ٦٠ تا ٨٠ درصد امکان‌دارد آن را به‌کلی عوض کنم مخصوصا موقع انجام و پیاده کردن آن ، چون به‌نظر من کارهای هنری در یك زمان‌متوقف نمی‌شوند بلکه‌دارای حرکت تکاملی هستند واین حرکت باید بوسیله طراح صورت بگیردتا تکامل مورد نظر حاصل شود .

تلاش ــ این تغییرودگرگونی بخاطر روحیه متغیر شماست یاعلت دیگری دارد ؟

ابراهیمی ــ شرایط زمانی و آب و هوا و حتی تغییرات جوی در روحیه یك نفر آرتیست تاثیر فوق‌العاده‌یی دارد . البته مواقعی هم هست که از کار سیر می‌شوم بطوری که گاهی تصمیم می‌گیرم دیگر دست به کارهای مربوط به دکور نزنم .

باید اینجا متذکر شوم که‌کپی کردن از هنر کشورهای بیگانه خطر بسیار بزرگی است برای هنر ایران .

تلاش ــ آیا فکر می‌کنید مسافران این‌هتل‌ها که اغلب‌خارجی هستند از این دکوراسیون خوششان بیآید ؟

ابراهیمی ــ تجربه نشان داده است که فرنگی ها در این نوع‌هتل که تزیینات شرقی دارد خیلی‌بیشتر راضی بوده و آرامش بیشتری‌بدست می‌آورند ، چون یك توریست به خاطر خصوصیات‌مخصوص یك‌کشور آنجا را برای‌دیدن انتخاب می‌کند ومطمئنا خوشحال خواهد شد اگر نظیر همان اتاق‌ها وهمان‌سرسراهایی را که در کشورش وجود داردنبیند همان‌طور که توریست‌ها از هتل‌شاه عباس بسیار خوششان می‌آید و احساس رضایت بیشتری می‌کنند و بسیار مورد توجه‌شان قرار گرفته مطمئنا مسافرانی هم که به کینگز هتل می‌آیند از دکوراسیون آن که دارای یك سبك صد درصد شرقی است خوششان خواهد آمد .

تلاش ــ اصولا کارتان محدود می‌شود بکارهایی از این قبیل ؟

ابراهیمی ــ نخیر . من‌کارم را محدود نمی‌کنم . ولی معمولا برایم مهم است که بدانم برای کی کار می‌کنم و بدانم طرف من‌صاحب چه سلیقه و ایده‌یی است .

تلاش ــ منظورتان راواضح‌تر بگویید .

ابراهیمی ــ یك عده هستند که وقتی برای انجام کاری به من مراجعه می‌کنند وظیفه‌ام راهم به من دیکته می‌کنند . طبیعی‌است که این نوع کارها را قبول نمی‌کنم و اصولا از نظر من صحیح نیست . چون این ما هستیم که در این رشته تحصیل و مطالعه کرده‌ایم بنابراین هرگاه یك نفر بیاید و با من مشورت کند راهنماییش می‌کنم ولیکن من شخصا اجازه نمی‌دهم که کسی در مورد کارم به من دستور بدهدچونکه اصولاهنرمند احتیاج به آزادی عمل دارد .

البته این را هم باید اضافه کنم که در موقع تزیین منازل‌مدتی با افراد آن خانواده صحبت کرده ودر حقیقت سلیقه آن‌ها را بدست می‌آورم و در نظر می‌گیرم . چون می‌خواهم کارم مورد توجه و مطابق ذوق و سلیقه صاحب کار باشد . برای این که باید مدت طولانی در آن منزل زندگی کنند و در نتیجه احتیاج به آرامش دارند . بر سر این مساله اتفاق افتاده که گاهی کارهای بزرك را رد کرده‌ام ودر عوض کارهای خیلی کوچك را قبول کرده‌ام .

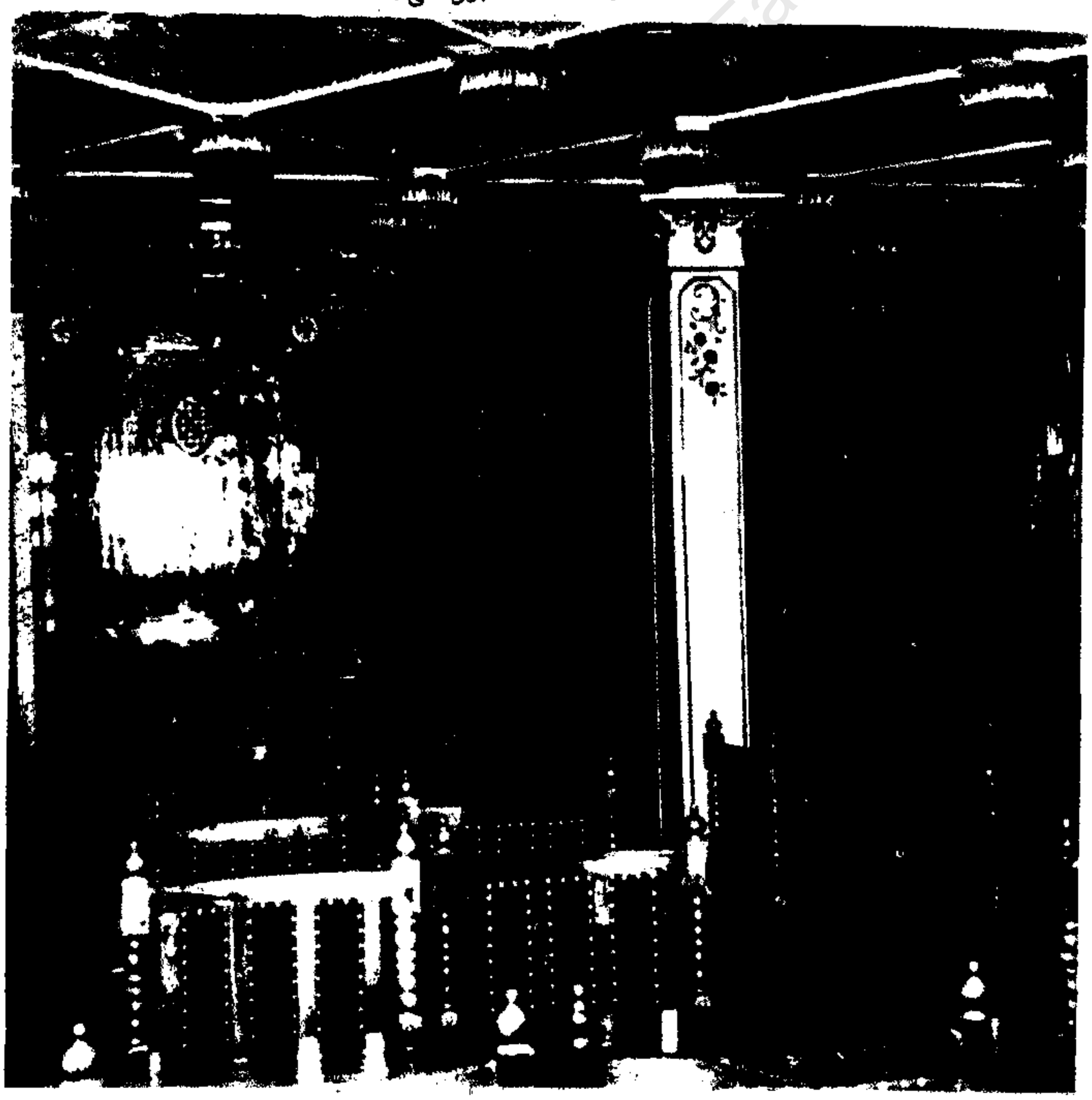

سالن ناهارخوری با نقاشی روی دیواری در تهران

مهمترین مراکز تولید مخمل در ایران در حوزه کویر مرکزی قرار داشته است

● در پارچه‌های مخملی زمان صفویه انواع گل ها و سبزه ها ، درخت های مخروطی شکل ، طرح های آرابسك، منظره پرندگان و آهوان ، چشم انداز های طبیعت وداستان‌های عاشقانه مثل لیلی و مجنون و خسرو شیرین منقوش است . گل مورد علاقه هنرمندان دراین دوره گل های‌سوسن ، زنبق و گل سرخ بوده است .

● در دنیای آن روز پارچه‌ای زیباتر و هنرمندانه‌تر از زری و مخمل ایران یافت نمی‌شد .

● شرق شناسان بزرگی چون پروفسورپوپ وپروفسورویلسون معتقدند که بافتن پارچه های زری از ابداعات ایرانیان است .

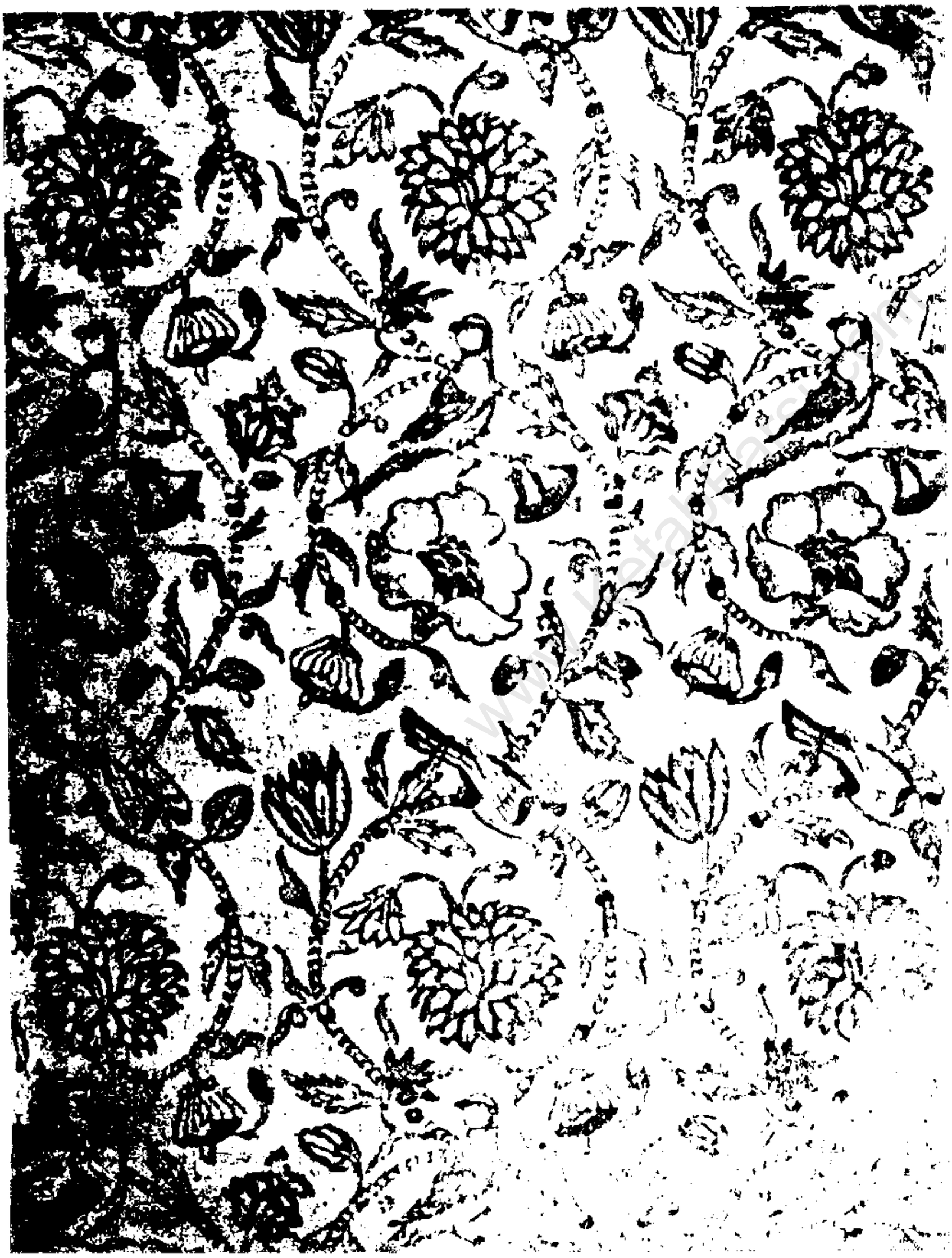

نقاشی روی مخمل، مربوط به قرن ۱۷

تنها کمبود صنعت ایران که بسیار هم چشمگیر می‌باشد کمبود جوانان متخصص ایرانی است .

تلاش ــ قدیمی ترین قطعه مخمل موجود در دنیا فعلا در کجاست و بوسیله کدام کشور تهیه شده و اگر ممکن است تاریخچه آنرا بگوئید .

لاجوردیان ــ بطور دقیق نمی‌توان قدیمی ترین مخمل موجود در دنیا را تعیین کرد .

می‌دانید که تغییر یك سبك هنری و صنعتی اغلب دویست تاسیصد سال طول می کشد و بنابراین تشخیص تقدم و تاخرآثاری که در یك دوره مخصوص ساخته شده تقریبا غیر ممکن است .

اما می‌توانم چند تا از قدیمی ترین قطعه‌های مخمل‌موجود در دنیا راکه‌اغلب در ایران بافته شده برایتان نام ببرم ، باآنکه مدارك ما از ادوار قبل از اسلام ایران مخصوصا در زمینه صنعت نساجی بسیار قلیل است اما اکنون در موزه های کلیسا های بسیار قدیمی اروپا می‌توان نمونه هایی از زری و مخمل ایران در عهد ساسانی را مشاهده کرد .

این نمونه‌ها که دارای متن های گلدار، منقش یا ساده هستند لفاف اشیاء مقدسی بوده‌اند که در اروپای قدیم در کلیسا ها نگهداری می‌شده است ، و دلیل انتخاب آنها هم اینست که دردنیای‌آن روز پارچه‌ای زیبا تر و هنرمندانه تر از زری و مخمل ایران یافت نمی‌شد .

از این ها گذشته نمونه های باارزش و قدیمی مخمل های ایران که در عهد صفوی بافته شده است در موزه های دنیا وکلکسیون های شخصی فراوان است که چند تایش را برایتان نام می‌برم و جالب است بدانید که اغلب اینها در شهر کاشان وبوسیله بافندگان هنرمند این شهر بافته شده است .

یکی از مخمل های معروف کاشان در موزه شهر ونیز ایتالیا است و عمدا نقش مسیح و مریم را برای عیسویان در آن بافته‌اند ، این از کارهای بسیار زیبای کاشان است که در سال ۱۰۱۱ هجری شاه عباس کبیر برای « گریمانی » رئیس شهر ونیز فرستاده است .

سایر قطعات عالی مخمل ایران را می توان در تمام موزه های دنیا دید . از آن جمله در موزه « متروپولیتن » نیویورك‌یك قطعه مخمل عالی کاشان وجود دارد که از ترکان عثمانی در اروپا به غنیمت گرفته‌شده و نقش آن اسکندر را در حال کشتن اژدها نشان میدهد . دراین قطعه رنگهایی که بکار رفته عبارتست از قرمز و سبز روشن و آبی تیره و پرتقالی روشن و سیاه روی زمینه طلایی که شامل نسوج نقره‌یی مطلا میباشد. همچنین یك قطعه مخمل دیگر که تصویر مردی را نشان می‌دهد که مستخدمی به او میوه تعارف می‌کند و نیز یك قالی مخمل ابریشمی زربفت از شاهکار های دوره شاه عباس در موزه متروپولیتن وجود دارد .

تلاش ــ ایرانیان خودشان مبتکر مخمل بودند یا در اثر رفت و آمد باسایر کشورها مانند چین وهند به‌این صنعت دست یافته‌اند؟

لاجوردیان ــ در این موردهم نمی‌توان به طور قطع و یقین روی سنوات معینی انگشت گذاشت . البته چینی ها که نخستین بار رمز پرورش کرم ابریشم را شناخته‌بودند طبعا اول بار انواع پارچه های ابریشمی را نیز تهیه کرده بودند ، بااین حال می‌بینیم که شرق شناسان بزرگی چون پروفسور پوپ و پروفسور ویلسون معتقدند که بافتن پارچه های زری از ابداعات ایرانیان است‌که حتی در گور « شارلمانی کبیر » هم پارچه های زری ساسانی پیدا شده است .

اما در مورد مخمل باید گفت که تکامل فن مخملبافی و تهیه منسوجات مخملی به شکلی که امروز می‌شناسیم در عصر صفوی صورت گرفته و همانطور که عرض کردم شهر کاشان را باید زادگاه و محل رشداین هنر ظریف دانست . طراحی پارچه های ایران در عهد سلجوقی جنبه ظریف هنری پیدا کرد و عوامل سنتی نقاشی ایران وملل همجوار مثل درخت زندگی ، حیوانات افسانه‌ای چون شیر و گاو بالدار یا ابوالهول و خط کوفی در آن وارد شد . در عهد مغول با هنر نقاشی چینی درآمیخت و در عصر صفوی با ذوق زمان که اصطلاحاً آن را هنر شاه عباسی می‌نامند تلطیف شد و شاهکار های بی‌نظیری به وجود آورد .

مهارت استادان این فن مثل خواجه غیاث الدین علی ، محمد خان و اسماعیل کاشانی باعث شد که بتوانند باکم و زیاد کردن بسیار ظریف پود های پارچه و طول گره ها ، درخشش و گودی و بلندی به قالیچه های مخمل ، پرده‌ها و پارچه های زینتی مخمل بدهند .

در پارچه های مخملی زمان صفویه انواع گلها و سبزه‌ها ، درخت‌های مخروطی شکل ، طرحهای آرابسك ، منظره پرندگان وآهوان ، چشم‌انداز های طبیعت وداستان های عاشقانه مثل لیلی و مجنون و خسرو وشیرین منقوش‌است . گل مورد علاقه هنرمندان در این دوره گل های سوسن زنبق و گل سرخ بوده است .

بعلاوه در این عهد ، رنگهای روشن‌را که چشم را خیره می‌کرد کنار گذاشتند و از رنگهای کدر و ملایم که زندگی نداشت استفاده کردند .

بطور خلاصه صنعت مخملبافی از اواخر قرن دهم تا اواسط قرن یازدهم هجری اوج هنری خود را در ایران نشان داد .

تلاش ــ مهمترین مراکز تولید مخمل درایران‌در کدام‌استان‌هاوشهرهابوده‌است‌وآیا تاریخی از آنها باقی مانده یا ، نه ؟

لاجوردیان ــ مهم‌ترین مراکز تولید مخمل در ایران در حوزه کویر مرکزی قرار داشته و شهرهای مهمی که در آن‌مخمل وسایر بافته ها تهیه میشد عبارتند از اصفهان وکاشان ویزد ، که سابقه آن در کتابها مذکور است ومی‌بینید که این شهرها هنوز هم پیشکسوتی خود را در نساجی حفظ کرده‌اند .

تلاش ــ طبق آنچه که معروف است تا چند ده سال پیش یکی از مهم‌ترین مراکز تولید مخمل دستی کاشان بوده ، آیا این صنعت در ایران منسوخ شده واگر آری ، چرا ؟

لاجوردیان ــ متاسفانه‌لزوم بسط‌ماشینیزم هنرهای دستی را از رونق می‌اندازد ، مضافا برانکه مقدار پارچه‌یی که با دست تهیه میشود آنقدر نیست که کفاف احتیاج همه مردم را بدهد .

با اینحال تا آنجا که من میدانم هنوز هم در شهر کاشان گروهی هستند که مخمل دستی تولید می‌کنند و آنها را شرباف می گویند ، البته این مخمل ها زینتی است و بسیار هم گران است .

تلاش ــ چطور شد که شما بفکر تاسیس کارخانه تهیه مخمل افتادید و آیا انگیزه اولیه شما امکان ارضاء ذوق خودتان بوده یا استفاده مادی یا هردو ؟

لاجوردیان ــ تصدیق می‌فرمایید که با این سابقه‌یی که در مورد شهرت بافته های ایران در تاریخ داریم اسباب شرمندگی بود که مجبور شویم از خارج پارچه وارد کنیم، از طرفی ما اهل کاشان هم بودیم ومقداری دلبستگی وعلاقه‌نسبت به‌منسوجات هنرمندانه شهرمان داشتیم ، هنری که داشت از بین می رفت .

این شد که در سال ۱۳۳۵ کارخانه مخملبافی کاشان را تاسیس کردیم ، هم برای زنده کردن یك صنعت قدیمی ، هم برای ارضاء ذوقمان و هم طبعا بخاطر استفاده مادی . آنهم استفاده‌یی که در عین حال به گروه کثیری کارگر و کارمند نفع می رساند و یك حوزه صنعتی در ناحیه‌یی از مملکت ایجاد کرده است .

تلاش ــ طراحان و نقاشان شما آیا همه ایرانی هستند و طرحها و نقشه هایی که مورد استفاده قرار می‌دهید آیا از کتب و نقاشی های قدیمی استفاده می‌کنید یاطراحان ونقاشان به ابتکار خودشان طراحی می‌کنند همچنین‌رنگهایی که‌مورداستفاده قرارمی‌دهید آیا همه ساخت خارج است یا از رنك های ایرانی هم استفاده می‌کنید ؟

لاجوردیان ــ طراحان و نقاشان ما اغلب ایرانی هستند طرحها و نقشه را هم با توجه به دو مبناء انتخاب می‌کنیم ، یکی باتوجه به هنر قدیمی نقاشی و طراحی ایران ونمونه برداری از نقشه منسوجات و کتابهای قدیمی، از طرفی با توجه به روحیه نو جوئی گروهی از مردم سعی می‌کنیم با تلفیق هنر قدیم و زیبا شناسی جدید ، پسند آن گروه را هم در کار خود مورد نظر قرار دهیم نمی‌دانم چقدر در این هدف موفق شده‌ایم ولی بهر حال کوشش ما بر این بوده که از نقاشی‌های قدیمی ایرانی الهام بگیریم و روح جدیدی هم به آن بدهیم ، حتی طرحهائی هم ازسبك های مدرن مثل آبستره وغیره الهام گرفته‌ایم که الان در دسترس مردم است .

رنگها نیز به مناسبت نوع طرح انتخاب می‌شود . ماده اولیه رنك از خارج واردشده در اینجا ترکیب می‌شود .

تلاش ــ تحصیلات طراحان شما بیشتر در کجا بوده و چطور آن ها را انتخاب کرده‌اید و حداکثر حقوقی که به آنها می پردازید چقدر است و درجه تحصیلاتشان در چه حدود است ؟

لاجوردیان ــ اصولا به‌خاطر تنوع‌بیشتر و استفاده از همه شیوه های نقاشی ما کارهای طراحیمان را به طراحان مشخصی نمی‌دهیم، بعضی از آنها را به طراحان آزاد سفارش می‌دهیم وبعضی را طراحان خودمان که تجربه کافی هم دارند تهیه می‌کنند .

در میان این گروه یعنی طراحان آزاد و طراحان خودمان کسانی هستند که در خارج تحصیل طراحی و نقاشی کرده‌اند ویا در ایران در مدارس مخصوص و تحت نظر استادان فن طراحی آموخته‌اند . اما درمورد حقوق ، خودتان بهتر می‌دانید که هرچند کار هنری قابل تقویم به پول نیست ولی طراحان کشور ما جزو طبقات پر درآمد کشور هستند و ما هم معادل ارزش جاری هنرشان به آنها می‌پردازیم .

تلاش ــ سرمایه‌شما چقدراست‌وچقدراز آن پرداخت شده و در موسسه شما چند تن زن هست و آیا در هیئت مدیره زنان عضویت دارند و محصولاتی که تولیدمی‌کنید چیست؟

لاجوردیان ــ سرمایه‌ششصد میلیون‌ریال پرداخت شده است . جمع کارکنان ما اعم از کارمند و کارگر در حدود دو هزار نفر است . حدود ۱۰ درصد این عده زن هستند و در هیئت مدیره نیز هنوز کسی از خانم ها مشغول کار نیست .

تلاش ــ چه محصولاتی تولید می‌کنید ؟

لاجوردیان ــ محصولات‌مختلف‌ما عبارتنداز پتو،روتختی، کوسن مخمل، مخمل های کبریتی، مخمل نخی، شلال، شیفون ،رومبلی های درالون ، پلوش و نایلون‌و آستری حریر .

تلاش ــ متوسط سن در کارگاه چقدر و در دستگاه اداری چقدر است ؟

لاجوردیان ــ متوسط سن در کارگاه‌ما در حدود ۲۵ سال و در دستگاه اداری‌حدود ۳۰ سال است .

تلاش ــ صادرات دارید و اگر دارید به کدام کشور ها ؟

لاجوردیان ــ بخش مهمی از تولید ما به کشور های همجوار اختصاص داده شده بود که در این چند سال اخیر از آنهم‌فراتر رفته و به اروپا و امریکا رسیده است .

در عراق ، کویت ، امارات خلیج‌فارس وافغانستان علی‌رغم رقابت شدید بین‌المللی پتو و روتختی و کوسن و رومبلی های ما بازار خوبی دارد . با شوروی دو معامله بزرك رومبلی داشته‌ایم . مقداری ازمصنوعات ما در امریکا فروخته شده است . معادل چند صد هزار دلار مخمل کبریتی کاشان به رومانی صادر کرده‌ایم و هم‌اکنون نیز با چند کشور اروپایی در باره صدورمحصولات مخمل کاشان در مذاکره هستیم . و این البته شامل آن دسته از تولیدات ما که کفاف مصرف داخلی را هم نمی‌دهد مثل مخمل نخی نمی‌شود .

تلاش ــ کدام یك از محصولات شما بیشتر و کدام یکی کمتر فروش می‌رود ؟

لاجوردیان ــ بطور کلی‌تمام محصولات ما در داخل کشور تقاضا دارد و به فروش می‌رود . در میان محصولات کاشان پارچه های آستری و مخمل کبریتی از لحاظ حجم تولید مقام اول را دارند . لازم به توضیح است که بگویم همه ساله ما سعی کرده‌ایم تولید این محصولات را بالاتر بریم .

تلاش ــ حداکثر حقوقی که به‌متخصصان ایرانی می دهید چقدر است و حد اکثر حقوقی که به متخصصان خارجی می‌دهید چقدر ؟

لاجوردیان ــ حداکثر حقوق متخصصان ایرانی بالغ بر شصت هزار ریال و حداکثر حقوق متخصصان خارجی درحدود ۳۰ درصد ازاین میزان بالاتر است .

تلاش ــ محصولات مشابه محصولاتی که شما تهیه می‌کنید آیا دولت تهیه می‌کند یانه واگر آری آیا می‌توانیم بپرسیم کدام‌یك از شما جنس را ارزان‌تر تهیه و عرضه می‌کنید، چون در مورد روغن های نباتی معروف‌است که جنس کارخانه های دولتی باوجودگرانی قیمت به علت خوبی تقاضای بسیار دارد و نمی‌تواند جوابگوی بازار باشد ، آیا در مورد منسوجات هم این مطلب صدق میکند ؟

لاجوردیان ــ بیشتر محصولات ما در خوبی منحصر به فرد است دیگران تهیه می کنند ولی بخوبی مال کاشان نیست و دولت هم محصولی مشابه ما تهیه نمی‌کند . نگاه مختصری به قیمت محصولات ما و قیمتی که محصول مشابه آن در کشور های خارج

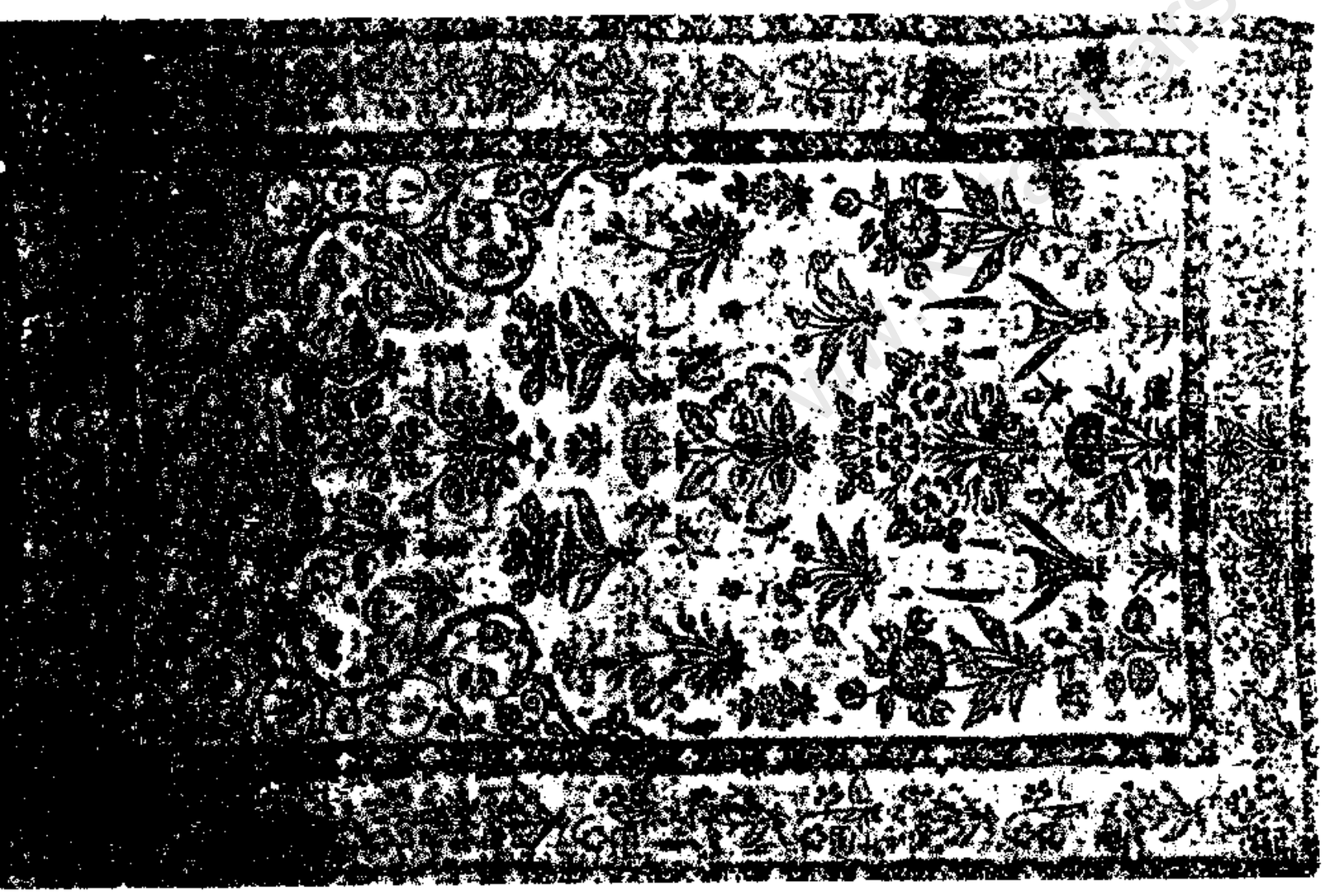

صفحه هشتادم

دارد ، نشان می‌دهد که محصول ما ارزان‌تر است و بهمین دلیل در زمینه بین المللی بازار بدست می‌آورد .

تلاش ــ پس چرا برای روغن هـای نباتی که در بخش خصوصی تهیه می‌کنند اینقدر تبلیغ می‌شود در حالیکه دولت‌تبلیغی نمی‌کند و محصولش بازار سیاه هم دارد ؟

لاجوردیان ــ در مورد روغن نباتی‌باید بگویم که تولید کارخانه دولتی چندین‌برابر از تولید بخش خصوصی کمتراست .مابهترین ماشین آلات ، متخصصان و مواد اولیه روغن نباتی را فراهم آورده‌ایم و بنابراین مسئله خوبی و مزیت کالای دیگران به هیچوجه مطرح نیست . اما بگذارید به شما بگویم اگر ما فرضا تولید روغن نباتی را به‌یك دهم حجم فعلی کاهش بدهیم جنس ما هم بدون کوچکترین تبلیغاتی نایاب خـواهد شد و بازار سیاه خواهد یافت . مساله اینست که تولید روغن نباتی کارخانه دولتی خیلی کمتر از آن است که احتیاج به تبلیغ داشته باشد و این کم بودن در اذهان عمومی تولید اشتباه می‌کند که روغن مذکور از کیفیت بهتری برخوردار است . بدیهی است بخش خصوصی که دارد بیش از سی برابر دولت ، روغن نباتی تولید می‌کند باید به کمـك تبلیغات عده بیشتری را با محاسن ومزایای روغن نباتی آشنا کند .

تلاش ــ شما در بخش های دیگری هم فعالیت دارید ، لطفا از آنها یادکنید وبهره‌ـ برداری خود را در این بخش ها مثل‌صابون و پودر ، روغن نباتی و چیزهای دیگر بیان کنید ، وبگویید آینده این بخش ها راچگونه می‌بینید ؟

لاجوردیان ــ فعالیت ما در این بخش‌ها ناشی از آن است که از نظر صنعتی کالاهایی هستند که مکمل یکدیگرند و تهیه یکی از آنها بطور انفرادی مشکل تر و پر خرج‌تر از تهیه چند کالای مکمل است و باعث‌گرانی قیمت ها و فشار به مصرف کنندگان خواهد شد . در مورد آینده این بخش ها بـاید بگویم که من آن را روشن و دارای‌پیشرفت می‌بینم ، زیرا اوضاع اجتماعی ما دارد به سرعت بهبود می‌یابد فی‌المثل هرچقدر که وضع بهداشت مردم بالاتر برود مصرف‌صابون هم بیشتر خواهد شد . بله من به آینده این صنایع در کشورمان خوش‌بین هستم .

تلاش ــ آیا سرمایه این کارخانه را در آغازکار خودتامین کردیدیا سهام آن را در بازار فروختید و تعداد افرادی که در این کارخانه سهیمند چند نفر است و سودی که به صاحبان سهام داده شده بطور متوسط چقدر در سال است ؟

لاجوردیان ــ یك عده از علاقمندان کاشان برای احیای این صنعت در شهرستان کاشان و ایجاد کارخانه مخمل سرمایه‌گذاری کردند . سهامداران این کارخانه حدود ٤٥ نفرند و هر سهم معادل ٥٠٠٠٠ ریال ارزش دارد بطور متوسط سودی که سالیانه بـه سهامداران می‌رسد ده در صد سهم ا نان‌است.

تلاش ــ سالیانه چقدر محصول تولیـد می‌کنید ؟

لاجوردی ــ در سال در حدود ٦ تا ٨ میلیون متر تولید مخمل است و برای تولید این مقدار حدود ١٨٠٠ کارگر فعالیت‌دارند ولی تعدادکارکنان کارخانه‌باضافه کارمندان جمعا ٢٠٠٠ نفر هستند .

• تلاش ــ برای تولید و توسعه بیشتر محصولات کارخانه مخمل کاشان چه‌برنامه ها و طرحهایی دارید ؟

لاجوردیان ــ کارخانه مخمل کـاشان ظرف ده سال گذشته باندازه کافی توسعه‌یافته است و فعلا نه تنها احتیاج داخلی را رفع می‌کند بلکه به کشور های خارجی هـم فرستاده می‌شود . اخیرایك قراردادبازرگانی بین شرکت سهامی مخمل ابریشم کاشان و کشور رومانی منعقد شد . به موجب این قرارداد مخمل کبریتی کاشان برای اولین بار به کشو رومانی صادر خواهد شد . در ضمن این معامله نمایندگان بازرگانی رومانی نسبت به خرید پا تختی های ابریشم که‌دارای نقش های اصیل قالی ایرانی است‌اظهارعلاقه کرده‌اند .

تلاش ــ شما که یکی از سهامداران این کارخانه هستید از اول تاسیس کارخانه در آن سهم و شرکت داشتید یا بعدا اقدام به خرید سهام آن نمودید ؟

لاجوردیان ــ موسس اصلی این کارخانه آقایان حاج سید محمود لاجوردی و حسن تفضلی هستند . ٣٢ سال داشتم که به این شرکت وارد شدم . من از اول تجارت می کردم یعنی از وقتی که دبیرستان می رفتم و ١٦ ساله بودم .

تلاش ــ شما قبل از سهامداری کارخانه مخمل کاشان تجارتخانه‌یی داشتید ؟

لاجوردیان ــ قبلا تجارت قماش ، قند و شکر و مواد اولیه قالی می کردم .

تلاش ــ شما که مدیریت امور بازرگانی این شرکت را به‌عهده گرفته‌اید چه‌تحصیلاتی کرده‌اید ؟

لاجوردیان ــ من دیپلم متوسطه را در ایران گرفتم بعد سه سال در امریکا دررشته تجارت و مالیه و زبان انگلیسی مطالعه‌کردم سپس به ژاپن رفتم و مدت سه سال سیستم مدیریت را مطالعه کردم . علاوه براین من هرسال در سمینار های مختلف مدیریت که در اروپا و امریکا تشکیل می شود شرکت می کنم . البته در ضمن کار هم تجربیاتی را بدست آورده‌ام که حائز اهمیت است .

تلاش ــ آیا کارمندان شما بیشتـر تحصیلکرده و متخصص ایرانی هستنـد یـا متخصصین و تحصیل کرده های خارجی هم دارید ؟

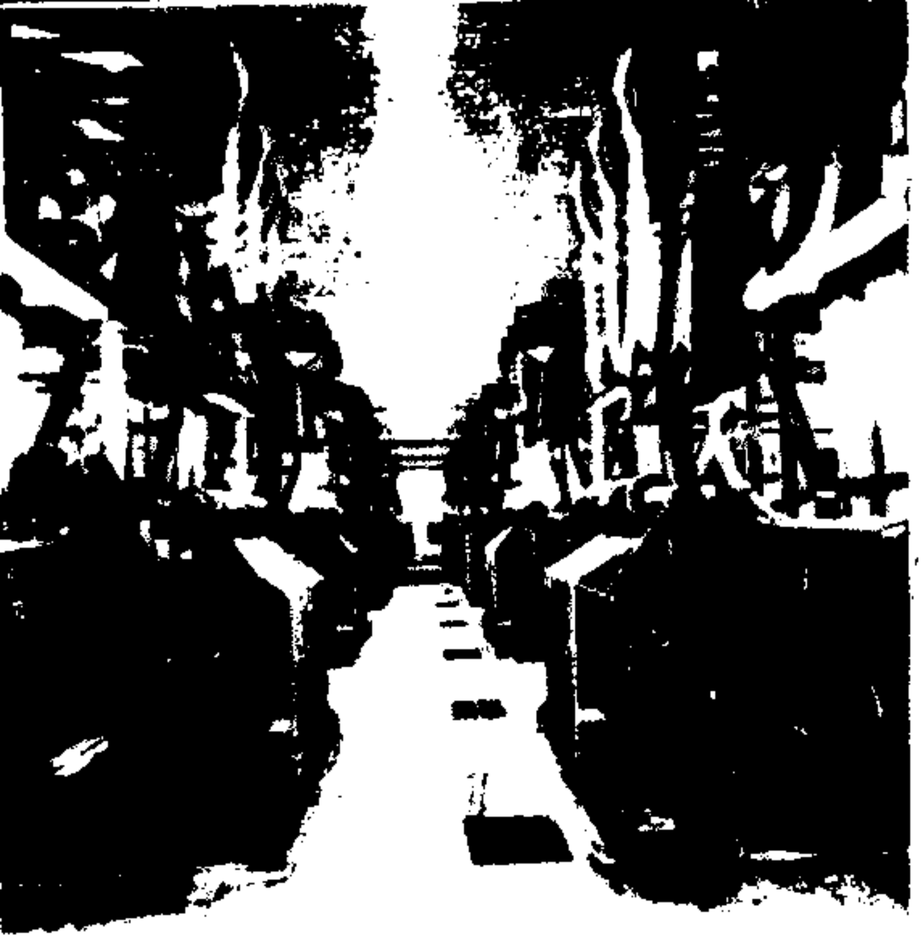

لاجوردیان ــ اکنـون سعی داریـم دانشجویان خوب ایرانی را که در هرجای دنیا هستند علاقمند کنیم که به ایـران بیایند و در گروه صنعتی بهشهر کار کنند . فعلا هم عده‌ای از آنان در گروه ما هستند که تعدادشان متجاوز از ٦٠ نفر مهندس و دکتر است . ما همیشه به جوانان تحصیلکرده که در رشته های مورد نیاز ما متخصـص هستند احتیاج داریم و از صمیم قلب ازایشان دعوت می کنیم که با ما همکاری کنند . صنعت ایران در حال پیشرفت است و تنها کسری که بسیار هم چشمگیر می‌باشد کمبود جوانان تحصیلکرده و متخصص ایرانـی است .

امکاناتی که فعلا در ایران وجود دارد بسیار خوب است مثلا من در ژاپن دیدم به یك لیسانسیه مطابق پول ما ماهانه ١٠٫٠٠٠ ریال مزد می دهند . گروه صنعتی بهشهر به یك لیسانسیه در حدود ١٠٠٠٠ ریال درماه می‌پردازد . در هر حال جوانان باید هرچه زودتر به ایران برگردند و در نوسازی‌ایران به هموطنانشان کمك کنند . بسیاری ازصنایع بکر ومحل های دست نخورده منتظر جوانان با علاقه و پشت کاردار و تحصیلکرده است.

تلاش ــ متشکریم .

اکبر لاجوردیان

از : سید مجتبی جزایری

مهر و مهرگان

به روزگار باستان ایرانیان را درگاه شماری شیوه هائی جز آنچه امروز مرسوم است بوده است واکنون از آن همه تنها یادگارهائی درنوشته های کهن میتوان یافت . «حسن تقی‌زاده» بسیاری ازآنها را درکتاب «گاه‌شماری» فراهم آورده است که در زیر بکوتاهی برخی از آنها را میآوریم :

«سال ایرانی وقتی بـه دوقسمت تقسیم میشده است . زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه و در دوری از ادوار» به تابستان هفت ماهه و زمستان پنج ماهه قسمت میشده است و نیز وقتی به‌شش قسمت غیر متساوی تقسیم میشده است «سال وقتی به دوقسمت شش ماهه تقسیم میشده است و از زمانی بالنسبه قدیم (و شاید ازقدیم ترین ازمنه) به چهار فصل سه ماهه» معروف تقسیم میشده است که اسامی آنها به‌پهلوی چنین است : وهار (برابربهار) هامین (برابرتابستان) پائیز (برابر پائیز) وزمستان» (نقل به اختصار از گاه شماری تالیف حسن تقی‌زاده چاپ۱۳۱٦ صفحه ٤٤ـ ٤٥)

آنچه مسلم است اینکه علاوه برآنچه در فوق درمورد تقسیم سال بیان شد اقوام‌آریائی ونیزبه‌تبع‌آنان‌ایرانیان‌باستان‌از روزگاری‌بسیا کهن سال‌رابه‌دوازده قسمت‌تقسیم میکرده‌اند و چنانچه درکتب دینی این اقوام آمده‌است نگهبانی هرماه به عهده یکی از ایـزدان (فرشتگان) و نیز نگهبانی هرروز به عهده یکی از ایزدان بوده است . اما آغاز سال چه وقت بوده‌است ؟

چنانچه از تحقیقات مورخین برمیآید آغاز سال درنزد هریك از تیره های قـوم آریائی و نیز درازمنه مختلف گوناگون بوده است اما دومورد بیشتر از دیگر موارد رایج بوده یکی اینکه آغاز سال هنـگام انقلاب ربیعی (نوروز) بوده است و دیگر اینکه‌سال از آغاز پائیز شروع میشده است .

«... ظن قوی براین است که اقـوام ایرانی جنوب غربی ایران و پارسیان عهد هخامنشیان سال را از اول پائیز میشمردند... بودن ماه باغیادیش منسوب به میترا در اول پائیز و هم‌چنین وقوع یکی از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ایرانیان یعنی عیدمیترا (مهرگان) قرینه این فرض است»

(نقل به‌اختصار ازگاه شماری ص ٥٨ـ ٥٩)

چنانچه پیش ازاین یاد کردیم نگاهبانی هریك ازماههای دوازده‌گانه‌راایرانیان‌باستان به یکی ازفرشتگان (ایزدان) واگـذاشته بودند . مشهورترین این ایزدان مهراست که به‌پندار ایرانیان باستان‌نگهبان ماه‌هفتم یااول (واین بسبب‌اختلاف درآغاز سال‌است) ونیز نگهبان شانزدهمین روز ازهرماه میباشد .

مهـر در اوستامیثـرا Mithra در سانسکریت‌میترا Mitra و در پهـلوی Mitr آمده است وامروز آنرا مهرمیگوئیم در فرهنگها برای این واژه معانی‌گوناگونی آورده‌اند که دوتای آن را به عنوان نمونه ذکر میکنیم .

برهان قاطع مینویسد : «مهر : به‌کسر اول وسکون ثانی ورای ، فرشت‌نام فرشته‌ایست موکل به مهر و محبت و تدبیر امور و مصالحی‌که درماه مهر که ماه هفتم از سال شمسی و روز مهر که شانزدهم از هرماه‌باشد بدو متعلق است و حساب و شمار خلق‌ازثواب وعقاب بدست اوست و یکی از نامهای‌آفتاب عالمتاب هم هست هم چنین نام ماه هفتم باشد از سال که آن بودن آفتاب است در بـرج میزان ونام روز شانزدهم از هرماه شمسی و بنابر قاعده کلی که میان مغان یعنی آتش‌ـ پرستان متعارف است که چون نام ماه و روز موافق‌آید آنروز را عید کنند این روز را ازاین ماه‌به‌غایت بزرگ ومبارك دانند وجشن سازند وعید کنند و مهرگان موسوم دارند نیك است دراین روز نام برکودك نهادن و کودك را از شیر بازکردن . و بمعنی رحم و شفقت و مهر و محبت نیز هست و مردن را هم میگویند که درمقابل زیستن است ونام گیاهی باشد که آنرا به‌فارسی مردم گیا و به عربی یبروج الصنم خوانند وسنگ‌سرخ را نیز گویند و نام آتشکده‌ای هم هست و قبه زرینی که برسر چتر وعلم نصب کنند ونام قصبه‌ایست درهند وستان»

فرهنك آنندراج مینویسد:«مهر بالکسر: محبت کمال اسماعیل گفته «گربرکنم دل از تو وبردارم ازتو مهر . آن مهر برکه افکنم آن دل کجا برم» و دیگر بمعنی آفتـاب جهانتاب چنانکه گفته‌اند «مه ومهر بازهره و مشتری» و دیگر سنگی است سرخ و نام فرشته‌ایست که موکل است بر روز مهر وماه مهر وهرچه درآن دو وقت واقع شود متعلق به‌اوست و حساب وشمار خلق را از ثواب و گناه هم دردست اوست ودیگر ماه هفتم‌باشد ازسال شمسی وآن مدت ماندن مهر است در برج ترازو که آنرا میزان خوانند . مختاری گفته «شاخی که دابه بودی مهرمنور است . بی‌مهر وارکردمه‌ومهر لاغرش» فرخی گفته «تابرآئین بزرگان عجم . بزم سازی نه‌خزان ونه‌بهار.» هم چنین مهر بشادی وطـرب . بگذران وصد دیگر بشمار».

استادپور داود در مقالـه‌ای مینویسد . «کلیه این معانی درست است واز برای‌هریك در اوستاوتاریخ ماخذی‌میتوان یافت ومسعود سعد سلمان بیشتر این معانی را دریك بیت جمع کرده است .

«روز مهر وماه مهر وجشن فرخ مهرگان
مهربفـزای ای نگار مهر چهر مهربان»

مهر ایزد فروغ (فرشته روشنائی) را آریائیان از کهن‌ترین ایام مقدس میدانسته و پرستش میکرده‌اند در «ودا» کتاب‌مقدس برهمنان میترا ایزد روشنائی است و مقامی بس ارجمند دارد . مهر دراوستا مقامی بلند دارد و قسمتی از اوستا به‌او اختصاص دارد که به مهریشت موسوم است و بعد ازفروردین یشت بلندترین‌اوستامیباشدمهرفرشته روشنائی مددکار جنگاوران ایران باستان بوده است و نامش در سه کتیبه از هخامنشیان آورده شده است چنانچه درمهر یشتُ مذکور است مهر درشایسته ستایش بودن همردیف اهورامزدا

ودشمن پیمان شکنان و بدکاران است بهتر انست این جمله را ازترجمه اوستا شاهد بیاوریم .

«اهورامزدا به اسپنتمان زرتشت گفت ای اسپنتمان هنگامی که من مهر دارنده دشتهای فراخ را بیافریدم در شایسته ستایش بودن مساوی . درسزاوار نیایش بودن‌مساوی باخود من‌که اهورامزدا « (هستم) بیافریدم»

«مهر دارنده دشتهای فراخ اسبهای تیز رو دهد به‌کسی که به‌مهر دروغ نگوید آذر مزدا اهورا راه راست نماید بکسی که به مهر دروغ نگوید . فروهر های مقدس و نیك وتوانای پاکان فرزندان کوشادهند به‌کسی که به‌مهر دروغ نگوید.»

«مهر را میستائیم .. از کسی که سران هر دو مملکت جنگجویان استغاثه کنندوقتی که آنان بمیدان جنگ درمقابل دشمن‌خون‌خوار در مقابل صف هجوم (هماوردان) درآیند»

«مهر را می‌ستائیم ... کسی که هیچ کس باو دروغ نتواند گفت نه بزرگ‌خانواده نه بزرگ ده‌نه‌رئیس ناحیه‌ونه شهریارایالت»

«اگر به‌او بزرگ خانواده دروغ بگوید یا بزرگ ده یارئیس ناحیه یاشهریارمملکت (آنگاه) مهر غضبناك آزرده خانه و ده و ناحیه و مملکت و بزرگان خانواده وبزرگان ده و روسای ناحیه و شهریاران مملکت و سرداران مملکت راتباه‌سازد» (نقل به‌اختصار از کتاب یشت‌ها ــ یشت مهر ــ ترجمه پورداود)

مهر (میترا) همراه آریائیان به همه سر زمینهائی که آنان میرفتند رفت . در ایران مهر خدای روشنائی آنچنان نفوذی داشت که زرتشت آنرا به‌عنوان یکی از ایزدان در آئین خویش پذیرفت و ستایش کرد اما بالاخره مهری دینال که‌زرتشت را دشمن میترا میپنداشتند کمر به‌قتل او بستندودر مهرابه‌ای زرتشت را کشتند . هرچند که رواج آئین زرتشت از اقتدار مهر در اذهان ایرانیان بمیزان زیادی کاست ولی میترا همچنان پیروزمند و بلند پایه درهمه سرزمینها به پیشروی خودادامه میداد مهرابه‌های مکشوفه دراروپا (بیش ازچهل مهرابه درخودرم) و نیز پرستشگاه های میترا در شمال افریقا و همه سرزمینهائیکه آریائیان را به آنجا گذاری بوده است بخوبی نشان میدهد که چگونه میترا ایزد روشنائی همه جا برای‌خود پیروانی مومن و وفادار یافته است .

میترا درشمال افریقا همراه سراپیس خدای مصر باستان است و در یونان همطراز آپولون وهلیوس‌خدایان روشنائی وخورشید و همه جا در صف اول خدایان جای دارد .

گاهی میترا را به شکل خدای زمان بیکران (زروان) که در اوستا ستایش شده است می‌بینیم وگاه‌اورا شبیه الهه آتارگاتیس (از خدایان سوریه)

مهردینان به‌هرکجاکه میرفته‌اند بسیاری

از معتقدات‌رایج دران محیط رامیپذیرفته‌اند تابتوانند به‌آئین خویش شکلی جهانی و همه پسند بدهند و این یکی ازعلل گسترش سریع آئین میترا در اروپای قبل از مسیح است .

مسیح باهمه‌عظمتش‌هرگز نتوانست‌خاطره میترا را از ذهن مردمان بیرون‌کند بسیاری از آداب آئین مهر در دین مسیح نفوذ کرد وهمراه آن تابامروز باقی مانده است متاسفانه قشری‌دینان مسیحی با خراب‌کردن مهرابه‌ها واز میان بردن آثار تعلیمات میترا مانع شده‌اند که امروز به خوبی بتوان آئین‌میترا ومسیح را مقایسه کرد ولی تردیدی نیست که رسومی مثل غسل تعمید وشراب مقدس در دین عیسی یادگارهای آئین میتراست و ۲۵ دسامبر عید بزرگ‌مسیح برابر است باروز خورشید یا تولد میترا واز این‌گونه تاثیرات بسیار میتوان یافت .

رنان درکتاب مارکوس ارلیوس‌مینویسد «اگر مسیحیت بهنگام طی طریق مبتلا به بیماری کشنده‌ای می‌گشت دنیای آن زمان متدین به‌دین‌میترامی‌شد» (نقل ازآئین میترا ص ۲۵۷)

میترا چهار قرن بامسیح می‌جنگید تا حوادث فراوانی از جمله قدرت کلیسای رم سبب شد که سالیان بسیار آئین میترا بدست فراموشی سپرده شود .

نقوش مهرابه های باز یافته در ایتالیا یوگوسلاوی آلمان و سایر نقاط اروپا غالبا میترارادرحال قربانی‌کردن‌گاو نشان میدهد. میتراگاو رامیکشد تاباین وسیله حیات‌دوباره به جهان به‌بخشد .

در بسیاری از تصویرها در دو طرف میترادوخدای دیگررا می‌بینیم یکی‌مشعلی‌رو به بالا دردست داردکه سمبول طلوع‌خورشید است و دیگری مشعلی‌رو به‌پائین که نشانه غروب خورشید است (کوتس وکوتوپاتس نام این خدایان است)

از نکات قابل توجه اینست‌که در همه تصویرها ومجسمه‌های بازیافته میترادر لباسی ایرانی است وغالبا کلاهی فریجی به‌سردارد.

در بعضی نقوش بازیافته میترا همراه نشانه‌های عناصر چهارگانه دیده میشود این سمبولها عبارتند از ظرف نشانه آب . شیر نشانه آتش مار نشانه زمین و پرنده نشان‌هوا

مهرابه‌ها ساختمانهائی ساده و شبیه به‌هم دارند و همه آنها در زیر زمین بنا شده‌اند در ساختمان مهرابه‌هاوتزئینات آن تاثیراطلاعات و اعتقادات نجومی که یکی از قسمتهای مهم دین میتراست بوضوح دیده میشود .

تشرف به‌آئین میترا شامل هفت مرحله اسرار آمیز بوده است که طی مراسمی‌انجام می‌شده و بالاخره معتقد به‌میترا به مرحله پیرمغان یامرشد کامل میرسیده است به‌کمك بعضی نوشته‌هاوتصویرهای‌بازیافته درمهرابه‌ها مقداری از این مراسم روشن شده‌است . ولی هنوز بطور کامل چگونگی آن معلوم نیست. اسامی زیر این مراحل هفتگانه به‌ترتیب‌چنین بوده است : ۱ ــ کلاغ ۲ــ نمسر ۳ــسرباز ٤ــ شیر ٥ــ پارسی ٦ــ پیك خورشید ۷ــ پیر (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به‌کتاب آئین میترا ترجمه بزرگ نادرزاد)

متاسفانه هنوز در ایران و کشور های شرق ایران اکتشافات قابل توجهی در مورد میترا و مهرابه های پیروان اوانجام نشده است و بیشتر اطلاعات ما مربوط به میترا و میترائیسم حاصل اکتشافات کشورهای غربی است و بدون شك اختلافاتی هرچند مختصر وجود داشته است‌که اکنون نمیتوان درمورد آن اظهار نظرکرد .

پیش از این گفتیم که در ایران باستان سال را به دوازده قسمت بخش میکرده‌اند و نگهبانی هریك را به یکی از ایزدان وامیگذاشتند اما این ترتیب بعد از رواج اسلام در ایران بتدریج بدست فراموشی سپرده شد و گاه شماری ایران باستان همراه جشنهای گوناگون آن از خاطرها محو شد و به بهای آن گاه شماری اسلامی در ایران رواج یافت تااینکه در یازدهم فروردین ۱۳۰٤ هجری شمسی مطابق ۱۳٤۳ قمری و برابر با ۱۹۲٥ میلادی قانونی از مجلس ایران گذشت که بموجب آن بسیاری ازآنچه فراموش شده بود زنده گشت . اما بعضی از مراسم و جشنهای ایرانیان باستان آنچنان اهمیت و عظمتی داشتند که همیشه در یاد ایرانیان بجای ماندند چون نوروز ومهرگاه هرچند در نحوه برگزاری و بزرگداشت این جشنها خاصه بعد از استیلای مغول تغییر فاحشی پدید آمد اما از بین نرفت و در بسیاری از آثار بزرگان این سرزمین ذکر آنرا میتوان یافت و اکنون سخن ازمهرگان داریم :

یاد کردیم که نگهبانی ماه هفتم از سال و نیز روز شانزدهم از هر ماه را مهر فرشته روشنائی به‌عهده دارد و چنانچه ایرانیان‌را رسم بوده است هنگام موافقت روز و ماه جشنی برپا میداشته‌اند . فرهنگها برای این واژه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند و بعضی مراسم این روز را آورده‌اند که از آنها دو نمونه یاد میکنیم .

برهان قاطع مینویسد : « مهرگان ــ باکاف فارسی بروزن و معنی مهرجان است که معرب آن است وآن به‌معنی مهر ومحبت پیوستن است و نام روز شانزدهم از هر ماه و نام ماه هفتم از سال شمسی باشد وآن بودن آفتاب عالمتاب است دربرج میزان‌که ابتدای فصل خزان است و نزد فارسیان بعداز جشن و عید نوروز که روز اول آمدن آفتاب است به‌برج حمل ازاین بزرگتر جشنی نمیباشد و همچنانکه نوروز را عامه و خاصه هست مهرگان را نیز عامه و خاصه میباشد و تاشش روز تعظیم این جشن کنند ابتدا از روز شانزدهم و آنرا مهرگان عامه خوانند وانتها روز بیست ویکم و آنرا مهرگان « خاصه خوانند و عجمان گویند که خدایتعالی زمین را در این روز گسترانید و اجساد را دراین روز محل و مقر ارواح گردانید و در این روز ملایکه یاری و مددکاری کاوه آهنگر کردند وفریدون دراین روز برتخت پادشاهی نشست و در این روز ضحاك را گرفته بکوه دماوند فرستاد که در بند کنند و مردمان به سبب این مقدمه جشنی عظیم کردند و عید نمودند و بعد ازآن حکام را مهر و محبت رعایا بهم‌رسید و چون مهرگان بمعنی محبت پیوستن است بنابراین بدین نام موسوم گشت وبعضی دیگر گویندکه فارسیان‌را «پادشاهی بود مهر نام داشت و به غایت ظالم بود واو در نصف ماه به جهنم واصل شد بدین سبب آنروز را مهرگان نام کردند و معنی آن مردن پادشاه ظالم باشد چه مهر بمعنی مردن و گان بمعنی پادشاه ظالم هم آمده است و گویند اردشیر بابکان تاجی که برآن صورت آفتاب نقش کرده بودند در این روز بر سر نهاد و بعد از او پادشاهان عجم نیز در این روز همچنان تاجی برسر اولاد خود نهادندی و روغن بان که آن درختی است و میوه آنرا حب‌البان گویند به‌جهت تیمن و تبرك بربدن مالیدندی و اول کسیکه در این روز نزد پادشاهان عجم‌آمدی موبدان ودانشمندان بودندی و هفت خوان از میوه همچو : شکر و ترنج و سیب و بهی و انار و عناب و انگور سفید و کنار باخود آوردندی چه عقیده فارسیان آنست که در این روز هرکه از هفت میوه مذکور بخورد و روغن بان بربدن بمالد وگلاب بیاشامد و برخود و دوستان خود بپاشد در آن سال از آفات و بلیات محفوظ باشد . و نیك است در این ایام نام برفرزند نهادن و کودك از شیر باز کردن » .

فرهنك آنندراج مینویسد : « مهرگان: بالکسر به‌کاف فارسی . روز مهر از ماه مهر و آن روز شانزدهم است و فارسیان جشنی عظیم در آن کنند که بعد از نوروز جشنی از آن بزرگتر نباشد و این جشن را تا شش روز کنند ابتدایش روز شانزدهم است که مهرگان عامه گویند و انتهایش بیست ویکم است که مهرگان خاصه گویند . همچنانکه نوروز بردو قسم است عامه و خاصه روز تحویل آفتاب به‌حمل روز خاصه و شرف آفتاب و سبب جشن مهرگان آنکه فارسیان گویند در این روز خدای تعالی زمین را بگستر و اجساد را مقرون به ارواح کرد . و بعضی گفته‌اند که دراین روز ملائکه یاری کاوه آهنگر نمودند بررفع ضحاك و فرقه‌ای برآنند که فریدون دراین روز برتخت نشست پیش از آنکه کاوه رفع ضحاك نماید و زمره‌ای گفته‌اند که فریدون در این روز ضحاك را در بابل گرفت و بکوه دماوند فرستاد که جشن کنند . پس خلق از ظلم او رستند و پارسیان به دین خود عود نمودند و شکر ایزدی و حکام را مهر بررعایا افتاد و گروهی آورده‌اند که پارسیان را پادشاهی بود ظالم که مهر نام داشت وخلق از او تنگ بودند او در این روز بمرد و جمعی گویند که معنی مهر وفات و گان پادشاه چون آن پادشاه در این روز وفات یافت به مهرگان موسوم شد . حکیم دقیقی گفته : « مهرگان

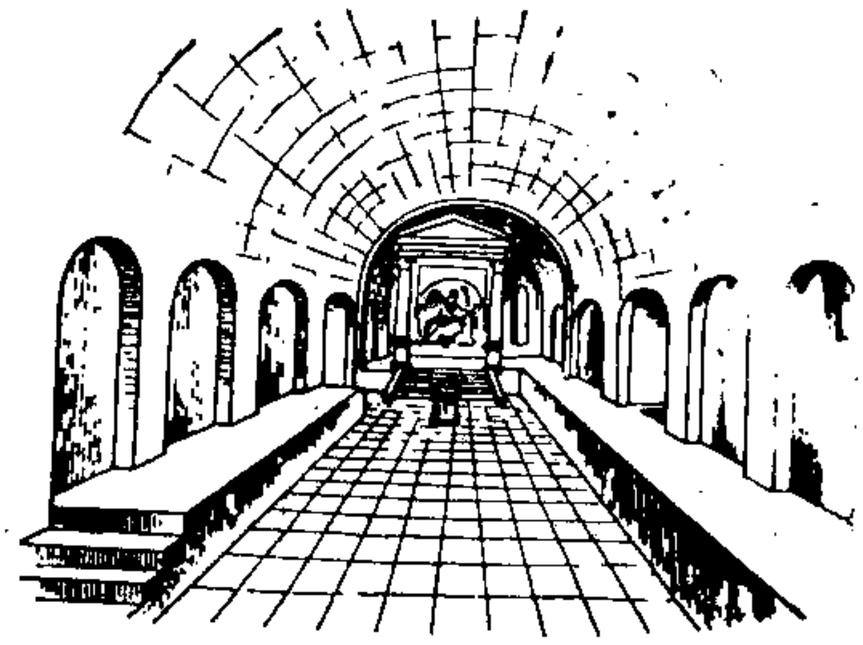

آمد جشن ملك آفریدونا ــ آن کجا گاو خوش بودی برمایونا» برمایون : نام ماده گاوی است که فریدون را شیر میداد ــ برهان قاطع . عنصری گفته : « مهرگـــان آمد گرفته فالش از نیکی مثال ــ نیك روز و نیك جشن و نیك وقت و نیك حـــال » قطران گفته : « آدینه و مهرگان و ماه‌نوــ بارند خجسته پرسد بر خسرو » .

مهرگان صورت تغییر یافته میتراکانـــا Mitra Kana است که معنای تحت‌اللفظی آن میشود متعلق به مهر و جشن مهرگـــان جانشین جشن قدیمی تری شده است که آنرا باگ‌یادی یا باغیادیش یا فنکان میگفته‌اند و جشن آغاز زمستان بزرك یا ابتدای پائیز بوده است و در روزگار داریوش که ماههای زرتشتی مثل فروردین و اردیبهشت و ... مرسوم گشت جشن میتراکانا جـــای جشن باگ‌یادی (بمعنی جشن ستایش خدا) را گرفته است در ارمنی نیز ماه هفتم از سال را به‌جای مهرمهکان میگفته‌اند که بعقیده‌برخی محققین ازمهرکان گرفته شده است .

درآثار شاعران‌ونویسندگان ودانشمندان متقدم پارسی زبان به مناسبت های گوناگون ذکری از جشن مهرگان یا مهرجان کـــه معرب آنست آمده است که استاد پور داود بیشتر آنها را در دو مقاله یکی تحت عنوان « مهر » که درکتابی باعنوان آناهیتا مندرج است و نیز در مقدمه ترجمه مهریشت آورده است و در زیر آنها را از این دو مقاله که ذکرشان گذشت میآوریم .

رودکی در وصف مهرگان میگوید

«ملکا جشن مهرگـــان آمد
جشن شاهان وخسروان آمد»
«خز به‌جای ملحم وخرگاه
بدل باغ و بوستان آمـــد»
«مورد بجای سوسن آمد باز
می به جای ارغوان آمـــد»

ابوریحان بیرونی از بزرگان علمـــای ایران در کتاب مشهور خود « الآثارالباقیه عن القرون الخالیه » به تفصیـــل از عید مهرگان (مهرجان) صحبت میدارد کـــه از آنجمله است : « گویند مهر کـــه اسم خورشید است در چنین روزی ظاهر شدباین مناسبت این روز بدو منسوب کـــرده‌انـــد پادشاهان دراین جشن تاجی که بشکل‌خورشید و در آن دائره‌ای مانند چرخ نصب بود و بسر میگذاشتند وگویند دراین روز فریدون به‌بیور اسب که ضحاك خوانندش دست یافت چون در چنین روزی فرشتگان از آسمان به یاری فریدون فرودآمدند بیاد آن درجشن مهرگان در سرای پادشاهان روی دلیـــر میگماشتند که بامدادان به آواز بلند نـــدا میداد ای فرشتگان بسوی دنیا بشتابید وجهان را از گزند اهریمنان برهانید . و گـــویند خداوند در این روز زمین را بگسترانید و در اجساد روان بدمید و در این روز کـــرهٔ ماه که تاآن وقت گوی تاریکی بـــود از خورشید روشنائی ونور کسب نمود. ازسلمان فارسی نقل شده است که او گفت ما در زمان ساسانیان قائل بودیم از آنکه خداوند یاقوت را در روز نوروز از برای زینت مـــردمان بیافرید و زبرجد را در روز مهرجان و این دو روز را برسایر ایام فضیلت داد چنانکـــه یاقوت و زبرجد را برسایر جواهرات . در آخرین روز این جشن که بیست و یکم ماه باشد فریدون ضحاك را در کوه دماوند به زندان انداخت و خلایق را از گزنـــد او برهانید لاجرم در این روز عید گرفتند و آفریدون مردم را امرکرد که کشتی (کشتی به‌ضم اول بمعنی زنار باشد و آن ریسمانـــی است که ترسایان و کافران برمیان بندند و گاهی هم برگردن اندازند برهان قاطع) بمیان بندند و واج زمزمه کنند و در هنگام خوردن و آشامیدن لب از سخن فرو بندند. چون مدت استیلای ضحاك هزار سال طول کشید و ایرانیان خود مشاهده کردند کـــه ممکن است عمر انسان این همه طولانی گردد از این روز به‌بعد دعای خیرشان در حـــق یکدیگر چنین بود (هزار سال بزی) .

« زرادشت فرمود که آغاز و انجام‌جشن مهرجان در عظمت و شرافت مساوی است پس هر دو روز را عید بگیرید از این پس هرمز بن شاپور در تمام روز های مهرجان جشن برپا داشت در زمین بعد پادشاهان و مردمان ایرانشهر از آغاز مهرجان تا مدت سی روز مانند نوروز عید میگرفتند و هر پنج روز را به یك طبقه از شاهزادگان و موبدان و بزرگان و بازرگانان و رزمیان و دهقانان و اهل حرفه و صنایع مخصـــوص نمودند »

ابوریحان بیرونی در کتاب دیگر خود بنام التفهیم فی صنـــاعة التنجیم میـــآورد : « مهرجان روز است از مهر ماه و نامش مهر و اندرین روز آفریدون ظفر یافت بربیور اسب جادو آنك به ضحاك معروف است و به کوه دنباوند بازداشت و روز هـــا از پس مهرگانست همه جشن‌اند برکردار آنچ از پس نوروز بود و ششم این مهرگان بـــزرك ورام روزناست و بدین دانندش » .

« ابو جعفر محمد بن جریر طبری که در سده سوم هجری میزیست در تاریخ خود همین سنت را یاد کرده است وعبارات فارسی تاریخ بلعمی ترجمه‌ایست از تاریخ طبری که چنین است « آفریدون ظفر یافت و ضحاك را بگرفت و بکشت و همان روزگار تـــاج برسر آفریدون نهاده و جهان بروی سپرد و آن مهر روز بود از مهر ماه وآن رامهرگان نام کردند و عید کردند و آفریدون به ملك بنشست »

در المحاسن والاضداد کتابی که به‌ابو عثمان جاحظ بصری بازخوانده شده ازنوروز و مهرگان سخن رفته است : « در روزی که آفریدون بیور اسب را بزندان افکند . روز مهر از مهر ماه بود از آن روز است کـــه جشن مهرجان بمیان آمد . نوروز یادگاری است از جم و مهرجان از آفریدون است . جشن نوروز دو هزار و پنجاه سال کهن‌تر از جشن مهرجان است . »

مسعودی در مروج الذهب مینویسد : « ماههای ایرانی همه سی‌روز دارند نخستین آنها فروردین ماه است و روز نخستین آن جشن نوروز است . میان آن جشن ومهرگان یکصد و نود و شش روز است ... روزی‌که آفریدون ضحاك‌را دستگیر کرد جشن گرفتند و آنرا مهرجان نامیدند .

فردوسی در به تخت نشستن فـــریدون می‌سراید :

فریدون چو شد بر جهان کامگار
بـــدو شاد شد گـــردش روزگـــار
چو بر تخت شاهی نشست استـــوار
نـــدانست جـــز خویشتن شهریـــار
به رسم کیان تاج و تخت مهـــی
بیـــاراست بـــا کـــاخ شاهنشهـــی
بـــروز خجستـــه سر مهر و مـــاه
بسر بـــر نهاد آن کیانـــی کلاه
زمانه بـــی انـــدوه گشت از بدی
گـــرفتند هـــر کس ره ایـــزدی
دل از داوریهـــا بپـــرداختنـــد
بـــآئین یکـــی جشن نو ساختند
بفرمـــود تـــا آتش افـــروختنـــد
همـــه عنبر و زعفـــران سوختنـــد
پـــرستیدن مهرگـــان دین اوست
تن آسانـــی و خوردن آئین اوست
کنون یادگار است از او ماه مهر
بکوش و برنج ایچ منهـــای چهر

دقیقی نیز در جشن مهرگان بیتی دارد که ذکر آن در بخشی که ازفرهنك آنندراج گذشت آورده شد اما بعلتی که معلوم نیست در فرهنك مذکور غلط ضبط شده است و صحیح آن به شکل زیر است .

مهرگان آمد جشن ملك آفریدونا
آن کجا گاو بپروردش برمایونا

امیر معزی گفته :

خسروا می‌خور که خرم جشن آفریدون رسید
باغ پیروزی شکفت و صبح پیروزی دمید

منوچهر دامغانی سروده

برخیز هان ای جاریه می در فکن درباطیه
آراستـــه کن مجلسی از بلـــخ تا ارمینیه
آمد خجسته مهرگان جشن بزرك خسروان
نارنج و نار و ارغـــوان آورد از هر ناحیه

و نیز همو گفته :

شاد باشید که مهرگان آمد
بانگ و آوای کاروان آمـــد

فرخی سیستانی گفته است :

بگشا مهرگان در اقبال برجهان
فرخنده باد بر ملك شرق‌مهرگان

فخرالدین اسعد گرگانی در داستان‌ویس و رامین‌میسراید :

نثـــارت آوریدم مهرگـــانی
روان چون‌چشمه‌آب زندگانی
بدین جشنت نیاردایچ کهتر
نثاری از نثار بنـــده بهتـــر

منجیك ترمذی گفته :

خدایگانا فرخنده مهرگان آمد
زباغ گشت به‌تحویل آفتاب‌احوال

پس از آنچه گذشت دانسته شد که‌جشن مهرگان که برای بزرگداشت مهر ایزدفروغ (فرشته روشنائی) برپا میشده است . یکی از مهمترین آئینهای ایرانیان باستان (وشاید هم مهمترین آنها) بوده است بدیـــن سبب مورخین غیر ایرانی نیز در نوشته‌های خود ذکر آنرا بمیان آورده اند که چندنمونه‌ای از آنرا بدست میدهیم .

کتزیاس (۳۹۰ قبل از میلاد) می ــ نویسد : «پادشاهان هخامنشی هیچ نبایستی مست شوند مگر در روز جشن مهرگان که لباس فاخر ارغوانی پوشیده در باده پیمائی با میخوارگان شرکت مینمودند.»

استرابون Strabon مینویســـد : «خشتریاون (ساتراپ) ارمنستـــان در جشن مهرگان بیست هزار کره اسب برسم ارمغان بدربار شاهنشاه هخامنشی میفرستاد اردشیر بابکان و خسرو انوشیروان دراین روز رخت نو بمردم می بخشیدند .

در بندهش Bundahish آمده‌است که «روز مهرگان مشیا ومشیانه» (آدم و حوا) از نطفه کیومرث پدید آمدند .»

در کتاب آئین میترا نوشته شـــده است: « در تمام آسیـــای صغیر جشن‌هـــائی که به افتخار خداونـــد میگرفتند معروف بود . بهنگام جشن موسوم به میتراکانا یا مهرگان قربانیهای مجلل میکردند و شاه بـــه رقص میپرداخت و به افتخار خدا می نوشید . جشن مهر در روز مهر ازماه مهر که مصادف با دوم اکتبر ماه فرنگی میشد و آغاز زمستان بود گرفته میشد.» (آئین‌میترا ترجمه بزرگ نادر زاد صفحه ۳۶)

باید توجه داشت‌که در تقویم فعلی ایران روز دهم مهرماه برابر است با شانزدهم‌مهرما باستانی و این مطلب ر ااستاد پورداوردرمقاله مهر مندرج در کتاب آناهیتا یادآور شـــده است که خلاصه آنرا میآوریم.

« .. زرتشتیان ایران مانند نیاکان خود در پارینه مهر روز از مهرماه را هیچگاه از یاد نداده جشن میگیرند و اینك چند سال است که در سراسر ایران همه ایرانیان جشن مهرگان میآرایند . چیزی که هست در همان سالیکه مهرگان جشن رسمی بشمار آمـــد نگارنده هنگام آنرا روز شانزدهم مهرمـــاه یادآوری‌کردم . باید دانست که در ایران باستان هریك از ماههای دوازده‌گانه ســـال بی کم وبیش دارای سی روز بوده و هر روز بنام یکی از ایزدان یا فرشتگان دین‌زرتشتی خوانده‌میشد ...برای اینکه سال درست دارای ۳۶۵ روز باشد در پایان سال پنج روز میــ افزودند و آنها بهیزك (بهیجك یا وهیجك) میگفتند و هریك از آن پنج روز کبیسه یا پنجه وه را بنام یکی از پنج سرودگاتهـــا می‌نامیدند ... نام هریك از روزهای ماه که بنام همان ماه برابر میافتاده همان روز را جشن میگرفتند اینچنین : فروردین روز (نوزدهم) از فروردین ماه جشن فروراگان... مهر روز (شانزدهم) از مهر مـــاه جشن مهرگان ... درسال ۱۹۲۵ میلادی کماههای ایرانی را به جـــای ماههای سیار عربـــی برگزیدند برای اینکه در این ماههای ایرانی نیازی بگرفتن کبیسه نباشد هریك از شش ماه اولی سال را (فروردین تا شهریور) سی و یك‌روز گرفتند اینچنین جشن مهرگان بدهم مهرماه کنونی و این برابراست به شانزدهم مهرماه پارینه پس اکنون روز شانزدهم از مهرماه را جشن مهرگان گرفتن درست‌نیست. آنچنانکه مسعودی در مروج‌الذهب نوشته و آنرا یاد کردیم : میان جشن فروردین وجشن مهرگان یکصدو نود و شش روز فاصله است و این شماری است که از برشمردن نخستین روز فروردین ماه تا بدهمین روز مهرماه کنونی بدست‌میآید» (کتاب‌آناهیتا ص ۹۱ــ ۹۲) در پایان میافزاییم که در ربیع‌الابرار زمخشری روایت میکندکه: «نعمان‌بن‌مرزبان جد ابوحنیفه در روز نوروز به حضرت علی پالوده (فالوذج) هدیه کرد و حضرت‌فرمود نور زوناکل یوم و بعضی‌گفته‌اند روزمهرجان بود و فرمود مهرجانوکل یوم » (نقل ازگاه شماری صفحه ۲۹۲) .

ازآنچه گذشت میتوان دریافت که مهر و مهرگان همراه آریائیان خاصه ایرانیان راهی چند هزار ساله پیموده است .

سالروز تولد شاهنشاه‌آریامهر را شادباش می گوئیم .
باشد که سالهای سال‌پادشاه ما شاهد شکوفائی گل‌ها ، گسترش نهال‌ها وبه‌ثمر رسیدن میوه‌هائی باشند که بذرهای آن را در ۲۸ سال اخیر در سراسر ایران نشانده‌اند .

بحرین بملت ایران تعلق دارد
ماَ میل نداریم قدرتی از خلیج فارس خارج شود ودیگری جانشین آن گردد

● شاهنشاه آریامهر در شرفیابی «روی روبك» نماینده حزب کارگر انگلیس در مجلس عوام آن کشور امکان ورود آمریکا و یاشوروی را به منطقه خلیج‌فارس بعنوان محافظ رد کردند و فرمودند ما میل نداریم‌قدرتی از خلیج فارس خارج شود و دیگری جانشین آن بشود و قطعا چنین اتفاقی روی نخواهد داد .

دراین شرفیابی شاهنشاه در زمینه مسائل اقتصادی ، سیاسی ، و از جمله موضوع بحرین و تحویل جنگنده‌های فانتوم بایران مطالبی فرمودند که متن آن درایونیتك‌نیوز چاپ لندن باین شرح چاپ شده است :

ایران همواره این اندیشه را که ممکن است درنتیجه خروج نیرو های انگلیس از منطقه خلیج فارس در ۱۹۷۱ خلائی از لحاظ قدرت در ان منطقه بوجود اید رد میکند ومایل نیست که در تصمیم دولت انگلستان تجدید نظرشود. این موضوع را شاهنشاه ایران‌ضمن شرفیابی من بحضور معظم‌له که بیش از یك ساعت در کاخ سعدآباد بطول انجامید تا کید فرمودند .

شاهنشاه امکان ورود ایالات متحده امریکا ویاشوروی رابه منطقه خلیج فارس بعنوان محافظ و مدافع خلیج فارس رد کردند و فرمودند : «مامیل نداریم قدرتی از خلیج فارس خارج شود و دیگری‌جانشین آن بشود وقطعا چنین اتفاقی روی نخواهد داد. تضمین امور کشتیرانی در این منطقه با ماخواهد بود و ما قادر به انجام‌تعهدات خود هستیم .» درحالیکه ایران نمیتواند از لحاظ‌تسلیحات با کشور های بزرك رقابت کند ایمان و اطمینان شاهنشاه باینکه ایران قادراست مانع از بروز هرگونه نا امنی دراین منطقه بشود که بهانه‌ای برای مداخله بیگانگان بوجود آورد تا حدی‌متکی بر این واقعیت است که ایران تا پایان سال جاری دو واحد جنگنده مافوق صوت از نوع فانتوم٤ در اختیار خواهد داشت . این جنگنده ها با موشك های «سایدویندر» و «اسپارو» مجهز خواهند بود و بعلاوه ایران سفارش ساختمان چهار ناوشکن مجهز به موشکهای هدایت شونده به انگلستان‌داده است که در انها موشکهای سی‌کت و سی کیلر نصب شده‌اند . شاهنشاه ایران نسبت به عاقلانه بودن تصمیم دولت انگلستان دایر بر خروج نیروهای خود از منطقه خلیج فارس ابراز شك و تردید نفرمودند و تاکید کردندکه «انگلستان میتواند بدون‌تحمل دیناری هزینه نظامی شاهد امنیت این منطقه گردد.»

به عقیده‌شاهنشاه ، این استدلال که نیرو های‌انگلیس مقیم امارت نشین های خلیج فارس میتوانند مانع از عملیات تخریبی کردند صحیح نیست «در هر حال شمامایل نیستید که افراد نظامی انگلستان در حوادث پرتاب نارنجك در خیابانهای این منطقه مداخله کنند.»

مهمترین مسئله‌ای که تاکنون درخلیج فارس لاینحل مانده است موضوع بحرین‌است که دویست هزار نفرجمعیت آن تقریبامعادل مجموع جمعیت بقیه هشت امارت نشین‌این منطقه است که انگلستان با آنها معاهداتی دارد . ایران در یکصد سال اخیر نسبت به بحرین ادعای حاکمیت‌میکند و انگلستان پیوسته از طرف حکام عرب بحرین با این ادعا مخالفت کرده است ، اما این سئوال اکنون مطرح‌میشود که پس از خروج انگلستان از این منطقه تکلیف چه خواهد بود ؟همانطوری که در ژانویه گذشته ضمن مقاله‌ای در روزنامه ایونینك نیوز نتیجه گیری کرده‌ام شاهنشاه با اعلام اینکه ایران ادعای خود را با توسل بقدرت نظامی تعقیب نخواهد کرد گام بزرگی در راه حل این موضوع برداشتند . شاهنشاه این مطلب را بیان فرموده‌اند که‌ایران حاضر است نتیجه تمایل مردم بحرین راکه بوسیله‌سازمان ملل متحد آزمایش میشود بپذیرند .

بسیاری از صاحبنظران بر این عقیده هستند که مردم بحرین ضمن رفراندوم تمایلی نسبت‌به‌پیوستن بایران نشان نخواهند داد .لیکن این حقیقت مسلم باقی است‌که حاکم بحرین تاکنون از این پیشنهاد استقبال نکرده‌است.

بنا بر این از شاهنشاه سئوال کردم آیا ایشان قادر بفیصله دادن‌این موضوع از طریق انصراف از ادعای خود نیستند ؟ شاهنشاه با تاکید خاصی فرمودند«هرگز زیرا تا آنجائیکه امکان داشت در این‌ماجرا گذشت نشان داده‌ایم و نوعی آزمایش اراده مردم ضرورت دارد . ما شیوه رای گیری خاصی راپیشنهاد نمی کنیم و این‌موضوع رابسازمان ملل متحد واگذار میکنیم.»

شاهنشاه در اینجا بابیان آرام خاطر نشان‌ساختندکه: «هرگاه‌من بدون چنین آزمایشی باانصراف ادعای ایران نسبت ببحرین موافقت کنم این نوعی خیانت بملتم تلقی خواهد شد» بحرین به ملت ایران تعلق دارد .مافدراسیون پیشنهادی امارت نشین های عربی خلیج‌فارس را درصورتی که بحرین در آن عضویت داشته باشد برسمیت نخواهیم شناخت و هرگاه بحرین بصورت یك کشور مستقل درآید ما آنرا نخواهیم شناخت و اگر بسازمان ملل متحد راه‌یابد ما عضویت آن سازمان را ترك خواهیم کرد .

در اینجا موضوع نفت مطرح شد . شاهنشاه‌فرمودند که : «کشور های غربی باید نفت بیشتری‌از ما خریداری کنند و مقدار کمتری نفت از کشور هائی خریداری کنند که ثبات کمتری دارند و غالبا با غرب روابط حسنه‌ای ندارند . باید در نظر داشته‌باشید که در جریان جنك‌اعراب و اسرائیل در سال ۱۹٦۷ جریان‌نفت ما به غرب قطع نشد»

شاهنشاه اظهار داشتند که قسمتی ازوجوهی که به کشور های نفت خیزپرداخت میشود بخزانه‌جمال عبدالناصر سرازیر میگردد و نیز اشاره بخطرات ناشی از سرنگون شدن یکی از این کشور ها بدست‌مصرفرمودند .

شاهنشاه چنین یاد آور شدند که ایران وجوهی را که از محل نفت دریافت میداردبمنظور ایجاد یك جامعه ثابت و استوار از طریق سرمایه گذاری در صنایع جدید و تامین زندگی بیش از پیش مرفه و سعادتمند برای هر فرد ایرانی‌مصرف میکند .

«این امر صلح را در کشورمان تضمین کرده و آن‌را بصورت یك منبع مطمئن نفت برای غرب در میآورد.»

شکی نیست که شاهنشاه ایران امیدوارند که از درخواستهای مجدد خود نسبت بافزایش سریع تولید نفت خام از منابع نفتی این‌کشور نتیجه فراوان بگیرند .

این درخواستها درگفتگوهائی که اینك در لندن‌میان نمایندگان دولت‌ایران وکنسرسیوم شرکت های نفتی‌جریان دارد مطرح میگردد.

دیدارها

هیئت روزنامه‌نگار پاکستان وترکیه

● هفت تن از روزنامه‌نگاران کشورترکیه وپاکستان بدعوت وزارت اطلاعات به ایران آمدند .

هیئت دانمارکی

● ۲۳نفراعضای شهرداری قسمت شمال کپنهاك وعده‌ای از روسای قسمتهای برق شمال کپنهاك برای انجام یك‌دیدار به‌ایران امده و ازنقاط‌دیدنی شهرهای تهران ، اصفهان و شیراز بازدید بعمل اوردند.

معاون دبیرکل سازمان ملل درتهران

● آقای «عبدالمجید» شخصیت معروف پاکستان و معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در امور اطلاعات‌عمومی به‌اتفاق همسر وسه فرزند خود به‌ایران آمده و مدت ٤ روزدر تهران اقامت‌داشت. وی اصلا ایرانی بوده وسابقا درپست معاونت ٤ نفر از نخست‌وزیران پاکستان خدمت کرده است .

آقای عبدالمجید از سال ۱۹٦۸ به معاونت دبیر کل سازمان ملل‌متحد منصوب‌شد . وی مذاکراتی با مقامات مسئول کشوری درمدت‌اقامت خود در ایران بعمل آورد .

رئیس جمهوری رومانی و بانو در ایران

● حضرت رئیس شورای دولتی جمهوری سوسیالیستی رومانی وبانو چائوشکو به دعوت رسمی شاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانودرشهریور ماه از ایران بازدید بعمل آوردند.

معظم‌له باتفاق همسرشان از آثار تاریخی و باستانی در شهرهای اصفهان و شیراز و نیز نقاط دیدنی و موزه‌های شهر تهران دیدن کردند.

درمدت اقامت ایشان‌ضیافتی از طرف شاهنشاه آریامهر به افتخار ایشان برپا شد ونیز ضیافت دیگری‌از طرف‌حضرت چائوشکو و بانو بافتخار اعلیحضرتین ترتیب داده شد. یك هیئت اقتصادی نیز در معیت ایشان به‌ایران‌سفر کرده بود که بامقامات‌مسئول ایران مذاکراتی درجهت بسط روابط فیمابین بعمل آورد .

فهرست رویدادها :

عنوان	صفحه
بحرین به ملت ایران تعلق دارد	۸۵
دیدارها	۸۵
نمایشگاه آسیائی	۸٦
نویسندگان و مطبوعات	۸۷
فیلم و سینما	۸۸
نقاشی	۸۸
باله	۸۸
تاتر	۸۸
سخنرانی	۸۸
باستانشناسی	۸۸
شبهای شعر	۸۸
تهران در ۲۵ سال آینده	۸۹
برنامه‌ها و آیندها	۹۰
انتصابات	۹۱
ترافیك	۹۲
عمران و آبادانی	۹۲
لطری بجشن هنرشیراز	۹۳
ذوب‌آهن	۹۷
دارائی	۹۷
کودکان	۹۸
راه و راه‌آهن	۹۹
موافقت‌نامه‌ها	۹۹
تعاون	۹۹
آرتش	۹۹
منابع طبیعی	۹۹
کشاورزی	۹۹
کشور	۹۹
پست	۹۹
دادگستری	۹۹
روز ملل متحد	۱۰۰
بودجه	۱۰۰
صادرات و واردات	۱۰۰
صنایع غذائی	۱۰۰
گاز	۱۰۱
دامپزشکی	۱۰۱
گمرکات	۱۰۱
اصلاحات ارضی	۱۰۱
تولیدات	۱۰۱
نفر حج	۱۰۱
استخدام	۱۰۱
جشن	۱۰۱
تبریك	۱۰۱
فعالیت‌های حزبی	۱۰۱
اوقاف	۱۰۱
شهربانی	۱۰۱
ایران درمطبوعات جهان	۱۰۲
سمینارها	۱۰۲
روابط خارجی	۱۰۳
بهداشت و درمان	۱۰۵
پیك تلاش	۱۰٦
صنعت	۱۰۷
بازار	۱۰۷
در شهرستانها و استانها	۱۰۸
آموزش عالی	۱۰۹
پیکار با بیسوادی	۱۱۰
آموزش و پرورش	۱۱۰
شهر وشهرداری	۱۱۰
موسیقی	۱۱۰
فرهنك وهنر	۱۱۰
کاشیکاری	۱۱۰

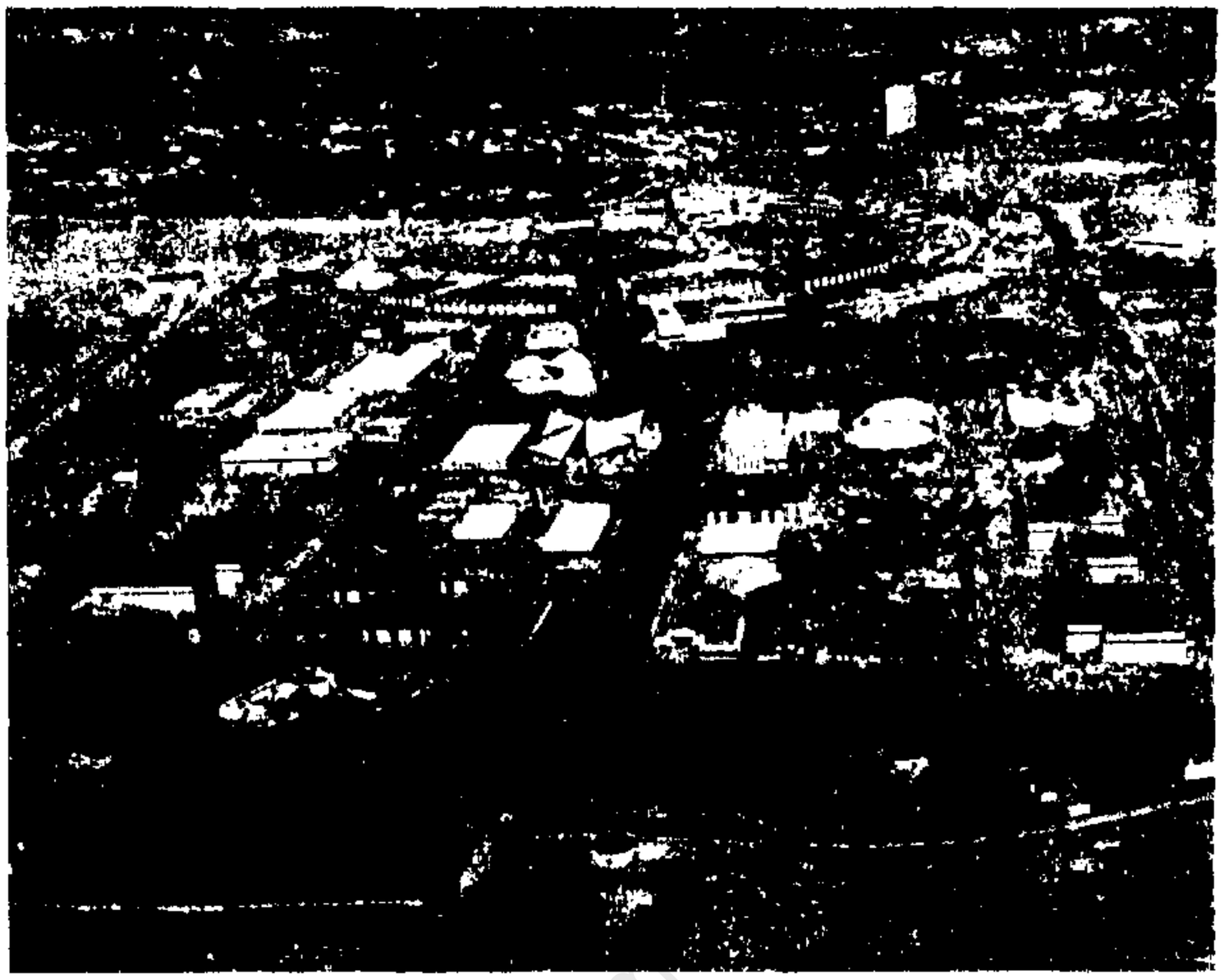

نمایشگاه آسیائی

● دومین نمایشگاه‌بین‌المللی آسیائی سال ۱۹۶۹ بعدازظهر روز سیزدهم مهرماه درحضور شاهنشاه آریامهر و شهبانو فرح گشایش یافت . مقایسه کوچکی با اولین نمایشگاه آسیائی که در سال ۱۹۶۴ در بانکوك تشکیل یافته بودنشان می‌دهد که دومین نمایشگاه بین‌المللی آسیائی تهران‌حدود ۵۰٪ نسبت به‌اولین نمایشگاه بزرگتر است . در اولین نمایشگاه که به ابتکار (اکافه) ایجاد شده بود درطی مدت ۲۰ روز معادل ۲۰ میلیون دلار معامله بازرگانی صورت گرفته بود و یك میلیون و پانصد هزار نفر از آن‌دیدن کردند . علاوه برمقداری‌ارز که‌کشورهای شرکت کننده برای ایجاد ساختمانها و هزینه‌های متفرقه خود به تایلند برده بودند خریدهای بسیاری هم کردند ، همچنین بازرگانان تایلندی ارتباط تازه‌ای با ۲۰۰۰ موسسه و ۵۰۰۰ نفر بازرگان‌وصاحبان صنایع برقرار کردند .

از اینجهت در همان‌زمان دولت ایران تصمیم گرفت‌که دومین نمایشگاه در تهران تشکیل شود . استقبالی که از نمایشگاه بین‌المللی آسیائی تهران شد بی‌نظیر بود . پرچم های ۴۰ کشور شرکت کننده درمحوطه میدان‌سازمان ملل در اهتزاز بود .

نمایشگاه در زمینی به مساحت ۱٫۳ میلیون مترمربع تشکیل یافته و دارای ۱۰۷ غرفه می‌باشد که متعلق به کشور های آسیائی ، اروپائی امریکای شمالی ، کانادا و استرالیا می‌باشد . در این غرفه‌ها در حدود ۲۰۰ هزار نوع کالا به وزن ۱۰۰ هزار تن می‌باشد .

۴۳۰ تولید کننده وصاحب صنعت ایرانی ۳۰۰ غرفه به مساحت ۹۰۴۲ متر مربع را در اختیار دارند که اجناسی به ارزش ۸۰۰ میلیون ریال در آن به معرض نمایش قرار داده‌اند . جمع کل سرمایه گذاری بوسیله کشور های شرکت کننده معادل ۷۰۱ میلیارد ریال است . همچنین ۴۸۰ میلیون تومان مخارج ایجاد نمایشگاه شده که‌معادل ۱۱۵ میلیون تومان آن‌بوسیله دولت ایران تامین شده است و صاحبان غرفه‌ها اجازه‌دارند در حدود ۵۰ هزار دلارکالای غیر مجاز بفروشند بشرطی که خریدار ایرانی نباشد ، در غیر این صورت‌تشریفات گمرکی انجام خواهد شد .

برای احداث نمایشگاه ۱۵۰۰ میلیون متر مکعب‌خاك برداوی شده و چندین هزار مهندس و کارگر ایرانی‌مدت ۲ سال برای آماده ساختن نمایشگاه کار کرده‌اند و روزانه معادل ۲۰۰ تن سیمان برای ساختمان ها مصرف کرده‌اند .

برای‌تامین‌روشنائی‌نمایشگاه یك شبکه برق‌که از یك‌طرف به کارخانه آلستوم که‌دارای یك ترانسفورماتور به قدرت ۳۰۰۰ ولت و از طرف دیگر به ترانسفورماتور الهیه که دارای ۲۴ ترانسفورماتورهر یك به‌قدرت ۲۰۰۰۰ ولت می‌باشد متصل است . آب‌درهر یك از غرفه‌ها بوسیله شبکه لوله‌کشی که به شبکه‌لوله‌کشی آب تهران متصل است تامین می‌شود و یك مرکز شبکه تلفن ۷۰۰ شماره‌ای برای استفاده شرکت کنندگان نصب شده است نمایشگاه از بیست خیابان اسفالته تشکیل شده است که مجموع طول آنها بیش از ۲۰ کیلو متر است عرض خیابان های داخلی نمایشگاه بین ۱۰ الی ۳۰متر است و ۲۳ هزار درخت در طرفین این خیابانها غرس‌شده است . خیابانهای نمایشگاه به نامهای مراکز استانها نام — گذاری شده است .

همچنین در مرکز نمایشگاه تپه‌ای طبیعی وجود دارد که با درخت و نبات تزئین شده است .اولین‌شاهراه شهرتهران شاهراه نمایشگاه آسیائی‌است که نزدیك به ۱۳ کیلومتر طول دارد . عرض دو طرف این شاهراه ۱۱٫۴ متر و محوطه میان این دو قسمت بعرض ۴ متر درختکاری و چمن‌کاری شده است . در دو طرف آن پیاده روئی بعرض ۹٫۴ متر احداث خواهدشد.

استخر بزرك نمایشگاه ۳۲۰ فواره و ۶۴۰ نور افکن دارد و درکنار آن یك‌جایگاه ۳هزار نفری ساخته شده است و برای رنك کاری استخر که ۱۰۵۶۲ متر مساحت آن است یك گروه ۱۶ نفری با ۶ موتور پمپ ۱۲ روز کار کردند در کنارزمین نمایشگاه سه پارکینك اتومبیل با ظرفیت ۷۵۰۰ اتومبیل و۳۰۰ اتوبوس ساخته شده است که مساحت آنها ۱۸۰ هزار متر مربع است . همچنین پارك جنگلی نمایشگاه ۳۰ هزار متر مربع وسعت دارد .

در داخل محوطه نمایشگاه ۱۰ فروشگاه کوچك‌مخصوص ساندویچ و نوشابه‌های‌مختلف و یك رستوران با ظرفیت ۳۰۰ نفر در سراسر روز از بازدید کنندگان پذیرائی می کند.

همچنین درحاشیه‌ی‌نمایشگاه دو غرفه فرعی سیلان‌وبرزیل به مردم چای و قهوه می — دهند .

تعداد سه هزار مترجم و ۸۵ دوشیزه راهنما بااونیفورم مخصوص هدایت تماشاگران رابعهده دارند . برای‌خارجی هائی که برای شرکت در نمایشگاه به تهران آمده‌اند ۷۰۰۰ اتاق در هتل‌ها و منازل رزرو شده همچنین ۲۰۰۰ اتومبیل سواری با راننده‌کرایه‌شده است . برای اولین‌بار دوکشور افریقائی مراکش و تانزانیا درنمایشگاه بین‌المللی آسیائی تهران شرکت کرده‌اند .

هریك از کشور های شرکت کننده در طول مدت نمایشگاه دارای یك روزملی می‌باشند که برنامه های‌خاصی در آن روز اجرا خواهند کرد . بزرگترین غرفه‌ازلحاظ وسعت به دولت آلمان فدرال تعلق دارد که مساحت آن ۹۵۰۰ مترمربع است و ۱۵۰ شرکت عمده آلمانی کالاهای خود را در آن به معرض نمایش قرارداده‌اند علاوه بر آن زیمنس و مرسدس بنز نیز در خارج ازغرفه دولتی برای خود غرفه ساخته‌اند .

برای حفاظت نمایشگاه از نیروی امدادی پلیس کمك گرفته شده است وبرای‌حفاظت کامل محوطه داخلی به ۷ منطقه تقسیم شده است که مسئولیت هرمنطقه با یك‌افسر پلیس است و۵ برج مراقبت در ۵ گوشه نمایشگاه با نور افکن های قوی و افرادمجهز شبانه‌روز حفاظت نمایشگاه را بعهده دارند .

در طول مدت نمایشگاه سه سمینار بازاریابی بمدت ۵روز از ۳۰— ۲۶ مهر یك سمینار جهانی پتروشیمی از ۲۵ — ۲۰ مهرماه و یك سمینار توسعه صنعتی تشکیل گردید .

در سمینار بازاریابی نمایشگاه آسیائی دو موضوع اصلی فرآورده‌های کشور های در حال رشد و مقررات‌وارداتی کشور های صنعتی موردبحث و تبادل نظر قرار گرفت .

این سمینار با همکاری کمیسیون اقتصادی ملل‌متحد برای‌آسیاوخاوردور (اکافه) برگزار شد که مهمترین هدف آن‌آشنائی صاحبان‌صنایع و مدیران موسسات بازرگانی کشور های در حال رشد با امکانات صدور کالا به بازار های عمده جهان بود .

درسمینار جهانی پتروشیمی مدیران و صاحبان صنایع پتروشیمی کلیه کشور ها که در کار تولید محصولات پتروشیمی فعالیت دارند و همچنین مدیران مؤسسات صنعتی سازنده ماشین آلات پتروشیمی در این نمایشگاه شرکت کردند . در جلسات این سمینار زمینه‌های متعدد و گوناگون تولید فرآورده های پتروشیمی ونحوه‌استفاده از این تولیدات برای مصارف مختلف بررسی گردید .

سومین سمینار مربوط به توسعه صنعتی به‌منظورراهنمائی کشورهائی که کارخانه می فروشند و کشورهائی که کارخانه می‌خرند تشکیل بود و برنامه این سمینارتوسط سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل تهیه شده و خود آن سازمان درطول مدت نمایشگاه آنرا اجرا کرد .

غرس ۲۳ هزار درخت

● بنا به اظهار مقامات نمایشگاه آسیائی ۲۳ هزار درخت در خیابانهای محوطه نمایشگاه آسیائی‌غرس گردیده است . بعضی از این درختها یك ساله وبرخی دیگر دو ساله هستند.

ورود یك رولز رویس مخصوص

● برای شرکت ونمایش در غرفه های‌نمایشگاه آسیائی یك اتومبیل «سیلور شدو» ساخت شرکت «رولز رویس» در روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه سال جاری به تهران وارد شد.

شاهنشاه‌آریامهر وعلیاحضرت شهبانو هنگام افتتاح نمایشگاه‌آسیائی

غرفه شوروی

پایان کار نمایشگاه

● نمایشگاه آسیائی باسه روز تمدید در روز پنجم آبان ماه به کار خود پایان داد.

هنر و رویدادهای آن

منوچهر محجوبی

ناصر ملك محمدی

نویسندگان و مطبوعات

دیدار ماهانه اعضاء سندیکای نویسندگان

شادروان عباسعلی رضایی

● اعضای سندیکای نویسندگان مطبوعات دراولین پنجشنبه مهرماه ، دیدارماهانه‌معهود خود را در محل دبیرخانه این سندیکا انجام‌دادند . این دیدار ، آخرین دیدار در دوره کار هیئت‌مدیره منتخب فعلی بود . از همین دیدار عده‌ای که‌خودرا برای عضویت در هیئت مدیره سندیکا در دوره آینده کاندیدا کرده بودند ، فعالیت خویش‌را آغاز نمودند .

اعضای سندیکای نویسندگان‌مطبوعات در اولین پنجشنبه هرماه بدور هم گرد آمده‌و تجدید دیدار میکنند . دیدار ماه شهریور نیز به‌مناسبت درگذشت مرحوم «رضائی» عضو هیئت تحریره‌واحدمطبوعاتی کیهان برمزار آنمرحوم برگزار شد .

در انتخاب هیئت مدیره «منوچهر محجوبی» بسمت دبیر ــ «بهشتی‌پور» به‌سمت رئیس هیئت مدیره ــ «حیدری» بسمت خزانه‌دار و «ملك محمدی» بسمت منشی برگزیده شدند .

ایرج پزشکزاد

● « ایرج پزشکزاد » نویسنده آشنا و قدیمی مطبوعات بسمت مدیر کل‌مطبوعات وزارت امورخارجه برگزیده شد .

پزشکزاد طنز نویسی است‌که سادگی سبك وسیاق‌نگارش او مورد توجه مردم وبسیاری‌از طنزنویسان قرار گرفته است .

از جمله‌تالیفات «پزشکزاد»مجموعه داستانهای فکاهی‌بنام «بوبول» خاطرات یك‌سفربنام «حاج مم‌جعفر درپاریس» ومجموعه مقالات او بنام«آسمون و ریسمون» است .

تهران مصور و «حسین سرفراز»

● از اول پائیز مجله تهران مصور به سردبیری «حسین سرفراز» دوره جدید حیات خود را آغاز نمود .

«پوروالی» و شهرفرنك

● یکی از قسمتهای‌برنامه از «چهارگوشه‌جهان»گزارشی است که اسمعیل پوروالی با طنز خاص خود در فرانسه تهیه و آنرا برای پخش از رادیو ایران به تهران می‌فرستد .

این قسمت از برنامه تحت عنوان «رنك به رنك ازشهر فرنك» تنظیم میشود .برنامه چهارگوشه جهان در پنج روز هفته از ساعت ٤ الی ٥ بعد از ظهر از رادیو ایران پخش میگردد .

فعالیت هنری محمد عاصمی در آلمان‌غربی

● شماره ٢٤ ماهنامه کاوه که بهمت «محمد عاصمی» در مونیخ چاپ میشود ، انتشار یافت . در این ماهنامه‌مقالاتی پیرامون نثر امروز، لهجه‌های ایرانی و مرغ شب (شعری از صورتگر) و نیز مطالبی از جمالزاده ــ عبدالله‌افرادی ــ ژوزف اشتراوس و دکتر لودویك درج شده بود .

کار دست غیب در تهران مصور و فردوسی

● عبدالعلی دست غیب شاعر ونویسنده معاصرمدتیست که رسما به عضویت هیئت تحریره‌دومجله پایتخت‌درآمده در این دوواحد مطبوعاتی فعالیت می‌کند .

صفحات شعر مجله فردوسی دردوره جدید این مجله تحت نظر دست غیب اداره میشود و مطالبی در زمینه نقد و بررسیهای ادبی از جمله نوشته های او است که درهر شماره از دو مجله مذکور نمونه‌هائی از آن به چاپ میرسد .

شرح دیگری از احوال مولانا .

● پنجمین وششمین شماره از دوره سی و هفتمین ماهانه «ارمغان» انتشاریافت. مقالاتی از پرفسور نیکلسن ــ دکتر بشارت ــ استخر ــ وحید دستگردی ــ رفیع ــ دکتر قوکوسیان ــ شهاب‌ــ اورنك ــ انوری پور ــ مدرس چهاردهی ــ جلوه ــ صدیق ــ شمس تفیسی ــ رشید یاسمی ــ حالت ــ رجوی ــ آزاد ــ عنقا ــ کی‌منش ــ فروزان ــ نیری ــ محمدعلی رشتی و موسی نثری در این شماره «ارمغان» درج شده است .

«مقاله نیکلسن» اختصاص به بررسی و شرح زندگانی و آثار جلال‌الدین مولانا داشت که «محمد وحید دستگردی» آنرا بفارسی برگردانده است.

دوره جدید روشنفکر

● مجله روشنفکر بتازگی دوره جدید زندگی خود را آغاز کرده است .

در این دوره الهامی ــ اشتهاردی ــ داریوش آریا ــ دکتر سعید عنایت ــ پرویز پرتو ــ فریدون مشیری ــ پرویز قاضی‌سعید ــ محمدعلی سپانلو ــ احمد رضا احمدی ــ نصیر امینی ــ مهندس‌ایرج شاهرخی ــ ایرج زارع با روشنفکر همکاری دارند .

تجدید انتشار کاوه

● قرار است مجله کاوه که در سال‌های ١٩١٦ تا١٩٢١ توسط حسین تقی‌زاده منتشر می‌شد دوباره تجدید چاپ شود . بهای قبل از انتشار مجله که یکدوره پنج ساله است یکهزار ریال اعلام شده است .

نامه دهخدا

● مجله «راهنمای کتاب» ماه مرداد منتشر شد .دراین شماره مطالبی از عبدالمجید آیتی ــ احمد اشرف ــ ایرج افشار ــ منوچهر امیری و عبدالعلی دست‌غیب عنوان‌شده که جالبترین آنها را میتوان «نامه عجیب دهخدا»دانست.

ماهنامه‌ای برای «هما»

● کسائی که پس از کناره گیری از سردبیری «وحید» به ریاست اداره مطبوعات وانتشارات روابط عمومی هواپیمائی ملی ایران برگزیده شده است در نظر دارد به جز بولتن هفتگی‌این شرکت‌بنام «اخبار هفتگی‌هما» ماهنامه‌ای در سطح بالا در معرفی فعالیتهای شرکت‌منتشر سازد.

درگذشت آل احمد

ادب معاصر ایران درشهریور ماه چهره سرشناس خود رااز دست داد .

«جلال‌آل‌احمد» نویسنده‌ای‌که ویژگی سبك و سیاق کار او در بسیاری از نویسندگان‌معاصر اثر گذاشته است در این ماه بسبب عارضه سکته‌برای همیشه نوشتن را کنار گذاشت .

ادای احترام و بزرگداشت‌او در مجالس ترحیمی که برایش برپا شد بسابقه بودو در آن دوستان ، دوستداران وشاگردانش‌که جمعیت‌انبوهی‌را شامل میشدندشرکت‌داشتند.

از «جلال» این نوشته‌هاکه‌برخی نایاب هستند تاکنون به چاپ رسیده است :

قصه‌وداستان :

دیدو بازدید ــ از رنجی‌که میبریم ــ سه‌تار ــ زن زیادی ــ سرگذشت کندوهاــمدیر مدرسه ــ نون‌والقلم و نفرین زمین .

مشاهدات :

اورازان ــ تات نشینهای‌بلوك زهرا ــ خارك دریتیم خلیج فارس و خسی‌درمیقات.

مقالات :

هشت مقاله ــ سه مقاله‌دیگر ــ غرب‌زدگی ــارزیابی شتابزده و کارنامه سه‌ساله .

ترجمه‌ها :

قمارباز از داستایوسکی ــبیگانه از آلبرکامو (بااصغر خبره‌زاده) ــ سوء تفاهم ازآلبرکامو ــ دستهای آلوده‌از ژان پل سارتر ــ بازگشت‌ازشوروی از آندره‌ژید ــ مائده های زمینی از آندره‌ژید(باپرویز داریوش) وگرگدن از اوژن یونسکو .

جلال آل احمد و همسرش سیمین دانشور

مرگ صورتگر

● دکتر لطفعلی صورتگرشاعر و زبان‌شناس معروف‌به سبب عارضه سکته درگذشت .صورتگر از استادان خوب و مسلم ادبیات فارسی بود .وی‌استاد دانشکده ادبیات تهران و نیز رئیس دانشکده ادبیات‌دانشگاه پهلوی شیراز بود که با تنظیم برنامه مخصوصی درهردو دانشکده این دوشهربه تدریس اشتغال داشت .

دکتر صورتگر را درجوارمقبره حافظ در شیراز بخاك سپردند .

www.KetabFarsi.com

فیلم و سینما

سینمای کلاسیك آلمان

● کانـون فیلـم ایران برنامه مخصوصی بمنظورمعرفی وبررسی آثارسینمای کلاسیك آلمان در فاصله دهـاله ۱۹۲۰ تـا ۱۹۲۹ ترتیب داد . در نخستین قسمت این برنامه فیلم معروف سینمای کلاسیك آلمان بنـام «مطب دکتـر کالیگاری» و همچنین فیلم «نوسفراتو» نمایش داده شد. این برنامه بمدت ۹ هفته ادامه خواهد داشت .

«یك جهش بزرك بـرای بشریت»

●فیلمهای یك‌جهش بزرك برای بشریت که طی آن فرود انسان را در ماه نشان میداد ونیز «پروژه‌آپولو» درانجمن ایران وامریکا در پنج روز متوالی بنمایش درآمد.

دو شاعر در یك فیلم

● «ارامش در حضـور دیگران» فیلمی است براساس سناریوئی از «دکتر ساعدی» که دو چهره جدید دارد. این دو چهره عبارتند از «محمد علی سپانلو» و «محمد آزاد» که هردو شاعرند. و در شعر وشاعری شهره.

ناصر تقوائی این فیلم را کارگردانی میکند و دیگـر بازیگران آن عبارتند از : اکبر مشکین ــ پرتونـوری علاء و ثریا .

لی‌لی وقائم‌مقامی در فیلم عشق کولی

←

نمایش فیلم در سینماهای‌تهران

این فیلمها در سینماهای‌تهران بمعرض نمایش گذاشته شدند:

سیلویا : باشرکت کارول‌بیکر و جرج هاریس .
همسران جوان: باشرکت:جان میلز و هایول‌بنت .
تخته سیاه: باشرکت: کلن‌فورد و سیدنی پوائیه .
تعطیلات بزرك: باشرکت :لوئی دوفونس و فردی مین.
الیور : باشرکت : رون‌موری و الیور رید.
سرباز خوشکله : باشرکت:ربرت حسین و کاترین اسپاك.
خانم جین برودی : باشرکت:مگی اسمیت‌و رابرت استیفن.
فرار بیدلیل : باشرکت :رد تیلور و کریستوفر پالمر .
کیلرکیـد : باشـرکت :آنتونی استیفن و فـرناندو سانچو.
نیرنگهای شیرین سوزان: باشرکت: پاسکال پتی و مایك مارشال.
گلوله‌های‌قانون: باشرکت:ریچارد هریسون.
مارلو : باشرکت: جیمـز گارنر.
بیوس ولی گازم نگیر :باشرکت: شارون تیت.
شب جوانان : باشرکت :ژاك‌پرن.
راشل ، راشل : با شرکت :جیمز ادلسون و آن‌وودوارد.
امیـل و کارآگاهان: باشرکت: والتر سلزاك.
دختر شاه پریان: باشرکت:وثوق و فروزان.
تقدیم با عشق: باشرکت :سیدنی پوائیه
بازی تقدیر : باشرکت :کندیس‌برگن‌و آنتونی‌کوئین.
تنها در تاریکی: باشرکت:ادری هپبورن .
غارتگران: باشرکت: دین‌مارتین.
حرص زندگی: باشرکت :سوزان پلهشت.
طولانی‌ترین‌روز: باشرکت:جان وین .
یك طناب ، یك اسلحه :باشرکت ربرت حسین‌و میشل مرسیه.
رودخانه وحشی : باشرکت:پوری بنائی.
روسها دارند میآینـد :باشرکت: کارول وایز.
مکتب عشق : باشرکت ناتالی دلون .
شکوه قهرمان: با شرکت:محمد زرین‌دست و نیلوفر.
دردسر ازدواج ژانـدارم :باشرکت: ژنویوگراد.

نمایش محدود فیلمهای فارسی

● از این پس یك فیلـم فارسی حداکثر در هفت یا هشت سینما بمعرض نمایش در خواهد آمد.

مدتی پیش وزارت فرهنك وهنر تصمیم گرفت تا از اول فصل پائیز از نمایش یك‌فیلم فارسی در بیش از پنج سینما درآن واحد جلوگیری بعمل آورد لیکن آندسته‌از صاحبان فیلم های‌فارسی‌که فیلمهایشان در سیزده سینما نمایش داده میشد به‌اینکار اعتراض نمودند ودر نتیجه موافقت شد کـه حد وسط این رقم ملاك کار قرار گیرد ویك فیلم فقط در ۷ یا ۸ سینما نمـایش داده شود.

عروس بیانکا

● مقدمات تهیـه فیلـم «عروس بیانکا» تهیه شد و بـزودی فیلمبرداری از آن در استودیـو میثاقیـه آغاز خواهد شد. این فیلم را شاپور قریب کارگردانی میکنـد و فروزان و منوچهر وثـوق هنرپیشگان اصلی ان هستند.

تصویریان درصحنه ای ازفیلم عروس هالو

دور دنیا با جیب خالی؟

● اکیپ سازندگان فیلم «دور دنیا با جیب خالی» به ایران بازگشتند.

بقـرار اطلاع فیلمبرداری از قسمتهائی از این فیلم که می‌بایست در خارج از ایران تهیه شود پایان پذیرفته ونیز کلیه قسمتهای فیلمبرداری‌شده در خارج چاپ شده است.

جواب وزارت فرهنك وهنر

● وزارت فرهنك وهنر پیرو اعتراض تهیه کنندگان فیلم های فارسی به‌توقیف‌فیلم خود جواب داد.

تهیـه کننـدگان مذکور اعتراض کرده بودند کمچرا وزارت فرهنك وهنـر بـه سناریـوی آنها اجازه فیلم برداری میدهد و بعد فیلم‌را توقیف میکند و کمیته‌سانسور فیلم در اینباره جواب داده است که : «فی‌المثل درقسمتی از سناریو نوشته شده است‌که: جوان به‌اتفاق دستیارش وارد کافه میشود درحالیکه رقاصه کافه مشغول رقصیدن است ، کافه رفتن و رقصیدن‌اشکالی ندارد ولی باید دید چطور وارد میشوند ورقاصه چگونه میرقصد ؟ از این جزئیات‌در سناریو خبری نیست ولی در فیلم به حداعلی دیده میشود.»

آسیب دیدن میری به‌سبب ریزش کوه

● «میری» در حین فیلم برداری فیلم «دختر کولی» بعلت ریـزش کـوه آسیب مختصری دید. درموقع فیلم‌برداری آخرین صحنـه های فیلم که «رضا صفائی» آنرا کارگردانی میکند ــ براثـر ریزش کوهیکه در پای آن «میری» و «آراسته» به‌ایفای نقش مشغول بودند، میری‌تنها آسیب مختصری می‌بیند و از خطر بزرگی برکنار میماند.

دراین فیلم «لی‌لی» و «قائم مقامی» نیز ایفای نقش می نمایند.

کنترل نام فیلمها

● پس‌از موفقیت تجارتی فیلـم «گنج قارون» تهیـه کنندگان فیلمهای فارسی‌برای جلب مشتری بیشتـر نام‌های معروف و شناخته شده را برای فیلم خودانتخاب میکردند که اغلب این نام هیچگونه‌بستگی با موضوع فیلم آنها نداشت. فی‌المثل «حاتم طائی» راباید نام برد که در آن فقط نام هنرپیشه اول‌فیلم «حاتم‌طائی» بود وسوژه برخلاف اسم آن موضوع دیگری را مطرح می نمود.

براین اساس‌وزارت فرهنك وهنر تصمیم گرفته است از این پس فقط به سناریو هائی اجازه فیلمبرداری بدهد که نام فیلم با موضوع آن نیـز بستگی داشته باشد.

فیلم تازه‌ای از «آوانسیان»

● «آربـی آوانسیـان» مشغول‌تهیه وفیلمبرداری فیلم تازه‌ایست که‌هنوز نامی برای آن نیافته است . آربی قبلا درباره کار خود در فیلـم «شوهر آهوخانم» خبر داده بود که بزودی فیلمی تهیـه خواهد کرد تا مردم آنرا با فیلم آینده «داود ملاپـور» مقایسه نموده واظهار نظـر نمایند . «آربی» مدعی بودکه سناریوی فیلم‌شوهرآهو خانم اقتباس کاملی‌است ازسناریوی او لیکن ملاپور این ادعا را قویا تکذیب میکرد.

دراین فیلم مهتاج نجومی‌ــ جمشید مشایخی‌و آرمان‌ایفای نقش می‌نمایند.

رادیو

میهمان هفته

● «رشیدمستقیم»خواننده تلویزیون از این پس‌بصورت مهمان در «واریته هفته» که صبح هر جمعه از رادیوایران پخش میشود شرکت خواهـد نمود .

آهنك بیشتر آوازهائی که رشید مستقیم تاکنون خواننده از ساخته‌های خود اوست .

تئاتر

سوغات فرنك

● هنرمندان گروه آریا باردیگر سوغات فرنك را به روی صحنه درآوردند .

در نمایشنامه سوغات فرنك که در انجمن دوشیزگان ، و بانوان اجراشد، محمدرفیعی‌ــ دیانا ــ مؤذن ــ بیات ــ اسکندر رفیعی ــ بهـروز فرحناك ــ قهرمانی‌ــ سهیلاــ پروانه و بیژن رفیعی ایفای نقش مینمودند .

سوغات فرنك داستـان‌طنز آمیزی بود از زندگی یـك جوان از فرنك برگشته که عـادات و آداب اجتماعـی گذشته خود را به‌عمد به‌دست فراموشی سپرده است .

«محمد رفیعی» یکی از بازیگران این نمایشنامه کـه بازیگر اول سریال تلویزیونی «آلاخون والاخون» می‌باشد . در این برنامه نقش «عمـو» راایفا مینماید .

صحنه‌ای از باله «زندگی ، عشق ، مرك»

باله

کار تازه گروه باله ملی پارس

● گروه باله ملی پارس وابسته به تلویزیون ملی ایران برهبری «عبداله ناظمی» باله جدیدی را در تلویزیون ملی ایران اجرا و ضبط نمود .

این باله که «زندگی ــ عشق ــ مرك» نام دارد بر روی موسیقی «بولهرو» از «رآول» طراحی شده است و داستان آن جدالی است بین عشق و مرك که سرانجام‌مرك بر عشق چیره میشود .

افرادیکه در ایـن بالـه شرکت داشتند عبارت بودند از : «کلارا آوانسیان» در نقـش «عشق» ــ «عبدالله ناظمی» در نقش «مرك» و «هرکـوپاتی‌نی‌بو» در نقش «زندگی» و نیزناصرکاظمی‌ــ مهروان روانبخش ــ مهـدی انوشفرــ خجسته میرغفوری‌ــ ایرج جاماسبـی و مهشیـد جم‌پور .

طراحی باله‌کار«هرکوپاتی نی‌بـو» ــ طرح دکـور از «فریده توفیقی» و کارگردان فنی بـرای ضبط «سهـراب اخوان» بود .

«سلطان مار»

● « بهرام بیضائـی » نویسنده کتاب «نمـایش در ایران»که نمایشنامه‌های‌دیگری نیز از او تاکنون چاپ شده ونیز به‌صحنه‌کشیده شده‌است؛ نمایشنامه جدیدی را که شخصا نوشته در تالار ۲۵ شهریور بروی صحنه آورد .

کارگردانی این نمایشنامه‌با خود او بود .

صاعقه

● اثری از استروسکـی بنام صاعقه به کارگردانـی مهین اسکوئی در تالار جدید موزه ایران بروی صحنه‌آمد.

نقاشی

نمایشگاه مشترك نقاشان سه کشور

● همزمـان با گشایـش نمایشگاه آسیائی در تهـران، یك نمایشگاه بزرك از کـار نقاشان معاصر «کشور هـای پاکستان ، ایران و ترکیه» ترتیب‌یافت

طی این نمایشگاه آثاری از حدود ۴۰۰ نقاش ایرانی، ترك و پاکستانی در معـرض تماشا گذاشته شد .

نمایشگاهی در ایتالیا

●«ناصراویسی» نمایشگاهی از آثار خود در ایتالیاترتیب داد.

برداشت اویسی‌درکارهایش کاملا ایرانی است . او توجه شایانی نسبت به مینیاتور دارد و او در تابلوهایش تلفیقی ارائه میدهد . بین شیـوه فراموش شده مینیاتور و نیز مدرن .

سخنرانی

بارندگی در ایران

● «توجیه بارندگی‌های دریای سیاه و ارتباط آن با بارندگی دریای خزر»موضوع سخنرانی آقای خلیلی درمحل هواشناسی کل کشور بود . این سخنرانی در روز یکشنبه ۱۶ شهریورماه انجام شد . سخنران دانشیار هواشناسـی دانشکده کشاورزی کرج می باشد .

باستانشناسی

سمینار ارزیابی تحقیقات باستانشناسی

● سمینارارزیابی‌تحقیقات و فعالیتهای باستانشناسی در تالار امیرکبیر دانشکده مهندسی دانشگاه پهلوی گشایش یافت . هنگام‌گشایش سمینار ، رئیس دانشگاه‌پهلوی به‌ضرورت تشکیل این‌سمینار و اهمیت آن از نظر شناخت تاریخ و تمدن ایران اشاره کرد و پروفسور «ریچارد نلسون‌فرای» رئیس موسسه آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی پیرامون کارهای سمینار و برنامه های موسه مذکور در جهت شناخت‌آثار باستانی ایران به تفصیل‌سخن گفت در سمینار ارزیابی تحقیقات وفعالیتهای باستان‌ـ شناسی ۱۵ نفر از ایران شناسان‌کشور های‌مختلف‌جهان و گروهی از استادان‌دانشگاه پهلوی و کارشناسان وزارت فرهنگ و هنر شرکت‌داشتند.

اسناد تاریخی دوره اشکانی

● از طرف فرهنگستان علوم اتحاد شوروی ودانشگاه های مسکو و لنینگراد یك مجموعه کامل از کتاب های منتشره آنها درباره تاریخ و فرهنگ ایران ، بشاهنشاه آریامهر تقدیم شد .

مهمترین اثر این مجموعه متن و ترجمه دو هزار وپانصد سندتاریخی متعلق به آرشیو سلطنتی اشکانی است که‌چند سال پیش در کاوشهای‌باستانی در شهر «نسا» نخستین‌پایتخت اشکانی در جنوب عشق آباد بدست آمد و کاملترین مجموعه‌ایست که درحال‌حاضر از دوران اشکانیان درجهان وجود دارد .

اسناد این آرشیو ازهنگام کشف آنها تاکنون منظما به وسیله گروهی از دانشمندان باستان‌شناس شوروی در دست قرائت و ترجمه بوده است .

حفاریهای معبد آذرگشسب

● برای نخستین‌بار آثاری‌از دوره هخامنشی‌درکاوشهای باستانی معبد آذرگشسب بدست آمد.

● کاوشگران آلمانی ازسال ۱۹۵۵ در تخت سلیمان (۴۲ کیلومتری تکاب)مشغول‌حفاری هستند.این محل در روزگار گذشته یکی‌ازمهمترین‌آتشکده‌های ایران بوده است.

حفاریهای سال گذشته وامسال در این محل به نسبت سالهای پیش دارای نتایج‌ارزنده‌تری بوده است ضمن حفاری‌های دو سال اخیر ،دو اطاق ٦ ضلعی و ۸ ضلعی که از آثار دوره مغول است‌در تخت سلیمان کشف شده‌که از نظر سبك معماری بسیارجالب است . بنا به اظهار باستانشناسان این دو اطاق‌محل حرمسرای شاهان مغول بوده است . هم‌چنین تالاربسیار بزرگی با ستونهای‌قطور که مخصوص انجام مراسم‌مذهبی بوده است نیز کشف گردیده که هنوز هم قسمتی‌از آن از زیر خاك بیرون نیامده است .

بنا به اظهار باستان‌شناسان آلمانی اسکلت‌انسانی که از زیر پی یکی از ستون‌های این تالار بیرون آمده متعلق به یك سرباز دوره‌هخامنشی است و بدینترتیب آثاری از قبل و بعد ازاسلام‌که یکجا در این محل مدفون بود کشف گردید .

معبد آذرگشسب از معابدمهم بوده و گفته میشود که زادگاه زرتشت نیز در این‌محل بوده است .

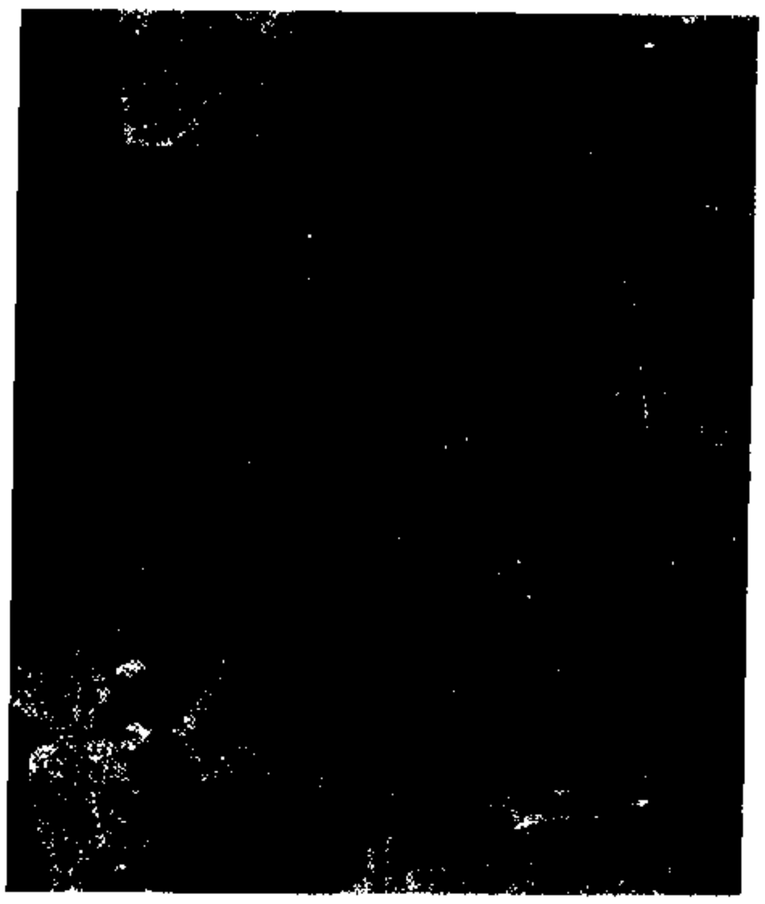

درداخل‌تالاربزرگ‌معبد ستونهائی‌به قطر دومترو۳۰ سانت از زیر خاك بیرون کشیده شده‌است.

شعر وشبهای شعر

شب شعر رؤیائی در پاریس

● در ایران شعرهواخواهانی دارد که با طرفداران یك مسابقه بزرك‌فوتبال برابری میکند .

● «یداله رؤیایی» شاعرسرشناس که برای برگرداندن جنگی از کارشاعران معاصربه فرانسه رفته است ، در شب شعری که در گالری «سن‌ـژرمن‌دوپره» برایش‌ترتیب‌داده شده بود شرکت جست .

در این شب‌شعر ابتدا ژان‌برتون‌پیرامون اشعار«رؤیائی» به تفصیل سخن گفت و بعدشعری از او خوانده شد که با استقبال شعردوستان فرانسه‌روبرو گردید .

گفته میشود همچنین ازیداله رؤیائی دعوت شده‌است که‌در فستیوال بین‌المللی‌شعرکه دریوگوسلاوی برپامی‌شود شرکت جوید . شبهای شعراین‌فستیوال در «استروگا» ترتیب خواهد یافت .

آنچه در اینجا میآیدبرگردان قسمتی از گفتگوئی است بین « آندره لود» و«رؤیایی»که‌درنشریه «کومبا» چاپ پاریس درج شده است.

لود : در کشورشما شعرچه‌مقامی دارد

رؤیائی : مقامی همانندمقام‌فوتبال .

لود : منظورتان چیست ؟

رؤیائی : در ایران شعرهواخواهانی دارد که با طرفداران یك مسابقه بزرك‌فوتبال برابری میکند .

لود : این اندازه طرفدارقاعدتا باید به شاعران‌اجازه دهد که به انتشار نسخه های‌خارج از حد معمول اقدام کنند .

رؤیائی : با توجه‌به درصدبیسوادان در قیاس با فرانسه، خیلی بیشتر .

لود : شعرای این نسل‌که بر زندگی شعری کشور شما حکومت میکنند چه‌کسانی هستند ؟

رؤیائی : چهار شاعربویژه‌متمایز هستند : «فرخزاد» که بهترین شاعره بود و در سال۱۹٦٦ دریك حادثه اتومبیل جان سپرد و نیز «آزاد» ،«آتشی» و «رحمانی» علاوه براین چهارتن شاعران بسیاری‌هستند که راههای جدیدی گشوده‌اند مثل «تمیمی» ،«حقوقی» و «براهنی» که این شاعر آخری بخصوص درنقد شعر شهرت بسیار دارد.

لود : مسلما نسل قبل‌الهام بخش این نسل بوده است . این نسل چگونه‌بوده‌است .

رؤیائی : نسل قبل از ماستارگانی چند در میان خود داشت : «شاملو» ،«سپهری» و «نادرپور» . اینها نبرد آزادی و پیوستن‌تغزل ما را به جریان جدید که به نداهای تب آلود مقدرجهان گشوده‌است‌آغاز کردند و نسل ما کار تحقیق و ابداع‌وجستجو و ترکیب میان نو و میراث قدیم را پیش‌برد .

لود : تاثرات زیاده ازحد خارجی در پیشرفت شعر ایران چگونه است ؟

رؤیائی : این تاثرات‌بیشتر فرانسوی هستند ، سمبولیزم نقش اساسی داشته است . اماسور رئالیزم بویژه حوزه‌تغزل مارا وسعت بخشیده و جریان‌شعری مارا زیر و رو کرده است .

شب شعر کرمانشان

● به همت «عباس اسدی» شب شعری در کرمانشاه ترتیب یافت که در آن «رحمانی» شاعر جوان معاصر شرکت داشت .

این شب‌شعردر تالارفرهنك کرمانشاه ترتیب یافت .

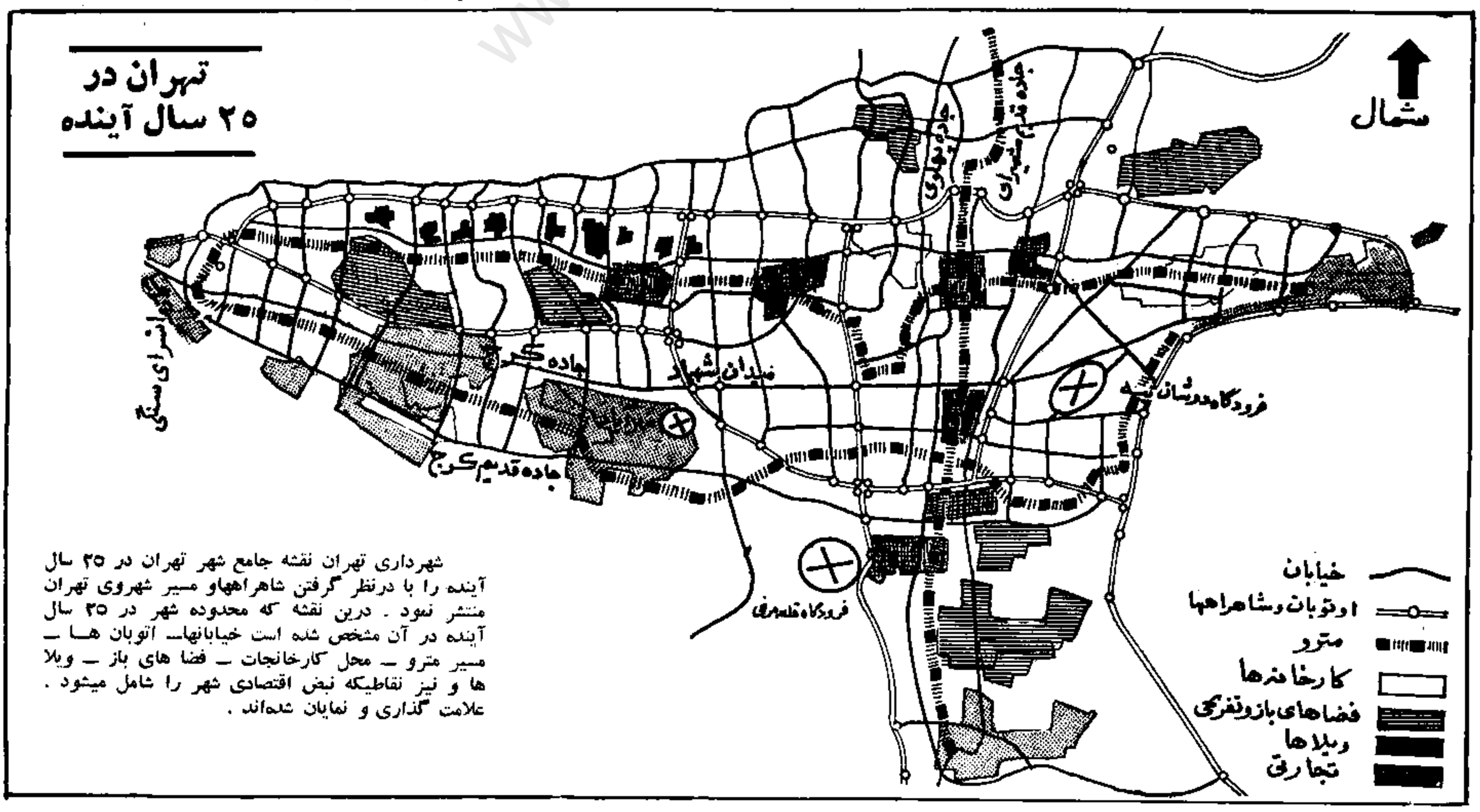

شهرداری تهران نقشه جامع شهر تهران در ۲۵ سال آینده را با درنظر گرفتن شاهراهها و مسیر شهروی تهران منتشر نمود . درین نقشه که محدوده شهر در ۲۵ سال آینده در آن مشخص شده است خیابانها ـ اتوبان ها ـ مسیر مترو ـ محل کارخانجات ـ فضا های باز ـ ویلا ها و نیز نقاطیکه نبض اقتصادی شهر را شامل میشود . علامت گذاری و نمایان شده‌اند .

برنامه‌ها و آینده‌ها

کتاب

داستان چاپ نشده‌ای از «نیما»

● «مرقدآقا» داستان چاپ نشده‌ای از نیما یوشیج بزودی انتشار خواهد یافت. این داستان قرار است همراه با چند داستان چاپ نشده‌ی دیگر نویسندگان معروفی‌چون مسعود فرزاد ــ ابوالقاسم پاینده ــ سعید نفیسی وچند تن دیگر بوسیله انتشارات مرجان منتشر گردد . این مجموعه داستان را همایون نوراحمر گردآورده است .

کتاب تاز کسمائی

● «علی اکبر کسمائی» نویسنده معروف در نظر دارد مطالبی که در سالهای اخیر در نقد و بررسی ادبیات و بستگی آن با اجتماع ، اخلاق و آزادی نوشته و در مجله فردوسی به چاپ رسیده است را بصورت کتاب مستقلی درآورد . این مطالب درمدتی بیش از یکسال مرتبا هرهفته در مجله فردوسی چاپ میشد.

نام کتاب عینا همان نام سه سلسله مقاله‌ای که طی آنها مطالب مذکور مورد بحث‌قرار گرفت‌خواهد بودکتاب‌کسمائی تحت عنوان «ادبیات و تحولات اجتماعی ــ ادبیات واخلاق ــ ادبیات و آزادی» بزودی منتشر میگردد.

ولی اکبر کسمائی

قصه دل

● قصه دل ، دومین مجموعه شعر علی عبادی که شامل ٤٠ غزل ــ ٥ شعر آزاد ــ ٤ مثنوی و ٢٠ دو بیتی است بزیر چاپ رفت. از این شاعر در سال ١٣٤٠ مجموعه شعری تحت عنوان «اشك» منتشر شده است.

از لحظه تایقین دفتر تازه شعر «خانقی»

● «پرویز خانقی» شاعر جوان شیرازی است کارچاپ دفتر تازه اشعار خود را بنام «از لحظه تا یقین» آغاز کرده است . این کتاب مشتمل بر ٣٠ قطعه شعر در اوزان شکسته، آزاد و غزل وقصه های اوست.

ناشر این کتاب کانون تربیت شیراز می‌باشد.

با بادهای سرخ قبایل

● «احمد رضا روانبخش» قصد دارد اولین مجموعه شعری خود بنام «با بادهای سرخ قبایل را منتشر کند. این مجموعه شامل ٣٣ شعر از سروده های این شاعر است.

«ایاز»

● «دکتر رضا براهنی» داستان خود را بنام «روزگار دوزخی آقای ایاز» بزیر چاپ فرستاد . قسمتی ازاین رمان قبلا در فردوسی چاپ شده بود .

سفرنامه فروغ

● بزودی «سفرنامه فروغ فرخزاد» شعره فقید چاپ‌و منتشر خواهد شد .این‌سفرنامه را پوران و فریدون فرخزاد وهمایون نور احمر براساس نامه‌های فروغ تنظیم‌کرده‌اند.

دوکتاب از ابوالقاسم فقیری

● ابوالقاسم فقیری که قبلاکتابهای «ترانه‌های‌محلی» و«اجاق کور» (مجموعه داستان) را از او دیده‌ایم ؛ دوکتاب در زمینه فرهنگ‌عامه فارسی در دست چاپ دارد، که‌اولی «کرمسیاه» مجموعه‌ای از قصه های محلی فارس و دیگری «نی هفت‌بند» مجموعه ترانه های محلی این استان می‌باشد این دو کتاب قرار است بزودی چاپ و منتشر گردد.

برنامه‌های تئاتری امسال

● در فصل تئاتری سال جاری قراراست‌این نمایشنامه ها در تهران روی صحنه بیاید :

مرد فرنگی ــ سیاه زنگی: نوشته پرویز کاردان به کارگردانی عباس مغموریان در تالار ٢٥ شهریور

از پشت شیشه‌ها : نوشته اکبر رادی (احتمالا) به کارگردانی رکن‌الدین خسروی در تالار موزه

مردی که مرده بود و خود نمیدانست : نوشته پرویز صیاد به کارگردانی داود رشیدی در تالار ٢٥ شهریور

بانوی سپیده دم : نوشته الماندرو کانره به‌کارگردانی جعفر والی در تالار موزه

لونه شغال : نوشته علی نصیریان به کارگردانی خود او در تالار ٢٥ شهریور

پرواربندان : نوشته دکتر ساعدی به کارگردانی جعفری درتالار ٢٥ شهریور

اربب پونتیلا و نوکرش : اثربرتولت برشت‌به‌کارگردانی عباس جوانمرد در تالار موزه

سگی در چرمن‌جا : نوشته نویدی به‌کارگردانی انتظامی درتالار ٢٥ شهریور

موفق شدن در شیکاگو : اثروادروایدلی به‌کارگردانی داود رشیدی در تالار موزه

سندباد: نوشته بهرام‌بیضائی به‌کارگردانی جوانمرد در تالار ٢٥ شهریور

ووی چك : نوشته بوخنر به کارگردانی مهرجوئی در تالار موزه

چشمه سبز: نوشته حکیم به کارگردانی جعفر والی در تالار موزه

اجرای این نمایشنامه‌ها بترتیبی که ذکر شده خواهد بود.

اولین نمایشنامه‌ای که «محمد علی کشاورز» آنرا کارگردانی میکند

● «محمد علی کشاورز» هنرپیشه معروف تئاتر اولین نمایشنامه‌ای که خود آنرا کارگردانی میکند را بروی صحنه آورد.

در این پیس «سعید پور صمیمی» و«پرویز پورحسینی ایفای نقش مینمایند. این نمایشنامه اثریست اثر «موژراك» نوشته کارل نمایشنامه نویس معروف .

نمایشنامه‌ای از « اوژن یونسکو»

● «آربی آوانسیان» کارگردان جوان مشغول تمرین نمایشنامه «گشنگی و تشنگی» اثر «اوژن یونسکو» است .

این اثر آوانسیان قرار است تا اواخر پائیز بروی صحنه آید و تقریبا همه‌ی بازیگران نمایش، هنرپیشگانی هستند که در نمایشنامه «پژوهشی ژرف‌وسترك‌ونو...» اثر «نعلبندیان» شرکت‌داشته‌اند.

«منصور حلاج» در روی صحنه تئاتر ؟

● «خجسته‌کیا»باهمکاری دانشجویان تئاتر دانشگاه تهران بزودی نمایشنامه «عبادت حسین‌بن‌منصورحلاج» را بروی صحنه خواهدآورد.

تلویزیون

تلویزیون رنگی در شیراز

● گفته شد که در سال آینده تلویزیون شیراز که قریبا افتتاح خواهد شد ، مستقلا قادر به پخش برنامه های رنگی تلویزیونی خواهد بود.

همچنین قرار است برنامه های جشن هنر شیراز در سال آینده توسط تلویزیون شیراز از طریق تله استار به دنیا مخابره شود.

آموزش عالی

ایجاد یك‌دانشگاه درگچساران

● در نظراست‌یك دانشگاه بزرك که گنجایش چهارهزار دانشجو داشته باشد در گچساران خوزستان تاسیس شود .

بدین ترتیب با ایجاد این واحدبزرك آموزشی خوزستان دارای دودانشگاه معتبردولتی خواهد شد .

نمایشگاهها

شرکت ایران در نمایشگاه اوزاکا

● ایران‌وترکیه وپاکستان برای نشان دادن همبستگی خود ساختمان مشترکی در سه غرفه جداگانه و با هزینه‌ای معادل ٤٫٥ میلیون دلار در اوزاکا احداث خواهند نمود.

کمیسر عالی ایران در نمایشگاه اوزاکا در یك مصاحبه مطبوعاتی گفت :این ساختمان در زمینی بمساحت ٤٨٠٠ مترمربع ساخته میشود که مجموع زیر بنای آن ٢٧٠٠ مترمربع می‌باشد وهر یك از سه‌کشور علاوه بر غرفه اختصاصی‌خود یك‌بوتیك وچند دفتر و انبار دراختیار خواهند داشت ونیز قسمتهائی وجود دارد که هرسه کشور تواما آنرا اداره خواهند نمود .

مسئولیت ساختمان این بنا راترکیه‌برعهده داردومخارج آن به‌نسبت یك سوم از طرف هریك ازکشورها پرداخت می شود.

ترانزیت

ایجاد یك پل عظیم درآستارا

● وزارت اقتصاد اعلام کرد که بموجب پروتکلی که اخیرا بین ایران و شوروی امضاء شده دراستارا تاسیسات بزرگی برای حمل و نقل‌کالا و تسهیل امر ترانزیت ایران و شوروی بوجود میآید و آستارای ایران بوسیله‌یك پل عظیم به آستارای شوروی متصل میشود .

برای تسهیل ترانزیت در خاك ایران و شوروی ، شرکتی بنام «ترانزیت ایران و شوروی» تاسیس میشود و تمام کارهای مربوط به ــ ترانزیت از راه ایران بوسیله این شرکت انجام خواهد شد .

کشور های اروپائی که با ممالك خاورمیانه و شبه قاره هند داد وستد دارند نیز میتوانند از راه ترانزیت‌ایران و شوروی استفاده کنند .

ذوب‌آهن

کارخانه مشترك

● دومین کارخانه ذوب آهن ایران باظرفیت نیم میلیون تن تاسیس میشود .

مقامات وزارت اقتصاد در توجیه خبرتاسیس این‌کارخانه که قرار است در اهوازنصب شود ، اظهار داشته‌اند که‌کوره ذوب سنك آهن در این کارخانه توسط بخش دولتی نصب خواهد شد زیرا درهمه حال ذوب سنك آهن درایران در دست دولت خواهد بود . لیکن مراحل بعدی توسط بخش‌خصوصی انجام میگیرد.

پایان کار احداث‌راه‌آهن

● بقراراظهارمسئولین‌امر، راه‌آهن احداثی در منطقه عملیاتی کارخانه ذوب آهن ایران تا اواخرپائیز آماده بهره‌برداری خواهد شد.

١٥ هزار کارگر وکارمند

● گفته میشود که تا پایان سال‌جاری تعدادکارکنان کارخانه ذوب‌آهن ایران‌به حدود پانزده هزار نفر بالغ خواهد شد . در حال حاضر حدود ١٢ هزار نفر درواحد های مختلف این کارخانه‌سرگرم انجام کار هستند .

گاز

شرایط قبول مشترك

● شرکت ملی گاز ، گاز مایع خودرادر اواخر پائیز در تهران راسا به بازار عرضه خواهند نمود .

بهمین جهت بزودی ضمن قبول مشتری ، تعدادمشترکین خود را نیز معلوم خواهد کرد .

شرکت ملی‌گاز برای پر کردن کپسول گاز ، ماشین‌آلات و دستگاههای مدرنی وارد کرده و اتومبیلهای توزیع آن مجهز به تلفن بی‌سیم می‌باشند ، که درنتیجه در اسرع وقت گاز موردخواست به‌مشتری‌رساندهخواهد شد.

شرکت ملی گاز میزان پذیرش مشترك را محدود ساخته تا شرکتهای خصوصی بتوانند فعالیت خود رابه‌همان میزان سابق ادامه دهند.

این رقابت محدود موجب خواهد شد که شرکتهای خصوصی برای نگهداری مشتری های قدیم و جلب مشتری جدیدتجهزات وسرعت عمل خود را افزایش دهند.

شهر وشهرداری

طرح کانال سازی هرز آب تهران

● طرح کانال سازی هرز آب سطح شهر تهران‌بوسیله مهندسان فرانسوی دانشکده «کرونوبل» طراحی خواهد شد .این دانشکده در سراسر جهان تنها واحد طراح جمع آوری آبهای سطح شهر ها استو روی‌این اصل‌شهرداری تهران طرح مذکور را به‌این کارشناسان واگذار کرده است .

این طرح دارای دو شاخه اصلی است که یکی از سه‌راه بوذرجمهری در امتداد گلوبندك، خیام ، شوش و خانی آباد کشیده شده و از آنجا به نهر فیروز آباد میریزد .

به این کانال دهها کانال فرعی آبریز که‌آب سطح خیابان های فرعی تهران بوسیله آن ها هدایت خواهد شد راه داده شده وباین‌ترتیب سیلاب شهر تهران در منطقه غرب بوسیله کانالهای فرعی واصلی به نهر فیروز آباد ریخته خواهد شد .

کانال دوم نیز از چهارراه اسلامبول شروع و از طریق بهارستان ، خیابان‌سیروس ، شوش ورزم آرا به‌مسیل‌سرخه حصار هدایت میشود . بوسیله دهها کانال فرعی دیگر آب های سطح شهر در منطقه‌شرق تهران به این کانال ریخته خواهد شد .

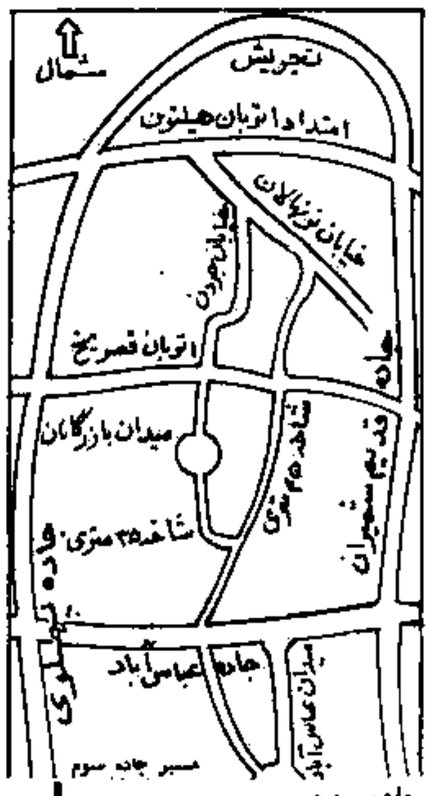

جاده سوم

● عملیات زیر سازی‌جاده سوم در حال پیشرفت‌است و اگر چه ابتدا و انتهای آن در شهر و شمیران هنوز باز نشده ولی امتداد آن مشخص شده و قسمت عمده از کار های ساختمانی آن نیز پایان پذیرفته است .

بطوریکه مقامات مسئول شهرداری اظهار میدارند ، جاده سوم شمیران در اواسط پائیز ماده بهره برداری می شود و بدین ترتیب از انتهای خیابان روزولت تا خیابان فرشته شمیران راه تازه‌ای‌به شمال پایتخت گشوده خواهد شد .

یکصد بازار روز

● یکصدبازار روز سقف در یکصد نقطه تهران بزودی احداث خواهد شد . برای احداث این بازار ها ٥٠ میلیون تومان اعتبار درنظر گرفته شده است .

هدف از تاسیس بازار های روز ، اسکان طوافان و فروشندگان دوره‌گرد می باشد .

احداث پنج اتوبان ٧٠متری

● پنج اتوبان جدید در تهران ایجاد خواهد شد .

ایجاد وساختمان این‌اتوبان هابر اساس قانون نو سازی انجام میگیرد .

www.KetabFarsi

ساختمان شرکت نفت

نفت

ساختمان تازه شرکت نفت

● گفته‌میشود که عملیات ساختمانی ساختمان بزرگ شرکت ملی نفت ایران در منطقه عباس‌آباد بزودی آغاز خواهد شد.

این ساختمان در ۲۰۰هزار متر مربع زیر بنا و با ۱۸ طبقه ساخته خواهد شد.

ساختمان آینده شرکت‌نفت دارای پارکینگی بظرفیت ۲۸۰۰ اتومبیل خواهدبود.

ارتش

دانشکده نیروی دریائی‌ایران

● بقرار اطلاع بزودی دانشکده نیروی دریائی‌ایران تاسیس می‌گردد. تیمسار دریاسالار رسائی‌فرمانده‌نیروی دریائی ایران ضمن تاییدخبر فوق در یك مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که مقدمات تاسیس دانشکده نیروی‌دریائی ایران بترتیبی فراهم شده که میزان معلومات فارغ ـ التحصیلان این دانشکده هم‌پایه دانشجویان دانشکده‌های مهم بین‌المللی در این‌زمینه باشد.

اتومبیل‌رانی

مسابقه اتومبیلرانی شاهراه آسیائی

● **دومین مسابقه اتومبیل رانی شاهراه آسیائی ازتهران شروع خواهد شد**

این مسابقه که با شرکت نه کشور عضو کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آسیا و خاور دور برگزار میشود قرار است از تهران شروع شود.

شرکت کنندگان در این مسابقه پس از عبور از کابل در (افغانستان) و شهری در (نپال) به داکا در (پاکستان شرقی) خواهند رسید.

گفته میشود که حدود۲۵۰ اتومبیل‌ازانواع مختلف‌دراین مسابقه شرکت خواهند نمود.

تولیدات

ایجاد کارخانجات چوب‌بری درشمال

● **بزودی ۵ هزار نفر در کارخانجات چوب‌بری مشغول بکار خواهند شد.**

● **محصولات این کارخانجات، الوار، پارکت، تخته سه‌لا، روکش و نئوپان خواهد بود.**

● **۳۰ درصد از محصولات جهت صدور به رومانی واگذار میشود.**

طبق نظریه کارشناسان داخلی و خارجی حدود یك میلیون و ۷۰۰ هزار هکتار از میزان ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار جنگلهای شمال کشور جهت بهره‌برداری اقتصادی وصنعتی کشور مورد استفاده قرار میگیرد. از این مقدار ۵۰۰ هزار هکتار دارای جنگلهائی می‌باشد که از لحاظ چوبهای صنعتی فقیر است واز چوب این نواحی فقط برای مصرف کارخانجات کاغذ سازی و نئوپان میتوان استفاده کرد.

انتصابات

دکتر شمس‌الدین مفیدی

● ازطرف آقای عالیخانی رئیس دانشگاه تهران، آقای دکتر شمس الدین مفیدی رئیس دانشکده بهداشت و رئیس گروه‌بهداشتی دانشگاه پزشکی و انستیتو انگل‌شناسی گرمسیری به سمت معاون تحقیقاتی دانشگاه منصوب و مشغول بکار شد.

دکتر شمس‌الدین مفیدی

سفیر تازه آمریکا در ایران

● «دوگلاس مك‌آرتور» سفیر آمریکا در وین بسمت سفیرآمریکا درتهران منصوب گردید. وی برادرزاده‌ژنرال «مك‌آرتور» سردار نظامی معروف آمریکا می‌باشد. وی ۶۰ ساله است و مدت ۳۴سال است که در وزارت امور خارجه آمریکا کار می‌کند.

سرکنسول ایران در سانفرانسیسکو

● دکتر «پرویز عدل» به سمت سرکنسول ایران در سانفرانسیسکو برگزیده شد.

سمت قبلی دکتر عدل‌در وزارت امور خارجه مدیر کل مطبوعات اینوزارتخانه بود.

رئیس تازه دانشگاه مشهد

● هیئت امنای دانشگاه مشهد ضمن قدردانی‌ا زرحمات آقای دکتر محسن ضیائی رئیس دانشگاه‌مشهد بااستعفای ایشان موافقت نمود و نیز به اتفاق آراء آقای دکتر عبداله فریار معاون کل وزارت علوم و آموزش‌عالی را به‌عنوان رئیس تازه‌دانشگاه مزبور برگزید.

دکتر فریار دارای درجه دکتری در رشته آموزش و پرورش از دانشگاه کلمبیای آمریکا می‌باشد.

شهردار جدید تهران

● آقای دکتر نیك‌پی به سمت شهردار تهران برگزیده شد.

شهردار جدید تهران یك برنامه ۲۴ ماده‌ای‌برای‌عمران واصلاح امور شهری ارائه نموده است.

سفیران تازه

● با تقاضای پذیرش سفیران عربستان، لهستان، یوگسلاوی و پرتغال در دربار شاهنشاهی موافقت گردید نام‌سفیران جدید بدینترتیب است.

«لاسلوباثلا» سفیر جدید یوگوسلاوی ـ «هنریك‌سیلوا مارتینز» سفیر جدید پرتغال ـ «برونسیلو موزیلاك» سفیر جدید لهستان و «محمد عرب هاشم» سفیر جدید عربستان سعودی.

معاونین جدید وزارت کشور وفرمانداران جدید

● آقای زاهدی در شرفیابی خود خانم پروین صوفی رابسمت معاون پارلمانی ـ آقای عزیزاله اکبر را بسمت معاون سیاسی و آقای علی‌اکبر بهرامی را بسمت معاون امور محلی واجتماعی وزارت کشوربه‌حضور شاهنشاه آریامهر معرفی نمود.

در این شرفیابی همچنین آقای منوچهر جاوید بسمت فرماندار کل همدان و آقای غلامرضا دبیران‌بسمت‌فرماندار کل یزد وآقای ایرج برهمن بسمت فرماندار کل کاشان معرفی شدند.

دکتر مقدم

دکتر کاظمیان

معاونین جدید وزارت علوم

● آقای مجید رهنماوزیر علوم و آموزش عالی در یك شرفیابی آقای مقدم معاون مالی و اداری وزارت علوم را به عنوان معاون اجرائی و آقای غلامحسین کاظمیان مدیر کل امور دانشجوئی را به عنوان معاون مالی و اداری به‌پیشگاه شاهنشاه‌معرفی نمود.

روسای جدید دانشکده‌ها

● از طرف آقای‌عالیخانی رئیس دانشگاه تهران آقایان دکتر گنجی، دکتر بدخشان، دکتر جناب، دکتر ضیائی و دکتر میرفندرسکی به ترتیب به عنوان روسای‌جدید دانشکده‌های حقوق، فنی، علوم، پزشکی و هنرهای‌زیبا برگزیده شدند.

دکتر بدخشان : فنی

دکتر جناب : علوم

دکتر ضیائی : پزشکی

دکتر گنجی : حقوق

خانم پروین صوفی، آقایان‌عزیزاله‌اکبر، علی‌اکبربهرامی، دکتر برهمن، منوچهر جاوید

نمایشگاهها

طراحی و حکاکی

● نمایشگاه طراحی و حکاکی هادی مکارمچیان در گالری نگار واقع در خیابان ثریا گشایش یافت.

ژازه طباطبائی

● ژازه نمایشگاهی از تابلوهای نقاشی و مجسمه‌های آهنی خود را در گالری شخصی خویش بنمایش گذاشت. بهمراه کارهای ژازه، ناصر اویسی نیز آثار خود را در همین نمایشگاه بنمایش گذاشته بود.

نقاشی و طراحی

● علیرضامنوری‌نمایشگاهی از آثار خود را درنمایشگاهی بمعرض نمایش گذاشت. کارهای او عبارت بود از تعدادی طرح و تعدادی تابلو نقاشی.

روزافتتاح نمایشگاه نگار

معاونین جدید وزارت اقتصاد

● آقای هوشنك انصاری وزیر اقتصاد در شرفیابی‌خود آقای فریدون معتمد وزیری‌را بسمت معاون پارلمانی‌واداری و آقای جمشید اشرفی را به سمت معاون اقتصادی وزارت اقتصاد بحضور شاهنشاه آریامهر معرفی نمود .

جمشیداشرفی

فریدون معتمد وزیری

ضبط املاك مزروعی بختیار

● بموجب قانون «سلب عناوین و ضبط اموال تیمور بختیار» املاك مزروعی و ماشین‌آلات کشاورزی وی در اختیار وزارت اصلاحات‌ارضی وتعاون روستائی گذارده شد.

براین اساس ۱۸۰۰ هکتار املاك مزروعی وی درمنطقه گلپایگان باکلیه ماشین آلات کشاورزی و سه‌حلقه چاه‌عمیق آن در اختیار شرکت سهامی زراعی که در این‌منطقه تشکیل شده قرار گرفته است.

بختیار همچنین در مناطق چهارمحال‌و اوراکان‌بختیاری و کردکوی گرگان املاك مزروعی دارد و نیز باغ و املاك مزروعی دیگر در چند نقطه دیگر که ترتیب ضبط آنها نیز بزودی داده خواهد شد.

تیمور بختیار همچنین در یك دادگاه نظامی‌غیابا محکوم به‌اعدام گردیده است .

ترافیك

تاکسی تلفنی بکار پرداخت

● از روز شنبه دوازدهم مهر ماه کار تاکسی های تلفنی در تهران آغاز شد.

استفاده از هلیکوپتر

● در مواقع و مواردی که تهران باازدحام فراوانی مواجه شود برای کنترل ترافیك شهر ، شهربانی استان مرکز از هلیکوپتر استفاده خواهد نمود . این برنامه‌در ابتدا بصورت یك طرح آزمایشی اجرا میشود و در صورتیکه نتیجه قابل توجهی از ان عاید شود بطورمستمر از آن‌استفاده خواهد گردید.

لکه گیری خیابان ها

پایان اسفالت‌اساسی ۸۸خیابان

● اسفالت ۸۸ خیابان‌تهران که امسال آغاز شده‌بود پایان یافت و هم‌اکنون در ٤٤ خیابان دیگر تهرسازی و زیرسازی جریان دارد .

این خیابانها بر اساس‌قرارداد هائی که برای‌اسفالت کامل ۱٦۰ خیابان تهران‌بین‌شهرداری‌پایتخت وپنج شرکت پیمانکار امضاء شده ساخته‌شد.

اجرای این طرحها کلایکسال طول می کشد و ۳۲۰ میلیون ریال هزینه دارد .

علاوه‌براین قراردادیگری‌نیز برای اسفالت خیابان٤٥ متری سید خندان به نارمك‌بین شهرداری و یك شرکت ساختمانی امضاء شده است .

عمران‌وآبادانی

٤۲ پروژه عمرانی

● قرارداد ٤۲ پروژه عمرانی به مبلغ ۳۹ میلیون و ٦۷۹ هزار ریال بین‌پیمان کاران و وزارت آبادانی‌و مسکن به امضاء رسید .

برنامه‌های ساختمانی‌مذکور دراستانهای مرکزی (ساختمان یك‌حمام روستائی) مازندران: لوله کشی آب آشامیدنی دو روستا . خوزستان : (تشکیل شبکه‌برق یك روستا) فارس: (توسعه‌لوله‌کشی و لوله کشی یك شهر و دو روستا،ساختمان نیروگاه برق یك‌بخش و ساختمان ٥حمام) ـخراسان (توسعه‌لوله‌کشی آب‌آشامیدنی شهر نیشابور) ـبلوچستان و سیستان : (لوله کشی آب آشامیدنی۹روستا ـساختمان ۳ باب دبستان و ۱۲ مکان بهداشت روستائی) کردستان :(٥حمام روستائی) اجرا خواهد شد .

همچنین عملیات اجرائی دو پروژه عمرانی با اعتباری معادل یك‌میلیون و ۳۲ هزار ریال در استانهای کرمان و اصفهان آغاز گردید .

اسفالت و لوله کشی دانشکده کشاورزی کرج

● ساختمان تاسیسات‌لوله کشی‌واسفالت محوطه‌دانشکده کشاورزی‌دانشگاه تهران‌واقع در شهرستان کرج که پنج میلیون و هشتصد هزار ریال هزینه برداشته است پایان یافت .

پایان ساختمان پلی تکنیك تهران

●عملیات اجرائی‌ساختمان مجهزی که برای دانشکده صنعتی تهران پلی تکنیك تهران ـ در نظر گرفته شده بودپایان یافت و بهره‌برداری از آن آغاز شد .

ساختمان دانشکده صنعتی۳ هزار و ۸٥۰ متر مربع زیر بنا دارد و شامل پنج کلاس درس به گنجایش ٤۰۰ نفر، آزمایشگاه شیمی ، برج مخصوص تقطیر و پالایش‌نفت و کارگاه مکانیکی تقطیر است .

هزینه‌انجام‌ساختمان مزبور ۲۳ میلیون ریال گردیده است .

منظره‌ای ازآبنمای باغ ملی قم

عملیات عمرانی در سراسر کشور

ساختمان ٦ حمام ـ ۹ دبستان ـ ۸ مکان‌بهداشت ـ ٤ شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی وساختمان های سوپر مارکت خانه‌های سازمانی کرمانشاه ـ بیمارستان جندی شاپور ـ خانه‌های ارزان قیمت مشهد ـ سیل بند یك قریه در استان بلوچستان و سیستان و خوابگاه سپاهیان دختران پایان پذیرفت.

● در اولین هفته ماه مهر اجرای ۳۱ طرح‌عمرانی در سراسر کشور بپایان رسید . این طرحها که درنقاط مختلف کشور اجرا شد عبارت بودند از :

ساختمان حمام روستای «منجیل آباد» در استان مرکزی .

ساختمان حمام روستای «موسالو» در استان‌آذربایجان شرقی .

تکمیل ساختمان ندامتگاه جدید ـ لوله کشی آب آشامیدنی روستای «اسمعیل کندی» و لوله کشی آب آشامیدنی قریه «مغانجوق» در استان آذربایجان غربی.

لوله کشی آب آشامیدنی روستای «تین» ساختمان حمام روستای «سومار» ساختمان دبستان روستای«سلطان آباد» ـ ساختمان دبستان روستای «سراب شیان» ـساختمان دبستان روستای «کشیکرسفلی»ـ ساختمان دبستان روستای «دره مران گوران»و ساختمان سوپر مارکت خانه های سازمانی «کرمانشاه» دراستان کرمانشاهان .

ساختمان بیمارستان جندی شاپور «اهواز» در استان خوزستان .

ساختمان ۳ حمام ـ ۳ دبستان و ٥ مکان بهداشت در روستاهای تابع استان فارس .

ساختمان دبستان روستائی قریه «اختیار آباد» ـ ساختمان راه‌روستائی قریه مذکور ولوله کشی‌آب‌آشامیدنی روستای «چترور» دراستان کرمان .

ساختمان خانه‌های ارزان قیمت «مشهد» در استان خراسان .

ساختمان سیل بند روستای «گوربند » در استان بلوچستان وسیستان .

ساختمان خوابگاه سپاهیان دختر و یکباب دبستان‌در «همدان» از فرمانداریکل همدان .

بازدید شاهنشاه از مناطق زلزله‌زده خراسان

● شاهنشاه آریامهر در سالروز حادثه زلزله خراسان باتفاق والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی از نقاطیکه یکسال پیش در واقعه زلزله خراسان با خاك یکسان شده واینك آبادی و زندگی را از سرگرفته است ،دیدن فرمودند .

دراین دیدار مناطقی از شهرستانهای گناباد و فردوس مورد بازدید قرار گرفت . وزیر آبادانی و مسکن در گزارش خود بعرض رسانید که :

مناطق نوسازی شده دراین مناطق شامل هزار و یکصد و شصت وپنج واحد مسکونی با اسکلت های فلزی ومجهز به‌تاسیسات کامل است.تاکنون متجاوز از یکهزار واحد مسکونی تقریبا تکمیل شده است و بزودی در اختیار زلزله زدگان قرار خواهد گرفت .

تاکنون چهار صدو ده میلیون ریال بوسیله سازمان مسکن برای اجرای این‌برنامه وسیع بمصرف رسیده است پنجاه و هفت درصد از این مبلغ منحصرا برای خانه سازی مصرف شده و از بقیه اعتبار ۲۳ درصد صرف شهر سازی وتامین آب و برق و ۱٦ درصد صرف ساختمان تاسیسات عمومی از قبیل مدرسه ، حمام ، بازار،پارك ومهدکودك و چهار درصد صرف هزینه‌های عمومی‌اجرای طرح شده است .

سایر طرحهایی که بصورت منطقه‌ای‌هم‌اکنون دردست‌اجرا است بدستور شاهنشاه آریامهر مستقیما از طریق‌بانك رهنی ادامه‌خواهدیافت‌تازندگی‌جدید و بهتری برای عموم‌خانواده های آسیب دیده این منطقه فراهم شود .

۱٥۰۰ خانه در کوی خلیج

● ده میلیون ریال از اعتبار مرحله اول ساختمن ۱٥۰۰ خانه کوی خلیج فارس تامین شد و عملیات ساختمانی آن بلافاصله شروع گردید . این پول از محل اعتبار ٥۰ میلیون ریالی برنامه خانه سازی بندرعباس‌تامین گردید.

براساس این برنامه ضمن ساختن خانه ، عملیات‌تسطیح محوطه سازی ، جدولسازی ، خیابان نبدی و تامین اب و برق محل نیز انجام خواهد یافت .

تفکیك اراضی طرشت

● نقشه‌برداری از اراضی طرشت پایان یافت و در حال حاضر مهندسان سازمان مسکن مشغول پیاده کردن ـ ها برروی اراضی مزبور می‌باشند و بزودی سازمان مسکن اقدام به معاوضه اراضی طرشت با عباس‌آباد خواهد بود.

طرح عباع‌آبادپس ازروشن شدن تکلیف مالکان بوسیله سازمان مسکن پیاده خواهد شد .

www.ketab.com

نظری به جشن هنر شیراز

از : س. ح.

یادداشت های دوازده روز شرکت در جشن هنرشیراز

روز یکم در «طی طریق»

روز خوبی است و با انکه برخلاف معمول صبح‌زود از خواب بلند شده‌ام هوای ملایم سحر خواب را ازیادم می‌برد . در فرودگاه مطابق معمول‌ساعات بیست‌و چهارگانه شبانه روز قابل تشخیص نیست و مانند همیشه مسافران عقب مانده در حال جنب و جوش می‌باشند . پرواز تهران به اصفهان به آرامی می‌گذرد و ازاین که در طول پرواز بعلت ابری بودن هوا کمتر موفق به دیدن زمین می‌شوم احساس رضایت می‌کنم . خیلی کم اتفاق می‌افتد که‌فاصله بین تهران و اصفهان تماما ابری باشد و انسان خشکی فوق‌العاده زمین را ازیاد ببرد .

وضع هوا بین اصفهان وشیراز هم برهمین منوال است و همسفر فرانسوی من که گویا برای فیلم‌برداری به شیراز میآید قدری از این وضع متعجب شده ومی‌پرسد آیا سراسر ایران را ابر گرفته است ؟

ـــ انشاالله که اینطور باشد .

در مورد تهران نظر جالبی دارد . «انسان هنگامی که وعده مسافرت به تهران را به خود می‌دهد انتظار دیدن یك شهر شرقی را دارد ولی در تهران اگر به تابلو برخی مغازه ها که استثنا هنوز اسم فارسی خود را مینویسند و پلاك اتومبیل ها چندان توجه نکند تشخیص این که در یك شهر شرقی است خیلی مشکل می‌باشد ، حتی فکر می‌کنم رستوران ها و سینما ها بیشتر انسان‌را بیاد شهرهای امریکائی می اندازد .»

در فرودگاه شیراز خلبان هواپیما پس ازآنکه‌آرزوی دیدار مجدد ما را مینماید وضع هوا را نیز اطلاع می‌دهد و ما را به خدا می‌سپارد .

در فرودگاه باید مدتی صبر کنیم و فرصتی برای تماشای مردم بدست میآید قیافه ها و ملیت ها در اینجا متنوع‌تر از فرودگاه تهران بنظر می‌رسد و از این نظر فرودگاه بین‌المللی‌تر می‌نماید . تعداد زیادی مسافر از کشور های عربی مجاور در انتظار هواپیما جهت پرواز به سایر شهر ها و یا وطن خود دقیقه شماری می‌کنند واز مراقبت اهل بیت خود غافل نیستند . مهمانان جشن هنرنیز کم نیستند و گیشه «اطلاعات جشن‌هنر» شلوغ‌بنظر می‌رسد.

پس از استقرار در مهمانخانه و شستشوی گرد راه سری به شهر میزنم . هوا نیمه ابری وملایم است . حرکت ابر ها و سایه روشن های ناشی از آن بازی جالبی ازنورها بوجود می‌آورد .

اشکال مسافرت با هواپیما آنست که انسان احساس بعد مسافت را از دست می‌دهد و در اینجا هم درنظر اول اگر کلمه «شیراز» روی پلاك اتومبیل ها جلب نظر نکند انسان مشکل متوجه می‌شود که به شهر دیگری وارد شده است .

پس از مدتی پرسه زدن در خیابان های اصلی به کوچه گردی می پردازم . کوچه ها با آنکه باریك وپیچ در پیچ می‌باشند معمولا کف پوشی غیر از خاك ، از نوع سیمان یا اسفالت دارند که به پاکیزگی آنها کمك می‌کند دریك کوچه پسرکی‌با لهجه ملایم وظریف شیرازی می‌پرسد که آیا کوچه‌ائی که من از آن آمده‌ام بن‌بست است یا خیر ؟ از اینکه با اهل محل اشتباه میشوم احساس خرسندی میکنم

زیباترین موضوع در این کوچه ها لباس زنهای دهاتی و ایل نشین است که با مرد خود یا بحال اجتماع حرکت می‌کنند . تعجب می‌کنم که اینها چگونه این‌لباسها را که پوشیدن آنها دست کمی از پوشیدن لباس کردش در سطح ماه ندارد هرروز می پوشند و در عین حال لباسهایشان تا این حد تمیز و صاف و راست می‌باشد .

ولی بعد متوجه می شوم که امروز جمعه است و احتمال دارد که آنها این لباس را تنها در روز های مهم از بقچه خود در آورند .

مسجد وکیل هم مانند یکی دو مسجد جنوب تهران محل اجتماع بچه درس خوانها است و تنها اختلافی که حس می شود زیادی تعداد و حرکت خیلی سریع انها در حین درس خواندن می باشد بطوریکه بعضی از آنها طول مسجد را که حدودا ۱۵۰ متر است در یکی دو دقیقه طی می‌کنند . عده‌ائی هم که تعداد شان کمتر است روی گلیم های موقوفی نشسته ودرس می‌خوانند . نکته جالب دیگری که متوجه می شوم این است که در بین این جماعت درس وان شاگردان مدارس ابتدائی و دانشجویان دانشگاه هم وجود دارند .

در بازار یك خراط در جواب مسافر تازه وارد می گوید «هرروز از ٦ صبح تا ۹ شب کار می‌کنیم الا جمعه که آنهم بخاطر شما دست‌گرفتیم» مردم رویهمرفته‌خوشروتر و ملایم‌تر از تهران هستند و کمتر با قیافه های پکر و دلخور مواجه می‌شوم . هنگامی که مشغول تماشای قوس و قزح ناشی از نم‌نم باران می‌باشم چشمم به یك تابلوی جالب می‌افتاد . «هوالشافی» مطلب حاج سید ابوطالب ...

تاکسی ها پر وسریع در حال حرکت هستند گویا اینجا هم مثل تهران تاکسی بصورت یك وسیله نقلیه اصلی درآمده و به آسانی به دست نمی‌آید . به هرحال به‌این وضع مدتهاست که عادت دارم ولی ظاهرا شوفر تاکسی‌ها به خون گرمی و خوشروئی سایر همشهریهای خود نمی باشند .

روز دوم ـــ در «گشایش جشن»

هوا رویهمرفته صاف‌تر وگرم‌تر از دیروز است . عده دیگری از مدعوین جشن وارد شده‌اند و جنب وجوش بیشتری در مسئولین برگزاری مراسم دیده می‌شود . صبح سری به دفتر جشن میرویم و در اطاقی که گویا قبلا کلاس درس بوده مدتی به انتظار مینشینیم ، دربرگزاری این جشن از عده‌ای از دانشجویان دانشگاه نیز استفاده شده است و یکی از آنها که در همین اطاق مسئول کاری شده است سر صحبت را باز می‌کند . دانشجوی رشته ریاضی است و اینطور که می‌گوید به خطوط باستانی و باستان شناسی فارسی آشنائی کامل دارد ولی وی را پشت میز «اطلاعات» گذاشته‌اند . از امکانات دانشگاه پهلوی و وسائل آن خیلی راضی است و تعریف می‌کند «وسائل ما را در تهران هم ندارند ، استادان هم همه جوان هستند و برای پنج الی شش دانشجو یك استاد هست . با اینحال من خودم مایل بودم به دانشگاه تهران بروم چون در اینجا محدودیت های دانشجویان خیلی بیشتر از تهران است . » با وجود اینها تصدیق می‌کند که وسائل زندگی دانشجویان در اینجا بهتر از تهران فراهم می‌باشد. به انجمن دانشجوئی و فعالیت های آن هم چندان اعتقادی ندارد . خوشبختانه از افرادی است که با یك سئوال جواب همه چیز را به آدم می‌دهد و انسان می‌تواند مدت زیادی بدون صحبت کردن تنها گوش کند .

بعد در جلسه معرفی برنامه ها شرکت می‌کنیم . از قرار معلوم امسال فیلم های جالبی نمایش می‌دهند درمعرفی برنامه های موزیك تاکید می‌شود که بیشتر تکیه روی ساز های ضربی می باشد و پس از معرفی گروههای شرکت کننده در پاسخ این سئوال که چرا از «گروه ضرب آقای تهرانی» دعوت نشده و تنها خود ایشان شرکت دارند دکتر فرهت معتقد است که گروه وی یك گروه نواورده است و هنوز جائی باز نکرده البته بعدا معلوم می‌شود که سایر گروه ها هم نواوری هائی داشته‌اند ولی این موضوع به اصالت آنها لطمه نزده است . فکر می‌کنم جا با زکردن این نوآوری ها در صورتیکه چیز های با ارزشی باشند باید با شرکت در اینگونه فستیوال ها صورت گیرد .

صورت برنامه ها رویهم رفته جالب است با وجوداین فکر می‌کنم در انتخاب اثاری که باید اجرا گردد تنها یك فرد یا افراد معدودی دست داشته‌اند خیلی دوست‌داشتم که از Bach یا Vivaldi بعنوان متقدمین و Bartok و Ravel بعنوان متاخرین‌هم‌آثاری انتخاب شده‌بود.

در سر ناهار بحث هائی برسر نوع برنامه ها و اجراکنندگان آنها میان روزنامه‌نگاران در جریان است و عده‌ای برنامه هائی را که هنوز اجرا نشده تائید یا تکذیب میکنند .

پس از ناهار قدری هم به خیابان گردی (کاری‌که شدیدا به آن علاقه دارم) می‌پردازم . در خیابان زند مغازه ها خیلی تر وتمیز بنظر می‌رسند و مقدار زیادی کالاهای لوکس در انها دیده می‌شود ، حتی دستفروشها نیز بفراخور حال تعدادی رادیو یا گرام ترانزیستوری به قیمت های مناسب علاوه برسیگار وسایر چیز ها عرضه می‌کنند . بچه های اینجا هم لااقل در خیابان های اصلی خیلی تر وتمیزتر وزیبا بنظر می‌رسند و شباهت زیاد به بچه‌های فرنگی دارند . در نزدیکی بازار وکیل ابتدا بوی ملایم و مطبوع لیمو عمانی و سپس بوی انواع و اقسام ادویه نظیر زعفران و زردچوبه و غیره استنشاق می شود . ظاهرا شیرازیها نباید زیاد به خودشان بد بگذرانند و تعداد مشروب فروشی ها یا بعبارت معتدل‌تر اغذیه فروشی ها نسبتا زیادتر از سایر جاهاست . البته اگر شخصی اشتباها به جای مشروب‌فروشی

به آب میوه‌گیری که بالای آن اسامی تعداد زیـادی «عرقیات» نوشته شده وارد شود وسئوال نابجائی بنماید احتمالا با خشم حاج‌آقا که معمولا قیافه گرمی دارد مواجه خواهد شد . در جلوی دادگستری چند نفر میرزابنویس روی چهار پایه خود منتظر موکلین هستند و در میـان آنها یکی دو نفر خیلی جوان و کم سن و سال بچشم می‌خورد .

در جلوی قلم ودوات یکی از آنها یك جلد کتاب حقوق مدنی جلب توجه میکند . برای شرکت دربرنامه افتتاحیه جشن که توسط هنرمندان اندونزی اجرا می‌شود به تخت جمشید می رویم دختران راهنما با لباسهای بلند و زیبای خود ما را بمحلمان راهنمائی می‌کنند . نمی‌دانم چرا لهجه شیرازی ملایم برخی از آنها بلباس هایشان نمی‌آید .

نوازندگان و رقاصان با لباسهای رنگین خود و با ظرافت بسیار برنامه خود را شروع می‌کنند ولی نور شدید و غیر یکنواخت صحنه که سایه های نامطلوبی‌تولید مینماید تاثیر ظرافت حرکات و زیبائی رنگها را خیلی کاهش می‌دهد . در صورت اجراکنندگان برنامه و در حرکات آنها صداقت و صمیمیت خاصی بچشم می‌خورد و این موضوع می تواند روی تماشاچی تاثیر مطبوعی داشته باشد .

عکاسان و فیلم برداران گاهی با ملاحظه و بیشتر بدون ملاحظه مشغول حرکت به اینطرف و آنطرف هستند و حرکات سریع و گاهی ناشیانه برخی از آنها می‌تواند هر تماشاچی عصبی را آزاردهد .

مدعوین برخلاف اجرا کنندگان خیلی‌رسمی و سرد وشایدبعنوان وظیفه برنامه‌را تماشا می‌کنند بطوریکه در پایان برنامه از صفا و صمیمیتی که اجرا کنندگان نثار این جماعت تماشاچی سرد و بیحال کرده بودند متاسف شدم .

روز سوم ــ در «گشت وگذار»

امروز صبح بسبك توریست ها خیلی دیر از خواب برخاستم . ظاهرا روش جالبی است و بدم نمی‌آید کـه مدتی هم اینطور سر کنم ، زیاد حال وحوصله کار جدی ندارم . بهمین علت دوربین را برداشتم و در شهر براه افتادم .

بازار همیشه از نقاط مورد علاقه‌ام بوده است . مدخل بازار بعلت نفوذ فرهنك جدید و از همه مهمتر توریست ها (که هیچوقت از آنها دلخوشی نداشته‌ام) تا حدی تغییر کرده ولی هرچه انسان بیشتر بداخل آن نفوذ می‌کند ، صورت حقیقی آن بیشتر ظاهر می‌گردد .

اصولا جماعت توریست پای خود را به هرکجا که می‌گذارد با قیافه های نامانوس و دوربین های عجیب و غریب خود چهره اصلی زندگی را در آنجا بهم می‌زند و اصالت آنجا را از بین می‌برد . ولی جای شکرش‌باقیست که تنبلی این جماعت اجازه نمی‌دهد که پای خود را از تعدادی نقاط معدود و شناخته شده آنطرف‌تر بگذارد بهرصورت مناظر پیوسته جالب‌تر می‌شوند . پیرمردی که در روشنی کم نور یك روزن در حجره خود مشغول ورق زدن یك کتاب پوسیده است ،

حاج آقائی که در پشت ترازو به توزین یك بسته چای اشتغال دارد ، چانه زدن یك مشتری با فروشنـده تسبیح بدست برسر یك تخته قالی و از همه مهمتر درها و دریچه هائی که این افراد در داخل آنها دیده می‌شوند یك شادی عمیق و درونی در انسان ایجاد میکند . در پایان بازار که به یك کوچه منتهی می‌گردد یك بچـه یك دنده مرتبا تکرار می‌کند «مستر یه عکس از من بگیر» چندتا بچه عرب سراپا سفید هم در اینجا مقابل فندق (مسافرخانه) بازی می‌کنند . براه خود ادامه می دهم و به یك ساختمان قدیمی که ظاهر کاشیکاری مساجد را دارد وارد می‌شوم چند نفر دور حوض بزرك سبزرنك داخل حیاط وضو می‌گیرند . قاعدتا باید ظهر باشد . در ساختمان بالای حیاط ضریح یك امامزاده به چشم می خورد .

ــ حاج آقا اینجا مقبره امامزاده است ؟
ــ آره آقا اینجا امزاده علی‌ابن حمزه است .
ــ تاریخ اینجا معلومه ؟
ــ واله چه عرض کنم کسی نمی‌دونه ؟
ــ قبل از شاه چراغ بوده یا قبل از اون ؟
ــ همون حدود ها بوده چون پسر عموی حضرت شاه چراغه یعنی پدرشون همان شاه عبدالعظیم که تو تهرونه .

بعد از ظهر اولین فیلم فستیوال را نمایش می‌دهند که یك فیلم ایرانی (نه فارسی چون «فیلم فارسی» ظاهرا به معنای دیگری به کار می‌رود) بنام گاو است و توسط داریوش مهرجوئی کارگردانی شده .

از بسیاری جهات فیلم بسیار جالبی است و خیلی خوب به دیدنش می‌ارزد . هنرپیشه های اصلی آن یعنی «انتظامی» و «نصیریان» کار بسیار تمیزی ارائه داده‌اند.

فیلم برداری آن هم رویهمرفته خیلی خوبست ، خصوصا کادر های خیلی زیبائی دارد . تنها فکر می‌کنم که صدای هنرپیشه ها با محیط دهاتی فیلم خیلی متناسب نیست ولی گمان نمی‌کنم که کسی بتواند با لهجه کاملا دهاتی صحبت کند بدون آنکه واقعا دهاتی باشد . همینطور موزیك برخی از صحنه ها که برای القاء بیشتر ترس و وحشت بکار گرفته شده به موزیك اصلی وهمچنین باخود فیلم چندان سازگار بنظر نمی‌رسد .

متاسف هستم که باید در این چند روز چند فیلم‌خوب را بطور فشرده و پشت سر هم تماشا کنم و مایل نیستم که تاثیر یك فیلم با تماشای یك فیلم دیگر بزودی‌فراموش شود .

پس از فیلم نوبت به ارکستر رادیو تلویزیون‌فرانسه (O.R.T.F.) می‌رسد .

دراین برنامه رهبر آنها Jean Martinon می‌باشد که نسبتا سنی بروی گذشته است با وجود این با انرژی فراوان سمفونی فانتاستیك از برلیوز ونیایش بهار از استراوینسکی را رهبری مینماید و در پایان بعلت تشویق حضار که بیشتر از شب قبل انرژی بخرج می‌دهند قسمتی از Arlesienne اثر ژرژ بیزه اجرا می‌کند . سمفونی فانتاستیك را آنقدری که نیایش بهار بدلم نشست نپسندیدم وگو اینکه بعلت وزش باد در اجرای قطعه اخیر قسمتی از حواس ارکستر معطوف نگهداری اوراق نت بـود نتیجه کار برایم جالب تربود . در گفتگوئی که با یکی از اعضای ارکستر داشتم معلوم شد که آنها هم اصولا با قسمت اول برنامه چندان موافق نبوده‌اند و این تا حدی نظر شخصی رهبر ارکستر بوده است .

بعلاوه می گفت که اگر دیوار پشت ارکستر را بوسیله یك طاق تاروی سرآنها ادامه می‌دادند تا حدی اشکال هوای آزاد جهت یك ارکستر سمفونیك از بین می رفت .

روز چهارم ــ در «کلیات»

امروز صبح دو فیلم خیلی خوب دیدم وبراین انتقاد که فیلم های خوب را باید به فواصل زمانی زیاد دید راسخ‌تر شدم . فیلم اول یك فیلم ۲۰ دقیقه‌ای بود بنام «بادجن» که در مورد این باد واعتقادات مردم نسبت به‌آن دربندر لنگه تهیه شده بود . مقدمه‌ائی که در اول فیلم توام با نمایش مناظری از ساختمانهای مخروبه بندرلنگه اجرا شد تاثیر عمیق و گیرائی داشت . فیلم‌برداری این فیلم هم خصوصا در قسمت اول آن برای من خیلی جالب بود . این فیلم را ناصر تقوائی برای تلویزیون تهیه کرده است .

فیلم بعدی یك فیلم سینمائی است بنام Dont-Let the Angels Fall - از یك کارگردان کانادائی موسوم به G. Kazeder تنها چیزی که در مورد آن می توانم بگویم اینست که فیلم خیلی پیش از آن چیزی بود که تصور می‌کردم وظاهرا مدتها برای هضم ان وقت لازم دارم .

بعد از ظهر در سالن هتل C.V. Georgio نویسنده رومانی الاصل مقیم فرانسه را که بوسیله کتاب دومین شانس و فیلم ساعت بیست و پنج با نام وی آشنا بودم زیارت کردم . برخلاف تصوری که از او داشتم کشیش می‌باشد و پیرمرد خوش صحبت و خوش فکری بنظر میرسد . اینطور که می‌گوید دو داستان فوق‌خصوصا دومین شانس تقریبا اتوبیوگرافی وی می‌باشد . از سال ۱۹۴۸ پس از رهائی از زندان مقیم فرانسه است . وقتی پرسیدم چرا فرانسه را انتخاب کردی گفت تقاضای‌مهاجرت مرا به آرژانتین بعلت ارتدکس بودن ، به امریکا بعلت آنکه از اروپای شرقی و از نژادهای پایین هستم ، به کانادا بدلیل آنکه بجای دستهایم مغزم کار می‌کرد و بالاخره به سوئیس بعلت آنکه اصولا حساب بانکی نداشتم رد کردند . در فرانسه پس از معرفی اسم ورسم خـود بدون سئوال درباره‌گذشته یاوضع خانوادگی‌ومعتقداتم‌جواز اقامت برایم صادر کردند و از آن پس مقیم فـرانسه شدم . در مورد اوضاع فعلی‌جهان عقیده داشت که مجددا ساعت بیست و پنج فرا رسیده است ، « درسفری کـه چندی پیش به کانادا کردم در روی دیوار ساختمانهای دانشگاه عظیم Quebec پوستر های عظیم ساعت بیست و پنج نصب شده بود ، البته آنها اطلاع نداشتند که من در آنجا هستم .»

نظر بسیار جالبی در مورد مکتب های سیاسی و فلسفی موجود دارد .

«کاپیتالیسم ، مارکسیسم ، مائوئیسم و غیره همه راه حل های موقتی می‌باشند که شاید در یك یا چند مورد خاص قابل اجرا وموفق بوده‌اند ولی یك راه حل کلی و عمومی هنوز پیدا نشده که جوابگوی اشکالات موجود در حال و آینده باشد اما مطمئن هستم که تا قبل از پایان این قرن این راه حل پیدا خواهد شد تنها باید توجـه داشت که این راه حل یك راه حل علمی و فنی است ، نه‌سیاسی بعبارت دیگر سیاستمدار ها باید جای خود را به‌مهندسین و دانشمندان بدهند و نابسامانی های موجود نیز بعلت وجود همین سیاستمدار هاست» ؟

برنامه شب توسط گروه تك‌نواز های ارکسترفیلارمونیك چك اجرا می‌شود وبرنامه‌کلا به‌آثار یانـاچـك Leos Yanacek. اختصاص داشت . پیانیست گروه گویا از معلمین کنسرواتوار پراك می‌باشد و کار خود‌را بنحو جالبی اجرا می‌کند از او جالب‌تر رهبر بسیار جوان گروه است که بطرز زیبائی بدون چوب دستی ارکستر را رهبری می‌نماید بطوریکه یکی از دوستان می‌گفت «رهبر بدون چوب دستی هم ندیده بودیم» نظر حضار در مورد برنامه کاملا متفاوت می‌باشد . برای خود من برنامه خیلی جالب بود ولی عده زیادی منجمله چند نفر از رفقای مطبوعاتی چندان موافق با آن نیستند .

در میان اعضای ارکستر افرادی که زبان خارجی بدانند خیلی کم است . یکی دو نفر آنها آلمانی می‌دانند و تنها یکنفر که به انگلیسی مختصر آشنائی دارد می‌گوید که اعضای ارکستر که اکثریت آنها خیلی جوان هستند فارغ‌التحصیل کنسرواتوار پراك می‌باشند و در مورد خود «یاناچك» می‌گوید وی برای ما حکـم Bartok را برای مجارها دارد .

بعد از این برنامه به حافظیه می‌رویم .

امشب هم مانند دو شب قبل شمع ها در طول راه و در اطراف مزار حافظ به ایجاد یك محیط شاعرانه کمك

ـموثری می‌نمایند و هندی اصیل باقیافه سمپاتیك وجالبی «سیتار» یا بقول یکی از دوستان «سه‌تار هندی» می‌نوازد و در این کار بوسیله یك هموطن خود با طبله که آنهم نوعی طبل می باشد همراهی می شود ظاهرا موسیقی‌آشنای شرقی آنها در محیط باصفا و شاعرانه اثر مطلوبی براکثر مستمعین باقی می‌گذارد وبدین ترتیب یك شب دلپذیر پایان می‌یابد .

روز پنجم ــ در «مساجد»

امروز صبح مجددا فیلم «گاو» را نمایش می‌دهند و چون آنرا قبلا دیده‌ام با وجود آفتاب نسبتا پرحرارت تصمیم به دیدن نقاط نسبتا تاریخی و مساجد می‌گیریم .

در مقابل دادگستری از تاکسی پیاده می‌شوم در اینجا فعالیت نسبتا شدیدی در میان کاتبین دیده می‌شود و جز یکی دو نفر آنها بقیه مشغول نامه‌نگاری هستند. یکی دو نفر هم مشغول تحریر عرض حال یا نامه‌هائی هستند که زنهای چادری به آهستگی از زیر چادر دیکته می‌کنند . بطوریکه قبلا در نقشه دیده بودم چند مسجد و امامزاده و مکان تاریخی در حوالی شاه چراغ قرار دارند بنابراین با مسیری که قبلا انتخاب کرده بودم بطرف مسجدنوبراه می‌افتم . در طول یکی از کوچه های نسبتا تنك و باریك چندین مغازه زرگری و جواهر فروشی دیده می‌شوندمعلوم می‌شود که اینجا بازار زرگرهاست . وضع کوچه‌ها طوری

است که افراد غیر محلی خیلی زود توسط بچه‌هائی که در آنها بازی می‌کنند تشخیص داده می‌شوند وبدین‌ترتیب با کمی مکث در هرنقطه ممکن است یك گله (دسته) از بچه های کنجکاو در اطراف انسان تشکیل شود ... هرچه بدنبال یك گنبد کاشیکاری که ظاهرا باید معرف یك مسجد در آن حوالی باشد می‌گردم پیدا نمی‌کنم و وقتی که از یك پسربچه محل مسجد نو را می‌پرسم دری را که در نزدیکی قرار دارد نشان می‌دهد و تا جلوی آن مرا همراهی می‌کند . داخل مسجد می‌شوم ، همانطور که‌انتظار داشتم و مانند اکثر شهرهای ایران مسجد نو یکی ازکهنه ترین و قدیمی‌ترین مساجد شهر می‌باشد . در حیاط بسیار بزرك مسجد که ساختمان اولیه آن به اتابك منسوب است چند درخت کهن و یك جوی آب دیده می‌شود . در زیر این درختان و در رواق اطراف مسجد و درهرجا که سایه‌ائی باشد شاگرد مدرسه ها مشغول هستند ولی تشخیص این که کدام یك برای تجدیدیها و کدامیك برای سال آینده درس می‌خوانند مشکل است . در چهار ضلع مسجد چهار درگاه بزرك که کمابیش کاشیکاریهای متنوعی‌دارند دیده می‌شود ولی منظره حیاط مسجد خیلی جالب و خوشایند است . تشخیص درهای ورودی و خروجی مسجد نیز در نظر اول ممکن نیست چون این درها معمولا پس از چند دالان تو درتو تاریك که بچه‌ها در آنها قایم‌باشك بازی می‌کنند به کوچه های اطراف متصل می‌شوند از در اصلی مسجد که به گنبد شاه چراغ مشرف است آنرا ترك می‌کنم و پس از عبور از میدان بزرگی به محوطه خارجی شاه چراغ که در دست ساختمان است می رسم . در اینجا مطابق معمول انسان باید بیشتر مواظب دوربین عکاسی باشد تا حرکت نابجائی از وی سرنزند وباعث خشم زائرین نگردد .

کفش‌کن های دو طرف بارگاه پر است از انواع و اقسام کفشهای مردانه ــ زنانه ــ بچه‌گانه ــ گیوه‌های مختلف ونظائر آن . چندین پرده عظیم سفید نیز درگاه مقابل مزار را از آفتاب تند محفوظ نگاه می‌دارد. عده‌ائی هم در خارج بارگاه مشغول دعا ونذرونیاز می‌باشند . در طرفین کوچه‌ائی که بسمت گنبد کاشیکاری دیگری می‌رود مغازه‌های خاص حول و حوش اماکن مقدسه بـه چشم می‌خورد . انواع و اقسام تسبیح یا گردنبند های تسبیح‌نما، انگشتر های درشت ، گلاب ، چادر نماز وغیره .

یك دکه که در کنار نانوائی قرار دارد انواع اقسام انگشترها را ، از آنهاکه دارای نگین درشت عقیق می‌باشد تاآنهاکه‌رویشان‌حروف‌الفباء لاتین‌از A تا Z وجود دارد ، در معرض تماشا و فروش گذاشته است .

گنبد کاشیکاری دوم متعلق به‌مزار سید علاءالدین می باشد و در مقابل آنهم فعالیت شدید جمعیت بچشم می‌خورد . از اینجا وارد بازار می‌شوم . قیافه این بازار خیلی جدی‌تر و واقعی‌تر از بازار وکیل است باوجود این در اینجا هم بند قلیان پارچه‌ائی پیدا نمی‌کنم وهرچه هست پلاستیکی می‌باشد چون بقول فروشنده بدین وسیله میکرب منتقل نمی‌شود . براهنمائی نقشه ازبازاربطرف مسجد جامع راه می‌افتم مثل این که در شیراز مساجد گنبد کاشیکاری معمول درسایر جاها را ندارند ومسجد جامع‌هم ازاین قاعده مستثنی نیست . نکته جالب دراین مسجد که قسمتی از آن معبر اصلی میان دو کوچه است ، ساختمان مکعبی شکلی در وسط حیاط مسجد است که تاحدی بشکل خانه کعبه ساخته شده ولی برخلاف خانه کعبه اطراف آن دارای ایوان می باشد . بنای اولیه مسجد هم مربوط به دوران صفاریان است . آخرین نقطه‌ائی‌که در روی نقشه مشخص کرده‌ام مسجد نصیرالملك‌است‌که برخلاف مساجدقبلی کا شیکاری‌های مفصل وخوشرنگی دارد واز همه‌آنها نوتر بنظر می‌رسد. بعلاوه‌گلیم های شبستان آن نشان می‌دهد که مسجد بطور روزمره‌برای انجام فرایض دینی‌مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای بازگشت به‌هتل از میان کوچه پس کوچه‌ها راه خود را بطرف خیابان لطفعلی خان زند پیدا می کنم . در هتل رفقا مشغول بحث درباره فیلم گاوهستند ومطابق معمول کمتر دو نظری پیدا می‌شود که کوچکترین شباهتی به هم داشته باشد . آقای انتظامی هم در اینجاست و می گوید برای انکه صحنه ده در فیلم مشخص یك ده بخصوص نباشد از بکار بردن لهجه خاص در فیلم خودداری کرده یکی دو نفر دیگرهم که در امر تهیه فیلم دست داشته‌اند به سؤالات پاسخ می‌دهند وگویا نگران ان هستند که اداره سانسور بعلت «پایان غم‌انگیز فیلم» قسمت آخر آنرا تغییر دهد . برنامه عصر نمایش دو حلقه فیلم و کنسرت ارکستر ملی رادیو تلویزیون فرانسه در تخت‌جمشید است .

فیلم اول فیلم ایرانی زندگی است که با نقاشی متحرك تهیه شده و فیلم دوم یك فیلم مجار بنام «تابستان در کوه» می‌باشد .

در تخت جمشید که بنظر بعضی از دوستان برای برنامه این شب مناسبتی ندارد یك رهبر ارکستر معروف ایتالیائی یعنی **Bruno Haderna** رهبری ارکستر را در اجرای اثار کابریلی ، موتزارت ، الیویه مسیان ، و بالاخره ، دبوسی بعهده دارد . جمعیت از همه برنامه خصوصا قطعه «ومن در انتظار رستاخیز مردگان هستم» از مسیان **(O. Messian)** باکف زدن شدید قدرشناسی می‌نماید بطوریکه خود آهنگساز که در میان حضار است رهبر ارکستر را در اغوش می‌گیرد . برنامه موزیك امشب از جالب‌ترین برنامه‌های موزیك جشن بوده است .

روز ششم ــ در «موسیقی جاز»

امروز صبح را با وعده دیدن یك فیلم خوب ایتالیائی شروع کردم فیلمی است بنام سرافینو از «پیتروجرمی» **(Pietro Germi)** کارگردان ایتالیائی ولی قبل از آن یك فیلم مستند کوتاه بنام «مشهد قالی» از ناصر تقوائی نمایش می‌دهند ، فیلم اخیر که ۱۶ میلیمتری ورنگی می باشد در یکی از دهات کاشان (مشهد اردهال) تهیه شده ولی بنظر من گیرائی وتازگی فیلم «بادجن» را که همین شخص تهیه کرده بود ندارد . فیلم دوم هم هیچگونه زیرنویس یا وسیله تفهیم دیگری ندارد و از این‌رو قسمت اعظم ظرافت آن که مانند سایر آثار «جرمی» درمکالمات فیلم نهفته بود لااقل برای من از بین رفته .

بعد از ظهر گردش کوتاهی در سعدیه واطراف آن می‌کنم . دیدار افرادی که دست زن وبچه خود را بالباس های نو در دست دارند و گاهی با دوربین های عکاسی با تفاخر تمام از آنها عکس می‌گیرند دست کم ازدیدار مزار با صفای شیخ نیست . برنامه جشن‌هم پس از رسیتال پیانو وآواز که حوصله شنیدن آنرا ندارم به یك گروه برزیلی اختصاص دارد . رهبر این گروه که بقولی هیئت گارسون ها را دارد با حرکات جالبی گروه خود را رهبری می‌کند و با آنکه مردم برایشان خیلی کف می‌زنند اکثر منتقدین مطبوعاتی گروه را منسوب به‌کاباره های امریکای لاتین می‌دانند و نام برنامه را کاباره برزیل گذاشته‌اند .

اولین برنامه موزیك جاز هم که خیلی ها منتظر آن هستند پس از برنامه گروه برزیلی بوسیله گروه جاز **Max Roach** و به خوانندگی همسر **Max Roach** سرپرست گروه اجرا می‌شود . حرکات سریع **Roach** وتك‌نوازیهای وی وسایر اعضای گروه با تشویق هـای مکرر مردم پاسخ داده می‌شود . در پایان برنامه یعنی‌هنگام ارزیابی برنامه نظر روزنامه‌نگاران کمافی‌السابق مختلف و ضد ونقیض می‌باشد . برای خود من برنامه خیلی جالب بود ولی حیف که در هوای باز ونسبتا سرد اجرا شد .

روز هفتم ــ در «تن‌آسائی»

امروز پنج شنبه است و چندان حوصله اینطرف و آنطرف رفتن را ندارم می‌خواهم قدری کتاب بخوانم ولی از قرار معلوم صبح یك بحث درباره موزیك جاز ونقش سازهای ضربی در آن برگذار می‌شود . گرداننده بحث آقای هرمز فرهت وشرکت کنندگان در آن **Max Roach** رهبر گروه جاز شب قبل ، پیانیست وی ، دکتر **Manda** موزیك شناس هندی و دکتر **Gaber** استاد سازهای‌ضربی از دانشگاه ایندیانا در امریکا می‌باشند . بطوریکه **Max Roach** می‌گوید وی کار موسیقی را بدون تحصیلات آکادمیك در این رشته شروع کرده و بعدا مطالعاتی هم بطور نظری در این مورد بعمل آورده .

در مورد فهمیدن موزیك جاز نظر دکتـر **Gaber** جالب است ، فهمیدن موزیك جاز مثل فهمیدن زبان مادری خودتان می‌باشد و به عبارت دیگر برای آنکه جاز را بشناسید باید با آن بزرك شوید و جزئی از زندگی ومحیط شما شده باشد»

یکی از حضار از **Max Roach** سئوال می‌کند «باآنکه اصل موزیك جاز از امریکا بوده پس از تلفیق ریتم‌های افریقائی با تکنیك وسازهای اروپای غربی تقریبا تماس آن با مبداء افریقائی‌اش کاملا قطع شده بود . ولی در چند سال اخیر مجددا گرایشی بسمت مبداء افریقائی در میان سیاهان ، حتی در طرز زندگی آنها و در موزیك جاز به چشم می‌خورد و دربرنامه دیشب شما چنین تمایلی به چشم می‌خورد آیا نظر شما هم همین است ؟»

آقای **Roach** این موضوع را تائید میکند . بعنوان بهترین خوانندگان جاز که سبکی خاص خودشان دارندماکس‌روچ ابی‌لینکلن **Abe Lincoln** و نیناسیمون **Nina Simon** را معرفی می‌کند جلسه پس از چند سؤال و جواب دیگر ختم می‌شود . امروز ظهر هم باز جماعت روزنامه‌نگار بشدت مشغول بحث درباره برنامه ها و اجرا کنندگان می‌باشند و باز هم مطابق معمول دو نفر هم‌عقیده در این جمع پیدا نمی‌شوند

بعد از ناهار بدیدن فیلم «روباه» از **C. Raydell** می‌رویم . فیلم جالبی است وفیلم‌برداری خوبی داردموضوع انهم همان چیزی است که از **P.H. Lawrence** نویسنده داستان ان می توان انتظار داشت . از سینما به تئاتـر دانشگاه می‌رویم و یك گروه فرانسوی برنامه‌ائی رابصورت پانتومیم اجرا می کند . بنظر من کارشان گرچه در بعضی قسمتها جالب است ولی خیلی خسته کننده می‌باشد . این برنامه از برنامه های وابسته جشن هنر است . از بقیه برنامه های امشب که برنامه گروه «کابلان بالی» و موزیك ایرانی است برای مطالعه صرف نظر می کنم . یکی از شبهای «موام» را می‌خوانم ، نویسنده جالب وخوش بیانی است . طرز کار جالبی هم دارد معمولا افراداستانش را در هتل ها و رستوران ها و در مهمانی ها گیرمی‌آورد وخودش خیلی کم صحبت می کند در عوض طرف مربوطه که گویا هیپنوتیزم شده با صداقت وصمیمیت همه‌حرفهایش را می‌زند . فکر می کنم زندگی خوشی داشته است . وبدم نمی‌آید که منهم جای وی می‌بودم . به مطلبی برمی‌خورم که شاید بیان کننده وضع موجود است .

«مردم کلمه زیبا را در مورد هرچیز عادی ومبتذلی بکار می‌برند ، با دیدن یك گل خوشرنگ ، یك غروب افتاب یا یك زن زیبا حداکثر تحسین خود را در مورد زیبائی انها ابراز می‌دارند ولی وقتی که در مقابل زیبائی واقعی قرار دارند هیچ احساسی از ان نمی‌کنند ، گویا کور و کر شده‌اند . تنها تعداد بسیار محدودی از افراد از این موهبت بزرك یعنی تشخیص زیبائی واقعی واصیل برخوردار هستند .»

قبول کردن این موضوع که تقریبا هیچیك از ما از آن اقلیت محدود نیستیم برایم قدری ناراحت کننده است.

روز هشتم : در «سینما»

امروز جمعه است و بعادت سنواتی بطور ناخودآگاه دیرتر از روزهای دیگر از خواب بلند می‌شوم . ظاهرا چون در این روز مردم بیشتر به سینما می‌روند امروز هم دو فیلم نمایش داده خواهد شد .

صبح به دیدن فیلم آلمانی «صحنه های شکار در باواریا» که بعنوان معرفی آنرا از شاهکار های باغ بی‌بر سینمای آلمان یاد کردند می‌رویم . گو این که بعلت زبان مانند چند فیلم آخر چیز زیادی ازآن دستگیرم نمی‌شود . (حتی انها که آلمانی می‌دانند اقرار می‌کنند که بعلت‌لهجه غلیظ باواریائی بیش از نیمی از مکالمات را نفهمیده‌اند) ولی نکات جالب و تا حدی تکان دهنده در آن دیده

می‌شود . راستش را بخواهید اسم فیلم چندان محتوای آنرا بیان نمی‌کند . بهرحال باید منتظر ابراز نظر صاحب نظران در مورد آن باشم چون هر اظهار نظری ممکن است قضیه فیلم چند روز قبل یعنی «تابستان در کره» را تکرار کند .

قضیه بدین قرار است که یکی از منتقدین فیلم در بولتن روزانه «اخبار جشن هنر» تماشاچیان را متهم کرده که بعلت «نداشتن هدف و عدم مبارزه بخاطر آن در زندگی شخصی» فیلم مذکور را دست کم گرفته‌اند البته معلوم نیست که چه کسی مرتکب این جسارت گردیده است. بنابراین بهتر است دست بعصا باشم . یکنفر از تماشاچیان که از اتهام نفهمیدن فیلم بالا ناراحت شده شدیدا جواب می‌دهد که من فهمیدم و خوب هم فهمیدم . بعد از ظهر فیلم روسی «جمیله» را تماشا می‌کنیم . ازنظر فیلمبرداری وتلفیق فیلمبرداری با نقاشی یك فیلم نو محسوب می‌گردد وصدای گوینده داستان که جزء حتمی رمان های روسی نیز هست گاه وبیگاه توجه تماشاچی حواس پرت رامجددا بفیلم معطوف میسازد .

بعد از این فیلم برای استفاده از رسیتال پیانوی خانم مارتا آرگریش (Marta Argrisch) پیانیست جوان آرژانتینی به تالار دانشگاه می‌رویم. خوشبختانه براثر اعتراض مردم فعالیت عکاس ها تا حدی محدود شده و در محیط نسبتا آرام‌تری به‌کارهائی از باخ ، دبوسی و شوپن گوش می‌دهیم . برای من تمام برنامه خصوصا «سونات درلامنور » از باخ فوق‌العاده جالب است خانم پیانیست بعلت رسمی بودن و نگاه تند و شدیدی که به تنها عکاس جلسه در حین عکسبرداری کرده بود مورد بحث تماشاچیان قرار گرفته است .

بعد از این برنامه به تئاتر هوای آزاد می‌رویم در اینجا امشب ناظر دومین برنامه موسیقی جاز توسط گروه Max Roach هستیم . این گروه و برنامه آن بعللی که چندان برایم روشن نیست خیلی علاقه جمعیت را برانگیخته است و اجرای برنامه با ابراز احساسات و تشویق های شدید جمعیت همراه است و پس از نیمه شب در حالیکه تماشاچیان هنوز در هیجان ناشی از برنامه باقی هستند به هتل می‌رویم .

روز نهم در «موزیك خیلی مدرن »

امروز صبح بحثی که قبلا قرار بود بعنوان یکی از اولین برنامه‌های جشن‌درباره موزیك باصطلاح «مصنوعی» توسط موزیك شناس فرانسوی کلود ساموئل (Claude Samuel) اجرا می‌شود. در این بحث که تاحدی صورت کنفرانس به خود گرفت ساموئل تاریخچه موزیك Concret و سپس موزیك الکترونی را بیان کرده و سپس بکمك چند صفحه کارهائی را که در این زمینه‌ها بعمل آمده بود معرفی نمود.

«در قرن حاضر اهمیت آلات موسیقی نسبت به‌گذشته افزایش یافت واستفاده از صداهای موجود در طبیعت بعنوان اصوات موزیکال مورد توجه قرار گرفت چه از نظر تحلیلی اختلاف اساسی بین این اصوات با صدای سازهای موسیقی موجود نیست . باموننتاژ کردن اصوات طبیعی و دستکاری کردن آنها روی نوار ضبط صوت موزیك Concret بوجود آمده.

همچنین استفاده از الکتریسته برای تولید صوت یك سری الات موسیقی الکترونی والکتریکی ایجاد کرده که بوسیله انها موزیك الکترونی ایجاد شد و بالاخره استفاده از کمپیوتر توسط برخی از مصنفین و آهنگسازان یك مکتب دیگر آهنگسازی را پایه گذاشت و همه انواع موسیقی فوق در تحت عنوان کلی موسیقی مصنوعی قرار گرفتند .

اساسی‌ترین اختلاف موزیك سازی با موزیك مصنوعی خصوصا موزیك Concret درآنست که در نوع اخیر عملا نوازنده بمعنای معمول آن وجود ندارد ، یا نقش وی بدون اهمیت می‌باشد حال انکه در موزیك سازی (Instrumental) نوازنده عامل مهمی در نتیجه‌گیری کار آهنگساز می‌باشد.

در ترجمه شرح حال Edgar Varese یکی از پیشروان موزیك Concret از زبان کلود ساموئل گفته شد که وی در اواخر عمر خود یعنی در هشتاد سالگی فوت کرد، از قرار معلوم برخی از بندگان خدا در اوائل عمر خود فوت می‌کنند. بطوریکه در پایان بحث از قیافه حضار برمیاید انها هم نمونه‌های اجرا شده از انواع موزیك های فوق را زیاد تحسین نمی‌کنند. شاید علت انست که ما در شهرهای خیلی صنعتی که سرو صداها و اصوات خاص خود دارند زندگی نمی‌کنیم.

بعداز ظهر امروز اولین برنامه گروه ملوس (Melos Ensamble of London) در تالار دانشگاه اجرا می‌گردد هنگامی که در سالن بانتظار شروع برنامه نشسته‌ام متوجه می‌شوم که دو نفر در پشت سر من به زبان انگلیسی از اینکه این برنامه هم مانند سایر برنامه‌ها با تاخیرنسبتا زیادی‌هنوز شروع‌شده اظهار تاسف می‌کنند ویکی از اندو در جواب دیگری که سئوال می‌کند در تمام کشورهای این منطقه ایا وضع همین است، جواب می‌دهد کما بیش ولی در هند «وطن شخص اخیر» وقت شناسی در این موارد خیلی اهمیت دارد. باکمی دقت متوجه می‌شوم که شخص اول دکتر Gaber استاد امریکائی و شخص دوم دکتر Manda موزیك شناس هندی می‌باشد بهر حال پس از پایان تاخیر برنامه شروع می‌شود. همانطور که انتظار داشتم این گروه یکی از اصیل‌ترین و جالب ترین گروه های شرکت کننده است و رویهم رفته یکی از بهترین برنامه‌های جشن را هم اجرا می‌نمایند. اولین قطعه انها «کواتور برای پایان زمان» (Quatuor Pour la Fin du Temps) از آهنگساز حاضر فرانسوی اولیویه مسیان (Olivier Messian) می‌باشد که این قطعه را در سال ۱۹٤۱ در یك اردوگاه اسرای زمان جنك آلمان تصنیف و در همانجا برای اولین بار باوضع بسیار مشکل موجود اجرا کرده است.

از این قطعه و محل تصنیف آن بیاد «ساعت بیست وپنج میافتم » وباین نتیجه می‌رسم که در شرایط مساوی طرز تفکر منطقی معمولا به‌یکنوع نتیجه‌گیری میانجامد.

در قسمت دوم برنامه اثاری از آهنگساز مدرنیست «برك» (Alban Berg) وپس ازآن یك کوینتت بهمراهی پیانو از «نومان» اجرا می‌گردد . بدون اغراق خیلی از این برنامه لذت بردم.

در تئاتر هوای آزاد برنامه رقص هندی «کاتاك»

(قصه‌گو) اجرا می‌گردد و رقاصه که تاحدی خواننده نیز هست باغزل «خوشا شیرازو وصف دلگشایش خداوندا نگهدار از زوالش» و چند غزل دیگر از حافظ توجه شدید مدعوین فارسی زبان را بر می‌انگیزد . در این رقص هم مانند رقص های اسپانیولی رقاص از نوازندگان اصلی محسوب می‌شود بطوریکه علاوه برصدای پایکوبی اوصدای زنگوله‌های مچ پای وی به صداهای دیگر اضافه می‌شود. برنامه بعدی اختصاص به معرفی یك ساز هندی موسوم به Veena دارد که تا حدی از نظر ظاهری به سیتار شباهت دارد. گو این که این برنامه بامدت نسبتا زیاد آن برای تماشاچی ایرانی که عادت به تمرکز حواس به مدت زیاد ندارد خسته کننده بنظر می‌رسد ولی برای خارجی‌ها خصوصا موزیك شناسهای شرکت کننده خیلی جالب است.

روز دهم . در «پالوده شیرازی»

پس از مدتی تن آسائی و تنبلی امروز صبح را برای خیابان گردی و عکاسی رزرو کرده بودم از این رو با آنکه بطور خلق‌الساعه متوجه می‌شوم که یك فیلم فرانسوی را در برنامه امروز جا داده‌اند «راستش را بخواهید پس از نمایش چند فیلم خیلی خوب‌اول ، فیلم‌های بعدی مرا از شور و شوق اولیه در مورد تماشای فیلم‌ها انداخته بودند» ترجیح دادم که همان برنامه قبلی‌ام را اجرا کنم. بااین قصد دوربین را برداشته و عازم شهر شدم. اولین منزل موزه پارس می‌باشد که بنای ان مانند بسیاری از ساختمانهای این قسمت شیراز مربوط به دوره کریمخان است. ظاهرا من اولین مشتری یا (دشت اول) موزه می‌باشم چون دربان که مشغول آب و جارو کردن است به کیشه خود می‌آید و یك بلیط برایم باطل می‌کند در باغ سرسبز موزه بوی ملایم نارنج بمشام می‌رسد ولی از خود نارنج خبری نیست. باکمی دقت متوجه می‌شوم که نارنج‌ها همه‌سبز وبرنك برگهای‌درختان می‌باشندو ازاین روتشخیص آنها دشوار است. در داخل ساختمان هشت ضلعی موزه نقاشیها، کتابها، کاسه‌های سفالی و سایر اشیاء عتیقه در داخل یا خارج ویترینها مفلوکی قرار دارند و با آنکه چراغ هریك از ویترین‌ها را روشن می‌کنم باوجود این روشنائی و طرز نمایش اشیاء چندان رضایت بخش نیست. اطلاعات کنار ویترین‌ها هم که به چهار زبان با خط نسخ یا نستعلیق و نظائر آن نوشته شده یانامفهوم و ناخواناست یا آنکه معلوم نیست مربوط به‌کدامیك از اشیاء می‌باشد. چند نقاشی بسیار زیبا در پس شیشه های موجدار قابهای محقر خود جلب نظر می‌کند و رویهمرفته بعلت انعکاس نور در سطح این شیشه‌ها جزئیات نقاشیها کاملا نامفهوم می‌باشد. وقتی که از مامور موزه سئوال می‌کنم که «ممکن نیست دربعضی از ویترین‌ها را برای مشاهده بهتر بازکنند» بدلاك و مهر ویترین مورد نظر اشاره کرده می‌گوید «برای باز کردن این لاك و مهر باید اقای فلان و اقای بهمان از اداره باستانشناسی بیایند و رئیس موزه هم حق باز کردن انها را ندارد»، موضوع تاحدی خنده‌دار است

از موزه به خیابان شاهپور که از منشعبات خیابان زند می‌باشد می‌روم. در اینجا ساختمانها همه استیل قدیمی دارند و در حقیقت اینجا مرکز شیراز «زندیه» می‌باشد.

تعداد زیادی از ادارات دولتی از همان ساختمان های قدیمی وکیل الرعایا استفاده می‌کنند . زیباترین ساختمان مربوط به‌آن دوره که اداره پست و تلگراف و تلفن شیراز درآن‌قراردارد ، ظاهرا بعلت فرسودگی فعلا متروك است ولی استیل ساختمان و در و پنجره های ان در عین قدمت وپوسیدگی‌خیلی‌زیبااست. خانه‌های شخصی هم‌در این خیابان از این قاعده مستثنی نیستند. در نبش یکی از خیابانها عکاسی فردوسی ، نظرم را جلب می‌کند دکان بزرك و کهنی می‌باشد. دورتا دور انرا عکسهای قهوه‌ائی وزرد شده قدیمی از افراد ومناظر پوشانیده است چند عکس هم از سیاه‌خان فقید مرد عظیم‌الجثه شیراز به چشم می‌خورد . در گوشه‌ائی از عکاسخانه هم عکاسباشی مشغول قیچی کردن گوشه های چند عکس «فوری» که بادوربین خیابانی خود برداشته می‌باشد. در طول خیابان تعدادی مغازه لیمو وآب لیمو فروشی بادستگاههای اب‌لیموگیری خود بوی لیموی تازه را در هوا میپراکنند. کار خود انها هم تماشائی است. در انتهای خیابان ودر مجاورت ارك کریمخانی که اکنون از طرف شهربانی بعنوان زندان فارس از آن استفاده می‌شود ، یك قهوه خانه هوای ازاد (Open Air Coffe Shop) با چند دستگاه قلیان و سماوری که مشغول قل‌قل است بعلاوه چندین چهارپایه اشغال شده توسط عابرین خسته‌یك صحنه کاملا مختص شیراز رابوجود اورده«از اینجا به خیابان نوبهار که کلیسای «حضرت شمعون غیور» (St. Sinon) در آن قرار دارد می‌رومو پس از مختصری کندو کاوش کلیسا را پیدا می‌کنم. با انکه یکشنبه است در کلیسا باز نیست واز زنك آنهم پاسخی بلند نمی‌شود . ناچار زنك منزل کنار انرا فشار می‌دهم یك خانم میسیونر امریکائی در را باز می‌کند و وقتی متوجه می‌شود که می‌خواهم کلیسا را تماشا کنم از منزل خود که به کلیسا راه دارد مرا به باغ کلیسا راهنمائی می‌کند. دراینجا چند سرو بلندقد که از مشخصات همه باغ های شیراز است در باغچه خیابان بندی شده و زیبائی به چشم می‌خورد. ساختمان خود کلیسا خیلی قدیمی نیست. ولی ساده و زیبا ساخته شده نمازخانه بوسیله پنجره هائی که دارای شیشه‌کاری رنگین و ظریفی می‌باشد از روشنائی ملایمی برخوردار است . چند تابلوی مذهبی هم در آنجا بـه چشم می‌خورد . در تابلوی جلوی در ورودی ساعات کار کلیسا نوشته شده معلوم می‌شود مراسم روز یکشنبه ساعت نه بعد از ظهر و آنهم به‌فارسی اجراء می‌گردد . هنگامی که از کلیسا خارج می‌شوم فیلم‌فرانسوی (Mouchet) هم که در سینما آریانا مجاور کلیسا نمایش داده شده پایان یافته و با دوستان به هتل باز می‌گردم .

پس از صرف نهار متوجه می‌شوم که در این مدت اصلا بیاد پالوده شیرازی نبوده‌ام . متاسفانه معلوم می‌شود که در هتل پالوده وجود ندارد لذا آدرس معروف‌ترین پالوده ساز شیراز را می‌گیرم و بعد از استراحت کوتاهی با یکی از رفقا به سراغ آن می‌رویم بلافاصله پس ازسفارش کافه‌چی دو ظرف نسبتا بزرك پالوده با شیشه های آب‌لیمو و گلاب مربوط را جلویمان می‌گذارد . درخواست آب لیموی اضافی هم از طرف وی با خوشروئی و بدون خرج اضافی پذیرفته می‌شود . پس از آن بدیدن خوابگاه دانشگاه

که تنها در شب آنرا دیده بودم می‌رویم .

محوطه وسیع خوابگاه یا بعبارت بهتر کمپ دانشجویان کاملا چمن کاری شده است . خیابان بندی زیبائی هم دارد بعلاوه چندین مجسمه مدرن هم در میان چمن ها خودنمائی می‌کنند . ساختمان ها همه آجری وبا سبك معماری جدید غربی با مختصر چاشنی شرقی ومجموعا بصورت مجلل و زیبائی ساخته شده‌اند . استخر آنهم دست کمی از استخر هتل هیلتون ندارد .

به سلف سرویس کمپ می‌رویم سالن بسیار بزرك و مجللی است که به یك رستوران درجه یك شباهت دارد خصوصا میز و صندلی های لوکس آن با اسم سلف سرویس سازگار نیست . نمی‌دانم چرا همیشه از سلفسرویس در ذهنم تصور دیگری داشته‌ام . یکی از رفقا معتقد است که این محیط اشرافی معیار سنجش دانشجویان را تا حدی تغییر می‌دهد و آنها بعدا چون انتظار چیزی پیش از اینها را خواهند داشت ممکن است دچار اشکال شوند . بهرحال درتحقیقات بعدی‌معلوم می‌شودوضع خودخوابگاهها خیلی بهتر از اینهاست ، اطاق ها یکنفره و مجهز بسرویس اختصاصی می‌باشند . در بازگشت از کمپ دانشجویان باغ زیبای بیمارستان نمازی که ورود به آن آزاد می‌باشد جلب توجه می‌نماید . به میان درختان می‌رویم از سکوت و آرامش آن متعجب می‌شوم چون یك چنین باغ عمومی در تهران معمولا بر است از خانواده های محترمی که بساط

خود را در هرگوشه گسترده و مشغول هیاهو می‌باشند . چند درخت افریقائی با برگهای بزرك و خوشرنك خود در میان چمن ها جلب توجه می‌کنند . چمن وسیع مقابل ساختمان بیمارستان برخلاف چمن های دیگری که تابحال دیده‌ایم رنك بسیار روشن و زیبائی دارد و بی‌اختیارصحنه پارك در فیلم **Blow UP** را بیاد انسان می‌آورد .

واضح است که در اینجا هم سروهای بلند و معروف شیراز در گوشه وکنار خودنمائی می‌کنند و آفتاب کمرنك غروب از میان آنها به آهستگی به سمت افق میخزد .

یکی دیگر از برنامه های فرعی جشن امسال‌نمایشنامه «ماه وپلنك» است که امشب اجرا می‌شود . متاسفانه این نمایشنامه تنها نمایشنامه‌ایست که در فستیوال امسال فرصت دیدن آن دست می‌دهد وبعللی که هنوز برمن روشن نیست برنامه تئاتر در فستیوال امسال جائی ندارد و از قرار معلوم سال آینده تئاتر نقش مهمتری را خواهد داشت. بهرصورت این نمایشنامه که بلیط مربوط به آن تقریبا نایاب شده است به سبك نمایشنامه قبلی بیژن مفید بشعر می‌باشد وگو این که اشعار ان رویهمرفته لطیف وزیباست ولی خود نمایش بصورت تکرار یك موضوع درامده وتا حدی خسته کننده یا بقول یکی از تماشاچیان عصبی‌کننده میباشد .

در پایان برنامه برای اولین بار مدعوین نظریاتی تقریبا مشابه ابراز می‌دارند که امیدوارکننده است .

روز یازدهم: در «خرابات»

امروز صبح می‌خواهم بقیه نقاط دیدنی شیراز را تماشا کنم چون وقت زیادی باقی نمانده است . اول به سراغ دروازه قرآن یعنی مدخل شهر می‌روم . این دروازه چون در بلندی قرار گرفته بخش مهمی از شیراز را در نظرانداز خود دارد . در کنار دروازه تابلوی «مقبره خواجو» جلب توجه می‌کند ، از پله‌ائی که دامنه تپه ایجاد شده بالا می‌روم و در یك زمین کوچك تسطیح شده و در زیر سایه چند درخت یك قبرسنگی در کنار جوی آب قرار دارد . پیرمرد سرایدار توضیح می‌دهد که در کنار مقبره خواجو مقبره یکی از وزرای عضدالدوله و درسمت دیگر در زیر یك طاق کلی آرامگاه خود عضدالدوله قرار دارد که راه وصول به آن نسبتا دشوارتر است . درپایین دست مقبره خواجو یك قهوه‌خانه هوای ازاد دیگر وجود دارد و پسرك قهوه‌چی در کنار همان جوی آب جاری که از میان آرامگاه عبور میکند مشغول شستشوی سیخ‌های جگر شب گذشته و آماده کردن آنها برای ظهر می‌باشد .

قبل از رفتن به مدرسه خان که آخرین نقطه مورد نظرم می‌باشد در خیابان زند از یك مغازه خاتم سازی دیدن می‌کنم . استادکار که مرد بسیار خوش اخلاقی می‌باشد پس از آنکه مقداری توضیحات فنی درباره خاتم سازی وکارهای خودش می‌دهد انواع خاتم های موجود را ارائه می‌نماید . پس از گرفتن چند عکس ازکارهای ظریف و زیبای وی از او خداحافظی می‌کنم .

از اینجا به مدرسه خان که تنها یادگار مهم دوران صفویه در شیراز است می‌روم . کاشیکاری های قسمتی از رواق مدرسه در دست تعمیر است ولی کاشیکاری قسمت های سالم از هرحیث نظیر کار های زیبای کاشی کاری اصفهان می‌باشد .

حجره های اطراف حیاط مدرسه نیز به‌طلاب علوم دینی که در همین حوزه درس می‌خوانند تعلق دارد . با وجود مراقبت های سرایدار مسن مدرسه که مانع ورود افراد بیکار به صحن مدرسه می‌گردید چند بچه شلوغ و شیطان آرامش آنرا بهم می‌زنند .

بعد از ظهر امروز دومین برنامه گروه ملوس با اجرای آثاری از موتسارت ، استراوینسکی و برامس با تشویق فراوان شنوندگان پایان میابد . واینطور که از صحبت حاضرین برمیآید اکثر آنها رویهمرفته از برنامه‌های این گروه خیلی راضی هستند .

برنامه بعدی که برنامه هنرمندان طبال افریقائی از کشور «رواندا» می‌باشد نیز با موفقیت زیادی روبرو می‌شود بطوریکه یکنفر از موزیك شناسان خارجی این برنامه را بهترین برنامه فستیوال می‌داند . ریتم های اصیل افریقائی همراه با طرز اجرای جالب و طبل های گوناگون در موفقیت کار این گروه خیلی موثر میباشند . برای آنکه زندگی شبانه شیراز را هم دیده باشم امشب را به رستوران دانسینك «کازبا» می‌رویم . شاید تنها وجه تمایز آن با رستوران های مشابه در سایر نقاط زیادی‌تعداد میز ها و صندلی‌های اطراف هرمیزی باشد. سایر مشخصات آن خصوصا لیست قیمت ها در سطحی برابر یا بالاتر از رستوران های لوکس تهران می‌باشد . از حوالی ساعت یازده ارکستر با صدای گوشخراشی ملت را به رقص دعوت می‌نماید و انبوه دختر وپسر ها که اکثر آنها تهرانی و قابل تشخیص می‌باشند به وسط پیست می‌ریزند رفته‌رفته با خسته شدن نوازندگان وریتم ها ملایم‌تر وچراغ‌ها نیز کم‌نورتر می‌گردد . دربازگشت به هتل ، از بار صدای تار و ضرب ایرانی شنیده می‌شود . خواننده که نوازنده ضرب هم می باشد مشغول خواندن یك ترانه عامیانه به لهجه محلی است و دوستان هم هریك حالی کرده‌اند . گاهگاهی هم دخترکی با لباس بلند زیبا همگام با آهنك چرخی به خود داده و با حاضرین بشکن می‌زند . چند ساعت پس از نیمه شب با رضایت کامل از برنامه این روز به‌رختخواب می‌روم .

روز دوازدهم : در «خاتمه»

امروز صبح با حالت سرماخوردگی شدید از خواب بلند می‌شوم از قرار معلوم در نیمه های شب کولر اطاق بعللی نامعلوم بکار افتاده واین دسته گل را آب داده است. از این موضوع خیلی متاسف می‌شوم چون قرار بود امروز یعنی روز آخر توقف در شیراز را به‌خرید سوقاتی وچند قلم وسائلی که قاعدتا در اینجا ارزان‌تر پیدا می‌شوند اختصاص دهم . نزدیکی های ظهر که سایر دوستان از خرید سوقاتی و کالاهای باصطلاح لوکس خارجی باز می‌گردند معلوم می‌شود که قیمت اعظم این اشیاء را که به آنها به‌اسم کالای قاچاق آب کرده‌اند درهمین آب و خاك ساخته شده و فروشندگان با استفاده از سابقه ذهنی مردم آنها را به اسم اجناس خارجی با قیمت مناسب بفروش می‌رسانند . بطوریکه یکی از دوستان می‌گوید در سال گذشته مسافرین کشور های غربی و اجناس قاچاق هردو خیلی بیش از امسال بوده‌اند . بهرصورت عذر من هم در مورد دست خالی بازگشتن موجه می‌شود .

در برنامه امشب که بوسیله ارکستر ساز های غربی استراسبورك اجرا میشود قرار است قطعه **Persephasa** اثر آهنگساز یونانی گزناکیس با تکنیك جدیدی برای اولین بار اجرا گردد . این قطعه بسفارش (مشترك) جشن هنر و وزارت فرهنك وهنر فرانسه برای جشن امسال تصنیف گردیده است . با وجود همه علاقه‌ائی که بشرکت در این برنامه دارم به علت سرماخوردگی ناچار از آن صرف نظر میکنم و زودتر از همیشه به استراحت میپردازم.

ذوب‌آهن

دعوت از ۴۰۰ دانشجو

● ٤٠٠ دانشجوی ایرانی مقیم خارج به کاردعوت شدند .

● این دعوت از طرف شرکت ملی ذوب آهن ایران بعمل آمد

● ازاین تعداد پنج نفر دوشیزه هستند

● دو تن از مقامات شرکت ملی ذوب آهن‌ایران که باتفاق چندتن ازمسئولین ارشد این شرکت برای مذاکره و استخدام دانشجویان و فارغ التحصیلان‌ایرانی مقیم آمریکا، سی و پنج روز در آمریکااقامت داشتند به ایران بازگشتند .

سرپرست هیئت اعزامی مذکور در باره نتایج سفر خود اظهار داشت : طی این مدت با ٥٠٣ دانشجو وفارغ‌ـ التحصیل رشته های فنی در زمینه شرکت ملی ذوب‌اهن مصاحبه بعمل‌آمد و با ۱۱۳نفر ازآنان که واجد صلاحیت و شرایط لازم بودند قراردادی به امضاء رسید .

شرکت ملی ذوب‌آهن ایران قبل از سفر این هیئت به ۳۰۰ دانشگاه در سراسر آمریکا ٦٠٠ نامه‌ارسال داشت. دراین نامه‌ها از روسای دانشگاهها درخواست شده بود که سفر و قصد هیئت ذوب آهن را باطلاع دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی برسانند ، تا در صورت تمایل با نمایندگان‌شرکت ملی ذوب آهن درآمریکا تماس حاصل کنند.

میزان‌حقوقی که‌در قرارداد با دانشجویان فارغ ـ التحصیل پیش بینی شده حداکثر ٥١٠٠ تومان و حداقل ۲۱۰۰ تومان می باشد .

هم‌چنین برای ٤٠٠ دانشجوی دیگر دعوتنامه فرستاده شده که اگر مایل باشند با شرکت ملی ذوب آهن قرارداد لازم را امضاءنمایند .

دارائی

تشکیل کمیسیون

● تشکیل کمیسیونها و جلسات مذاکرات وشور در وزارت دارائی در ساعات اداری ممنوع‌شد .

● آقای جمشید آموزگار وزیر دارائی در دستوری که خطاب به مسئولین وزارت دارائی صادر نمود متذکر گردیده است که : مسئولان اجرائی موظفنددر باره‌اموری که مسئولیت دارند و اخذ تصمیم در صلاحیت آنهااست حتی المقدور از تشکیل‌شورا و کمیسیون خود داری‌نموده وراسا اتخاذ تصمیم نمایند . لیکن در صورتیکه موضوع دارای اهمیت بوده و مطالعه مسئول اجرائی به تنهائی‌کافی تشخیص داده‌نشود و نیزلزوم طرح‌مطلب‌در جلسه‌ای‌ضروری تشخیص داده شود لازم است این قبیل جلسات بعد از ظهر ها تشکیل شود تا از رکود کار ها جلوگیری بعمل آید.

آمار وضع اقتصادی ایران

● مصرف سرانه شهری‌در سال گذشته ۲ر٥ افزایش داشت وواردات کالا های مصرفی ٥ر۲۸ در صد پائین آمد .

● تولید نا خالص ملی‌در سال ۱۳٤۷بقیمت جاری به ششصد وهجده‌میلیارد ریال رسید

● بنا به گزارش بانك‌مرکزی ،اقتصاد ایران بدنبال پیشرفت‌برنامه آبادانی‌سوم و همزمان با آغازبرنامه چهارم همچنان از رشد قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده است .

بموجب این گزارش درسال ۱۳٤۷ تولید ناخالص ملی بقیمت ثابت دهوسه دهم‌در صدو بقیمت جاری یازده و شش دهم در صد افزایش‌داشته است . این رقم از هدف برنامه عمرانی چهارم‌که‌نه و چهاردهم در صدبود بیشتر است .

این گزارش هم چنین‌حاکیست که در سال گذشته رشد کشاورزی،صنعت ومعدن‌و خدمات از میزان پیش‌ـ بینی شده در برنامه چهارم‌آبادانی کشور نیز بیشترشده است .

دراین سال مصرف سرانه‌در مناطق شهری وروستائی‌به ترتیب پنج و دو دهم و دوو یك دهم در صد افزایش داشت .

درین سال‌واردات کالاهای‌مصرفی ٥ر۲۸ در صد پائین آمد و در مقابل صادرات‌کشور بیشتر شد.

بموجب گزارش بانك‌مرکزی تولید ناخالص ملی در سال گذشته بقیمت جاری‌به ٦١٨ ملیارد ریال نزدیك به معادل نه میلیارد دلارامریکائی رسید و نیز حجم پول در دست مردم وسپرده‌های دیداری بخش خصوصی ١٤ درصد بیشتر شد وحجم«شبه پول» نظیر سپرده های مدت دار و پس انداز نیز۳۰ در صد افزایش یافته است .

بیانات حضرت رئیس جمهوری امریکا در ضیافت شام کاخ سفیدر روزچهارشنبه سی‌ام مهرماه ۱۳۴۸

ما بار دیگر مفتخریم که‌از اعلیحضرت درکاخ سفید پذیرائی میکنیم . البته این نخستین باری نیست که‌شاهنشاه ایران باینجا تشریف فرما شده‌اند . شاهنشاه ایران‌یکی از رهبران واقعی جهان بشمار میروند که در همین بنا و در همین اطاق میهمان پرزیدنت ترومن — پرزیدنت اینرنهاور پرزیدنت کندی و پرزیدنت جانسون بوده‌اند و امشب میهمان ما هستند .

معمولادر اینگونه موارد در استقبال از میهمان مطالبی بزبان دیپلماتیك و بتعارف‌بیان میشود ولی ما امشب باید بگوئیم که استقبال ما از شاهنشاه ایران ناشی از علاقه مفرط مردم امریکا مانند من بایران است ملت امریکا ومن کشور ایران را میستائیم و بسیاری از شما از رهبری شاهنشاه واقف هستید و همچنین میدانیدکه‌اعلیحضرت در کمك به صلح و آزادی‌در جهان همیشه کوشا بوده‌اند .

در سال ۱۹۵۳ فرصت یافتم ضمن سفر بدور جهان از ایران دیدن کنم و با شاهنشاه ایران آشنا شوم ایران آخرین کشوری بودکه در آن‌سفر جهانی ازآن دیدن کردم و در این‌دیدار بود که برای نخستین‌بار بامیهمان عزیز امشبمان ملاقات کردم و در همان ملاقات بود که اعلیحضرت مرا سخت تحت تاثیر قرار دادند . در سال ۱۹۵۳ ایران با مسائل‌دشواری روبرو بود در آن سال‌خیلی‌ها نسبت به فایق آمدن ایران برمشکلات تردید داشتند ولی من هنگامیکه ایران را ترك میکردم اطمینان داشتم ومی‌دانستم که ایران در رفع این مشکلات تحت رهبری اعلیحضرت پیروز خواهدشد. این اطمینان بخاطر افرادی بود که دیده بودم و مخصوصا بخاطر شخصیت و اطمینانی بود که در رهبر ایران مشاهده میشد . درآن زمان ایشان رهبر جوانی بودند و من‌نیز جوانی بودم که سمت معاونت رئیس‌جمهوری امریکا را داشتم . ولی آنچه بیاد میآورم اینست که علیرغم‌یاس عمیقی که بر بسیاری از ناظران اوضاع ایران مستولی شده بود شاهنشاه ایران‌مسائل را میشناختند و در عین‌حال راه‌حلها را برای آینده طرح میکردند . توانایی و درایت یك رهبر بزرك است که‌مسائل را بخوبی بشناسد و درصدد حل آنها برآید و این خصوصیتی است که‌درشاهنشاه وجود دارد ونتیجه این‌رهبری پیشرفتهای چشم‌گیر و بزرگی است که اینك نصیب ایران شده است .

موفقیتهای ایران در زمینه توسعه آموزش وپرورش عمران و آبادانی واجتماعی امروز ایران را در ردیف نیرومندترین و پرافتخارترین کشورهای جهان درآورده است و ما امشب افتخار داریم که از رهبر کشوری استقبال می‌کنیم‌که در اینان خصایص رهبری که واقعا بندرت در جهان یافت میشود وجود دارد .

رئیس جمهوری امریکا در پایان بیانات خود بعنوان ستایش از شاهنشاه ایران گفتند ما افتخار داریم اینجا از پادشاهی پذیرایی میکنیم که در رهبری ملت خود و در بینش و درك مسائل‌مربوط به آینده همواره‌عظمت شاهانه ایران را نشان داده‌اند .

پاسخ شاهنشاه آریامهر به بیانات حضرت رئیس جمهوری امریکا :

اقای رئیس جمهوری ، بانو نیکسون ، عالیجنابان ، بیانات محبت‌آمیز شما در نخستین دیدار صبح امروز مرا عمیقا تحت تاثیر قرار داد و امشب نیز بار دیگر گرمی احساسات شما مرا تحت تاثیر فراوان قرار داده است . احساساتی که فقط یك دوست واقعی میتواند آنرا بیان کند .کسیکه مسائل را میشناسد و آنها را بخوبی درك میکند .

برای من مایه مباهات و خوشوقتی است که بگویم دوستی ما از دیرباز آغاز شده است . این دوستی و وحدت بخصوص از آن جهت استوار و نیرومند است که دردورانی آغاز شد که برای کشور من اهمیت حیاتی بسیار داشت .

یعنی زمانی که ما دچار عوارض وعواقب جنك بودیم دوران شدت یافتن سیاستهائیکه هدف آنها تسلط برهمه جهان بود . ما بسهم خود کوشش کردیم تا استقلال خود را حفظ کنیم و در برابر فشار مقاومت کنیم و از طرف دیگر شما بار دیگر پرچمی را که امریکا همواره با غرور نگهبان آن بوده است برافراشتید . این پرچم نماینده مردمی است که همواره در راه حق و آزادی ایستادگی کرده‌اند .

شما با محبت بسیار اشاره کردید که ملت ما دراین مبارزه پیروز شده است . بیشتر موفقیت مامرهون احساسات عمیق وریشه‌دار مردم است . مردمی که نسبت بخود و تاریخ خود وآزادیهای فردی وفادار بوده‌اند .

این نکته را نیز باید بگویم که توفیق ما ناشی از این دلگرمی نیز بوده است که میدانستیم از دوستی ملت بزرگی مانند امریکا برخورداریم .

در مقابل آنچه درباره من ذکر کردید باید بگویم که شما در ایام خوشی و موفقیت و چه در روزهای دشوار وظایف خود را با شجاعت و متانت کامل انجام داده‌اید و این خصوصیاتی است که انسان را بزرك وقابل اعتماد میکند و این همان خصوصیاتی است که انسان را بمقام رهبری میرساند . ما امروز بیش از هرزمان دیگری بدوستی امریکا نیازمندیم تا بتوانیم از آنچه که بدان معتقدیم حراست کنیم و قانون وعدالت را اجرا کنیم و نزاکت را در مناسبات میان کشورهای جهان تشویق کنیم .

من بشما اطمینان میدهم که در کلیه امور از تفاهم وحمایت کشور من برخوردار هستید . زیرا ما میدانیم که اقدامات شما در جهت عدالت ومساوات صورت میگیرد . ما میتوانیم بخاطر نتایجی که از دوستی شما گرفته‌ایم بخود تبریك بگوئیم زیرا در حال حاضر ما معتقدیم که کشور ما میکوشد تا آنچه را که تاریخ گذشته ما برایش تلاش کرده است بانجام برساند . یعنی میکوشیم تاارزشهای معنوی را بدنیا عرضه کنیم . ارزشهائیکه بتواند به‌بهتر کردن زندگی کمك کند و در این راه هرگز از کوشش باز نخواهیم ایستاد .

این تاریخ کشور ما است وهیچ کشوری نمیتواند نسبت به گذشته خود وفادار نباشد و در عین حال بکوشد نتایج بهتری در آینده بدست آورد . ما همواره سفر شمارا بکشور خود و دیدار از شما و خانم نیکسون را در ایران بیاد خواهیم داشت .

من شخصا همیشه ساعات زیادی را که در سال ۱۹۶۷ باهم گذرانده‌ایم بیاد خواهم داشت و نیز با اشتیاق در انتظار دیدارهای آینده رئیس جمهوری امریکا از کشور خودمان وبخصوص دیدار پرزیدنت نیکسون شخصی که به او احترام میگذاریم و او را میستائیم خواهیم بود .

شاهنشاه در پایان نطق خود سلامت رئیس جمهوری امریکا را آرزو کردند .

تمبریادبود

● از طرف وزارت پست وتلگراف وتلفن یك سری تمبر یادبود دهمین سال شروع حفاری دریائی شرکت نفت ایران وایتالیا در خلیج‌فارس بقیمت ۸ ریال انتشار یافت

فروش گازمایع به‌افغانستان

● اعلام شد که هیئتی از تهران به کابل اعزام شد است تا در اطراف فروش گاز مایع به افغانستان با دولت افغانستان مذاکره بعمل آورد.

فروش گازمایع به‌افغانستان باهمان سرایطی که ژاپن‌اماده خرید گاز مایع است انجام خواهد شد. در اطراف فروش گاز مایع به افغانستان قبلا مذاکراتی صورت گرفته و باحتمال قوی هیئت اعزامی قرارداد فروش را امضاء خواهد کرد.

«هندوستان» فروشنده نفت ایران

● دردهلی‌نو اعلام شد که هندوستان هم‌اکنون مشغول انجام پاره‌ای گفتگو هائی است تا۷۰ هزار تن ازمحصول نفت خام ایران را باسپانیا بفروشد.

نفت خام مورد نظر که به نفت خام رستم شهرت دارد از منابع شرکت فیلیپس‌و شرکت ایتالیائی مشغول حفاری های نفتی هستند.

مقامات نفتی گفتند که‌این فروش بطور ازمایشی صورت میگیرد و اگر اسپانیا نفت‌خام را از نظر پالایش و تصفیه مناسب تشخیص دهد مقدار بیشتری ازنفت‌خام‌راخریداری خواهد کرد.

تعیین حد مرزی فلات‌قاره

● موافقت‌نامه مربوط به خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر در دوحه امضاء شد. پیش نویس این موافقتنامه قبلا در تهران تهیه و تصویب شده بود. در امضای این موافقت نامه از طرف ایران آقای پرویز مینا عضو علی‌البدل هیئت مدیره ورئیس کل قسمت امورشرکت های وابسته و روابط باگروه های بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران واز طرف قطر آقای علی انصاری مدیر کل مهاجرت وکفیل امورخارجی آن شیخ نشین امضاء کردند.

لوله‌نفت اهواز ـ اسکندرون

● **مذاکرات ایران و ترکیه درباره احداث لوله نفت اهواز ـ اسکندرون در شرکت ملی نفت ایران (در تهران) آغاز شد.**

آقای دکتر منوچهر اقبال و اعضای هیئت نمایندگی‌ترکیه در این مذاکرات شرکت داشتند.

۹۵ هزار بشکه تولید

● گروه «ایمینوکو» که در ۱۱۰ کیلومتری جنوب جزیره‌لاوان فعالیت اکتشافی دارد تابحال یازده حلقه چاه حفر نموده و مقدار متوسط روزانه تولید آن ۴۷٫۵۰۰ بشکه است ولی شرکت نفت ایمینوکو تصمیم دارد که در طی سال آینده پانزده حلقه چاه دیگر در این منطقه حفر نماید و تولید خود را به ۹۵۰۰۰ بشکه در روز برساند.

این مقدار مساوی است با ۴٫۵ میلیون تن در سال.

ایمنیکو مرکب از آجیپ، فیلیپس پترولیوم، وکمیسیون نفت و گازطبیعی هلند، که هرکدام ۱۶٫۶ درصد سهم دارند. سهم شرکت ملی نفت ایران ۵۰ درصد است.

نخستین محموله نفتی

● نخستین محموله نفت خام شرکت نفت بین‌المللی دریائی ایران صادر گردید. این محموله از میدان رستم در خلیج فارس بمیزان ۳۴۰۰۰ تن در تاریخ ۱۹ شهریور ماه در اسکله جزیره لاوان بارگیری شد.

سخنگوی شرکت ملی نفت ایران در این باره گفت : شرکت نفت بین‌المللی دریائی ایران «ایمنیکو» یکی از شرکتهای ششگانه نفت می‌باشد که قرارداد آنها طی سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ براساس تقسیم منافع براصل ۲۵ و ۷۵ درصد در قسمتی از بخش تقسیمات نفتی کشور واقع در فلات‌قاره منعقد شده است.

افتتاح پالایشگاه مدرس

● صبح روز شنبه پنج مهر ماه‌باحضوراقای دکترمنوچهر اقبال پالایشگاه مدرس توسط حضرت رئیس جمهوری هند گشایش یافت آقای دکتراقبال در مراسمی که بهمین مناسبت برپا شده بود توضیحاتی‌راجع به‌تاسیس این پالایشگاه که با مدد و مشارکت شرکت ملی نفت ایران ساخته شده است دادند. اقای دکتر اقبال در پایان نطق خود چنین گفتند:

«... لازم میدانم صمیمانه از دولت هند، وزارت نفت وپتروشیمی ومعادن‌و حکومت ایالت مدرس برای همکاری هائیکه جهت توفیق این‌پروژه بعمل آورده‌اند تشکر نموده‌از همه جهت افرادیکه در این طرح نقشی داشته‌اند واکنون دراینجا حضور ندارند و بخصوص از وزرا و معاونین سابق وزارت نفت وپتروشیمی وهمچنین مدیران شرکت آموکواینديا و همکاران خود یادآوری نموده از کوششهای مجدانه آنان ستایش بعمل آورم.»

در مراسم افتتاح پالایشگاه مذکور اقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورایملی نیز در معیت آقای دکتر اقبال شرکت داشتند.

ذخایر جدید نفتی

● آخرین مرحله حفاری چاه نفت شماره یك کارون در منطقه بختیاری آغاز شده وبا پایان این مرحله یك منبع عظیم نفت در جنوب مورد بهره برداری قرار میگیرد.

چاه شماره یك کارون که در کنار رودخانه کارون و درمنطقه‌سکونت عشایربختیاری قرار دارد اکنون تاعمق بین ۷تا۸ هزارپائی زمین حفاری شده و حفاری این چاه‌مرحله نهائی خود را طی مینماید. علاوه برچاه شماره یك‌کارون شرکت اکتشاف و تولید نفت اکنون سرگرم فراهم ساختن مقدمات حفاری چاه دیگری در (کمر شاه) میباشد. کمر شاه نیز در حوالی دشت‌لالی قرار دارد. در آزمایشات‌زمین شناسی که بعمل آمده وجود نفت در این نقطه تائید شده است.

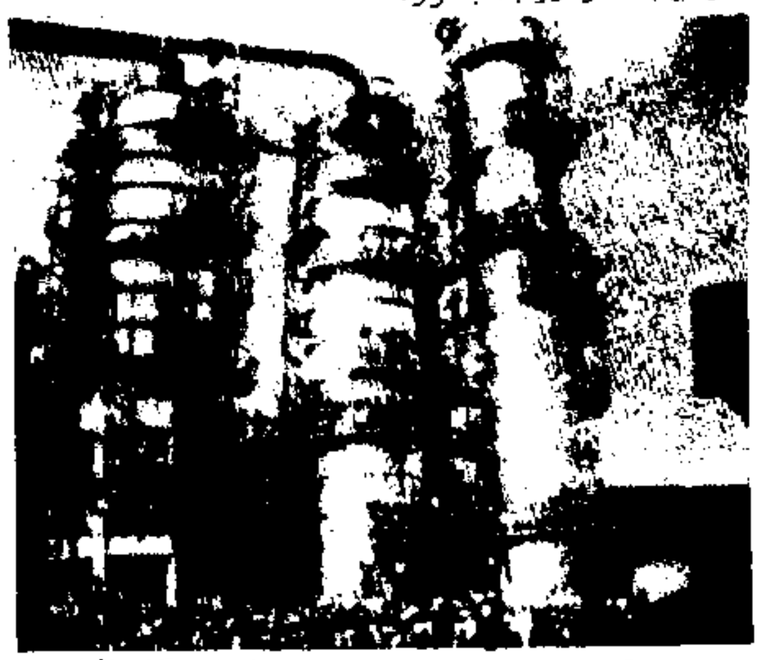

پالایشگاه مدرس که با سرمایه ونفت ایران بکار افتاده

کودکان

امتحان ورودی آموزشگاه

● امتحانات ورودی بیستمین دوره بهیاری آموزشگاه فرحناز پهلوی وابسته به انجمن ملی حمایت کودکان درمحل‌این‌آموزشگاه برگزار شد .

این آموزشگاه شبانه روزی است و مدت تحصیل درآن دو سال می‌باشد . فارغ ـ التحصیلان این آموزشگاه‌پس از گذراندن تعلیمات نظری و علمی فن بهیاری ، در موسسات تابع انجمن ملی حمایت کودکان، درمانگاهها، مهدهای کودك و بیمارستان های مختلف کشور مشغول‌کار خواهند شد .

سومین کنگره بیماریهای کودکان

● با پیام علیاحضرت شهبانو سومین کنگره بیماری های کودکان در مشهدگشایش یافت . این کنگره موارد بیماریهای کودکان را مورد بحث قرار داده و برای‌جلوگیری از ابتلای کودکان به بیماریهای مخصوص سنین اولیه توصیه هائی نمود .

مرکز نگاهداری کودکان

● ساختمان یك‌مرکزجدید برای نگهداری کودکان‌عقب مانده در «وردآورد» کرج آغاز شد این مرکز درزمینی به مساحت ۳۰ هزار مترمربع که قسمتی از آن به امر علیاحضرت شهبانو به انجمن ملی حمایت کودکان واگذار شده است باهزینه‌ای در حدود ۹۰ میلیون ریال و در مدت ۱۸ ماه ساخته میشود.

۳۶۰ نفر از کودکان میتوانند بطور جداگانه درآن تحت درمان یا آموزش لازم قرار گیرند .

درگذشت سید ضیاءالدین طباطبائی

● سید ضیاء الدین طباطبائی نخست وزیر اسبق و رجل سیاسی معروف ایران‌در شهریورماه درگذشت .

مرحوم سید ضیاءالدین جوانترین نخست وزیر بود . وی همچنین سالها خود مدیر و صاحب امتیاز نشریه های رعد و برق را اداره مینمود.

از طرف وزارت دربار و دولت مجالس ترحیمی بهمین مناسبت برگزار شد و جنازه آنمرحوم نیز طی تشریفات خاصی با حضور آقای نخست وزیر و روسای مجلسین و عده‌ای از رجال مملکت‌تشییع ودر جوار حضرت عبدالعظیم بخاك سپرده شد .

درگذشت آرتور پوپ

● «آرتور پوپ» ایران شناس بزرك و نامی در شیراز درگذشت .

جنازه آنمرحوم بنا به وصیت خود وی در اصفهان دفن شد . شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند که آرامگاه شایسته‌ای برای وی در محل مقبره او بنا شود .

تعاون

توصیه سمینار مدیران تعاونیهای اعتبار

● با شرکت ٦٠ نفر ازمدیران عامل واعضای هیئت مدیره شرکتهای تعاونی‌اعتباردرمهر ماه در محل موسسه عالی حسابداری سمیناری‌تشکیل شد .

در قطعنامه این سمینار که‌توسط سازمان مرکزی‌تعاون تشکیل یافته بود ضمن توجیه‌اصول و آرمانهای تعاونی گفته شده است : «باتوجه به‌اینکه سرمایه‌گذاری یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی است وپس‌اندازافراد جامعه از مهمترین عناصر تشکیل‌سرمایه‌و استفاده از منابع طبیعی و نیرو های انسانی می‌باشد ، مدیران تعاونی های اعتبار برای استقلال اقتصادی‌شرکتهای تعاونی بایدانتخاب طرق ایجاد رقابت دراعضای‌شرکت به پرانداز منظم و سرمایه گذاری در شرکت‌را جزء وظائف اصلی ودائمی برنامه‌کار خود قرار دهند.» جلسات این سمینار مدت پنج روز ادامه داشت .

موافقت‌نامه‌ها

همکاری ایران و آمریکا در زمینه اتم

● وزارت امور خارجه اعلام کرد موافقتنامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران‌و دولت ممالك متحده امریکا راجع به استفاده های غیر نظامی از انرژی اتمی از تاریخ دهم مرداد ماه جاری برابر با اول اوت ١٩٦٩ لازم‌الاجرا شده است .

این موافقتنامه در تاریخ ١٨ مارس ١٩٦٩ بوسیله نمایندگان مختار دو دولت‌در واشینگتن بامضاء رسید و تشریفات قانونی تصویب اصلاحیه موافقتنامه از طرف مقامات مقننه ایران و ایالات متحده امریکا انجام شد.

ارتش

عملیات نمایشی واحد تکاور

● عملیات‌ورزشی افراد نهمین دوره‌واحد تکاورگارد شاهنشاهی در پیشگاه‌شاهنشاه ووالاحضرت همایون‌ولایتعهد برگزار شد .

آئین یاد بود

● آئین یاد بود شهیدان نیروی‌دریائی شاهنشاهی‌ایران بمناسبت روز سوم شهریور در ستادفرماندهی نیروی دریائی برگزار شد .

همزمان با برگزاری این مراسم ، پرچم کلیه واحدهای نیروی دریائی در سراسر کشور بحال نیمه افراشته در آمد و برای شادی روان شهیدان یك دقیقه سکوت‌شد.

منابع طبیعی

بانك علوفه تاسیس نخواهد شد.

● وزارت منابع طبیعی ازتاسیس بانك علوفه صرفنظر کرد. قبلا براساس طرحی قرار بود بانك علوفه برای توسعه کشت علوفه، مرتعداری ودامداری بوجود آید ولی بعلت کمبود کادر متخصص بانکی وایجاد هزینه‌های زیاد وعدم استقبال شورای عالی پول واعتبار از تاسیس و افزایش بانکها طرح مذکور منتفی تلقی شد.

اعلامیه

دربار شاهنشاهی به مناسبت

حریق مسجد الاقصی

● ازطرف دربار شاهنشاهی درباره حادثه ناگوار بروز آتش سوزی در مسجدالاقصی واقع در اورشلیم اعلامیه‌ای به‌شرح زیر صادر شد :

«مسجدالاقصی قبله اول اسلام و مسلمانان که نبی‌اکرم صلوات‌الله و سلامه‌علیه به پیشوائی مسلمانان‌جهان بطرف آن نماز گذارد و بعبادت پرداخت و بعد از حرم مقدس خدا «کعبه» قبله دوم و زیارتگاه مردم جهان بوده و تربت متبرك رسولان خداست دچار آتش سوزی شده است. طبیعی است قلوب مسلمانان جهان جریحه‌دار است‌و همه مسلمان باتفاق در این سانحه داغدارند و به یقین به‌جبران آن اقدام خواهند کرد.

شاهنشاه آریامهر امر فرمودند از طرف ملت مسلمان ایران بجهانیان اعلام شود که شاه و ملت ایران مثل هر مسلمانی در جبران این حریق پیشقدم است و بسهم خویش هزینه تعمیرمسجدالاقصی قبله دوم مسلمانان را باافتخار بر دوش میگیرند.

وزارت امور خارجه ماموریت دارد که با دول اسلامی برای تعمیر مسجد ـ الاقصی تماس بگیرد و از راه سازمان ملل متحد تسهیلات لازم را برای این کار فراهم آورد.

وزیر دربار شاهنشاهی ـ اسداله علم

راه‌وراه‌آهن

ساختمان ٤ پل جدید

● وزارت راه قرارداد ٤ پل و تجدید ساختمان‌چندین پل بزرك و کوچك را با پیمانکار مبادله کرد.

این‌پلها درمناطق‌آذربایجان غربی ، همدان ، شاهرود ، قزوین ، و راههای سنندج ، سقز و بانه ساخته میشود .

رفت وآمد قطاربین ایران‌و ترکیه

● نصب قطعات فلزی دهانه های دو طرف پل بزرك دره قطور پایان یافت ونصب دهانه اصلی بطول ٢٢٣ متر تاآخر سال‌جاری خاتمه‌خواهد پذیرفت .

این پل ٤٥٠ متر طول دارد و راه آهن ایران را به ترکیه متصل میکند .

همچنین یکصد و نود و پنج کیلومتر از ٢٢٤ کیلومتر فاصله تبریز تا مرز ترکیه زیر سازی شده است و ریل گذاری ١٧٣ کیلومترآن نیز ـتا محل پل قطورـ پایان پذیرفته است .

در این مسیر ١٠ کیلومتر تونل ـ ١١٢٠ پل بزرك و کوچك ـ صدهاآب‌رو وبیش از هفت میلیون و ٧٠ هزار متر مکعب خاکبرداری ، خاکریزی و بنائی انجام شده است .

پیش‌بینی‌وزارت راه اینست که رفت وآمد قطار های‌باری ومسافری بین ایران و ترکیه از نیمه دوم سال آینده آغاز خواهد شد .

کشاورزی

مروجین برگزیده

● به مروجین کشاورزی برگزیده بورس و کمك هزینه تحصیلی اعطا میشود .

● مروجین کشاورزی بر گزیده که دوره اموزشگاه عالی کشاورزی همدان‌شرکت جسته وموفق به گذرانیدن این دوره شوند بعنوان‌تکنسین درجه یك به‌استخدام وزارت کشاورزی درخواهندامد .

برای تشویق مروجان کشاورزی که در سطح روستا های کشوربه خدمت کشاورزی اشتغال دارند و نیز بمنظور بالابردن درجه‌معلومات ومهلت های مورد نیاز انها وزارت کشاورزی تصمیم گرفته است به تعدادی ازآنان که‌خدمات‌شان مورد رضایت باشد ، بورس وکمك هزینه تحصیلی اعطا نماید تا در آموزشگاه مزبور به‌ادامه تحصیل‌بپردازند

درسال تحصیلی جاری‌به پنج نفر از این عده بورس مزبور داده شده است .

کلاس آموزش دفع‌آفات

● پانزده کلاس آموزش دفع آفات در فارس تشکیل گردید . این کلاسها جهت راهنمائی و ارشاد روستائیان در دفع آفات نباتی توسط اداره کل کشاورزی ترتیب یافت .

مبارزه با ملخ وموش‌صحرائی

● در سطحی معادل ٣٠٠ هکتار با ملخ بومی وایتالیائی ومراکشی ونیز در متجاوزاز ٧٠٠ هکتار باموش صحرائی مبارزه گردید .

این عملیات توسط اداره کشاورزی فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری انجام شد . عملیات دیگر انجام شده در این فرمانداریکل عبارت بود از مبارزه با آفات‌مختلف در روی ٤٦ هزار اصله درخت میوه ، در سطح ١٦٠ هکتار سیفی کاری و در مساحت ٣٠٠ هکتار مزارع علوفه .

مبارزه هوائی علیه آفت پنبه

● در گرگان در منطقه‌ای حدود ١٥٠ هزار هکتار از اراضی علیه آفات پنبه مبارزه بعمل‌آمد .

این عملیات‌توسط ١٧فروند هواپیما های کشاورزی‌انجام یافت .

پرداخت وام کشاورزی

● سخنگوی وزارت کشاورزی اطلاع داد که به منظور اجرای طرح دانه‌های روغنی دراستان آذربایجان غربی بیش از ٨ ملیون و ٦٠ هزارریال به پیمانکاران این طرح وام پرداخت شد.

این مبلغ در اختیار ٢٢٨٦ نفر روستائی و پنج شرکت تعاونی مناطق مهاباد ـ نقده ـ پیرانشهرـ اشنویه ـ میاندوآب وبوکان قرار گرفت .

دفع آفات و سمپاشی بوسیله ٢٧ هواپیما

● ٢٧ فروند هواپیماهای سمپاشی ماموریت های دفع آفات نباتی رادرسراسر کشور ادامه میدهند .

این هواپیماها در مناطق گرگان ،گنبدکاوس،مازندران فارس وچند نقطه دیگرفعالیت دارند .

کشور

بورس برای بخشداران

● هشت‌نفر از بخشداران استفاده کننده از بورس به کشور فرانسه عزیمت کردند . این عده ١٤ ماه در فرانسه خواهند بود .

تبدیل بخش به شهرستان

● اداره‌تقسیمات کشوری اعلام داشت :هر گونه‌پیشنهاد تبدیل بخش به شهرستان ، پس‌از رسیدگی بوضعیت تقسیمات استانها و تصویب نهائی طرح تقسیمات کشوری انجام خواهد گرفت .

تهیه و تدوین‌طرح جامع تقسیمات کشوری طی قرارـ دادی که بین وزارت کشور با سازمان‌برنامه منعقدگردیده است‌ظرف مدت پانزده ماه از تاریخ اول مهر ماه١٣٤٧ با همکاری متخصصین سازمان برنامه‌و کارشناسان وزارت کشور تنظیم خواهد گردید .

انتصابات جدید

● بدستور وزیر کشور این انتصابات صورت گرفت.

آقای عبدالوند بعضویت هیئت مدیره اتحادیه‌شهرداری ها ، آقای عباس ظریف به سرپرستی اداره کل تاسیسات و تدارکات ، آقای فریدون برومند به‌سرپرستی‌اداره کل سیاسی ، آقای محمدطباطبائی به مدیر کلی کارگزینی آقای رفاه سرابیان به‌ریاست نظارت منطقه شش و آقای عزت الله تیرانداز به مدیر کلی دفتر فنی .

پست

توسعه خدمات پستی

● سازمان برنامه برای اجرای طرحهای مربوط به پست و تلگراف و تلفن در طول برنامه چهارم ، اعتباری به مبلغ ٢٧٠ میلیون تومان تخصیص داده که با استفاده از همین محل ، وزارت‌پست و تلگراف در مقام توسعه کار خود برامده است .

در انجام این‌برنامه مرکز مکانیزه پستی تهران در ضلع جنوبی باغشاه در مجاورت چهار راه لشکر احداث میشود .

بموجب نقشه های اجرائی که تهیه شده مرکز پستی‌جدید ابتدا از یك طبقه تشکیل خواهد شد و بعد به سه طبقه خواهد رسید . گذشته از بنائی‌که اختصاص به امور اداری خواهد داشت .دوسالن بزرك در این مرکز بوجود خواهد آمد که یکهزار تا دو هزار متر مربع مساحت آن خواهد بود . سطح زیر بنای کل ساختمان در حدود ٥ تا ٧ هزار متر مربع درنظر گرفته شده و ساختمانی با چنین وسعت از هرجهت بنا به احتیاجات پستی تهران در ٢٠ سال آینده متناسب‌خواهد بود .

ظرفیت کار ماشین آلاتی که در این مرکز نصب می‌ـ شود یك تایك و نیم میلیون نامه و بسته پستی در روز است .

مرکز مکانیزه مبادلات پستی کشور

● نقشه‌های اجرائی‌مربوط به ساختمان مرکز مبادلات پستی تهران که موردمطالعه نهائی مهندسان وزارت پست و تلگراف قرار گرفته بود، برای انجام آماده گردید .

باپیاده شدن این‌نقشه عملیات ساختمانی مرکز مبادلات‌پستی کشور که تجزیه و تفکیك مراسلات را با ماشین و به طریق مکانیزه صورت‌میدهد بزودی آغاز خواهد شد .

ساختمان در مدتی کمتراز ٣٦ ماه به پایان خواهدرسید و درضمن آن ، نصب ماشین آلات و تجهیزات نیز به وسیله کارشناسان خارجی و ایرانی انجام خواهد گرفت. دراجرای مکانیزه کردن امور پستی گروهی از کارشناسان بلژیکی‌وانگلیسی که‌دراین‌رشته تخصص دارند ، از چندی پیش در تهران بسر میبرند و در بارهطرح ایجاد یك سیستم مکانیزه در مبادلات پستی کشور ، با کارشناسان ایرانی مشغول مطالعه وتبادل نظر هستند .

دفاتر جدید پستی

● دفتر پست و تلفن‌عباس آباد نهسوار و دفتر پست فارسیان از توابع شهر کرد به دفاتر پست و تلگراف و تلفن تبدیل شد . همچنین در بلده نور از توابع‌شهرستان آمل ونیز دو روستا از توابع شهرستانهای قزوین و ایلام و یك روستا دراستان آذربایجان شرقی نیز دفاتر پستی تاسیس و آغاز بکار نمود.

دادگستری

چهار هیئت بازرسی

● چهار هیئت بازرسی به سرپرستی قضات دیوانعالی کشوررهسپار استانهای‌اصفهان خوزستان ـ کرمان و کرمانشاهان شدند .

هیئت های مذکور دراین ماموریت نحوه فعالیت‌ادارات دادگستری و ثبت را مورد رسیدگی قرار دادند .

«گرم» به جای «مثقال»

● از روز اول مهر ماه برای وزن کردن طلا واحد وزن «گرم» جانشین اوزان قدیمی گردید.

زیرچاپ :

روز ملل متحد روز اول آبان با پیام شاهنشاه آریامهر در تالار ابن‌سینای دانشکده پزشکی دانشگاه تهران جشن گرفته شد .

آقای هویدا نخست وزیر پیام شاهنشاه را باین شرح قرائت کردند .

آغاز بیست و چهارمین سال تاسیس سازمان ملل متحد را بهمه ملل عضو این سازمان تبریك میگوئیم و صمیمانه خواستار استحکام و قوام‌روز افزون این سازمان بزرك جهانی هستیم .

در طول قریب یك ربع قرن سازمان ملل متحد با آزمایشهای دشواری مواجه شده و بحران های فراوانی را پشت سر گذاشته است که شاید در گذشته هریك ازآنها برای متلاشی کردن سازمان یا اتحادیه‌ای کافی بود ،ولی سازمان ملل متحد توانست‌از همه این آزمایشها بسلامت بیرون آید زیرا کشور های عضو این‌سازمان‌حتی آنهائیکه با اقدامات یکطرفه خود حیثیت و نفوذ کلام جهانی این سازمان را بمخاطره می افکنند بخوبی‌احساس میکنند که وجود چنین سازمانی که هیچ‌چیز بهتری نمیتوان در جای آن گذاشت برای همه جوامع بشری در عصری که وابستگی سرنوشت ملل بیکدیگر روز بروز زیادتر میشودبچه‌اندازه اهمیت‌دارد.

بیست و چهار سال پیش که ایران باتفاق عده‌ای دیگر از کشور ها این سازمان را پایه‌گذاری کرد تعداد اعضای سازمان ملل متحد در حدود پنجاه کشور بود در حالیکه امروز این رقم به ۱۲۶ کشور بالغ شده است زیرا دوران رشد سازمان‌ملل متحدهمزمان با دوران افول استعمار و پیدایش دول تازه استقلال یافته بوده است و این خود از بزرگترین افتخارات این سازمان است . البته هنوز استعمار آنچنانکه آرزوی‌همه مردم نیك اندیش جهان است بکلی از روی زمین ریشه‌کن نشده است و تبعیضات نژادی نیز که از بدترین یادگار های طرز فکر استعماری‌است علیرغم مبارزات پیگیر سازمان ملل متحد در برخی از نقاط جهان حکمفرماست ولی شاید یکی از مهمترین شایستگی سازمان ملل متحد همین باشد که با جلب توجه دائم جهانیان بدین شرایط غیرعادلانه افکار عمومی را در تمام گیتی در مقیاسی وسیع بسیج کرده است که خواه ناخواه در جریان‌وقایع و تحولات آینده موثرخواهد بود . بدیهی است این‌سازمان بزرك بین‌المللی دوشادوش موفقیت های خود با ناکامی های بسیار نیز مواجه بوده و هست و ما با کمال تاسف بار ها شاهد عدم توانائی آن در عملی کردن توصیه ها و قطعنامه های خود بوده‌ایم ولی بی‌انصافی است اگر بخواهیم خود این سازمان‌را مسئول این ناکامیها بدانیم زیرا سازمان ملل متحدبتنهائی یك نیروی مادی مافوق‌قدرت ها نیست بلکه نیروی آن قدرتی معنوی است که از حسن نیت وهمکاری‌داوطلبانه ملل عضو آن بوجود می‌آید و بالطبع درهر مورد خود خواهیها و کوته بینی های کشور ها میتواند اجرای نظریات منطقی و واقع‌بینانه این سازمان را عقیم بگذارد.

کشور ماکه خوشبختانه در تمام مدت عمر سازمان ملل متحدهمواره پشتیبان‌تصمیمات و قطعنامه های آن بوده و هرگز در طریق تضعیف آن گام برنداشته‌است عقیده‌راسخ دارد که صلاح واقعی هیچ کشوری‌درجهان امروزکاستن از حیثیت و نفوذ جهانی این سازمان نیست ولو آنکه این کار مستلزم صرفنظر ازبرخی از خودخواهیها و اغراض‌ملی باشد زیرا اگر پای‌این قدرت معنوی بین‌المللی از میدان حل اختلافات کنار برود و اختیار این حل اختلافهافقط بزور وقدرت مادی سپرده شود هیچ تضمینی وجود ندارد که باقدرت مادی‌بالاتر نظریات خود را براساس‌همان خودخواهیها و اغراض ملی بدان کشور تحمیل نکند .

در تحلیل و تجزیه فعالیت های بیست و سه ساله سازمان ملل‌متحدمیتوانیم باخوشوقتی به نقش بزرك این سازمان در توسعه طرحها و همکاریهای اقتصادی ملل‌جهان اشاره کنیم که از مجرای برنامه های سازمان توسعه صنعتی وبرنامه های توسعه ملل متحد و کنفرانسهای بازرگانی بین ـ المللی و برنامه های تغذیه برای مردم گرسنه‌جهان انجام میگیرد و ما صمیمانه توفیق هرچه بیشتر این سازمان را دراجرای این برنامه ها خواستاریم .

همچنین آرزومندیم که کوششهای سازمان برای منع گسترش مسابقه تسلیحاتی دیر یا زود با موفقیت قرین گردد و با برطرف شدن این کابوس موحشی که برسراسر بشریت سنگینی میکند مبالغ سرسام آوری که امروزه صرف تهیه سلاحهای مخرب و نابود ـ کننده میشود در راه پیروزی جامعه انسانی درپیکار واقعی و اصلی بشریت یعنی پیکار با جهل و فقر و بیماری و گرسنگی بکار افتد .

در این فرصت لازم‌میدانیم بمناسبت پایان بیستمین سال فعالیت جمعیت ایرانی‌طرفدار ملل متحد مراتب خوشوقتی خود را از مساعی این‌جمعیت در ترویج و اشاعه اصول سازمان ملل متحد ابرازداریم و بار دیگر تاکید میکنیم که کشور ما به پیروی از سنن و اصول دیرینه فرهنك بشر دوستانه و انسانی‌خود همواره پشتیبان این سازمانی خواهد بودکه‌خودافتخار بنیانگزاری آنرا داشته است .

● آقای نخست وزیر پس از پایان قرائت پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز ملل متحد بیاناتی باین شرح ایراد کردند .

خواهران و برادران‌عزیزم

بیست و چهارمین سال تاسیس سازمان ملل متحد را بشما و همه مردم شیفته صلح جهان تبریك میگویم وتوفیق هدفها و آرمانهای بزرك‌آنرا از درگاه‌خداوند متعال‌مسئلت مینمایم .

سازمان ملل متحد در طول یك ربع قرن که از عمر آن میگذرد در راه ایجاد حسن تفاهم بین المللی و همکاری و تشریك مساعی اقتصادی‌ملت های جهان و جلوگیری از تبعیضات نژادی و مبارزه با فقر و جهل و بیماری‌کوشش های ارزنده‌ای بعمل آورده است که نتایج آن‌ازبسیاری لحاظ قابل تقدیر است . اگرچه تلاشها و کوششهای‌این سازمان در راه استقرار صلح جهانی و جلوگیری از جنك و خلع سلاح عمومی آنطور که آرزوی ملت های صلح دوست جهان بود به نتیجه نرسیده است وامروز باوجود اقدامات وقطعنامه های‌سازمان ملل متحدآتش جنك درقسمت هائی از جهان مشتعل‌میباشد ولی باید انتظار داشت که سرانجام کوششها ومجاهدات پیگیر سازمان ملل برای نیل باین هدف مقدس انسانی به نتیجه مطلوب نائل گردد .

یقین است که این منظور وقتی بدست خواهد آمد که همه کشور های عضو سازمان ملل با حسن نیت و علاقمندی کامل در راه افزایش قدرت معنوی این سازمان و تامین هدفهای آن گام بردارند . بهمین جهت کشور ایران پیوسته از تصمیمات وقطعنامه های سازمان ملل در تمام عمر این سازمان پشتیبانی نموده و منتهای کوشش خود را در راه حصول آرمانهای آن بعمل آورده است .

از خداوند میخواهیم که همه ملت های جهان را در راه حصول هدفهای صلح ـ جویانه سازمان ملل رهبری نماید و هرسالی که میگذرد توفیق های بیشتری برای این کانون خانوادگی ملتهای جهان حاصل گردد .

بودجه

دستور العمل تهیه و تنظیم بودجه سال ۱۳۴۹

● بودجه وزارتخانه های بهداری ،آموزش‌وپرورش آبادانی و مسکن و کشور در سال آینده منطقه‌ای خواهند بود .

● پیشنهادطرح برای‌مصارف تجملی در بودجه سال آینده پذیرفته نخواهد شد .

● آقای «هویدا» نخست وزیر طی‌بخشنامه‌ای به کلیه واحد های دولتی دستور تهیه و تنظیم بودجه سال ۱۳۴۹ را صادر نمود . در دستورالعمل این بخشنامه گفته شده است که در بودجه پیشنهادی برای سال آینده باید کلیه درآمد ها اعم از درآمد های عمومی ودرآمد های اختصاصی بطور دقیق برآورد شود و هزینه های‌مربوط به آن نیز بهمان دقت تنظیم و ارسال گردد .

براساس دستورالعمل مذکور بودجه‌سال ۱۳۴۹ باید با توجه به سه عامل «حفظ‌سطح‌بودجه با بودجه سال۱۳۴۸»، «توسعه عملیات» و «عملیات جدید» تنظیم گردد و هر یك از این قسمت ها باید جداگانه مورد بررسی وتشریح‌قرار گیرد .

در دستورالعمل گفته شده است که مجموع هزینه های جاری دولت در سال آینده نباید از پنج درصدبیشتر شود البته این میزان یك حد کلی است و برنامه ها بر حسب اولویت آن ممکن است دربعضی موارد از پنج در صد بیشتر یا کمتر گردد .

در دستور العمل توصیه گردیده از پیشنهاد هزینه برای مصارف تجملی موکداخود داری شود . بودجه‌وزارت خانه های آموزش و پرورش ،آبادانی و مسکن ،بهداری و کشور در سال آینده نیز منطقه‌ای خواهد بود .

همچنین اعتبارات عمرانی‌درسال ۱۳۴۹ منحصرا برای عملیات ساختمانی ، تاسیساتی بمصرف خواهد رسید .

صادرات وواردات

۸۰ میلیون ریال افزایش

● در ۱۵روز اول‌شهریور ماه امسال ۴۹ هزار و ۹۰۰ تن‌کالا به ارزش ۵۶۵ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال از ایران صادر شد .

این ارقام از نظر وزن۱۹ هزار و ۲۳۸ تن و از نظر ارزش ۸۰ملیون و ۹۵۳هزار ریال ازمیزان صادرات نیمه اول شهریورماه سال گذشته بیشتر است.

درهمین مدت‌واردات‌کشور از ۳ میلیارد ریال متجاوز بود .

دراین مدت صادرات‌فرش، خاویار ، کتیرا ،زیره ، پشم، ریشه شیرین بیان،و روغن نباتی تنزل کرد ولی صدور سایر کالا هافزونی یافت .

کاهش صدور خشکبار به هندوستان

● گفته میشود در صورتی که برای صدور خشکبار به هندوستان تصمیم تازه‌ای‌اتخاذ نشود میزان صادرات خشکبار کشوربه‌هندوستان درسال‌جاری کاهش خواهد یافت .

بموجب تصمیمات وزارت بهداری کشتیهای هندوستان نمیتوانند برای بار گیری وارد سواحل کشور گردند این تصمیم بمنظور جلوگیری ازشیوع وبااتخاذ شده است .

این جلو گیری درست مصادف با زمانی بود که کشتی های هندی بایدبرای حمل خشکبارایران واردبنادر کشور گردند .

۳۲ میلیون دلار فزونی

● بموجب طرحی که مرکز توسعه صادرات در دست‌اجرا دارد صادرات کشور در سال جاری حدود ۱۴درصد نسبت به سال قبل افزایش خواهد داشت .

سال گذشته جمع‌صادرات کشور در حدود ۲۱۸میلیون دلار بود و امسال پیش‌بینی میشود میزان صادرات به۲۵۰ میلیون دلار خواهد رسید .

صنایع غذائی

تولید شیر خشك

● قرارداد ساختمان یك کارخانه تولیدشیر «استپیك» بین شرکت صنایع شیر ایران ویك شرکت دانمارکی به امضاء رسید.

شیر «استپیك» در قوطی های یك چهارم لیتری عرضه خواهدشد واین قوطی‌ها که ازمقوا و آلومینیوم ساخته شده میتواند محتویات خود را در هوای آزاد تا ۳۶ روز نگهداری کند اهمیت آن بیشتر از این جهت است که خانواده های بدون یخچال میتوانند باخیال راحت‌از این نوع شیر استفاده کنند. این کارخانه روزی چهار هزار قوطی شیر کاکائوئی وشیر معمولی تهیه میکند و بهره برداری از آن تاپایان امسال آغاز خواهد شد.

گاز

● بقرار اطلاع شرکت ملی گاز که طبق مقررات ، نحوه توزیع گاز شرکتهای خصوصی را کنترل میکند در نظر دارد ازکار وفعالیت شرکتهائی‌که فاقد وسائل ایمنی‌لازم‌ومدرن بوده‌نحوه‌ی کارشان غیر فنی است جلوگیری بعمل آورد .

دامپزشکی

مبارزه مجدد با «طاعون گاوی»

● بقرار اطلاع وزارت کشاورزی ، واکسیناسیون برضد بیماری طاعون گاوی در سراسر کشور پایان‌پذیرفته و در حال حاضر در هیچیك از نقاط کشور کانون بیماری مشاهده نمیشود لیکن برای آنکه مقاومت دامهای کشور بطور کلی در برابر بیماری های خطرناك «طاعون‌گاوی» زیادتر شود موسسه رازی‌اقدام به تهیه واکسن بیماری مزبور نموده است . تزریق این واکسنها مقاومت‌چهار ساله‌ای در حیوان واکسینه شده در برابر طاعون گاوی ایجاد مینماید.

گمرکات

تغییرات‌تازه در گمرکات‌غرب

● وزارت‌دارائی اعلام داشت که از اول‌مهر ماه‌امسال اداره گمرك خسروی‌و دفاتر گمرکی کردستان و کرمانشاهان بطور مستقل‌وزیر نظر اداره کل گمرك انجام وظیفه‌خود را آغاز نمودند.

بموجب این تغییرات‌اداره گمرك غرب منحل و بجای آن دفتر مستقل گمرکی کرمانشاهان‌شامل دفتر گمرکی پاوه و پاسگاه گمرك شوش تاسیس گردید . هم چنین اداره گمرك خسروی بطور مستقل زیر نظر اداره کل گمرك اداره میشود و دفاتر گمرکی قصر شیرین و مهران تابع آن خواهند بود .

بخش گمرکی سنندج نیز به‌دفتر گمرکی کردستان‌تبدیل شد و دفاتر گمرکی مریوان، سقز و بانه تابع آن‌گردیدند .

اصلاحات‌ارضی

واگذاری شالیزار

● سخنگوی وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی گزارش داد که در مرداد ماه ۵۵۰ هکتارشالیزار مازاد برسی هکتار دراستان های گیلان و مازندران از طرف این وزارتخانه‌خریداری و به زارعین صاحب نسق تحویل داده شده است .

یك‌میلیون وسیصدهزار عضو با بیش از یك میلیارد و نیم ریال سرمایه .

● سخنگوی وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی گفت در چهار ماه اول امسال ۲۵ هزار و ۲۰۰ نفر دیگر ازکشاورزان سراسر کشور درشرکت‌های تعاون روستائی عضویت یافته‌اند و ۶۹ میلیون و ۶۹۵ هزار و ۶۰۰ ریال بر میزان سرمایه این شرکت ها افزوده شده است . تا پایان تیر ماه سال جاری جمعا هشت هزار و پانصد و نود و پنج شرکت تعاون روستائی با عضویت یك میلیون و سیصد و سه هزار و پانصد و هشتاد و نه نفر کشاورز با سرمایه یك میلیارد و ۷۱۷ میلیون و ۵۲۳ هزار ریال در روستاهای مملکت تشکیل شده و به فعالیت پرداخته‌اند.

مروجان خانه داری

● باراهنمائی مروجان خانه داری در ماه گذشته این اقدامات در سطح‌روستاها در استانها و فرمانداریهای‌کل بعمل آمد :

در فرمانداریکل همدان احداث ٤ واحد مسکونی‌جدید ایجاد ۳ کلاس پیکار با بیسوادی با شرکت ۳۶ نفر نوآموز بزرگسال و تشکیل ۲۱۳جلسه ترویجی که درآن زنان‌روستائی باآشپزی ، تهیه پوشاك ،ورعایت اصول‌بهداشت کودك و خانواده آشنائی یافتند .

تولیدات

خرید یك سردخانه مخصوص گوشت

● قرارداد خرید ماشین های سردخانه ۳ هزار تنی تهران بین وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی و یك شرکت استرالیائی امضاء و مبادله شد . این سردخانه مخصوص نگهداری گوشت است و در سعیدآباد شهریار نصب خواهد شد تجهیزات‌این سردخانه تا آخر سال جاری بوسیله وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی نصب خواهد شد .

ساختمان ۱٦ کشتارگاه

● کارهای ساختمانی۱٦ کشتارگاه در استانهای‌فارس، آذربایجان شرقی و غربی ، گیلان ، کرمان ، خراسان ، استان مرکزی وفرمانداریهای کل سمنان و لرستان بزودی آغاز خواهد شد .

این‌کشتارگاهها از محل اعتبارات عمرانی سازمان برنامه و کمك شهرداری‌های محل ساخته میشود .

چهل‌هزار تن‌افزایش محصول برنج

● **تولید امسال برنج شمال فزونی یافته است .**

● **قیمت برنج ۸ درصد ارزان شد .**

● آمار منتشره بانك مرکزی‌ومقایسه نرخ‌محصولات سه‌ماهه اول سال جاری با سال گذشته نشان میدهد که بهای برنج در بهار امسال نسبت به سال قبل بیش از صدی هشت ارزان شده است. گفته میشود که طرح افزایش برنج سبب فزونی محصول و همچنین ارزانی قیمت آن گردیده‌است. سال‌گذشته‌اجرای طرح برنج در سی هزار هکتار از سیصد هزار هکتار شالیزار های شمال اجراشد و در نتیجه چهل هزار تن به‌محصول برنج مناطق فوق‌الذکر اضافه گردید .

وسعت طرح افزایش تولید برنج در سال جاری به دو برابر یعنی از سی هزار هکتار به شصت هزار هکتار گسترش داده شد .

سفر به شوروی

● یازده تن از کارگران سیلوهای تهران و شهرستانها به سرپرستی معاون سازمان‌غله کشور برای یك کار آموزی سه ماهه به شوروی رفتند .

هزینه رفت و آمد این‌عده از اعتبار طرح سیلوهاتامین شده و مخارج تحصیل آنان برعهده دولت شوروی است.

این افراد در پایان دوره کار آموزی و بازگشت از شوروی ، مدیریت فنی‌سیلو های یازده‌گانه کشور را که اخیرا تحویل شده برعهده خواهند گرفت .

سفر حج

حذف تشریفات سفر حج

● تشریفات زائد سفر حج از طرف وزارت کشور حذف شده و براین اساس کمیسیونهای حج در فرمانداریهای سراسر کشور منحل شدند .

براساس برنامه تازه ، بی‌آنکه زائران شخصا بدنبال تشریفات سفر بروند کارها و اقدامات لازم بطور منظم انجام میشود .

استخدام

طرح خدمت نظام مشمولان متخصص

● بمنظور استفاده از کار متخصصین برجسته درسازمان های دولتی و واحد های بزرگی چون ذوب‌آهن وسایر دستگاههای دولتی ، طرح ۲٤ هفته خدمت در مورد مشمولان استخدام شده درکلیه سازمانهای دولتی تعمیم یافت .

سابق براین فقط مشمولان لیسانسیه وبالاتر که درشرکت نفت ، دانشگاهها و مدارس عالی استخدام میشدند ازاین طرح استفاده میکردند .

تشخیص تخصص ورسیدگی به ضرورت وتقاضاهای‌سازمان های دولتی در زمینه استخدام مشمول متخصص وسیله یك کمسیون خاص که در نخست وزیری تشکیل میشود انجام خواهد پذیرفت .

جشن

بیست‌و نهمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر

● آغاز بیست و نهمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر ازطرف مردم‌تهران‌وشهرستانها جشن گرفته شد . این جشنها در روز وشب ۲۵ شهریور در سراسر کشور ترتیب یافت و قاطبه مردم درآن شرکت داشتند .

تبریك

سالروز جشن ملی عربستان

●شاهنشاه آریا مهر طی پیامی سالروز جشن ملی عربستان سعودی را به اعلیحضرت پادشاه آن‌کشور تبریك گفتند .

متن پیام شاهنشاه به این شرح است .

اعلیحضرت ملك فیصل‌بن عبدالعزیزال سعود ــ پادشاه عربستان سعودی ــ ریاض .

برای من موجب کمال خوشوقتی است که بمناسبت سالروز فرخنده جشن ملی کشور برادر عربستان سعودی صمیمانه ترین شاد باشهای‌خود را بآن برادر گرامی ابراز دارم. تندرستی و شادکامی شخص آن اعلیحضرت ورفاه و سعادت روز افزون ملت نجیب عربستان سعودی را از صمیم قلب آرزومندم .

محمد رضا پهلوی.

●از طرف وزارت دربار این اعلامیه صادر شد :

وزیر دربار شاهنشاهی با کمال مسرت باطلاع عموم میرساند که تحت توجهات الهی علیاحضرت شهبانوی ایران در انتظار نوزادجدیدی هستند .

بدیهی است بدین مناسبت شرکت علیاحضرت شهبانو دربرنامه های سنگین وخسته کننده امکان پذیر نخواهد بود .

وزیر دربار شاهنشاهی
اسداله علم

اوقاف

مسابقه قرائت قرآن

● سازمان اوقاف اعلام داشت که دو تن از قاریان ممتاز قرآن را برای شرکت در مسابقه قرائت قرآن که در یکی از کشور های اسلامی ترتیب خواهد یافت اعزام میدارد منتخبین از میان داوطلبانی که آمادگی خودرا برای شرکت درمسابقه مذکور کتبا به سازمان اوقاف‌اعلام دارند، طی مسابقه‌ای انتخاب خواهند شد .

حمل ضریح به کاشان

● ضریح مرقد سلطان‌علی فرزند بلافصل امام پنجم شیعیان از قم به کاشان حمل شد و در نزدیکی این شهر فرماندار ، مسئولان سازمان های اداری روحانیون و هزاران تن از مردم کاشان از کاروان حامل ضریح استقبال کردند .

این ضریح ازمحل نذورات مردم کاشان و فین و سایر نقاط به دست هنرمندان اصفهانی ساخته شده است .

کمك شورای کلیساها

● دبیر شورای کلیساهای ایران باتفاق هیئتی از نمایندگان شورای جهانی کلیساها با مدیر عالی‌جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران‌در تهران ملاقات کرد و چکی به مبلغ ۱۱۰ هزار دلار در اختیار وی گذارد .

این مبلغ قسمتی از اعانات جمع آوری‌شده شورای‌مذکور است که برای کمك به زلزله‌زدگان خراسان‌اختصاص یافته و بمصرف ساختمان بیمارستان ۵۰ تختخوابی‌شهر فردوس خواهد رسید .

فعالیتهای‌حزبی

● روز چهار شنبه‌نوزدهم شهریور ماه دومین کنگره فوق‌العاده حزب ایران نوین جهت انتخاب دبیرکل جدید تشکیل شد وپس از بررسی و مذاکرات مفصل آقای‌منوچهر کلالی تئوریسین حزب‌بسمت دبیر کل حزب ایران نوین برگزیده شد .

شهربانی

تسهیلات جدید برای‌متقاضیان دریافت گواهینامه رانندگی

● شهربانی کل کشور تسهیلاتی برای انجام کار متقاضیان دریافت گواهینامه رانندگی بعمل آورد که‌موارد آنرا طی اطلاعیه‌ای به اطلاع عموم رسانید . مواردتسهیل که شهربانی برای‌داوطلبان متحان رانندگی‌قائل شدبدین شرح بود :

۱ــ کسانی که در آزمایش آئین‌نامه شرکت و قبول‌شوند و درسایر موارد مردودگردند آزمایش آئین نامه آنان‌مدت یکسال اعتبار خواهد داشت و میتوانند با اخذ نوبت‌قبلی نسبت به آزمایش های بعدی اقدام نمایند .

۲ ــ درمورد آزمایش‌پایه یکم متقاضیان میتوانند از کامیونهای بظرفیت از دوتن ببالا و یا اتوبوس بمیل‌خود انتخاب و همراه آورده ودر آزمایشات مربوطه شرکت نمایند بشرطی که مدل آن تا پنج مدل پائین تر از آخرین مدل سال نباشد .

جلوگیری از کار اتومبیلهای دیزلی که احتیاج به تعمیر دارند

● «چون نقص‌فنی بعضی از اتومبیلهای دیزلی با ایجاد دودباعث‌آلودگی هوای تهران گردیده و سلامت‌اهالی پایتخت را بخطر میاندازد لذا شهربانی استان مرکز بمنظور تامین سلامت مردم از دارندگان و رانندگان اینگونه وسائط نقلیه انتظار دارد ظرف‌مدت یك‌هفته‌نسبت به‌رفع نقص و جلوگیری از دوداتومبیل خود اقدام نمایند بدیهی است بمامورین انتظامی دستور داده شد پس از انقضای مهلت مقرره از تردد این قبیل وسائط نقلیه جلوگیری ورانندگان‌مربوطه را شدیدا تحت تعقیب‌قانونی قرار دهند.»

متن فوق طی اطلاعیه‌ای از طرف شهربانی استان مرکز به اطلاع مردم و دارندگان اتومبیلهای دیزلی رسانده‌شد.

جلو گیری از عبوربارکشهای شهری

● شهربانی استان مرکز بمنظور جلوگیری از ایجاد اخلال در نظم عبور ومرور ، تردد بارکشهای سه چرخه موتوری و وانت های چهار چرخ را بهر عنوان از ساعت ۱۰ بامداد تا ۱٤ واز ۱۷تا۲۱ در خیابان های سعدی شمالی و جنوبی ، فردوسی شمالی‌و جنوبی ، لاله‌زار و اسلامبول ممنوع نمود .

بررسی آمار تصادفات سال ۱۳٤۷ تهران

● بررسی آمار تصادفات سال ۱۳٤۷ در تهران نشان میدهد که‌اکثر تصادفات‌منجر به قتل‌و جرح شدید بعلت تخلف (عدم رعایت حق‌تقدم عبور و تجاوز به چپ) بوده است .

پایان کنفرانس سران کشورهای اسلامی در رباط

ایران در مطبوعات جهان

کمك ایران به افغانستان در مبارزه با بیسوادی

کاروان نشریه چاپ کابل دریکی از سرمقاله‌های اخیر خود می‌نویسد :

● ایران از همکاری با افغانستان در زمینه مبارزه با بیسوادی درآن‌کشوربایددریغ نکند « کاروان » در مقاله خود مینویسد همسایه ما ایران در کار مبارزه با بیسوادی تجربیات گرانبهائی بدست آورده است و سپاهیان دانش در نقاط دوردست این کشور فعالیت کم نظیری دارند . اینطور که پیش میرود می توان با قطعیت پیش بینی کرد که تا چند سال بعد بیسوادی از کشور همسایه ما رخت برخواهد بست و اینك این پرسش برای ماپیش می آید که آیا ایجاد یك سپاه‌دانش کوچك درافغانستان با همکاری ایران و موسسات فرهنگی‌بین‌المللی امکان‌پذیر نیست ؟

روابطمیان ایران‌ومراکش

● «عبدالسلام‌الوسرفینی» در مقاله‌ای که در روزنامه «الانبیاء» چاپ مراکش‌نوشته ضمن شرح‌خاطرات سفرخودبه ایران می نویسد :

مدت ده روزی راکه من در ایران گذراندم برای آشنا شدن با این کشور بزرك و پهناور کافی نبود . فعالیت های دامنه‌دار و پروژه ها و نهضت های همه جانبه‌ای که در این کشور بچشم میخورد بیش از آن است که بتوان در یك دیدار کوتاه مدت از این امپراطوری پهناور منعکس ساخت .

آنچه که من در ایران از حیث تشابه اخلاقی میان‌افراد ملت‌ایران‌ومغرب ازنظر عادات ورسوم آنان یافتم دلیل این میدانم که میان این دو ملت برادر ریشه های عمیق برقرار است که هر دیدار کننده مراکشی از ایران به عمق‌آن پی خواهد برد . در واقع من با تمام کسانی که درایران گفتگو کردم علاقمند بودند روابط برادری استوار برقرار میان ایران و مراکش بیش از پیش تحکیم یابد .

«بسهولت به کمی افراد مورد نیاز در ایران می توان پی برد»

● «پیتر اسمیت»نویسنده مجله میدایست چاپ امریکا در مقاله‌ای که در باره ایران نوشته چنین‌اظهار نظر کرده است :

شهر تهران و حومه آن بسرعت بیك‌مرکز تجارت بین المللی مبدل میگردد . ایران کشوری است مسلمان ولی غیر عرب که توانسته است خود را از مخاصمه‌ای که قسمت اعظم وقت ، انرژی و منابع کشور های عربی را بهدرمیدهدکنار نگاهدارد و در نتیجه با سرعت تمام برنامه های عمرانی خود را بمرحله عمل در آورد . بنا‌ براین ثبات سیاسی همراه با موقعیت جغرافیائی مناسب باعث جلب سرمایه های اروپائی ـ آمریکائی گردیده است .

دولت ایران با اعطای معافیتهای مالیاتی تشکیل و تاسیس شرکتها وکارخانجاتی را که مالکیت آن ها مشترکا دراختیار کمپانیهای خصوصی ایرانی و یا دولت ایران با سرمایه گذاران بین المللی باشد تشویق مینماید .

از آنجا که‌ایران روزبروز بجانب استقلال اقتصادی گام بر میدارد کمیت و کیفیت افراد تحصیلکرده باید بعنوان یك عامل مهم و پشتیبان از این سیاست مورد توجه قرار گیرد . با توجه به هفتاد در صد بیسوادی در ایران به سهولت میتوان به قلت افراد مورد نیاز در آن کشور پی برد . تعداد فارغ التحصیلان از ۹ دانشگاه ایران برای رفع نیازمندیهای یك کشور ۲۶٫۵ میلیونی بهیچوجه‌کافی نیست .

بنابراین گو اینکه بعلت محدودیت دانشگاههای ایران تحصیل در خارج برای دانشجویان ایرانی و رفع احتیاج کشور ضروری است ولی این دانشجویان بایدبرای خدمت به ایران مراجعت نمایند . امید میرود که در آینده نزدیك کارمندان تعلیم دیده و واجد شرایط جای افراد غیرشایسته را بگیرند . «بهمین جهت دولت و بخش خصوصی برای جلب‌افرادتحصیل کرده‌مشغول اقداماتی هستندکه شایسته‌است از آنها ذکری بشود . فی ـ المثل سازمان برنامه متوجه شده است که برنامه ها و موسسات عالیه فرهنگی کشور احتیاج به تقویت دارند . این اقدام مالا لزوم تحصیل دانشجویان ایرانی‌را درخارج از کشور از میان خواهد برد.سازمان برنامه‌متخصصینی را که در رشته های مختلف بآنان احتیاج خواهد بود مشخص نموده است ولی در آینده کشور به متخصصین بیشتری نیازمند خواهد بود .

باید ایران امروزی را با ایران ده سال و حتی ۸یا ٤ سال پیش مقایسه کرد .

● «فیلیپ گرونی » نویسنده روزنامه «پیرماسنر تا یتونك» چاپ آلمان که چندی قبل از ایران دیدن نموده طی مقاله‌ای پیرامون مشاهدات خود در ایران‌نوشته است :

پیشرفتهای صنعتی ایران‌را نباید از دریچه چشم یك اروپائی مورد مطالعه قرار داد و آنرا با پیشرفتهای صنعتی کشور های اروپائی‌یا آلمان مقایسه کرد . بلکه‌برای سنجش این‌ترقیات بایدمقیاس دیگری بکار برد . باید ایران امروزی را با ایران ده سال قبل و حتی هشت یا چهار سال قبل مقایسه کرد و اینجاست که در می‌یابیم این کشور یکسه ره صد ساله پیموده است و با جهشی چشمگیر خود را به ممالك مترقی جهان نزدیك ساخته است . باید توجه داشت که در گذشته زندگی مردم وضع بسامانی نداشت و با وجود اینکه زمینهای زراعتی‌بسیاری در ایران وجود داشت ۲۰ میلیون جمعیت آن در شرایط نا مساعدی زندگی میکردند و در کوچه های شهر از برق خبری نبود و چراغ نفتی به اطراف روشنائی پخش‌میکرد. در ۳۰ سال پیش بیسوادی‌در ایران تقریبا صد در صد بود ولی امروزاوضاع تغییرکرده و انقلاب سفید شاهنشاه‌ایران سیمای زندگی این کشور را پیش از تقسیم اراضی می گفتند که این عمل بزیان ایران تمام خواهد شد حتی پاره‌ای از کشور های خارجی نیز چنین استنباطی میکردند، ولی در عمل دیده شد که برنامه اصلاحات ارضی نتایج درخشانی ببار آورد وبعنوان مثال در اندك مدتی کشور ایران جزو کشور های صادر کننده گندم درآمد .

جوانان و روشنفکران ایران در عملی نمودن برنامه انقلابی شاه عوامل موثری بوده‌اند .

جوانان تحصیلکرده‌مشمول خدمت سربازی پس از اخذ تعلیمات لازم بعنوان‌سپاهیان دانش و بهداشت و ترویج و آبادانی رهسپار روستا های ایران میشوند و تمامی هم خود را صرف خدمت بمردم میکنند. اکنون تقریبا درهر روستا یك سپاهی دانش یك سپاهی بهداشت و یك سپاهی ترویج و آبادانی وجود دارد .

وضع زندگی مردم روستا ها بکلی تغییر یافته ، از تعداد بیسوادان روز بروز کاسته میشود و در عوض تولید محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد.

ایران تصمیم دارد ظرفسی سال خود را به‌ممالك صنعتی فرانسه برساند .

● «واشنتن استار» نشریه آمریکائی در سرمقاله یکی از شماره های خود می‌نویسد : بی‌گفتگو عصر جدیدی در ایران آغاز گشته است . این کشور بی تردید درسال های آینده از نتایج اقداماتی که در گذشته صورت گرفته برخوردار خواهد شد .

ایران که یك کشوراسلامی واقع در خاور میانه است در اتخاذ روش سیاسی استقلال کاملی متناسب با افتخارات ملی خود اتخاذ نموده است. مستشاران آمریکائی هنگامیکه ایران را ترك میگفتند و برای آخرین بار به‌قله‌پوشیده ازبرف دماوند نظر میافکندند اماخود ودوستان ایرانیشان را این جدائی متاثر نبودند ، زیرا ایران توانسته بود برمشکلات گذشته پیروزشود. مملکتی که ده سال قبل در شمار کشور های عقب‌مانده بود ، اکنون بمرحله‌ای از ترقی و پیشرفت رسیده که تصمیم دارد ظرف ۳۰ سال، خود را به ممالك صنعتی غرب برساند .

ایران امروز گذشته سخت خود را پشت سر گذاشته وآینده‌ای بمراتب‌امیدبخش‌تر از سایر کشور های در حال توسعه در پیش دارد .

هدف ایرانیان نوسازی‌کشور است .

● مجله لیگوریا چاپ بندر جنوا در ایتالیا ضمن درج مقالاتی پیرامون ایران به توصیف صنایع ملی ایران و هنر قالی بافی و تاریخچه این هنر اصیل و سایر رشته های صنعتی کشور اعم از شیلات ، نفت ، برق ، صنایع معدنی و ساختمانی ، پارچه بافی ، شیشه سازی و غیره پرداخته خاطر نشان ساخته است که امروز کلیه شئون فعالیتهای صنعتی در ایران رو بتوسعه و کمال است . سپس نوشته است :

این شواهد و نشانه ها مدلل میدارد که دست‌تطاول هیچیك از مهاجمات وبحران های بیشمار تاریخی در طول حیات باستانی این کشور نتوانسته است به ارکان‌تمدن و اصالت این سرزمین کهن لطمه وارد سازد و بهمین‌علت این کشور استعداد نوسازی و پیشرفت سریع را از دست نداده است .

هدف و شعار عمومی ایرانیان نوسازی کشور است که ثبات سیاسی واجتماعی امکان تحقق این هدف را فراهم ساخته و این کشور به جلب سرمایه‌ای پراکنده در کشور های جهان اعم ازشرق و غرب توفیق فراوان یافته است ، چنانکه رومانی بزودی یك کارخانه تراکتور سازی، چکسلواکی‌یك کارخانه‌موتور دیزل ، امریکا یك کارخانه اتومبیل سازی ، شوروی یك کارخانه ذوب آهن در ایران تاسیس میکنند .

در ایران هنر معماری ـ موسیقی ـ خط و ادبیات و شعر اصالت دارد وایرانی در عین‌برخورداری ازاین‌مواهب از احساس صلح جوئی و انساندوستی بسیار بهره‌مند است و درجهت صلح ودوستی بدون ملاحظه نژاد و رنك پیش میرود و این همان‌اصلی است که پاپ در رساله «پیشرفت ملل» به آن اشاره نموده است ، زیرا مسائل و موضوعهائی که افراد بشر را از هم جدا میسازد خیلی بی اهمیت‌تر از مسائل وهدفهائی است که جوامع بشر را به یکدیگر پیوند میدهد .

ایران از سال ۱۹٦۳ باین طرف باندازه پنجاه سال‌اخیر آموزشگاه و دبستان ساخته است .

● دنیا چاپ ترکیه در یکی از مقاله های خود می‌نویسد: فرآورده های صنعتی ظرف سال گذشته به نسبت ۱۷ درصد افزایش یافته است و در آمد ملی ایران نیز همه ساله به نسبت ۹ درصدافزایش مییابد و این افزایش باتوجه به سایر کشور های جهان دارای اهمیت است .

شهر تهران اینك بصورت پایتختی مدرن در آمده است که دارای صد هزار وسیله نقلیه ، هتلهای نو ، تعداد زیادی تجارتخانه و مساکن مدرن ، مساجد ، مدارس و مغازه های بزرك که بطرز معماری غرب ساخته شده‌اند میباشد و تعداد زیادی‌دستگاه های تلویزیون و رادیو در شهر وجود دارد .

از سال ۱۹٦۳ باینطرف۳٤ هزار جوان دیپلمه‌که ازطرف ارتش به روستا ها اعزام شده‌اند به ۱٫۷۰۰٫۰۰۰ کودك و ۳٤ هزار نفر بزرگسال اصول خواندن و نوشتن را آموخته‌اند ، ۱۳ هزار تن از همین سپاهیان دانش در پایان دوره خدمت‌نظام وظیفه بمیل خود بعنوان آموزگار در آبادیها ماندند .

ایران از سال ۱۹٦۳ به اینطرف باندازه پنجاه سال اخیر آموزشگاه و دبستان ساخته است .

فعالیت و کوششهای ایران برای بدست آوردن فرصتهای از دست رفته و برابری با کشور های مترقی قرن‌بیستم با اتخاذ رویه سیاسی منطقی و عاقلانه بیش از پیش قرین موفقیت بوده و ایران با غرب و شرق هر دو روابط حسنه برقرار نموده است .

شوروی در ایران صنایع سنگین احداث خواهد کردو ایران نیز در عوض گاز به شوروی خواهد داد.

سمینارها

سمینار مربیان‌نابینایان

● سمینار مربیان‌نابینایان مدارس کشور با حضور وزیر آموزش و پرورش در تهران کار خود را آغازکرد.

سمینار مربیان نابینایان مدارس مسائلی از قبیل تاثیر محیط در آموزش و پرورش نابینایان ، بهداشت و تدابیر جلوگیری از بیماریهای کودکان ـ بیماریهای چشم و علل نابینایی و شیوه‌های‌جدید تعلیم نابینایان را در جلسات پانزده روزه خود با حضور گروهی از پزشکان و کارشناسان آموزش و پرورش کودکان نابینا مورد بررسی قرار داد .

روابط خارجی

خلیج فارس جزئی از گذشته ماست وتمامی ساحل شمالی آن قلمرو ایران را تشکیل میدهد

● آقای اردشیر زاهدی وزیر خارجه که ریاست هیات نمایندگی ایران را د ربیست وچهارمین اجلاسیه مجمع عمومی سازمان‌ملل بعهده‌داشت طی سخنانی که دراین مجمع جهانی ایراد کرد ، سیاست کلی ایران درمورد مهمترین مسائل جهان‌و خاصه مسائل مربوط به خاورمیانه وروابط ایران و عراق را روشن کرد.

وزیر خارجه ایران در طی نطق مفصل خود در مجمع عمومی سازمان ملل گفت:

سال کنونی آغاز عصر جدیدی در تاریخ بشریت است زیرا در این سال یکی‌از رویا های دیرین انسان جامه‌حقیقت پوشید. ولی در این هنگام که بشر طرح مسافرت به مریخ و سیر در فضای منظومه شمسی را در سر میپروراند هنوز بیش از نیمی از مردم جهان همچنان در شرایط واوضاع نامساعدی چون فقرو بیعدالتی وظلم بسر میبرند ودر دنیائی زیست میکنند که در اثر برخوردها ومنازعات مسلحانه از هم گسیخته و آشفته است. باید اعتراف کنیم که حاصل کوششهای ما برای رفع این مشکلات یا هیچ یا بسیار نا چیز بوده است.

جنك ویتنام همچنان به قربانی های خود در هر دو جبهه ادامه میدهد کوشش برای تامین صلح در خاورمیانه بی‌ثمر مانده است ونایره جنك در نیجریه هیچنان‌شعله ور است. در این سال ما همچنین شاهد پیش آمد اوضاع تازه‌ای بوده‌ایم و ان ساله بروز تشنجات در مرز های چین و شوروی است که برای صلح و ثبات جهان تهدید جدیدی بشمار می‌رود.

وزیر امور خارجه ایران سپس به‌وضع‌خاورمیانه اشاره کرد وگفت: اوضاع‌خاورمیانه روبه‌وخامت گذارده و برای صلح وامنیت تهدید خطرناکی بشمار می‌رود.

در تحویل سال جدید دور نمای مذاکرات میان چهارتن از اعضای ثابت‌شورای امنیت امیدهائی پدید آورده بود و چنین امید میرفت که در اثر کمکهای جها رقدرت بزرك سد موانع درهم شکسته شود واوضاع خطرناك و قابل انفجار کنونی به حل و فصل صلح امیزی منتهی گردد.

لیکن وقتی آقای‌بارینك از ساعی خود در تامین راه‌حل مطلوب دست برداشت این امیدها نیز بزودی از میان رفت و در نتیجه مشاهده می کنیم که سرزمین‌های عربی هنوز تحت اشغال قوای‌بیگانه است.

اسرائیل در کوشش برای حفظ نفوذ خود در اورشلیم ودیگر مناطق اشغالی یك نکته مهم را فراموش کرده و آن این است که بنای صلح پایدار هرگز برپایه پیروزی درجنك استوار نخواهد شد.

من در فرصت‌ها و مواقع گوناگون در اینجا و در مجامع دیگر ضرورت خروج نیروهای اسرائیل را از سر زمین های عربی که شرط استقرار عدالت و صلح پایدار دراین منطقه میباشد تاکید کرده‌ام و نیز موکدا اعلام نموده‌ام که ما توسل به زور را به عنوان وسیله حل وفصل اختلافات طرد نموده واعتقاد راسخ خود را مبنی براینکه آنچه از طریق اعمال زور کسب شود نمیتواندمعتبر باشد تاکید کرده‌ایم.

به عقیده ما به هیچ کشوری نباید اجازه داد که مرزهای خود را از طریق جنك توسعه دهد.

آقای زاهدی گفت: واقعه حریق وهتك حرمت مسجد الاقصی که یکی‌از مقدس‌ترین اماکن متبرکه عالم اسلام است مارا عمیقا متاثر ساخت و احساس تنفرو انزجاری شدید نسبت به عاملین واقعه در ما پدید آورد. این عمل جنایت آمیز کاملا برهتك و حرمت آن حریم قدس آثار تاریخی وبینظیری از جهان را که آغاز آن بصدر اسلام باز می گردد ویران ساخت و بهمین سبب احساس نفرت و خشم مسلمانان سراسر جهان نسبت به این واقعه بسیار عمیق بود.

شهریار عظیم‌الشان ما شاهنشاه آریامهر در بیان احساس تاثر شدید ملت ایران نسبت‌به‌این‌ضایعه‌اسلامی‌آمادگی ایران را برای هرگونه هم کاری ومساعدت و بخصوص برای تجدید بنا وترمیم مسجد الاقصی اعلام فرمودند و در عین حال همراه‌بادیگر کشور های مسلمان جهان ما ازطریق شورای امنیت اقدام لازم را برای حفظ و حراست اماکن مقدسه به عمل آوردیم.

عمل آتش زدن مسجد ـ الاقصی هرچند تاثرانگیز میباشد معذالك جرقه‌ای بود که منجر به کنفرانس عالی سران اسلامی در رباط گردید که تشکیل شد. کنفرانس با نتایج مثبتی پایان یافت و پایه همکاریهای آینده را بین‌ملل متحد اسلامی بنا نهاد و ضمنا همبستگی مسلمانان جهان را تقویت کرد.

اعلامیه کنفرانس اسلامی رباط‌که منطبق‌با قطعنامه‌صادره مجمع عمومی وشورای امنیت سازمان ملل متحد تنظیم گردیده و ما قبلا پیوستگی خود را بان اعلام نموده‌ایم مورد پشتیبانی دولت متبوع من میباشد.

آقای زاهدی‌آنگاه بتشریح اوضاع اورشلیم پرداخت و گفت: همزمان با کوششهایی که برای اعاده وضع اورشلیم بعمل میاید لازم است اصل‌و علت موضوع که اشغال منطقه قدیمی اورسلیم توسط قوای اسرائیل است مورد توجه‌قرار گیرد. کوشش هایی که برای تغییر وضع اورشلیم بعمل میاید مورد مخالفت شدید اکثریت قاطع اعضای مجمع عمومی و جبهه واحد شورای امنیت واقع شده واز طرف این دو مقام باسرائیل دستور داده شده است کلیه اقداماتی را که برای تغییر وضع اورشلیم اغاز کرده متوقف سازد. ما معتقدیم که اسرائیل باید باجرای ان‌تصمیمات‌ملزم گردد و همچنان اعتقاد داریم که فقط از طریق اجرای تصمیمات شورای امنیت به خصوص قطعنامه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ حل و فصل صلح‌امیز امکان پذیر خواهد بود. علاوه براین معتقدیم که مذاکرات دو یا چهار قدرت بزرك میتواند در نیل به هدف صلح اثر پر ارزشی داشته باشد.

وزیر خارجه ایران گفت: جنك غم‌انگیز ویتنام همچنان به قربانیها و خسارات عظیم جانی ومالی ادامه می دهد. ابتکارات سیاسی طرفین جنك برای یافتن راه حل در مذاکرات پاریس بسیار حائز اهمیت است . ما رجاء واثق داریم که اوضاع کنونی بخصوص تخلیه‌ویتنام ازقسمتی از نیروهای نظامی امریکا بمذاکرات جدی و بالاخره به‌ترك نهایی مخاصمه منتهی خواهد گردید . مع‌الوصف نگرانی مانسبت بصلح وامنیت بین‌المللی تخفیف یافته است ومن مایلم باردیگر امید صادقانه خود را نسبت به‌یافتن راه حل سریع برای این جنك هولناك ابراز دارم .

آقای زاهدی آنگاه به قانون قراردادها و تدوین موازین واصول مورد قبول حقوق بین‌المللی اشاره کرد و گفت:

ایران در چارچوب سیاست مستقل ملی خود در زمینه مناسبات بین‌المللی از روابط نزدیك دوستانه‌ای با کلیه کشورها بدون توجه به نظام سیاسی و اجتماعی آنها و علی‌الخصوص باممالك همجوار برخوردار است. متاسفانه تنها یك‌مورد استثناء وجود دارد که آنهم رویدادهای اخیر در روابط باکشور عراق است.

آقای زاهدی فعالیتهائی را که‌برای حفظ صلح انجام شده است تشریح کرد و گفت:

در عرض سال گذشته‌جریان کنترل تسلیحات و مسئله خلع سلاح تا حد ناراحت کننده‌ای سستی گرفت شکستهای این مدت‌از موفقیتهای آن چشم گیرتر است. تعویق مداوم مذاکرات اشکال‌اساسی مسائلی را که ماهیت این مذاکرات بشمار میرود افزایش میدهد ودلائلی که در پس این تعلل وجود دارد همچنان در پرده ابهام باقی است.

ما امید وانتظار داریم مذاکرات فعلی ژنو منتج به چنان توافقی گردد که از گسترش مسابقه تسلیحاتی به بستر دریاها واقیانوسها جلو گیری نماید. ما همچنین امیدوار هستیم که در مسئله تحریم سلاح های شیمیائی و بیولوژیك وجلوگیری ازبکار بردن آنها نیز توافق لازم حاصل گردد.

ایران خوشوقت است که پیوستگی خود راباین پیشنهاد که سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۹ دهه خلع سلاح نامگذاری شود.

وزیر خارجه ایران افزود: مساعی ملل متحد در راه بالا بردن احترام حقوق بشر همچنان با مقاومتی بزرك روبرو میشود و فصاحت و بلاغت مانیزدر تسکین‌بدبختی مردمانی که تحت سلطه اپارتاید روزگار میگذرانند بی اثر و ناتوان است .

ما همچنان سیاستهای اپارتئید واختناق و استعمار مردمان و سرزمین های مستعمراتی را تقبیح و از مبارزات حقه آنان در راه بازیابی حقوق اساسی وآزادی و استقلال پشتیبانی میکنیم .

آقای زاهدی وزیر خارجه ایران سپس به‌مسئله شط‌العرب اشاره کرد و گفت :

دولت عراق مصرا در این رودخانه که بین دو کشور جاری است و به خلیج فارس میریزد برای عبور کشتیهایی که عازم بنادر ایران هستند ایجاد مزاحمت مینماید . در تاریخ بیست و ششم فروردین ماه سال جاری دولت عراق کار را بجایی رساند که‌حتی تهدید کرد به کشتیهایی که با برافراشتن‌پرچم ایران‌بسوی بنادر این کشور روان باشند داخل خواهد شد و معاون وزارت امور خارجه عراق اظهار داشت که افراد نیروی دریایی ایران را که درکشتی های بازرگانی باشند ازکشتی خارج خواهند کرد .

لازم است خاطر نشان سازم که این تهدید جامه عمل نپوشید زیرا ایران گوش به زنك دفاع از حقوق حقه و مسلم خود میباشد معهذادولت عراق بایجاد مزاحمت برای کشتیها ادامه میدهد و این عمل در رفت و آمد کشتی ها به بنادر ایران‌در شط‌العرب تاثیر نامطلوب داشته است .

عراق براساس قراردادی که بوسیله منافع استعماری تحمیل شد. و خود آن کشور طی سی و دو سال از اجرای آن خودداری نموده است ادعای حق حاکمیت مطلق برشط‌العرب میکند . این غیر قابل تصور است که در نیمه دوم قرن بیستم‌کشوری ادعای خود را بر مبنای عقیده تسلط انحصاری برشطی که تا حدود هشتاد میل امتداد کرانه های دو کشور جاری است‌بنا کند .

رودخانه‌ای بااین مشخصات نمیتواند برطبق اصول و مقررات مسلم حقوق بین‌الملل تحت حاکمیت و سلطه محض یك کشور واحد واقع شود . بیش از پنجاه درصد از آب شط‌العرب از ایران سرچشمه میگیرد و از این گذشته از سیاق عبارات قرارداد ۱۹۳۷ و مفهوم واقعی پروتکل‌منضم به آن به وضوح کامل بر ـ میآید که شط‌العرب تحت حاکمیت مطلق عراق نیست و نمیتواند باشد .

دولت عراق بسبب امتناع‌از اجرای تعهداتی که طبق قرارداد ۱۹۳۷ بعهده گرفته هرنوع حقوقی را که بموجب قرارداد مزبور به دست آورده بود از دست داده است مضافا به اینکه خود قرارداد بملت جنبه استعماری آن از درجه اعتبار ساقط میباشد . بالنتیجه مرز معینه شط العرب به خط قعرالمیاء یا تالوك باز گشته است . موضوع مورد اختلاف بین دو دولت آن است که آیا شط‌العرب بایستی به‌صورت یك مانع درآید یا بصورت یك پل و دولت ایران به‌عراق پیشنهاد نموده است قراردادی تنظیم و امضا شود تا بموجب آن اداره امور شط براساس همکاری انجام گیرد وآزادی کشتیرانی در سراسر رودخانه تامین گردد

ماوضع خود را به اطلاع رئیس شورای امنیت رسانده و برای رفع اختلاف موجود بطریق مسالمت آمیز وبراساس ماده ۳۳ منشور ملل متحد پیشنهاداتی داده‌ایم و جدا امیدواریم که عراق با روح همکاری و تفاهم آمادگی‌خود را برای حل رضایت بخش این مسئله اعلام دارد .

یکی دیگر از امور مورد علاقه کشور من وضع خلیج فارس است . همبستگی ماباین منطقه سابقه تاریخی و جغرافیایی دارد . خلیج فارس جزیی از گذشته ماست و تمامی ساحل شمالی آن قلمرو ایران راتشکیل میدهد و بهمین ملاحظات ما بتحولات این‌منطقه‌اهمیت شایان‌میدهیم و مقدر آنست‌که در سرنوشت آن با دیگر کشور هاوامارات خلیج فارس سهیم باشیم .

از زمانی که بریتانیا قصد خود را دایر برخروج از خلیج فارس اعلام داشته‌است ما به صراحت گفته‌ایم که : تنها این کافی نیست که دلخوش باشیم بگویند عصری قدیمی رخت میبندد و عصری نوین جای آن را میگیرد بلکه اعتقاد داریم که این خروج باید واقعی و حقیقی باشد . مردم خلیج فارس را باید در تعیین آینده خود و تهیه مقدمات تشریك مساعی و تعاون مناسب با وضع‌جدید آزاد گذاشت .

ما معتقدیم و در این‌اعتقاد راسخیم که اگرحقوق ومنافع تاریخی‌کلیه‌کشور های‌ساحلی خلیج فارس محفوظ شود و من‌توان شرایط‌لازم‌برای‌امنیت و ثبات خلیج را **حفظ کرد.**

نظر باین ملاحظات بود که پادشاه عظیم‌الشان ایران شاهنشاه آریامهر با پیشنهاد ایجاد لژیون بین المللی خدمتگزاران بشر ابتکار عمل را بدست گرفتند و استقبالی که مجمع عمومی ملل متحد باتفاق آراء از پیشنهادمزبور بعمل آورد موجب دلگرمی است و نیز مایه مسرت‌بسیار است که شورای اقتصادی و اجتماعی در آخرین جلسه تابستانی خود قطعنامه‌ای را براساس پیشنهاد فوق باتفاق آراء و بدون‌هیچ رای‌مخالف مورد تصویب قرار داد .

البته لازم به تذکر نیست که طرحهای ملی نیزمیتواند در خدمات این لژیون سهیم گردد لیکن اینگونه طرحها پس از پذیرش در حیطه اقتدار و اختیارات قانونی سازمان ملل متحد قرارخواهد گرفت .

ما بسهم خویش برنامه های اجتماعی کشور خود رابسوی ترقی و پیشرفت اقتصادی‌سوق داده‌ایم .

هرقدر لزوم اقدامات هماهنك و توام با تشریك مساعی برای حل مشکلات کشور های کم رشد افزایش مییابد ظاهراکشور های‌توسعه یافته تمایل کمتری به‌برداشتن گامهای جدی و محکم درراه تحقق هدفهای عالی از خود نشان میدهند

سال گذشته‌ما باز هم‌دوازده درصد رشد اقتصادی داشته‌ایم و این رشد باثبات نسبی‌قیمتها همراه بوده است .

آنچه از همه ما انتظار میرود این است که در مقابله با مسائل و مشکلات مشترك خود تصمیم هوشیارانه ای بگیریم که این مسائل را از یك نقطه نظر وسیع وبحقیقت جهانی بنگریم بدین معنی که زیاده از حد در قید منافع محدود ملی خویش نباشیم و روابط بین المللی‌را برپایه‌ای بنا کنیم که متضمن منافع‌همه افراد بشر باشد نه آنکه‌منافع جمعی به قیمت زیان جمعی دیگر بدست آید .

اظهارات نمایندگان عراق و ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد :

وزیر خارجه عراق پس از اظهارات وزیر خارجه ایران اجازه صحبت خواست و سپس چنین گفت :

در اینجا مسئله دیگری به میان میآید که از نظر دولت متبوع من اهمیتی خاص دارد زیرا این در حقیقت تهدیدی است که مستقیما متوجه حاکمیت ملی عراق است .

ناگزیریم خاطرنشان سازیم که این مسئله مصنوعا بوسیله همسایه ما ایران و از طریق لغو یك جانبه قرارداد۱۹۳۷ دو کشور ایجاد شده است .

فسخ یکجانبه این قرارداد البته مبنای قانونی و واقعی نداشته است این قرار دادباین منظور بین ایران و عراق منعقد شد که یکباره و برای همیشه کلیه اختلافات مرزی دو کشور را چه در آب وچه در خشکی حل و فصل کند. در این قرارداد شناسایی همه ضوابط بین‌المللی که سابقا برای تعیین حدود سرحدات دو کشور وضع شده بود پیش بینی شده بود و برمبنای قوانین معتبر ایران و عراق در تاریخ عقد آن به‌امضاء رسید و اسناد محکمی نیز در باره آن بین دو کشور مبادله شد . علاوه براین جامعه ملل متفق نیز در همان زمان این قرار داد را به ثبت رسانید .

هرچند در آن هنگام عقد این قرارداد با مخالفت توده مردم عراق روبرو شد (زیرا موجب از دست رفتن یك سلسله امتیازات ارضی عراق درمنطقه‌مورد قراردادمیشد). معذلك بمحض آنکه قرارداد بامضاء رسید تشریفات قانونی مربوط به آن هم متعاقبا عملی شد و از آن پس عراق خود را متعهد دانست مفاد قرارداد را اجرا کند وآنرا بعنوان قسمتی از تعهدات بین المللی خود بحساب آورد .

اینك برای دولت متبوع من موجب تاسف است که همسایه ما ایران بدنبال تلاش های خود برای طفره رفتن از اجرای مفاد قراردادی که برمبانی محکم قانونی استوار است تصمیم گرفت آنرا کان لم یکن اعلام دارد و باین ترتیب اصول بین المللی را نیز زیر پا بگذارد .

ابطال قرارداد یکجانبه ۱۹۳۷ از طرف ایران باقدرت نمایی های وسیع نظامی که در آن نیرو های زمینی ، دریایی و هوایی ایران تواما بکارگرفته شدند همراه بود و علاوه براین‌ایران علیرغم‌مفاد ماده چهار از بند دوم منشور ملل متحد بوسیله نیرو های مسلح خود عملا حاکمیت‌عراق را زیر پا قرار داد و بالاخره مقامات ایرانی مقررات جاریه سازمان های بندری عراق را بکلی نادیده گرفتند و بدین ترتیب امنیت کشتیرانی در شط‌العرب‌رابمخاطره افکندند. قرارداد مرزی ۱۹۳۷ ایران‌و عراق از نظر دولت متبوع‌من هنوز هم کاملا اعتبار داردو برای هر دو طرف لازم‌الاجرا است . بعقیده دولت عراق هر اقدامی که هدف‌آن بامفاد این قرارداد مغایرت داشته باشد دارای اعتبار قانونی نخواهد بود و ایران باید بارعایت‌روح حسن همجواری و با احترام به‌تعهدات بین‌المللی خودتدابیر غیرقانونی معینی را که بمنظور لغویك جانبه قرار داد ۱۹۳۷ اتخاذ کرده است کنار بگذارد و وضعی را که پیش از اتخاذ این تدابیر در شط العرب برقرار بوده اعاده کندبدیهی است که این اقدام نه فقطبه مصلحت منافع هر دو ملت ایران و عراق خواهد بود بلکه در عین حال نشانه‌ای از احترام به مقررات بین‌المللی و رعایت مصالح صلح‌وامنیت منطقه‌نیز بشمار خواهدرفت .

بهر حال دولت متبوع من با الهام از علاقه صادقانه به حل و فصل مسالمت آمیزهمه اختلافات ناشی از اجرای مفاد قرارداد ۱۹۳۷ آمادگی خود را برای‌قبول داوری‌یك دادگاه بین المللی در این زمینه اعلام میدارد .

پس ازپایان اظهارات‌وزیر خارجه عراق آقای مهدی وکیل رئیس هیئت نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد با استفاده از حق پاسخگویی که در این گونه موارد بنمایندگان کشور های مختلف جهان داده میشود به اظهارات نماینده عراق و همچنین سخنان وزیر خارجه عراق که در باره خلیج‌فارس ایراد شده بود پاسخ داد .

اظهارات مهدی وکیل نماینده ایران

نماینده ایران‌چنین گفت: نماینده‌محترم عراق ضمن اظهارات دیروز خود نه‌تنها کوشید وضع عراق را درقبال مسئله شط‌العرب که یك‌رودخانه مرزی بین ایران وعراق است تشریح کند بلکه درعین حال بخود اجازه داد که بعنوان سخنگوی منافع همه اعراب در منطقه خلیج فارس نیز سخن بگوید .

نظربه اینکه من میل ندارم وقت‌اعضاءمحترم مجمع‌عمومی رابیش از حد صواب بگیرم خواهم کوشید تنها به ذکر حقایق‌عریان‌اکتفا کنم‌حقایقی که اطمینان دارم از نظر نماینده‌محترم عراق پوشیده مانده است . ابتدا بایدبگویم برای ما حیرت انگیز است که نماینده کشوری مانند عراق با توجه محدودیت‌قابل ملاحظه مجاورتی که با خلیج فارس دارد به خود اجازه دهد حقوق یك دولت ساحلی مانند ایران را که مرز های جنوبی آن تماما در امتداد سراسر سواحل خلیج فارس قراردارد انکار کند .

ایران‌علاوه‌بر قریب‌هشتصد کیلومتر مرز ساحلی درخلیج فارس دارای عمده ترین‌و مهمترین بنادر و تجهیزات بازرگانی در این خلیج‌است و تنها اندك اطلاعی از علم تاریخ کافی است نشان‌دهدکه ایران با چه‌رشته های‌استواری ازحقایق تاریخی وجغرافیایی حق دارد نسبت به آبهای بین‌المللی خلیج فارس‌ذینفع و علاقمند باشد. سواحل مادر خلیج فارس‌مدتهای درازقبل از آنکه تازه واردان باین منطقه قدم بگذارند وضع کاملا روشن و مشخصی‌داشته و خط حیاتی بازرگانی و مبادلات فرهنگی و ارتباطی ایران باجهان‌خارج راتشکیل میداده است .

همانطورکه وزیرخارجه دولت متبوع من در اظهارات دیروز خود یاد آوری کرداین طبیعی‌است که مابرای‌توسعه منطقه خلیج فارس وامنیت آن اهمیت فراوان قائل باشیم .

سوء تعبیری که بوسیله نماینده محترم عراق ازسخنان وزیر خارجه دولت متبوع من بعمل آمد بدون تردیدازنظر هیچیك از اعضای حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پوشیده ومخفی نماند. ما بهیچوجه و بهیچ عنوان قصد اشغال سر زمینهایی را که متعلق بمانیستند نداریم با وجود اینکه در جریان یك مرحله از تاریخ قسمتی و یا حتی سراسر منطقه خلیج‌فارس در حاکمیت ایران قرار داشت ما امروز در صدد این نیستیم این قبیل زمینه های تاریخی رامبنای دعاوی ارضی نسبت به منطقه مذکور قرار دهیم . معذلك این گفته‌باین معنا هم نیست که ایران از حقوق خود در مناطقی که همواره اجزاء لایتجزاء خاك ایران را تشکیل میداده‌اند دفاع نخواهد کرد .

ما بهیچوجه سودا های استعماری در سرنمیپروریم‌اما اجازه هم نخواهیم داد که دیگران علیرغم منافع ما در این منطقه بدنبال مقاصد استعماری باشند .

نماینده محترم عراق‌ضمن توضیح بیشتر نظریات دولت متبوع خود وضع ایران در خلیج فارس را باوضعی که قدرتهای استعماری اروپا در افریقا و آسیا داشتندمقایسه کرد . ایشان در این قیاس فراموش کردند قدرتهای اروپائی بهنگام استثمار آسیا و افریقا بکلی با منافع‌مردم این سرزمین ها بیگانه بودند و حال آنکه بخش وسیعی از خلیج فارس خاك اصلی‌ایران است و نیازی نمیبینم تاکید کنم که نماینده محترم‌عراق تنها بمنظور تحریك اذهان بخود اجازه طرح چنین مقایسه‌ای را داده است .

خلیج فارس نه در اسم عرب است و نه در خصوصیاتش .

خلیج‌فارس یك‌شاهراه‌آبی بین‌المللی‌است که براساس اصول اساسی حقوق بین ـ المللی بروی‌کشتیهای کلیه ممالك جهان باز است اما در عین حال دولتهای ساحلی ومنطقه‌ای خلیج بحکم‌ضوابط و سوابق مقررات بین‌المللی در این منطقه از حقوق‌خاصی (نظیر حدود ارضی ـ آبهای ساحلی‌ماهیگیری‌و نظایرآن) برخوردارند بنابراین مصلحت همه ممالك منطقه خلیج‌ایجاب میکند که برای حفظ منافع مشترك خود بایکدیگرهمکاری کنند .

برخلاف آنچه که نماینده محترم عراق آرزوی وقوعش را دارد ما تاکنون عملا با عده‌ای از همسایگان عرب خود در مورد بهره برداری مشترك و عادلانه از منافع خلیج فارس به توافق های اساسی رسیده‌ایم.

در مورد نام خلیج فارس نیازی به تکرار آنچه که دو روز پیش در مورد دیگربیان داشتم نمیبینم تحریف نامی که در طول تمام تاریخ‌اعتبار و احترام داشته است در حقیقت‌ازیك‌آرزوی برنیامده توسعه طلبی بی فرجام حکایت میکند بدیهی است که در اینجا پای ملاحظات عاطفی و روانی دیگری نیز در میان است که من لزومی به بیان آنها نمیبینم و مختصرآنکه چنین دلایلی است که نماینده محترم عراق‌اجازه تغییردادن نام خلیج فارس را بخود داده‌و خواسته‌است باین‌وسیله به خیال خود ایران را از تمامی حقوق‌مشروعی که در خلیج فارس‌دارد محروم‌کند.

واضح است که وقتی‌روش دولت عراق در قبال خلیج فارس از این قرار باشد در قبال یك رود خانه مرزی‌که عموما بنام عربی آن (شط‌العرب)خوانده میشود چه روشی خواهد داشت .

وزیر خارجه محترم عراق نیز امروز نظر دولت متبوع خود را با تفصیلاتی که روز گذشته بوسیله همکارش‌عنوان شده بود تشریح کرد .

البته دولت ایران هرگز در صدد برنیامد این اقدام دولت عراق راتلافی کند .

نماینده محترم عراق ضمن سخنان دیروز خود کوشید ماهیت استعماری قرارداد ۱۹۳۷ را ناچیز جلوه دهد و حتی پا را از این حدنیز فراتر نهادومدعی شد که‌گویا منتفع اصلی و واقعی‌از قرار داد ۱۹۳۷ ایران است نه عراق .

برای روشن کردن این نکته که از قرارداد ۱۹۳۷ ایران بیشتر نفع میبرده است یا عراق نیازی به تفصیل نمیبینیم و فقط کافی است در اینجایك‌قسمت ازگزارشی را که‌درسال ۱۹۳۵ دروزارت خارجه انگلستان تحت عنوان (منافع بریتانیا در شط‌العرب وعهدنامه اداره حفاظت) تهیه شده بود نقل کنم در این گزارش چنین گفته شده است:

«... این اصل بطور کلی پذیرفته شده و غیر قابل‌انکار است که حفظ آزادی کشتی رانی بریتانیا و عراق در امتداد این شاهراه آبی چه در زمان صلح و چه در دوران جنك یکی از مهمترین منافع امپراتوری بریتانیا است و بهمان اندازه برای عراق نیز جنبه حیاتی دارد بنابراین مطلوب و بلکه ضروری است که شاهراه آبی شط‌العرب حتی‌الممکان تحت کنترل انحصاری عراق یعنی کشوری که با دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا اتحاد دارد باقی بماند ...»

کلماتی که‌در اینجا نقل کردم باندازه کافی گویا هست.

نماینده محترم عراق ایران را بمبارزه در یك دادگاه بین‌المللی دعوت کرده و خواستار طرح مسئله شط ـ العرب در چنین دادگاهی‌شده است. نظر دولت متبوع من دراین زمینه قبلا بطور وضوح ضمن آخرین نامه‌ایکه برای رئیس شورای امنیت فرستاده شد بیان شده است بااین حال برای آنکه‌ذهن اعضاء محترم مجمع عمومی را بیشتر روشن کنم ودر عین حال به‌رفع نسیان و فراموشی نماینده محترم عراق نیز کمکی کرده باشم ناچارم موکدا اعلام‌دارم که دولت شاهنشاهی ایران بحکومت عراق پیشنهاد کرده است قراردادی بمنظور تامین حقوق متقابل دو کشور و تنظیم مقررات کشتیرانی در شط‌العرب بین دوکشور منعقد شود وهرگاه بین ایران و عراق در مورد حقوق حقه طرفین از آزادی کشتیرانی در شط‌العرب توافقی حاصل نشود ایران به‌تصمیم‌و داوری یك دادگاه بین‌المللی گردن خواهد نهاد البته باین شرط که این داوری بحقوق مسلم طرفین و ضوابط سابقه‌دار حقوق وعدالت‌بین‌المللی متکی باشد وبعبارت دیگر مبنای آن اعتقاد به‌ادامه ارزش قرارداد مرزی ۱۹۳۷ ویا پروتکل مورخ۱۹۱۳ نباشد. همانطور که وزیر خارجه ایران درنطق خود اشاره کرد کشور من راه حل‌های سازنده‌ای برای حل وفصل مسالمت‌آمیز این‌دعوی براساس مفاد ماده ۳۳ منشور ملل متحد پیشنهاد کرده که در آن امکان احاله موضوع به‌یك مرجع حقوقی منتفی دانسته نشده است.

بهرحال اعتقاد ما این است‌که همه وسایل صلح آمیز پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد باید قبل از ارجاع اختلافات مرزی ایران وعراق به یك مرجع حقوقی بکار برده شود .

باتوجه باین ملاحظات ما به‌دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده‌ایم یك شخصیت مورد اعتماد را مامور کمك به‌طرفین دعوی برای یافتن یك راه حل کند البته باین شرط که دولت عراق نیز خواستار چنین راه حلی باشد، دولت عراق میتواند تمایل خود را به‌مذاکره فقط بااعلام رضایت خویش دراین زمینه به دبیرکل سازمان ملل‌متحد ابراز دارد به عقیده ماوقت آن فرارسیده است که هردو طرف درکنار هم بنشینند و برای رسیدن به‌توافقی که نه تنها متضمن تساوی منافع هر دو در شط‌العرب است بلکه کمك فراوانی به حفظ‌حقوق دوجانبه ایران وعراق وبهره برداری عاقلانه ازاین شاهراه مهم بین‌المللی خواهد کرد مذاکره کنند .

وزیر خارجه عراق ادعا کرده است که ابطال یکجانبه قرارداد ۱۹۳۷ از طرف‌ایران باقدرت نمائی‌های نظامی و بکار بردن نیروهای مسلح زمینی وهوایی و دریایی در امتداد مرزهای دوکشورهمراه بوده است . اما واقعیت این است‌که این دولت عراق بود که دربدو امر نیرو های مسلح خود را درامتداد مرز های دوکشور متمرکز ساخت این معاون وزارت خارجه عراق بود که ضمن ملاقاتی باسفیر ایران در بغداد تهدید کرد که دربرابر ایران به‌زور متوسل خواهد شد .

در چنین شرایطی(چنانچه وزیر خارجه ایران نیز خاطر نشان کرد) بسیار طبیعی بود که ما هشیاری خود را حفظ کنیم و برای دفاع از حقوق ارضی و حاکمیت ملی خود آماده بمانیم .

چنانچه من قبلا هم برای برخی از نمایندگان کشورهای عربی برادر و همسایه ایران توضیح داده‌ام و در عین حال ضمن نامه های‌خود به‌رئیس شورای امنیت نیز یادآوری کرده‌ام دولت‌ایران آماده است بمحض احضار نیروهای عراق از مرز دو کشور نیروهای خویش را فراخواند و من از طرف وزیر خارجه ایران اجازه دارم امروز این نکته را باردیگر مورد تاکید قراردهم پس از پایان سخنان نماینده ایران کاظم خلف بنمایندگی‌ازطرف عراق مجددا درباره اظهارات نماینده ایران مطالبی گفت‌که تکرار مطالب گذشته بود و فقط دوسه نکته تازه داشت‌که باین شرح بود :

۱ ـ وزیر خارجه ونماینده ایران بماده ۳۳ منشور ملل متحد استناد کرده‌انددرصورتی که واضح است موضوع‌مورد اختلاف حقوقی است و ربطی بمشورای امنیت ندارد .

۲ ـ اختلافی که پیش‌آمده است از طریق مذاکره قابل حل است .

۳ ـ نماینده ایران‌به‌بعضی سرزمینهای خلیج فارس که آنها را جزء لایتجزای ایران میداند اشاره‌کرد چرا نماینده ایران نمیآید و صریحاازپشت این تریبون نمیگوید که آن سرزمینها کدام است .

مناطقی که ایران نسبت‌به آن ادعا دارد مال مردم آنجا است نه‌مال دیگران .

٤ـ ضمنا به‌معاهدات ارض الروم وپروتکل قسطنطنیه‌نیز اشاره کرده‌اند . در این هنگام آقای وکیل مجدد با استناد بحق جواب‌درخواست اجازه صحبت کرد و رئیس

مجمع عمومی سازمان ملل — متحد بنماینده ایران اجازه صحبت داد و خواهش کرد باتوجه به‌اینکه یکساعت از موقع عادی ختم جلسه گذشته است اظهارات خود را کوتاه کند آنگاه رئیس هیئت نمایندگی دائم ایران‌درسازمان ملل چنین اظهار داشت .

اظهارات نماینده عراق تکرار تمام مطالبی بود که دیروز خود او وامروزوزیر خارجه عراق گفته‌اند و فقط یکی دونکته را لازم میدانم پاسخ اول همکار عراقی می پرسد چرا به‌دیوان دادگستری بین‌المللی نرفته‌ایم وبه‌شورای امنیت مراجعه کرده‌ایم من بنوبه خود از او میپرسم که کدام دولت بودکه اول توجه شورای امنیت رابه‌این موضوع جلب کرد خود او خوب میداند که این ما نبودیم‌که ابتدا برای نامه نوشتن‌به‌رئیس شورای امنیت پیشقدم شدیم.

دوم — نماینده عراق ازمن میپرسد منظور من کدام سرزمینها است‌که در خلیج فارس جزوایران است خود اوهمسایه ما است و وضع مارا بسیار خوب میداند و من نیازی نمیبینم نقشه کشورمان‌رابرای اوترسیم کنم .

سوم — از ما میپرسد چرا نمیائیم مذاکره کنیم جواب او این است‌که ما ۳۲ سال متمادی باصبر و حوصله — کوشیدیم عراق را برای مذاکرات جدی حاضر کنیم‌و نتیجه نگرفتیم در ماه فوریه گذشته طبق قرار قبلی یک هیئت نمایندگی بریاست‌معاون وزارت امور خارجه ایران به بغداد رفت اما آنهارامدتی در عراق‌سردوانیدند و حاضر به مذاکره جدی نشدند تا نمایندگان ما ناچار شدند برگردند و حالا ما میگوئیم اگر شروع مذاکرات برای آنها مشکل است چه عیبی دارد که با میانجیگری دبیر کل سازمان ملل متحدوسایل این کار را فراهم کنیم .

چهارم — اما درباب استناد نماینده عراق به قراردادهای ایران و عثمانی اگر چه من ادعای تخصص درمسائل‌حقوقی ندارم ولی این‌قدر میدانم‌که عراق وارث عثمانی نیست‌بلکه میراث خوار امپراطوری انگلستان است و بهرحال‌این مسئله مهم‌نیست زیرانمایندگان ترکیه و شوروی در شورای جامعه ملل گفته‌اند حساب خودشان را ازدولت عثمانی و روسیه‌تزاری‌که این‌معاهدات را بسته‌اند جدا میدانند .

نماینده ایران در پایان گفت اگر اظهارات عراق در باب مذاکره جدی است ماکه آمادگی خود را برای شروع مذاکرات براساس اصول با وساطت دبیرکل سازمان ملل متحد از پیش اعلام‌کرده‌ایم.

تقاضای یك نماینده بیطرف برای تهیه قراردادی‌در زمینه کشتی‌رانی در اروندرود

● ایران از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست‌که یك شخصیت‌بیطرف رابمنظور تهیه قراردادی در زمینه کشتیرانی دراروندرود تعیین کند .

مهدی وکیل نماینده دائمی ایران در سازمان ملل‌متحد این پیشنهاد را در نامه‌ایکه برای یاکوب مالیك نماینده شوروی و رئیس شورای‌امنیت فرستاد مطرح کرده است . نماینده ایران درنامه خود از رئیس شورای امنیت خواسته است‌که از اوثانت دبیر کل سازمان ملل‌متحد درخواست کند که بمنظور جلب‌موافقت دو دولت ایران و عراق برای تعیین یك مقام بیطرف با نمایندگان این دو دولت یك رشته مذاکرات غیر رسمی ترتیب دهد .

مقامیکه از طرف اوثانت و باموافقت ایران و عراق تعیین خواهد شد بدو دولت کمك خواهد کرد تا پیمانی در زمینه حقوق کشتیرانی دوکشور در شط‌العرب تهیه شود . این پیمان باید منطبق با نیازمندیها و ضروریات منطقی هردوطرف باشد واداره شط‌العرب را توام باهمکاری و در جهت منافع هر دو— کشور تضمین کند . آقای وکیل در پیشنهاد خوداضافه کرده است که این پیمان بایستی طبق اصول و رویه متداول بین‌المللی خط مرزی دوکشور را در شط‌العرب بر اساس خط تالوك تعیین کند.

نماینده ایران در نامه خود اظهار اطمینان کرده است که با یك چنین تقسیم منصفانه‌ای امکان عقد یك پیمان مشترك برای کشتیرانی در رودخانه شط‌العرب زیاد خواهد شد .

یك معاون وسه سفیر جدید

● آقای اردشیر زاهدی در شرفیابی خود به حضور شاهنشاه آریامهر معاون تازه وزارت امور خارجه و چند سفیر جدید را به حضور معظم‌له معرفی نمودند .

دراین شرفیابی آقای محمد اسفندیاری بعنوان معاون اطلاعات ومطبوعات‌وزارتخانه آقای امیراصلان افشار بسمت سفیر شاهنشاه آریامهر در واشنگتن و آقایان منوچهر فرتاش و محسن صدری رانیز بعنوان سفیران شاهنشاه‌آریامهر در کپنهاك و وین به حضور ایشان معرفی شدند .

عهدنامه اقامت و دریانوردی بافرانسه

● سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام داشت که اسناد تصویب نامه اقامت و دریانوردی بین‌ایران و فرانسه مورخ سوم تیر ماه ۱۳۴۳ — روز سیزدهم شهریور ماه در پاریس مبادله شد .

این عهدنامه سی روز پس از مبادله اسناد تصویب آن در تاریخ دوازدهم مهر ماه امسال لازم‌الاجرا خواهد بود .

بهداشت و درمان

● امیدوارم ارمغان این کنگره به‌عالم پزشکی پیشرفتهای علمی تازه‌ای در امر پیشگیری وبهبود بیماریهای کبدی باشد .

● دیگر برای دانشمندان هیچ رشته و فنی تنها اکتفا به‌اطلاعات و معلومات گذشته قابل قبول نیست .

بیاری آفریدگار توانا هیجدمین کنگره پزشکی رامسر را افتتاح میکنم . جای خوشوقتی است که دراین کنگره بین‌المللی پزشکان و کارشناسان ایرانی و خارجی هرسال یکی از مسائل مهم پزشکی و بهداشتی را مورد بحث قرار میدهند . و ضمن تبادل نظر از مطالعات و پژوهشهای دیگران و از پیشرفتهای جهانی در آن رشته آگاه میشوند و از این راه به پیشرفت مطالعات علمی در سراسر جهان کمك میکنند .

در دنیای ما که هر روز شاهد ترقیات و تحولاتی وسیع در تمام زمینه های علمی است دیگر برای دانشمندان هیچ رشته و فنی اکتفا باطلاعات و معلومات گذشته قابل قبول نیست . بلکه می‌باید بطور منظم خود را با پیشرفتهائی که بدون وقفه صورت میگیرد هماهنك سازند . تشکیل چنین مجامع علمی بین المللی طبعا یکی از وسائلی است که این نظر را از راه تبادل تازه‌ترین اطلاعات تامین میکند .

موضوع بیماریهای کبدی که اساس کنگره امسال است موضوع پزشکی و علمی بسیار مهمی است ، زیرا بایکی از حساسترین اعضای بدن انسان ارتباط دارد .

برای جامعه علمی ایران مایه مباهات است که دراین زمینه وارث یك سنت است زیرا بطوریکه میدانیم مطالعات وسیع ابوعلی‌سینا وعده‌ای از پزشکان نامی گذشته ایران تا یکی دو قرن اخیر بعنوان مدارك علمی درجه یك در بسیاری از دانشگاه های غرب و شرق تدریس میشد .

با توجه باین نکته که مسائل علمی و اجتماعی در جهان امروز دیگر محدود بیك کشور نیست شاید ضروری باشد که این کنگره بعلل اشاعه بیشتر بیماریهای کبدی در بعضی ازنقاط جهان‌و ارتباط احتمالی آن باوضع جغرافیائی و تغذیه وروش زندگی مردم آنها توجه خاصی مبذول دارد . و همچنین درباره انواع مختلف این بیماریها که ممکنست در کشور یا کشور هائی ناشناخته باشد مطالعه کند و نتیجه را در اختیار مراکز پزشکی قرار دهد .

امیدواریم ارمغان این کنگره به عالم پزشکی‌پیشرفت های علمی تازه‌ای در امر پیش‌گیری و بهبود بیماری های کبدی باشد و این کنگره نیز مانند کنگره های قبلی رامسر کار خود را با موفقیت بپایان برساند .

از پیام علیاحضرت شهبانو به هیجدهمین کنگره پزشکی رامسر

تشخیص زودرس سرطان

● سومین دوره برنامه فوق آموزشی سیتوپاتولوژی «تشخیص زودرس سرطان» برای کشور های عضو منطقه مدیترانه شرقی درمحل‌انستیتو سرطان تشکیل شد .

در این دوره که مدت آن شش هفته بود عده‌ای ازکارشناسان سرطان شناسی کشور های عضو منطقه از قبیل پاکستان ، ترکیه ، عراق ، سوریه ، لبنان ، سودان ، مصر ، ایران و هم چنین اسپانیا شرکت داشتند .

این دوره از لحاظ فنی و آموزشی مشترکا بوسیله دانشگاه جان هاپکینز آمریکا و مرکز تحقیقات علمی انستیتو سرطان ایران اداره میشد .

درگذشت اولین برنده مدال شهبانو

● «دکتر دیوید کارنوفسکی» سرطان شناس معروف آمریکائی‌واولین‌برنده مدال شهبانو در اثر بیماری سرطان درگذشت . در مجلس یادبودی که برای تجلیل از مقام وی در واشنگتن برپا گردید نماینده ایران نیز شرکت داشت .

دکتر دیوید کارنوفسکی قسمت عمده عمر خود راوقف تحقیقات در باره بیماری سرطان کرده و مقام های برجسته‌ای در موسسات تحقیقات پزشکی ایالات‌متحده دارا بود .

پیشگیری از فلج اطفال

● وزارت بهداری اطلاع داد که بمنظور پیشگیری بیماری فلج اطفال دراستان آذربایجان شرقی تاکنون‌بیش از یکصد هزار مورد واکسن خوراکی به اطفال داده شده است .

قطعنامه کنگره پزشکی رامسر :

مردم باید از مصرف الکل پرهیز کنند

توصیه کنگره :

● لزوم طرح و انجام برنامه های تحقیقاتی درباره بیماریهای مشترك انسانی و دام ، ایجاد محیط سالم‌بهداشتی و مراقبت در تهیه ونگهداری مواد روغنی خوراکی برای پیشگیری از ابتلاء به بیماریهای کبدی

● کنگره پزشکی رامسر از نوزدهم شهریور ماه در رامسر تشکیل شد . این کنگره هرسال در آخرین ماه تابستان تشکیل میشود و در هر نوبت در جلسات آن ، یکی از بیماریها مورد بررسی و مداقه پزشکان و متخصصین شرکت کننده قرار میگیرد .

در قطعنامه کنگره امسال که اختصاص به بحث‌درباره بیماری کبدی داشت توصیه شده است که بنا به اهمیت بهداشت محیط در پیشگیری از بیماریهای عفونی کبدی (هپاتیك عفونی) ودمل های آوبزی و بیماریهای دیگر کبد وزارت بهداری ، وزارت آبادانی ومسکن وشهرداری ها باید در بهبود وضع بهداشت محیط توجه خاص منظور داشته و اقدامات موثری معمول دارند .

در این قطعنامه همچنین گفته شده است که با توجه به وفور و انتشار وسیع بعضی از بیماریهای انگلی نزد حیوانات وعوارض حاصله از ابتلای انسان به‌این انگلها در ایران، شایسته است برنامه‌های تحقیقاتی برای مبارزه با آنها بوسیله موسسه تحقیقات بهداشتی و دامپزشکی تنظیم و برای اجرا در اختیار وزارت بهداری ووزارت کشاورزی قرار گیرد . و نیز اعلام شد که نسبت به روغنهای خوراکی که بطور ناخالص بدون مراعات اصول صحیح بهداشت تهیه و نگهداری شده باشد مقامات مسئول باید مراقبت موثر وهمیشگی در این امر بعمل آورند . از موارد دیگری که قطعنامه کنگره توصیه آنرا نموده استفاده از استریل خشك در تزریقات و پرهیز از خونگیری از افراد مبتلا به یرقان می‌باشد .

در مورد مصرف الکل نیز کنگره اخطار کرده است که با در نظر گرفتن اثرات سوء این ماده سمی برکبد و ضایعات مهم کبدی که ایجاد می نماید وزارت بهداری باید مراقبت موثر و مستمری برای توجه و هوشیاری‌مردم در احراز از مصرف آن بعمل آورد .

پیك تلاش

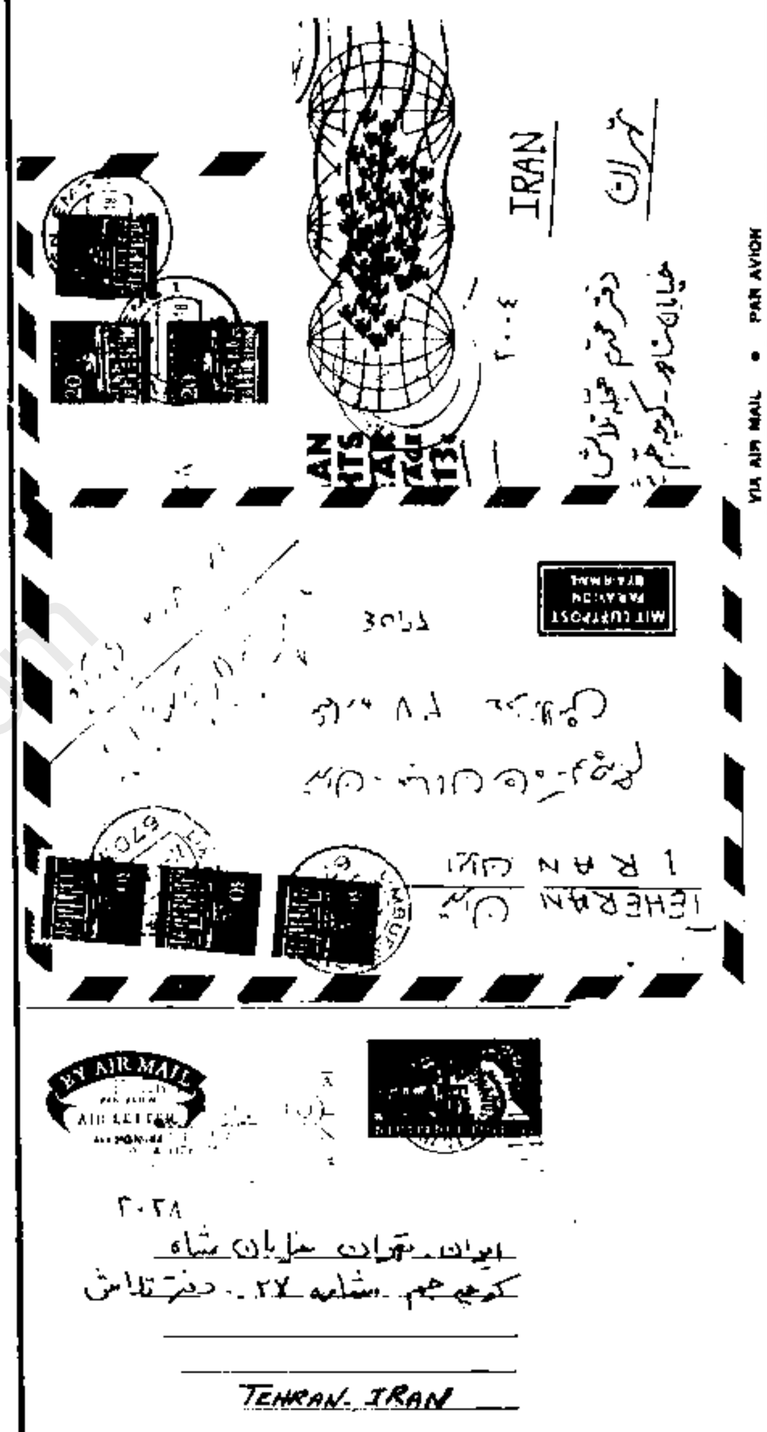

تعجب و تحیر

امیددارم سلام گرم‌مرا بپذیرید نشریه بی‌نظیر تلاش که سال پیش برای اولین‌بار بدست من سپاهی دانش در بیرورامین رسید سخت تعجب و تحیرم رابرانگیخت زیرا برخلاف تصور بغیر از مجلات دیگر بود در حقیقت از همت وتلاش شما دربرابر خدمات خود شرمنده بودم وجز آرزوی موفقیت وافتخار بیشتر در راه ترقی وتعالی شما وسیله سپاسگزاری نداشتم .

ازنامه آقای‌محمدصفارزاده

از نرماشیر استان بم تا آلمان

من سپاهی بهداشت بودم و در یوسف آباد نرماشیر از بخش لرستان بم خدمت می‌نمودم . حتما اکنون مرا می شناسید . پس از پایان خدمت چنانکه قبلا نیز بشما نوشته بودم بآلمان آمدم ولی قبلا سعادت پیدا ننمودم که بتوانم شمارا زیارت نمایم . البته مطالبی تهیه نمودم که برایتان میفرستم . بعلاوه چند قطعه عکس که از آثار تاریخی شهرستان بم گرفتم باشرح مفصلی که بازحمت زیاد تهیه کردم برایتان خواهم فرستاد .

از نامه آقای سیدجعفر حسینی‌دوست ـ از آلمان

چیزهای خوب راکه در مجلات دیگر چاپ می‌شود چاپ کنید !

سایر نشریات ایران رامن چندسال است نخوانده و ندیده‌ام و با نشریات خارجی هم نمی‌توان مطابقت کرد . اما برای مادانشجویان جالب است اگر چکیده و چیزهای خوب که در مجلات دیگر چاپ می‌شود مقداری را چاپ کنید واین رابدانید که اغلب مادانشجویان‌بغیرازشماره‌ای از تلاش وبعضی‌ها هم‌کیهان هوائی‌هیچ خبر ویاروزنامه‌ای ازایران دردسترس نداریم .

قسمتی از نامه آقای علی‌اکبر صادقی مقیم آلمان

چه خوب بود عکسهائی از زندگی مدرن ایران‌چاپ می‌شد

آقای وحید اعتماد مقدم دانشجوی ایرانی مقیم خارج نوشته‌اند :

از آنجائیکه من درخارج ازکشور تحصیل می‌کنم مسلما عکس‌ها بیشتر برایم جالب می‌باشند چون هم با دیدن عکسهای جالب کشورم لذت می‌برم و همینطور این عکسها راکه همراه بامجله‌ای با چاپ خوب است نشان دوستهایم می‌دهم واین باعث افتخار من‌می‌شود و چه‌خوب می‌شد اگر عکسهای خوب نیز از زندگی مدرن ایران چاپ می‌شد .

یك‌برنامه تئاتری جالب درکاخ جوانان بود که سروصدائی از آن در تلاش نبود .

آقای فرهنك مهرپرور از بانك‌عمران می‌نویسند :

بمسئله جوانان و تشویق آنان بویژه در راه هنر کوشش بیشتری کنید فی‌المثل همین چند وقت پیش یك برنامه تاتری جالب دیدم درکاخ جوانان ازگروه نمایشی دهناد که یك نمایشنامه عمیق و فلسفی بود بنام روبین‌زیف ومرك که توسط گروه نمایشی دهناد بروی صحنه آمد ولی می‌بینم سروصدائی ازآن درمجله تلاش بچشم نخورده بود.

یك بخش بسیار مهم کسردارد

دوستان عزیز وشاید بتوانم بگویم همکاران عزیز . من ازسال ۱۳۰۱ وارد کارهای مطبوعاتی وهم معلمی شدم وتا سال ۱۳۲۸ روزنامه‌وگاهی مجله‌منتشر می‌کردم‌وبسیاری ازابتکارات مطبوعاتی عصر جدید از جمله کاریکاتور رامن درایران رواج دادم و درحدود ۲۰۰ جلد تالیفات و ترجمه دارم که بیشتر آنها بچاپ رسیده و بعضی بتکرار تجدید چاپ شده واکنون هم درهرهفته درحدود ده مجله‌ومطبوعات خارجی را (علاوه بربعضی نشریات داخلی) میخوانم این مقدمه را نه برسبیل‌ادعا خودنمائی نوشتم بلکه بمنظور آنکه جوانان عزیز بدانید که مطلبی که درزیر می‌آید از دل یك شخص باتجربه درکار مطبوعات برآمده و آن‌مطلب اینکه « مجله شما بهترین و زیباترین مجله فارسی است که تا این تاریخ انتشار یافته» همه چیزش خوب است .

چون بسبب چند کار تحقیقی وتالیف که دردست دارم فراغت مرور وپاسخ دادن به‌این همه پرسشها رانداشتم همه را در مطلب بالا خلاصه کردم که اصل مطلب وجوهر کلام است و «خیرالکلام قل ودل.»

چون منزلم از شهر دور است برحسب تصادف ابتدا شماره ۷ بدستم افتاد و پس از آن شماره ۱۳ تا ۱۷راپس‌از دیدن آگهی آنها در روزنامه بدنبال آنها رفته ومرتب خریدم ومتاسفم‌که ازدیدن شماره‌های قبلی محروم‌مانده‌ام .

اداره کنندگان ونویسندگان مجله رابرای مالك‌بودن چنین ذوق وسلیقه تبریك می‌گویم و می‌بینم که مجله ماه بماه بهتر می‌شود . بسیار جامع وکامل وهم بی‌طرف ومتین وهم زیباست و بابهترین مجلات خارجی مطابقت می‌کند درهرشماره مطلب یامطالبی مطابق ذوق وسلیقه هرکس دارد و قطعا مشکل است‌که یك نشریه بتواند همه‌خوانندگان را راضی نماید . تهیه ضمیمه های ابتکاری بسیار عالی است تصاویررنگین مجله بی‌نظیر است .

بادرج نوول و داستانهای عشقی و جنائی و پلیسی ومعاشقه‌های مصنوعی مخالفم (که البته درمجله شماندیده‌ام) ولی بادرج داستانهای خیلی کوتاه که روح انتقادی امیخته به‌مطایبه داشته باشد(مشابه نوشته‌های ارتابوخوالد و عزیز نسین) موافقم درانتخاب ودرج شعر به‌وضع فعلی احتیاط و موشکافی بایدکرد . اگر درهرشماره چند کاریکاتور از تیپ کاریکاتورهای صفحات ٤و٥و٦ مجله کاریکاتورچاپ شود خوب است اگر یك صفحه بدرج اکتشافات تازه‌پزشکی و اخبار داروهائی که منسوخ ویامعمول یاکشف می‌شود اختصاص یابد سودمند است . مجله یك بخش بسیار مهم کسر دارد وآن درج خلاصه رویدادهای خارجی بترتیب کرونولوژیك (با ذکر تاریخ وقوع و نام کشورهائی که وقایع درانها بوقوع پیوسته است که ممکن است چندیرك برنك دیگر (غیر ازرنك زرد که مخصوص رویدادهای داخلی است) درهرشماره به‌مجله افزوده شود .

توفیق آن نویسندگان جوان وبادوق را آرزومندم

بهاءالدین‌پازارگاد

برای قدمت زمین ازروش سنگهای آسمانی نمیتوان استفاده کرد

از دلائل بی‌اطلاعی ایشان از مقاله اینجانب ..

درپاسخ دوست عزیز خود آقای مسئلددان که درشماره پانزدهم تیر ومرداد تلاش مقاله‌ای تحت‌عنوان کره زمین نوشته‌اند بایستی بایکدنیا معذرت بگویم که ایشان باکمال بی‌دقتی اشاراتی بنوشته بنده دراین مورد نموده‌اند که‌اصلا صادق نیست . البته بنده از لطف ایشان خیلی ممنونم که برای تکمیل این نوشته خود را در دردسرانداخته‌اند ولی تنها من می‌توانم بگویم که درشماره هشتم آذرماه تلاش اینجانب بتمام نکاتی که ایشان درنتیجه مقاله خودخلاصه کرده‌اند کم وبیش اشاره کرده‌ام . یکی از دلائل‌بی‌اطلاعی ایشان از مقاله بنده این است که ایشان می‌نویسدکه بنده درمقاله خودباین نتیجه می‌رسم که بادرنظر گرفتن مقدار نمك اقیانوسها به‌قدمت کره‌زمین می‌توان پی‌برد . در صورتی که که ایشان کاملا فراموش می‌کند که بنده کاملا تقریبی بودن این رویه راخاطرنشان شده‌ام ونتیجه‌میگیرم که برای قدمت زمین ازروش مطمئن تری که از سنگهای آسمانی استفاده شده که ایشان نیز درتکمیل مقاله بنده متذکر شده‌اند می‌توان استفاده کرد .

لذا بنده دوستانه به‌ایشان توصیه می‌کنم که بی‌دقتی محض تنها جوابی است‌که بنده می‌توانم ارائه‌کنم وامیدوارم که ایشان نیز از بنده نرنجند . ازحضورشما نیز تقاضا دارم که اظهار محبت فرموده و یکبار دیگر مقاله را مرور فرمائید وبانوشته آقای مسئله‌دان مطابقت دهید و چنانچه بحث بنده صحت داشت پیام اینجانب را بدوست گرامی‌خود بدهید که بی‌اندازه از لطف شما ممنون می‌شوم . در خاتمه در پاسخ هرگونه سئوال منطقی در این مورد وجودداشته باشد باکمال میل حاضرم .

باتقدیم احترام ـ مسعود آرچین ازآمریکا

دختر بزرك من‌که یازده سال دارد بی‌نهایت به مجله تلاش علاقمند است

امیدوارم که شما درمجله‌تان بیشتر ایرانیان مقیم خارج را بآمدن ایران تشویق کنید زیرا خواندن مجله تلاش شوهر مراقدری تحریك بآمدن ایران کرده است مخصوصا عکسهای‌شیرازعزیزدختربزرك‌من که‌یازده‌سال‌دارد بی‌نهایت به‌مجله تلاش علاقمند است وهرعکسی راکه‌میبیند بمن اصرار می‌کند که نوشته‌هایش رابرایش ترجمه کنم‌تنها خواهش من از شما هموطن عزیز این است که لطف فرموده جستجو کنید که آیا درتهران یاشیراز یاآبادان مدرسه برای بچه‌هائی که فارسی بلد نیستند هست یانه اگر باشد که شوهرم را بآمدن ایران مجبور خواهم کرد چون با دیدن عکس‌ها ونوشته‌هائی که بچه‌هایم در تلاش میبینند مرتب بمن میگویند ما میرویم ایران لطفا جواب مرا در مجله یااین که به آدرس خودم بفرستید بایکدنیا تشکر و سپاسگزاری از زحمات بی‌پایان شما اگر شوهرم روزی

تغییر عقیده داد وبایران آمد من مرهون مجله محترم تلاش هستم .

من بسهم خود از اداره کنندگان مجله وزین مجله و محترم تلاش‌تشکر می‌کنم که پس ازسال‌ها انتظار بالاخره چشم ماایرانیان مقیم خارج را روشن کردید باعث کمال خوشوقتی است‌که درایران عزیز مجله‌یی بدین خوبی و کاملی‌چاپ میشودتوفیق وموفقیت روزافزون اداره کنندگان مجله محترم را ازخدای بزرك درخواست مینمائیم من‌اینجا باشوهرم که البته ایرانی است وچهار بچه‌ام زندگی‌می‌کنیم شوهرم درسش تمام شده و فعلا برای خودش کار می‌کند بچه‌ها فارسی بلد نیستند البته من بسیار سعی می‌کنم که با آنهابیشتر فارسی صحبت کنم ولی البته میدانید برای کسی که دوازده سال از کشورش دور باشد صحبت کردن قدری مشکل است بنابراین من از غلطهای املائی وانشائی خود کمال معذرت را می‌خواهم و امید بخشش دارم. مینو

آنچنان دلپسند است‌که ..

سردبیر ارجمند تلاش . پس از درود و ارادت پاك نسبت به‌آن مقام برجسته و دیگر گردانندگان والای آن ماسپاهیان بهداشت دوره هشتم گروه پزشکی «حیران» وابسته به شهرستان آستارا که از ابتدای سال ٤٨ در این گروه خدمت می‌کنیم ، در اردیبهشت ماه سال مزبور اولین شماره اسفندماه ٤٧ و فروردین‌ماه ٤٨ شما را دریافت‌نمودیم، نوشته‌های این ماهنامه‌دلپسند بود ما با اینکه از دیگر موسسات نشریاتی دریافت میداریم یا خریداری مینمائیم ولی نوشته‌های این ماهنامه را بردیگر نوشته‌ها برتری میدهیم . چون آدمی همواره خواستار زیبائی است چه این زیبائی آفریده ، آفریننده‌ای بی‌همتا باشد یاخود ساخته و پرداخته آفریده‌ای باذوق واین چنین آفریده‌ای را باید ستود وسپاس گفت .

بانهایت احترام : سپاهیان بهداشت حیران آستارا

روی‌دادها گلی از باغات مختلف

تمنا می کنم که تبریك مرا برای موفقیت کامل مجله تلاش بپذیرید بنظر من تلاش یکی از کامل ترین مجله های ایران و باب طبع جوانان مقیم ایران وخارج است و قسمتی که من از همه بیشتر لذت می برم تحت عنوان «رویدادها» است که بنظر من مانند گلی است از باغات مختلف.

از نامه آقای‌پرویز امیدوار ــ ازآمریکا

"پیك" گیلان

جناب آقای سردبیر گرامی مجله شریف‌تلاش ــتهران

از این که مجله محبوب تلاش ، بر اساس تلاش مداوم گردانندگان‌چرخهای عظیم علمی این نشریه‌وزین‌روز بروز خواندنی و عزیز تر از روز پیش میگردد ، من بنام خواننده‌ای خوشه چین ، بخود میبالم و مباهات می کنم . چه ، این نشریه گرامی ، بحدی در فکرو روح‌علاقه‌مندان کثیر خود رسوخ‌نموده و ریشه دوانیده‌است که حد برآن مقصور نیست . جناب آقای سردبیر ، هربرگی ازاوراق این مجله ، چه از لحاظ نوع کاغذ و نحوه چاپ وتعداد صفحات وچه مهارت درچیدن حروف و قراردادن متن ها در سطحی بسیار عالی قرار داشته و رنك آمیزی‌ماهرانه و بسیار جالب پشت و روی جلد و عکس های روشن و طرحهای زیبا و کاریکاتور های‌واقعا جالب و روان‌درخور کمال تمجید و تحسین است و معتقدم بسیاری ازنشریات مملکت از هر جهته‌باید در مسیر آنچنان تکامل قرار گیرند که مجله تلاش دیرزمانی است در آن گام نهاده وبا سرافرازی و افتخار پیش می رود و می رود تا آنجاکه هر ایرانی روزنامه خوان ، بی چون و چرا ،ساعات ذیقیمت‌و گرانبهائی از اوقات خود را برای استفاضهٔ از مقالات متنوع و مطالب متون و آموزنده‌اش مصروف‌نموده و آحاد وافراد علاقه‌مند ، حتی علائم مشخصه علائق‌ناشی ازسلیقه‌های مختلف شخصی خویش اعم از عکس وطرح و مطلب و مضمون و بالاخره کیفیت و کمیت عمومی را منحصرا در گرامی مجلهٔ (تلاش) دریابند و صرفنظر از نام و اشتهار نویسندگان ارجمند قائم بذات ، از ابتکارات علمی و قلمی این اندیشمندان که بطرق مختلفه گفتگو ،نگارش ، مقاله و مطلب و نقد منطقی در سطور متعدد یارو همدم لایتجزاوگرانقدر طبقه منورالفکر (یعنی تلاش) که براثر مجاهدت مثبت و محاوره‌ومشاوره مثمر ثمر هیئت محترم تحریریه منعکس و متجلی می‌گردد، درحدود سلیقه و سطح فکر و طبع و نظر و بقدر وسیع استطاعت علمی خویش مستفیض شوند و روزبه روز شاهد و ناظر موفقیت های اصولی شخصیت های ذی سهم‌مستقیم واداره کنندگان ارزشمند «تلاش» بگردند .

از نامه قای محمد رزم آرا گیلان

صنعت

تجدیدنظردر پروانه کسب

پیشه‌ورانی‌که کارشان‌جنبه صنعتی و تولیدی دارد

● ده هزار پیشه‌ور وکسبه تهران که در نقاط مختلف پایتخت به کسب اشتغال‌دارند پروانه کارشان مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت و پس از اعلام نتیجه نقشه‌نهائی پایتخت تغییر محل خواهند داد .

کسبه و پیشه‌ورانی که در پروانه کسب آنها تجدیدنظر میشود دسته‌ای هستند که کارشان جنبه فنی ، صنعتی و تولیدی دارد و قرار است به نقاط معینی در محدوده جدید تهران انتقال یابند .

بررسی وضع فروش

● صاحبان کارخانجات قند کشورطی جلسه‌ای‌مشکلات کار خود را موردبررسی قرار دادند. در جلسه مذکور قرار شد برای اقدام دستجمعی سازمانی تشکیل گردد و این سازمان کار فروش تولیدات کارخانجات قند را حل و فصل کند بطوریکه فروش‌این تولیدات مانند سال گذشته متضمن ضرر و زیان از جهت افزایش مالیات و عوارض دولت نشود .

اعزام هنرجو به‌هند

● ۱۲۵ تن از هنرجویان ذوب آهن به هندوستان‌اعزام گردیدند .

هنرجویان مذکور که‌برای تعلیم فنون و امور مختلف بهره‌برداری از واحد های ذوب آهن به هندوستان رفتند به تناسب تخصصی که فرا میگیرند در واحد های تولید ذوب آهن مشغول کار خواهند شد .

بازار

ترقی بهای پسته

● در شهریور ماه مظنه صادراتی پسته حدود تنی ۵۰ دلار ترقی کرد و قیمت آن به تنی ۱٤۵۰ دلار رسید . محصول پسته کلیه نقاط‌اکنون تقریبا بدست آمده که‌تدریجا به بازار های محلی و تهران عرضه میشود و متعاقب آن خریداران خارج از جمله آمریکائیها فعالیت خود را برای خرید شروع خواهند نمود .

امسال بسبب تقلیل فاحش محصول پسته ترکیه ،موقعیت صادراتی محصول پسته ایران با احتساب اینکه محصول پسته امسال وباقیمانده‌محصول سال گذشته به ده هزار تن بالغ میگرددوضع بسیارخوبی یافته است .

مظنه صادراتی برگه

● مظنه صادراتی برگه مجددا جعبه‌ای ۱۰ تا ۲۰ریال ترقی کرد و آخرین قیمت آن در نیمه اول مهر ماه به جعبه‌ای بین ٤٤۰ تا ٤۵۰ریال رسید

ترقی مجدد برگه موجب ساکت شدن معاملات صادرات آن شده و بهمین نظر خریداران تاکنون رغبتی به خرید با قیمتهای جدیدنشان نداده‌اند . علت ترقی قیمت بواسطه تقلیل محصول داخلی و نیز کمبود محصول دیگر کشور های صادر کننده از جمله ترکیه است .

رونق صادرات قیسی

● معاملات صادراتی‌قیسی در مهر ماه جریان گرمی در بازار داشت وهرجعبه آن بین ٦٤۰ تا ٤۵۰ ریال بفروش رفت . در همین مدت قیمت قیسی در بازار های‌اروپائی برای هر یکصد کیلو ۸۲ تا ۸۳ دلار بود .

بورس

● گفته میشود که با تصویب لایحه انتشار اوراق قرضه و اسناد خزانه درمجلس شورایملی ، معاملات اسناد خزانه در تالار بورس رونق بیشتری خواهد گرفت .

اسناد خزانه در حال حاضر نیز در جریان معاملات بورس تهران رونق داشته و اغلب شرکتها از آن جهت سپرده استفاده مینمایند .

قیمت زردچوبه و ادویه جات

● ترقی‌قیمت زردچوبه‌در هندوستان بر روی زردچوبه ایران نیز اثر گذاشته و طی هفته های اخیر آنرا در بازار تهران هرکیلو ۲ تا ۳ ریال گران‌تر کرده است لیکن مظنه ادویه‌جات دیگر تغییر محسوسی نیافته است.

مظنه انواع ادویه‌جات در دومین هفته مهر ماه بدین شرح بود :

زردچوبه‌قلمی‌هندی کیلوئی ۸٦ ریال ــ زردچوبه‌پاکستانی کیلوئی ۸۵ ریال ــ زردچوبه گرده کیلوئی ۸۵ ریال ــ هل سفید کیلوئی۹٤۰ ریال ــ فلفل سیاه هندی کیلوئی۸۰ ریال و فلفل سنگاپوری کیلوئی ۷۵ ریال .

کتیرا

● قیمت صادراتی کتیرا ۱۰۰ تا ۱۲۰درصد ترقی‌نمود. معاملات صادراتی کتیرای خرمنی امسال وضع بسیار متزلزلی پیدا کرده و بعلت ترقی قیمت برای خرید آن از خارج هیچگونه اقدامی‌از طرف‌خریداران صورت‌نگرفته است . تغییرات شدید در معاملات کتیرای خرمنی‌ناشی از تقلیل محصول و ترقی بیش از حد قیمتهای فروش می باشد . مظنه‌کتیرای‌خرمنی در سال گذشته بین کیلوئی ٦۰ تا ۱۲۰ ریال بود در حالیکه مظنه فعلی آن حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۳۲۰ ریال می باشد .

خانه اجاره‌ای

● مشخصات قسمتی از خانه هائی که در هفته اول پائیز در تهران به اجاره‌رفت چنین است :

طبقه سوم آپارتمانی در خیابان فروردین دارای ۵ اطاق با تراس ماهیانه ۸۰۰ تومان

طبقه اول‌ساختمان‌درخیابان مشتاق دارای ٤ اطاق با تلفن فرعی ماهیانه ۸۰۰تومان

طبقه اول ودوم ساختمانی در خیابان تیر دارای ۷اطاق با تلفن و کولرماهیانه ۱۷۰۰ تومان

طبقه اول و دوم ساختمانی درجمشیدآباد دارای ٤ اطاق ماهیانه ۱۰۰۰ تومان

یك ساختمان بمساحت ۲ هزار متر مربع با ۷۰۰ متر زیربنا در فرمانیه دارای ٤ اطاق خواب با تلفن ماهیانه ۳ هزار تومان

مزرعه و باغ

● صاحبان چند مزرعه و باغ اطراف تهران درشهریور ماه اعلام داشتند که زمینهای خود را میفروشند مشخصات آنها چنین بود :

یك مزرعه‌در دماونددارای درختان میوه ، آب و برق و چاه عمیق به قیمت یك‌میلیون تومان .

باغی در علیشاه عوض شهریار به مساحت ۱۲ هزار متر مربع دارای سه اطاق ، مشجر ، با آب ساعتی هر متر مربع ۷ تومان .

یك مزرعه نزدیك اتوبان کرج به مساحت ٤۵۰۰ متر مربع مشجر با برق و آب و ساختمان هر متر مربع ۱۵ تومان .

یك باغ در بلوار کرج با برق و آب و درختان میوه متر مربع ۱۰ تومان .

بازار دست دوم اتومبیل

● این اتومبیلها در نیمه اول مهر ماه در بازار دست دوم تهران مورد معامله قرار گرفت .

فیات ۸۵۰ مدل ٦۸ به‌رنك قرمز ۲۲۰ هزار ریال ــ فیات ۱۲٤ مدل ٦۹ برنك‌قرمز (نقد و اقساط) ۳٤۰ هزار ریال ــ آلفارمئور مدل٦۸ رنك قرمز ۳۵۰ هزار ریال ــ پژو ٤۰٤ مدل ٦۸ سفید رنك ۳٤۰ هزار ریال ــ پژو ٦۷ برنك سفید ۲۹۰ هزار ریال ــ بنز سرمه‌ای ۲۲۰ مدل ٦۹ برنك سرمه‌ای ۱٦۰ هزار ریال ــ بنز ۳۰۰ مدل ٦٦ رنك نیلی روشن ۳۰۰ هزار ریال ــ هوندامدل ٦۹ برنك آبی سیر ۲۱۰هزارریال ــ اپل مدل ٦۲ آبی ۱٤۵ هزار ریال ــ اپل مدل۵۹ شیری ۹۵ هزار ریال ــ دوج مدل ٦۰ فیروزه‌ای۱۲۰ هزار ریال ــ شورلت مدل ٦۰ رنك قرمز ۱۳۰ هزارریال ــ آریا مدل ٤۸ رنك سفید ۳۱۰ هزار ریال ــرامبلر ٤٤۰ مدل ٦٦ برنك شیری ۲۲۰ هزار ریال ــپیکان مدل ٤۷ سرمه‌ای ۱٦۰ هزار ریال ــ پیکان مدل٤٦ رنك شیری ۱٤۵ هزار ریال ــ جیپ استیشن مدل٦۲ سرمه‌ای۱۵۰ هزار ریال ــ فولکس مدل ٦۰ رنك آبی۹۵ هزار ریال ــ فولکس‌مدل ٦۵ فیروزه‌ای ۱۵۰ هزارریال ــ فورد آلمانی مدل ٦۰ سبز و سفید ۸۵ هزارریال

زمین

● این زمینها با قیمتهای‌زیر در هفته اول مهر ماه توسط واسطه های معاملاتی‌زمین مورد خرید و فروش قرار گرفت .

دو قطعه به مساحت ۷۰۰ متر مربع در فرمانیه شمالی هر متر مربع ۲۳۰ تومان

یك قطعه بمساحت ۱۷۰۰ متر مربع در فرمانیه هرمتر مربع ۱۵۰ تومان

یك قطعه به مساحت ۳۸۰ متر مربع در جمشید آباد هر متر مربع ٤۷۰ تومان

یك قطعه به مساحت ٤٦۸ متر مربع دوبر در امیر آباد هر متر مربع ٤۲۰ تومان

یك قطعه به مساحت ۵۰٤ متر مربع در بلوار غربی هر متر مربع ٦۰۰ تومان

یك قطعه به مساحت ٤۰۰ متر مربع در خیابان پهلوی هر متر مربع ۳۵ تومان

یك قطعه به مساحت ٦۰۰ متر مربع در خیابان بهبودی هر متر مربع ٦۰۰ تومان

فروش خانه

● در هفته اول مهرماه این ساختمانها مورد معامله قرار گرفت :

در خیابان پهلوی ــ کوچه فیروزکر خانه‌ای بمساحت ۳٦۰ متر مربع با آب و برق وتلفن بمبلغ ۳۰۰هزارتومان ــ در فرمانیه خانه‌ای به مساحت ۹۰۰ متر مربع ویلائی با ٤ اطاق اب و برق و تلفن و شوفاژ نهویه بمبلغ ۳۵۰ هزار تومان ــ در نارمك خانه‌ای ویلائی بمساحت ۲٤۰ متر مربع دارای ٤ اطاق با آب وبرق ۹۰هزار تومان ــ درنارمك خانه‌ای به‌مساحت تقریبی ۱۲۰ متر مربع دارای ۲ اطاق با آب و برق و شوفاژ و به باب مغازه خالی بمبلغ ٦۰ هزار تومان ــ خانه‌ای بمساحت۱٤۰ متر مربع در خیابان نمازی، دوبر ، شخصی ساز دارای آب و برق ، تلفن دارای ۱۸۰۰ تومان عایدی بمبلغ ۲٦۰ هزار تومان ــ خانه‌ای در خیابان بهبودی بمساحت ۱۵۰ متر مربع دارای ۵اطاق به قیمت ۹۰ هزار تومان . و خانه‌ای در تهران پارس بمساحت ۳٦۰ متر مربع یك طبقه ویلائی دارای ۵ اطاق بمبلغ ۱۳۰ هزار تومان .

در شهرستانها و استانهای مختلف کشور

استان مرکزی (تهران)

● قرارداد لوله کشی آب آشامیدنی «قریه کمبورین» واقع دربخش شهریارشهرستان کرج بمبلغ ۷۵۲ هزارو ۸۲۰ ریال بین وزارت آبادانی و مسکن و پیمانکار منعقد شد. عملیات اجرائی شامل ۷۰۲ متر لوله گذاری و حفر یك حلقه چاه به عمق ۶۰ متر و نیز نصب ۶ عدد شیر برداشت عمومی میباشد.

استان گیلان (رشت)

لوله کشی شهر صومعه‌سرا

● آب آشامیدنی صومعه سرا واقع در استان گیلان بابیش از ۶ میلیون و ۵۲۴ هزار ریال بپایان رسید.

فرماندار جدید رشت

● آقای پرویز عمواوغلی بسمت فرماندار رشت ومعاون استاندار گیلان برگزیده شد.

یك‌دبستان تازه ساز

● عملیات اجرائی پروژه ساختمان یك باب دبستان ۴ کلاسه در روستای احمد گرداب از توابع شهرستان رشت خاتمه یافت.

مهمانسرای آستارا

● ساختمان مهمانسرای جلب سیاحان شهرستان آستارا باهزینه سه میلیون و ۴۳۶ ریال پایان یافت.

استان مازندران (ساری)

در شهرستان ساری

● یك خانه فرهنك روستائی در شهرستان ساری افتتاح شد زمین این خانه و همچنین بیست هزار متر زمین برای ایجاد یك استادیوم ورزشی از طرف اهالی قریه اهداء شده است.

استان آذربایجان شرقی (تبریز)

تعاون

● برای آشنا ساختن مدیران و کارکنان شرکت‌های تعاونی کارگری استان آذربایجان شرقی یك دوره آموزشی گشایش یافت.

شرکت کنندگان در این دوره درمدت ۶ روز بااصول تعاون وبکار گرفتن ان در ایجاد وادارهشرکتهای تعاونی آشنا شدند.

عوارض جدید

● شهرداری تبریز ازاین پس‌از کلیه‌مسافران‌هواپیما و قطار عوارض دریافت می‌دارد. دریافت عوارض از مسافرین به تصویب انجمن‌شهر صورت میگیرد.

طبق تعرفه‌ی مخصوص این تصویب نامه از مسافران هواپیمای تبریز ــ تهران پنجاه ریال، تبریز ــ رضائیه بیست ریال و از مسافران راه آهن درجه یك، دو وسه بد ترتیب ۲۰ ــ ۱۰ و ۳ ریال عوارض دریافت خواهد شد.

مقررات تازه اداری در دانشگاه تبریز

● روسا و کارمندان ادارات دانشگاه تبریز باید ماشین نویسی یاد بگیرند و برای این منظور در کلاسهای مخصوصی شرکت خواهند نمود. این افراد پس از اتمام دوره کلاس نامه های اداری را خودشان ماشین خواهند کرد.

استان آذربایجان غربی (رضائیه)

بیش از ۴۳ میلیون ریال فروش

● دخانیات منطقه رضائیه در چهار ماه اول سال جاری بیش از چهل و دو میلیون ریال فروش انواع سیگار و کالا های دخانیاتی داشته است.

این مبلغ نسبت بفروش چهار ماه اول سال قبل بیش از پنج میلیون ریال فزونی داشته است.

استادیوم ورزشی «شهر چائی»

● کار ساختمان تاسیسات ورزشی استادیوم «شهر چائی» درشهرستان رضائیه آغاز شد هزینه پیش بینی شده برای اجرای این‌برنامه نهصدو چهل هزار ریال می‌باشد.

خانه جوانان

● ساختمان خانه جوانان شهرستان مهاباد آغاز شد.

ساختمان تازه شهرداری

● کارساختمان شهرداری تازه شهر پایان پذیرفت و برای بهره برداری تحویل شهرداری شد. ساختمان تازه شهرداری رضائیه زیر نظر دفتر مهندسی ادربایجان غربی در سیصدو سی‌وسه متر بنا گردیده و هزینه‌ای در حدود یك میلیون و سیصد هزار ریال در بر داشته است.

تسهیل برای‌خرید تراکتور

● در اجرای برنامه مکانیزه کردن کشاورزی کشور، بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی آذربایجان غربی، بهای تراکتور و ادوات کشاورزی را کاهش داد و تسهیلات تازه‌ای برای خرید آن قائل شد. این کاهش بها وتسهیلات مربوطه از اول مرداد ماه سال جاری عمل شد.

تعاون

● مبلغ ۵۷۰ هزار ریال وام در اختیار شرکت تعاونی روستائی «فیشل‌سنك» ازتوابع شهرستان ماکو گذارده شد.

این مبلغ بمنظور تهیه وسائل کشاورزی و دامی بوسیله اعضاء هیئت مدیره شرکت تعاونی مذکور بین کشاورزان عضو توزیع می‌گردد.

تدریس اصول تهیه کشمش وبالا بردن محصول

● کلاس فصلی مروجان کشاورزی وباغداران رضائیه بدوره آموزشی شش روزه خود پایان داد. در این کلاس ۳۰ تن از مروجان کشاورزی وباغداران رضائیه و نیز تعدادی از سپاهیان ترویج شرکت داشتند و در آن اصول تهیه کشمش و همچنین نحوه بالا بردن میزان محصول در واحد سطح واصلاح باغات انگور مورد آموزش قرار گرفت.

ساختمان دوحمام روستائی

● دو حمام درمرکز بخش بوکان و روستای رحیم خان از توابع بخش مزبور در شهرستان مهاباد گشایش یافت ومورد بهره برداری قرار گرفت.

ساختمان انبار و دفتر کار

● ساختمان یازده دستگاه دفتر کار وانبار شرکت های تعاونی روستائی‌در روستاهای تابع شهرستان نقده به پایان رسید و بهره برداری ازآنها آغاز شد.

در روستاهای‌تابعه شهرستان خوی نیز ۲۴ دفتر کار و انبار نفت برای شرکت های تعاونی روستائی ساخته شد.

استان کردستان (سنندج)

تلفن خودکار سنندج

● بهره برداری از تلفن خودکار دو هزار شماره‌ای سنندج آغاز شد.

سمینار شهرداران

● شهرداران شهرستانهای تابع‌استان کردستان سمیناری در شهر سنندج تشکیل دادند. دراین سمینار که دو روز بطول انجامید، شهرداران استان کردستان باوظائف خود در جهت افزایش فعالیتهای عمرانی آشنا شدند و نیز طرحهای آبادانی در دست اجرا موردبررسی قرارگرفت.

فرمانداریکل همدان

سه طرح آبادانی

● برای اجرای سه طرح آبادانی روستائی‌درفرمانداری کل همدان قرارداد هائی با پیمانکار و وزارت آبادانی و مسکن مبادله شد.

هزینه اجرای این قرارداد ها ۸۹۵ هزار ریال پیش‌بینی شده است.

استان فارس (شیراز)

مبارزه با آفت پنبه در شهرستانها

● بقرار اطلاع وزارت کشاورزی، طی بازدیدهائیکه از پنبه کاری مناطق داراب، جهرم، فسا، لار، نیریز، اصطهبانات و حومه شیراز توسط کارشناسان بعمل آمده، چنین معلوم شده است که در سال جاری حمله آفت «کارا درنیا» به مزارع پنبه مناطق نامبرده شدید خواهد بود. بهمین جهت عملیات مبارزه با آفت‌مزبورونیزآفت «ترپیس» در کشتزارهای پنبه این‌مناطق باسم آغاز شده است.

افتتاح درمانگاه نوبنیاد

● درمانگاه‌نوبنیاد روستای خودموج از توابع بوشهر در استان ساحلی و بندر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان که بوسیله سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ساخته شده است، افتتاح شد.

باافتتاح این درمانگاه از این پس مردم روستای خود موج میتوانند از درمان و داروی رایگان استفاده کنند.

استان

استان‌خراسان (مشهد)

دو کوره آجر پزی

● وزارت‌اقتصاد دوپروانه تاسیس برای ایجاد دو کوره آجر پزی صادر نمود. کوره های مذکور با سرمایه هفت میلیون و یکصد هزار ریال ایجاد خواهند شد.

مبارزه باآفت کارادرینا

● وزارت‌کشاورزی اعلام کرد که چون اغلب مزارع چغندر قند استان خراسان به آفت «کارادرینا» آلودگی پیدا کرده و شدت آلودگی در مناطق تربت جام وفریمان بیش از سایر نقاط است یك هواپیمای سمپاش در خراسان بمبارزه با آفت کارادرینا پرداخت.

استان اصفهان

صنعت

● پروانه تاسیس هشت واحد صنعتی در استان‌اصفهان که عبارتند از: سیمانکاری و موزائیك سازی، تراشکاری فلزات، سنگبری، بافندگی‌نخی وفلزکاری صادر شد.

برای تاسیس این واحدها سی میلیون ریال سرمایه گذاری شده است.

کانون مهندسان

● روسای مجلسین سنا و شورا که ریاست و معاونت کانون مهندسان ایران را نیز بعهده دارند در مراسم گشایش کانون مزبور در اصفهان حضور یافتند.

استادیوم سی هزار نفری

● ساختمان استادیوم ورزشی سی‌هزار نفری مرکز توپخانه اصفهان آغاز گردید.

این استادیوم ورزشی به مساحت ۲۸۰ هزار متر مربع ساخته میشود و هزینه آن ۲۰ میلیون ریال پیش بینی شده است.

استان سیستان و بلوچستان (زاهدان)

فعالیت مروجین کشاورزی

● ایجادشش مزرعه‌نمایش صیفی وسبزی و ۴۰ مزرعه آزمایشی جهت‌نمایاندن اثرات کود های شیمیائی روی برنج ودرت خوشه‌ای و مبارزه با آفات شته مکس خربوزه و آفات جالیزی و نیز مبارزه با ملخ بومی و موش صحرائی وآفات اشجار و مصرف دو هزار کیسه کود شیمیائی، از اهم فعالیتهای مروجین کشاورزی در استان سیستان‌و بلوچستان بوده است که در هفته اول مهر ماه انجام پذیرفت.

بیش از ۳۶ میلیون ریال

● استاندار استان سیستان وبلوچستان در یك مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که همزمان با سالگرد ۲۸ مرداد چندین طرح آبادانی در این استان با هزینه‌ای برابر ۳۶ میلیون و ۱۴ هزار ریال به ثمررسیده وآماده بهره‌برداری شد.

طرحها عبارتند از ساختمان یك درمانگاه، سه دبستان، شش سیل بند، لوله کشی یك روستا، ایجاد ۵۴ کیلومتر راه فرعی روستائی، اسفالت و تعریض ۸ خیابان، توسعه لوله کشی ۴ شهر. ساختمان بازار دو شهر. ساختمان سه میهمانسرا وهمچنین برای‌رفاه جهانگردانی که به این‌استان می‌آیند یك اردوگاه مجهز جهانگردی باصرف مبلغ سه میلیون و پانصد و پنجاه هزار ریال ایجاد شده است.

اقتصاد

شرایط صدور کرك‌به خارج

● بدستور وزیر اقتصاد کمیسیونی خاص در مشهد برای رسیدگی به مساله «کرك» تشکیل شد. صادرات کرك خام از اول سال جاری منوط به کسب موافقت وزارت اقتصاد شده‌است وزارت‌اقتصاد صادرات آنرا منوط به تامین احتیاجات کارخانه تصفیه کرك کشتیان که جدیداتاسیس شده کرده است و به صادر کنندگان اجازه صدور کرك را نمی‌دهد.

ازطرف‌دیگر صادرکنندگان از فروش کرك‌به این‌کارخانه خودداری میکنند. صادر کنندگان مدعی هستند که کارخانه کرك‌را ازانهاکمتر از قیمت بین‌المللی میخرند و این امر موجب زیان انهاست.

شکایت پوستیندوزان مشهد

● از طرف وزارت اقتصاد آقای «مهرداد» در معیت هیئتی مامور رسیدگی به شکایت پوستیندوزان مشهد گردید و موارد اشکال را در کمیسیونی باشرکت نمایندگان آنها مورد بررسی قرار داد.

پوستین دوزان مشهد با ترغیب مرکز صنایع دستی وزارت اقتصاد با تغییر در فورم کار و توسعه آن در سال گذشته و جاری مقدارزیادی اضافه تولید داشته‌اند، لیکن بنابه اظهار آنان بازار فروش چندان تغییری نکرده و محصول کارشان در انبارها مانده است و بالنتیجه دچار زیان شده‌اند.

هیئت مذکور مامورررسیدگی وحل این مشکل پوستیندوزان می‌باشد.

خربزه ایرانی درپاریس

● مرکز توسعه صادرات ایران از چندی پیش همکاری خود را با خانه ایران در پاریس آغاز نموده است ... براساس این همکاری انواع واقسام کالاهای ایران مانند کفش های دست دوز، پارچه های دست بافت، شیرینی‌جات انواع خشکبار، صنایع دستی محلی، ظریفکاریهای ایران، برنج‌وانواع‌حبوبات ازاین‌پس دائما جهت خانه ایران در پاریس فرستاده میشود.

آموزش عالی

مملکت شما در میان یك اقیانوس پر طوفان و تلاطم با آرامش وقاطعیت رو به ترقی گام بر می‌دارد. ما نمی‌توانیم تحمل کنیم که کسی بعنوان «آزادی» فرد دیگری را استثمار کند.

فرصت مغتنمی است که باردیگر باعده‌ای ازشمادانشجویان ایرانی که هریك در رشته‌ای درخارج از مملکت درس می خوانید ویقینا آن رشته برای اجتماع امروز ایران مفید و لازم است صحبت می‌کنم وبرای شما در راه مشخصی که انتخاب کرده‌اید خدمت بـه جامعه ایرانی آرزوی موفقیت دارم.

احساس می‌کنم که همـه شما از این که درحین تحصیل فرصت بازدید کشور خود رابیدا می کنید خوشوقت هستید واین امر که نشانه‌ای ازصفات خاص وقدیمی ایـرانی است حاکی از آن است که ایرانی درهرجا که باشد هرگز نمی تواند دل وروح خود را ازوطن خویش جدا بداند.

در ضمن می‌شنوم که هربارشما از میهن خویش بازدیـد می‌کنید باتحولاتی کـه درکشورتان جریان دارد و در حال تکوین و پیشرفت است آشنا می‌شوید . این آشنائی بشما امکان می‌دهد که نزدخودتان درباره وضع گذشته وحال و آینده ایران قضاوت کنید و هرکدام از شما که بخواهد بایران بازگردد بداند که باچه وضع و حالی روبرو خواهد بود و درچه رشته‌ای می‌تواند کـوشـه کاری را بگیرد ودر بحرکت دراوردن چرخ بزرك مملکت شـرکت کند.

من میل ندارم در اینجادراطراف کارهائی که می‌شود توضیح بدهم زیرا لابدخودتان باان آشنا شده‌ایدوضمنا جلسه امروز ماهم جلسه توجیـه نیست. بلکه جلسه معارفه یا تجدید دیدار و یا جلسه انس والفت است ولی نکته‌ای که بخوبی عیان است و هرگزنمیتوان انرا پوشاند اینست که مملکت شما در میان یك اقیانوس پرطوفان ومتلاطم، باآرامش و قاطعیت هرچـه بیشتر روبه سربلندی وپیشرفت وترقی گام برمیدارد و این دیگر با شما است که مقایسه کنید و به‌بنید که نیازمندی‌های یك اجتماع چیست و در آن اصولا به‌چه ایده‌آل هائی میتوان فکرکرد زیرا بالاخره این ایده آلها را بشر بایدازقوه به فعل در اورد وبشر مخلوقی است که مانندمخلوقات دیگر نقاط ضعف وقدرت دارد وبا درنظر گرفتن همین قدرت وضعف است کـه ممکن است تحقق ایده‌آلها از بشر ساخته باشد یا نباشد... چیزی که من به آن اشاره میکنم اینست که بشر چگونه میتواند باوجود نقاط ضعف وقدرتش اجتماع خویش را بمرحله‌ای برساند که بنظرما مرحله تکمیلی است. یعنی هم عدالت باشد و هم آزادی و هم ترقی باشد و هم خوشبختی .

اینها هرکدام هم مکمـل دیگری است و هم ترمز کننده دیگری، مثلا عدالت بـدین معنی است که همه کس در شرایط مساوی بسر میبرد وآزادی بدین معنی که هرکس در حدود قوانین در زندگی آزاد باشد اما هرگاه این دو بدون هیچگونه قید و بندی برقرار باشند ممکن است این فکر پیش آید که آزادی دراین است که هرکس میل دارد به آزادی دیگری بپردازد ویاحتی اگر میلش کشید دیگری را بقتل برساند اما عدالت چنین مقرر میدارد که قانون از چنین کاری ممانعت کند، نتیجه آنکه آزادی فقط در حدود قوانین بایدوجود داشته باشد.

ما آزادی را بصـورت‌های دیگر نیز تعبیر میکنیم مثلا امروز ما نمیتوانیم تحمل کنیم که کسی بعنوان «آزادی» فرد دیگری را عملا استثمار کند ولو انکـه آن شخص استثمار شده ظاهـرا بمیـل خودش بخدمت استثمار کننده وارد شده باشد و یا خدمت خویش را ولو بمیل خودش بمیزان و مقداری بفروشد که در شـان حیثیت انسانـی و اجتماعی اونباشد. البته ظاهر قضیه این است که همه چیز درکمال آزادی صورت گرفته. فرد بمیل خودش مـتخـدم شده اما عدالت اجتماعی ما این اجازه را نمیدهد که کسی حتی بدین طرز مورد استثمار دیگری واقع شود.

گاه اتفاق میافتد که فی‌المثل مقدار نزولات آسمانی فقط بقدری است که مقداری زمین را آبیاری میکنـد و برای مصارف مختلف یك عده نیز کافی است و تکافـوی احتیاجات یك واحد صنعتی را نیز میکند یعنی مقـدار محدودی است. دراینجاعدالت حکم میکند که این آب زیر نظر دستگاهی که نفع عمومی جامعه را در نظر دارد توزیع شود. البته ممکن است گفتـه شود که هرکس آزاد است در زمین خودش کار کند، چاه بزند، آب استخراج کند، ولی اعتقاد ما اینست که مالکیت زمین محترم است اما آب رانمیتوان منحصرا درمالکیت یك فرد دانست زیرا وجود آب یا فقدان آن چیزی است که در سرنوشت کلی وعمومی یك ملت تاثیر دارد.

براساس همین فلسفه بوده است که ما بمسائلی از این قبیل پرداخته‌ایم و مثلا آب را ملی اعلام کرده‌ایم. البته این یکی نیز خود ترمزکننده دیگری بـرای همان آزادی مطلق است که اشاره کردم که هرکس فکر کند چون صاحب زمینی است صاحب آب نیـز هست و باآب هرچه بخواهد میتواند بکند.

اینك با شمـا است دراین باره قضاوت کنید همـه قوانینی که ما در کشور خودوضع کرده‌ایم بدین منظـور است که در عین حال هم واجد اصـول عـدالت شایسته یك اجتماع پیش رفته باشد و هم ازادیهای انسانـی و بسیار محترم فردی رادر بربگیرد بدین ترتیب دورنمـای این اجتماع درنزدشما مبهم نیست. همه شما بحـد کافی رشـد کرده‌ایـد و همگـی قدرت تشخیص و تفکرو مقایسه‌دارید واز آنجا که سفر کرده‌ایدواز چهار دیوار کشـورتان خارج شده‌ایدو سرزمین های دیگر را نیز دیده‌اید وطبعا نیك و بد آنها را میشناسید بخوبی میتوانید قیاس کنید. انوقت تصمیم باشما خواهـد بود که ببینید درچنین اجتماع و محیطی بیشتر از زندگی وکار وکوشش لذت خواهید برد واحساس مفید بـودن خواهید کرد یا در جاهای دیگر.

دو وعده میتوانـم بشما بدهم یکی اینست که تاوقتی سرگرم تحصیل هستید در هرجا که باشید مسئولان امر بیش از پیش در حل مسائل تحصیلی شما خواهند کوشید وهر مساعدتی از آنان ساخته باشد خواهند کردتااز تحصیل عقب نمانید ودیگر اینکه در بازدید بعدی خود از میهن خویش از تفاوتی کـه بین توفیق های امروز ایران و ترقیات آن روز خواهید یافت حیرت خواهید کرد.

ارامش و اسایشـی کـه ایران امروز دراین اقیانوس متلاطم و پرطوفان داردناشی از چند علت است.

یکی اینکه هدف های مایك سلسله هدف های ملـی است . ایرانی باتجربه و باهوش است. او که دو سال دیگر دوهزار و پانصـدمین سال بنیانگزاری شاهنشاهـی خود را جشن خواهد گرفت بسرعت و بخوبی درك میکند که چرخ عظیم کشورش برپایه‌چه محوری در گردش است. رمز کارما اینست که پیشرفت های مملکت بطور روز مره قابـل درك و لمس است وایرانی میداند که اینکارها صرفا بخاطراو وبخاطرتامین وحفظ منافع ملی ایران است ایرانی میداند کـه پیشرفت های مملکت اونیازمند مراقبت دائمی و شبانه روزی است می‌داند که موفقیت های امروز آسان بدست نیامده است . این موفقیت اول از طریق انقلاب بزرگی که اکثریت مردم ازآن نفع برده‌اند حاصل شده است ودوم از این طریق که ایرانی صلحجو است و میل دارد واقعا باهمه دوست باشدوباهمه برادر وار زندگـی کند.

ما نمیخواهیم با هیچکس دعوائی داشته باشیم اما این خبط (ویا بهتر بگویم) این خیانت را نسبت بخـودمان مرتکب نمیشویم که در این دنیای آشفته بدون اسلحـه سرنوشت خـویش را تسلیـم حوادث کنیم.

امروزبر همه کس روشن شده است که ایران بااعتقاد کامل هوادار مقررات سازمان ملل متحد است وبان احترام میگذارد اما هرکس بحقوق ایران کوچکترین تجـاوزی کند ما از حقوق خویش تاپای جان دفاع خواهیم کرد واگر تا چند سال پیش این دفاع باچنك و ناخن ودندان بود امروزباقدرت وتجهیزات بیشتری خواهد بود.

نمیدانم ضمن اقـامت خود در ایـران برای آشنائی با قسمت های تدافعی میهن خود برنامه‌ای داشته‌اید یـا خیر؟ ما به سوگند خود وفاداریم که این مملکت رادست نخورده به مازماندگان خود تحویل بدهیم.

ولی میدانید که در شرایط امروزی جهان دفاع از یك مملکت واقعا با چنك وناخن ودندان و یا باحـرف زدن میسر نیست بلکه اینکار وسیله میخواهد وتجهیزات امروزی نیز مرتبا جنبه فنی و تکنیکی بیشتری پیدا میکنـد بهمان میزان که کادرهای مختلف مملکت جنبه تکنولوژیك وفنی بیشتری مییابند وسائل حفظ و حراست مملکت نیز بهترو بیشتر خواهد شد تا آن روز که صمیمانه بخاطر فرارسیدنش دعا میکنیم که اجتماع بزرك بشری بدان مرحله از رشد نایل شود که همه بتوانند بدون طمع وآز و کین وبرادروار در کنار هم زندگی کنند ودرراه پیشرفت تمدن کره‌ای که در آن زندگی میکنند بکوشند.

بار دیگـر توفیق همه شما را در امور شخصی خود ودر خدمت به آب و خاك ومیهنتان ازخداوند خواستارم.

از بیانات شاهنشاه آریامهر خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم خارج

اعضای شورای مرکزی آموزش کشور

شاهنشاه روز ۱۲ مهراعضای شورای مرکزی اموزش کشور را در کاخ سعد اباد بحضور پذیرفتند .

در این شرفیابی وزیرعلوم و آموزش عالی اعضای شورای مذکور را معرفی کرد وضمن گزارشی بعرض رسانید کـه شورای مرکزی اموزش کشور از بامداد فردا کار خود را اغاز خواهد کرد .

پس از گزارش وزیر علوم شاهنشاه فرمودند :

پوشیده نیست که اهمیت این شورا از لحاظ رسیدگی به وظائفی که بآن محول شده است و پیشبرد مقاصد عالیـه انقلاب آموزشی و در عیـن حال علمی مملکت مـاهمیت بسزائی دارد انقلاب آموزشی که یکسال و چند ماهی از آن میگذرد تا بحال نتایـج معین و معلومی داده است که میتواند مشوق خوبی بـرای آینده ما باشد . تصمیماتیکه اتخاذ شده است چه از لحاظ تسهیلاتی برای دانشجـویان را مجبور به اتخاذ تصمیماتی بکند که خیلی اوقات عجولانه است و خیلی اوقات از یك هدف اصیلی یك جامعه ویك مملکتی راممکنست احیانادور بکند در محیط تحصیلی ایران میبینید امروزه نه صحبتـی هست ، نه عصیانی هست نه بچه های این مملکت از سن کوچك به مواد مخدر مبتـلا هستند و نه از لحاظ روحی و اخلاقی دچار زیاده روی هائیکه متاسفانه میبینیم در بعضی نقاط دنیاشاید درخیلی و ادامه تحصیل آنها چه از لحاظ دگرگـونی وضـع دانشگاههای ما اتخاذ سیستم های جدید و بخصوص بـا اختلاط خونهای تازه و پر حرارت توانسته‌ایم که انقلاب آموزشی در سطح عالی مفهوم حقیقی بدهیم. شاید این مطلب رامن قبلا گفته باشم ممکنست در بعضی موارد ما چندین سال از احتیاج و یا درخواستهای احتمالی افراد خودمان جلوتر باشیم ولی چه بهتر که اینطور باشد تا اینکه از روی غفلت و نگرفتن تصمیم عقب بمانیم و حوادث و پیش آمد ها ما از نقاط دنیا دچار آن هستند که هم از لحاظ جسمی و هم ازلحاظ روحی دچاراختلالاتی میباشند که خدا کند درآینده آنها را از هدف انسانـی منحرف نکند . این وضع سالم و برجسته که حقیقتا باعـث شکرگزاری نسبت بخداوند هست بعلت همین قبیل پیش بینی ها و اتخاذ تصمیم بموقع و حتی قبل از موقعی است که در این مملکت انجـام شده است ولی همانطوریکه قبلا ذکر کردم انقلاب آموزشی فقط مربوط و اختصاص بـه آموزش عالی نمیتواند داشته باشد قبلا هم تذکر دادیم این از دامن مادر شروع میشود . از همان موقع شیر خوارگی مطابق مطالعاتی که در دنیا شده است در روحیات اطفال طرز تربیت طرز رفتار بـا آنها چنان اثری میگذارد که نتیجه‌اش بعد ها معلوم میشود و ان اثرات شاید بهیچ وجهی بهیچ وسیله‌ای و بهیچ قیمتی نشود از بین برد پس انقلاب ما باید بوسیله تربیت مادران تربیت خانواده و ایجادمحیط سالمی در یت خانواده‌ای که در ان نسلهای اتیه بتوانند بدون هیچ عقده‌ای مجهز به روحیات و معلوماتی کـه امروز بدرد زندگی و بدرد تمدن میخوردبان مجهزنشوند و موقعیکه از محیط خانواده خارج میشوند و پا به محیط مدرسه میگذارندازکودکستان شروع بکنـیم تا دبستان و دبیرستان تمام اینها بایـد با هم هماهنگی داشته باشد و برنامه‌ای داشته باشد که هم اواز و دنبال یك هـدف بکردند وارد جزئیات دیگر نمیشوم که استعداد ها باید مشخص بشود . استعداد های است که در قسمت تجسـس است استعداد هایی است کـه در قسمت کار های فنی است و یدی اینها هم البته بایـد مشخص بشود و اینهم مربوط میشود بهمین انقلاب آموزشی ما که طرز تشخیص استعداد ها نیز باید هرچه زودتـر داده بشود بهر صـورت در دنیای کنونی و بخصوص در دنیای اتیه‌ایکه ما در آن زندگی خواهیم کرد .

این کارها را ما انجام میدهیم صحبت از تربیت در دامن مادر میکنیم حتی درسن شیر خوارگی صحبت ازکودکستان و دبستان و دبیرستان و دانشگاه میکنیم برای چـی برای اینکه بالاخره بـآن مرحله‌ای برسیم که محصول این موسسات آموزشی وفرهنگی و علمی ما دانشمندانی باشـد که مملکت ایران و جامعـه ایران را از لحاظ علمی در سطح بین المللی و بـالای جهانی برساند و نگهـدارد امیدوارم که با هماهنگـی کاملی که بین تمام ایـن موسسات خواهدبود وبخصوص با وظایف بسیار سنگین وعالی قدری که این شورا دارد ما بتوانیم انقلاب آموزشـی خودمانرا وروح آن وفلسفه‌ای که از آن میخواهیم بـدست بیاوریم به بهترین وجهـی عملی بشود و آتیه مملکتمان بدست افراد برجسته و مهیا برای برخورد کردن باآینده پیدا بشوند و آماده باشند .

تدریس درمنزل

● دانشگاه تهران اعلام کرد که تعدادی ازدانشجویان رشته های مختلف دانشگاه آماده تدریس خصوصی در منازل هستند .

سخنگوی دانشگاه تهران در اینباره افزود : خانوادههائیکه مایل به استفاده ازاین برنامه باشند میتوانند باامور دانشجوئی دانشگاهتهران‌تماس بگیرند .

کمیته تطبیق

● برای اجرای مرحله اول قانون استخدام کشوری در دانشگاه تهران ، کمیته تطبیق و تبدیل کارکنان دانشگاه بریاست معاون‌اداری ومالی و عضویت مدیر کل تشکیلات ومدیر کل‌کارگزینی دانشگاه تشکیل شد .

این کمیته وضع کارکنان دانشگاه را باتوجه به‌قانون استخدام کشوری روشن‌خواهد ساخت .

مدال طلا برای دانشگاه ملی

● در سومین دوره مسابقه های هنری دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور که دو رامسر برگزار شد ، دانشگاه ملی ایران درقسمت فن بیان به دریافت مدال طلا و در قسمت آکوردئون به دریافت مدال نقره نائل آمد . این مسابقه ها بین ۲۰ دانشگاه و موسسه آموزش عالی بعمل آمد .

دراین مسابقه‌ها هم چنین گروه تئاتر دانشگاه ملی ایران بین ۱۶ موسسه عالی مقام پنجم را حایز شد .

دانشسرایعالی سپاه دانش

● حدود یکصد دانشجو برای دوره تربیت راهنمایان در دانشسرایعالی سپاه دانش پذیرفته شدند .

تعداد دانشجویان دختر این دوره که از بین آموزگاران سپاهی شاغل در روستاها برگزیده شده‌اند چهل نفر می‌باشند .

شهر و شهرداری

مرغوبیت زمینهای تهران

● برای تعیین‌مرغوبیت زمینهای تهران از طرف‌وزیر کشور آئین نامه‌ای تقدیم مجلس شورای ملی گردید . آئین نامه مذکور شامل ۸ ماده و دو تبصره می باشدکه در آن‌موارد مرغوبیت توجیه گردیده است .

در آئین نامه تصریح‌شده است که «بکلیه اراضی و املاکی که براثر اجرای‌طرح های نو سازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر در برگذراحداثی‌یا اصلاحی‌واقع میشوند به‌نسبت بر تا۲۵ متر عمق از برگذر حق مرغوبیت تعلق میگیرد .

فرهنگ وهنر

سیاست فرهنگی ایران

● وزارت فرهنگ و هنر اعلام داشت که متن سیاست فرهنگی ایران به تصویب شاهنشاه آریامهر رسیده است. متن سیاست فرهنگی ایران که در سال گذشته از طرف شورایعالی فرهنگ و هنر و با مشاوره و همکاری‌صاحب نظران ، کارشناسان‌وهنرمندان تهیه شده ، ناظر بر فعالیتهای مربوط به حفظ و احیای میراث فرهنگی، آموزش هنر ، گسترش فرهنگ و ایجاد تسهیلات برای افزایش‌فکری وهنری است .

کاشیکاری

عزیمت استادان کاشیکار به‌اورشلیم

● ۱۵ نفر صنعتگر و کاشیکار قدیمی برای‌بررسی مرمت مسجد «الاقصی» به اورشلیم خواهند رفت .

این عده پس از بررسی میزان احتیاجات مرمت این مسجد ، کلیه مصالح وکاشی مورد نیاز مسجد را ازتهران به محل خواهند برد .

پیکار با بیسوادی

۸۹۰ هزار محصل

● تا آخر تیرماه امسال ۸۸۹ هزار و ۵۰۸ نفرنوآموز در سراسر کشور کلاسهای دوره اول و دوم پیکار با بیسوادی را با موفقیت به پایان رسانیدند .

طبق آماری که از طرف کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی انتشار یافت ۶۴۳ هزار و۴۰نفر ازاین‌نوآموزان در دوره اول و ۲۴۶ هزار و ۴۶۸ تن در دوره دوم‌موفق به گذراندن دوره خود شده‌اند .

در حال حاضر نیز نزدیك به ۴۰۰ هزار تن در کلاسهای پیکار با بیسوادی سراسر کشور خواندن و نوشتن می آموزند .

کامبوج برنده جایزه

● کامبوج بخاطر کوشش هائی که در راه با سواد کردن افراد بزرگسال خود بعمل آورده بدریافت جایزه پنج هزار دلاری محمد رضا شاه پهلوی نایل امد .

جایزه محمد رضا شاه‌پهلوی از سال ۱۳۴۴ ازطرف یونسکو برای تشویق یك کوشش‌فوق‌العاده و یك فعالیت شایسته در راه پیکار با بیسوادی اختصاص یافته است .

انتخاب کامبوج بعنوان قهرمان مبارزه با بیسوادی سال ۱۳۴۸ بوسیله هیئت بین‌المللی داوران که ریاست آنرا والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بعهده داشتند صورت گرفت .

آموزش و پرورش

● باپیام شاهنشاه آریامهر روز اول مهرماه سال‌تحصیلی جدید در سراسر کشور آغاز شد .

متن پیام شاهنشاه باین شرح است :

در این موقع که سال تحصیلی جدید آغاز میشود و باشروع مجدد فعالیتهای آموزشی در سراسر کشور میلیونها نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان بکلاسهای درس میروند یکبار دیگر توجه خاص خود را به پیشرفت هر چه بیشترامر پرورش‌وآموزش جوانان کشور اعلام‌میداریم.

بطوریکه کرارا خاطرنشان کرده‌ایم ما میباید برای‌سال های آینده و در رشته های مختلف بخصوص در امر آموزش وپرورش جوانان برنامه‌هایی جدید و هماهنك با پیشرفتهای جهان طرح ـ ریزی کنیم و باتهیه وسایل لازم وکافی موجباتی فراهم آوریم که کودکان وجوانان راه زندگی را برمبنای‌استعداد های خاص خود پیدا کنند تا از این استعدادها حداکثر استفاده در پیشرفت جامعه ایرانی بعمل اید .

آغازسال تحصیلی والاحضرت ولا لیعهد

بدیهی است تامین این منظور قبل از هرچیزمستلزم داشتن کادر اموزشی و با تجربه است .

بنابراین باید از یك طرف به تربیت معلم شایسته اقدام شود و از طرف دیگر خود معلمان باتوجه به پیشرفت روزافزون جهان دانش در توسعه و تکمیل اطلاعات و معلومات خود بکوشند ودر این راه بانیروی عشق‌وایمان که اساس هر کار فرهنگی است مجهز شوند . زیرا همانطور که بکرات خاطرنشان ساخته‌ایم روش کار اموزگار دبستانی در پرورش روح و مغز کودکان چنان اهمیتی دارد که در مراحل اولیه اموزش و پرورش هیچ چیز جای شخصیت معلم و طرز رفتار وبرخورد او و فضایل انسانی راکه او میتواند و باید به کودك منتقل کند نمیگیرد. اطمینان داریم معلمان کشور که تاکنون بکرات روح ـ خدمتگزاری بجامعه و وطن دوستی و ایمان استوار خود را به‌اصول انقلاب ایران نشان داده‌اند در انجام این وظیفه بزرك ملی کماکان خواهندکوشید و بدیهی است که در این راه از توجهات خاص ما برخوردار خواهند بود .

دانش آموزان کشور نیز که گردانندگان آینده جامعه ایرانی هستند میباید باایمان کامل بجهاد مقدسی که بمنظور سعادت نسل امروز و نسلهای آتیه کشور آغازشده است بااحساس افتخار وغرور ملی و باایمان و اعتقادکامل به‌ارزش دانش و فرهنگ‌خود را برای شرکت در پیشرفت اجتماع ایران و انجام هرچه بهتر وظایفی که در مقابل آینده این مملکت بعهده‌دارند آماده سازند . از خداوند متعال توفیق عموم معلمان و دانش آموزان را در سال تحصیلی جدید خواستاریم .

افزایش فارغ التحصیلان دبستانی و دبیرستانی

● بطوریکه در سمینار برنامه ریزی نیروی انسانی که اخیرا در سازمان‌برنامه تشکیل گردیده گفته شد در سالهای اخیر تعداد فارغ ـ التحصیلان ششم‌ابتدائی منظما در حال افزایش بوده‌است.بر اساس آمار منتشره در این سمینار تعداد محصلین این کلاس در سال ۱۳۴۶، ۲۵۸ هزار نفر بوده است که ۸۰ در صد ازین عده در سال تحصیلی بعد در دبیرستانهای کشور ثبت نام نموده‌اند .

بموجب همین‌آمار در سال تحصیلی گذشته (۴۷ـ۴۸) ، ۲٫۴ در صد از محصلین دبیرستانی در رشته های فنی و حرفه‌ای و ۷٫۵ در صددر دانشسراها و مراکزتربیت معلم به‌تحصیل اشتغال‌داشته‌اند هم‌چنین‌تعداد فارغ‌التحصیلان ششم متوسطه نیز منظما درهر سال در حال افزایش بوده است .

موسیقی

ازدواج موزیسین ایرانی در نیویورك

● « زوبین مهتا » موسیقیدان ایرانی ازدواج کرد .

وی با «نانسی کواك» هنرپیشه خارجی که شهرت فراوانی دارد زندگی مشترك خود را آغاز نمود «زوبین مهتا» در حال حاضر رهبری ارکستر فیلارمونیك نیویورك را برعهده دارد .

کار جدید «حمیرا» و « پرویز یاحقی»

● «حمیرا» و «پرویز یاحقی» کار جدیدی را در یك کاباره شروع کردند .

این دو که زوج هنری پولسازی را تشکیل میدهنداز این پس سوای کار رادیوئی خود هرشب بمدت تقریبا کوتاهی درکاباره «مولن‌روژ» تهران برای مشتریان آن هنرنمائی خواهند نمود .

احتمال سفر «نازی افشار» و «علی نظری »

● یکی از آژانس های هنری خارجی که در ایران فعالیت دارد بقرار اطلاع در نظردارد از هنرمندانی که برنامه‌هایشان در کاباره‌های ایرانی مورد استقبال قرار گرفته برای اجرای برنامه های مخصوص در کاباره‌های اروپا استفاده کند .

تاکنون «نازی افشار» و «علی نظری» از طرف این آژانس انتخاب و استخدام شده‌اند .

نازی افشار

بعد از ظهر در یکی از خیابانهای شیراز

منظره‌ای ازشیراز
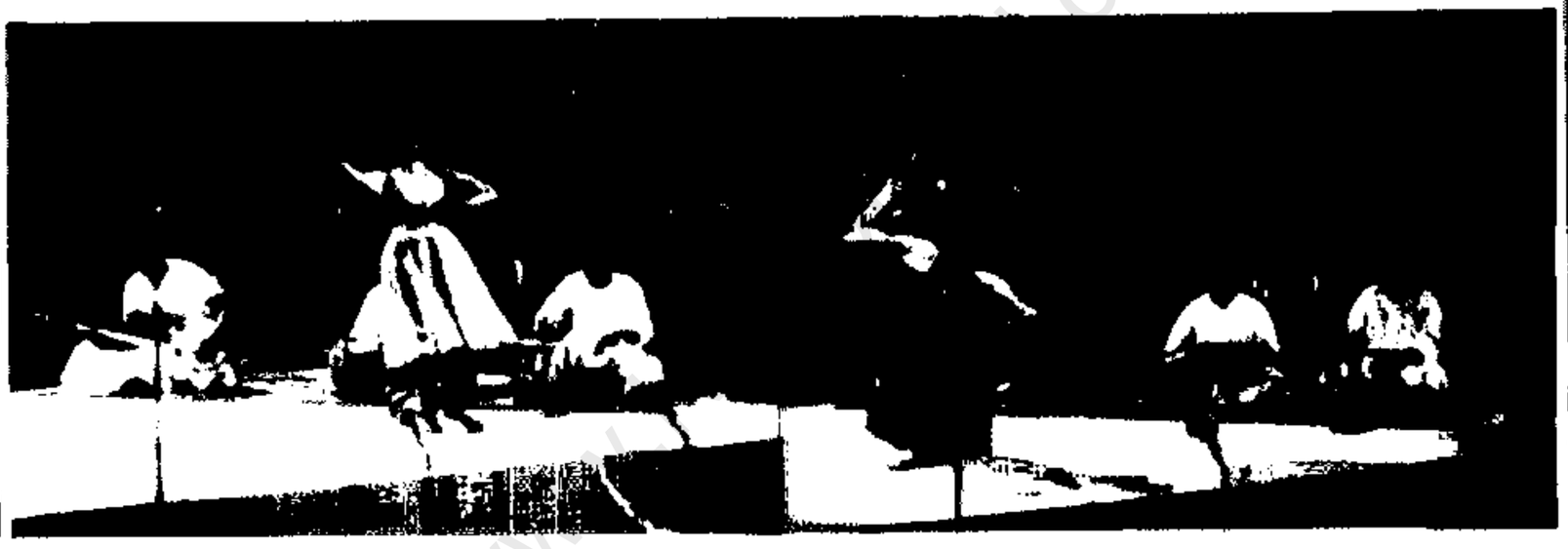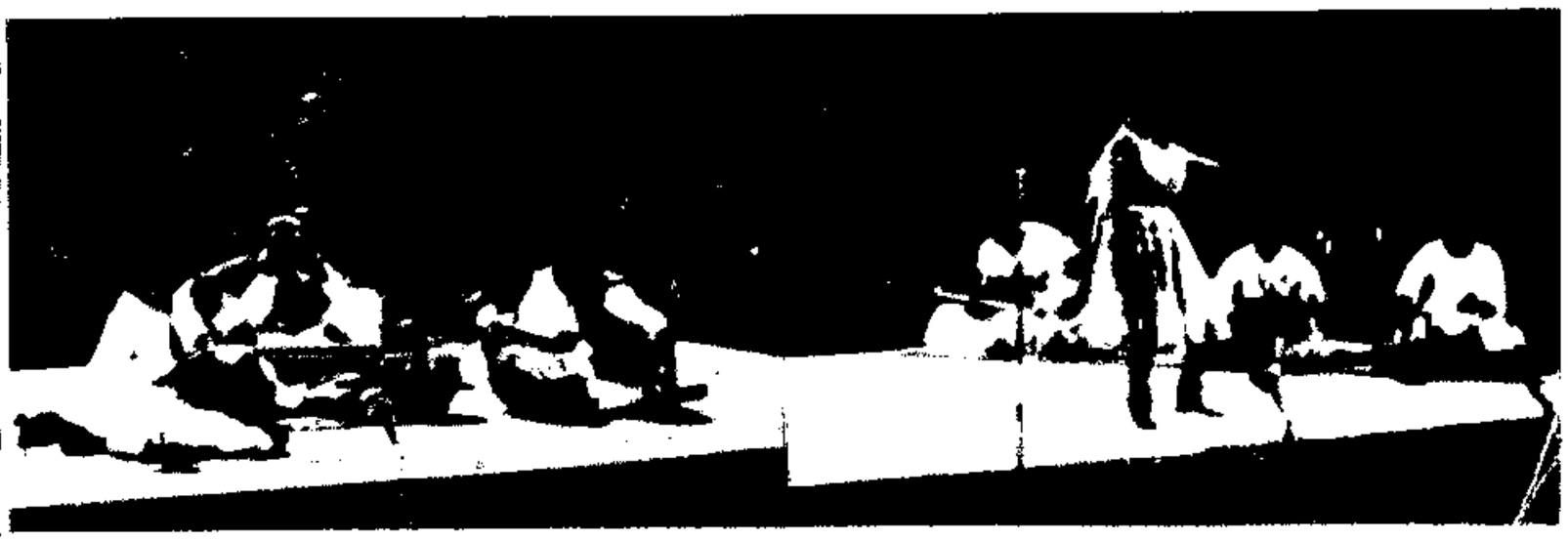
صحنه‌هائی از جشن هنر شیراز که بهنگام شب در فضای باز تخت جمشید بوسیله گروههای مختلف هنری که از ایران و سایر کشورها آمده بودند اجرا میشد